سورۀ فصلت

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

حم [حا. میم] (۱) [این قرآن،] از سوی الله بخشندۀ مهربان نازل شده است. (۲) کتابی است که آیاتش به زبان عربی، برای مردمی که می‌دانند، به شیوایی و روشنی بیان شده است. (۳) [کتابی] بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر مردم رویگردانند و [حقایق را] نمی‌شنوند. (۴) مشرکان گفتند: «دل‌های ما نسبت به آنچه ما را دعوت می‌کنی در پوششی [از بی‌تفاوتی] قرار دارد و در گوش‌هایمان سنگینی است و میان ما و تو فاصله است؛ پس تو به کارِ خود مشغول باش و ما نیز به کارِ خود». (۵) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «من فقط بشری همچون شما هستم [با این تفاوت] که به من وحی می‌شود: «معبودِ شما، معبودی است یگانه؛ پس به او روی آورید و از او آمرزش بخواهید؛ و وای به حال مشرکان!» (۶) همان کسانی که زکات نمی‌پردازند و آخرت را انکار می‌کنند. (۷) [ولی] مؤمنانِ نیکوکار پاداشی بی‌پایان دارند. (۸) بگو: آیا به آن [خالقِ توانمندی] که زمین را در دو روز آفرید، کفر می‌ورزید و همتایانی برایش قائل می‌شوید؟ این [آفریدگار یکتاست که] پروردگار جهانیان است. (۹) او طی چهار روز، کوه‌های استواری بر روی زمین پدید آورد و خیر و برکتِ فراوان در آن نهاد و رزق و روزیِ آن را درست به اندازۀ نیازِ تقاضاکنندگان مقدّر نمود. (۱۰) آنگاه به آسمان پرداخت، در حالی که [هنوز به صورت] دودی بود؛ و به آسمان و زمین گفت: «خواه یا ناخواه، از درِ تسلیم درآیید». آن دو گفتند: «با میل، از درِ تسلیم درآمدیم». (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿تَنزِيلٌ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

برترین و بزرگ‌ترین رحمت الله: نزول قرآن است که مایۀ علم و هدایت و نور و شفا و رحمت و خیر فراوان است و بزرگ‌ترین نعمت او تعالی بر بندگان به شمار می‌رود. سعدی: ۷۴۴.

پرسش: بزرگ‌ترین مظهر رحمت الله بر امت اسلامی چیست؟

۲ ﴿كِتَٰبٌ فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ﴾

یعنی: تمام انواع آن به صورت جداگانه و به روشنی بیان شده است که این امر، مستلزم بیان کامل و جدایی میان همه‌چیز و تعیین حقایق است. سعدی: ۷۴۴.

پرسش: عبارت ﴿فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۳ ﴿بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ﴾

شنیدن مفید از آنان نفی شده است. ابن عطیه: ۵/ ۴.

پرسش: چه نوع شنیدنی از این کافران نفی شده است؟

۴ ﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ﴾

منظور از حجاب مذکور، اختلاف آنان در دین است؛ زیرا بندگان را عبادت می‌کردند اما محمد، الله را به تنهایی و بدون شریک عبادت می‌کرد؛ یعنی این همان حجابی است که ادعا کردند میان آنان و پیامبر الله وجود دارد. طبری: ۲۱/ ۴۲۹.

پرسش: کافران ادعا کردند که میان آنان و رسولان‌شان حجابی وجود دارد. منظور از این حجاب چیست؟

۵ ﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ﴾

یعنی: فرشته‌ای نیستم، بلکه یکی از فرزندان آدم هستم. حسن می‌گوید: الله تعالی به او تواضع آموخت. قرطبی: ۱۸/ ۳۹۲.

پرسش: با توجه به آیه بیان کنید که چه امری بر اهمیتِ تواضع دلالت می‌کند؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ﴾

اگر سوال شود: چرا از میان صفات مشرکان، منع زکات در کنار کفر به آخرت بیان شد؟ پاسخ این است که: دوست‌داشتنی‌ترین چیز برای انسان مال اوست که با روحش ممزوج است، پس انفاق مال در راه الله، بهترین دلیل بر ثبات و استقامت و نیت راست و اندیشۀ پاکش است؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ﴾ [البقرة: ۲۶۵]؛ «و مثل کسانی که اموال خود را برای طلب خشنودی الله، و به‌خاطر یقین و باوری که در دل‌های‌شان (به پاداش الله) دارند، انفاق می‌کنند». یعنی: دل‌های‌شان را ثابت و استوار می‌گردانند و با انفاق اموال، ثابت‌قدمی‌شان را اثبات می‌کنند. قرطبی: ۱۸/ ۳۹۳.

پرسش: چرا منع زکات و کفر به آخرت در کنار یکدیگر قرار گرفتند؟

۷ ﴿قُلۡ أَئِنَّكُمۡ لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٩ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ﴾

حکمت آفرینش این مخلوقات در این مدت، با وجود این‌که الله تعالی می‌توانست آنان را در یک لحظه بیافرینند... این است که بندگان آرامش و تأنی در امور را بیاموزند. ابن عطیه: ۵/ ۵.

پرسش: آفرینش آسمان‌ها و زمین و مخلوقاتِ موجود در آن‌ها در مدتی ادامه‌دار، چه حکمتی دارد با وجود این‌که الله تعالی می‌توانست آن‌ها را در یک لحظه بیافرینند؟

سُورَةُ فُصِّلَتۡ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ۝١ تَنزِيلٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۝٢ كِتَٰبٞ فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ
قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ۝٣ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ
فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ۝٤ وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ
وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ
۝٥ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ
فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ ۝٦ ٱلَّذِينَ
لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ۝٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ۝٨ ۞قُلۡ أَئِنَّكُمۡ
لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ
ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٩ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا
وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ
لِّلسَّآئِلِينَ ۝١٠ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٞ فَقَالَ
لَهَا وَلِلۡأَرۡضِ ٱئۡتِيَا طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ ۝١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فُصِّلَتۡ	آیاتش آشکار گشته و معانی‌اش واضح شده است.
أَكِنَّةٖ	پوشش‌هایی که مانع می‌شود از این‌که آن‌چه ما را بدان فرا می‌خوانی بفهمیم.
وَقۡرٞ	کری و سنگینی.
فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ	راه رساننده به او را بپیمایید.
غَيۡرُ مَمۡنُونٖ	قطع‌نشده و بازداشته‌نشده.
أَندَادٗا	شریکان و همانندها.
رَوَٰسِيَ	کوه‌هایی ثابت.
أَقۡوَٰتَهَا	روزی‌های ساکنانش.

عمل به آیات

۱. با اصرار از الله سبحانه بخواه قلبت را اصلاح گرداند، ﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ﴾

۲. با اقتدا به پیامبر ﷺ که بیش از صد بار در روز استغفار می‌کرد امروز زیاد استغفار کن، ﴿فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُ﴾

۳. بخشی از مالت را صدقه بده و از شر فتنۀ مال به الله پناه ببر، ﴿ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ﴾

رهنمودها

۱. یادگیری زبان عربی برای تمام مسلمانان به این دلیل اهمیت دارد که کلام الله را بفهمند، ﴿كِتَٰبٞ فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ﴾

۲. هنگام پند و اندرز دادن به دیگران، سعی کن ترغیب و ترهیب را با هم به‌کار بگیری، ﴿بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ﴾

۳. آرامش و راحتی، با استقامت بر طاعت الله تعالی و استغفار زیاد حاصل می‌شود، ﴿فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُ﴾

سورة (فصلت) الجزء (۲۴) صفحة (۴۷۸)

فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ
وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ
ٱلۡعَلِيمِ ۝١٢ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ
عَادٖ وَثَمُودَ ۝١٣ إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ
خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ
فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ۝١٤ فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِي خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ
۝١٥ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِيٓ أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ
عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ
لَا يُنصَرُونَ ۝١٦ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى
ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ
۝١٧ وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ۝١٨ وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ
إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ۝١٩ حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ
سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ۝٢٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَقَضَىٰهُنَّ	آن‌ها را آفرید و پدید آورد.
بِمَصَٰبِيحَ	با ستارگانی روشنایی‌بخش.
صَٰعِقَةِ	عذابی سهمگین و ترسناک.
صَرۡصَرٗا	بسیار سرد و با صدایی بلند.
نَّحِسَاتٖ	روزهایی شوم.
ٱلۡهُونِ	خوارکننده.
يُوزَعُونَ	اولین نفر آنان به آخرین نفر بازگردانده می‌شود [تا همگی یکجا جمع شوند].

عمل به آیات

۱. در مورد اسباب نابودی یکی از امت‌های پیشین مطالعه کن یا بپرس، ﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ﴾

۲. از غرور و تکبر به الله پناه ببر، ﴿فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾

۳. هنگام وزش باد بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّیْ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» [صحیح مسلم: ۸۹۹] «یا الله! من از تو خیرِ آن و خیرِ آن‌چه در آن قرار دارد، و خیرِ آن‌چه برایش فرستاده شده است، می‌خواهم، و از شرّ آن، و شرّ آن‌چه در آن قرار دارد، و شرّ آن‌چه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم»، ﴿فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا﴾

رهنمودها

۱. رویگردانی از طاعت الله، سبب نزول عذاب است، ﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ﴾

۲. هیچ مصیبتی بدون گناه واقع نمی‌شود، ﴿فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

۳. هیچ‌کس را قبل از این‌که مطمئن شوی گناهی مستحق مجازات مرتکب شده است مجازات نکن، ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

ترجمه آیات

سپس آن تودهٔ گاز را به صورت هفت آسمان، در دو روز آفرید و به هر آسمانی برنامه‌اش را وحی کرد؛ و آسمان دنیا را با چراغ‌هایی [از ستارگان] آراستیم و [آن را از شرِ شیاطین] حفظ نمودیم؛ این است تقدیر [پروردگارِ] شکست‌ناپذیرِ دانا. (۱۲) [ای پیامبر،] اگر آنان [از پذیرشِ اسلام] روی گرداندند، بگو: «من شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقه [هلاکت قوم] عاد و ثمود هشدار می‌دهم». (۱۳) آنگاه که پیامبران الهی پیاپی به سراغشان می‌آمدند [با این پیام] که: «جز الله را عبادت نکنید»، آنان [در پاسخ] می‌گفتند: «اگر پروردگارمان می‌خواست [پیامِ هدایتگری بفرستد،] فرشتگانی نازل می‌کرد. ما پیامی را که شما مأمور [ابلاغ] آن هستید باور نمی‌کنیم». (۱۴) اما [قوم] عاد به ناحق در زمین تکبر می‌ورزیدند و می‌گفتند: «چه کسی نیرومندتر از ماست؟» آیا نمی‌دانستند الله [آن خالق یکتایی] که آنان را آفریده، نیرومندتر از آنان است؟ ولی [با لجاجت] آیات ما را انکار می‌کردند. (۱۵) سرانجام تندبادی سرد و سخت در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم تا عذابِ رسوایی [و خفت] را در زندگی دنیا به آنان بچشانیم؛ ولی عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و [از هیچ سو] یاری نخواهند شد. (۱۶) و اما قوم ثمود را نیز هدایت کردیم؛ ولی آنان کوردلی را به هدایت ترجیح دادند و به [سزای] دستاوردشان، صاعقهٔ عذابِ خفت‌بار، آنان را فراگرفت؛ (۱۷) و کسانی را که ایمان آورده و [از گناه و نافرمانی] پروا می‌کردند، نجات دادیم. (۱۸) [ای پیامبر، یاد کن از] روزی که دشمنان الله را به سوی آتشِ دوزخ احضار می‌کنند و [از پراکندگی] بازمی‌دارند، (۱۹) تا هنگامی که به دوزخ می‌رسند، گوش و چشم و پوستشان به کارهایی که انجام می‌داده‌اند بر ضدّشان گواهی می‌دهند. (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ﴾

عبارت ﴿مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ﴾ مثالی است برای بیان اشتیاق تمام رسولان بر هدایت اقوام‌شان، به‌گونه‌ای که از تمام وسایل و از تمام جهات برای رساندن ابلاغ دین به آنان استفاده کردند؛ مانند کسی که برای تحصیل چیزی مشتاق است و به تکرار آن را می‌جوید و هر جایی را که احتمال می‌رود در آن‌جا وجود داشته باشد بررسی می‌کند. ابن عاشور: ۲۵۳/۲۴.

پرسش: با توجه به آیه، اشتیاق رسولان بر تبلیغ دین را توضیح دهید.

۲ ﴿قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ﴾

این شبهه میان تمام امت‌های تکذیب‌کننده وجود دارد و از سست‌ترین شبهات است؛ زیرا شرط نیست که رسول فرشته باشد، بلکه شرط رسالت این است که رسول امری را بیاورد که بر راستی او دلالت می‌کند، پس اگر می‌توانستند باید عیبی عقلی یا شرعی وارد می‌کردند اما هرگز این توان را نخواهند داشت. سعدی: ۷۴۶.

پرسش: با توجه به آیه، تشابه دلایل کافران را توضیح دهید.

۳ ﴿فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾

هنگام تهدید با عذاب، فریب بدن‌های‌شان را خوردند و گفتند: «به فضل قدرت خویش، می‌توانیم عذاب را از خودمان دور کنیم». آنان بسیار تنومند و قوی بودند. قرطبی: ۴۰۱/۱۸.

پرسش: قوم هود وقتی امر الله نزدشان آمد به چه چیزی مغرور شدند؟ و آیا این غرور سودی برای‌شان داشت؟

۴ ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ﴾

– هر چند حجت بر تمام امت‌های نابودشده قائم شده و بیان به آنان رسیده است– اما ثمود به این سبب به صورت خاص بیان شد که نشانهٔ آنان، آشکار بود و کوچک و بزرگ و مرد و زن آن را دیده بودند و نشانه‌ای آشکار و هویدا بود؛ بنابراین بیان و هدایت بیشتری به آنان اختصاص داده شد. سعدی: ۷۴۷.

پرسش: چرا با وجود این‌که الله تعالی تمام بشریت را به هدایت فراخواند در این‌جا فقط ثمود ذکر شد؟

۵ ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ﴾

همان‌گونه که امروزه شریعت اسلام برای یهودیان و نصارای موجود در میان مسلمانان آشکار و واضح است، اما روی می‌گردانند و دیگران را بازمی‌دارند، آن زمان نیز کوری را بر هدایت ترجیح دادند. ابن عطیه: ۵/ ۱۰.

پرسش: در آیهٔ فوق، منظور از ترجیح‌دادن نابینایی بر هدایت چیست؟

۶ ﴿وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ﴾

به سوی جهنم رانده و دفع می‌شوند. قتاده و سدی می‌گویند: «اولین نفر آنان نگاه داشته می‌شود تا آخرین نفر برسد و همگی با هم جمع شوند». ابو الأحوص می‌گوید: «وقتی همگی جمع شدند به ترتیبِ بزرگیِ گناهان به جهنم رانده می‌شوند». قرطبی: ۱۸/ ۴۰۵.

پرسش: دشمنان الله چگونه به سوی جهنم رانده می‌شوند؟

۷ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

سه عضو مذکور به این سبب اختصاص یافتند که اکثر گناهان به‌وسیلهٔ آن‌ها یا به سبب آن‌ها واقع می‌شود. سعدی: ۷۴۷.

پرسش: چرا فقط گوش و چشم و پوست از میان سایر اعضا بیان شدند؟

ترجمه آیات

آنان به پوست خود می‌گویند: «چرا علیه ما گواهی دادید؟» [در جواب] می‌گویند: «الله [همان خالق توانمندی] که همه موجودات را گویا کرده، ما را نیز به سخن درآورده است؛ و اوست که نخستین بار شما را آفرید و [سرانجام، همگی] به پیشگاه او بازگردانده می‌شوید». (۲۱) شما که [گناهانتان را] پنهان نمی‌کردید، نه از آن بابت بود که تصور می‌کردید گوش و چشم و پوستتان علیه شما گواهی نمی‌دهند؛ بلکه گمان می‌کردید الله بر بسیاری از اعمالی که می‌کنید، آگاه نیست. (۲۲) این پندار شما دربارهٔ پروردگارتان بود که موجب هلاکت شما گردید و [سرانجام] زیانکار شدید. (۲۳) اگر شکیبایی و تحمل کنند [یا نکنند]، آتش جایگاهشان است؛ و اگر طلب رضایت [و آمرزش] کنند، پذیرفته نخواهد شد. (۲۴) ما همنشینانی [از شیاطین] بر آنان گماشتیم که [کارهای] گذشته و [آرزوهای] آینده را در نظرشان آراستند؛ و [این‌گونه،] فرمان [عذاب] در مورد آنان تحقق یافت و به عذاب اقوام گمراهی از جن و انس که پیش از آنان بودند گرفتار شدند. بی‌گمان، آنان زیانکار بودند. (۲۵) کافران [که در برابر حق عاجز گشته بودند] گفتند: «به این قرآن گوش نکنید و در [هنگام تلاوت] آن، جنجال به راه اندازید [و سخنان بیهوده بگویید]؛ باشد که پیروز گردید». (۲۶) یقیناً عذاب سختی به کافران می‌چشانیم و آنان را بر اساس [جزای] بدترین کارهایشان کیفر می‌دهیم. (۲۷) این است سزای دشمنان الله: آتشی که در آن سکونتِ جاودان دارند؛ به کیفر آنکه آیات ما را انکار می‌کردند. (۲۸) کافران [به هنگام عذاب] می‌گویند: «پروردگارا، [افرادی] از دو گروه جن و انس را که عامل گمراهی‌مان بودند، به ما نشان بده که لگدمالشان کنیم تا از همه ذلیل‌تر شوند». (۲۹)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَـٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ﴾
دو وجه در مورد معنای این عبارت وجود دارد؛ وجه اول این‌که: نمی‌توانستید از گوش و چشم و پوست‌تان پنهان کنید چون همراه شما بودند، پس علیه شما گواهی دادند. وجه دیگر این‌که: از گواهیِ گوش و چشم و پوست‌تان پرهیز نمی‌کردید؛ زیرا به گواهیِ آن‌ها اهمیت نمی‌دادید و گمان نمی‌کردید که علیه شما گواهی دهند. ابن جزی: ۲/ ۲۹۱.

پرسش: معنای فعل ﴿تَسْتَتِرُونَ﴾ چیست و چه نکته‌ای از آیه به دست می‌آید؟

❷ ﴿وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ﴾
حسن بصری می‌گوید: «آرزوها گروهی را غافل کرد تا این‌که در حالی از دنیا رفتند که هیچ عمل نیکی نداشتند، و هر یک از آنان می‌گوید: به پروردگارم گمان نیک دارم. در حالی که دروغ می‌گوید؛ چون اگر گمان نیک می‌داشت باید عمل نیکو انجام می‌داد». قرطبی: ۱۸/ ۴۰۹- ۴۱۰.

پرسش: گمان نیک به الله در چه صورتی پسندیده نیست؟

❸ ﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾
یعنی: شیاطینی برای‌شان آماده کرده‌ایم. بنابر قولی: همنشینانی بر آنان مسلط کردیم که گناهان را برای‌شان می‌آرایند. این همنشینان از میان جن و شیاطین و نیز انسان‌ها هستند. قرطبی: ۱۸/ ۴۱۱.

پرسش: آیه نشانهٔ ارادهٔ شر به بنده را بیان می‌کند. این نشانه چیست؟

❹ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾
این عادتِ دعوتگرانِ گمراهی و باطل است که می‌خواهند کسانی را که با حق و دلیل صحبت می‌کنند با ترس و اغوا و ترس و تشویق ساکت کنند و مردم را نگذارند که با حجت و برهان، جدال کنند و به دلایل رجوع نمایند؛ چون می‌دانند دلیل مخالف‌شان بهتر و برتر است. بنابراین آن را با بهتان و گمراه‌کردن دفع می‌کنند و زمانی که چاره‌ای نداشته باشند و ببینند بارقه‌های حقیقت آشکار می‌گردد، می‌ترسند که نور آن، مردمی را که تا حدودی خیر و صلاح در آن‌ها وجود دارد، فرا گیرد؛ پس به سخنان بیهوده روی می‌آورند و جار و جنجالِ بیهوده به پا می‌کنند. ابن عاشور: ۲۴/ ۲۷۷.

پرسش: آیه کدام یک از صفات گمراهان در بازداشتن از حق را بیان می‌کند؟

❺ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾
این سخن، نوعی گواهی از جانب دشمنان است و واضح‌ترین حق، آن است که دشمنان به آن گواهی دهند. آنان فقط در حالی به پیروزی خودشان بر کسی که حق را آورده است حکم کردند که از حق روی بگردانند و یکدیگر را بر این کار توصیه کنند. بنابراین مفهوم سخن‌شان چنین است: اگر در آن جنجال نکنند و به آن گوش فرا دهند و بیندیشند، پیروز نخواهند شد. سعدی: ۷۴۸.

پرسش: با توجه به آیه، کافران به نفع حق گواهی می‌دهند. دلیل این گواهی چیست؟

❻ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾
ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «یعنی سر و صدا و همهمه کنید». این‌گونه به یکدیگر سفارش می‌کردند: هر گاه محمد را در حال قرائت قرآن مشاهده کردید، با رجز گفتن و شعر و سخنان بیهوده، با او مخالفت کنید. مجاهد می‌گوید: با سوت‌کشیدن و کف زدن در آن جنجال کنید. ضحاک می‌گوید: بسیار سخن بگویید تا سخنانش بر او مشتبه شود. قرطبی: ۴/ ۶۵.

پرسش: آیه یکی از روش‌های مفسدان را در جلوگیری از فایده‌بردن از پند و موعظه بیان می‌کند. این روش را توضیح دهید.

❼ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ﴾
الله تعالی سخن کافران در روز قیامت وقتی که وارد جهنم می‌شوند را بیان کرد؛ یعنی وقتی عذاب بزرگ و بازگشتگاه بسیار بدشان را ببینند، فکرشان متوجه کسانی می‌شود که سبب فریب و گمراهی‌شان بودند، آن‌گاه خشم و کینهٔشان شدت می‌یابد و دوست دارند کسانی که آنان را گمراه کرده‌اند در سخت‌ترین عذاب قرار گیرند، پس می‌گویند: ﴿رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ أَضَلَّانَا﴾. ابن عطیه: ۵/ ۱۴.

پرسش: چه امری باعث می‌شود که جهنمیان بخواهند جن‌ها و انسان‌هایی که آنان را گمراه کرده‌اند زیر پاهای‌شان قرار گیرند؟

وَقَالُوا۟ لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا ۖ قَالُوٓا۟ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ
أَنطَقَ كُلَّ شَىْءٍ ۚ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾
وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَـٰرُكُمْ
وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَـٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ
﴿٢٢﴾ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم
مِّنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن يَصْبِرُوا۟ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۖ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا۟
فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ ۞ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم
مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ
خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ خَـٰسِرِينَ ﴿٢٥﴾
وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ
لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَذَابًا شَدِيدًا
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعْدَآءِ ٱللَّهِ
ٱلنَّارُ ۖ لَهُمْ فِيهَا دَارُ ٱلْخُلْدِ ۖ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا يَجْحَدُونَ
﴿٢٨﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلْجِنِّ
وَٱلْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَسْتَتِرُونَ	گناهانی که انجام می‌دادید پنهان می‌کردید.
مَثْوَى	پناهگاه و مسکن.
يَسْتَعْتِبُوا۟	درخواست آمرزش می‌کنند.
فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ	درخواست‌شان اجابت نمی‌شود.
وَقَيَّضْنَا	آماده کردیم.

عمل به آیات

۱. از همنشینی با کسانی که اعمال بد را برایت می‌آرایند بپرهیز، ﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾

۲. با اصرار از الله تعالی بخواه دوستی صالح به تو روزی دهد و دوستان ناباب را از تو بازگرداند، ﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾

۳. به قرائت یکی از قاریان قرآن مجید گوش بده و در آیات تدبر کن، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَـٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾

رهنمودها

۱. بر خلاف گمان مشرکان، به الله گمان نیک داشته باش، ﴿وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ﴾

۲. برخی از مردم در راه الله تعالی و برخی دیگر در راه نافرمانی از الله صبر می‌کنند، ﴿فَإِن يَصْبِرُوا۟ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ﴾

۳. اگر پیشوایان، بر خلاف دستورات الله فرمان دهند، نابود می‌شوند و پیروان‌شان را نیز نابود می‌کنند، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ﴾

سورة (فصلت) الجزء (٢٤) صفحة (٤٨٠)

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ
ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٣٠ نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ وَلَكُمۡ
فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ٣١ نُزُلٗا مِّنۡ غَفُورٖ رَّحِيمٖ ٣٢ وَمَنۡ أَحۡسَنُ
قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٣٣ وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ
بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ
وَلِيٌّ حَمِيمٞ ٣٤ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ
إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٣٥ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ
فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٦ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ
ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ
وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ
إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ٣٧ فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ
رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡـَٔمُونَ۩ ٣٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱسۡتَقَٰمُواْ	در علم و عمل، بر حق پایدار ماندند.
وَلِيٌّ حَمِيمٞ	خویشاوند به تو و دلسوز برایت.
وَمَا يُلَقَّىٰهَآ	بر انجام آن موفق نمی‌گردد.
يَنزَغَنَّكَ	وسوسه‌ای در نفست افکند و تو را از خیر بازدارد.
فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ	به الله پناه ببر و بگو: «أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
يَسۡـَٔمُونَ	سست و دلزده نمی‌شوند.

عمل به آیات

۱. به کسی که میان تو و او سوء تفاهمی وجود دارد هدیه‌ای بده و بنگر که هدیه چه تأثیری در اصلاح قلب‌تان داشته است، ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾

۲. هر گاه وسوسهٔ شیطان را احساس کردی به الله تعالی پناه ببر، ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

۳. هنگام قرائت این آیه سجدهٔ تلاوت بگزار، ﴿فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡـَٔمُونَ﴾

رهنمودها

۱. مومن می‌داند در آخرت که روح او از تنش جدا می‌شود چه سرانجامی دارد، ﴿وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ﴾

۲. تمام نعمت‌های لذیذ و خوش‌منظر در بهشت برای مومن فراهم است، ﴿وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ﴾

۳. خودت را بر صبر عادت بده که صبر در رأس اخلاق نیکو قرار دارد، ﴿وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ﴾

ترجمه آیات

[اما] کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است» سپس [از عبادت و بندگی غیر او سر باز زدند و بر اعتقاد خود] پایداری کردند، [هنگام فرا رسیدن مرگشان] فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند، [و می‌گویند:] «نترسید و اندوه نداشته باشید؛ و شما را بشارت باد به بهشتی که به آن وعده داده می‌شدید! (۳۰) ما در زندگی دنیا و آخرت دوستدار شماییم، و در بهشت هرچه دلتان بخواهد و درخواست کنید، در اختیار شماست. (۳۱) به عنوان پذیرایی از جانب آمرزگاری مهربان». (۳۲) کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی الله دعوت می‌دهد و به شایستگی عمل می‌نماید و می‌گوید: «تسلیم [اوامر الهی] هستم؟» (۳۳) [هرگز] نیکی و بدی یکسان نیست. همواره به شیوه‌ای که بهتر است، پاسخ بده که در آن صورت، [خواهی دید] همان کسی که بین تو و او دشمنی بود، همچون دوستی مهربان [و دلسوز] گشته است. (۳۴) تنها شکیبایان و کسانی که بهرهٔ بزرگی [از ایمان و اخلاق] دارند، به چنین مقامی می‌رسند. (۳۵) و هر گاه وسوسه‌ای از جانب شیطان تو را فراگرفت، به الله پناه ببر که یقیناً او شنوای داناست. (۳۶) از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، شب و روز و خورشید و ماه است. در برابر خورشید و ماه سجده نکنید؛ بلکه اگر تنها او را عبادت می‌کنید، بر الله که آنها را آفریده است سجده کنید. (۳۷) و اگر [گروه‌هایی از نیایش او تعالی] تکبر ورزیدند، [فرشتگان و] مقربان درگاه پروردگارت، شب و روز، بدون خستگی او را به پاکی می‌ستایند. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ﴾

عبارت ﴿قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ دو اصل کمال اسلامی را در خود جمع کرده است؛ عبارت ﴿قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ﴾ به کمال نفسانی اشاره دارد که عبارت است از شناخت حق برای هدایت یافتن به آن و شناخت خیر برای عمل به آن... عبارت ﴿ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ نیز به اساس اعمال صالح اشاره دارد که عبارت است از استقامت بر حق. ابن عاشور: ۲۴/ ۲۸۳.

پرسش: عبارت ﴿قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ چگونه دو اصل کمال انسانی را در خود جمع کرده است؟

❷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾

عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌گوید: «استقامت: یعنی این‌که بر امر و نهی مستقیم باشی، نه این‌که مانند روباه این طرف و آن طرف بدوی [= حیله به کار ببری]». عثمان بن عفان رضی الله عنه می‌گوید: «عمل را برای الله خالص گردانید». علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌گوید: «فرایض را ادا کنید». بغوی: ۴/ ۶۵-۶۶.

پرسش: منظور از استقامت مذکور در آیه چیست؟

❸ ﴿نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾

یعنی: فرشتگانی که بشارت را بر آنان نازل می‌کنند به آنان می‌گویند: ﴿نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ﴾، مجاهد می‌گوید: یعنی: ما همنشینان شما هستیم که در دنیا با شما بودیم، و روز قیامت می‌گویند: از شما جدا نمی‌شویم تا این‌که شما را به بهشت درآوریم. قرطبی: ۱۸/ ۴۱۸.

پرسش: با توجه به آیه، مومنان چه فایده‌ای از عالم فرشتگان می‌برند؟

❹ ﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾

یعنی: بندگانِ الله را به سوی او تعالی دعوت می‌دهد، در حالی که به آن‌چه می‌گوید هدایت یافته است؛ بنابراین هم به خودش فایده می‌رساند و هم به دیگران؛ مانند کسانی نیست که به معروف امر می‌کنند اما خودشان آن را انجام نمی‌دهند و از منکر نهی می‌کنند اما خودشان از آن دست نمی‌کشند، بلکه به خیر عمل می‌کند و از شر دست می‌کشد و مردم را به سوی آفریدگارشان فرا می‌خواند. ابن کثیر: ۴/ ۱۰۲.

پرسش: نشانهٔ دعوتگر صادق چیست؟

❺ ﴿وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ﴾

یعنی: فقط کسانی به این صفت پسندیده موفق می‌گردند که نفس‌های‌شان را در برابر آن‌چه نمی‌پسندد شکیبا و آن را بر آن‌چه الله می‌پسندد مجبور کرده‌اند؛ زیرا نفس بر مقابلهٔ بدی با بدی و عدم عفو سرشته شده است، پس چگونه می‌تواند نیکی کند؟! اما وقتی که انسان نفسش را به صبر تربیت و امر پروردگارش را اجرا کند و پاداش بزرگ را بشناسد و بداند که مقابله با بدکار مانند عمل خودش هیچ فایده‌ای به او نمی‌رساند و فقط بر شدت دشمنی می‌افزاید و این‌که نیکی به دشمن از ارزش او نمی‌کاهد، بلکه هر کس به خاطر الله تواضع کند الله او را بالا می‌برد؛ کار بر او آسان می‌گردد و این کار را با لذت و رضایت کامل انجام می‌دهد. سعدی: ۷۴۹.

پرسش: چرا فقط صابران و کسانی که صاحب سهم بزرگی هستند به صفت مذکور (دفع بدی با نیکوترین روش) دست می‌یابند؟

❻ ﴿وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ﴾

دفع بدی با نیکوترین روش، از صفات مردمِ برگزیده است که بنده را به جایگاه والا در دنیا و آخرت که یکی از بزرگ‌ترین صفات اخلاق نیکوست می‌رساند. سعدی: ۷۴۹.

پرسش: آیه یکی از نشانه‌های مردم برگزیده نزد الله را بیان می‌کند. این نشانه چیست؟

❼ ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

الله تعالی وقتی روش دفاع در برابر دشمن انسی را بیان کرد - که عبارت است از مقابلهٔ بدی با نیکی- وسیلهٔ دفع دشمن جنی را نیز ذکر کرد که عبارت است از: پناه بردن به الله و دوری جستن از شر شیطان. بنابراین فرمود: ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ﴾ یعنی: هر لحظه که وسوسه‌ای از جانب شیطان و تزیین شر و سستی در کار خیر و القای برخی گناهان توسط شیطان و اطاعت از او در یکی از اوامرش را احساس کردی ﴿فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ﴾: دست نیاز به سوی الله دراز کن و از او بخواه که تو را از شرّ شیطان محافظت کند. سعدی: ۷۵۰.

پرسش: دشمن جنی را چگونه از خود دفع می‌کنیم؟

سورة (فصلت) الجزء (٢٤) صفحة (٤٨١)

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ
ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ ۗ أَفَمَن
يُلْقَىٰ فِى ٱلنَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِىٓ ءَامِنًا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ ٱعْمَلُوا۟ مَا شِئْتُمْ ۖ
إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ
وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
خَلْفِهِۦ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ
لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ
﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ۖ
ءَا۬عْجَمِىٌّ وَعَرَبِىٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ ۖ وَٱلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ
يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ
بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ صَٰلِحًا
فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

ترجمه آیات

از جمله نشانه‌های [قدرت] الهی این است که زمین خشک و فرسوده را می‌بینی که چون باران بر آن فرومی‌ریزیم، به جنبش درمی‌آید [و گیاه می‌رویاند] و [گیاهانش] رشد می‌کند؛ آن [پروردگار توانمندی] که زمین را زنده می‌کند، مردگان را نیز زنده خواهد کرد. به راستی که او تعالی بر هر کاری تواناست. (۳۹) [گفتار و رفتارِ] کسانی که در مورد آیات ما کجروی [و آن را تحریف] می‌کنند بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسی که به آتش [دوزخ] می‌افتد بهتر است یا کسی که در روز رستاخیز [از عذاب] ایمن است؟ هر چه می‌خواهید انجام دهید که بی‌تردید، الله به آنچه می‌کنید بیناست. (۴۰) کسانی که این قرآن را که برای [هدایت]شان آمده است، انکار کرده‌اند، [در قیامت عذاب خواهند شد]. این [کلامِ الهی،] کتابی است شکست‌ناپذیر. (۴۱) سخن باطل، نه از پیش رو و نه از پشت سرش [= از هیچ جهت و از هیچ نظری] به آن راه نمی‌یابد و از جانب [پروردگارِ] حکیمِ ستوده نازل شده است. (۴۲) [ای پیامبر، کافران] همان [سخنان باطلی] را به تو می‌گویند که به پیامبران پیش از تو نیز می‌گفتند. بی‌گمان، پروردگارت آمرزش و [در عین حال،] کیفری دردناک دارد. (۴۳) اگر قرآن را [به زبانِ] غیرعربی نازل کرده بودیم، کافران می‌گفتند: «چرا آیاتش [عربی نیست و] به روشنی بیان نشده است؟ کتابی غیرعربی و پیامبری عرب؟» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «این کتاب، برای مؤمنان مایهٔ هدایت و شفاست و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است؛ [گویی] آنان را از راهی دور صدا می‌زنند». (۴۴) ما به موسی کتاب [تورات] دادیم؛ اما در [مورد] آن اختلاف[نظر] پدید آمد؛ و اگر فرمانی از پروردگارت [در موردِ مهلت و آزمایش] از پیش مقرر نشده بود، [بی‌درنگ] میانشان داوری می‌شد. کافران [نیز] در موردِ قرآن در تردید و بدگمانی‌اند. (۴۵) هر کس کاری شایسته کند، به سود خودِ اوست؛ و هر کس بدی کند، به زیان خویش بد کرده است؛ و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. (۴۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ﴾

تهدیدِ شدید و موکدی در آیه وجود دارد؛ یعنی: الله تعالی از تمام کسانی که در آیات و اسما و صفاتش کجروی می‌کنند آگاه است و آنان را عذاب خواهد کرد. ابن کثیر: ۴/ ۱۰۴.

پرسش: چرا الله فرمود این ملحدان بر او تعالی پوشیده نمی‌مانند؟

۲ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ﴾

الله تعالی کتابش را ﴿عَزِيزٌ﴾ توصیف کرد؛ زیرا معانی آن صحیح است و هیچ طعنه و عیبی بر آن وارد نیست؛ به‌علاوه از جانب الله تعالی حفظ می‌شود. ابن عطیه: ۵/ ۱۹.

پرسش: توصیف قرآن کریم به ﴿عَزِيزٌ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۳ ﴿مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾

توصیف عقاب به ﴿أَلِيمٍ﴾ اشاره دارد به این‌که کیفر آنان با گناه‌شان متناسب است؛ زیرا با نافرمانی و آزار و اذیت، پیامبر ﷺ را رنجاندند. ابن عاشور: ۴/ ۳۱۱.

پرسش: چرا عذاب در آیه به ﴿أَلِيمٍ﴾ (دردناک) توصیف شد؟

۴ ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾

اگر عفو و بخششِ الله نبود زندگی برای هیچ‌کس گوارا نمی‌شد و اگر تهدید و عذابش نبود همه به امید رحمتش دست از عمل صالح می‌کشیدند. ابن کثیر: ۴/ ۱۰۴.

پرسش: چرا مغفرت و عقاب در آیات زیادی کنار یکدیگر آمده است؟

۵ ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ﴾

الله تعالی فرمود قرآن مایهٔ هدایت و شفا از شک و تردید و بیماری است برای هر کسی که به آن ایمان آورد. قرطبی: ۱۸/ ۴۳۱.

پرسش: چه کسی از هدایت و شفای قرآن فایده می‌برد؟

۶ ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ﴾

یعنی: آنان نمی‌شنوند و نمی‌فهمند، همانند کسی که از مکانی دور خوانده شود. این مثال برای بیان بهره‌برداری اندک آنان از پند و اندرزها است؛ گویی از جایی که نمی‌شنوند صدا زده می‌شوند. بغوی: ۴/ ۷۰.

پرسش: هدف قرآن از این ضرب المثل چیست: ﴿يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ﴾؟

۷ ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾

می‌فرماید: گروه بدکارِ آنان در آن‌چه در مورد قرآن می‌گویند در شک و تردید هستند. ﴿مُرِيبٍ﴾: سخن‌شان در مورد قرآن آنان را به تردید می‌اندازد؛ زیرا بدون دلیل و از روی گمان این سخن را به زبان آوردند. طبری: ۲۱/ ۴۸۷.

پرسش: چرا کافران در سخنان‌شان دربارهٔ قرآن کریم، اطمینان ندارند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱهْتَزَّتْ	در آن زندگی بدمد و گیاه برویاند.
وَرَبَتْ	رشد کند و بالا آید.
يُلْحِدُونَ	از حق منحرف می‌شوند.
وَقْرٌ	کری.
مُرِيبٍ	بسیار شک‌برانگیز و نگران‌کننده.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه همان‌گونه که زمین مرده را با آب زنده می‌گرداند قلبت را با ایمان زنده کند، ﴿وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲. با ارسال پیامی، به نزدیکی رحمت الله در زدودن آسیب و اصلاح شرایط بشارت بده، ﴿وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

۳. دستت را در محل عضو بیمارت بگذار و هر اندازه از قرآن می‌توانی بخوان که شفا می‌بخشد، ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ﴾

رهنمودها

۱. از رحمت الله که احوال سرزمین‌ها را اصلاح می‌کند و گناهان و فقر و ترس و جنگ را می‌زداید نومید مباش، ﴿وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲. شبهات کافران و منافقان و عوام در مورد قرآن و دین در تمام قرن‌ها و زمان‌ها شبیه یکدیگر است، ﴿مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾

۳. قرآن مایهٔ درمان و شفا برای مومنان و مایهٔ بیماری کافران و منافقان است، ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ ۖ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى﴾

سورة (فصلت) الجزء (۲۵) صفحة (٤٨٢)

﴿إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا
وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ أَيۡنَ
شُرَكَآءِي قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٖ ٤٧ وَضَلَّ عَنۡهُم
مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُۖ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٤٨
لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ
قَنُوطٞ ٤٩ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ
لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ
رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ
وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٠ وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ
أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ
٥١ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ
مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ٥٢ سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا
فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ
أَوَلَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٥٣ أَلَآ إِنَّهُمۡ
فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطُۢ ٥٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَكۡمَامِهَا	غلاف‌های میوه.
ءَاذَنَّٰكَ	به تو عرض کردیم.
مَّحِيصٖ	پناهگاه و گریزگاه.
لَّا يَسۡـَٔمُ	خسته نمی‌شود.
وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ	به سبب تکبر، شکر نعمت را به جای نمی‌آورد و از حق پیروی نمی‌کند.
فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ	برای رفع آسیب، بسیار دعا می‌کند.
شِقَاقِۭ بَعِيدٖ	اختلافی دور از حق.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه بر روزی‌ات بیفزاید و علمی مفید به تو بیاموزاند، ﴿وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦ﴾

۲. برخی آیات و احادیث مربوط به قیامت را بخوان، ﴿إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦ﴾

۳. از الله بخواه اندوهت را برطرف سازد، ﴿وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ﴾

رهنمودها

۱. در روز قیامت، معبودانی که به جای الله خوانده می‌شدند از کسانی که آنان را به فریاد می‌طلبیدند جدا می‌شوند و عابد و معبود از یکدیگر اعلام بیزاری می‌کند، ﴿وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُ﴾

۲. انسان حتی از نظر عقلی و ذهنی نیز ضعیف است، ﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ﴾

۳. انسان کافر، گمراه‌ترین مخلوق است، ﴿مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ﴾.

ترجمه آیات

آگاهی از [لحظهٔ وقوع] قیامت، تنها به الله مربوط است؛ و خروج هر میوه‌ای از شکوفه‌اش و بارداری و وضع حملِ هر ماده‌ای، با آگاهیِ اوست؛ و روزی که [الله] به مشرکان ندا می‌دهد: «افرادی که [در قدرت،] شریک من تصور می‌کردید [و به آنان توسل می‌جستید] کجا هستند؟» آنان می‌گویند: «اکنون در برابر تو اعتراف می‌کنیم که هیچ یک از ما [بر درستیِ اعتقاد مشرکانهٔ خود] گواه نیست». (۴۷) آنچه در گذشته [تکیه‌گاه خود] می‌خواندند، از نظرشان ناپدید می‌شود و درمی‌یابند که هیچ راه گریزی [از آتش عذاب الهی] نخواهند داشت. (۴۸) انسان در تمنای خیر، خستگی‌ناپذیر است، و[لی] اگر بدی به او برسد، مأیوس و دلسرد خواهد شد. (۴۹) و اگر پس از رنجی که به انسان می‌رسد، رحمتی از جانب خویش به او برسانیم، [مغرورانه] می‌گوید: «این حق من است، و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود، و اگر [هم واقع شود و] به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، [ثروت و پاداش‌های] نیکویی نزدش خواهم داشت». مسلّماً کافران را از عملکردشان آگاه خواهیم ساخت و عذابی سخت به آنان می‌چشانیم. (۵۰) هرگاه نعمتی به انسان می‌بخشیم، [با سرمستی] روی می‌گرداند [و شکر نعمت را به جای نمی‌آورد] و متکبرانه [از حق] دور می‌شود؛ و هنگامی که رنجی [همچون فقر و بیماری] به سراغش می‌آید، [به درگاه الهی] دعا و درخواست فراوان دارد. (۵۱) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «به من بگویید اگر [قرآن] از جانب الله باشد و شما به آن کافر شوید، کیست گمراه‌تر از کسی که [با وجود آشکار بودنِ حق،] در ستیزی بی‌پایان [با آن] قرار دارد؟» (۵۲) [در این دنیا و در هنگامهٔ قیامت،] نشانه‌های [توان و تدبیر] خود را در آفاق [جهان] و در [وجود] خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن شود که قرآن حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیزی گواه است؟ (۵۳) آگاه باشید که آنان در مورد دیدار پروردگارشان [در قیامت] تردید دارند! [و] آگاه باشید که الله بر همه چیز احاطه دارد! (۵۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ﴾

از طبیعت انسان آن‌گونه که هست و از ناشکیبایی و عجله‌اش هم در برابر خیر و هم در برابر شر خبر داد؛ مگر کسی که الله او را از این حالت به حالت کمال رسانده باشد. سعدی: ۷۵۲.

پرسش: بر اساس آیه، ضعف بدن و قلب انسان و راه درمان آن را توضیح دهید.

۲ ﴿لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ ٤٩ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰ﴾

دو مورد از ناپسندترین صفات انسان بیان شد: اگر شری به او برسد نومید می‌شود و زانوی غم به بغل می‌گیرد، اما هر گاه خیری به او برسد فراموش می‌کند که الله به او نعمت بخشیده و به او احسان کرده است، پس تکبر می‌ورزد و گمان می‌کند که مستحق این خیر بوده است؛ به‌علاوه، رستاخیز را تکذیب می‌کند و می‌گوید: گمان نکنم که قیامت برپا شود، سپس فراتر می‌رود و چنین گمان می‌کند که اگر پس از مرگ دوباره زنده شود بهتر از آن را نزد الله خواهد داشت. بنابراین این جهل و غرور، بی‌حد و مرز است. ابن قیم: ۲/ ۴۲۰.

پرسش: دو صفت ناپسند انسان در برابر خیر و شر چیست؟

۳ ﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ﴾

﴿فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ﴾ یعنی: بسیار زیاد دعا می‌کند؛ چون صبر ندارد؛ یعنی انسان در سختی صبر نمی‌کند و در آسایش شکر نمی‌گزارد مگر کسی که الله او را هدایت کند و بر او منت بخشد. سعدی: ۷۵۲.

پرسش: انسان مومن در آسایش یا سختی باید چه موضعی اتخاذ کند؟

۴ ﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ﴾

برای آموزش رعایت ادب در برابر الله، رساندن شر را به الله نسبت نداد؛ چنان‌که ابراهیم عليه السلام گفت: ﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ٧٨ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾ [الشعراء: ۷۸-۸۰]؛ «(همان) ذاتی که مرا آفرید، پس او مرا هدایت می‌کند و ذاتی که او به من غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید و هنگامی که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد». اما نگفت: «وإذا أمرضني؛ هنگامی که الله مرا بیمار کند». سرّ این امر در آن است که: خیر و نعمت‌ها در اصل خلقت و آفرینش انسان، در تسخیر او هستند و بیشتر اوقات برایش حاصل می‌شوند و این امر، یکی از مظاهر بقای حیات بشریت است. اما بیشتر شر و آسیب‌ها به سبب عملکرد نامناسب خود انسان و انجام کارهایی که شرایع و حکما از آن نهی می‌کنند به او می‌رسد و اغلب از روی علم و گستاخی، آسیب می‌بیند. ابن عاشور: ۱۵/۲۵.

پرسش: چرا رساندن شر به الله تعالی نسبت داده نشد؟ و غالباً شرّ به چه سبب به انسان می‌رسد؟

۵ ﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ﴾

یعنی: قرآن حقیقت است؛ به عبارتی، باید از طریق مشاهدهٔ آیات مشهود الله که برای‌شان آشکار است به این یقین برسند که آیات خواندنی [= قرآن] حقیقت است. ابن قیم: ۲/ ۴۲۰.

پرسش: آیات الله در هستی و بدن انسان، بر صحت قرآن دلالت دارند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ﴾

نوعی اعجاز در خبردادن از غیب در آیه وجود دارد؛ زیرا الله تعالی از وعدهٔ پیروزی خود و دینش خبر داد و این امر با وجود اندک بودن مسلمانان، از طریق فتوحات و پایداری این دین و پیوستن امت‌ها به آن در زمان رسول الله ﷺ و خلفایش به‌گونه‌ای شگفت در آفاق دنیا و مشرق و مغرب به صورت عام و در سرزمین عرب به صورت خاص محقق گشت و مانند آن برای هیچ یک از پادشاهان و فرمانروایان روی زمین میسر نشده است... تاریخ گواهی می‌دهد که انتشار اسلام و تسلط مسلمانان بر امت‌ها که به طرز شگفتی به وقوع پیوسته، امری خارق العاده است؛ بنابراین مشخص می‌شود که دین حق همان دین اسلام است و مسلمانان هر گاه به ریسمان اسلام چنگ بزنند به طرز شگفتی از جانب الله تعالی یاری می‌شوند و زمان گذشته و حال، گواه این مطلب است. ابن عاشور: ۱۸/۲۵.

پرسش: اعجاز غیبی موجود در آیه را بیان کنید.

۷ ﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡ﴾

عمر بن عبدالعزیز بر منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الله، گفت: ای مردم شما را برای کار و امر جدیدی جمع نکرده‌ام، بلکه در مورد این امر که به سوی آن بازمی‌گردید اندیشیدم و دانستم کسانی که آن را تصدیق می‌کنند کم‌عقل هستند و کسانی که آن را تکذیب می‌کنند نابود می‌شوند، سپس از منبر پایین آمد. این جمله که تصدیق‌کنندگان روز قیامت احمق هستند به این معناست که عملی متناسب با آن انجام نمی‌دهند و از هول و هراسش نمی‌ترسند، هر چند آن را تصدیق می‌کنند و به وقوعش یقین دارند، اما باز هم به بیهودگی و غفلت و پیروی از هوای نفس ادامه می‌دهند و از این نظر، کم‌خرد هستند. ابن کثیر: ۴/ ۱۰۷.

پرسش: برخی از کسانی که روز قیامت را تصدیق می‌کنند از حالت‌شان مشخص می‌شود که در مورد قیامت شک و تردید دارند. این مطلب را توضیح دهید.

سورۀ شوری

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

حم [حا. میم]. (۱)عسق [عین. سین. قاف]. (۲) الله شکست‌ناپذیر حکیم، بر تو و پیامبران پیش از تو چنین وحی می‌فرستد. (۳) هرچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست؛ و او بلندمرتبه و بزرگ است. (۴) نزدیک است آسمان‌ها [از شکوه و عظمت الهی] از فراز یکدیگر بشکافند، و فرشتگان، پروردگارشان را با ستایش تقدیس می‌کنند و برای ساکنان زمین [که توبه کرده‌اند] آمرزش می‌طلبند. آگاه باشید که الله آمرزندۀ مهربان است. (۵) [ای پیامبر،] الله خود مراقبِ [رفتارِ] کسانی است که غیر او را [دوست و] کارسازِ خود برگزیده‌اند و تو کارگزار [و مسئول رفتار] آنان نیستی. (۶) ما قرآن را این گونه به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا اهل مکه و ساکنان اطرافش را بیم دهی و در مورد روز محشر ـ که تردیدی در وقوعش نیست ـ به آنان هشدار دهی. [آن روز،] گروهی بهشتی‌اند و گروهی در آتش سوزان. (۷) اگر الله می‌خواست، همۀ مردم را امتی واحد [که الله را به یگانگی عبادت کنند] قرار می‌داد؛ ولی [به انسان اختیار داد؛ او تعالی] هر کس را بخواهد، به رحمت خویش درمی‌آورد؛ و مشرکان هیچ کارساز و یاوری نخواهند داشت. (۸) آیا آنان به جای او کسی [دیگر را به عنوان دوست و] کارساز برگزیده‌اند؟ حال آنکه کارساز [جهانیان] الله است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و بر هر کاری تواناست. (۹) [بگو: «ای مردم،] هر اختلافی بین شماست، داوری‌اش با الله است. این است الله، پروردگار من؛ بر او توکل کرده‌ام و به پیشگاهش بازمی‌آیم». (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

انتخاب دو وصف عزیز و حکیم برای لفظ جلاله «الله»، بدین جهت است که این دو صفت مذکور در آیه، بیشترین ارتباط را با این مطلب دارند که الله هر کس را که بخواهد برای رسالتش برمی‌گزیند. ابن عاشور: ۲۵/ ۲۷.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ پایان یافت؟

❷ ﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّ﴾

یعنی: نزدیک است که آسمان‌ها متلاشی شود و بر روی یکدیگر بیفتند، به سببِ این سخنِ مشرکان که گفتند: ﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ﴾ [البقرة: ۱۱۶]. قرطبی: ۱۸/ ۴۴۴.

پرسش: آسمان‌ها به چه سبب نزدیک است که متلاشی شوند؟

❸ ﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ﴾

تقدیم تسبیح بر حمد اشاره دارد به این‌که منزه‌دانستن الله از آن‌چه سزاوارش نیست مهم‌تر از اثبات صفات کمال برای او تعالی است؛ زیرا تنزیه، مقدمه‌ای برای درک کمالات او تعالی است. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۳.

پرسش: چرا تسبیح قبل از حمد بیان شد؟

❹ ﴿وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

فرشتگان از پروردگارشان می‌خواهند که گناهان ساکنان مومن زمین را ببخشد. طبری: ۲۱/ ۵۰۲.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که نزدیک‌ترین مخلوق به الله سبحانه، مهربان‌ترین آن‌ها نسبت به مخلوقات است.

❺ ﴿وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ﴾

مفهوم آیه چنین است: اتفاق امت، دلیلی قطعی و یقینی به شمار می‌رود؛ زیرا الله تعالی فقط مواردی را که در آن اختلاف داریم دستور داده به او بازگردانیم، اما در امور مورد توافق، اتفاق امت بر آن کفایت می‌کند؛ زیرا امت اسلامی از خطا معصوم است و قطعاً اتفاق آن‌ها، با مطالب کتاب الله و سنت رسولش موافق خواهد بود. سعدی: ۷۵۳.

پرسش: نحوۀ دلالت آیه بر حجیت اجماع را توضیح دهید.

❻ ﴿عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ﴾

الله تعالی این دو اصل را در مواضع زیادی از کتابش ذکر می‌کند؛ زیرا با مجموع این دو اصل، بنده به کمال می‌رسد و با نبود این دو یا هر یک از آن‌ها، کمال از دست می‌رود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵] «(پروردگارا) تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری (و مدد) می‌جوییم» و ﴿فَٱعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِ﴾ [هود: ۱۲۳] «پس او را عبادت کن و بر او توکل نما». سعدی: ۷۵۴.

پرسش: چرا الله تعالی در مواضع زیادی از قرآن کریم، توکل و عبادت را کنار هم آورده است؟

❼ ﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ﴾

بیان فعل ﴿تَوَكَّلۡتُ﴾ با صیغۀ ماضی و فعل ﴿أُنِيبُ﴾ با صیغۀ مضارع اشاره دارد به این‌که توکل پیامبر ﷺ بر الله سابق بر این بود که بداند قومش از او دوری می‌کنند؛ یعنی قبل از این‌که قومش دعوت او را نپذیرند، بنده‌ای توکل کننده بر پروردگارش بود... اما فعل ﴿أُنِيبُ﴾ با صیغۀ مضارع آمد تا به تکرار و نوشدن انابه و بازگشت به سوی الله اشاره کند. ابن عاشور: ۲۵/ ۴۳.

پرسش: چرا فعل ﴿تَوَكَّلۡتُ﴾ با صیغۀ ماضی و فعل ﴿أُنِيبُ﴾ با صیغۀ مضارع آمده است؟

سُورَةُ الشُّورَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ عٓسٓقٓ ٢ كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ
ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ
وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٤ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي
ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ
٦ وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ
حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ فَرِيقٞ فِي ٱلۡجَنَّةِ وَفَرِيقٞ فِي
ٱلسَّعِيرِ ٧ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُدۡخِلُ مَن
يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ٨ أَمِ
ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ وَهُوَ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٩ وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ
إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ١٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَتَفَطَّرۡنَ	بشکافد.
أَوۡلِيَآءَ	معبودانی که آن‌ها را به دوستی گرفته‌اند و عبادت می‌کنند.
حَفِيظٌ	نگهبانی آماده.
أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ	مکه؛ اهالی مکه منظور هستند.
لَا رَيۡبَ فِيهِ	شکّی در آمدن آن نیست.
أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ	بر هدایت اجتماع دارند.
وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ	در تمام امور به سوی او بازمی‌گردم.

عمل به آیات

۱. با اقتدا به فرشتگان، برای خودت و تمام مردان و زنان مومن استغفار کن، ﴿وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. یک سخنرانی یا مقاله در مورد روز قیامت ارائه بده، ﴿لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِ﴾

۳. حکم الله را در مورد موضوعی که مردم در آن اختلاف دارند پیدا کن و آن را همراه دلیل به مردم بگو، ﴿وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ﴾

رهنمودها

۱. مومن غم و اندوه مومنان را به دوش می‌کشد، ﴿وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. بهترین منبع سخنرانی و درس، قرآن کریم است، ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ﴾

۳. زبان عربی کلیدی است برای آموزش دین صحیح، پس بکوش این زبان را بیاموزی، ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ﴾

سورة (الشورى) الجزء (٢٥) صفحة (٤٨٤)

فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا
وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١ لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَبۡسُطُ
ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٢ ۞ شَرَعَ
لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا
وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ
يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ ١٣ وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ
إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ
مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى لَّقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ١٤ فَلِذَٰلِكَ
فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ
ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ
ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ
بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَاطِرُ	آفریدگار و پدیدآورنده.
يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِ	به‌وسیلۀ ازدواج، بر تعداد شما می‌افزاید.
مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ	مالکیت و کلیدهای خزینه‌های آسمان‌ها.
يَبۡسُطُ	می‌گشاید.
وَيَقۡدِرُ	محدود می‌گرداند.
يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ	به سبب توحید و دینش، برمی‌گزیند.
يُنِيبُ	با اطاعت به سوی او تعالی بازمی‌گردد.
مُرِيبٖ	افتاده در شک و اختلافی ناپسند.

عمل به آیات

۱. یکی از دوستان یا خویشاوندانت را به عبادت یا سنتی که خودت آن را انجام می‌دهی دعوت بده، ﴿فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَ﴾
۲. این عبارت را به هدف پیروی از اوامر الله سبحانه و تعالی بگو: ﴿وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖ﴾
۳. از بدعت یا گناهی که در میان مردم منتشر شده است دوری کن و دیگران را نیز از آن برحذر دار، ﴿وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ﴾

رهنمودها

۱. صفات برای الله سبحانه اثبات و همانندی او با مخلوقات نفی شده است، ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾
۲. به آن‌چه الله نصیبت قرار داده است خشنود باش؛ زیرا فقط الله تعالی است که روزی را می‌گشاید و محدود می‌کند، ﴿يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ﴾
۳. نیت نیک بنده در کنار تلاش در طلب هدایت، یکی از اسباب حصول هدایت است، ﴿يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ﴾

ترجمه آیات

او آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین است؛ همسرانی از [جنس] خود شما برایتان قرار داد و از چهارپایان نیز جفت آفرید؛ به این صورت، تعداد شما را افزایش می‌دهد. هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست. (۱۱) کلید [گنجینه‌های] آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گرداند. به راستی که او بر هر چیزی داناست. (۱۲) از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه: «دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه‌فرقه نشوید [و اختلاف نورزید]». [پذیرش] دعوت تو بر مشرکان گران آمده است. الله است که هر کس را بخواهد [توفیق عبادت می‌دهد و] به سوی خویش برمی‌گزیند؛ و هر کس را [که توبه کند و به درگاهش] بازآید، به سوی خویش هدایت خواهد کرد. (۱۳) هنگامی که دلایل محکمِ نبوتِ پیامبر بر کافران عرضه شد، آنان از روی برتری‌خواهی [و حسادتی] که بینشان بود، راه تفرقه پیمودند؛ و اگر فرمان پروردگارت [در موردِ مهلت و تأخیرِ عذاب] تا زمانی معین، از پیش مقرر نشده بود، [بی‌درنگ] میانشان داوری می‌شد؛ و اما پس از کافران [و به دلیل انکار و اختلاف آنان] وارثان کتاب [تورات و انجیل نیز] در مورد قرآن، سخت در تردید و بدگمانی هستند. (۱۴) [ای پیامبر، مردم را] به سوی این [آیین الهی] دعوت کن و چنان که فرمان یافته‌ای پایداری کن و از هوس‌های آنان پیروی نکن و بگو: «به همۀ کتاب‌هایی که الله نازل کرده است ایمان دارم و فرمان یافته‌ام که در برابر شما به عدالت رفتار کنم. الله پروردگار ما و شماست. [نتیجۀ] اعمال ما برای ماست و [نتیجۀ] اعمال شما برای شما؛ هیچ [دشمنی و] جدالی بین ما و شما نیست. الله همۀ ما را [در قیامت] جمع خواهد کرد و بازگشت [همه] به سوی اوست». (۱۵)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓ﴾
بزرگ‌ترین نعمت الله بر بندگانش این است که بهترین و برترین و پاک‌ترین دین را برای‌شان تشریع کرد؛ یعنی دین اسلام که آن را برای بندگان برگزیده و منتخب خویش، بلکه برای برگزیده‌ترین برگزیدگان تشریع کرد. منظور از این بندگانِ برگزیده، رسولان اولوالعزم مذکور در آیه است که برترین و کامل‌ترین مخلوقات به شمار می‌روند. سعدی: ۷۵۴.
پرسش: بزرگ‌ترین نعمت الله بر انسان چیست؟

۲ ﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِ﴾
دین سیدنا محمدﷺ در اصول اعتقادی با دین تمام پیامبران مشترک است؛ بنابراین فرمود: ﴿أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ﴾: یعنی برپایی اسلام که همان توحید و طاعت الله و ایمان به رسولان و کتاب‌ها و سرای آخرت است، اما شرایع پیامبران در احکام فرعی که در این‌جا مراد نیستند، با هم اختلاف دارند. ابن جزی: ۲/ ۲۹۹.
پرسش: رسالت‌های پیامبران در چه مواردی با هم مشترک و در چه مواردی با هم مختلف هستند؟

۳ ﴿أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِ﴾
الله تمام پیامبران را برای برپایی دین و ایجاد الفت و وحدت و یکپارچگی و دوری از تفرقه و اختلاف مبعوث کرد. بغوی: ۴/ ۷۷.
پرسش: ویژگی جامع و کلی مستفاد از آیه که الله تعالی تمام پیامبران را با آن فرستاد چیست؟

۴ ﴿كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِ﴾
یعنی: توحید و ترک نمادها (بت‌ها) که مشرکان را به آن دعوت می‌دهید بر مشرکان گران آمده است. قتاده می‌گوید: گواهی کلمۀ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»، بر مشرکان گران و سخت شده و ابلیس و لشکریانش را به تنگ آورده است، پس الله ابا ندارد از این‌که آن را بر کسانی که با آن دشمنی می‌کنند پیروز و برتر قرار دهد. قرطبی: ۱۸/ ۴۵۳.
پرسش: چه امری بر مشرکان گران آمده است؟

۵ ﴿وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡ﴾
به سبب حسادتی که برای طلب ریاست میان آنان وجود داشت؛ بنابراین پراکندگی آنان به سبب نارسایی بیان و دلایل نبود، بلکه از روی حسادت و ستم و پرداختن به دنیا بود. قرطبی: ۱۸/ ۴۵۴.
پرسش: چرا برخی بزرگانِ مسلمانان با وجود این‌که از علم برخوردار هستند از یکدیگر پراکنده می‌شوند؟

۶ ﴿وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ﴾
الله تعالی پس از این‌که مسلمانان را به اجتماع بر دین‌شان فرمان داد و از پراکندگی نهی کرد، به آنان هشدار داد که به سبب کتابی که بر آنان نازل کرده است مغرور نشوند؛ زیرا اهل کتاب از یکدیگر پراکنده نشدند مگر زمانی که الله کتاب را که موجب وحدت است بر آنان نازل کرد. سعدی: ۷۵۵.
پرسش: چه نکته‌ای از خبر مربوط به پیروان کتاب‌های پیشین به دست می‌آید؟

۷ ﴿وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ﴾
به این دلیل نفرمود «ولا تتبع دینهم» که حقیقت دینی که الله برای‌شان تشریع کرد همان دین تمام رسولان است، اما از آن پیروی نکردند بلکه از هوای نفس‌شان پیروی کردند و دین‌شان را به بازی و سرگرمی گرفتند. سعدی: ۷۵۵.
پرسش: خطر بدعت را با توجه به آیه توضیح دهید.

ترجمه آیات

کسانی که دربارهٔ الله [و دین او] پس از آن که [دعوت او از سوی مردم منصف] پذیرفته شد، به مجادله می‌پردازند، حجّتشان نزد پروردگارشان [باطل و] بی‌پایه است؛ خشم [الهی] گریبانگیرشان می‌شود و عذابی سخت [در پیش] دارند. (۱۶) الله است که قرآن و مقیاس عدالت را به‌حق نازل کرده است؛ و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۱۷) کسانی که قیامت را باور ندارند، [با تمسخر و] به شتاب آن را می‌خواهند؛ و کسانی که [به روز جزا] باور دارند و می‌دانند که حق است، از آن هراسانند. آگاه باشید! کسانی که در مورد قیامت، جدل و انکار می‌کنند، در گمراهی بی‌پایانی قرار دارند. (۱۸) الله نسبت به بندگانش باریک‌بین [و مهربان] است؛ به هر کس بخواهد، روزی می‌بخشد؛ و او توانای شکست‌ناپذیر است. (۱۹) کسی که کِشت آخرت را بخواهد، به کِشته‌اش برکت می‌بخشیم؛ و هر کس [تنها] کِشت دنیا را بخواهد، در اختیار او قرار می‌دهیم؛ و[لی] در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. (۲۰) آیا [مشرکان] معبودانی دارند که بدون اجازهٔ الله، [قوانین] دینی برایشان مقرر کرده‌اند؟ اگر حُکمِ قطعی [برای مهلت دادن به گناهکاران] در میان نبود، [بی‌درنگ] میانشان داوری می‌شد؛ و ستمکاران عذابی دردناک [در پیش] دارند. (۲۱) [در روز قیامت،] ستمکاران را از دستاوردشان هراسان می‌بینی و [خواهی دید که کیفر آن کارها] دامنگیرشان است؛ ولی مؤمنان نیکوکار در باغ‌های بهشتند؛ هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان دارند؛ فضل [و بخشش] بزرگ همین است. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ﴾

اگر سوال شود: چرا قیامت پس از کتاب و میزان ذکر شد؟ پاسخ این است که قیامت، روز جزا و حساب است؛ گویی می‌فرماید: عدالت برپا دارید و اعمال صحیح انجام دهید قبل از این‌که روزی فرا رسد که در قبال اعمال‌تان مورد محاسبه قرار می‌گیرید. ابن جزی: ۲/ ۳۰۰.

پرسش: چرا پس از کتاب و میزان، قیامت ذکر شد؟

❷ ﴿يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا﴾

یعنی: به سبب ایمان‌شان به قیامت و علم‌شان به این‌که در برابر اعمال جزا داده می‌شوند و ترس‌شان از این‌که می‌دانند اعمال‌شان سبب نجات و خوشبختی نخواهد بود. سعدی: ۷۵۶.

پرسش: سبب ترس مومنان از قیامت چیست؟

❸ ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ﴾

یکی از مصادیق لطف الله این است که تمام اسبابی را که مانع و حایل میان بنده و گناهان می‌شود برایش مقدر کرده است، و هنگامی که می‌داند که دنیا و مال و ریاست و از این قبیل امور که اهل دنیا در تحصیل آن مسابقه می‌دهند، بنده‌اش را از طاعتش بازمی‌دارد یا سبب غفلت او از پروردگارش می‌شود یا او را به ارتکاب گناهی می‌کشاند، روزی را از او بازمی‌گرداند و رزقش را محدود می‌کند؛ بنابراین فرمود: ﴿يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ﴾. سعدی: ۷۵۷.

پرسش: چرا رزق پس از لطف به بندگان بیان شد؟

❹ ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ﴾

عطف ﴿وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ﴾ بر صفت ﴿لَطِيفُۢ﴾ یا بر جملهٔ ﴿يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ﴾، تحسین و تمجیدی برای الله تعالی با این دو صفت است و این توهم را دفع می‌کند که لطف او از سر ناتوانی یا ظاهرسازی است؛ الله ذات قوی و شکست‌ناپذیری است که هرگز ناتوان نمی‌شود و نیازی به حیله و فریب ندارد، یا برای دفع این توهم است که به سبب بخل یا اندک‌داشتن، روزی را تنها برای کسانی است که بخواهد؛ او تعالی ذات قدرتمندی است که اسباب بخل از او منتفی است و ذات عزیزی است که سبب فقر در او راه ندارد؛ بنابراین رساندن روزی برای هر کس که می‌خواهد، منوط به حکمتی است که در مورد احوال عام و خاص مخلوقاتش می‌داند. ابن عاشور: ۲۵/ ۷۳.

پرسش: عطف عبارت ﴿وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ﴾ بر صفت ﴿لَطِيفُۢ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

❺ ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ﴾

محمد بن علی کتانی می‌گوید: نسبت به بنده‌ای که از مردم نومید شود و بر الله توکل کند و به سوی او بازگردد لطیف و مهربان است، یعنی او را می‌پذیرد و همراهش می‌شود. بنابر قولی: ذات مهربانی است که محاسن بندگانش را آشکار می‌کند و عیوب‌شان را می‌پوشاند. بنابر قولی: عمل اندک را می‌پذیرد و پاداش فراوان می‌بخشد. بنابر قولی: شکسته را ترمیم می‌کند و سخت را آسان می‌گرداند... بنابر قولی: در برابر کسی که از او نافرمانی کند عجله نمی‌کند و کسی را که به او امید بندد، ناامید نمی‌گرداند. بنابر قولی: کسی را که از او بخواهد بازنمی‌گرداند و کسی را که به او امید بندد نومید نمی‌کند. بنابر قولی: کسی را که بلغزد می‌بخشد. و بنابر قولی دیگر: بر کسی که به خودش رحم نکند رحم می‌کند. قرطبی: ۱۸/ ۴۵۹- ۴۶۱.

پرسش: از لطف و مهربانی الله تعالی به بنده‌اش چه نکته‌ای به دست می‌آید؟

❻ ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦ﴾

یعنی: هر کس با آن‌چه به او روزی داده‌ایم کشتزاری برای آخرتش بخواهد، آن‌گاه حقوق الله را رعایت کند و برای یاری دین انفاق کند؛ قطعا در برابر یک عمل، به او ده تا هفتصد برابر و حتی بیشتر پاداش می‌دهیم. قرطبی: ۱۸/ ۴۶۱.

پرسش: منظور از افزودن در کِشت چیست؟

❼ ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ﴾

یکی از نکات ظریفی که در این آیه آمده، این است که مراحل پذیرایی بر اساس عرف بیان شده است؛ زیرا مسافر و تازه‌وارد ابتدا به منزل وارد می‌شود سپس از او پذیرایی می‌شود و بعد از آن صاحب خانه با همدم می‌شود. ابن عاشور: ۲۵/ ۷۹.

پرسش: آیه سه مورد از مراتب مومنان در بهشت را که مراتب اکرام هستند بیان کرده است. این مراتب را نام ببرید.

سورة (الشورى) الجزء (۲۵) صفحة (٤٨٥)

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ
دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ
١٦ ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ١٧ يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ
أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ١٨
ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ
١٩ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن
كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ
مِن نَّصِيبٍ ٢٠ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ
مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ
وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢١ تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ
مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم
مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٢٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ	در دین الله نزاع و مجادله می‌کنند.
دَاحِضَةٌ	تباه و باطل.
مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا	از برپایی آن می‌ترسند.
يُمَارُونَ	مجادله می‌کنند.
حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ	پاداش آخرت.
كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ	حکم الله مبنی بر اعطای مهلت به آنان و عدم تعجیل در نزول کیفرشان.

عمل به آیات

۱. عملی انجام بده که بر ایمان تو به نزدیک بودن قیامت، دلالت کند، ﴿وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ﴾

۲. سه مورد از مظاهر لطف الله تعالی بر خودت را بنویس، ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ﴾

۳. انجام عمل صالح بزرگی را اراده کن و بکوش آن را محقق کنی تا الله توفیق دهد اعمال صالح بیشتری انجام دهی، ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦ﴾

رهنمودها

۱. یکی از حکمت‌های نزول قرآن و میزان، این است که مردم به عدالت داوری کنند، ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَ﴾

۲. اصلاح نیت واجب است؛ زیرا معیار پذیرش و ردّ عمل است، ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ﴾

۳. از بدعت‌ها بپرهیز، زیرا یکی از اسباب انحراف از ادیان سابق بود و خشم الله تعالی را جلب می‌کند؛ بنابراین شیطان در انجام بدعت به بنده یاری می‌رساند، ﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ﴾

سورة (الشورى) الجزء (٢٥) صفحة (٤٨٦)

ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۗ
قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰۗ وَمَن يَقۡتَرِفۡ
حَسَنَةً نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمۡ يَقُولُونَ
ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ
ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۚ وَٱلۡكَٰفِرُونَ لَهُمۡ عَذَابٞ
شَدِيدٞ ﴿٢٦﴾ ۞وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ بَصِيرٞ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ
﴿٢٨﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٖۚ
وَهُوَ عَلَىٰ جَمۡعِهِمۡ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٞ ﴿٢٩﴾ وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا
كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ﴿٣٠﴾ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ
فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿٣١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰ	به خاطر خویشاوندی‌ای که میان من و شما وجود دارد، در تبلیغ دعوت به من آزار نرسانید.
يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةً	طاعتی کسب کند.
ٱفۡتَرَىٰ	جعل کرده است.
قَنَطُواْ	از نزول باران نومید شدند.
وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥ	بارانش را می‌گستراند.
بَثَّ	پراکنده ساخت و گستراند.
دَآبَّةٖ	انسان و حیوان و هر آن‌چه بر روی زمین می‌جنبد.

عمل به آیات

۱. بگو: یا الله! توبه‌ام را بپذیر و از بدی‌هایم در گذر، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾

۲. به اوامر الله که در آیات آمده است عمل کن تا الله از فضل خویش بر تو بیفزاید، ﴿وَيَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦ﴾

۳. مصیبتی را که به تو رسیده است به یاد آور و بسیار استغفار کن در حالی که این آیه را در ذهن مرور می‌کنی: ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ﴾

رهنمودها

۱. الله وعده داده که باطل را نابود می‌کند، ﴿وَيَمۡحُ ٱللَّهُ ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾

۲. الله تعالی در تقسیم روزی‌ها میان مخلوقات، حکیمانه عمل می‌کند، ﴿وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ بَصِيرٞ﴾

۳. یکی از مظاهر رحمت الله به مخلوقات، نزول باران است و این نعمت، موجب سپاس‌گزاری است، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥ﴾

ترجمه آیات

این همان [فضیلتی] است که الله به بندگان مؤمن و نیکوکارش بشارت می‌دهد. [ای پیامبر،] بگو: «در برابر این رسالت، پاداشی از شما نمی‌خواهم؛ جز [رعایتِ دوستی و] محبتِ خویشاوندی؛ و هر کس [در این راستا] اقدام نیکویی کند، بر پاداشش در آن [مورد] می‌افزاییم. به راستی که الله آمرزگاری قدرشناس است. (۲۳) آیا مشرکان می‌گویند: «[محمد] به الله دروغ نسبت داده است؟» اگر الله بخواهد، بر دل تو مُهر می‌نهد؛ و[لی] الله باطل را محو می‌کند و حق را با سخنان [و تمهیداتِ] خویش به کرسی می‌نشانَد؛ که او به راز دل‌ها داناست. (۲۴) اوست که توبهٔ بندگانش را می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند. (۲۵) او [درخواستِ] مؤمنانِ نیکوکار را می‌پذیرد و از فضلِ خویش بر [پاداش] آنان می‌افزاید؛ و کافران عذابی سخت [در پیش] دارند. (۲۶) اگر الله روزیِ [برخی از] بندگانش را گشایش می‌داد، در زمین ستم و سرکشی می‌کردند؛ ولی به اندازه‌ای که بخواهد مقرر می‌دارد ؛ زیرا او قطعاً به [حال] بندگانش آگاه و بیناست. (۲۷) او ذاتی است که باران را پس از نومیدی [مردم] می‌فرستد و رحمت خویش را می‌گسترد؛ و او تعالی کارساز و ستوده است. (۲۸) از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و موجودات زنده‌ای است که در آنها پراکنده کرده است؛ و هر گاه اراده کند، بر جمع‌آوری آنها نیز تواناست. (۲۹) هر مصیبتی که به شما رسد، به خاطر کارهایی است که انجام داده‌اید؛ و [الله] از بسیاری [از گناهانتان] گذشت می‌کند. (۳۰) شما هرگز در زمین [و آسمان، الله را] به تنگ نمی‌آورید؛ و در برابر الله هیچ کارساز و یاوری نخواهید داشت. (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾
الله تعالی پس از ذکر باغ‌های بهشتی برای بندگانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، فرمود: ﴿ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾ یعنی: قطعاً برای‌شان حاصل و موجود است؛ چون الله تعالی آنان را به آن بشارت داده است. ابن کثیر: ۴/ ۱۱۴.

پرسش: دلیل بشارت مومنان در این آیه چیست؟

۲ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾
چون توبه از اعمال بزرگی است که گاهی به سبب اخلاص و راستی تمام، کامل انجام می‌شود، گاهی به سبب نقص در اخلاص و راستی، ناقص انجام می‌گیرد و گاهی به سبب این‌که برای رسیدن به یکی از اهداف دنیایی انجام می‌شود فاسد است، و محل آن قلب است که فقط الله آن را می‌داند، آیه با عبارت ﴿وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾ به پایان رسید. سعدی: ۷۵۸.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾ پایان یافت؟

۳ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾
بیان اسم بندگان به جای ناس یا تائبین یا سایر موارد، اشاره دارد به این‌که الله در مقام عبودیت به بندگانش مهربان است؛ زیرا آفریدگار و سازنده دوست دارد ساخته‌اش خوب و نیکو باشد. ابن عاشور: ۲۵/ ۹۰.

پرسش: چرا واژهٔ ﴿عِبَادِ﴾ در آیه بیان شد نه ناس یا تائبین؟

۴ ﴿وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ بَصِيرٞ﴾
الله می‌داند اگر رزق و روزی را برای برخی از بندگانش بگشاید سبب فساد آنان می‌شود؛ بنابراین دنیا را به خاطر مصلحت خودشان از آنان دور می‌کند؛ یعنی محدودکردن روزی، نشانهٔ خواری و گشایش آن نشانهٔ فضیلت نیست... روایت شده است که: «إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسْأَلُنِي الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ وَإِنِّي عَلِيمٌ أَنْ لَوْ أَعْطَيْتُهُ إِيَّاهُ لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ فَأَفْسَدَهُ. وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى وَلَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ الْفَقْرُ. وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَلَوْ أَغْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ الْغِنَى»؛ «برخی از بندگان مومنم از من می‌خواهند که دری از عبادت به روی‌شان بگشایم اما من می‌دانم که اگر این خواسته‌شان را برآورده کنم به خودپسندی گرفتار می‌آیند و فاسد می‌شوند، برخی از بندگان مومن من فقط با ثروت اصلاح می‌شوند و اگر آنان را فقیر کنم، فقر سبب فسادشان خواهد شد، و برخی از بندگان مومن من را فقط فقر اصلاح می‌کند و اگر آنان را ثروتمند کنم فاسد خواهند شد». قرطبی: ۱۸/ ۴۷۵.

پرسش: آیا فراخی روزی در هر حالی برای انسان خیر به شمار می‌رود؟

۵ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾
از میان تمام نعمت‌های دنیوی باران را به صورت خاص بیان کرد، چون نعمتی است که تمام مردم را فرامی‌گیرد و اساس دوام زندگی به‌وسیلهٔ ایجاد غذای مناسب برای مردم و حیوانات است. ابن عاشور: ۲۵/ ۹۵.

پرسش: چرا پس از رزق عام، باران را به صورت خاص بیان کرد؟

۶ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾
ذکر دو صفت ﴿ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾ به جای سایر اسمای نیکوی الله به این سبب است که با اغاثه (فریادرسی) مناسبت دارند؛ زیرا ﴿ٱلۡوَلِيُّ﴾ به بندگانش نیکی می‌کند و ﴿ٱلۡحَمِيدُ﴾ چیزی را می‌بخشد که در قبال آن ستایش می‌شود. ابن عاشور: ۲۵/ ۹۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که مناسب‌ترین نام‌های نیکوی الله در این موضع، ﴿ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾ است.

۷ ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ﴾
یعنی: مصیبت‌های جانی و مالی مردم به سبب گناهان‌شان است. ابن جزی: ۲/ ۳۰۳.

پرسش: چه دیدگاهی داری در مورد کسی که می‌گوید: سبب مصیبت‌ها و رنج‌ها، اسباب طبیعی هستند و گناهان و معاصی هیچ ارتباطی با آن‌ها ندارد؟

سورة (الشورى) الجزء (٢٥) صفحة (٤٨٧)

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ٣٢ إِن يَشَأۡ يُسۡكِنِ ٱلرِّيحَ
فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٍ
٣٣ أَوۡ يُوبِقۡهُنَّ بِمَا كَسَبُواْ وَيَعۡفُ عَن كَثِيرٖ ٣٤ وَيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ
يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٣٥ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ
ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ
يَتَوَكَّلُونَ ٣٦ وَٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا
غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ ٣٧ وَٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٨ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ
ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ ٣٩ وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا
وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ
بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ ٤١ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى
ٱلَّذِينَ يَظۡلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۚ أُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٤٢ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنۡ عَزۡمِ
ٱلۡأُمُورِ ٤٣ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِيّٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَتَرَى
ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ يَقُولُونَ هَلۡ إِلَىٰ مَرَدّٖ مِّن سَبِيلٖ ٤٤

ترجمه آیات

از نشانه‌های [توان و تدبیرِ] الهی، کشتی‌های کوه‌پیکری است که در دریاها در حرکتند. (۳۲) اگر الله بخواهد، باد را ساکن می‌گرداند تا [کشتی‌ها] بر پهنهٔ دریا بی‌حرکت بمانند. به راستی در این [امر،] برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه‌هایی است. (۳۳) یا [اگر بخواهد، سرنشینانِ] آن کشتی‌ها را به کیفر اعمالشان نابود می‌سازد؛ در حالی که او از بسیاری [از گناهان] گذشت می‌کند. (۳۴) [تا موجب عبرت باشد] و کسانی که در مورد آیات ما به مجادله برمی‌خیزند، بدانند که [اگر عذاب الهی فرارسد،] راه گریزی نخواهند داشت. (۳۵) [ای مردم،] آنچه به شما داده شده است، نعمت‌های [گذرایِ] زندگی دنیاست؛ و آنچه نزد الله است، برای مؤمنانی که بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پاینده‌تر است. (۳۶) و [نیز برای] کسانی که از گناهان بزرگ و بی‌حیایی‌ها اجتناب می‌ورزند و آنگاه که خشمگین می‌شوند، گذشت می‌کنند. (۳۷) و کسانی که [دعوت] پروردگارشان را پذیرا می‌شوند و نماز برپا می‌دارند و کارشان در میانشان [بر پایه] مشورت است و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند. (۳۸) و کسانی که هر گاه ستمی به آنان برسد، [به دفاع و] انتقام برمی‌خیزند. (۳۹) و جزای هر بدی، کیفری همانند آن بدی است [نه بیشتر]؛ اما هر کس گذشت کند و کار را به اصلاح [و آشتی] آورَد، پاداشش بر عهدهٔ الله است. بی‌گمان، او ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰) البته کسانی که پس از ستمی که دیده‌اند، انتقام می‌گیرند، هیچ [بازخواست و] سرزنشی بر آنان نیست. (۴۱) راه [بازخواست و] سرزنش، تنها بر ستمکارانی گشوده است که به ناحق در زمین برتری‌جویی می‌کنند. آنان عذابی دردناک [در پیش] دارند. (۴۲) اما هر کس شکیبایی و گذشت کند، نشان از قدرت ارادهٔ [او] دارد. (۴۳) هر کس که الله او را گمراه کند، پس از الله هیچ [یاور و] کارسازی نخواهد داشت؛ و [در روز قیامت،] ستمکاران را می‌بینی که چون عذاب را مشاهده کنند، می‌گویند: «آیا راه بازگشتی [به دنیا] هست؟» (۴۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ٣٢ إِن يَشَأۡ يُسۡكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٍ﴾

حرکت و ایستادن کشتی‌های غول‌پیکر بر روی دریا را نشانه‌ای برای هر صبرکنندهٔ سپاس‌گزاری قرار داد؛ زیرا در این دو حالت، خوف و نجات وجود دارد؛ و خوف مقتضی صبر است و نجات مقتضی شکر. ابن عاشور: ۲۵/ ۱۰۶.

پرسش: چرا حرکت و ایستادن کشتی‌ها بر روی دریا، نشانه‌ای برای هر شکیبای سپاس‌گزاری قرار داده شد؟

۲ ﴿وَإِذَا مَا غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ﴾، ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ﴾

هر یک از دو امر در جای خودش پسندیده است؛ یعنی گذشتن از مجرم ناتوان و معترف به جرمش، پسندیده است و واژهٔ مغفرت به این امر اشاره دارد. نیز انتقام از کسی که اصرار بر خصومت دارد پسندیده است که واژهٔ انتصار بر این امر اشاره دارد. اما عکس این دو حالت، ناپسند است. به همین مضمون چنین سروده شده است:

إِذَا أَنْـتَ أَكْرَمْـتَ الْكَرِيْـمَ مَلَكْتَـهُ ... وَإِنْ أَنْـتَ أَكْرَمْـتَ اللَّئِيْـمَ تَمَـرَّدَا

فَوَضْعُ النَّدَى فِي مَوْضِعِ السَّيْفِ بِالعُلَا ... مُضِرٌّ كَوَضْعِ السَّيْفِ فِـي مَوْضِعِ النَّدَى

«اگر شخص کریمی را گرامی بداری، [قدرش را می‌داند و چنان است که] او را مالک شده‌ای، اما اگر شخص پستی را گرامی بداری [نسبت به تو گستاخ‌تر می‌شود و] سرکشی می‌کند. اگر جایی که استفاده از شمشیر لازم است بخشش به کار رود زیانبار است و چنان است اگر شمشیر را به جای عفو و بخشش به کار برند». آلوسی: ۲۵/ ۶۶.

پرسش: چگونه می‌توان میان دو عبارت ﴿وَإِذَا مَا غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ﴾ و ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ﴾ جمع کرد؟

۳ ﴿وَٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

برخی مصادیق اجابت دعوت الله: برپاداشتن نماز و پرداخت زکات است که از باب عطف خاص بر عام، بر اجابت دعوت پروردگار عطف شدند و این امر بر فضیلت و برتری این دو عبادت دلالت دارد. سعدی: ۷۶۰.

پرسش: برپایی نماز و پرداخت زکات در ضمنِ اجابت دعوت پروردگار قرار دارند، چرا به صورت جداگانه نیز ذکر شدند؟

۴ ﴿وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ﴾

یعنی: هیچ یک از آنان به تنهایی و مستبدانه در هیچ یک از امور مشترک عمل نمی‌کند، بلکه این کار با اجتماع و ایجاد انس و محبت و دوستی میان آنان و کمال خردهای‌شان حاصل می‌شود و هر گاه بخواهند کاری انجام دهند که به اِعمال فکر و رأی نیاز دارد، بر آن اجتماع می‌کنند و به شور و رایزنی و مباحثه می‌پردازند و وقتی که مصلحت برای‌شان مشخص شد فرصت را غنیمت می‌شمارند و به انجام کار می‌پردازند. سعدی: ۷۶۰.

پرسش: مشورت میان مسلمانان بر امر بزرگ دیگری دلالت می‌کند. این امر چیست؟

۵ ﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ﴾

الله تعالی اصلاح در عفو را شرط کرد؛ یعنی اگر جنایتکار سزاوار عفو نباشد و مصلحت شرعی، مجازات او را تقاضا کند، عفو مورد فرمان نیست. سعدی: ۷۶۰.

پرسش: چرا پس از عفو، اصلاح ذکر شد؟

۶ ﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ﴾

قرار دادن مزد عفوکننده بر الله سبب تشویق بر عفو و این امر می‌شود که بنده آن‌گونه با مردم رفتار کند که دوست دارد الله با او رفتار کند؛ یعنی همان‌گونه که دوست دارد الله او را ببخشاید او نیز باید از مردم درگذرد و همان‌گونه که دوست دارد الله بر او آسان گیرد او نیز باید بر آنان آسان گیرد؛ زیرا جزا از جنس عمل است. سعدی: ۷۶۰.

پرسش: قرار دادن اجر عفوکننده بر عهدهٔ الله، بر چه امری دلالت دارد؟

۷ ﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ﴾

﴿فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ﴾: دلالت دارد بر این‌که عفو ستمکاران، از انتقام بهتر است؛ زیرا اجر به عفو اختصاص یافته و انتقام با لفظ اباحه ذکر شده است: ﴿وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ﴾. ابن جزی: ۲/ ۳۰۵.

پرسش: در چه حالتی عفو از انتقام بهتر است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡجَوَارِ	کشتی‌های روان.
كَٱلۡأَعۡلَٰمِ	مانند کوه‌ها، از نظر بزرگی.
رَوَاكِدَ	ثابت و بدون جریان.
يُوبِقۡهُنَّ	کشتی‌ها را غرق و نابود می‌کند.
مَّحِيصٖ	گریزگاه و پناهگاه.
ٱلۡبَغۡيُ	ستم و تجاوز.
عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ	کارهای پسندیده و صفات ستوده.

عمل به آیات

۱. به کشتی‌های روان در دریا- یا به تصاویر آن‌ها- بنگر و چند فایده از این تفکر بنویس، ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ﴾

۲. هر گاه صدای اذان را شنیدی، کارت را رها کن و بلافاصله به مسجد برو، ﴿وَٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

۳. با دوستت در مورد بهترین روش حفظ سوره‌ای از قرآن، مشورت کن، ﴿وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

رهنمودها

۱. از گناهان کبیره بپرهیز، ﴿وَٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ﴾

۲. عفو جایگاه بسیار بزرگی دارد؛ زیرا مزدش بر عهدهٔ الله قرار گرفته است، ﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۳. هدایت و گمراهی به دست الله است، از او تعالی بخواه تو را بر دینش پایدار بدارد، ﴿وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِيّٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦ﴾

سورة (الشوری) الجزء (۲۵) صفحة (۴۸۸)

وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ
مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ
خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ
فِي عَذَابٖ مُّقِيمٖ ۴۵ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنۡ أَوۡلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم
مِّن دُونِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ۴۶ ٱسۡتَجِيبُواْ
لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم
مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ ۴۷ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ
فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَإِنَّآ إِذَآ
أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ
بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ ۴۸ لِّلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا
وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ۴۹ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ
وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ۵۰ ۞ وَمَا كَانَ
لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ أَوۡ يُرۡسِلَ
رَسُولٗا فَيُوحِيَ بِإِذۡنِهِۦ مَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٞ ۵۱

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَنظُرُونَ مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖ	زیر چشمی می‌نگرند و با چشم کاملاً باز نگاه نمی‌کنند.
لَّا مَرَدَّ لَهُۥ	بازگشت آن محال و غیر ممکن است.
نَّكِيرٖ	گناهان‌تان را انکار نمی‌کنید، و هیچ مکانی ندارید که در آن پنهان شوید.
عَقِيمًا	نازا.
مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ	[از پس پرده] آن‌گونه که موسی سخن گفت.

عمل به آیات

۱. تمام اوامر و مناهی الله را اجابت کن، ﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ﴾

۲. خانواده‌ات را نصیحت و برای آنان و خودت دعای هدایت کن، ﴿إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

۳. به امری که در یک آیه یا حدیث آمده و در مورد آن مردد هستی بنگر و سریع آن را اجابت کن، ﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ﴾

رهنمودها

۱. ستمکار در روز قیامت به زیان بزرگی گرفتار می‌شود، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

۲. وظیفهٔ رسول، تبلیغ و دعوت است، ﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ﴾

۳. الله تعالی در فرزندانی که به بندگانش می‌بخشد حکیم و داناست، ﴿يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ﴾

ترجمه آیات

[در آن روز،] ستمگران را مشاهده خواهی کرد که بر آتش عرضه می‌شوند؛ و در حالی که از [شدت] خواری، فروتن شده‌اند، زیرچشمی می‌نگرند؛ و [در آن حال] مؤمنان می‌گویند: «زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که [به طمع دنیا] خود و خانواده‌شان را در قیامت به زیان‌انداخته‌اند». آگاه باشید! ستمکاران، گرفتارِ عذابی پایدارند. (۴۵) و آنان در برابر الله، کارسازی نخواهند داشت که یاری‌شان کند؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، راهی [برای نجات] نخواهد داشت. (۴۶) [ای مردم،] پیش از آنکه روزی فرارسد که بازگشتی از جانبِ الله ندارد، دعوت پروردگارتان را بپذیرید. در آن روز، نه پناهگاهی خواهید داشت، نه [فرصتی برای] انکار. (۴۷) [ای پیامبر] اگر [مشرکان از دعوتِ تو] روی می‌گردانند، [توفیق را از خود سلب می‌کنند]. ما تو را نگهبان آنان نفرستادیم و تو وظیفه‌ای جز رساندن [وحی] نداری؛ و چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم، به آن سرمست می‌شود؛ و اگر به سزای رفتار گذشتهٔ خود دچار مصیبتی شود، [به جای بیداری، ناسپاسی می‌کند]. به راستی که انسان بسیار ناسپاس است. (۴۸) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، از آنِ الله است. او هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ به هر کس که بخواهد، [فرزندِ] دختر می‌بخشد و به هر کس که بخواهد، [فرزندِ] پسر. (۴۹) یا پسر و دختر را ـ هر دو ـ با هم می‌دهد؛ و هر کس را که بخواهد، نازا می‌گرداند که او دانای تواناست. (۵۰) درخورِ هیچ بشری نیست که الله با او سخن بگوید؛ مگر با وحی یا از فراسوِ حجابی یا [اینکه الله] فرشته‌ای بفرستد که به فرمانش هر چه بخواهد، وحی کند. بی‌تردید، او تعالی بلندمرتبهٔ حکیم است. (۵۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ﴾

یعنی: به سبب این‌که قبلا از الله تعالی نافرمانی کرده‌اند خواری آنان را فرا می‌گیرد. ابن کثیر: ۴/ ۱۲۲.

پرسش: سبب خواریِ ستمکاران در روز قیامت چیست؟

۲ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِي عَذَابٖ مُّقِيمٖ﴾

زیان زدن آنان به خودشان به این سبب است که در جهنم قرار گرفتند و در آن عذاب می‌شوند، اما زیان‌زدن آنان به خانواده‌های‌شان به این سبب است که اگر همراه آنان در جهنم باشند سودی به آنان نمی‌رسانند و اگر در بهشت باشند میان آنان حایل قرار می‌گیرد. شوکانی: ۴/ ۵۴۳.

پرسش: انسان چگونه به خود و خانواده‌اش در روز قیامت زیان می‌رساند؟

۳ ﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ﴾

این آیه و آیات مشابه، آرزوهای بیهوده را سرزنش می‌کنند و به غنیمت دانستن فرصت در هر کاری که برای بنده عرضه می‌شود فرمان می‌دهند؛ زیرا تاخیر، آفاتی دارد. سعدی: ۷۶۱.

پرسش: آرزوی ناپسند کدام است؟ و آیا به تأخیر انداختن عمل جایز است؟

۴ ﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًا﴾

یعنی تو را نگهبان اعمال‌شان نفرستادیم تا آنان را در قبال آن مورد محاسبه قرار دهی. بنابر قولی: تو را وکیل آنان نفرستادیم تا از آنان جدا نشوی مگر این‌که ایمان آورند، یعنی: حق نداری آنان را بر ایمان مجبور کنی. قرطبی: ۱۸/ ۵۰۰.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه سبب تسکین و دلداری دعوتگران است در صورتی که دعوت‌شان اجابت نشود.

۵ ﴿وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ﴾

اشاره دارد به این‌که چشاندن رحمت، برای شادمانی و سرمستی نیست، بلکه به این هدف است که بخشندهٔ رحمت سپاس‌گزاری شود. و اصابت رنج و مصیبت برای ناسپاسی و بی‌قراری نیست، بلکه برای رجوع به ذاتی است که مصیبت را واقع کرده است. آلوسی: ۲۵/ ۷۵.

پرسش: انسان مؤمن در آسانی و سختی چه تکلیفی دارد؟

۶ ﴿وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ﴾

یعنی: نعمت‌هایی را که قبلا به او رسیده است انکار می‌کند و فقط شرایط موجود را می‌بیند. ابن کثیر: ۴/ ۱۲۲- ۱۲۳.

پرسش: تفاوت میان مسلمان و کافر در نگاه به نعمت‌های سابق چیست؟

۷ ﴿لِّلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ﴾

بنابر قولی: اناث (دختران) به این دلیل مقدم شدند که چون ضعیف هستند توصیه شده به آنان توجه شود؛ به‌خصوص این‌که نزدیک به دورانی قرار داشتند که دختران زنده به گور می‌شدند. در حدیث چنین آمده است: «مَنِ ابْتُلِيَ مِنَ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ، فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ» [لفظ از صحیح مسلم: ۲۶۲۹؛ صحیح بخاری: ۱۴۱۸ و ۵۹۹۵] «اگر کسی دخترانی داشته باشد و به آنان نیکی کند، آنان برای او پرده‌ای در برابر آتش جهنم خواهند بود». آلوسی: ۲/ ۷۵-۷۶.

پرسش: با توجه به آیه و حدیث، احترام و تکریم اسلام به زن و محافظت از او را توضیح دهید.

ترجمه آیات

[ای پیامبر] این‌گونه، قرآن را [توسط جبرئیل و] به فرمان خویش بر تو وحی کردیم. [پیش از آن] تو آگاهی نداشتی که کتاب و ایمان چیست؛ ولی ما آن را نوری ساختیم که هر یک از بندگان خویش را که بخواهیم، به آن هدایت کنیم؛ و مسلّماً تو به راهی راست [= اسلام] هدایت می‌کنی. (۵۲) راه الله که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست. آگاه باشید! [همهٔ] امور به سوی الله بازمی‌گردد. (۵۳)

سورهٔ زخرف

به نام الله بخشندهٔ مهربان

حم [حا. میم]. (۱) سوگند به کتاب روشنگر. (۲) ما آن را قرآنی به زبان عربی قرار دادیم، باشد که خردورزی کنید. (۳) این کتاب، که بلندمرتبه و حکمت‌آموز است، در لوح محفوظ نزد ما ثبت شده است [و دستخوش تغییر نخواهد شد]. (۴) آیا به صِرف اینکه شما [مشرکان،] گروهی اسرافکارید [و پیام الهی را انکار می‌کنید، نزول] قرآن را از شما بازداریم؟ (۵) چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان فرستادیم. (۶) و[لی] هر پیامبری به سوی آنان می‌آمد، مسخره‌اش می‌کردند. (۷) ما افرادی نیرومندتر از مشرکان مکه را هلاک کرده‌ایم؛ و داستان [عبرت‌انگیز] پیشینیان گذشت. (۸) [ای پیامبر] اگر از مشرکان بپرسی: «آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفریده است؟»، قطعاً می‌گویند: «[الله] شکست‌ناپذیر دانا». (۹) همان [پروردگاری] که زمین را محل آسایش شما قرار داد و راه‌هایی در آن برایتان پدید آورد تا راه یابید. (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَا﴾

قرآن منظور است، و به این سبب روح نامیده شد که مایهٔ حیات از مرگ جهل است... مالک بن دینار می‌گوید: ای اهل قرآن، قرآن چه چیزی در دل‌های‌تان کاشته است؟! قرآن بهار دل‌هاست چنان‌که باران بهار زمین است. قرطبی: ۱۸/ ۵۰۹.

پرسش: نامیده‌شدن قرآن به روح، تشویق و دلالتی رسا به همراه دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ﴾

الله سبحانه صفت رسولش را قبل از این‌که به سویش وحی بفرستد چنین بیان می‌کند: یعنی: نمی‌دانستی کتاب چیست. رسول اللهﷺ شخصی امّی بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست؛ پس این صفت، بهترین دلیل بر اعجاز و صحت نبوت پیامبرﷺ است. شوکانی: ۴/ ۵۴۵.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر صحت نبوت پیامبر اسلامﷺ را توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

قرآن چون سبب هدایت است به نور تشبیه شد؛ زیرا ایمان و هدایت و علم به نور و گمراهی و جهل و کفر به تاریکی تشبیه می‌شوند؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾ [البقرة: ۲۵۷] همچنین رهگذر اگر در تاریکی را بپیماید راه را گم می‌کند و هر گاه نوری بیابد راه را پیدا می‌کند؛ بنابراین نور وسیلهٔ هدایت است اما فقط کسی با آن هدایت می‌یابد که مانعی در برابر هدایت نداشته باشد وگرنه وسیلهٔ هدایت هیچ سودی به او نمی‌رساند؛ از این رو می‌فرماید: ﴿نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا﴾. ابن عاشور: ۲۵/ ۱۵۴.

پرسش: چرا کتاب به نور تشبیه شد؟ چه کسی از نور قرآن کریم فایده می‌برد؟

۴ ﴿وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ لَدَيۡنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ﴾

الله تعالی شرافت و فضیلت قرآن در ملأ اعلی را بیان کرد تا ساکنان زمین آن را شریف و بزرگ دارند و از آن اطاعت کنند. ابن کثیر: ۴/ ۱۲۴.

پرسش: چرا الله تعالی از شرافت و بزرگی قرآن در ملأ اعلی خبر داد؟

۵ ﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ﴾

قتاده می‌گوید: به الله سوگند اگر زمانی که مردمِ صدر این امت قرآن را نپذیرفتند قرآن گرفته می‌شد قطعاً نابود می‌شدند، اما الله به رحمت خویش، قرآن را بر آنان بازگرداند و تکرار کرد. قرطبی: ۱۹/ ۷.

پرسش: اگر در ابتدای نزول قرآن که مردم آن را نپذیرفتند قرآن از ما گرفته می‌شد چه حالی داشتیم؟

۶ ﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ﴾

هر چند حال‌تان اقتضا می‌کرد که رها شوید تا بر کفر و گمراهی بمیرید و در عذاب همیشگی بمانید، اما به سبب رحمت گسترده‌ای که داریم این کار را انجام ندادیم، بلکه با فرستادن رسولی امین و نزول کتابی روشنایی‌بخش شما را به سوی حق هدایت می‌کنیم. آلوسی: ۲۵/ ۹۰.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر رحمت و فضل گستردهٔ الله را توضیح دهید.

۷ ﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾

به پیامبرش محمدﷺ دلداری و آرامش می‌دهد. قرطبی: ۱۹/ ۹.

پرسش: چرا تمسخر پیامبران پیشین توسط اقوام‌شان بیان شد؟

سورتا (الشوری، الزخرف) الجزء (۲۵) صفحة (۴۸۹)

وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ
وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ
وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٥٢﴾ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٥٣﴾

سُورَةُ الزُّخۡرُفِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا
لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ لَدَيۡنَا
لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا
أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمۡ أَرۡسَلۡنَا مِن نَّبِيّٖ فِي
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ
﴿٧﴾ فَأَهۡلَكۡنَآ أَشَدَّ مِنۡهُم بَطۡشٗا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلۡأَوَّلِينَ
﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ
خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٩﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ
مَهۡدٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
رُوحٗا	قرآن کریم. قرآن به این سبب روح نامیده شد که حیات دل‌هاست.
صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ	اسلام.
تَصِيرُ	امور به سوی او بازمی‌گردد و بر اساس آن‌ها جزا می‌دهد.
أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ	لوح محفوظ.
أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا	آیا از شما روی برگردانیم و شما را با قرآن پند ندهیم.

عمل به آیات

۱. سه فایدهٔ دنیوی یا اخروی را که از تدبر در قرآن به دست آورده‌ای بنویس، ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَا﴾

۲. تصور کن اگر قرآن به تو نرسیده بود و به اسلام هدایت نشده بودی، چه زندگی سخت و ناگواری داشتی سپس از الله تعالی در قبال نعمت هدایت و ایمان سپاس‌گزاری کن، ﴿وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا﴾

۳. یک مقاله یا سخنرانی در مورد فضیلت و بزرگی پیامبران ارائه بده، ﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾

رهنمودها

۱. پیروی از سنت پیامبرﷺ یکی از اسباب هدایت به راه راست است، ﴿وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۲. بازگشت تمام کارها فقط به سوی الله تعالی است، پس فقط بر او توکل کن، ﴿أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ﴾

۳. کسی که در غفلت زیاده‌روی می‌کند اگر هدایت شود احتمال دارد که بیش از دیگران به مسلمانان فایده برساند، ﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ﴾

سورة (الزخرف) الجزء (۲۵) صفحة (۴۹۰)

وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ
كَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ۝١١ وَٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
لَكُم مِّنَ ٱلۡفُلۡكِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مَا تَرۡكَبُونَ ۝١٢ لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ
ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ
ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ۝١٣ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا
لَمُنقَلِبُونَ ۝١٤ وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًاۚ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ
لَكَفُورٞ مُّبِينٌ ۝١٥ أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ وَأَصۡفَىٰكُم
بِٱلۡبَنِينَ ۝١٦ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحۡمَٰنِ مَثَلٗا
ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝١٧ أَوَمَن يُنَشَّؤُاْ فِي
ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ۝١٨ وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ
ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًاۚ أَشَهِدُواْ خَلۡقَهُمۡۚ سَتُكۡتَبُ
شَهَٰدَتُهُمۡ وَيُسۡـَٔلُونَ ۝١٩ وَقَالُواْ لَوۡ شَآءَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَا عَبَدۡنَٰهُمۗ
مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ۝٢٠ أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ
كِتَٰبٗا مِّن قَبۡلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسۡتَمۡسِكُونَ ۝٢١ بَلۡ قَالُوٓاْ إِنَّا
وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ ۝٢٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِقَدَرٖ	به اندازه و وزنی مشخص.
مُقۡرِنِينَ	توانایان.
وَأَصۡفَىٰكُم	به شما اختصاص داده است.
كَظِيمٌ	سرشار از غم و اندوه.
يُنَشَّؤُاْ	پرورش می‌یابد.
ٱلۡحِلۡيَةِ	زینت.

عمل به آیات

۱. برخی نعمت‌های الله بر خودت را این‌گونه برشمار که پروردگارم فلان و فلان نعمت را به من ارزانی داشت... سپس شکر این نعمت‌ها را به جای آور، ﴿لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ﴾

۲. هنگام سوارشدن به ماشین یا هواپیما یا کشتی یا چهارپایان بگو: ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ۝١٣ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾

۳. به عبادتی که یکی از والدینت انجام می‌دهند بنگر و به آن عمل و برای پدر و مادرت دعا کن و از گناهی که یکی از آن‌ها انجام می‌دهد دوری گزین و از الله بخواه آن‌ها را هدایت کند، ﴿بَلۡ قَالُوٓاْ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از موارد تعظیم الله تعالی، یگانه‌قراردادن او در عبادت است، ﴿وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًاۚ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ مُّبِينٌ﴾

۲. فرشتگان جایگاه بزرگی نزد الله دارند، ﴿وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًاۚ أَشَهِدُواْ خَلۡقَهُمۡۚ سَتُكۡتَبُ شَهَٰدَتُهُمۡ وَيُسۡـَٔلُونَ﴾

۳. یکی از بزرگ‌ترین اسباب بازدارنده از راه الله تعالی، تقلید گناهکار از پدران و پیروی از عادات و سنت‌های مخالفِ کتاب و سنت است، ﴿بَلۡ قَالُوٓاْ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ﴾

ترجمه آیات

و همان ذاتی که باران را از آسمان به مقدار معینی فرستاد؛ آنگاه سرزمین خزان‌زده و خشک را به وسیلهٔ آن حیات بخشیدیم؛ شما نیز همین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید. (۱۱) پروردگاری که تمام مخلوقات را آفرید و از کشتی‌ها و چهارپایان، وسیلهٔ سواری برایتان پدید آورد؛ (۱۲) تا بر پشت آنها قرار گیرید و آنگاه که بر آنها قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: «پاک و منزه است ذاتی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ (۱۳) و ما به پیشگاهِ پروردگارمان بازمی‌گردیم». (۱۴) مشرکان از میان بندگان الله، سهمی [از فرزند] برایش قرار دادند. به راستی که انسان آشکارا ناسپاس است. (۱۵) آیا [می‌پندارید] الله از میان آفریدگانش، دختران را انتخاب کرده و پسران را به شما اختصاص داده است؟ (۱۶) اما هر گاه به یکی از آنان، همان چیزی را بشارت دهند که برای [الله] رحمان قائل هستند [= تولد دختر]، در حالی که خشم خود را فرومی‌خورد، چهره‌اش [از اندوه] تیره می‌گردد. (۱۷) آیا کسی را که در زیور [و راحتی] پرورش می‌یابد و در [هنگام] جدال [قادر به] تبیین مقصودش نیست [به الله نسبت می‌دهید؟] (۱۸) [مشرکان]، فرشتگان را که بندگانِ [الله] رحمانند، مؤنث پنداشتند. آیا به هنگام آفرینش آنان حضور داشتند؟ سخنانشان ثبت می‌گردد و [در روز قیامت،] بازخواست خواهند شد. (۱۹) [آنان برای توجیهِ شرکِ خود] می‌گویند: «اگر [الله] رحمان می‌خواست، ما فرشتگان را عبادت نمی‌کردیم». آنان در مورد این [سخن] بی‌اطلاعند [و] جز سخن دروغ نمی‌گویند. (۲۰) آیا پیش از قرآن کتابی به آنان داده‌ایم که به آن استدلال کنند؟ (۲۱) بلکه می‌گویند: «نیاکانمان نیز همین آیین را داشتند و ما [نیز] راه آنان را دنبال می‌کنیم». (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یعنی نه آن‌گونه که بی‌اندازه بر قوم نوح نازل شد تا این‌که آنان را غرق کرد، بلکه به اندازه است: نه طوفانی غرق‌کننده و نه کمتر از حد نیاز، تا آب مورد نیاز شما و چهارپایان‌تان را تأمین کند. قرطبی: ۱۹/ ۱۱.

پرسش: چرا نزول باران با ﴿بِقَدَرٖ﴾ تعبیر شد؟

۲ ﴿وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ﴾

از استدلال و برشمردن نعمت آفرینش زمین، به استدلال و برشمردن نعمت آفرینش وسایل زندگی در زمین جابه‌جا شد؛ یعنی نعمت آب باران که بر اثر آن، زمین گیاهانی برای طعام مردم می‌رویاند. ابن عاشور: ۲۵/ ۱۷۰.

پرسش: قرآن کریم دلایل را به تدریج بیان می‌کند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾

یعنی: پس از مرگمان به سوی او می‌رویم و بزرگ‌ترین سفر ما به سوی اوست. از طریق حرکت و سیر در زمین، بندگان را از حرکت در آخرت آگاه کرد؛ چنان‌که با توشهٔ دنیوی بر توشهٔ اخروی آگاه می‌سازد و می‌فرماید: ﴿وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ﴾ [البقرة: ۱۹۷] «و (خوراک و پوشاک مورد نیاز حج را برای خود فراهم کنید و) توشه برگیرید (ولی به یاد داشته باشید که) به راستی، بهترین توشه، پرهیزگاری است» و با لباس دنیوی بر لباس اخروی آگاه می‌سازد، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَرِيشٗاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ ذَٰلِكَ خَيۡرٞۚ﴾ [الأعراف: ۲۶] «و (مایهٔ) زینت شماست؛ و (برای مؤمن،) لباس پرهیزگاری بهتر است». ابن کثیر: ۴/ ۱۲۶.

پرسش: امور دنیوی زیادی وجود دارد که ما را بر احوال اخروی راهنمایی می‌کنند. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۴ ﴿وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾

یعنی: به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم. اشاره دارد به این‌که سواره باید در اسباب و لوازم سفر بیندیشد و از این طریق، بزرگ‌ترین مسافرت را که بازگشت به سوی الله تعالی است به یاد آورد؛ آن‌گاه برای این سفر بزرگ آمادگی کسب کند و اعمال منافی با آن را انجام ندهد. یکی از ضروریات این امر، آن است که سفر برای امر مشروعی انجام گیرد و در سفرهای دنیایی که معمولاً با خطر همراه است، نباید از سفر آخرت غافل شد. آلوسی: ۲۵/ ۹۶.

پرسش: سوارشدن بر حیوانات و سایر وسایل نقلیه و سفر، چگونه یادآور آخرت است؟

۵ ﴿لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ۝١٣ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾

مسلم روایت می‌کند که پیامبر ﷺ وقتی بر مرکب خویش سوار می‌شد سه مرتبه تکبیر می‌گفت سپس این آیه را تلاوت می‌کرد: ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ۝١٣ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾؛ «پاک و منزّه الله است که او این‌ها را به زیر فرمان ما درآورد، وگرنه ما بر آن‌ها توانایی نداشتیم. و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم». سپس می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، [اللَّهُمَّ اصْحَبْنَا فِي سَفَرِنَا، وَاخْلُفْنَا فِي أَهْلِنَا]»؛ «یا الله! در این سفر خواهان نیکی و تقوی و عملی هستم که باعث خشنودی تو باشد. یا الله! این سفر را برای ما آسان و دوری راه را برای ما نزدیک بگردان. یا الله! تویی همراه ما در این سفر، و تو جانشین ما در خانواده هستی؛ ای معبود من! در سفر همراه ما و در خانواده‌مان جانشین ما باش». هنگام بازگشت به سوی خانواده‌اش این دعا را می‌خواند: «آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ»؛ «به امید الله، توبه‌کنان، عبادت‌کننده و ستایش‌کنندهٔ پروردگارمان، در حال بازگشت هستیم» [صحیح مسلم: ۱۳۴۲؛ بخشی از حدیث که در کروشه آمده از مسلم نیست و در ترمذی: ۳۴۴۷ آمده است]. بقاعی: ۷/ ۱۳.

پرسش: نحوهٔ عمل به آیهٔ فوق را بیان کنید.

۶ ﴿أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ﴾، ﴿وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًا﴾

در مورد فرشتگان مقرب گستاخی کردند و آنان را از مرتبهٔ عبادت و فروتنی به مرتبهٔ مشارکت با الله در یکی از صفات مخصوصش رساندند، سپس آنان را از مرتبهٔ ذکوریت به مرتبهٔ انوثیت پایین آوردند. پاک و منزه است ذاتی که تناقض کسانی را که بر او دروغ بندند و با رسولانش دشمنی کنند آشکار می‌گرداند. سعدی: ۷۶۴.

پرسش: تناقض آشکار موجود در سخن مشرکان را بیان کنید.

۷ ﴿أَوَمَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ﴾

پرورش‌یافتن در زینت و ناز و نعمت، عیب و ناپسند و یکی از صفات دختران پرده‌نشین است؛ بنابراین مرد باید از این امر پرهیز کند و خود را از آن دور نگاه دارد و مانند سخن عمر رضی الله عنه زندگی کند که می‌گفت: «لباس و غذای خشن استفاده کنید و ساده‌زیست باشید. و اگر کسی خواست خودش را بیاراید، باطن خویش را با لباس تقوا زینت بخشد». آلوسی: ۲۵/ ۹۹.

پرسش: آیا صفات زنانه و زیاده‌روی در زینت و تجمل، شایستهٔ مرد است؟ چرا؟

سورة (الزخرف) الجزء (۲۵) صفحة (۴۹۱)

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ
إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ﴿۲۳﴾
۞ قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ
قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿۲۴﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ
كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿۲۵﴾ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ
إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ﴿۲۶﴾ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ
﴿۲۷﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿۲۸﴾ بَلۡ
مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ﴿۲۹﴾
وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿۳۰﴾ وَقَالُواْ
لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ﴿۳۱﴾ أَهُمۡ
يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم
بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿۳۲﴾ وَلَوۡلَآ
أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ
لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ﴿۳۳﴾

ترجمه آیات

پیش از تو نیز هر [پیامبرِ] هشداردهنده‌ای را به هر شهری فرستادیم، ثروتمندانِ سرکشِ آن شهر می‌گفتند: «نیاکانمان نیز همین آیین را داشتند و ما [نیز] راه آنان را دنبال می‌کنیم». (۲۳) [پیامبرشان] می‌گفت: «اگر آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه نیاکانتان داشتند آورده باشم [باز هم از آنان پیروی می‌کنید]؟» آنان [در پاسخ] می‌گفتند: «[آری،] پیامی را که مأمور [ابلاغ] آن شده‌اید، انکار می‌کنیم». (۲۴) ما نیز از آنان انتقام گرفتیم؛ پس بنگر که سرانجامِ تکذیب‌کنندگان چگونه بود. (۲۵) [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: «از آنچه شما عبادت می‌کنید، بیزارم؛ (۲۶) مگر از ذاتی که مرا آفریده است که او هدایتم خواهد کرد». (۲۷) ابراهیم، یکتاپرستی را در میانِ نسل‌های پس از خود، سخنی ماندگار قرار داد؛ باشد که [به پیشگاه الهی] بازگردند. (۲۸) بلکه اینان [که در مکه آلوده به شرک هستند] و پدرانشان را [از نعمت‌های دنیا] برخوردار کردم تا آنکه حق [= قرآن] و پیامبری روشنگر به سراغشان آمد؛ (۲۹) و آنگاه که حق [= قرآن] به سویشان آمد، گفتند: «این جادوست و آن را انکار می‌کنیم»؛ (۳۰) و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو شهرِ [مکه و طائف] نازل نشده است؟» (۳۱) آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ماییم که روزی [و معیشت] آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و آنان را نسبت به هم، به درجاتی برتری بخشیده‌ایم تا از خدماتِ [متقابلِ] یکدیگر استفاده کنند؛ و رحمت پروردگارت از اموالی که جمع می‌کنند بهتر است. (۳۲) اگر [نگرانی از آن] نبود که همهٔ مردم [در دنیاطلبی و انکار الله] یك گروه شوند، سقف خانهٔ کسانی را که به الله رحمان ایمان ندارند، از نقره قرار می‌دادیم و نیز پله‌هایی [از نقره در آن می‌نهادیم] که بتوانند از [طبقاتِ] آن [خانه] بالا روند؛ (۳۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ﴾

وقتی دلایل را برای مشرکان ذکر کرد و آنان را از عذاب ترساند و بیان داشت که تقلید سبب نجات‌شان از عذاب نیست، ابراهیم عليه السلام را که بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین پدرِ آنان و مایهٔ فخرشان و سزاوارترین پیشواست برای‌شان یادآوری کرد، تا به پیروی از این پدر، تقلید را ترک کنند یا اگر چاره‌ای جز تقلید ندارند از او تقلید کنند که بزرگ‌ترین پدر و نیز همراه دلیل است. بقاعی: ۷/ ۲۱.

پرسش: چرا قصهٔ ابراهیم عليه السلام پس از ذکر حال مشرکانی ذکر شد که به دین پدران‌شان چنگ می‌زدند؟

۲ ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ﴾

اعلام بیزاری ابراهیم عليه السلام از آن‌چه پدرش عبادت می‌کرد بهترین دلیل است بر ترک عبادت نمادها (بت‌ها) به‌گونه‌ای که در این کار سهل‌انگاری صورت نگیرد، حتی اگر عبادت‌کنندهٔ نمادها (بت‌ها) نزدیک‌ترین شخص به انسان موحّد باشد... مانند پدر. ابن عاشور: ۲۵/ ۱۹۲.

پرسش: چرا ابراهیم عليه السلام قبل از قومش به صورت خاص و جداگانه بیان شد؟

۳ ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

﴿وَجَعَلَهَا﴾: این صفت نیکو را که اساس و مادر تمام صفات است؛ یعنی اخلاص عبادت برای الله به تنهایی و بیزاری‌جستن از عبادت هر آن‌چه غیر اوست... این کلمه همیشه در میان نسل ابراهیم عليه السلام موجود بود تا این‌که به رفاه و طغیان گرفتار شدند. سعدی: ۷۶۴.

پرسش: رفاه و طغیان چه تاثیری بر عقیدهٔ توحیدی دارد؟

۴ ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ﴾

این بزرگ‌ترین عناد و دشمنی است؛ زیرا به صِرف رویگردانی از حق و حتی انکار آن بسنده نکردند، بلکه تا آن‌جا پیش رفتند که عیبی ناپسند به آن نسبت دادند و آن را به منزلهٔ سحر باطلی که پلیدترین و دروغگوترین افراد آن را انجام می‌دهد قرار دادند. سعدی: ۷۶۵.

پرسش: از گفتن عبارت ﴿هَٰذَا سِحۡرٞ﴾ توسط مشرکان، چه نکته‌ای از حال آنان به دست می‌آید؟

۵ ﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ﴿۳۱﴾ أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾

وقتی اسباب و لوازم زندگی و ارزاق دنیوی بندگان در دست الله تعالی قرار دارد و اوست که آن‌ها را میان بندگانش تقسیم می‌کند و بر اساس حکمت خویش، روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گستراند و آن را برای هر کس که بخواهد محدود می‌گرداند، پس رحمت دینی او که برترین آن‌ها نبوت و رسالت است به طریق اولی در دست الله تعالی قرار دارد و الله داناتر است به این‌که رسالتش را کجا قرار دهد، بنابراین پشنهادشان ساقط و بیهوده است و تدبیر تمام امور دینی و دنیوی فقط در دست الله قرار دارد. سعدی: ۷۶۵.

پرسش: چرا پس از بیان این پیشنهادشان که قرآن بر مردی از این دو شهر نازل شود، موضوع تقسیم روزی‌ها بیان شد؟

۶ ﴿وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗا﴾

نوعی واداشتن به خدمت است؛ یعنی برخی را بر برخی دیگر برتری دادیم تا یکدیگر را به خدمت بگیرند. ابن جزی: ۲/ ۳۱۲.

پرسش: حکمت بزرگی در اختلاف منازل و درجات مردم وجود دارد. این حکمت بزرگ چیست؟

۷ ﴿وَلَوۡلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ﴾

حسن می‌گوید: یعنی اگر چنین نبود که به سبب تمایل به دنیا و ترک آخرت، همگی مردم کافر شوند، قطعاً آن‌چه را که بیان شد در دنیا به آنان می‌بخشیدیم؛ زیرا دنیا نزد الله تعالی خوار و ناچیز است. قرطبی: ۱۹/ ۳۷- ۳۸.

پرسش: با توجه به آیه، خواری و پستی دنیا نزد الله را بیان کنید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بَرَآءٞ	بیزار.
فَطَرَنِي	مرا آفرید.
سُخۡرِيّٗا	مطیع در کار.
وَمَعَارِجَ	نردبانی از نقره.
يَظۡهَرُونَ	بالا می‌روند.

عمل به آیات

۱. برنامه‌ای بریز تا انواع ناز و نعمت‌هایی را که باعث می‌شود عمل حرامی را مرتکب شوی یا عمل واجبی را ترک کنی از زندگی خود برطرف کنی، ﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ﴾

۲. سه مورد از مظاهر تحقق توحید توسط ابراهیم عليه السلام را بنویس، ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ﴾

۳. برخی از موارد فرمانبرداری انسان‌ها از یکدیگر که الله مقدّر فرموده است را بیان کنید، ﴿لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ﴾

رهنمودها

۱. رفاه یکی از اسباب تکبر و دوری از حق است، پس از آن برحذر باش، ﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ﴾

۲. دعوتگر در معرض تمسخر و استهزا قرار دارد، بنابراین این امر مانع تو از دعوت نشود که روشی قدیمی است، ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ﴾

۳. یکی از مظاهر رحمت الله به بندگانش این است که برخی را در تسخیر برخی دیگر درآورده و فقیر و غنی را محتاج یکدیگر قرار داده است، ﴿وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ﴾

سورة (الزخرف) الجزء (٢٥) صفحة (٤٩٢)

وَلِبُيُوتِهِمۡ أَبۡوَٰبٗا وَسُرُرًا عَلَيۡهَا يَتَّكِـُٔونَ ٣٤ وَزُخۡرُفٗاۚ وَإِن
كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ
لِلۡمُتَّقِينَ ٣٥ وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا
فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦ وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ
أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٧ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيۡتَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ
بُعۡدَ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرِينُ ٣٨ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ
إِذ ظَّلَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ٣٩ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ
ٱلصُّمَّ أَوۡ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٤٠ فَإِمَّا
نَذۡهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنۡهُم مُّنتَقِمُونَ ٤١ أَوۡ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِي
وَعَدۡنَٰهُمۡ فَإِنَّا عَلَيۡهِم مُّقۡتَدِرُونَ ٤٢ فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ
إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤٣ وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ
وَسَوۡفَ تُسۡـَٔلُونَ ٤٤ وَسۡـَٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ
أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ ٤٥ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا
مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٦ فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ ٤٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَزُخۡرُفٗا	طلا.
وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا	تمام این‌ها نیست مگر... .
يَعۡشُ	روی گرداند.
نُقَيِّضۡ	آماده و فراهم می‌کنیم.
قَرِينٞ	یار و همدم.
بُعۡدَ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ	به اندازهٔ فاصلهٔ میان مشرق و مغرب.

عمل به آیات

۱. صد مرتبه بگو: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ، ﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ﴾

۲. سنتی را که مهجور مانده است بشناس و تلاش کن آن را عملی کنی، ﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۳. لحظات طولانی‌ای را که بر تو گذشته و در آن‌ها الله را به یاد نیاورده‌ای به یاد آور، سپس به یاد داشته باش که شیطان در این لحظات همنشین تو بوده است، ﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ﴾

رهنمودها

۱. برحذر باش از این‌که عملی انجام دهی که گمان می‌کنی نیکوست اما در واقع، بر گمراهی قرار داری، درمان این درد، علم با دلیل صحیح است، ﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ﴾

۲. تمسک به کتاب و سنت، سبب نجات و محافظت در دنیا و آخرت است، ﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۳. تمسخر دین و دینداران صفت کافران و منافقان است، ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ﴾

ترجمه آیات

و برای خانه‌هایشان درهایی [از طلا] می‌گذاشتیم و تخت‌هایی [قرار می‌دادیم] که بر آن تکیه زنند؛ (۳۴) و تجمل [و زینت‌های] فراوان [برایشان فراهم می‌کردیم] و تمام اینها بهرهٔ [ناچیز] زندگی دنیاست؛ و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران است. (۳۵) هر کس از یاد [الله] رحمان دل بگرداند، شیطانی بر او می‌گماریم تا [یار و] همنشینش باشد [و همواره او را فریب دهد]. (۳۶) شیاطین، این گروه را از راه [الله] بازمی‌دارند؛ و[لی] آنان گمان می‌کنند که هدایت‌یافته‌اند. (۳۷) تا آنگاه که [در قیامت] نزد ما بیاید، [به شیطانِ همنشینش] می‌گوید: ای کاش میان من و تو، فاصله‌ای به دوری شرق و غرب بود! چه همنشین بدی بودی!». (۳۸) [الله می‌فرماید:] «امروز [پشیمانی] سودی به حالتان نخواهد داشت؛ زیرا ستم کرده‌اید و همگی در عذاب شریکید». (۳۹) [ای پیامبر،] آیا می‌توانی [پیام خود را] به گوش ناشنوایان برسانی یا نابینایان و گمراهانِ آشکار را [به راه راست] هدایت کنی؟ (۴۰) پس اگر تو را [پیش از عذاب آنان از دنیا] ببریم، [در هر حال،] از آنان انتقام خواهیم گرفت. (۴۱) یا عذابی را که به آنان وعده داده‌ایم، [در دوران زندگی‌ات] به تو نشان خواهیم داد؛ زیرا ما بر آنان اقتدار [کامل] داریم. (۴۲) به آنچه بر تو وحی می‌شود تمسّک بجوی که بی‌گمان، بر راه راست قرار داری. (۴۳) تردیدی نیست که قرآن برای تو و قومت مایهٔ اندرز [و سربلندی] است و [روز قیامت، دربارهٔ ایمان و عمل به آن] بازخواست خواهید شد. (۴۴) از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم بپرس که آیا غیر از [الله] رحمان، معبودانی برای عبادت قرار داده‌ایم [مسلّماً چنین نیست]. (۴۵) ما موسی را با معجزات خویش به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم و به آنان گفت: «من فرستادهٔ پروردگار جهانیانم»؛ (۴۶) و هنگامی که آیات [و معجزات] ما را به آنان ارائه کرد، همگی به آنها خندیدند. (۴۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ٣٣ وَلِبُيُوتِهِمۡ أَبۡوَٰبٗا وَسُرُرًا عَلَيۡهَا يَتَّكِـُٔونَ ٣٤ وَزُخۡرُفٗاۚ وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾
یعنی: قطعاً دنیای‌شان را با انواع زینت‌ها و تجملات می‌آراست و آن‌چه را می‌خواستند به آنان عطا می‌کرد، اما محروم‌کردن از این موارد، به سبب رحمتی از جانب او به بندگانش است؛ تا مبادا به سبب محبت دنیا بر انجام کفر و گناهانِ بیشتر بشتابند. بنابراین آیه دلالت دارد بر این‌که الله بندگانش را برای مصالح خودشان، از برخی امور دنیا به صورت عام یا خاص محروم می‌گرداند. سعدی: ۷۶۵.

پرسش: آیه دلالت دارد بر این‌که یکی از مصادیق رحمت الله سبحانه این است که بندگانش را گاهی از برخی تجملات دنیایی محروم می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦ وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ﴾
زیرا هر کس که در دنیا توانگری و ثروت به او بخشیده شده باشد، اغلب از ذکر الله غافل می‌شود، در نتیجه فرشتگان از او دور می‌شوند و شیاطین همنشین او می‌گردند، آن‌گاه او را به سوی تمام بدی‌ها می‌رانند. اما هر کس که تقوای الهی پیشه کند و پیوسته ذکر او تعالی را بگوید، الله او را با فرشته‌ای یاری و تقویت می‌کند. بقاعی: ۷/ ۲۷- ۲۸.

پرسش: یکی از آسیب‌های غفلت از یاد الله تعالی را بیان کنید؟

۳ ﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ﴾
اگر سوال شود: آیا این حالت عذر به شمار می‌رود، از این جهت که انسان گمان می‌کند هدایت‌یافته است اما در واقع چنین نیست؟ بنابر قولی: چنین کسی و امثالش عذری ندارند؛ یعنی کسانی که سبب جهل‌شان، رویگردانی از ذکر الله است با وجود این‌که می‌توانند هدایت یابند، از آن روی گردانیدند و به باطل روی آوردند، یعنی گناه گناه‌شان است و جرم جرم‌شان است. سعدی: ۷۶۶.

پرسش: آیا گمراهان از این جهت که گمان می‌کنند هدایت‌یافته هستند معذور به شمار می‌روند؟

۴ ﴿وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ إِذ ظَّلَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ﴾
این سخن در آخرت به کافران گفته می‌شود، یعنی اشتراک‌شان در عذاب، سودی به آنان نمی‌رساند و این‌گونه نیست که راحت و آسوده شوند، همانند انسان مصیبت‌زده در دنیا که وقتی مصیبت‌زدگانی مانند خودش می‌بیند مصیبت بر او آسان می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۳۱۴.

پرسش: عذابی روحی را که شخصِ غافل از ذکر الله در آخرت به آن گرفتار می‌شود بیان کنید.

۵ ﴿أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ أَوۡ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾
یعنی: ذره‌ای از این امر به تو بازنمی‌گردد بلکه به سوی الله که بر همه‌چیز تواناست بازمی‌گردد، و وظیفهٔ تو فقط ابلاغ است. بقاعی: ۷/ ۳۰.

پرسش: مسئولیت اصلی دعوتگران به سوی الله تعالی چیست؟

۶ ﴿وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ وَسَوۡفَ تُسۡـَٔلُونَ﴾
ضمیر ﴿وَإِنَّهُۥ﴾ به قرآن یا اسلام بازمی‌گردد و ذکر در این‌جا به معنای شرف و افتخار است. قوم پیامبر یعنی قریش و سایر عرب‌ها، به‌وسیلهٔ اسلام، در دنیا و آخرت به شرافت و بزرگی دست یافتند و همین اندازه کافی است که بگوییم مشارق و مغارب زمین را فتح کردند. ابن جزی: ۲/۳۱۴.

پرسش: منظور از شرافتی که عرب با تمسک به اسلام به آن رسیدند چیست؟

۷ ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾
چون افراد مرفه و خوشگذران حریص هستند بر این‌که کسانی را که نزدشان می‌آیند به نوعی مسخره و تحقیر کنند... و فرعون و گمراهانِ همانندِ او پیوسته چنین هستند تا این‌که الله بلندمرتبه با رسالت رسولانش آنان را نابود می‌کند یا به روش دیگری بر آنان چیره می‌شود، حتی اگر در اوج قدرت باشند، الله سبحانه قصهٔ موسی عليه‌السلام را به عنوان گواهی بر این مطلب بیان کرد؛ زیرا فرعون، موسی عليه‌السلام را با سخنانش تحقیر می‌کرد، اما با وجود قدرتش نابود گشت و بنی‌اسرائیل که ضعیف بودند نجات یافتند. بقاعی: ۷/ ۳۳.

پرسش: موضع افراد مرفه و راحت‌طلب در برابر نصیحت‌کنندگان چیست؟ سنت الله در مورد عاقبت هر یک از دو گروه را بیان کنید؟

ترجمه آیات

هر معجزه‌ای به آنان ارائه دادیم، یکی از دیگری بزرگ‌تر بود و [چون همه را تکذیب کردند،] آنان را به عذاب گرفتار کردیم؛ باشد که [از کفر] بازگردند. (۴۸) [پس هنگامی که گوشه‌ای از عذاب الهی را چشیدند،] گفتند: «ای جادوگر! از پروردگارت ـ بنا به عهدی که با تو دارد ـ بخواه [تا عذاب را از ما دور کند] که ما [دیگر] راه‌یافته‌ایم». (۴۹) اما هنگامی که عذاب را از آنان برداشتیم، پیمان شکستند [و بر کفر اصرار ورزیدند]. (۵۰) فرعون در میان قوم خود ندا سر داد و گفت: «ای قوم من، آیا فرمانروایِی مصر در اختیار من نیست و این نهرها از دامنهٔ قصرِ من جریان ندارد؟ آیا [قدرت و عظمتم را] نمی‌بینید؟ (۵۱) من از این مردِ بی‌مقدار که [حتی] نمی‌تواند به روشنی سخن بگوید، شایسته‌ترم. (۵۲) چرا [به نشانهٔ سروَری،] دستبندهای زرین [از آسمان] بر او افکنده نشده است [تا ثابت شود که پیامبر است]؟ یا چرا فرشتگان همراه او نیامده‌اند؟» (۵۳) او [= فرعون] قوم خود را به [بی‌خردی و] سبُکسَری کشاند و همگی مُطیع او شدند. حقا که آنان [نسبت به اوامر الهی] نافرمان بودند. (۵۴) پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همگی را [در دریا] غرق کردیم. (۵۵) آنگاه آنان را در شمارِ پیشگامان [کفر و نافرمانی] و عبرتی [برای آیندگان] قرار دادیم. (۵۶) و هنگامی که [داستانِ تولد] پسر مریم مطرح شد، قومِ تو [که گمان کردند می‌توانند مانند نصاری چند معبود داشته باشند] به ناگاه، شادی و هیاهو به راه انداختند. (۵۷) و گفتند: «معبودان ما بهترند یا او [= عیسی]؟» آنان این سخن را تنها برای جدال با تو عنوان کردند؛ به راستی که گروهی ستیزه‌جو هستند. (۵۸) عیسی فقط بنده‌ای است که نعمت [رسالت] بر او ارزانی داشتیم و او را نمونه‌ای [از قدرت الهی] برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. (۵۹) اگر می‌خواستیم، [همهٔ شما انسان‌ها را نابود می‌کردیم و] به جای شما، فرشتگانی پدید می‌آوردیم که در زمین جانشین [شما] شوند. (۶۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

الله سبحانه بیان کرد که به این علت آنان را مجازات کرد که شاید بازگردند. شوکانی: ۴/ ۵۵۹.

پرسش: رحمت الله تعالی به مخلوقاتش حتی در عذاب دنیوی آشکار می‌گردد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَقَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ﴾

منظور آنان از ساحر، موسی عليه‌السلام بود که یا از باب تمسخر یا از باب مدح این سخن را گفتند؛ یعنی با صفتی که ساحران را که گمان می‌کردند علمای‌شان هستند مورد خطاب قرار می‌دادند موسی عليه‌السلام را نیز مورد خطاب قرار دادند. سعدی: ۷۶۷.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که جامعه، از علما و عبادتگزاران بی‌نیاز نیست.

۳ ﴿وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِۦ قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِى مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِى مِن تَحْتِىٓ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾

این سخن فرعون به سبب جهل بزرگ، از او سر زد؛ چون به امری خارجی افتخار کرد نه به صفاتی پسندیده و نه به کارهایی درست. سعدی: ۷۶۷.

پرسش: مدح فرعون توسط خودش، بیانگر جهلی بزرگ است. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿فَلَوْلَآ أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَآءَ مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾

فرعون به ظاهر امر نگاه کرد و اگر می‌فهمید راز معنوی، آشکارتر از آن چیزی بود که با چشم به آن می‌نگریست ولی نفهمید. ابن کثیر: ۴/ ۱۳۲.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که دیدگاه فرعون به موسی عليه‌السلام، دیدگاه اشتباهی بود.

۵ ﴿فَٱسْتَخَفَّ قَوْمَهُۥ فَأَطَاعُوهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ﴾

یعنی فرعون قومش قبط را نادان دید. بنابر قولی: آنان را به خفت و جهل کشاند. بغوی: ۴/۱۰۳.

پرسش: یکی از اسباب انتشار بدعت و گمراهی در جامعه، جهل است. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ﴾

عمر بن ذر می‌گوید: «ای گناهکاران، از بردباری طولانی الله بر خودتان فریب نخورید و از خشم او تعالی برحذر باشید؛ زیرا می‌فرماید: ﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ﴾؛ «وقتی ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم». قرطبی: ۱۹/ ۶۴.

پرسش: خطر فریب‌خوردن و مداومت در ارتکاب گناهان را بر اساس آیه بیان کنید.

۷ ﴿فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ﴾

حال آنان مایهٔ اندرز برخی و باعث گمراهی دیگران شد؛ یعنی هر کس بخواهد مانند حال آنان داشته باشند مثل اعمال آنان انجام می‌دهد، و هر کس اراده کند از عذابی که به آنان رسید نجات یابد از اعمال‌شان دوری می‌گزیند. بقاعی: ۷/ ۳۹.

پرسش: الله تعالی چگونه احوال امت‌های پیشین را سبب اندرز برخی مردم و گمراهی برخی دیگر قرار داد؟

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَٰهُم
بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدْعُ لَنَا
رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا
عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِۦ
قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِى مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِى مِن
تَحْتِىٓ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ
وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَآ أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَآءَ
مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَٱسْتَخَفَّ قَوْمَهُۥ
فَأَطَاعُوهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا
ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَٰهُمْ
سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ ﴿٥٦﴾ ۞ وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا
إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوٓا۟ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ
هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًۢا ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ
إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾
وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةً فِى ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَنكُثُونَ	پیمان می‌شکنند و بر کفر اصرار می‌ورزند.
مَهِينٌ	ضعیفی که هیچ عزت و احترامی ندارد.
مُقْتَرِنِينَ	همراه و همنشینش تا او را تصدیق کنند.
ءَاسَفُونَا	ما را به خشم آوردند.

عمل به آیات

۱. مصیبتی را که به تو رسیده به یاد آور سپس گناهی را که قبل از این مصیبت انجام داده‌ای به یاد آور و به درگاه الله استغفار کن، شاید به این سبب به مصیبت گرفتار شده‌ای که به سوی پروردگارت بازگردی، ﴿وَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

۲. در سلسله مصیبت‌های کوچک و بزرگی که به امت رسیده است بیندیش، سپس بگو: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات و از کیفر تو به عفوت پناه می‌برم»، ﴿وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

۳. صدقه بده که خشم پروردگار را فرو می‌نشاند، ﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ﴾

رهنمودها

۱. رنج و مصیبت‌های بندگان، انذارهایی از جانب الله بر آنان است تا توبه کنند و بازگردند، ﴿وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

۲. از معاصی الله و مخالفت با فرمان پیامبرش دوری کن تا از خشم و کیفر او تعالی در امان بمانی، ﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ﴾

۳. از سرکشی در رفتار و گفتار بپرهیز که سرانجام به خواری در دنیا و آخرت منجر می‌شود؛ چنان‌که قوم فرعون وقتی سرکشی کردند الله عذابش را بر آنان نازل کرد، ﴿فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ﴾

سورة (الزخرف) الجزء (۲۵) صفحة (۴۹۴)

وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ
مُّسۡتَقِيمٞ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ
﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدۡ جِئۡتُكُم بِٱلۡحِكۡمَةِ
وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي تَخۡتَلِفُونَ فِيهِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ
﴿٦٤﴾ فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ
مِنۡ عَذَابِ يَوۡمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن
تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٦٦﴾ ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ
بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَٰعِبَادِ لَا خَوۡفٌ
عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ﴿٦٨﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
وَكَانُواْ مُسۡلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ
تُحۡبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖۖ
وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُۖ وَأَنتُمۡ فِيهَا
خَٰلِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ مِّنۡهَا تَأۡكُلُونَ ﴿٧٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَعِلۡمٌ لِّلسَّاعَةِ	قطعاً نزول عیسی ؑ دلیل نزدیکی وقوع قیامت است.
صِرَٰطٌ مُّسۡتَقِيمٌ	راه راست و بدون کجی به سوی بهشت.
بِٱلۡحِكۡمَةِ	با حکمت.
بَغۡتَةً	ناگهانی.
ٱلۡأَخِلَّآءُ	دوستان و یاران.
تُحۡبَرُونَ	بهره‌مند و شاد می‌شوید.
بِصِحَافٍ	ظرف‌هایی.

عمل به آیات

۱. همراه یکی از دوستان، یکدیگر را بر نماز در صف اول و قرائت قرآن سفارش کنید، ﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

۲. فقط به هدف کسب محبت الله به دیدار یکی از برادران مسلمانت برو، ﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

۳. بگو: «رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٍ وَاجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ «پروردگارا! از ناحیهٔ همسران و فرزندان‌مان، روشنایی دیده به ما عطا فرما و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده»، ﴿ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ تُحۡبَرُونَ﴾

رهنمودها

۱. از اختلاف در دین برحذر باش، ﴿فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمٍ أَلِيمٍ﴾

۲. در تمام امورت از راه الله پیروی کن و بر این امر پایدار باش، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾

۳. دوستی‌هایی که بر اساس مصالح و مجاملات ایجاد می‌شوند در روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌شوند، ﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

ترجمه آیات

قطعاً [نزول] او [= عیسی] نشانه [نزدیکی وقوع] قیامت است؛ پس هرگز در مورد قیامت شک نکنید و پیرو من باشید که راه راست [به سوی بهشت،] همین است. (۶۱) [آگاه باشید تا] شیطان شما را [از راه الله] بازندارد؛ چرا که او دشمن آشکار شماست. (۶۲) و چون عیسی [معجزات و] نشانه‌های روشن به آنان ارائه کرد، گفت: «من حکمت برایتان آورده‌ام تا [به آن راه یابید] و برخی از موارد اختلافتان را روشن کنم؛ پس از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۶۳) الله پروردگار من و شماست؛ پس او را عبادت کنید که راهِ راست همین است». (۶۴) آنگاه گروه‌های [مختلف] بنی‌اسرائیل میان خود [دربارهٔ عیسی] دچار اختلاف شدند؛ پس وای بر ستمکاران از عذاب روز دردناک! (۶۵) آیا جز این انتظار دارند که قیامت ـ در حالی که غافلند ـ ناگهان بر آنان فرا رسد؟ (۶۶) دوستان [دنیایی،] در آن روز، دشمن یکدیگرند؛ مگر پرهیزگاران. (۶۷) [الله به آنان می‌فرماید:] «ای بندگانِ [پرهیزکارِ] من، امروز ترس و اندوهی نخواهید داشت. (۶۸) همان بندگانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم [فرمانِ ما] بودند. (۶۹) شما و دیگر مؤمنانی که همچون شما هستند، به بهشت درآیید تا [از نعمت‌های جاودانش بهره‌مند گردید و] شادمان شوید. (۷۰) ظرف‌ها و جام‌های زرین را پیرامونشان می‌گردانند؛ و هر چه دل‌ها بخواهد و دیده‌ها از آن لذت بَرَد، در آنجا موجود است؛ و شما در بهشت جاودانه‌اید. (۷۱) این همان بهشتی است که در برابر اعمالتان به شما داده‌اند. (۷۲) میوه‌های فراوانی آنجا در اختیار دارید که از آنها می‌خورید. (۷۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾

عبارت ﴿لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ﴾ بنابر دیدگاه صحیح که قرآن و سنت متواتر آن را تأیید می‌کنند به این معناست که: نزول عیسی ؑ به صورت زنده در آخر الزمان نشانه‌ای برای قیامت است؛ یعنی نشانه‌ای برای نزدیکی برپایی قیامت است. شنقیطی: ۷/ ۱۲۸.

پرسش: منظور از ﴿لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ﴾ چیست؟

۲ ﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ﴾

یعنی: به خودی خود دشمنی آشکار است و این دشمنی را اعلام کرده است؛ چنان‌که در دشمنی با پدرتان به جایی رسید که او را از محل راحتی و آسایش به مکان رنج و سختی پایین آورد. این دشمنی از حسادت ناشی می‌شود و هرگز پایان نمی‌پذیرد. بقاعی: ۷/ ۴۳.

پرسش: منشأ دشمنی شیطان با ما چیست؟ و این دشمنی چه زمانی پایان می‌یابد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾

هدف عیسی ؑ از مقدم‌کردن خود بر قومش در عبارت ﴿رَبِّي وَرَبُّكُمۡ﴾ بستن راه‌های غلو در مقدس‌شمردن او بود. این امر یکی از معجزات عیسی ؑ به شمار می‌رود؛ زیرا الله تعالی می‌دانست گروهی از پیروان عیسی در حق او غلو می‌کنند و او را پسر حقیقی الله تعالی قرار می‌دهند. ابن عاشور: ۲۵/ ۲۴۸.

پرسش: چرا عیسی در عبارت ﴿رَبِّي وَرَبُّكُمۡ﴾ خودش را قبل از قومش بیان کرد؟

۴ ﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

یعنی: تمام دوستی‌ها و همنشینی‌هایی که برای غیر الله ایجاد گردد در روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌شود، مگر دوستی‌هایی که برای الله ایجاد شده که دائمی و همیشگی است. ابن کثیر: ۴/ ۱۳۵.

پرسش: سبب دوام دوستی در روز قیامت چیست؟

۵ ﴿يَٰعِبَادِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ﴾

یعنی: در اموری که پیش رو دارید هیچ ترسی بر شما وارد نمی‌شود و هیچ اندوهی به خاطر آن‌چه گذشته است به شما نمی‌رسد، و هنگامی که امور ناگوار از تمام وجوه نفی شود، محبوب مورد نظر ثابت می‌گردد. سعدی: ۷۶۹.

پرسش: وقتی ترس و اندوه از بهشتیان نفی گردد چه چیزی برای‌شان ثابت می‌شود؟

۶ ﴿يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖۖ وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُۖ وَأَنتُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ﴾

پس از ذکر طعام و شراب، میوه نیز بیان شد تا نعمت و شادمانی کامل گردد. ابن کثیر: ۴/ ۱۳۷.

پرسش: چرا میوه پس از طعام و شراب بیان شد؟

۷ ﴿وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

این سخن در روز قیامت به آنان گفته می‌شود؛ یعنی: به سبب اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دادید بهشت به شما رسید، آن‌گونه که میراث به وارث می‌رسد. شوکانی: ۴/ ۵۶۴.

پرسش: با توجه به آیه اهمیت عمل صالح را بیان کنید.

ترجمه آیات

بی‌تردید، مجرمان در عذاب دوزخ جاودانند. (۷۴) [در حالی که عذاب] از آنان کاسته نمی‌شود و در یأس و نومیدی فرورفته‌اند. (۷۵) ما به آنان ستم نکردیم؛ بلکه آنها خود به خویشتن ستم می‌کردند. (۷۶) [دوزخیان، نگهبان آتش را صدا می‌زنند و] فریاد برمی‌آرند: «ای مالک [کاش] پروردگارت کار ما را یکسره کند [و ما را بمیراند]». او می‌گوید: «نه، شما [در این عذاب] ماندگارید». (۷۷) به راستی ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از آن کراهت داشتید. (۷۸) بلکه آنان عزمِ [خود را برای توطئه علیه تو] جزم کردند؛ ما نیز ارادهٔ محکمی [بر ناکام گذاشتنِ آنان] داریم. (۷۹) آیا می‌پندارند که ما سخنان سِرّی و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ آری، فرشتگان ما در کنارشان [هستند و همه چیز را] ثبت می‌کنند. (۸۰) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر [به فرض محال، الله] رحمان فرزندی داشت، من نخستین عبادت‌کننده [او] بودم». (۸۱) [معبود یگانه‌ای که] پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش است، از توصیفِ [جاهلانه] آنان منزه است. (۸۲) پس [ای پیامبر،] آنان را [به حال خود] بگذار تا یاوه‌گویی کنند و به بازی سرگرم باشند تا سرانجام، با روز موعود [= قیامت] مواجه شوند [و سزای اعمالشان را ببینند]. (۸۳) او تعالی است که در آسمان و زمین معبود است؛ و او حکیم داناست. (۸۴) پربرکت و بزرگوار است ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، از آنِ اوست؛ و آگاهی از [لحظهٔ برپاییِ] رستاخیز تنها در اختیار اوست و [همگی] به پیشگاه او بازگردانده می‌شوید. (۸۵) کسانی که [مشرکان] به جای الله [به نیایش] می‌خوانند، قادر به شفاعت نیستند؛ مگر افرادی که به [کلمهٔ توحید و] حق گواهی می‌دهند. (۸۶) و اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است، مسلّماً می‌گویند: «الله»؛ پس چگونه [از عبادت الله] بازگردانیده می‌شوند (۸۷) [شکایت و] سخن پیامبر [این بود:] «پروردگارا، اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند». (۸۸) [ای پیامبر،] از [آزار و اذیت] آنان درگذر و [برای رهایی از شرّشان] بگو: «سلام بر شما»؛ به زودی خواهند دانست [که عذابشان چگونه است]. (۸۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ﴾

منظور از «مُبلِس» در این‌جا نومید از نجات است، یعنی کسی که نومید شده و در برابر عذاب و مصیبت، تسلیم شده است. طبری: ۲۱/ ۶۴۳.

پرسش: منظور از «إبلاس» کافران در آتش چیست؟

۲ ﴿لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ﴾

یعنی: بر اثر نومیدی زیاد اندوهگین هستند. راغب می‌گوید: «إبلاس عبارت است از اندوهی که بر اثر نومیدی شدید حاصل می‌شود و ابلیس از آن مشتق شده است. چون مُبلِس بیشتر ساکت است و مصلحتش را فراموش می‌کند، گفته می‌شود: أبلس فلان؛ یعنی ساکت شد و دیگر دلیلی برایش باقی نماند». إبلاس در این‌جا به سکوت و قطع دلیل تفسیر شده است. آلوسی: ۲۵/ ۱۴۱.

پرسش: ﴿مُبۡلِسُونَ﴾ به چه معناست؟

۳ ﴿قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ۝٧٧ لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ﴾

وقتی درخواست کنند که بمیرند، مالک این‌گونه به آنان پاسخ می‌دهد: ﴿إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ﴾ سپس سبب شقاوت آنان را که همان مخالف با حق بود، بیان می‌کند و می‌گوید: ﴿لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ﴾. ابن کثیر: ۴/ ۱۳۷.

پرسش: بیان عبارت ﴿لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ﴾ پس از عبارت ﴿قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۴ ﴿لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ﴾

در دنیا حق، یعنی توحید و سایر اموری را که ایمان به آنان واجب است با ارسال رسولان و نزول کتاب‌ها، نزدتان آوردیم. اما اکثر شما حق را نمی‌پسندید و از آن می‌گریزید. آلوسی: ۲۵/ ۱۴۲.

پرسش: منظور از حق در آیه چیست؟

۵ ﴿قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡعَٰبِدِينَ﴾

اگر ذات رحمان فرزندی داشت، من نخستین عبادتگزار این فرزند بودم؛ زیرا جزئی از پدرش بود و من نیز نخستین مخلوق در فرمانبرداری از امور محبوب الله هستم؛ اما اینک اولین انکارکننده و سرسخت‌ترین نفی‌کنندهٔ این ادعا هستم. این استدلال، در نگاه کسانی که به احوال رسولان آشنایی دارند بسیار دقیق و قانع‌کننده است و ادعای وجود فرزند برای الله را باطل می‌کند. سعدی: ۷۷۰.

پرسش: این نکته از آیه به دست می‌آید که رسولان پیش از تمام مردم به کمالات رسیده‌اند و دورترین مردم از بدی‌ها و عیوب هستند. این نکته را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

با بیان آسمان و زمین، احاطه به احوال تدبیر و آفرینش را قصد کرد؛ زیرا مشرکان در زمین، بت‌های نصب‌شدهٔشان را شریکان الله قرار دادند و در آسمان فرشتگان را شریک او گردانیدند و آنان را دختران الله تعالی پنداشتند. ابن عاشور: ۲۵/ ۲۶۷.

پرسش: چرا ربوبیت الله تعالی در این آیه به آسمان‌ها و زمین اختصاص یافت؟

۷ ﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

در این‌جا به سلام و خوش‌آمدگویی به آنان دستور داده نشده است؛ بلکه فقط جدایی منظور است؛ نتیجه این‌که به آنان بگو اگر دعوتم را نپذیرید، فرمان یافته‌ام که از شما دوری کنم. آلوسی: ۲۵/ ۱۵۱.

پرسش: هنگام ستیزه‌جویی و نپذیرفتن دعوت توسط کسانی که مورد دعوت قرار گرفته‌اند، به نرمی و حکمت امر شده‌ایم. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ٧٤ لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ
فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٥ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧٦
وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ٧٧ لَقَدۡ
جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٨ أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا
فَإِنَّا مُبۡرِمُونَ ٧٩ أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ
وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ ٨٠ قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ
ٱلۡعَٰبِدِينَ ٨١ سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ
عَمَّا يَصِفُونَ ٨٢ فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ
ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٨٣ وَهُوَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ
إِلَٰهٞۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٨٤ وَتَبَارَكَ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ
٨٥ وَلَا يَمۡلِكُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا
مَن شَهِدَ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٨٦ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٨٧ وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ
لَّا يُؤۡمِنُونَ ٨٨ فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٨٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ	بر آنان تخفیف نمی‌یابد.
مُبۡلِسُونَ	نومیدان از رحمت الله.
أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا	آیا کاری برای نیرنگ‌زدن به پیامبرمان محمد ﷺ مشخص کرده‌اند.
يَخُوضُواْ	در باطل خویش گفتگو کنند.
فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ	چگونه از عبادت الله بازگردانده می‌شوند؟!
وَقِيلِهِۦ	سخن محمد ﷺ در شکایتش.
فَٱصۡفَحۡ	از آزار و اذیت‌های‌شان روی گردان.

عمل به آیات

۱. با عمل به این آیه، الله تعالی را به پاکی بستای: ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه تو را مشمول شفاعت پیامبر اسلام ﷺ بگرداند، ﴿وَلَا يَمۡلِكُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ﴾

۳. کسانی را که به تو ستم کرده‌اند ببخش، ﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. گستردگی و احاطهٔ علم الله تعالی موجب می‌شود که بنده تقوای الهی را پیشه کند و از او تعالی بترسد، ﴿أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ﴾

۲. الله تعالی از داشتن فرزند که کافران به او نسبت می‌دهند پاک و منزه است، ﴿قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡعَٰبِدِينَ ۝٨١ سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

۳. الله تعالی به پیامبرش دستور می‌دهد که کافران را ببخشد، پس ما سزاوارتر هستیم بر این‌که از کسانی که بر ما ستم کرده‌اند در گذریم، ﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ
إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا
مِّنْ عِندِنَآ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُۥ هُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ
إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾
فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِى ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى ٱلنَّاسَ
هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَّبَّنَا ٱكْشِفْ عَنَّا ٱلْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ
﴿١٢﴾ أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ
تَوَلَّوْا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُوا۟ ٱلْعَذَابِ قَلِيلًا
إِنَّكُمْ عَآئِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ
﴿١٦﴾ ۞ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ
﴿١٧﴾ أَنْ أَدُّوٓا۟ إِلَىَّ عِبَادَ ٱللَّهِ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍ	شب قدر در ماه رمضان.
يُفۡرَقُ	حکم می‌شود و از لوح محفوظ جدا می‌گردد و به فرشتگان نویسنده می‌رسد.
أَمۡرٍ حَكِيمٍ	امری محکم و استوار؛ شامل اجل‌ها و روزی‌ها در آن سال.
فَٱرۡتَقِبۡ	برای این مشرکان منتظر باش.
ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ	عذاب بزرگ‌تر در روز قیامت.
أَدُّوٓاْ إِلَيَّ	بندگان الله (بنی‌اسرائیل) را به من تحویل بده.

عمل به آیات

۱. صبح که از خواب بیدار شدی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»؛ «تمام ستایش‌ها از آنِ الله است که مرا پس از این‌که میراند زنده کرد و زنده‌شدن پس از مرگ در رستاخیز به سوی اوست»، ﴿لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

۲. از الله بخواه مصیبت را از مصیبت‌زدگان بردارد، ﴿رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ﴾

۳. برای احترام و تعظیم پیامبرﷺ بر او درود فرست، ﴿ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ﴾

رهنمودها

۱. برخی فضایل شب قدر بدین قرار است: نزول قرآن و تقسیم روزی‌ها؛ پس این شب را غنیمت بدان و آن را با نماز و ذکر و دعا و تلاوت قرآن زنده کن، ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ﴾

۲. هر گاه پند داده شدی پند بگیر و تکبر نورز تا الله بصیرت تو را از بین نبرد، ﴿أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ﴾

۳. الله تعالی مهلت می‌دهد اما غافل نمی‌شود، ﴿يَوۡمَ نَبۡطِشُ ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾

سورۀ دخان

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

حم [حا. میم]. (۱) و سوگند به کتاب روشنگر. (۲) [که] ما قرآن را در شب مبارک [و فرخندۀ قدر] نازل کردیم [زیرا] که ما [همواره] هشداردهنده بوده‌ایم. (۳) در آن [شب،] هر امر مهمی فیصله می‌یابد [و تدبیر می‌شود]. (۴) [این] کاری است [که] از جانب ما [صورت می‌گیرد] بی‌گمان، ما فرستنده[ی پیامبران] بوده‌ایم. (۵) به عنوان رحمتی از پروردگارت. بی‌تردید، او شنوای داناست. (۶) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست. اگر [به این حقیقت] یقین دارید [به الله و پیامبرش ایمان بیاورید]. (۷) هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ زندگی می‌بخشد و می‌میراند؛ پروردگار شما و نیاکان شماست؛ (۸) ولی مشرکان تردید دارند و سرگرم [لذت‌های دنیا] و بازی هستند. (۹) پس [ای پیامبر] منتظر روزی باش که آسمان، دودی آشکار [پدید] آورد. (۱۰) که [تمام] مردم را فرامی‌گیرد. این عذابی دردناک است. (۱۱) [آنگاه کافران می‌گویند:] «پروردگارا، [این] عذاب را از ما برطرف کن که ایمان آورده‌ایم». (۱۲) چگونه [و از کجا] پند می‌پذیرند در حالی که [پیشتر،] پیامبر روشنگر به سویشان آمده بود؟ (۱۳) اما از او روی گرداندند و گفتند: «[او] آموزش‌یافته‌ای دیوانه است». (۱۴) [برای آزمایش شما] زمانی اندک عذاب را برمی‌داریم؛ و[لی] شما [به کفرِ خویش] بازمی‌گردید. (۱۵) روزی که سخت بر آنان می‌تازیم. [آری،] ما [از کافران به خاطر کفر و تکذیبشان،] انتقام می‌گیریم. (۱۶) پیش از آنان نیز قوم فرعون را آزمودیم و پیامبری بزرگوار به سویشان آمد (۱۷) [که به آنان گفت:] «بندگان الله [= بنی‌اسرائیل] را به من بسپارید که من پیامبری امین برایتان هستم. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾

﴿فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍ﴾ یعنی: بسیار با خیر و برکت. شب قدر منظور است که از هزار ماه بهتر است؛ بنابراین، الله تعالی بهترین کلام را در بهترین شب بر بهترین مخلوق و با زبان عربی نازل کرد. سعدی: ۷۷۳.

پرسش: منظور از شب مبارک چیست؟ و چرا صفت مبارک را به خود گرفت؟

۲ ﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ﴾

﴿يُفۡرَقُ﴾: داوری می‌شود و به پایان می‌رسد. ﴿أَمۡرٍ حَكِيمٍ﴾: روزی و اجل بندگان و تمام کارهای‌شان در آن سال؛ در شب قدر از لوح محفوظ نسخه‌برداری می‌شود تا فرشتگان آن را در طول سال آینده اجرا کنند. ابن جزی: ۲/ ۳۲۱.

پرسش: منظور از امر حکیمی که در شب قدر داوری می‌شود چیست؟

۳ ﴿بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ﴾

اقرارشان بدون علم و یقین صادر می‌شود و انگار اقرار نکرده‌اند؛ زیرا آن را با شک و بازی درآمیختند و خاصیت یقین و اقراری را که بر اساس علم صادر می‌شود از آن برداشته‌اند؛ زیرا علم اگر صاحبش را به عمل و تجدید نظر نکشاند، به غفلت و بعد از آن به فراموشی می‌رود، آن‌گاه ضعیف می‌شود تا این‌که مانند شک می‌گردد. ابن عاشور: ۲۵/ ۲۸۴- ۲۸۵.

پرسش: با توجه به آیه، خطر عمل‌نکردن به علم را توضیح دهید.

۴ ﴿فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ﴾

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبرﷺ فرمود: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ سِتًّا: الدَّجَّالَ، وَالدُّخَانَ، وَدَابَّةَ الْأَرْضِ، وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَأَمْرَ الْعَامَّةِ، وَخُوَيْصَةَ أَحَدِكُمْ» [صحیح مسلم: ۲۹۴۷] «پیش از فرارسیدن شش واقعه بر انجام اعمال صالح بشتابید [که پس از این وقایع، هیچ عملی پذیرفته نخواهد شد]: خروج دجال، آشکارشدن دود، جنبندۀ روی زمین، طلوع خورشید از مغرب، امر عامه [= قیامت] و مرگ هر یک از شما. بقاعی: ۷/ ۶۸.

پرسش: به تأخیر انداختن عمل صالح از وقتش چه آفتی دارد؟

۵ ﴿رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ﴾

جملۀ ﴿إِنَّا مُؤۡمِنُونَ﴾ برای بیان علت درخواستِ دفع عذاب از آنان است؛ یعنی صفتی داریم که عذاب کافران را از ما دفع می‌کند. تلقین این سخن به آنان، به فضیلت ایمان اشاره دارد. ابن عاشور: ۲۵/ ۲۹۰.

پرسش: آیه چگونه فضیلت ایمان را آشکار می‌گرداند؟

۶ ﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٞ كَرِيمٌ﴾

از قتاده روایت شده که منظور از رسول کریم، موسی علیه السلام است و الله به این سبب موسی علیه السلام را کریم نامید که نزدش گرامی و دارای جایگاه والایی بود. این احتمال نیز وجود دارد که به سبب این‌که در میان قومش شریف و بلندمرتبه بود کریم نامیده شده باشد. طبری: ۲۲/ ۲۴.

پرسش: چرا پیامبر الله موسی علیه السلام، کریم نامیده شد؟

۷ ﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ﴾

یعنی: رسولی از جانب پروردگار جهانیان هستم و بر آن‌چه مرا با آن فرستاده است امانتدار هستم و ذره‌ای از آن را از شما پنهان نمی‌کنم و هیچ کم و زیادی‌ای در آن نمی‌آورم. با توجه به این امر، لازم بود که به صورت کامل از او اطاعت کنند. سعدی: ۷۷۳.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که در آیۀ فوق، بدعت و نوآوری سرزنش شده است.

سورة (الدخان) الجزء (٢٥) صفحة (٤٩٧)

وَأَن لَّا تَعْلُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّىٓ ءَاتِيكُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّى عُذْتُ
بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا۟ لِى فَٱعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾
فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِى لَيْلًا إِنَّكُم
مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَٱتْرُكِ ٱلْبَحْرَ رَهْوًا ۖ إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
تَرَكُوا۟ مِن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ
كَانُوا۟ فِيهَا فَٰكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا
بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ
نَجَّيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِن فِرْعَوْنَ ۚ إِنَّهُۥ
كَانَ عَالِيًا مِّنَ ٱلْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ ٱخْتَرْنَٰهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى
ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم مِّنَ ٱلْءَايَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٌا۟ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ
خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟
مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ
﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

ترجمه آیات

و [نیز] بر الله برتری مجویید که من دلیل روشنی برایتان آورده‌ام؛ (۱۹) و از اینکه سنگسارم کنید به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم. (۲۰) اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره بگیرید [و رهایم کنید]». (۲۱) آنگاه به درگاه پروردگارش دعا کرد که: «[بار الها،] اینان گروهی تبهکارند». (۲۲) [به موسی وحی کردیم که:] «بندگانم را شبانه [از مصر] بیرون ببر؛ زیرا [سپاه فرعون] شما را تعقیب خواهند کرد؛ (۲۳) و دریا را آرام پشت سر بگذار که آنان سپاهی هستند که غرق خواهند شد. (۲۴) چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌سارها که رها کردند [و رفتند]، (۲۵) و کشتزارها و قصرهای نیکو [و زیبا]، (۲۶) و نعمتی که در آن شادمان [و بهره‌مند] بودند. (۲۷) [سرنوشتشان] این گونه [بود] و [تمامی] آن نعمت‌ها را به گروهی دیگر واگذاشتیم. (۲۸) آسمان و زمین قطرهٔ اشکی بر [نابودی] آنان نریخت و مهلتی [برای توبه] نیز نیافتند. (۲۹) بی‌تردید، بنی‌اسرائیل را از عذاب خفت‌بار نجات دادیم؛ (۳۰) از فرعون که [رهبر] سرکشی در زمرهٔ اسرافکاران بود. (۳۱) ما با دانشِ خود بنی‌اسرائیل را بر مردم زمانه برتری دادیم، (۳۲) و نشانه‌هایی [از قدرت خویش] در اختیارشان گذاشتیم که آزمایشی روشن در آن بود. (۳۳) این [کافران] می‌گویند: (۳۴) «جز مرگِ نخستینِ ما، هیچ [زندگیِ دیگری] نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد؛ (۳۵) و اگر راست می‌گویید، نیاکانمان را [زنده کنید و] بیاورید». (۳۶) آیا اینان بهترند یا قوم [نیرومندِ] «تُبَّع» و پیشینیان آنها که چون بزهکار بودند آنان را نابود کردیم؟ (۳۷) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست به بازی نیافریده‌ایم؛ (۳۸) آنها را به‌حق [و با هدف] آفریده‌ایم؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۳۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا۟ لِى فَٱعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ﴾

﴿وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا۟ لِى فَٱعْتَزِلُونِ﴾ یعنی: متعرّض من نشوید و امر میان من و خودتان را به صورت مسالمت‌آمیز رها کنید تا الله میان ما داوری کند. با وجود این‌که موسی علیه السلام مدت زیادی در میان‌شان ماند و دلایل الله تعالی را بر آنان اقامه کرد، جز بر کفر و دشمنی‌شان افزوده نشد، بنابراین علیه آنان دعا کرد و دعایش اجابت شد. ابن کثیر: ۴/ ۱۴۳.

پرسش: چرا موسی علیه السلام پس از دعوت قوم، علیه آنان دعا کرد؟

۲ ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ﴾

یعنی: اعمال صالحی نداشتند که به سوی درهای آسمان بالا رود و در فراق‌شان اشکی ریخته شود، و در زمین نیز مکان‌هایی نبود که در آن‌ها الله را عبادت کرده باشند تا زمین در فراق‌شان اشک بریزد؛ بنابراین به سزای کفر و گناهان و سرکشی و دشمنی سزاوار بودند که مهلت نیابند و عذاب‌شان به تأخیر نیفتد. ابن کثیر: ۴/ ۱۴۴.

پرسش: چه سببی باعث می‌شود که آسمان و زمین بر بندگان بگریند؟

۳ ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ﴾

آیه بیانگر عدم توجه و اهمیت به نابودی‌شان است. مفسران گفته‌اند: یعنی عمل صالحی بر روی زمین انجام نمی‌دادند که به سبب آن، بر فراق‌شان بگریند، و عمل پاکی از آنان به سوی آسمان بالا نمی‌رفت تا بدین سبب برای‌شان بگریند. به عبارتی، هیچ یک از ساکنان آسمان و زمین بر اثر فراق و نابودی آنان، مصیبت‌زده و اندوهگین نمی‌شود. شوکانی: ۴/ ۵۷۵.

پرسش: خواری مشرکان را با توجه به آیه توضیح دهید.

۴ ﴿وَلَقَدِ ٱخْتَرْنَٰهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم مِّنَ ٱلْءَايَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٌا۟ مُّبِينٌ﴾

چون قریش به زینت و تجمل ظاهری افتخار می‌کردند و آن را تعظیمی از جانب الله می‌دانستند و حال ضعیف در دنیا را بدبختی و دوری از الله برمی‌شمردند، الله تعالی سخن آنان را با بیان نعمت‌هایی که به بنی‌اسرائیل داده بود و شرایط سخت و بدی که بعد از نابودی خاندان فرعون داشتند، رد کرد. بقاعی: ۷/ ۷۶.

پرسش: آیا ثروت در دنیا بر محبت و خشنودی الله تعالی از بندهٔ ثروتمند دلالت دارد؟ و فقر دلیل خشم و دشمنی الله بر فقیر است؟

۵ ﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ﴾

پس از بیان مثال نابودشدگان قوم فرعون، مثالی دیگر که به پندپذیری آنان نزدیک‌تر است برای‌شان بیان کرد که عبارت است از نابودی قومی که از قوم فرعون به سرزمین‌شان نزدیک‌تر است؛ یعنی قوم تُبَّع. عرب‌ها بزرگی عذاب تُبّع و قومش اهل یمن را از یکدیگر می‌شنیدند و بسیاری از آن‌ها آثار قدرت و بزرگی این قوم را در طول سفرهای‌شان مشاهده می‌کردند و در مورد نابودی آنان با سیل نابودگر با یکدیگر سخن می‌گفتند. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۰۸.

پرسش: چرا قوم تُبّع به عنوان مثال بیان شد؟

۶ ﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ﴾

یعنی: آیا قریش سرسخت‌تر و قوی‌تر هستند، یا قوم تبّع و کافرانی که قبل از آنان بودند؟! در حالی که قوم تبّع و دیگران را وقتی که کفر ورزیدند نابود کردیم، اینان را نیز این‌گونه نابود می‌کنیم. هدف کلام، تهدید است. ابن جزی: ۲/ ۳۲۴.

پرسش: تهدید موجود در آیه را توضیح دهید.

۷ ﴿وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

بر انجام گناهان گستاخ می‌شوند و در زمین فساد برپا می‌کنند؛ به این سبب که به پاداش امید ندارند و از عذاب نمی‌ترسند. بقاعی: ۷/ ۷۹.

پرسش: چه امری بنده را بر انجام گناهان و فساد گستاخ می‌کند؟ چه چیزی انسان را به سوی استقامت و اصلاح می‌کشاند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَأَن لَّا تَعْلُوا۟	و برتری نجویید.
بِسُلْطَٰنٍ	برهان و دلیل.
عُذْتُ	پناه می‌برم.
أَن تَرْجُمُونِ	از این‌که مرا از طریق سنگسار بکشید.
رَهْوًا	آرام.
مُنظَرِينَ	تأخیرافتادگان از کیفر.
ٱخْتَرْنَٰهُمْ	آنان را برگزیدیم.
بِمُنشَرِينَ	برانگیخته‌شدگان.

عمل به آیات

۱. از دشمن یا آسیب و یا هر امری که می‌ترسی به الله پناه ببر، ﴿وَإِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ﴾

۲. کافری را که در گناه و آزاررساندن به مومنان از حد گذشته است به یاد آور و از الله بخواه او را عذاب کند، ﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ﴾

۳. در مکانی که قبلا در آن‌جا نماز نخوانده‌ای دو رکعت نماز بگزار تا به نفع تو گواهی دهد، ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ﴾

رهنمودها

۱. آسمان و زمین پس از مرگ مومن به سبب عمل صالحش برایش می‌گریند، پس عمل صالح انجام بده تا آسمان و زمین در فراقت بگریند، ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ﴾

۲. الله بر نابودی ستمکاران تواناست، ﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ﴾

۳. از اسباب نابودی امت‌ها دوری کن، ﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ﴾

سورة (الدخان) الجزء (۲۵) صفحة (۴۹۸)

إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ مِيقَٰتُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوۡمَ لَا يُغۡنِي مَوۡلًى
عَن مَّوۡلًى شَيۡـٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُۚ
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ
ٱلۡأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَٱلۡمُهۡلِ يَغۡلِي فِي ٱلۡبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلۡيِ
ٱلۡحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ
صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ ٱلۡحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقۡ إِنَّكَ
أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمۡتَرُونَ
﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ
﴿٥٢﴾ يَلۡبَسُونَ مِن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٥٣﴾
كَذَٰلِكَ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ ﴿٥٤﴾ يَدۡعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلۡمَوۡتَ إِلَّا
ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰۖ وَوَقَىٰهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضۡلٗا مِّن
رَّبِّكَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ
لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَٱرۡتَقِبۡ إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

سُورَةُ الجَاثِيَةِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَثِيمِ	مرتکب گناهان کبیره.
كَٱلۡمُهۡلِ	مانند مواد معدنی مذاب.
فَٱعۡتِلُوهُ	او را به زور بکشید و برانید.
سُندُسٖ	پارچهٔ ابریشمی نازک.
وَإِسۡتَبۡرَقٖ	پارچهٔ ابریشمی ضخیم.
ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰ	مرگی که در دنیا چشیدیم.
فَٱرۡتَقِبۡ	منتظر پیروزی خودت و نابودی آنان باش.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی تقاضا کن در روز داوری بر تو رحم کند، ﴿إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ مِيقَٰتُهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۲. بگو: یا الله! از آتش جهنم و هر سخن و عملی که باعث نزدیکی به آن می‌شود به تو پناه می‌برم، ﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ﴾

۳. از الله تعالی بخواه از ساکنان مقام امین در باغ‌ها و چشمه‌ها باشی، ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ﴾

رهنمودها

۱. کافران در روز قیامت با عذاب و ذلت و سرزنش بسیار سختی روبه‌رو می‌شوند، ﴿خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ ٱلۡحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ﴾

۲. تمام نعمت‌ها فقط به لطف و بخشش الهی، به مومن می‌رسد، ﴿فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ﴾

۳. یکی از مقاصد نزول قرآن، یادآوری و پندپذیری است، ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ﴾

ترجمه آیات

بی‌تردید، روز داوری [= قیامت] وعده‌گاه همهٔ آنان است. (۴۰) روزی که هیچ دوستی برای دوست خود سودمند نیست و [از هیچ سو] یاری نمی‌شوند؛ (۴۱) مگر کسی که الله [بر او] رحم کند که او تعالی شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۴۲) بی‌گمان، درخت زَقّوم، (۴۳) غذای گناهکاران است. (۴۴) [میوه‌اش، به سبب گرمای زیاد،] همچون مسِ گداخته در شکم‌ها می‌جوشد؛ (۴۵) مانند جوششِ آب داغ. (۴۶) [خطاب می‌رسد:] «آن [ستمکار] را بگیرید و به میان دوزخ درافکنید؛ (۴۷) آنگاه از عذاب آب داغ بر سرش فروریزید». (۴۸) [در آن حال، به او گفته می‌شود:] «بچش که تو [در میان قوم خود] عزتمند و بزرگواری. (۴۹) این همان [سرنوشت دردناکی] است که در موردش تردید داشتید». (۵۰) یقیناً پرهیزگاران در جایگاه امنی هستند؛ (۵۱) در [میان] باغ‌ها و [کنار] چشمه‌سارهای بهشت. (۵۲) لباس‌هایی از دیبای نازک و دیبای ضخیم می‌پوشند، در حالی که رویاروی یکدیگر [به صحبت] نشسته‌اند. (۵۳) چنین است [وضع آنان]؛ چنین است [وضع آنان]؛ و [نیز] حور العین را به همسری آنان درمی‌آوریم. (۵۴) در آنجا هر میوه‌ای که اراده کنند، بی دغدغه در اختیارشان است. (۵۵) در بهشت طعم مرگ را نخواهند چشید؛ جز همان مرگ نخستین [در دنیا]؛ و [پروردگار مهربان] آنان را از مجازات دوزخ محفوظ می‌دارد. (۵۶) [این] بخششی است از [جانب] پروردگارت؛ و این همان کامیابی بزرگ است. (۵۷) [ای پیامبر،] ما قرآن را به زبان تو روان [و آسان] ساختیم؛ باشد که [مشرکان] پند گیرند. (۵۸) پس در انتظار [وعده‌های الهی] باش که بی‌گمان، آنان [نیز] منتظر [شکست و مرگ تو] هستند. (۵۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾

یعنی الله ذات عزیز و نیرومندی است که هیچ‌کس نمی‌تواند او را بر عدول از مرادش مجبور کند؛ بنابراین فقط به اراده و مشیّت خویش به هر کس که بخواهد رحم می‌کند و ذات رحیم و مهربانی است که بر اساس علم و حکمت و وعده‌اش، به هر یک از بندگانش که بخواهد مهربانی می‌کند. در حدیث آمده است که: «ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ» [صحیح؛ ترمذی: ۱۹۲۴؛ ابوداود: ۴۹۴۱] «به ساکنان زمین رحم کنید تا ذاتی که در آسمان است به شما رحم کند». ابن عاشور: ۲۵/ ۳۱.

پرسش: دلیل پایان‌یافتن آیه با دو نام مبارک ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾ را بیان کنید.

۲ ﴿ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ﴾

این سخن از باب توبیخ و سرزنش به کافر گفته می‌شود؛ یعنی به گمان خودت، نیرومند و بزرگوار بودی. روایت شده که ابوجهل گفت: میان کوه‌های مکه هیچ‌کس از من نیرومندتر و گرامی‌تر نیست. آن‌گاه این آیه نازل شد. ابن جزی: ۲/ ۳۲۴.

پرسش: چرا کافر در روز قیامت در حالی که عذاب می‌شود عزیز و کریم خطاب می‌گردد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ﴾

امنیت، بزرگ‌ترین شرط مکان خوب است؛ زیرا ساکن قبل از همه به دنبال امنیت - یعنی رهایی از امور ناگوار و ترسناک- است و اگر در منزل خویش احساس امنیت کند، آسوده‌خاطر می‌گردد و از وسایل و امکاناتی که دارد لذت می‌برد. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۱۷.

پرسش: اهمیت نعمت امنیت را با توجه به آیه توضیح دهید.

۴ ﴿يَلۡبَسُونَ مِن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ﴾

هیچ یک از آنان به‌گونه‌ای نمی‌نشینند که دیگری پشت سرش باشد. ابن کثیر: ۴/ ۱۴۸.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که کوچکترین توهین و اهانتی در بهشت وجود ندارد.

۵ ﴿يَدۡعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ﴾

میوه‌های بهشتی همانند میوه‌هایی که در دنیا می‌خوریم نیست؛ زیرا احتمال وقوع زیان و آسیب بر اثر خوردن میوه‌های دنیا وجود دارد؛ به‌علاوه، از بین می‌روند و فقط در برخی فصول وجود دارند. طبری: ۲۲/ ۵۳.

پرسش: چرا نعمت میوه و امنیت در کنار هم قرار گرفتند؟

۶ ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ﴾

یعنی: این قرآن نازل‌شده را بر زبانت که فصیح‌ترین و بزرگ‌ترین و برترین و ساده‌ترین زبان‌هاست، آسان و آشکار و واضح گردانیدیم. ابن کثیر: ۴/ ۱۴۹.

پرسش: با توجه به آیه، برتری زبان عربی بر سایر زبان‌ها را بیان کنید.

۷ ﴿فَٱرۡتَقِبۡ إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ﴾

یعنی منتظر رسیدن یاری ما برای خودت و نابودکردن آنان باش؛ که آنان ضد این امر را انتظار می‌کشند. بنابراین آیه، وعده‌ای برای رسول الله ﷺ و وعیدی برای مشرکان است. ابن جزی: ۲/ ۳۲۵.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه متضمن وعده و وعید است؟

سورهٔ جاثیه

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

حم [حا. میم]. (۱) نزول [این] کتاب از جانب الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲) به راستی که در آسمان‌ها و زمین، نشانه‌هایی [از قدرت الهی] برای مؤمنان [پدیدار] است. (۳) و [نیز] در آفرینش خودتان و موجودات زنده‌ای که [در زمین] پراکنده می‌سازد، نشانه‌هایی [از توان و تدبیر الله] برای اهل یقین [آشکار] است. (۴) و در گردش پیاپی شب و روز و رزقی که الله [به صورت باران] از آسمان می‌فرستد و با آن، زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده می‌سازد؛ و [نیز] در گردش بادها، نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار،] برای خردورزان است. (۵) [ای پیامبر،] اینها آیات و [نشانه‌های] الهی است که به‌حق بر تو می‌خوانیم. [به راستی، مشرکان] پس از [سخن] الله و آیاتش، کدام سخن را باور می‌کنند؟ (۶) وای بر هر دروغگوی گنهکاری! (۷) [آن کافری] که آیات الهی را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود؛ ولی متکبرانه بر مخالفت اصرار دارد؛ گویی آنها را نشنیده است؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت بده. (۸) [همان کسی که] چون بر گوشه‌ای از آیات ما واقف شود، آن را به سُخره می‌گیرد. آنان عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند. (۹) پیش رویشان دوزخ است؛ و دستاوردشان و [یاوران و] کارسازانی که به جای الله برگزیده‌اند، هیچ سودی به حالشان نخواهند داشت؛ و عذابی سهمگین [در پیش] دارند. (۱۰) این [قرآن، موجبِ] هدایت است؛ و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار می‌کنند، عذابی از سخت‌ترین عذاب‌های دردناک [دوزخ را در پیش] دارند. (۱۱) الله همان ذاتی است که دریاها را در خدمت شما گماشت تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و [شما بتوانید] از فضل او [روزی] بجویید؛ باشد که شکر به جای آورید. (۱۲) آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، از [رحمت] خویش در خدمت شما گماشت؛ که در این [امر،] نشانه‌هایی [از لطف و قدرت الهی] برای اندیشمندان است. (۱۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾

ترجیح دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾ به این دلیل است که صفت عزیز اشاره دارد بر این‌که آن‌چه از جانب الله نازل شده، مناسب عزتش است و قرآن طبق فرمودهٔ الله تعالی کتابی عزیز است: ﴿وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ﴾ [فصلت: ۴۱] یعنی بر دشمنانش پیروز می‌شود و نمی‌توانند با آن معارضه کنند. صفت ﴿ٱلۡحَكِيمِ﴾ نیز بر این امر اشاره دارد که آن‌چه از جانب الله نازل شده، مناسب حکمت او تعالی است. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۲۵.

پرسش: چرا از میان اسمای نیک الله فقط ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾ بیان شد؟

۲ ﴿لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾، ﴿ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ﴾، ﴿ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

ابتدا فرمود: ﴿لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ سپس ﴿يُوقِنُونَ﴾ و در انتها ﴿ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾ فرمود. این ترتیب از باب ارتقا از حال خوب به حال بهتر و برتر است. ابن کثیر: ۴/ ۱۵۰.

پرسش: سبب تقدیم ایمان، سپس یقین و سپس عقل در توصیف مومنان چیست؟

۳ ﴿إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ۝٣ وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ۝٤ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

شش مورد از دلایل توحید که بر عظمت و جلال الله و قدرت کاملش و این‌که به تنهایی سزاوار عبادت است در آیات فوق بیان شده است. این دلایل عبارتند از: آفرینش آسمان‌ها و زمین توسط الله، آفرینش مردم، آفرینش جنبندگان، گردش پیاپی شب و روز، فروفرستادن باران از آسمان و زنده‌گردانیدن زمین با آن، و وزانیدن بادها. شنقیطی: ۷/ ۱۷۹.

پرسش: الله تعالی در آیات فوق شش برهان را که بر عظمت و جلال او تعالی دلالت می‌کند بیان فرموده است. این شش برهان چیست؟

۴ ﴿وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا﴾

منظور، باران است که الله تبارک و تعالی در وقت نیاز از ابر می‌فرستد و به این دلیل رزق نامیده شد که سبب تحصیل رزق و روزی است. ابن کثیر: ۴/ ۱۵۰.

پرسش: چرا باران، رزق و روزی نامیده شد؟

۵ ﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ۝٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ﴾

از صفت مذکور مشخص می‌شود که هر کس از آیات الله فایده نبرد، در گناه و دروغ زیاده‌روی می‌کند و بدین سبب، مستحق مرگ و نابودی است. بقاعی: ۷/ ۹۳.

پرسش: کسی که دستورات قرآن را نپذیرد چه سرانجامی دارد؟

۶ ﴿مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡـٔٗا وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ﴾

به اعتبار رویگردانی آنان از جهنم، برای بیان قدام (جلو)، وراء (عقب، پشت) بیان شد؛ گویی جهنم پشت سرشان قرار دارد. شوکانی: ۵/ ۵.

پرسش: چرا آیه برای بیان روبه‌رو، پشت را ذکر کرد؟

۷ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

در پایان صفاتِ استدلال‌کنندگان به آیات، تفکر را بیان کرد؛ چون تفکر منبع ایمان و یقین و علم است که قبلاً در این عبارات بیان شدند: ﴿لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾، ﴿ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ﴾، ﴿ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۳۸.

پرسش: تفکر چه فایده‌ای دارد؟

سورة (الجاثية) الجزء (٢٥) صفحة (٤٩٩)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢ إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٣ وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ
لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٤ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ
مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ٥ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَ
ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٦ وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ
٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ٩ مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡـٔٗا
وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هَٰذَا
هُدٗىۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٌ ١١
۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡبَحۡرَ لِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ فِيهِ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ
مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَبُثُّ	منتشر و پراکنده می‌کند.
وَيۡلٞ	نابودی و تباهی.
أَفَّاكٍ	بسیار دروغگو.
أَثِيمٖ	بسیار گناهکار.
هُزُوًا	به ریشخند و استهزا.

عمل به آیات

۱. در نحوهٔ راه‌رفتنِ انسان و شتر و مار بیندیش و تفاوت میان آن‌ها و آن‌چه را که این اختلاف بر آن دلالت دارد بنویس، ﴿وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ﴾

۲. سه مورد از فواید از پی یکدیگر آمدن شب و روز را یادداشت کن، ﴿وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

۳. گناهی را که مرتکب شده‌ای و آیه‌ای را که از این گناه نهی می‌کند به یاد آور، آن‌گاه از الله سبحانه بخواه گناهت را ببخشد، ﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ۝٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه علم از جانب الله و رسولش نزد تو آمد برایت کافی است و از خواهشات بزرگان پیروی نکن، ﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ﴾

۲. مبادا هیچ یک از امور مربوط به دین را به تمسخر بگیری، که این کار، گناهی بس بزرگ است، ﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

۳. تفکر در مخلوقات الله، بیش از هر امر دیگری بنده را بر شکر و توحید الله کمک می‌کند، ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

سورة (الجاثية) الجزء (٢٥) صفحة (٥٠٠)

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِيَ
قَوْمًۢا بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦۖ
وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ
وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ
فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْۚ إِنَّ رَبَّكَ
يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ
أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ
شَيْـًٔاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُتَّقِينَ
﴿١٩﴾ هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾
أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْۚ سَآءَ
مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ
وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ	واقع شدن عذاب الله بر دشمنانش را امید ندارند.
وَٱلْحُكْمَ	حکومت.
لَن يُغْنُواْ عَنكَ	هرگز از تو دفع نخواهند کرد.
بَصَٰٓئِرُ	مردم با آن، حق را می‌بینند.

عمل به آیات

۱. از الله سبحانه و تعالی بخواه علم را سبب هدایت و صلاح تو قرار دهد، نه سبب گمراهی و انحرافت، ﴿وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ﴾

۲. امور واجب و سنت را با نیت پیروی از شریعت انجام بده حتی اگر مخالف هوای نفست باشد، ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۳. مقاله یا پیامی در مورد اهمیت عمل به شریعت اسلام در زندگی بنویس، ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. اگر نسبت به کسی حسادت داری برایش دعای خیر بکن و آمرزش بخواه، ﴿وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ﴾

۲. هر سخنی که مخالف قرآن و سنت باشد، هوا و هوسی است که الله تعالی از پیروی آن نهی کرده است، ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۳. الله تعالی میان هوا و هوس و نادانی ارتباط برقرار کرد؛ یعنی هر کس جاهل باشد به پیروی از هوای نفس نزدیک‌تر است، ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر] به مؤمنان بگو: «از کسانی که به روزهای الله [= روزهای پیروزی بر کفر و گرفتن انتقام از مشرکان] امیدی ندارند، درگذرند تا [الله در زمان مشخص، هر] گروهی را در برابر آنچه که انجام داده‌اند سزا دهد». (۱۴) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، به سود خود و هر کس کار بدی کند، به زیان خود کرده است؛ آنگاه [برای محاسبه و جزا] به پیشگاه پروردگارتان بازگردانده می‌شوید. (۱۵) به بنی‌اسرائیل، کتاب [تورات و انجیل] و [علمِ] داوری [بین مردم] و نبوت بخشیدیم و از نعمت‌های پاکیزه، روزی‌شان دادیم و آنان را [به موهبت توحید] بر مردم زمانه برتری بخشیدیم؛ (۱۶) و در امر [بازشناسی حق از باطل]، آیات روشنی در اختیارشان قرار دادیم؛ پس اختلاف نکردند مگر بعد از اینکه علم [و آگاهی] برایشان حاصل شد [و حجت بر آنان اقامه گشت، آنگاه] به سبب برتری‌جویی [و حسادتی] که بینشان بود، اختلاف ورزیدند؛ قطعاً، پروردگارت روز قیامت دربارهٔ آنچه [در دنیا] راجع به آن اختلاف می‌ورزیدند میان آنان داوری خواهد کرد. (۱۷) آنگاه تو را بر روشی [روشن و کامل] از امر [دین] قرار دادیم؛ پس پیرو همان راه باش و از هوس‌های نادانان پیروی نکن. (۱۸) آنان در برابر [عذاب] الله هیچ نفعی برای تو ندارند؛ ستمکاران [یاور و] کارساز یکدیگرند؛ و الله کارسازِ پرهیزگاران است. (۱۹) این [قرآن] مایهٔ بصیرت مردم است و هدایت و رحمتی برای اهل یقین است. (۲۰) آیا کسانی که مرتکب کارهای ناشایست شدند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند، به گونه‌ای که زندگی و مرگشان [با آنان] یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند! (۲۱) الله آسمان‌ها و زمین را [هدفمند و] به‌حق آفرید تا [همه آزمایش شوند] و جزای دستاوردهای همه [بندگان] داده شود؛ بدون آنکه ظلمی به آنان شود. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾

هر یک از بندگان الله که از او تعالی اطاعت کند، یعنی اوامرش را به جای آورد و از مناهی‌اش دست بکشد، سود عمل شایسته‌اش فقط به خود او می‌رسد و از عذاب الله نجات می‌یابد؛ زیرا الله نیازمند عمل هیچ‌کسی نیست. همچنین هر کس که در دنیا مرتکب عمل بدی شود یعنی از پروردگارش نافرمانی کند و با اوامر و نواهی او مخالفت ورزد، به ضرر خودش عمل می‌کند؛ زیرا با این کار، خودش را به نابودی کشانده و مورد خشم الله قرار گرفته و به هیچ‌کس غیر از خودش زیانی نرسانده است. طبری: ۲۲/ ۶۸.

پرسش: چرا الله تعالی عمل صالح و عمل ناصالح را به صاحبش مقید کرد؟

۲ ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾

آیات فوق، امت اسلامی را برحذر می‌دارد از این‌که راه بنی‌اسرائیل را بروند و بخواهند همانند آنان عمل کنند. ابن کثیر: ۴/ ۱۵۲.

پرسش: دو آیهٔ فوق در مورد بنی‌اسرائیل است، مسلمانان چه فایده‌ای از این دو آیه می‌برند؟

۳ ﴿وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

تمام آن‌چه در مورد برتری بنی‌اسرائیل در قرآن بیان شده، مربوط به گذشته است؛ زیرا آنان هنگام نزول قرآن به آن کفر ورزیدند و تکذیب کردند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ﴾ [البقرة: ۸۹]؛ «پس چون آن‌چه را که (از قبل) شناخته بودند، نزد آن‌ها آمد، به او کافر شدند، پس لعنت الله بر کافران باد». مسلماً تمام فضایل بنی‌اسرائیل که در قرآن بیان شده، به قبل از نزول قرآن بازمی‌گردد نه به زمان نزول این کتاب الهی. شنقیطی: ۷/ ۱۹۸- ۱۹۹.

پرسش: معنای برتری بنی‌اسرائیل بر جهانیان را توضیح دهید؟

۴ ﴿فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ﴾

یعنی به سبب حسادت بر پیامبر ﷺ. بنابر قولی: ﴿بَغْيًۢا﴾ یعنی آنان بر یکدیگر سرکشی کردند و خواهان برتری و ریاست بودند، و پیامبران را کشتند؛ ای محمد مشرکان دوران تو نیز چنین هستند، که دلایل روشن نزدشان آمده است اما چون برای کسب ریاست با هم رقابت می‌کنند، از این دلایل روی گرداندند. قرطبی: ۱۹/ ۱۵۳.

پرسش: منظور از بغی (حسادتی) که میان بنی‌اسرائیل واقع شد چیست؟

۵ ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا﴾

معنای آیه چنین است که الله شریعتی برای بنی‌اسرائیل مقرر داشت و آنان را تهدید کرد که در آن اختلاف نکنند. با توجه به تصریح سیاق کلام و سایر موارد، این تهدید متوجه ما نیز هست و برای آگاه کردن از برتری شریعت اسلام فرمود: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا﴾. بقاعی: ۷/ ۱۰۰.

پرسش: آیهٔ ﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا﴾ چه ارتباطی با آیات قبلی دارد؟

۶ ﴿هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾

الله فقط یقین‌کنندگان را بیان کرد که قرآن مایهٔ بصیرت و هدایت و رحمت برای‌شان است؛ زیرا فقط اینان هستند که از قرآن فایده می‌برند نه کافران دروغگو که قرآن برای‌شان نامفهوم و رنج‌آور است. طبری: ۲۲/ ۷۲.

پرسش: چرا الله تعالی یقین‌کنندگان را اختصاص داد به این‌که قرآن مایهٔ بصیرت و هدایت و رحمت برای‌شان است؟

۷ ﴿أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾

ابراهیم بن اشعث می‌گوید: بسیار می‌دیدم که فضیل بن عیاض این آیه و آیات مشابه آن را از ابتدا تا پایان شب تکرار می‌کرد و به خود می‌گفت: ای کاش می‌دانستم در کدام گروه قرار داری؟ این آیه مبکاة العابدین (گریانندهٔ عابدان) نامیده می‌شد. قرطبی: ۱۹/ ۱۵۷.

پرسش: علمای سلف چه موضعی در برابر این آیه داشتند؟

سورة (الجاثیة) الجزء (۲۵) صفحة (۵۰۱)

أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ
وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ٢٣ وَقَالُواْ مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا يُهۡلِكُنَآ
إِلَّا ٱلدَّهۡرُۚ وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ٢٤ وَإِذَا تُتۡلَىٰ
عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٥ قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ
يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٦ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَخۡسَرُ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٢٧
وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗۚ كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ٢٨ هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّا كُنَّا نَسۡتَنسِخُ
مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٩ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ٣٠ وَأَمَّا
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَفَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ وَكُنتُمۡ قَوۡمٗا
مُّجۡرِمِينَ ٣١ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيۡبَ فِيهَا
قُلۡتُم مَّا نَدۡرِي مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُسۡتَيۡقِنِينَ ٣٢

ترجمه آیات

آیا آن کسی را دیده‌ای که آگاهانه هوای نفسش را به جای معبود خود نشانده [و تسلیم آن شده] است؟ الله نیز او را گمراه ساخت و بر گوش و دلش مُهر [غفلت] نهاد و بر دیده‌اش پرده‌ای کشید؛ [اگر الله هدایتش نکند،] پس از الله چه کسی هدایتش خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ (۲۳) [مشرکان] می‌گویند: «جز زندگی دنیای ما هیچ [خبری] نیست؛ زندگی می‌کنیم و می‌میریم؛ و این گردشِ روزگار است که ما را به کامِ مرگ می‌برد». آنان در مورد این [امر] ناآگاه هستند و فقط از حدس و گمان پیروی می‌کنند. (۲۴) و چون آیات روشنگر ما [در مورد قیامت] بر آنان خوانده می‌شود، دلیل [انکار]شان فقط این است که می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، نیاکانمان را [زنده کنید و] بازگردانید». (۲۵) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «الله است که شما را حیات می‌بخشد و مرگ می‌دهد؛ آنگاه شما را در روز قیامت ـ که هیچ تردیدی در [وقوع] آن نیست ـ جمع می‌کند؛ ولی بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی‌دانند». (۲۶) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است و روزی که قیامت برپا شود، اهل باطل زیانکار خواهند بود. (۲۷) [در آن روز] هر گروهی را [از وحشت حساب و جزا، خوار و] به‌زانودرآمده می‌بینی؛ همه را برای [گرفتن] نامهٔ اعمالشان فرامی‌خوانند [و به آنان خطاب می‌شود:] «امروز شما در برابر آنچه کرده‌اید، جزا می‌بینید. (۲۸) این نامهٔ [اعمال شما نزد] ماست که به‌حق بر شما گواهی می‌دهد. ما [تمام] اعمالی را که انجام می‌دادید [دقیقاً] ثبت می‌کردیم. (۲۹) مؤمنان نیکوکار را پروردگارشان مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. این همان کامیابی آشکار است». (۳۰) ولی [به] کافران [خطاب می‌شود:] «مگر نه این بود که در برابر آیات من که بر شما عرضه می‌شد، گردنکشی می‌کردید و گروهی بزهکار بودید؟ (۳۱) و چون گفته می‌شد: "وعدهٔ الله حق است و [در وقوع] قیامت هیچ تردیدی نیست"، می‌گفتید: "نمی‌دانیم قیامت چیست؛ [آن را] توهّمی بیش نمی‌دانیم و به یقین نرسیده‌ایم"». (۳۲)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾
﴿ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ﴾ یعنی: از هوای نفسش اطاعت کرده تا این‌که مانند معبودی برایش شده است. ابن جزی: ۲/ ۳۲۸.

پرسش: هوای نفس چگونه معبودی به جای الله قرار می‌گیرد؟

❷ ﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾
آیه پیروی از هوای نفس را سرزنش می‌کند. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که: الله تعالی هر جا نامی از هوای نفس آورده، آن را سرزنش کرده است. وهب می‌گوید: هر گاه میان دو کار مردد بودی، کاری را انجام بده که از هوای نفست دورتر است. سهل تستری می‌گوید: هوای نفست، بیماری توست و دارویش این است که با آن مخالفت کنی. آلوسی: ۲۵/ ۲۰۹.

پرسش: انسان عاقل در برابر شهوات و تمایلات نفسانی بر انجام گناهان و بدی‌ها، چگونه رفتار می‌کند؟

❸ ﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾
آیه برحذر می‌دارد از این‌که مومنان اعمال‌شان را بر اساس هوای نفس انجام دهند و از دلایل حق پیروی نکنند؛ زیرا اگر حق محبوب انسان قرار گیرد، حق را به تبع دلیل دوست دارد؛ چنان‌که مومن به نماز و جماعت و تراویح و تلاوت قرآن محبت می‌ورزد. در حدیث آمده که رسول الله ﷺ به بلال فرمود: «يَا بِلَالُ، أَرِحْنَا بِالصَّلَاةِ» [صحیح؛ ابوداود: ۴۹۸۶] «ای بلال با اقامهٔ نماز، آرامش و نشاط به ما ببخش»... اما محبت به امری برای خشنودی نفس و بدون توجه به صلاح یا فساد آن امر، سبب گمراهی و روش اشتباه است. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۵۹.

پرسش: آیه اصل مهمی در پیروی از هوای نفس بیان کرده است. این اصل چیست؟

❹ ﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾
برای گرامی‌داشتن امت اسلام به سبب شرافت و بزرگی پیامبرش ﷺ، خواستهٔ مشرکان مبنی بر زنده‌گردانیدن پدران‌شان را اجابت نکرد زیرا سنت الهی در امت‌های پیشین بر این امر جریان داشت که هر کس بعد از آمدن معجزات پیشنهادی و آشکارشدن امر، ایمان نمی‌آورد او را نابود می‌کرد. بقاعی: ۷/ ۱۰۶.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که یکی از وجوه عزت و بزرگواری امت اسلام این است که پیشنهاد مشرکان مبنی بر زنده‌شدن پدران‌شان پذیرفته نشد.

❺ ﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾
زمخشری می‌گوید: اگر سوال شود چرا الله تعالی سخن مشرکان را حجت نامید در حالی که واقعاً حجت نیست؟ این‌گونه می‌توان پاسخ داد: همان‌گونه که استدلال‌کننده به حجتش استدلال می‌کند، آنان به این سخن استدلال کردند و آن را دلیل خود قرار دادند؛ بنابراین از باب تمسخر و سرزنش حجت نامیده شد. یا به این دلیل که در پندار و گمان خودشان حجت بود... مثل این‌که گفته شود: هیچ حجتی نداشتند مگر چیزی که حجت نبود. منظور این است که آنان هیچ دلیل و حجتی نداشتند. قرطبی: ۱۹/ ۱۶۷.

پرسش: چرا الله تعالی سخن مشرکان را حجت نامید؟

❻ ﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗ﴾
بر اثر ترس و حیرت و انتظار کشیدن برای حکم پادشاه رحمان، بر روی زانو قرار گرفته‌اند. سعدی: ۷۷۸.

پرسش: سبب به زانودرآمدن امت‌ها در روز قیامت چیست؟

❼ ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ﴾
با این‌که موضوع مورد بحث مربوط به پیروان باطل است، ابتدا به تفصیل صفت حال مومنان پرداخت تا آنان را بزرگ و محترم برشمارد و زودتر آنان را شاد و پیروان باطل را غمگین سازد. ابن عاشور: ۲۵/ ۳۷۱.

پرسش: الله تعالی مومنان را از وجوه متعددی مورد احترام و اکرام قرار داده است. یکی از این وجوه را با توجه به آیه بیان کنید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَخَتَمَ	مُهر زد.
غِشَٰوَةٗ	پوشش.
لَا رَيۡبَ فِيهِ	هیچ تردیدی در آن نیست.
إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا	ما آن را فقط توهّم می‌پنداریم.

عمل به آیات

۱. تعداد خطاها و گناهانی را که فقط در هفتهٔ گذشته مرتکب شده‌ای برشمار، ﴿هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا» [صحیح مسلم: ۷۶۳] «یا الله! در قلب و گوش و چشمم نوری قرار بده»، ﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ» [صحیح؛ ابوداود: ۱۴۲۵؛ ترمذی: ۴۶۴؛ نسائی: ۱۷۴۵] «یا الله! مرا جزء کسانی قرار بده که آنان را هدایت کرده‌ای و مرا جزء کسانی قرار بده که به آنان سلامتی بخشیده‌ای و مرا جزء کسانی قرار بده که آنان را به دوستی گرفته‌ای»، ﴿فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾

رهنمودها

۱. بزرگ‌ترین گمراهی و بدبختی، آن است که الله تو را گمراه کند در حالی که علم داری، ﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ﴾

۲. هدایت و سعادت و نجات فقط در دست الله است پس این موارد را فقط از او بخواه، ﴿فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾

۳. قبل از این‌که مورد محاسبه قرار بگیری خودت را مورد محاسبه قرار بده، ﴿هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّ﴾

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُوا۟ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ
٣٣ وَقِيلَ ٱلْيَوْمَ نَنسَىٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ
وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٤ ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوًا
وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۚ فَٱلْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
٣٥ فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ٣٦
وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ٣٧

سُورَةُ الأَحقَافِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ٢ مَا خَلَقْنَا
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ عَمَّآ أُنذِرُوا۟ مُعْرِضُونَ ٣ قُلْ أَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُوا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى
ٱلسَّمَٰوَٰتِ ۖ ٱئْتُونِى بِكِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَآ أَوْ أَثَٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ
صَٰدِقِينَ ٤ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن
لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ ٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَحَاقَ بِهِم	بر آنان فرود آمد.
نَنسَىٰكُمْ	شما را در عذاب رها می‌کنیم.
وَمَأْوَىٰكُمُ	منزل و قرارگاه شما.
وَغَرَّتْكُمُ	شما را فریفت.
وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ	از آنان خواسته نمی‌شود که با توبه و طاعت، پروردگارشان را خشنود سازند.
لَهُمْ شِرْكٌ	مشارکت و سهمی همراه الله تعالی در آفرینش آسمان‌ها.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» [صحیح؛ ابوداود: ۱۵۲۲؛ نسائی: ۱۳۰۳] «یا الله! مرا بر ذکر و یادت و سپاس‌گزاری از نعمت‌هایت و این‌که به نیکویی تو را عبادت کنم یاری فرما»، ﴿وَقِيلَ ٱلْيَوْمَ نَنسَىٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا﴾

۲. صبحگاه و شامگاه صد مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ»، ﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

۳. امروز رکوع نمازت را تسبیح‌گویان و با ذکر صفات عظمت الله تعالی طولانی کن، ﴿وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾

رهنمودها

۱. آرزوی طولانی و فریب‌خوردن به دنیا از اسباب نزول عذاب هستند، ﴿وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا﴾

۲. تمام آن‌چه را که پنهان داشته‌ای در روز قیامت آشکار می‌گردد، ﴿وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُوا۟﴾

۳. از تمسخر و استهزا به‌خصوص به شعایر دین پرهیز کن که پیامدهای ناگواری دارد، ﴿وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

ترجمه آیات

رفتار زشتشان بر آنان آشکار می‌شود و عذابی که آن را مسخره می‌کردند، دامنگیرشان خواهد شد. (۳۳) [به آنان] گفته می‌شود: «امروز شما را [در عذاب دوزخ] رها می‌کنیم؛ چنان که شما [نیز در دنیا نسبت] به دیدار امروز بی‌اعتنا بودید؛ و جایگاهتان آتش است و هیچ یاوری نخواهید داشت. (۳۴) این [گرفتاری] از آن روست که آیات الهی را مسخره می‌کردید و زندگی دنیا فریبتان داده بود». امروز [کافران را] از آتش بیرون نخواهند آورد و از آنان خواسته نمی‌شود که [با توبه و طاعت، پروردگارشان را از خود] خشنود سازند. (۳۵) ستایش مخصوص الله است؛ پروردگار آسمان‌ها و زمین و تمامیِ جهانیان. (۳۶) بزرگی در آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۳۷)

سورۀ احقاف

به نام الله بخشندۀ مهربان

حم [حا. میم]. (۱) نزول [این] کتاب از جانب الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲) آسمان‌ها و زمین و آنچه را که بین آنهاست به‌حق [و هدفمند] و برای مدتی معین آفریده‌ایم؛ و[لی] کافران از آنچه به آنان هشدار داده شده، رویگردانند. (۳) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آیا به چیزهایی که به جای الله [به نیایش] می‌خوانید توجه کرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از [اجزای] زمین را آفریده‌اند. آیا در [آفرینش] آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید، از کتاب‌های آسمانی پیشین یا بازمانده‌ای از دانش [گذشتگان، دلیل] بیاورید». (۴) کیست گمراه‌تر از کسی که به جای الله، افرادی را به دعا می‌خواند که تا روز قیامت به او پاسخ نمی‌دهند و آنان [= معبودهای باطل، اساساً] از درخواست آنها [= عبادتگزارانشان] بی‌خبرند؟ (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا﴾

سرگرمی‌ها و تجملّات دنیا شما را فریفت و گمان کردید که چیزی غیر از آن وجود ندارد و رستاخیزی در کار نیست. قرطبی: ۱۹/ ۱۷۳.

پرسش: دنیا چگونه مردم را می‌فریبد؟

۲ ﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

﴿رَبِّ﴾ را تکرار کرد تا اشاره کند به این‌که محافظت و تربیت او برای مخلوقات بر اساس امور مخلوقات، متفاوت است؛ یعنی محافظت الله از یک جزء، متفاوت است با محافظت او از جزء دیگر، و محافظت او از کل از این جهت که کل است متفاوت است با محافظت او از هر جزء به تنهایی، با وجود این‌که همگی در برابر قدرت کامل در یک سطح قرار دارند. بقاعی: ۱۸/ ۱۱۶.

پرسش: چرا واژۀ ﴿رَبِّ﴾ تکرار شد؟

۳ ﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ۝٣٦ وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾

عبادت بر دو رکن استوار است: محبت الله و فروتنی در برابر او تعالی. این دو رکن از علم به صفات نیکو و عظمت و بزرگی الله نشأت می‌گیرد. سعدی: ۷۷۹.

پرسش: ارکان عبادت چیست و از چه چیزی سرچشمه می‌گیرد؟

۴ ﴿وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾

از ابوهریره ؓ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي، وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي، فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا، قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ» [صحیح؛ ابوداود: ۴۰۹۰] «الله سبحانه فرمود: کبریا و بزرگی ردای من و عظمت و برتری اِزار من است؛ هر کس در یکی از این دو با من ستیز کند او را به جهنّم خواهم افکند». شوکانی: ۵/ ۱۲.

پرسش: بر اساس سنت نبوی بیان کنید که الله تعالی عظمت و بزرگی را به خودش اختصاص داده است؟

۵ ﴿تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ۝٢ مَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾

الله پس از بیان نزول کتابش که متضمن امر و نهی است، فرمود آسمان‌ها و زمین را نیز او آفریده است تا میان آفرینش و حکم جمع کند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُ﴾ [الأعراف: ۵۴] «آفرینش و فرمانروایی، از آنِ اوست». سعدی: ۷۷۹.

پرسش: چرا آفرینش آسمان‌ها و زمین و آن‌چه را میان این دو قرار دارد پس از بیان نزول قرآن بیان کرد؟

۶ ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ﴾

یعنی: هیچ‌کس گمراه‌تر نیست از کسی که معبودی را می‌خواند که دعایش را اجابت نمی‌کند؛ یعنی بت‌ها را که نه می‌شنوند و نه می‌اندیشند. بت‌ها را به غافل بودن توصیف کرد چون دعای کسی که آنان را بخواند نمی‌شنوند. ابن جزی: ۲/ ۳۳۱.

پرسش: خواندن کسی که نمی‌شنود نوعی جهل و گمراهی است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ﴾

منظور از توصیف بت‌ها به غفلت، تشبیه آنان به انسانی است که آن‌چه را به او گفته می‌شود فراموش می‌کند؛ یعنی همان‌گونه که چنین انسانی تمام سخنانی را که به او گفته می‌شود فراموش می‌کند و هیچ یک را نمی‌فهمد، بت‌ها نیز هیچ یک از سخنانی را که به آنان گفته می‌شود نمی‌فهمند. این مشرکان به سبب دیدگاه اشتباه‌شان و این‌که چیزی را که نه می‌اندیشد و نه می‌فهمد عبادت می‌کنند مورد سرزنش قرار گرفتند. طبری: ۲۲/ ۹۵.

پرسش: چرا معبودان مشرکان، غافل نامیده شدند؟ منظور از این صفت چیست؟

سورة (الاحقاف) الجزء (٢٦) صفحة (٥٠٣)

وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ٦ وَإِذَا
تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ هَٰذَا
سِحۡرٞ مُّبِينٌ ٧ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَلَا تَمۡلِكُونَ
لِي مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِۚ كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي
وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٨ قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ
وَمَآ أَدۡرِي مَا يُفۡعَلُ بِي وَلَا بِكُمۡۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠
إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٩ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرۡتُم بِهِۦ
وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثۡلِهِۦ فَـَٔامَنَ وَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡۚ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِۚ وَإِذۡ لَمۡ يَهۡتَدُواْ بِهِۦ
فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفۡكٞ قَدِيمٞ ١١ وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ
إِمَامٗا وَرَحۡمَةٗۚ وَهَٰذَا كِتَٰبٞ مُّصَدِّقٞ لِّسَانًا عَرَبِيّٗا لِّيُنذِرَ
ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُحۡسِنِينَ ١٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا
ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٣
أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤

ترجمه آیات

و آنگاه که [در قیامت] مردم احضار شوند، آن [معبودان باطل] دشمنانشان خواهند بود و عبادتشان را انکار خواهند کرد. (۶) و چون آیاتِ روشنگر ما بر کافران خوانده می‌شود، آنان در مورد سخن حقی که به آنها رسیده است می‌گویند: «این جادویی آشکار است»؛ (۷) یا می‌گویند: «[محمد] این [قرآن] را خود جعل کرده [و به الله نسبت داده] است». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر من آن را جعل کرده [و به الله نسبت داده] باشم، شما نمی‌توانید در برابر [عذاب و خشم] الله از من دفاع کنید. الله به آنچه شما دربارۀ او [= قرآن، با طعنه] گفتگو می‌کنید، آگاه‌تر است، و به عنوان گواه بین من و شما کافی است؛ و او آمرزگارِ مهربان است». (۸) بگو: «من پدیده‌ای نوظهور در میان پیامبران نیستم و نمی‌دانم سرنوشت من و شما چه خواهد شد؛ تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم و فقط هشداردهنده‌ای آشکارم». (۹) بگو: «به من بگویید: اگر قرآن از جانب الله باشد و شما به آن کفر ورزید و شاهدی از بنی‌اسرائیل، به مشابهت آن [با تورات و با تکیه بر آنچه در تورات در مورد آن آمده بر حقانیّت آن] گواهی داده و ایمان آورده باشد و شما در برابرش [انکار و] تکبر ورزید، [آیا گمراه و ستمگر نیستید]؟ بی‌گمان، الله ستمکاران را هدایت نخواهد کرد». (۱۰) و کافران به مؤمنان گفتند: «اگر این [قرآن] خوب بود، کسانی [که بردگان و فقیرانی ناچیزند] در پذیرش آن بر ما سبقت نمی‌گرفتند»؛ و چون به وسیله آن هدایت نیافته‌اند، می‌گویند: «این [قرآن]، دروغی قدیمی است». (۱۱) و [در حالی که] پیش از آن [= قرآن]، کتاب موسی راهنما و رحمت بود؛ و این [قرآن،] کتابی است که [تورات را] به زبان [شیوای] عربی تصدیق می‌کند تا به ستمکاران هشدار دهد و برای نیکوکاران بشارت باشد. (۱۲) کسانی که گفتند: «پروردگارِ ما الله است»؛ آنگاه [از بندگیِ غیرِ او سر باز زدند و بر اعتقاد خود] پای فشردند، ترس و اندوهی نخواهند داشت. (۱۳) آنان اهل بهشتند و جاودانه در آنجا خواهند بود. این، پاداش اعمالی است که انجام داده‌اند. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

پیامبر ﷺ تشویق شده بر این‌که از افترا و تهمت‌شان در گذرد و به آنان نیکی کند. مشرکان نیز به توبه ترغیب شده‌اند. بقاعی: ۱۸/ ۱۳۲.

پرسش: پایان‌یافتن آیه با دو صفت ﴿ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾ بر چه امری دلالت دارد؟

۲ ﴿كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

تهدید و وعید شدیدی در عبارت ﴿كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ﴾ وجود دارد. عبارت ﴿وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾ آنان را به توبه و بازگشت تشویق می‌کند؛ یعنی: با تمام این وجود، اگر بازگردید و توبه کنید توبۀتان را می‌پذیرد و از شما در می‌گذرد و به شما مهربانی می‌کند. ابن کثیر: ۴/ ۱۵۷.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که الله در قرآن کریم همیشه تشویق و تهدید را کنار یکدیگر بیان می‌کند.

۳ ﴿قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ﴾

حرف ﴿مِن﴾ در این‌جا ابتدائیه است؛ یعنی از میان پیامبران، نوظهور و متفاوت نیستم، بلکه همانند رسولان پیشین هستم که خبر دادند الله آنان را به رسالت فرستاده است، پس چرا از دعوت من تعجب می‌کنید؟ این آیه پاسخی است به نصارای امروزی که در مورد نبوت پیامبر اسلام ﷺ عیب‌هایی مطرح می‌کنند که هیچ هدفی ندارد جز گمراه‌کردن و فریب‌دادن نصارای عامی؛ زیرا این عیبجویان به اندازۀ پیروان‌شان که دروغ این بهتان بر آنان پوشیده می‌ماند کندذهن نیستند. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۷.

پرسش: چگونه می‌توان بر اساس آیه پاسخ نصارا را داد؟

۴ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِ﴾

بر خلاف اهل سنت و جماعت که هر فعل یا قولی را که از صحابه ثابت نشده باشد بدعت می‌نامند؛ زیرا اگر خوب بود قطعاً آنان قبل از ما آن را می‌پذیرفتند و آنان تمام خوبی‌ها را انجام داده‌اند. ابن کثیر: ۴/ ۱۵۹.

پرسش: چه تفاوتی میان دیدگاه مشرکان و دیدگاه اهل سنت و جماعت در مورد صحابه وجود دارد؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

کسانی که هم توحید که چکیدۀ علم است و هم استقامت در دین را که منتهای عمل به شمار می‌رود به جای آوردند. آلوسی: ۲۵/ ۲۴۰.

پرسش: منظور از عبارت ﴿قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ چیست؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

اشاره دارد به این‌که شکوه و بزرگی الله با نظر به عظمت و قهر و جبروت و کبریا و کمالش حاصل می‌شود و یادآوری آن توسط انسان، باعث خشوع و خضوع و وقار و آرامشی است که بر جلال و رفعت و کمالش در نفس می‌افزاید؛ بنابراین ترسی که موجب نگرانی نفس می‌شود منتفی است. بقاعی: ۱۸/ ۱۴۴.

پرسش: کدام نوع ترس، در آیه نفی شده است؟

۷ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

بندگان همیشه تقصیرکار و نیازمند عفو و مغفرت الله هستند و هیچ‌کس بر اساس عمل خویش وارد بهشت نمی‌شود و همگی، اشتباهاتی دارند که باید مورد آمرزش الله قرار گیرند؛ ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ﴾ [فاطر: ۴۵]؛ «و اگر الله مردم را به (سبب) آن‌چه انجام داده‌اند؛ مجازات کند، هیچ جنبنده‌ای را بر روی آن (= زمین) باقی نخواهد گذاشت». این سخن پیامبر ﷺ: «لَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ مِنْكُمُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ» [با الفاظی مشابه در صحیح بخاری: ۵۶۷۳ و ۶۴۶۳؛ صحیح مسلم: ۲۸۱۶] «هیچ‌یک از شما به سبب عملش وارد بهشت نمی‌شود» تناقضی با این سخن الله تعالی: ﴿جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾ ندارد... زیرا عمل در قبال پاداش قرار نمی‌گیرد هر چند سبب پاداش است؛ بنابراین هر کس گمان کند تمام تکالیفش را انجام داده و نیازی به عفو و بخشش الله ندارد، گمراه است. ابن تیمیه: ۵/ ۵۴۹.

پرسش: چگونه می‌توان میان این سخن پیامبر ﷺ: «لَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ مِنْكُمُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ» و این سخن الله تعالی: ﴿جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾ جمع کرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱفۡتَرَىٰهُ	آن را ساخته است.
تُفِيضُونَ فِيهِ	در مورد قرآن می‌گویید.
بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ	نخستین فرستادۀ الله به سوی مخلوقاتش.
أَرَءَيۡتُمۡ	به من خبر دهید.
وَشَهِدَ شَاهِدٞ	مانند عبدالله بن سلام رضی الله عنه.
إِفۡكٞ قَدِيمٞ	دروغی منقول از مردمان پیشین.
ٱسۡتَقَٰمُواْ	بر ایمان و طاعت پایدار ماندند.

عمل به آیات

۱. مردم را از انجام بدعت نهی کن، ﴿إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾

۲. امروز سعی کن پیش از دیگران کار خیری انجام دهی، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِ﴾

۳. بگو: پروردگارم الله است، و تلاش کن که امروز تمام عبادات را به کامل‌ترین وجه انجام دهی، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

رهنمودها

۱. رسول هیچ چاره‌ای جز پیروی از وحی ندارد، پس ما به طریق اولی باید پیرو وحی باشیم، ﴿إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾

۲. خودپسندی یکی از اسباب دوری از هدایت است، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِ﴾

۳. استقامت در دین فضیلت و اهمیت والایی دارد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

سورة (الاحقاف) الجزء (٢٦) صفحة (٥٠٤)

وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ
كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ
أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ
عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ
إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ
عَنۡهُمۡ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمۡ فِيٓ أَصۡحَٰبِ
ٱلۡجَنَّةِۖ وَعۡدَ ٱلصِّدۡقِ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِي قَالَ
لِوَٰلِدَيۡهِ أُفّٖ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِيٓ أَنۡ أُخۡرَجَ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلۡقُرُونُ مِن
قَبۡلِي وَهُمَا يَسۡتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيۡلَكَ ءَامِنۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ فَيَقُولُ
مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ
فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ
﴿١٨﴾ وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۖ وَلِيُوَفِّيَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ
﴿١٩﴾ وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ فِي حَيَاتِكُمُ
ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا فَٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ
تَسۡتَكۡبِرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَفۡسُقُونَ ﴿٢٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَفِصَٰلُهُۥ	از شیر گرفتن کودک.
أَوۡزِعۡنِيٓ	مرا موفق گردان.
أُفّٖ لَّكُمَآ	زشتی باد بر شما.
عَذَابَ ٱلۡهُونِ	عذابِ خوار و ذلیل‌کننده.

عمل به آیات

۱. امروز وقتی برای پدر و مادرت اختصاص بده تا آنان را شاد و خوشحال کنی و هدیه‌ای هر چند کوچک به آنان تقدیم کن، ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًا﴾

۲. تصور کن چیزی به وزن پنج کیلوگرم را فقط برای مدت یک روز کامل حمل کرده‌ای، آن‌گاه تصور کن مادرت در دورانی که به تو باردار بوده است چه رنج و زحمتی را متحمّل شده است، ﴿حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗا﴾

۳. امروز این دعا را در سجده بخوان، ﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾

رهنمودها

۱. مادرت در تربیت و پرورش تو، رنج و سختی دوران بارداری، ولادت، شیردهی، غذادهی، نظافت و تیمارداری و راهنمایی را متحمل و پذیرا شده است؛ آیا می‌توانی حقش را ادا کنی؟ ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًا﴾

۲. هر کس کوچکترین آزاری به پدر و مادرش برساند، این خوف وجود دارد که مصداق تهدید آیهٔ ذیل قرار گیرد: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ﴾

۳. رفاه، سبب تکبر و غفلت است، ﴿أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا فَٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ﴾

ترجمه آیات

و انسان را به نیکی کردن به پدر و مادرش سفارش کردیم؛ [به ویژه] مادر که به دشواری بارِ حمل او را بر عهده دارد و با دشواری وضع حمل می‌کند؛ و [دوران] بارداری و شیرخوارگی‌اش [مجموعاً] سی ماه است؛ [او پرورش می‌یابد] تا به حد رشد برسد و در چهل سالگی [که توان جسمی و ذهنی‌اش کامل است] می‌گوید: «پروردگارا، به من توفیق بده تا شکرِ نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن راضی گردی؛ و فرزندانم را شایسته گردان؛ به درگاهت [توبه نموده و] بازگشته‌ام و تسلیم [فرمانت] هستم». (۱۵) آنان کسانی هستند که ما نیکوترین کارهایشان را می‌پذیریم و از گناهانشان درمی‌گذریم و در زمرهٔ اهل بهشتند. این وعدهٔ راستی است که به آن نوید داده شده‌اند. (۱۶) و کسی که به پدر و مادرش گفت: «اف بر شما! چگونه به من وعده می‌دهید که [از گور] بیرون آورده خواهم شد؛ در حالی که نسل‌های فراوانی پیش از من رفتند [و بازنگشتند]؟» پدر و مادرش به درگاه الهی زاری می‌کنند [که فرزندشان را هدایت کند و به او می‌گویند:] «وای بر تو! ایمان بیاور که وعدهٔ الهی راست است»؛ [اما] او پاسخ می‌دهد: «این [وعده‌ها] فقط افسانه‌های [خیالی] پیشینیان است». (۱۷) این افراد، در زمرهٔ گروه‌هایی از جن و انس هستند که پیشتر، فرمان عذاب الهی در موردشان تحقق یافته است. بی‌گمان، آنان زیانکار بودند. (۱۸) هر گروه [بهشتی یا دوزخی]، درجاتی بر حسب اعمالشان دارند [تا حقی ضایع نگردد]؛ و الله اعمالشان را به تمام و کمال کیفر می‌دهد؛ بی آنکه در حقشان ستم شود. (۱۹) روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند، [به آنان خطاب می‌شود:] «نعمت‌های پاکیزهٔ خود را در زندگی دنیا از بین بردید و از آنها بهره‌مند شدید؛ پس امروز به خاطر برتری‌جوییِ ناحق و انحرافی که در زمین داشتید، با عذابی خفت‌بار مجازات می‌شوید». (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًا﴾

اشاره دارد به این‌که مادر حق بیشتری نسبت به پدر دارد؛ زیرا فرزند را با مشقت در شکم خود حمل کرده و با دشواری به دنیا آورده و با رنج و سختی به او شیر داده است، در صورتی که پدر در هیچ یک از این امور با مادر شریک نبوده است. شوکانی: ۵/ ۱۸.

پرسش: آیه هم حق پدر و هم حق مادر را بیان کرده است، اما بر این امر اشاره دارد که حق مادر بیشتر است. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾

راهنمایی می‌کند به این‌که هر کس به چهل‌سالگی رسید باید توبه و بازگشت به سوی الله تعالی را تجدید کند و بر این کار مصمّم باشد. ابن کثیر: ۴/ ۱۶۰.

پرسش: آیه کسی را که به چهل‌سالگی برسد بر چه امری توصیه می‌کند؟

۳ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓ﴾

به این دلیل زمان بلوغ و نیرومندی ذکر شد که مرد در این زمان باید برای کسب روزی تلاش کند؛ چون صاحب همسر و فرزند است و تکالیف زن نیز زیاد است و وظایفی در قبال شوهر و خانه و فرزند دارد؛ پس این احتمال وجود دارد که از توجه و نیکی به پدر و مادر غافل شوند؛ بنابراین به آنان هشدار داده شد که در نیکی به پدر و مادر سستی نکنند. ابن عاشور: ۲۶/ ۳۲.

پرسش: چرا زمان رشد و نیرومندی انسان در آیه بیان شد؟

۴ ﴿أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ﴾

نعمت‌هایی که به والدین می‌رسد نعمت‌های فرزندان و نسل‌شان نیز به شمار می‌رود؛ زیرا این نعمت‌ها و اسباب و آثارشان قطعا به فرزندان می‌رسد؛ به‌خصوص نعمت‌های دینی که نیکوکاری والدین بر اساس علم و عمل، از بزرگ‌ترین اسباب نیکوکاری فرزندان است. سعدی: ۷۸۱.

پرسش: چرا انسان شکر نعمت‌هایی را که الله بر پدر و مادرش بخشیده است به جای می‌آورد؟

۵ ﴿وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا﴾

مومن تمام لذت‌ها و خوشی‌هایش را در دنیا تمام نمی‌کند بلکه برخی از آن‌ها را برای آخرت نگاه می‌دارد؛ اما کافر به آخرت ایمان ندارد و مشتاق است تمام سهامش را در دنیا به مصرف برساند. ابن قیم: ۲/ ۴۵۰.

پرسش: تفاوت مومن و کافر در بهره‌بردن از لذت‌ها و خوشی‌های زندگی دنیا چیست؟

۶ ﴿وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا﴾

آیه به دلیل عبارت ﴿يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ﴾ در مورد کافران نازل شده است، اما مومنان پرهیزگار را نیز اندرز می‌دهد؛ از این رو، عمر رضی الله عنه به جابر بن عبدالله رضی الله عنهما که دید گوشت خریده است گفت: آیا نمی‌ترسی از این‌که اهل این آیه باشی؟ ابن جزی: ۲/ ۳۳۵.

پرسش: آیا مسلمان از آیاتی که در مورد کافران نازل شده است پند می‌پذیرد؟ چگونه؟

۷ ﴿فَٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَفۡسُقُونَ﴾

منظور از استکبار، خودداری از پذیرش ایمان و منظور از فسق، گناهان جوارحی است. گناه قلبی به این سبب بر گناه جوارحی مقدم شد که اعمال جوارحی از نیت قلبی ناشی می‌شود. آلوسی: ۲۵/ ۲۵۰.

پرسش: چرا گناه قلبی قبل از گناه جوارح بیان شد؟ کدام یک خطرناک‌تر است؟

۞ وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ
مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ
عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ٢١ قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا
بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٢ قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ
وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ٢٣ فَلَمَّا
رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ
بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٤ تُدَمِّرُ كُلَّ
شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٥ وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ
وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ
وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ
ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٢٦ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا
مَا حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٧
فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ
بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ وَذَٰلِكَ إِفۡكُهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٨

ترجمه آیات

[ای پیامبر، سرگذشت هود،] برادر قوم عاد را یاد کن؛ آنگاه که در سرزمین «احقاف» [= ریگزاری در جنوب شبه جزیرهٔ عربستان] قومش را هشدار می‌داد ـ در حالی که هشداردهندگان [دیگری نیز] در گذشته‌های دور و نزدیک آمده بودند ـ [و چنین می‌گفت] که: «تنها الله را عبادت کنید که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم». (۲۱) آنان گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را از [عبادت] معبودانمان بازگردانی؟ اگر راست می‌گویی، عذابی که به ما وعده می‌دهی پیش آور». (۲۲) [هود] گفت: «[وقت نزول عذاب را] فقط الله می‌داند؛ و من پیامی را که مأمور [ابلاغ] آن شده‌ام به شما می‌رسانم؛ ولی شما را گروهی نادان می‌بینم». (۲۳) و چون آن [عذاب] را که به صورت ابری در جهت [دشت و] دره‌ها[ی حاصلخیز]شان پیش می‌آمد، مشاهده کردند، [با شادمانی] گفتند: «این ابری است که [رحمت] بر ما می‌بارد»؛ [هود گفت: «نه،] بلکه همان [عذابی] است که برای رسیدنش شتاب داشتید؛ تندبادی است که عذابی دردناک با خود دارد. (۲۴) [طوفانی است که] هر چیزی را به فرمان پروردگارش در هم می‌کوبد»؛ آنگاه چنان [هلاک] شدند که جز خانه‌های [ویران] آنان، اثری به چشم نمی‌خورد. ما بزهکاران را این گونه کیفر می‌دهیم. (۲۵) یقیناً به آنها [= قوم عاد]، چنان امکاناتی داده بودیم که به شما [اهل مکه، چنان] امکاناتی نداده‌ایم؛ و برای آنان چشم و گوش و دل [نیرومندتر از دیگران] قرار داده بودیم، و[لی] گوش و چشم و دل‌هایشان سودی به حالشان نداشت؛ زیرا آیات الهی را انکار می‌کردند و [سرانجام،] عذابی که آن را مسخره می‌کردند، دامنگیرشان شد. (۲۶) [بسیاری از مردم] شهرهای پیرامون شما [مکّیان] را هلاک کردیم؛ و[لی قبلاً] نشانه‌ها [و دلایل توحید] را به شکل‌های مختلف در میان آوردیم؛ باشد که [از کفر و گمراهی] بازگردند. (۲۷) پس چرا کسانی که [مشرکان آنان را] برای تقرب [به الله،] معبودان خود گرفتند، [به هنگام بلا] یاری‌شان نکردند؟ بلکه از نظرشان ناپدید شدند؛ و [سرانجام] دروغ‌ها و تهمت‌هایشان همین بود. (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ﴾

با بیان امثال و قصص گذشتگان، قبح و حُسن اعمال مشخص می‌شود؛ بنابراین الله سبحانه به رسولش ﷺ می‌فرماید: ﴿وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ﴾. آلوسی: ۲۵/ ۲۵۱.

پرسش: یادآوری قصهٔ عاد چه فایده‌ای دارد؟

۲ ﴿قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ﴾

به بیان واژهٔ ﴿تَجۡهَلُونَ﴾ بسنده نشد بلکه ﴿قَوۡمٗا﴾ نیز اضافه گشت که دلالت کند بر نهادینه‌شدن جهالت در آنان تا این‌که یکی از عناصر ملیت‌شان شد، و به این هدف که دلالت کند بر این‌که تمام قبیله جاهل بودند؛ چنان‌که لوط ﷺ به قومش گفت: ﴿أَلَيۡسَ مِنكُمۡ رَجُلٞ رَّشِيدٞ﴾ [هود: ۷۸]. ابن عاشور: ۲۶/ ۴۸.

پرسش: واژهٔ ﴿قَوۡمٗا﴾ در آیه چه دلالتی دارد؟

۳ ﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

مسلم این حدیث را از عایشه رضی الله عنها روایت کرده که گفت: هر گاه باد سختی می‌وزید، رسول الله ﷺ این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» [صحیح مسلم: ۸۹۹] «یا الله! من از تو خیر آن و خیر آن‌چه در آن قرار دارد، و خیر آن‌چه برایش فرستاده شده است، می‌خواهم، و از شرّ آن، و شرّ آن‌چه در آن قرار دارد، و شرّ آن‌چه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم». هر گاه آسمان آمادهٔ باریدن می‌شد، رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد و بارها از اتاق خارج و بدان وارد می‌شدند و وقتی که باران شروع به باریدن می‌کرد، خوشحال می‌شد. در این مورد از او سوال کردم، فرمود: «لَعَلَّهُ يَا عَائِشَةُ كَمَا قَالَ قَوْمُ عَادٍ»؛ «اطمینان ندارم و می‌ترسم از این‌که شاید مانند عذابی باشد که به قوم عاد رسید و آن‌ها گفتند: ﴿هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَا﴾» [صحیح مسلم: ۸۹۹]. آلوسی: ۲۵/ ۲۵۶.

پرسش: دعای مستحب هنگام وزش باد یا نمایان‌شدن ابر چیست؟

۴ ﴿وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ﴾

یعنی: ای مخاطبان همان‌گونه که به شما قدرت دادیم به عاد نیز قدرت بخشیدیم؛ پس گمان نکنید که این قدرت را فقط به شما بخشیدیم و می‌تواند بخشی از عذاب الله را از شما بازدارد، بلکه دیگران قدرت بیشتری از شما داشتند، اما اموال و فرزندان و لشکریان‌شان هیچ فایده‌ای در برابر الله به آنان نرساند. سعدی: ۷۸۳.

پرسش: در صورتی که الله تعالی عذاب کسانی را اراده کند، نیروی مادی‌شان هیچ سودی به آنان نمی‌رساند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ﴾

نکتهٔ موجود در عبارت ﴿وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ﴾ این است که آنان جز عناد و دشمنی، هیچ مانعی برای درک حقیقت نداشتند. کنایه‌ای است به مشرکان قریش که خودتان را از فایده‌بردن از گوش و چشم و عقل‌تان محروم کردید چنان‌که آنان خودشان را از این فایده محروم کردند. ابن عاشور: ۲۶/ ۵۳.

پرسش: چه نکته‌ای در عبارت ﴿وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ﴾ وجود دارد؟

۶ ﴿وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ﴾

این آیه و آیات مشابه دلالت دارد بر این‌که اگر انسان آیات الله را انکار کند گوش و چشم و قلب هیچ سودی به او نمی‌رسانند؛ بنابراین عقل که معیار تکلیف است به تنهایی نمی‌تواند سبب رسیدن به ایمان مفید و معرفت نجات‌دهنده از عذاب الله باشد. ابن تیمیه: ۵/ ۵۵۰.

پرسش: هدایت به واسطهٔ عقل به تنهایی حاصل نمی‌شود، بلکه بخششی از جانب الله تعالی است. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ﴾

یعنی پس چرا معبودهای‌شان که ادعا می‌کردند به واسطهٔ آنان به سوی الله نزدیکی می‌جستند تا برای‌شان شفاعت کنند – آن‌جا که گفتند: اینان شفیعان ما نزد الله هستند – به یاری‌شان نیامدند و نابودی را که بر آنان واقع شد از آنان دفع نکردند. شوکانی: ۵/ ۲۴.

پرسش: معبودهای مشرکان که آنان را واسطهٔ تقرب به سوی الله قرار می‌دهند، در دنیا و آخرت ضعیف هستند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلۡأَحۡقَافِ	نام سرزمین عاد است که در جنوب جزیرة العرب قرار دارد.
لِتَأۡفِكَنَا	تا ما را بازداری.
عَارِضٗا	ابری نمایان در افق آسمان.
مَكَّنَّٰهُمۡ	به آنان قدرت و برتری دادیم.
وَحَاقَ	فرود آمد.
قُرۡبَانًا	با آن به سوی پروردگارشان نزدیکی می‌جستند.

عمل به آیات

۱. هنگام وزش باد یا نزول باران این دعای مأثور را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» [صحیح مسلم: ۸۹۹] «یا الله! من از تو خیر آن و خیر آن‌چه در آن قرار دارد، و خیر آن‌چه برایش فرستاده شده است، می‌خواهم، و از شرّ آن، و شرّ آن‌چه در آن قرار دارد، و شرّ آن‌چه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم»، ﴿قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾.

۲. سه طاعت یکی مربوط به گوش، یکی مربوط به چشم و دیگری مربوط به قلب انجام بده، ﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ﴾.

۳. به تصاویری از آثار به‌جامانده از امت‌های پیشین نگاه کن و پند و عبرت‌هایی را که از آن‌ها می‌گیری بنویس، ﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا مَا حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾.

رهنمودها

۱. قصص پیامبران سبب دلداری و تسکین پیامبر ﷺ و پیروانش است، ﴿وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ﴾.

۲. قوم عاد به سبب جهل و تکبرشان به ابری که سبب نابودی‌شان بود شادمان گشتند، ﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾.

۳. وقتی عذاب الله تعالی نازل شود، پیشرفت علمی و فرهنگی و عمرانی فایده نمی‌رساند، ﴿تُدَمِّرُ كُلَّ شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ﴾.

سورة (الاحقاف) الجزء (۲۶) صفحة (۵۰۶)

وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا
حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ
﴿۲۹﴾ قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ
مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ
﴿۳۰﴾ يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن
ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿۳۱﴾ وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ
فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ
فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿۳۲﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰۚ بَلَىٰٓۚ
إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿۳۳﴾ وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ
أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا
كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿۳۴﴾ فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ
وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡۚ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا
سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭۚ بَلَٰغٞۚ فَهَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿۳۵﴾

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
صَرَفۡنَآ	فرستادیم و به سوی تو متوجه ساختیم.
قُضِيَ	رسول الله ﷺ تلاوتش را به پایان رسانید.
مُّنذِرِينَ	بیم‌دهندگان از عذاب الله.
وَيُجِرۡكُم	شما را نجات می‌دهد.
وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ	از آفرینش آن‌ها ناتوان و خسته نشده است.
بَلَٰغٞ	تبلیغی از جانب الله برای‌شان است.

عمل به آیات

۱. عبادتی را که یک دعوتگر یا خیرخواه، تو را بدان امر کرده است به یاد آور و آن را انجام بده، ﴿وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُ﴾

۲. در تنهایی قرآن را با صدای بلند بخوان؛ شاید فرشتگان یا جن به تو گوش فرا دهند و بر پاداشت افزوده گردد، ﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْ﴾

۳. به یک آیه از کتاب الله تعالی گوش فرا بده سپس به آن عمل کن تا در زمرهٔ پیروان قرآن قرار گیری، ﴿فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. مومن به فکر آموزش و نفع دیگران است، ﴿فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ﴾

۲. ذاتی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است می‌تواند انسان را پس از مرگش دوباره زنده کند، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰ﴾

۳. صبر، صفت پیامبران و رسولان و از اسباب رستگاری در دنیا و آخرت است، ﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر، به یاد آور] هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو فرستادیم که قرآن را بشنوند؛ هنگامی که نزد پیامبر حضور یافتند، [به یکدیگر] گفتند: «خاموش باشید [تا به آیات قرآن گوش فرادهیم] و چون [تلاوتش] به پایان رسید، نزد قوم خود بازگشتند تا به آنان [در مورد عواقبِ سرپیچی از فرمان حق] هشدار دهند. (۲۹) گفتند: «ای قوم، ما [آیاتِ] کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است و کتاب‌های [آسمانی] پیش از خود را تصدیق می‌کند و به [سوی] حق و راه راست هدایت می‌نماید. (۳۰) ای قوم، [سخنان توحیدیِ] این دعوتگر را که به سوی الله فرامی‌خوانَد بپذیرید و به او ایمان آورید تا [الله] برخی از گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک در امان بدارد. (۳۱) و هر کس [سخنان] دعوتگری را که به سوی الله فرامی‌خوانَد نپذیرد [و به وی ایمان نیاورد، هرگز الله را] در زمین به تنگ نمی‌آورَد؛ و در برابر الله [یاور و] کارسازی نخواهد داشت. چنین کسانی در گمراهیِ آشکارند». (۳۲) آیا مشرکان ندیده‌اند [و نمی‌دانند] الله که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها درمانده نشد، قادر است مردگان را [نیز] زنده کند؟ آری، او بر هر کاری تواناست. (۳۳) روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند، [از آنان پرسیده می‌شود:] «آیا این آتش حق نیست [و حقیقت ندارد]؟» آنان می‌گویند: «آری؛ سوگند به پروردگارمان [که چنین است]»؛ [آنگاه الله] می‌فرماید: «پس به سزای آنکه [قیامت را] انکار می‌کردید، عذاب را بچشید». (۳۴) [ای پیامبر،] تو نیز همچون پیامبران اولوالعزم [که همواره ثابت‌قدم بودند، در برابر آزار و تکذیبِ قومت] شکیبا باش و در مورد [درخواست عذابِ] آنان شتاب نکن. روزی که [این کافران] عذابِ موعودشان را [در جهان آخرت] ببینند، [کیفرشان چنان طولانی است که] گویی فقط بخشی از روز را [در دنیا] به سر برده‌اند. این قرآن، پیامی [عمومی برای جن و انس] است. آیا جز نافرمانان هلاک می‌شوند؟ (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ﴾

یعنی: گوش فرا دهید. این امر، ادب آن جن‌ها را می‌رساند... ﴿وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ﴾ یعنی: به سوی قوم‌شان بازگشتند و آنان را با آن‌چه از رسول الله ﷺ شنیده بودند انذار دادند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَحۡذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲]؛ «تا (به سبب آن‌چه از پیامبر فرامی‌گیرند) در دین آگاهی بیابند و قوم خود را ـ وقتی به سوی‌شان بازگشتند ـ بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی بترسند و) بپرهیزند». با استدلال به آیه گفته شده که در میان جن‌ها انذاردهندگانی وجود دارد اما رسولانی در میان آنان نیست و قطعاً الله رسولی از میان آن‌ها مبعوث نکرده است. ابن کثیر: ۴/ ۱۷۲.

پرسش: ادبی را که جن‌ها هنگام شنیدن قرآن رعایت کردند چه بود؟ آیا رسولانی از جن هم مبعوث شده است؟

۲ ﴿قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ﴾

نامی از عیسی علیه السلام نیاوردند چون انجیل که بر او نازل شده بود شامل اندرزها و موعظه‌ها و اندکی تحلیل و تحریم بود و در واقع متمّم شریعت تورات به شمار می‌رفت؛ یعنی اساس همان تورات بود و به همین دلیل گفتند: ﴿أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ﴾. ورقة بن نوفل نیز وقتی پیامبر ﷺ او را از نزول جبریل برای نخستین بار باخبر ساخت گفت: به به، این همان وحیی است که به سوی موسی می‌آمد. ابن کثیر: ۴/ ۱۷۳.

پرسش: چرا جن‌ها در مورد قرآن گفتند پس از موسی نازل شده و نگفتند پس از عیسی نازل شده است؟

۳ ﴿مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿۳۰﴾ يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ﴾

پس از مدح و بیان مقام و مرتبهٔ بالای قرآن، آنان را بر ایمان به آن دعوت دادند. سعدی: ۷۸۳.

پرسش: نکتهٔ دعوی مهمی در ترتیب کلام جن‌ها وجود دارد. این نکته را بیان کنید.

۴ ﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡۚ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭۚ بَلَٰغٞۚ فَهَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

عزم پسندیده در دین عبارت است از: عزم بر کاری که سبب تزکیهٔ نفس و اصلاح امت است و اساس آن، صبر در برابر امور ناگوار؛ انگیزه‌اش تقوا و نیروی آن، مراقبت زیاد است؛ یعنی انسان مومن در محاسبهٔ خودش سهل‌انگاری نکند؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ﴾ [آل عمران: ۱۸۶]؛ «و اگر صبر کنید، و تقوا پیشه سازید، (بدانید که) این از کارهای مهم و سترگ است». ابن عاشور: ۲۶/ ۶۷.

پرسش: ارکان عزم و نیت نیک چیست؟

۵ ﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡ﴾

رسولان اولوالعزم: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد ﷺ هستند. بنابر این قول، چهار رسول هستند که رسول الله ﷺ فرمان یافت همانند آنان صبر پیشه کند، یعنی او پنجمین پیامبر اولوالعزم است. شنقیطی: ۷/ ۲۴۱.

پرسش: رسولان اولوالعزم را نام ببرید؟

۶ ﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡ﴾

الله پس از این‌که رسول الله ﷺ را به صبر که برترین فضیلت است امر کرد، او را از عجله که مادر رذیلت‌هاست نهی فرمود تا فضیلت صبر که ضامن رستگاری و پیروزی است کامل شود؛ بنابراین فرمود: ﴿وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡ﴾: عجله نکن؛ یعنی پیش از موعد، کاری که سبب آزار آنان باشد، انجام نده. بقاعی: ۱۸/ ۱۹۱.

پرسش: با توجه به آیه، دعوتگر با دو صفت به کمال می‌رسد. این دو صفت چیست؟

۷ ﴿كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭ﴾

سختی عذاب الله که به کافران می‌رسد مدت ماندن آنان در دنیا و سال‌ها و ماه‌هایی را که در آن زندگی کرده‌اند از یادشان می‌برد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿۱۱۲﴾ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡـَٔلِ ٱلۡعَآدِّينَ ﴿۱۱۳﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۲-۱۱۳]؛ «(الله) می‌فرماید: (شما) چند سال در زمین درنگ کردید؟! گویند: یک روز، یا قسمتی از یک روز درنگ کرده‌ایم، پس از حسابگران بپرس». طبری: ۲۲/ ۱۴۶.

پرسش: چرا کافران گمان می‌کنند مدت کوتاهی در دنیا مانده‌اند؟

سورهٔ محمد

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه الله بازمی‌دارند، [الله] اعمال آنان را تباه می‌کند. (۱) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر محمد نازل شده- که آن حق و از جانب پروردگارشان است- ایمان آورده‌اند، [الله نیز]، بدی‌هایشان را می‌زداید و امور [دنیا و دین]شان را سامان می‌بخشد [و اصلاح می‌کند]. (۲) این [پاداش و جزا،] به سبب آن است که کافران پیرو باطل شدند و مؤمنان، پیرو [آیات] حقِ پروردگارشان. الله مَثَل‌های مردم را اینچنین برایشان بیان می‌کند. (۳) [ای مومنان!] هر گاه با کافران روبرو شدید، آنان را گردن بزنید تا آنکه [بسیاری از آنان را] بکشید؛ آنگاه [اسیران را] محکم به بند کشید؛ سپس یا بر آنان منت گذارید [و بدون هیچ عوضی آزادشان کنید] یا [از آنان] فدیه بگیرید [و رهایشان کنید] تا سنگینی جنگ فروکش کند. این [حکم الهی] است؛ و اگر الله می‌خواست، خود از آنان انتقام می‌گرفت؛ ولی [فرمان جنگ داد] تا شما را در برابر یکدیگر آزمایش کند؛ و کسانی که در راه الله کشته شدند، [الله هرگز] نتیجه تلاششان را تباه نمی‌کند. (۴) الله آنان را [به راه راست] هدایت خواهد کرد و امورشان را سامان خواهد بخشید؛ (۵) و آنان را به بهشتی که [اوصافش را] برایشان بیان کرده است وارد خواهد نمود. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین و پیامبر] الله را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را [ثابت و] استوار می‌دارد. (۷) و بر کافران، نگونساری و هلاکت باد! [الله] اعمالشان را تباه می‌گرداند؛ (۸) زیرا آنچه را که الله نازل کرده است نپسندیدند؛ [الله] نیز اعمالشان را تباه نمود. (۹) آیا در زمین گشت و گذار نکرده‌اند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ الله [خانه‌هایشان را] بر سرشان ویران کرد [و آنان را نابود ساخت] و این کافران [نیز کیفری] همانند آن [در پیش] خواهند داشت. (۱۰) زیرا الله [یاور و] کارسازِ مؤمنان است؛ و[لی] کافران هیچ کارسازی ندارند. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم بِبَعۡضٍ﴾

الله تعالی بر هر کاری تواناست و می‌تواند کاری کند که کافران حتی یک مرتبه هم پیروز نشوند و مسلمانان همیشه چیره و پیروز باشند؛ اما مردم را با یکدیگر می‌آزماید تا جهاد برپا باشد و بندگان راستگو و دروغگو از یکدیگر مشخص شوند؛ و به این هدف که ایمان مومنان، صحیح و بر اساس علم و دلیل باشد نه ایمانی مبتنی بر پیروی از پیروزمندان؛ زیرا چنین ایمانی بسیار ضعیف است و هنگام رنج و سختی‌ها از بین می‌رود. سعدی: ۷۸۵.

پرسش: چه آزمایشی بر پیروزی مشرکان بر مسلمانان در بعضی مواقع مبتنی است؟

۲ ﴿وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۝٤ سَيَهۡدِيهِمۡ وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ﴾

﴿وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ﴾ یعنی: تفکرشان را اصلاح می‌کند و آمادهٔ هر خیری قرار می‌دهد، از هر شری دور می‌دارد، از ترس و بیم‌ها امنیت می‌بخشد، و با ایمان که سبب آرامش است تسکین می‌دهد؛ زیرا اگر کسی در راه الله کشته شود الله تعالی بهتر از خودِ او در حال زنده‌بودن، از وارثانش سرپرستی می‌کند. بقاعی: ۷/ ۱۵۳.

پرسش: عبارت ﴿وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ﴾ به چه معناست؟

۳ ﴿وَيُدۡخِلُهُمُ ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ﴾

یعنی منازل‌شان را در بهشت به‌گونه‌ای برای‌شان واضح کرده است که بدون اشتباه و بدون پرسیدن آدرس از کسی، به سوی آن می‌روند؛ گویی از زمان تولد ساکن آن‌جا بوده‌اند؛ بنابراین مومن، درجه و همسر و خدمتکارانش در بهشت را بهتر از منزل و خانواده‌اش در دنیا می‌شناسد. اکثر مفسران چنین دیدگاهی دارند. بغوی: ۴/ ۱۵۴.

پرسش: الله تعالی بهشت را برای ساکنانش چگونه معرفی کرده است؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾

کسانی که نام مسلمان دارند اما تمام گناهان را مرتکب می‌شوند و می گویند الله به ما یاری خواهد رساند، افرادی نادان و کوته‌فکر هستند؛ زیرا قطعاً در حزب الله که وعده داده به آنان یاری می‌رساند قرار ندارند. یاری مومنان به الله عبارت است از: یاری رساندن به دین و کتاب الله و تلاش و جهاد به این هدف که سخن الله برتر قرار گیرد و حدودش در زمین اجرا گردد و اوامرش اجرا و مناهی‌اش ترک شود. شنقیطی: ۷/ ۲۵۲.

پرسش: معنای یاری مومنان به الله تعالی چیست؟ آیا کسانی که پیوسته مرتکب گناه می‌شوند شایستگی این امر را دارند که الله به آنان یاری رساند؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ۝٧ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۝٨ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾

تهدیدی برای امت اسلامی است که اگر از یاری الله و جهاد در راه او و امر به معروف و نهی از منکر دست بکشند، الله آنان را به خودشان وامی‌گذارد، به آنان یاری نمی‌کند و دشمن را بر آنان مسلط می‌گرداند. هر گاه این سستی و سهل‌انگاری واقع شده، دشمن مسلط گشته است. بقاعی: ۷/ ۱۵۵.

پرسش: رویگردانی و نفرت از اوامر الله تعالی چه پیامدی دارد؟

۶ ﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ﴾

هر جا که الله به سیر و حرکت در زمین فرمان داده است، چه سیر حسی به صورت پیاده و سواره و چه سیر معنوی با تفکر و پندگیری، یا با لفظی دربرگیرندهٔ هر دو نوع... به هدف عبرتگیری و حذر از این است که مبادا عذابی مانند عذاب امت‌های پیشین فرا رسد. ابن قیم: ۲/ ۴۵۴.

پرسش: چه حکمتی در این فرمان الله وجود دارد که به بندگانش دستور می‌دهد در زمین به سیر و گردش بپردازند؟

۷ ﴿وَأَنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ لَا مَوۡلَىٰ لَهُمۡ﴾

کافران هیچ مولا و یاوری ندارند که آن‌ها را به راه‌های سلامتی و امنیت هدایت کند و از عذاب و کیفر الله برهاند، بلکه شیاطین یاورشان هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها درمی‌آورند. سعدی: ۷۸۶.

پرسش: با وجود این‌که شیاطین اولیای کافران هستند چرا گفته شد آنان مولایی ندارند؟

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ١ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن
رَّبِّهِمۡ كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ ٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
ٱتَّبَعُواْ ٱلۡبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡحَقَّ مِن رَّبِّهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ
ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمۡثَٰلَهُمۡ ٣ فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ
إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ فَإِمَّا مَنَّۢا بَعۡدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلۡحَرۡبُ
أَوۡزَارَهَاۚ ذَٰلِكَۖ وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم
بِبَعۡضٖۗ وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٤ سَيَهۡدِيهِمۡ
وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ ٥ وَيُدۡخِلُهُمُ ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ٧ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٨ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٩ ۞أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۖ وَلِلۡكَٰفِرِينَ أَمۡثَٰلُهَا ١٠ ذَٰلِكَ
بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ لَا مَوۡلَىٰ لَهُمۡ ١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ	گردن‌های‌شان را بزنید.
أَثۡخَنتُمُوهُمۡ	آنان را بر اثر کشتار زیاد ضعیف کردید و هیبت‌شان را در هم شکستید.
فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ	بندهای اسیران را محکم ببندید.
مَنَّۢا	با آزادسازی اسرا بدون عوض، بر آن‌ها منت می‌نهید.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه عملت را صالح گرداند و آن را از تو بپذیرد، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ﴾

۲. قصهٔ غزوهٔ بدر کبری را بخوان و بیندیش که صحابه چگونه در یاری دینِ الله جان‌نثاری کردند و الله چگونه آنان را تقویت و موفق کرد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾

۳. با دفاع از شخصی که دیگری از او غیبت می‌کند یا با یادآوری الله به یک گناهکار، به دین او تعالی یاری برسان، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. ایمان و عمل صالح، بدی‌ها را می‌پوشاند و دل‌ها را اصلاح می‌کند، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ﴾

۲. تمسّک به دین در زمان فتنه‌ها و غلبهٔ شهوات و شبهات و دفاع از آن یکی از وسایل نصرت الله و رسولش است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾

۳. یاری‌رساندن به اسلام، مقتضی عمل به اوامر شریعت و ترک مناهی آن است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾

سورة (محمد) الجزء (٢٦) صفحة (٥٠٨)

إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ
وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن قَرۡيَتِكَ
ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ ﴿١٣﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن
رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم ﴿١٤﴾ مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي
وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ
طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ
فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡۖ كَمَنۡ هُوَ خَٰلِدٞ فِي ٱلنَّارِ وَسُقُواْ
مَآءً حَمِيمٗا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ﴿١٥﴾ وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَ حَتَّىٰٓ إِذَا
خَرَجُواْ مِنۡ عِندِكَ قَالُواْ لِلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ
ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ
زَادَهُمۡ هُدٗى وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ﴿١٧﴾ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ
أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ
ذِكۡرَىٰهُمۡ ﴿١٨﴾ فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ
وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ﴿١٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَثۡوٗى	پناهگاه و مسکن.
غَيۡرِ ءَاسِنٖ	غیر متغیر و غیر گندیده.
ءَانِفًا	اکنون.
جَآءَ أَشۡرَاطُهَا	نشانه‌هایش آشکار شده است.
فَأَنَّىٰ لَهُمۡ	از کجا برای‌شان حاصل می‌شود؟!
مُتَقَلَّبَكُمۡ	کارهایی که در روز انجام می‌دهید.
وَمَثۡوَىٰكُمۡ	مکان استقرار شما هنگام خواب در شب.

عمل به آیات

۱. در ابتدا و پایان غذا نام الله را ببر و از الله سپاسگزاری کن و همانند گوسفندان بدون ذکر نام الله نخور، ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾

۲. کتابی در مورد چگونگی وضو و نماز پیامبرﷺ مطالعه کن تا الله را بر اساس دلیل عبادت کنی، ﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم﴾

۳. از گناهانت استغفار کن سپس از الله بخواه مردان و زنان مومن را بیامرزد، ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾

رهنمودها

۱. از نابودی اهالی شهرهای ستمکار توسط الله عبرت بگیر، ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن قَرۡيَتِكَ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ﴾

۲. با انجام عمل صالح برای روز قیامت آماده شو، ﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ ذِكۡرَىٰهُمۡ﴾

۳. علم اهمیت بالایی دارد چون باعث می‌شود بر اساس بصیرت و هدایت عمل کنی، ﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾

ترجمه آیات

الله مؤمنان نیکوکار را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ و کافران [تنها در دنیا] بهره‌مند می‌شوند و همچون چهارپایان می‌خورند و آتش [دوزخ] جایگاهشان است. (۱۲) و چه بسیار شهرهایی که ساکنانش از [مردم] شَهرت که تو را از آنجا بیرون کردند، توانمندتر بودند؛ ما آنان را نابود کرده‌ایم و هیچ یاوری [در برابر عذاب الهی] نداشتند. (۱۳) آیا کسی که بر شیوهٔ روشنی از جانب پروردگار خویش است، همچون کسانی است که زشتیِ رفتارشان در نظرشان آراسته شده و از هوس‌های خویش پیروی می‌کنند؟ (۱۴) توصیفِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، [چنین است که:] در آن، جویبارهایی از آبی [خالص و زلال] که بو و مزه‌اش تغییر نکرده؛ و جویبارهایی از شیری که طعمش دگرگون نگشته؛ و جویبارهایی از شرابی که مایهٔ لذتِ نوشندگان است؛ و جویبارهایی از عسل ناب است؛ و همهٔ [انواع] میوه‌ها، در آنجا در دسترسشان است و [از همه برتر، از] آمرزشِ پروردگارشان [برخوردارند]. [آیا بهشتیان] همانند ساکنان جاودان دوزخند که آبی چنان جوشان به آنان می‌نوشانند که روده‌هایشان را متلاشی می‌کند؟ (۱۵) [ای پیامبر،] برخی از منافقان به [گفتار] تو گوش فرامی‌دهند اما هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند، به اهل دانش [با تمسخر] می‌گویند: «[فهمیدید] لحظاتی پیش چه می‌گفت؟» الله بر دل‌هایشان مُهر [غفلت] نهاده است و آنان از هوس‌های خویش پیروی کرده‌اند. (۱۶) الله بر هدایتِ پرهیزگاران می‌افزاید و پرهیزکاری‌شان [را قوّت] می‌بخشد. (۱۷) آیا [کافران] جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان بر آنان فرارسد؟ همانا نشانه‌های آن آشکار شده است. آنگاه که قیامت فرارسد پندگرفتنشان چه سودی خواهد داشت؟ (۱۸) [ای پیامبر،] بدان که معبودی [به‌حق] جز الله نیست؛ و برای گناه خویش و [گناه] مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه؛ و [به یاد داشته باش که] الله، محل رفت‌وآمد [روزانه] و آرمیدن [شبانهٔ] شما را می‌داند. (۱۹)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾
ورود مومنان به بهشت، رنج و سختی‌هایی را که در زندگی دنیا متحمل شده‌اند از یادشان می‌بَرد و نعمت‌های بهشتی با نعمت‌های معنوی که در دنیا داشتند برای‌شان جمع می‌شود، در بهشت هرگز رنجیده و دل‌آزرده نخواهند شد و هرگز خواهان انتقال از آن‌جا نیستند. این پاداش، در قبال زندگی سخت و فقیرانهٔ آنان در دنیاست که الله به سبب محبت خویش به آنان و بزرگداشت جایگاه‌شان، آنان را برای عبادت خویش فارغ کرد و همراه خویش قرار داد. بقاعی: ۱۸/ ۲۱۴.
پرسش: ورود مومنان به بهشت چه تاثیری بر آنان دارد؟

❷ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾
کافران همانند چهارپایان در دنیا بهره‌مند می‌شوند و هیچ غم و اندوهی جز شکم و عورت‌شان ندارند و از فردای خویش غافلند. بنابر قولی: مومن در دنیا توشه برمی‌گیرد، منافق خودش را می‌آراید و کافر بهره می‌برد. قرطبی: ۱۹/ ۲۵۷.
پرسش: بزرگ‌ترین قصد و دل‌مشغولی کافران در دنیا چیست؟ چه تفاوتی میان قصد مومن و کافر و منافق وجود دارد؟

❸ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾
کسانی که یگانگی الله را انکار و رسولش را تکذیب کردند، در دنیا از مال و معاش و زینت فانی‌اش بهره می‌برند... بدون علم و بدون شناخت می‌خوردند، مانند چهارپایانِ رامی که هیچ غم و اندوهی جز خوردن علف ندارند. طبری: ۲۲/ ۱۶۴.
پرسش: وجه تشابه کافران و چهارپایان در دنیا چیست؟

❹ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾
همانند چهارپایان برای کسب لذت و نشاط می‌خورند، تفاوتی نمی‌کند از هر جایی تهیه شده باشد و به هر نحوی در شکم‌شان قرار گیرد، بدون این‌که حرام و حلال را از یکدیگر تشخیص دهند؛ الله تعالی دنیا را به آنان بخشیده و روزی‌شان را در آن فراخ گردانید و آنان را بدان مشغول ساخته تا از خودش غافل سازد. بقاعی: ۱۸/ ۲۱۴.
پرسش: اعطای نعمت‌های دنیا به انسان و محروم‌کردن او از عبادت بر چه امری دلالت می‌کند؟

❺ ﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ﴾
از ابوموسی ؓ روایت است که گفت: رسول اللهﷺ فرمود: «مَا أَصْبَحْتُ غَدَاةً قَطُّ إِلَّا اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ» [صحیح؛ السنن الکبری نسائی: ۱۰۲۰۲؛ مصنف ابن ابی‌شیبه: ۳۵۰۷۵] «هیچ روزی صبح نکردم مگر این‌که صد مرتبه از الله آمرزش خواستم». از ابن عمر ؓ روایت است که گفت: در مجلس، سخن رسول اللهﷺ را می‌شمردیم که صد مرتبه می‌فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» [صحیح؛ ابوداود: ۱۵۱۶؛ ابن ماجه: ۳۸۱۴]. آلوسی: ۲۵/ ۲۹۴.
پرسش: مثالی برای تدبر پیامبرﷺ در قرآن و عمل به آن بیان کنید؟

❻ ﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾
از سفیان بن عیینه نقل شده که وقتی در مورد فضیلت علم از او سوال شد، گفت: مگر این آیه را نشنیده‌ای که با علم آغاز می‌شود: ﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ﴾ یعنی بعد از علم به عمل دستور داد؛ یا ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ...﴾ تا آن‌جا که می‌فرماید: ﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ...﴾ [الحدید: ۲۰-۲۱] یا می‌فرماید: ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞ﴾ [الأنفال: ۲۸]، سپس می‌فرماید: ﴿فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ﴾ [التغابن: ۱۴] یا می‌فرماید: ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ﴾ [الأنفال: ۴۱] و در ادامه به عمل فرمان می‌دهد. قرطبی: ۱۹/ ۲۶۷.
پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر فضیلت عمل بعد از علم را بیان کنید.

❼ ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾
رسول اللهﷺ فرمان یافت برای دفع گناهان و کیفرهای مردان و زنان مومن استغفار کند. یکی از لوازم این کار آن است که خیرخواه‌شان باشد، آن‌چه را که برای خود می‌پسندد برای آنان نیز بپسندد، آن‌چه را که برای خودش نمی‌خواهد برای آنان نیز نخواهد، آنان را به خیر امر کند و از زیان بازدارد، از خطاها و معایب‌شان درگذرد و بر اتحادشان که سبب نزدیکی دل‌های‌شان به یکدیگر است بکوشد و کینه‌ها و اختلافاتی را که میان‌شان وجود دارد و باعث دشمنی و انجام گناهان و معاصی می‌شود برطرف کند. سعدی: ۷۸۷- ۷۸۸.
پرسش: لوازم استغفار برای مردان و زنان مومن چیست؟

سورة (محمد) الجزء (٢٦) صفحة (٥٠٩)

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞۖ فَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ
مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ
يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ
﴿٢٠﴾ طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞۚ فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ
لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ ﴿٢١﴾ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴿٢٢﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ
ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ
أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ﴿٢٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم
مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ
لَهُمۡ ﴿٢٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ
سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ ﴿٢٦﴾
فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ
وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ
وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ﴿٢٨﴾ أَمۡ حَسِبَ
ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ ﴿٢٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّرَضٌ	شک و نفاق.
ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ	بیهوش بر اثر ترس زیاد.
عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ	قتال واجب شد.
فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ	شاید شما.
تَوَلَّيۡتُمۡ	از ایمان روی گرداندید.
ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم	به کفر بازگشتند.
سَوَّلَ لَهُمۡ	گناهان آنان را برای‌شان بیاراست.
إِسۡرَارَهُمۡ	آن‌چه را که مخفی و پنهان می‌کنند.
أَضۡغَٰنَهُمۡ	کینه‌های‌شان.

عمل به آیات

۱. به دیدار یکی از خویشاوندانت برو یا با او تماس تلفنی برقرار کن تا صلهٔ رحم را به جای آورده باشی، ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ﴾

۲. این صفحه از قرآن را با تدبر بخوان و غیر از موارد مذکور، سه مورد از فواید آن را بنویس، ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ﴾

۳. از الله بخواه قلبت را سالم نگاه دارد و از نفاق و ریا و خودپسندی پاکیزه گرداند، ﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ﴾

رهنمودها

۱. در برابر الله صادق باش، ﴿فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ﴾

۲. قطع صلهٔ رحم خطر بسیار بزرگی دارد، ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ﴾

۳. هر آن‌چه را که بنده مخفی کند الله تعالی می‌تواند آن را آشکار گرداند، ﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ﴾

ترجمه آیات

مؤمنان می‌گویند: «چرا سوره‌ای [دربارهٔ اجازهٔ جهاد] نازل نمی‌شود؟»؛ اما هنگامی که آیات صریحی در مورد جنگ نازل می‌گردد، [منافقان و] بیماردلان را می‌بینی که همچون کسی که از [سختی] مرگ دستخوش بیهوشی شده باشد به تو می‌نگرند؛ [مرگ و عذاب الهی] بر آنان شایسته‌تر است. (۲۰) اطاعت و گفتار شایسته [بهتر است]؛ و چون تصمیم قطعی [جهاد] گرفته شد، اگر [در تعهد خود با] الله صادق باشند، [از نفاق و سرکشی]، برایشان بهتر است. (۲۱) پس [ای منافقان،] آیا [جز این] انتظار دارید که اگر [از قرآن و سنت پیامبرش] روی بگردانید، در زمین تباهی کنید و از خویشاوندانتان ببُرید؟ [چنان‌که در جاهلیت این حالت را داشتید.] (۲۲) اینان کسانی هستند که الله [با دور ساختن از رحمتِ خویش] لعنتشان کرده است؛ پس [گوشِ دلِ] آنان را کر، و چشم [دلِ] آنان را کور ساخته است. (۲۳) آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا قفل‌ها[ی غفلت] بر دل‌هایشان نهاده شده است؟ (۲۴) کسانی که پس از روشن شدن [راه] هدایت، به راه پیشینِ خویش بازگشتند [و مرتد شدند،] شیطان [اعمال زشتشان را] برایشان آراسته و آنان را [با آرزوهای دراز] فریب داده است. (۲۵) این [جهل و گمراهی،] بدان خاطر است که منافقان به مشرکانی که از وحی الهی کراهت داشتند گفتند: «ما در برخی از امور از شما پیروی می‌کنیم»؛ و الله پنهانکاری‌شان را می‌داند. (۲۶) آنگاه که فرشتگان الهی بر چهره و پشتشان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند، [حال این منافقان] چگونه خواهد بود؟ (۲۷) این [کیفر،] از آن روست که آنان پیرو راهی شدند که الله را به خشم می‌آورَد و از انجام کارهایی که موجب خشنودی الهی می‌شود کراهت داشتند؛ پس [الله نیز نتیجهٔ] کارهایشان را تباه ساخت. (۲۸) آیا بیماردلان [منافق] پنداشته‌اند که الله هرگز کینه‌هایشان را آشکار نخواهد ساخت؟ (۲۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴿٢٢﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ﴾
از این آیات مشخص می‌شود که هر کس به معروف امر و با پیروان منکر جهاد کند، از فسادکاری در زمین و قطع صلهٔ رحم در امان مانده است و هر کس این وظیفه را ترک کند در این گناهان واقع می‌شود. بقاعی: ۷/ ۱۶۹.
پرسش: ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک جهاد در راه الله، چه آسیبی به جامعهٔ اسلامی وارد می‌کند؟

۲ ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ﴾
رحم بر دو نوع عام و خاص است؛ منظور از رحم عام، رابطهٔ دینی است که مراقبت از آن بدین قرار است: وجود همیشگی ایمان و محبت مومنان، یاری رساندن به آنان، خیرخواهی، دفع زیان از آنان، برقراری عدالت میان‌شان و انصاف در برخورد با آنان و ادای حقوق واجب‌شان مانند عیادت بیماران و حقوق اموات، شامل غسل و ادای نماز میت و دفن و سایر حقوقی که برای‌شان وجود دارد. اما منظور از رحم خاص، رابطهٔ خویشاوندی از جانب پدر و مادر است که اینان حقوق مخصوص و بیشتری دارند مانند نفقه، احوالپرسی و غافل‌نشدن از آنان در مواقعی که نیاز دارند. حقوق رحم عام در مورد خویشاوندان مستحکم‌تر است، به‌گونه‌ای که اگر حقوق با هم تزاحم پیدا کردند به ترتیب نزدیکی باید حقوق‌شان را ادا کرد. قرطبی: ۱۹/ ۲۷۷.
پرسش: منظور از رحم چیست؟ و چه حقوقی دارند؟

۳ ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴿٢٢﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ﴾
الله تبارک و تعالی می‌فرماید: کسانی که فساد برپا می‌کنند و رابطهٔ خویشاوندی را می‌برند، الله آنان را لعنت و از رحمت خویش دور کرده است. بنابراین آنان را چنان کر کرده که اندرزهای الله در قرآن را نمی‌شنوند و عقل‌شان را سلب کرده است، چنان‌که دلایل الله را نمی‌شناسند و از اندرزها و دلایلش پند نمی‌گیرند. طبری: ۲۲/ ۱۷۸.
پرسش: الله تعالی در آیهٔ فوق چه کسانی را لعنت کرده است؟ و کورشدن چشمان‌شان چه پیامدی دارد؟

۴ ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ﴾
گویی قلب مانند دری است که قفل بر آن زده شده و محکم بسته شده است و تا زمانی که قفل باز نشود نمی‌توان در را باز کرد و به پشت در رفت، همچنین تا زمانی که مُهر و قفل از قلب برداشته نشود ایمان و قرآن در آن وارد نخواهد شد. ابن قیم: ۲/ ۴۵۴.
پرسش: آیه راه فتح قلب انسان و ورود ایمان در آن را مشخص می‌کند. این روش را توضیح دهید.

۵ ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ﴾
یعنی: آیا قرآن را نمی‌فهمند تا به اندرزهای بازدارنده و دلایل آشکار و براهین قاطع آن عمل کنند، حال آن‌که این دلایل و براهین برای کسی که فهم و عقل داشته باشد کافی است و او را از کفر به الله و شرک‌ورزیدن به او تعالی و عمل به گناهان بازمی‌دارد؟! شوکانی: ۵/ ۳۸.
پرسش: دستیابی قاری قرآن کریم به تدبر چه نشانه‌ای دارد؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ لَهُمۡ﴾
الله تعالی در مورد بازگشتگان از هدایت و ایمان به سوی گمراهی و ناسپاسی خبر می‌دهد که این کارشان بر اساس دلیل و برهان نیست، بلکه فقط بر اثر تزیین و آراستن و تلقین دشمن‌شان، شیطان است. سعدی: ۷۸۹.
پرسش: چرا برخی منتسبین به اسلام، به کفر بازمی‌گردند؟

۷ ﴿فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾
هم پیروی آنان از آن‌چه خشم الله را برمی‌انگیزاند و هم نفرت‌شان از خشنودی او تعالی بیان شد، با این‌که بیان یکی از این دو مورد کافی بود. این امر، اشاره دارد به این‌که زدن فرشتگان بر صورت‌های‌شان، مناسب روی‌آوری آنان به اموری است که خشم الله را به همراه داشته است و زدن فرشتگان به پشت‌شان، مناسب نفرت آنان از خشنودی الله است؛ زیرا نفرت و کراهت، مستلزم رویگرداندن و پشت‌کردن است. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۱۹.
پرسش: بین پیروی مشرکان از آن‌چه خشم الله را برمی‌انگیزاند و نفرت‌شان از خشنودی الله از جهتی، و زدن فرشتگان بر صورت‌ها و پشت‌شان از جهت دیگر چه مناسبتی وجود دارد؟

وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡۚ وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي
لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٠ وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ
ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ ٣١ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗا وَسَيُحۡبِطُ أَعۡمَٰلَهُمۡ
٣٢ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ
وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ
ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡ ٣٤ فَلَا تَهِنُواْ
وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ وَلَن يَتِرَكُمۡ
أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٥ إِنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ
يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡـَٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ ٣٦ إِن يَسۡـَٔلۡكُمُوهَا
فَيُحۡفِكُمۡ تَبۡخَلُواْ وَيُخۡرِجۡ أَضۡغَٰنَكُمۡ ٣٧ هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ
تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ
فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلۡغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُۚ وَإِن
تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم ٣٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِسِيمَٰهُمۡ	نشانه‌های آشکار آنان.
لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِ	آن‌چه از کلام‌شان آشکار می‌شود و بر نیات‌شان دلالت می‌کند.
وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ	قطعاً شما را آزمایش می‌کنیم.
وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ	با رسول مخالفت و جنگ کردند.
وَلَن يَتِرَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ	از ثواب اعمال‌تان نخواهد کاست.
فَيُحۡفِكُمۡ	بر شما اصرار کند و سخت بگیرد.
أَضۡغَٰنَكُمۡ	کینه‌های‌تان.

عمل به آیات

۱. سه مورد از صفات منافقان را که در قرآن کریم آمده است بیان کنید، ﴿وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾

۲. از الله بخواه تو را در زمرۀ صابران قرار دهد، ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ﴾

۳. امروز بخشی از هزینه‌هایت را در راه الله انفاق کن و در آن بخل نورز، ﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦ﴾

رهنمودها

۱. ایمان به قضا و قدر، مقتضی صبر در برابر بلا و مصیبت است، ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ﴾

۲. تمام اعمالت را فقط برای الله قرار بده و در پی خشنودی یا ستایش مردم نباش، ﴿وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾

۳. مومن به سبب ایمانش قوی است و ترس و سستی در او راه نمی‌یابد، ﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ وَلَن يَتِرَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] اگر می‌خواستیم، آنان را به تو نشان می‌دادیم که [باطن] آنان را از ظاهرشان بازشناسی؛ و مسلّماً از شیوه سخنشان به خوبی آنان را خواهی شناخت؛ و [بدانید که] الله از کارهایتان آگاه است. (۳۰) قطعاً [همۀ] شما را آزمایش می‌کنیم تا مجاهدان و شکیبایانتان را بازشناسیم و احوال شما را می‌آزماییم [تا راستگویان مشخص گردند]. (۳۱) کسانی که پس از روشن شدن راه هدایت بر آنان، کفر ورزیدند و [مردم را] از راه الله بازداشتند و به مخالفت با پیامبر برخاستند، هرگز زیانی به الله نخواهند رساند؛ و [الله نیز نتیجۀ] اعمالشان را تباه خواهد ساخت. (۳۲) ای مؤمنان، از الله و پیامبر اطاعت کنید و [با کفر و ریا] اعمال [شایستۀ] خویش را تباه نکنید. (۳۳) کسانی که کفر ورزیدند و [دیگران را نیز] از راه الله بازداشتند و در حال کفر مردند، الله هرگز آنان را نخواهد آمرزید. (۳۴) پس [ای مؤمنان، هنگام رویارویی با دشمنان] سستی نورزید و [از ترس جنگ، آنان را] به صلح و آشتی دعوت نکنید؛ در حالی که شما برترید و الله با شماست و هرگز از [پاداش] اعمالتان نخواهد کاست. (۳۵) به راستی که زندگی دنیا، بازیچه و سرگرمی است؛ و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید، [الله] پاداشتان را [بی‌کم‌وکاست] خواهد داد؛ و [تمام] اموالتان را نمی‌خواهد [بلکه می‌فرماید که زکاتش را بپردازید]. (۳۶) اگر [تمام] آن را از شما بخواهد و [بر این دستور] اصرار کند، بخل می‌ورزید و [این کار،] کینه‌هایتان را آشکار می‌سازد. (۳۷) آگاه باشید! شما کسانی هستید که برای انفاق در راه الله دعوت می‌شوید؛ ولی برخی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس بخل بورزد، به زیان خویش بخل ورزیده است؛ و الله بی‌نیاز است و [این شما هستید که] نیازمندید؛ و اگر [از اسلام به سوی کفر] بازگردید، الله گروهی دیگر را جایگزین شما خواهد کرد که همچون شما [به بخل مبتلا] نباشند. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡ﴾

ای محمد اگر بخواهیم اشخاص آنان را به تو نشان می‌دهیم تا آنان را آشکارا بشناسی، اما الله تعالی این امر را در مورد تمام منافقان انجام نمی‌دهد؛ چون عیوب مخلوقاتش را می‌پوشاند و نیز به این هدف که امور را بر ظاهر سالم حمل کند و امور نهان را به عالمش بازگرداند. ابن کثیر: ۴/ ۱۸۳.

پرسش: چرا الله تعالی تمام منافقان را برای مسلمانان آشکار نمی‌کند؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾

﴿وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾: چهار معنا احتمال می‌رود: اعمال‌تان را با کفر پس از ایمان باطل نکنید. نیکی‌های‌تان را با انجام بدی‌ها باطل نکنید. اعمال‌تان را با ریا و خودپسندی باطل نکنید. و اعمال‌تان را قبل از این‌که کامل شود رها نکنید که باطل می‌شوند. ابن جزی: ۲/ ۳۴۳.

پرسش: باطل‌کننده‌های اعمال را با توجه به آیه بیان کنید.

۳ ﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ﴾

﴿وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ﴾: بشارت بزرگی است به چیرگی و پیروزی بر دشمنان. ابن کثیر: ۴/ ۱۸۴.

پرسش: همراهی الله با مسلمانان چه نتیجه‌ای در پی دارد؟

۴ ﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ﴾

﴿فَلَا تَهِنُواْ﴾ یعنی در برابر دشمنان سست نباشید. ﴿وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ﴾ یعنی: به صلح و آتش‌بس و ترک نبرد میان شما و کافران در حالی که قدرت و افراد و تجهیزات زیادی دارید. ﴿وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ﴾ یعنی در حالی که بر دشمن‌تان برتر هستید. اما اگر کافران نسبت به تمام مسلمانان صاحب قدرت و کثرت بودند و حاکم، مصلحتی در آتش‌بس و معاهده دید باید این کار را انجام دهد. ابن کثیر: ۴/ ۱۸۴.

پرسش: آیه موضع مسلمانان در حال قدرت در برابر دشمن‌شان را بیان می‌کند، موضع آنان در حالی که ضعیف باشند چیست؟

۵ ﴿إِنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡـَٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ﴾

صحیح‌ترین دیدگاه این است که آیۀ فوق به این دلیل بر عبارت ﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ﴾ عطف شد که یادآوری کند اجرای این نهی، تقوای نیک است و به این دلیل که گاهی انگیزۀ دعوت به صلح، حفظ مالی است که در جنگ هزینه می‌شود، ایمان و تقوا یادآوری شد تا ضعف و سستی را از خود دور کنند؛ یعنی از سستی و دعوت به صلح نهی شدند، بنابراین دست کشیدن از این امر، نوعی تقوا به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۳۳.

پرسش: با توجه به آیه، درمان ضعف و سستی امت چیست؟

۶ ﴿وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡـَٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ﴾

پروردگارتان برای اعطای پاداش به شما، اموال‌تان را طلب نمی‌کند، بلکه شما را به ایمان و طاعت امر می‌کند تا در قبال آن، بهشت را به شما پاداش دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ﴾ [الذاریات: ۵۷]. بنابر قولی: محمد اموال‌تان را از شما طلب نمی‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ﴾ [ص: ۸۶] «(ای پیامبر، به مشرکان) بگو: من (در برابر رسالتم) هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم». بنابر قولی دیگر: الله و رسولش تمام اموال شما را طلب نمی‌کند که صدقه بدهید، بلکه اندکی از بسیار - یعنی ربع عشر - از شما می‌خواهند، پس این مقدار را با رضایت قلبی بپردازید. قرطبی: ۴/ ۱۶۳.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که یکی از نشانه‌های صداقت عالم این است که اموال مردم را از آنان درخواست نمی‌کند.

۷ ﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلۡغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُۚ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم﴾

﴿وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦ﴾ یعنی: زیان بخلِ او به خودش بازمی‌گردد؛ گویی در برابر پاداشی که با انفاق، مستحقِ دریافتِ آن می‌شد بر خودش بخل ورزیده است. ﴿وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ﴾ یعنی: گروهی دیگر می‌آورد که صفت شما را ندارند، بلکه بر انفاق در راه الله تعالی مشتاق هستند. ابن جزی: ۲/ ۳۴۴.

پرسش: آیه دلالت دارد بر این‌که جزا از جنس عمل است. این مطلب را توضیح دهید.

سُورَةُ الفَتْح

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١ لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢
وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصۡرًا عَزِيزًا ٣ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٤ لِّيُدۡخِلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنۡهُمۡ
سَيِّـَٔاتِهِمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٥ وَيُعَذِّبَ
ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ
بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ
وَلَعَنَهُمۡ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرٗا ٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ٧ إِنَّآ
أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٨ لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ
وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَتۡحٗا مُّبِينٗا	صلح حدیبیه در سال ششم هجری.
ٱلسَّكِينَةَ	آرامش و ثبات.
ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ	گمان بد؛ یعنی این گمان که الله دینش را یاری نخواهد کرد.
عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِ	دعای بدی بر آنان است که عذاب‌ها و هر امر ناگواری بر آنان فرود آید.
وَتُعَزِّرُوهُ	الله را یاری رسانید.
وَتُوَقِّرُوهُ	الله را بزرگ دارید.

عمل به آیات

۱. بر پیامبر ﷺ درود بفرست که این کار نوعی احترام و حرمت‌گذاشتن به اوست، ﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾

۲. یکی از سنت‌ها- مانند مسواک‌زدن- را به منظور احترام به سیرهٔ پیامبر ﷺ انجام بده، ﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾

۳. برای تسبیح و ذکر در صبحگاه و شامگاه وِردی برای خودت انتخاب کن، ﴿وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی با صلح حدیبیه به مسلمانان لطف و بخشش کرد، ﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا﴾

۲. به الله گمان نیک داشته باش؛ زیرا الله تعالی آن‌گونه عمل می‌کند که بنده دربارهٔ او گمان می‌کند، ﴿وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ﴾

۳. یکی از موارد تعظیم پیامبر ﷺ، ذکر صفاتش، فرستادن درود بر او و پیروی از سنتش است، ﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾

سورهٔ فتح

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] به راستی که ما پیروزیِ آشکاری را [در صلح حدیبیه] برایت مقدر کردیم (۱)
تا الله گناهِ گذشته و آینده‌ات را بیامرزد و نعمتش را بر تو تمام گرداند و تو را به راه راست
هدایت نماید؛ (۲) و الله به پیروزیِ شکست‌ناپذیری یاری‌ات کند. (۳) اوست که بر دل‌های
مؤمنان آرامش [و ثبات] نازل کرد تا بر ایمانشان بیفزایند؛ و سپاهیان آسمان‌ها و زمین
از آنِ الله است؛ و الله دانای حکیم است. (۴) [آری، چنین کرد] تا مردان و زنان مؤمن را
به باغ‌هایی [بهشتی] وارد کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در
آنجا خواهند بود؛ و گناهانشان را بزداید [و بیامرزد]؛ و این نزد الله کامیابی بزرگی [برای
مومنان] است؛ (۵) و [نیز به این هدف که] منافقان و مشرکان را ـ اعم از زن و مرد ـ که
نسبت به الله بدگمانند مجازات کند؛ ناگواری [و عذاب الهی] بر آنان باد! الله بر آنان خشم
گرفته و آنان را از رحمت خویش دور کرده و دوزخ را برایشان آماده نموده است؛ و [به
راستی که دورخ] چه بد جایگاهی است! (۶) سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است؛ و
الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۷) [ای پیامبر،] ما تو را گواه و مژده‌دهنده و هشداردهنده
فرستادیم (۸) تا [شما مردم] به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و [دین] او را یاری کنید و او
را بزرگ دارید و بامداد و شامگاه، الله را تسبیح گویید. (۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا﴾

زهری می‌گوید: هیچ فتحی بزرگ‌تر از صلح حدیبیه نبود؛ زیرا پس از آن، مشرکان با مسلمانان معاشرت کردند و سخن‌شان را شنیدند و اسلام در دل‌های‌شان جای گرفت؛ در طول سه سال مردم زیادی اسلام آوردند و تعداد مسلمانان افزایش یافت. بغوی: ۴/ ۱۶۶.

پرسش: چرا صلح حدیبیه فتح و پیروزی به شمار می‌رود؟

۲ ﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١ لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾

الله تعالی اموری را بر این فتح مترتب کرد و فرمود: ﴿لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾ الله بهتر می‌داند که طاعات زیادی به سبب این فتح حاصل شد و افراد زیادی وارد دین شدند و فقط رسولان اولوالعزم در برابر چنین شروطی صبر می‌کنند. سعدی: ۷۹۱.

پرسش: چرا الله تعالی آمرزش گناهان گذشته و آیندهٔ پیامبر ﷺ را بر فتح حدیبیه مترتب کرد؟

۳ ﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١ لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا﴾

الله سبحانه هدایت و نصر را کنار یکدیگر آورد؛ زیرا سعادت و رستگاری کامل به‌وسیلهٔ این دو اصل حاصل می‌شود؛ هدایت عبارت است از علم به الله و دینش و عمل به خشنودی و طاعت او تعالی؛ بنابراین شامل علم نافع و عمل صالح است. نصر نیز عبارت است از: قدرت کامل بر اجرای دین الله با دلیل و بیان و شمشیر و نیزه؛ یعنی پیروزی با دلیل و دست حاصل می‌شود؛ پیروزی بر دل‌های مخالفان با حجت و پیروزی بر بدن‌های‌شان با دست برای رسول حاصل شد. الله سبحانه در مواضع زیادی این دو اصل را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد؛ زیرا به‌وسیلهٔ این دو اصل است که دعوت کامل می‌گردد و دینش بر تمام ادیان پیروز می‌شود. ابن قیم: ۲/ ۴۵۶.

پرسش: چرا الله تعالی هدایت و پیروزی را کنار یکدیگر قرار داد؟

۴ ﴿لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا﴾

از مغیره بن شعبه روایت شده که گفت: پیامبر این اندازه بر نماز می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. به او گفتند: مگر الله گناهان گذشته و آیندهٔ تو را نبخشیده است؟ فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»؛ «آیا بندهٔ سپاس‌گزاری نباشم» [صحیح بخاری: ۱۱۳۰ و ۴۸۳۶ و ۶۴۷۱؛ صحیح مسلم: ۲۸۱۹]. شوکانی: ۵/ ۴۶.

پرسش: چرا پیامبر ﷺ که الله گناهان گذشته و آینده‌اش را بخشیده بود پیوسته نماز می‌خواند تا این‌که پاهایش ورم می‌کرد؟

۵ ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾

رازی می‌گوید: سکینه عبارت است از: اطمینان به وعدهٔ الله و صبر بر حکم او تعالی؛ سکینه در این‌جا چشمه‌ای است که رستگاری و قدرت و نشاط را در خود جمع کرده، شخصِ ترسیده در کنارش آرام می‌گیرد، غمِ ماتم‌زده با آن برطرف می‌شود و وقار و خشوع و استواری در کارها را به ارمغان می‌آورد. بقاعی: ۱۸/ ۲۸۴.

پرسش: تاثیر سکینه بر مومن چیست؟

۶ ﴿لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡ﴾

قطعاً ایمان کم و زیاد می‌شود. اهل سنت و جماعت بر این دیدگاه هستند و قرآن و سنت نیز آن را تأیید می‌کنند. شنقیطی: ۷/ ۳۹۴.

پرسش: آیه کدام یک از امور اعتقادی اهل سنت و جماعت را بیان می‌کند؟

۷ ﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ﴾

تعزیر در این‌جا به معنای تقویت از طریق یاری و امداد است که فقط از طریق طاعت و تعظیم و بزرگ‌شمردن حاصل می‌شود... توقیر نیز عبارت است از تعظیم و بزرگ‌شمردن و گرامی‌داشتن. طبری: ۲۲/ ۲۰۸.

پرسش: تعزیر و توقیر در آیه به چه معناست؟ و این امر چگونه انجام می‌شود؟

سورة (الفتح) الجزء (٢٦) صفحة (٥١٢)

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ
أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ
بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ
لَكَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ شَغَلَتۡنَآ أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا
فَٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَاۚ يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلۡ
فَمَن يَمۡلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ ضَرًّا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ
نَفۡعَۢاۚ بَلۡ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرَۢا ﴿١١﴾ بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن
يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِيهِمۡ أَبَدٗا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي
قُلُوبِكُمۡ وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا بُورٗا ﴿١٢﴾ وَمَن لَّمۡ يُؤۡمِنۢ
بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَعِيرٗا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ ٱلۡمُخَلَّفُونَ إِذَا
ٱنطَلَقۡتُمۡ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأۡخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡۖ يُرِيدُونَ
أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ ٱللَّهِۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمۡ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبۡلُۖ
فَسَيَقُولُونَ بَلۡ تَحۡسُدُونَنَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿١٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَكَثَ	بیعتش را بشکند.
ٱلۡمُخَلَّفُونَ	کسانی که از خروج به همراه تو به سوی مکه سر باز زدند.
ٱلۡأَعۡرَابِ	بادیه‌نشین‌ها.
لَّن يَنقَلِبَ	هرگز باز نخواهد گشت.
ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ	گمان بد؛ یعنی این‌که الله به پیامبرش یاری نخواهد رساند.
بُورٗا	نابودشدگانی که هیچ خیری در آنان نیست.
أَعۡتَدۡنَا	آماده کرده‌ایم.

عمل به آیات

۱. بر ادای نماز مراقبت کن؛ زیرا بخشی از عهدی است که باید به آن وفا کرد، ﴿فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا﴾

۲. صدقه‌ای هر چند اندک بده، ﴿شَغَلَتۡنَآ أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا﴾

۳. با همکاری یکی از افراد خانواده عبادتی را انجام بده، ﴿شَغَلَتۡنَآ أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا﴾

رهنمودها

۱. عهد و پیمان‌هایی را که با الله سبحانه یا با مردم بسته‌ای به یاد آور و به آن‌ها وفا کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ﴾

۲. در همه‌چیز به الله گمان نیک داشته باش؛ زیرا گمان بد به الله، صفت منافقان است، ﴿وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا بُورٗا﴾

۳. یکی از شروط «لا إله إلا الله» این است که به آن‌چه نزد الله وجود دارد یقین داشته باشیم، ﴿بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِيهِمۡ أَبَدٗا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمۡ﴾

ترجمه آیات

بی‌تردید، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در حقیقت، با الله بیعت می‌کنند؛ دست الله بالای دست‌های آنان است. هر کس [پس از بیعت] پیمان‌شکنی کند، به زیان خویش پیمان شکسته است؛ و هر کس به پیمانش [مبنی بر یاری دین الله و پیامبرش] وفا کند، به زودی [الله] پاداش بزرگی به او خواهد داد. (۱۰) بادیه‌نشینان متخلف [که از شرکت در سفر مکه و صلح حدیبیه خودداری کرده‌اند، برای توجیهِ کارِ خود] خواهند گفت: «[محافظت] اموال و خانواده‌مان ما را گرفتار کرد؛ برایمان آمرزش بخواه». آنان چیزی که در دل‌هایشان نیست بر زبان می‌آورند. بگو: «اگر الله اراده کند که به شما زیان یا سودی برسد، کیست که در مقابل [خواستِ] الله از شما دفاع کند؟ آری، الله از آنچه می‌کنید آگاه است». (۱۱) [عذرتان این نبود؛] بلکه گمان می‌کردید که پیامبر و مؤمنان [همراهش، از این سفرِ خطرناک] هرگز نزد خانوادهٔ خویش بازنخواهند گشت؛ و این [توهم] در دل‌هایتان آراسته شد و گمانِ بد بردید [که الله دین و پیامبرش را یاری نخواهد کرد؛ پس به خطا رفتید] و هلاک شدید. (۱۲) هر کس به الله و پیامبرش ایمان نیاورد، [بداند که] ما آتشی سوزان برای کافران آماده کرده‌ایم. (۱۳) فرمانرواییِ آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است؛ هر کس را که بخواهد می‌آمرزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۴) [ای مؤمنان،] هنگامی که عازم [خیبر و] گرفتن غنیمت می‌شوید، متخلفان [از سفر مکه] خواهند گفت: «اجازه دهید ما [نیز] به دنبال شما بیاییم». آنان می‌خواهند کلام الهی را تغییر دهند. [ای پیامبر،] به آنان بگو: «شما هرگز به دنبال ما نخواهید آمد [زیرا این غنیمت‌ها مخصوص کسانی است که در حدیبیه حضور داشتند و دربارهٔ این حُکم،] الله قبلاً چنین فرموده است»؛ آنگاه خواهند گفت: «[نه،] بلکه شما نسبت به ما حسد می‌ورزید». [هرگز چنین نیست؛] بلکه جز عدهٔ کمی [از آنان، اوامر الهی را] درنمی‌یابند. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ﴾

زیرا چنین کسی از زمرهٔ کسانی که الله تعالی بهشت را به سبب وفا به بیعت به آنان وعده داده است خارج می‌شود؛ بنابراین فقط به خودش زیان می‌رساند. الله تبارک و تعالی یاور رسول خود در برابر دشمنانش است، چه کسی پیمان بشکند یا این‌که به بیعتش وفا کند. طبری: ۲۲/ ۲۱۰.

پرسش: انسان اگر به دینش یاری نرساند چه کسی زیان می‌بیند؟

۲ ﴿يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡ﴾

زیرا از روی اعتقاد طلب استغفار نمی‌کردند، بلکه از روی تمسخر چنین درخواستی داشتند و باطنِ آنان مخالفِ ظاهرشان بود، الله تعالی این‌گونه آنان را رسوا ساخت: ﴿يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ منافقان چنین صفتی دارند. شوکانی: ۵/ ۴۸.

پرسش: هدف منافقان از طلب استغفار از پیامبر ﷺ چه بود؟

۳ ﴿قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ ضَرًّا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ نَفۡعَۢاۚ بَلۡ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرَۢا﴾

هیچ‌کس نمی‌تواند آسیب یا فایده‌ای را که از جانب الله برسد دفع کند؛ بنابراین مشغول‌شدن به خانواده و مال، عذر محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند آسیبی را که الله اراده کرده است بازگرداند؛ حملهٔ غافلگیرانهٔ دشمن نیز نمی‌تواند فایده‌ای را که الله برای‌تان اراده کرده است دفع کند. آلوسی: ۱۳/ ۲۵۳.

پرسش: آیا یاری نرساندن به دین به سبب مشغول‌شدن به اموال و خانواده، عذری موجّه نزد الله به شمار می‌رود؟

۴ ﴿بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِيهِمۡ أَبَدٗا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمۡ وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا بُورٗا﴾

این گمان در باورشان زینت یافت؛ زیرا احتمال دیگر یعنی بازگشت رسول به صورت سالم را تصور نمی‌کردند. انسان‌های کم‌خرد و نادان فقط صورتی از حوادث را تصور می‌کنند که در ابتدا و بدون تفکر به ذهن‌شان خطور می‌کند. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۶۴.

پرسش: یکی از روش‌های الله برای نزدیک‌کردن تدریجی منافقان به عذاب این است که گمانِ اشتباه در مورد مومنان را در دل‌های‌شان می‌آراید. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۵ ﴿يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

مغفرت با عبارت ﴿يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ﴾ مقدم شد تا معنای طمعی که در نفس‌شان وجود دارد آشکار شود و به جبران آن‌چه از دست داده‌اند بشتابند. این امر، مقدمه‌ای است برای وعده‌ای که در ادامه به آنان داده می‌شود: ﴿قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ﴾ تا ﴿فَإِن تُطِيعُواْ يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنٗاۖ﴾. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۶۶.

پرسش: چرا مغفرت بر عذاب مقدم شد؟

۶ ﴿سَيَقُولُ ٱلۡمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقۡتُمۡ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأۡخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡۖ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ ٱللَّهِ﴾

یعنی: می‌خواهند وعدهٔ الله به اهل حدیبیه را تغییر دهند. الله به اهل حدیبیه وعده داده بود که به جای غنیمت مکه، غنیمت و فتح خیبر را فقط به آنان می‌بخشد. اما بازماندگان از جهاد خواستند در این غنیمت با آنان شریک باشند و منظور از تغییرِ مذکور، همین امر است. ابن جزی: ۲/ ۳۴۹.

پرسش: بازماندگان از جهاد و منافقان فقط در فکر غنیمت هستند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿فَسَيَقُولُونَ بَلۡ تَحۡسُدُونَنَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

یعنی در مورد غنیمت‌ها بر ما حسودی می‌کنید. این اوج دانش منافقان در این مورد بود و اگر می‌اندیشیدند قطعا می‌دانستند که سبب محرومیت آنان نافرمانی است و این‌که گناهان، مجازات‌های دنیوی و دینی دارند؛ بنابراین فرمود: ﴿بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾. سعدی: ۷۹۳.

پرسش: سبب حقیقی محرومیت منافقان از غنایم خیبر چه بود؟

سورة (الفتح) الجزء (٢٦) صفحة (٥١٣)

قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ سَتُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ قَوۡمٍ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ
تُقَٰتِلُونَهُمۡ أَوۡ يُسۡلِمُونَۖ فَإِن تُطِيعُواْ يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنٗاۖ
وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ كَمَا تَوَلَّيۡتُم مِّن قَبۡلُ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٦ لَّيۡسَ
عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞۗ
وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٧ ۞لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ
عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي
قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨ وَمَغَانِمَ
كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٩ وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ
مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ
ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطٗا
مُّسۡتَقِيمٗا ٢٠ وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَاۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢١ وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٢٢ سُنَّةَ
ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٢٣

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] به بادیه‌نشینان متخلف بگو: «به زودی به مقابله با گروهی جنگاور فراخوانده خواهید شد که آنان را از پای درآورید، مگر اینکه تسلیم شوند؛ اگر اطاعت کنید، الله پاداش نیکویی به شما خواهد داد؛ و اگر همچون گذشته سرپیچی نمایید، شما را با عذابی دردناک مجازات خواهد کرد». (۱۶) بر نابینا و لَنگ و بیمار گناهی نیست [که در جنگ شرکت نکنند]؛ و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند، [الله] او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ و هر کس را که سرپیچی کند، به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد. (۱۷) الله از مؤمنانی که در کنار آن درخت [در حدیبیه] با تو بیعت کردند، راضی شد و دانست که در دلشان چه می‌گذرد؛ از این روی آرامش [و ثبات] بر آنان فروفرستاد و به پیروزی نزدیک [در خیبر] پاداششان داد؛ (۱۸) و [همچنین] غنیمت‌های فراوانی که [از خیبر] به دست می‌آورند؛ و الله همواره شکست‌ناپذیر [و] حکیم است. (۱۹) الله غنیمت‌های فراوانی را به شما وعده داد که [در فتوحات اسلامی آینده] به آنها دست خواهید یافت؛ این [پیروزی و غنیمت‌های خیبر] را برای شما زودتر فراهم ساخت و دست [تعدی و تجاوز] دشمن [= یهودیان] را از شما کوتاه نمود تا نشانه‌ای [از لطف الهی] برای مومنان باشد و شما را به راهی راست هدایت کند؛ (۲۰) و [همچنین غنیمت‌های] دیگری [در انتظار شماست] که هنوز به آنها دست نیافته‌اید [و] الله بر آنها احاطه دارد [و از آنها آگاه است]. به راستی که الله بر هر کاری تواناست. (۲۱) اگر کافران به جنگ شما بیایند، [از توکل و صلابت شما] پشت کرده و می‌گریزند؛ سپس هیچ کارساز و یاوری نخواهند یافت. (۲۲) این سنت الهی است که پیشتر نیز جاری بوده است؛ و هرگز در سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ﴾
الله تعالی عذرهای ترک جهاد را بیان کرد؛ برخی از این عذرها مانند کوری و لنگی مستمر، همیشگی است و برخی مانند بیماری چند روزه، موقتی است؛ یعنی بیمار در زمان بیماری به کسانی ملحق می‌شود که عذر دائمی دارند تا این‌که بهبود یابد. ابن کثیر: ۴/ ۱۹۳.
پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که هنگام وجوب جهاد، چه عذرهایی موَجّه محسوب می‌شود؟

۲ ﴿وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا﴾
در دنیا با هتک آبرو و در آخرت با آتش جهنم. ابن کثیر: ۴/ ۱۹۳.
پرسش: آیا عذاب دردناک منحصر در عذاب اخروی است؟

۳ ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا﴾
رسول الله ﷺ فرمود: «لَا يَدْخُلُ النَّارَ، إِنْ شَاءَ اللهُ، مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ، الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا» [صحیح مسلم: ۲۴۹۶] «اگر الله بخواهد هیچ یک از کسانی که زیر درخت بیعت بستند وارد جهنم نمی‌شود»... ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ یعنی: ایمان صادق و عزم راست بر آن‌چه بر آن بیعت بستند... ﴿وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا﴾ یعنی: فتح خیبر. بنابر قولی: فتح مکه. قول اول مشهورتر است؛ یعنی الله افزون بر پاداش آخرت، این فتح را پاداش آنان در قبال بیعت رضوان قرار داد. ابن جزی: ۲/ ۳۴۹.
پرسش: با توجه به آیه چگونه می‌توان به کسانی پاسخ داد که اعتقاد دارند صحابه به استثنای هفت نفر از آنان، همگی کافر شدند؟

۴ ﴿وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا﴾
الله به لطف و مهربانی خویش و با این تدبیر، پاداش‌های بزرگی به شما می‌بخشد اما اسباب مخالف این امر را به مردم نشان می‌دهد؛ بنابراین مومن هرگز از شمار زیاد مخالفان و قدرت پیمان‌شکنان نمی‌ترسد؛ زیرا سبب همراهی الله با بنده، پیروی نیکوست که اساس آن، ایمان عمیق است که حکم به آن معلق شده است؛ یعنی هر جا «معلّق علیه» وجود داشته باشد «معلَّق» که عبارت است از یاری با اسباب آشکار یا پنهان، ایجاد می‌شود. بقاعی: ۱۸/ ۳۱۹.
پرسش: آن‌چه الله برای مومن مقدر فرموده، بهتر است از آن‌چه خود او برای خویشتن تعیین می‌کند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ﴾
آیه متضمن وعده‌ای از جانب الله سبحانه به بندگان مومنش است که تا روز قیامت به آنان غنیمت خواهد بخشید و در اوقاتی که مقدر شده است به آن دست خواهند یافت. شوکانی: ۵/ ۵۱.
پرسش: اکرام الله تعالی به مومنان را با توجه به آیه بیان کنید.

۶ ﴿وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
پیامبر ﷺ وقتی آهنگ خیبر نمود و اهالی آن‌جا را محاصره کرد، گروه‌هایی از بنی‌أسد و غطفان خواستند بر زن و فرزندان مسلمانان در مدینه تعرض کنند، اما الله تعالی با افکندن وحشت در دل‌های‌شان، دست آنان را بازداشت. بغوی: ۴/ ۱۷۵.
پرسش: منظور از بازداشتن دست مردم چیست؟

۷ ﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا﴾
پس از بیان سنت مذکور که در گذشته جاری بوده است، تحقق آن در آینده را نیز بیان کرد تا تمام زمان‌ها را فراگیرد و فرمود: ﴿وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا﴾؛ زیرا جریان این نصر در امت‌ها و زمان‌های مختلف و خبر دادن الله از آن بر زبان رسولان و پیامبرانش دلالت دارد بر این‌که الله تعالی، تقویت احزابش را اراده کرده است؛ پس قطعاً هیچ‌کس نخواهد توانست ارادهٔ الله تعالی را دفع کند. ابن عاشور: ۲۶/ ۱۸۳.
پرسش: تأکید با عبارت ﴿وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَرَجٌ	گناهی به سبب ترک جهاد.
يُبَايِعُونَكَ	بیعت رضوان در حدیبیه.
ٱلسَّكِينَةَ	آرامش و ثبات.
فَتۡحٗا قَرِيبٗا	فتح خیبر.
أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَا	الله بر این کار تواناست، آن را به شما وعده داده است و قطعاً وعده‌اش را عملی می‌کند.
لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ	قطعاً شکست می‌خوردند و در برابر شما پشت می‌کردند.
سُنَّةَ ٱللَّهِ	روش الله در پیروزی لشکریانش و شکست دشمنانش.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها دلم را بر دین پایدار بدار»، ﴿وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا﴾
۲. سیرهٔ یک صحابی را بنویس و به دیگران برسان تا فضیلت صحابه آشکار شود، ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ﴾
۳. بگو: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي قَلْبِي»؛ «یا الله! دلم را اصلاح گردان»، ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا﴾

رهنمودها

۱. هر کس فرمان الله را اجرا کند امور زندگی و دنیایش بر او آسان می‌گردد، ﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ﴾
۲. در آسان‌گیری و رحمت الله به بندگانش بیندیش، ﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ﴾
۳. صحابه و اهالی بیعت رضوان فضیلت بزرگی دارند؛ زیرا الله تعالی از آنان خشنود شده و دل‌های‌شان را پاکیزه گردانده است، پس هر کس به آنان دشنام دهد یا لعنت فرستد، قرآن را تکذیب کرده است، ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ﴾

سورة (الفتح) الجزء (٢٦) صفحة (٥١٤)

وَهُوَ ٱلَّذِي كَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ عَنۡهُم بِبَطۡنِ مَكَّةَ مِنۢ
بَعۡدِ أَنۡ أَظۡفَرَكُمۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾
هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ
وَٱلۡهَدۡيَ مَعۡكُوفًا أَن يَبۡلُغَ مَحِلَّهُۥۚ وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ
مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَـُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ
بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ لِّيُدۡخِلَ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ لَوۡ تَزَيَّلُواْ لَعَذَّبۡنَا
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ
عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ
وَكَانُوٓاْ أَحَقَّ بِهَا وَأَهۡلَهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٢٦﴾
لَّقَدۡ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءۡيَا بِٱلۡحَقِّۖ لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ
ٱلۡحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمۡ وَمُقَصِّرِينَ
لَا تَخَافُونَۖ فَعَلِمَ مَا لَمۡ تَعۡلَمُواْ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ
فَتۡحٗا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ
ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ﴿٢٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِبَطۡنِ مَكَّةَ	در حدیبیه نزدیک مکه.
أَظۡفَرَكُمۡ	شما را در برابرشان تقویت کرد و آنان را که هشتاد نفر بودند دستگیر کردید.
مَعۡكُوفًا	محبوس.
مَحِلَّهُۥ	مکانی که ذبح قربانی در آن‌جا حلال است؛ یعنی حرم.
مَّعَرَّةُۢ	گناه و عیب و غرامت.
تَزَيَّلُواْ	این مستضعفان از کافران مشخص بودند.
ٱلۡحَمِيَّةَ	ننگ و عار.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّهُمَّ أَنْزِلِ السَّكِينَةَ عَلَى قَلْبِي»؛ «یا الله! آرامش را بر قلبم نازل کن»، ﴿فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. به یکی از مسلمانان که هیچ نسبت و رابطه‌ای جز برادری دینی با او نداری، در راه الله کمک کن، ﴿إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ﴾

۳. هر وقت از آینده خبر می‌دهی، سخنت را با عبارت «ان شاء الله» مقیّد کن، ﴿لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ﴾

رهنمودها

۱. خون مومن حرمت بزرگی نزد الله دارد؛ زیرا الله تعالی عذاب اهالی مکه را به سبب وجود مومنان در میان آن‌ها بازداشته است، ﴿وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَـُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ﴾

۲. الله تعالی در تاخیر بعضی امور خیر مانند فتح مکه، حکمت رسایی دارد، ﴿فَعَلِمَ مَا لَمۡ تَعۡلَمُواْ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتۡحٗا قَرِيبًا﴾

۳. الله سبحانه صحابه را گرامی داشته است، پس به آنان احترام بگذار و با روافض و سایر کسانی که با آنان دشمنی می‌کنند دشمنی کن، ﴿فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

ترجمه آیات

اوست که در دل مکه [= در حدیبیه] دست آنان را از شما کوتاه نمود [و مانع از آن شد که شما را به جنگ وادارند]، و پس از پیروزساختنِ شما بر آنان، دست‌های شما را از آنان [بازداشت که آنان را بعد از اسارت، نکشید و آزادشان کنید]؛ و الله همواره به آنچه می‌کنید بیناست. (۲۴) آنان کسانی بودند که کافر شدند و شما را از [ورود به] مسجدالحرام بازداشتند و نیز نگذاشتند قربانی‌هایی که با خود داشتید به قربانگاهش برسد؛ و اگر مردان و زنان مؤمنی [بین مردم مکه] نبودند که [در صورت بروز درگیری، ممکن بود] آنان را ندانسته پایمال کنید و ناخواسته مرتکب گناه شوید، [فرمان حمله به مکه می‌دادیم؛ ولی الله چنین کرد] تا [از اهل مکه] هر کس را که بخواهد، مشمول رحمت خویش قرار دهد؛ و اگر [مؤمنان و کافران در مکه] از یکدیگر جدا بودند، کافرانشان را با عذابی دردناک مجازات می‌کردیم. (۲۵) [به یاد آور] آنگاه که کافران [مکه در حدیبیه] قلباً دستخوش تعصب، [آن هم] تعصب جاهلیت شده بودند، الله آرامش [خاطری از جانب] خویش بر پیامبرش و بر مؤمنان فروفرستاد و آنان را به اصل [و اساس توحید و] پرهیزگاری [= لا اله الا الله] پایبند ساخت؛ چرا که [نسبت به مشرکان،] به آن سزاوارتر و شایسته‌تر بودند؛ و الله به هر چیزی داناست. (۲۶) الله رؤیای رسولش را به درستی تحقق بخشید که به خواست الهی، در حالی که سرهایتان را تراشیده و [یا] موهایتان را کوتاه کرده‌اید، در ایمنی و بدون ترس [از دشمن]، به مسجدالحرام وارد خواهید شد. [الله] چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید؛ و علاوه بر فتح مکه، پیروزی نزدیک [خیبر] را [نیز برایتان] مقرر نمود. (۲۷) اوست که پیامبرش را با [کتابِ] هدایت و آیین حق فرستاد تا [حقانیت برتر] آن را بر همهٔ ادیان آشکار گردانَد؛ و الله به عنوان گواه کافی است. (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَـُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ لِّيُدۡخِلَ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ لَوۡ تَزَيَّلُواْ لَعَذَّبۡنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا﴾
چه بسا کاری بر انسان سخت شود و گمان کند خوشبختی او در همین کار قرار داد اما در واقع سمی کشنده است؛ یعنی بازداشتن او از این کار توسط الله، در باطن رحمت به شمار می‌رود هر چند در ظاهر رنج و سختی به نظر برسد؛ بنابراین باید با وجود تلاش و اشتیاق بر انجام این کار، تسلیم شد و هرگز اعتراض نکرد. به‌علاوه، آیه اشاره دارد به این‌که الله تعالی گاهی به خاطر مومن، از کافر عذاب را دور می‌کند. بقاعی: ۱۸/ ۳۲۹.
پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که قضا و قدر الله، به حکمت و رحمتش وابسته است.

۲ ﴿إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ﴾
اضافه شدن حمیت به جاهلیت به هدف تحقیر و تشنیع آن است؛ زیرا صفت اهل جاهلیت است و در اصطلاح قرآن کریم سرزنش به شمار می‌رود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ﴾ [آل عمران: ۱۵۴] «دربارهٔ الله گمان‌های ناروا (و باطلی) همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت داشتند» و ﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ﴾ [المائدة: ۵۰] «آیا آنان حکم (و داوری بر اساس موازین) جاهلیت را می‌خواهند؟». ابن عاشور: ۲۶/ ۱۹۴.
پرسش: اضافه‌شدن حمیت (تعصّب) به جاهلیت چه نکته‌ای در بر دارد؟

۳ ﴿فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
ثمرهٔ این سکینه عبارت است از: تصدیق و باور کردن خبر و تسلیم و گردن‌نهادن به فرمان؛ به‌گونه‌ای که هیچ شبهه‌ای در تعارض با خبر و هیچ قصدی در تعارض با فرمان باقی نماند، مگر وسوسه‌های شیطانی که به ذهن خطور می‌کند؛ تا ایمان بنده تقویت شود و با دفع این وسوسه‌ها، ارزش و جایگاه او نزد الله بالا رود و مومن گمان نکند که این امر به سبب درجهٔ پایین او نزد الله واقع شده است. ابن قیم: ۲/ ۴۵۹.
پرسش: نزول سکینه بر دل‌های مومنان چه ثمره‌ای داشت؟

۴ ﴿إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾
چون تعصب جاهلی، اقوال و اعمال متناسب با خودش را موجب می‌شود، الله تعالی در دل دوستانش سکینه را قرار داد که در تقابل حمیت جاهلی قرار می‌گیرد و در زبان‌های‌شان، سخن تقوا را افکند که در مقابل سخن معصیت قرار دارد و ثمرهٔ حمیت جاهلی است. ابن قیم: ۲/ ۴۵۸- ۴۵۹.
پرسش: الله تعالی به چه سببی سکینه و سخن تقوا را به مومنان بخشید؟

۵ ﴿وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾
کلمهٔ «لا إله إلا الله» منظور است و به این سبب به تقوا اضافه شده است که با آن، از شرک پرهیز می‌شود؛ به عبارتی، این کلمه در رأس تمام تقواها قرار دارد. آلوسی: ۱۳/ ۲۷۱.
پرسش: منظور از کلمهٔ تقوا چیست؟ و چرا مومن همیشه به آن پایبند است؟

۶ ﴿لَّقَدۡ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءۡيَا بِٱلۡحَقِّۖ لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ﴾
اشاره دارد به این‌که ورود به مسجد الحرام به خواست و ارادهٔ الله انجام شد نه بر اثر نیرومندی و تدبیر مسلمانان. آلوسی: ۱۳/ ۲۷۳.
پرسش: مقیدشدن به مشیت در آیه، چه دلالتی دارد؟

۷ ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ﴾
قرآن اصلاح نیروی نظری علمی و نیروی ارادی عملی را در بیش از یک موضع کنار هم بیان کرده است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ﴾؛ بنابراین هدایت، کمال علم و دین حق، کمال عمل است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾ [ص: ۴۵] «(در عبادت) توانمند و (در شناخت حق) بابصیرت بودند». ابن تیمیه: ۶/ ۳۸.
پرسش: انسان مسلمان به دو نیرو نیاز دارد. منظور از این دو نیرو چیست؟

مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ
تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ
فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي
ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ
عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ٢٩

سُورَةُ الحُجُرَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ
ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ
أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ
لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ
ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٤

ترجمه آیات

محمد رسول الله و [صحابهٔ مؤمن و فداکارش، همان] کسانی که همواره با او هستند، در برابر کافران [ستیزه‌جو]، محکم و سختگیرند و با یکدیگر مهربان؛ آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی که پیوسته فضل و رضایت الله را می‌جویند؛ نشان [ایمان و پرهیزگاری] آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده و عبادت هویداست؛ این وصف آنان در تورات است؛ و توصیفشان در انجیل [نیز] همچون گیاهی است که جوانه‌اش را برمی‌آورد و آن را نیرو می‌بخشد تا محکم گردد و بر ساقه‌هایش استوار بایستد؛ چنان که موجب شگفتی کشاورزان شود؛ در نتیجه، [الله] با [تقویت و پیشرفتِ] مؤمنان، کافران را به خشم می‌آورد. الله به مؤمنان نیکوکار [= صحابه و پیروانشان] وعدهٔ آمرزش و پاداشی بزرگ داده است. (۲۹)

سورهٔ حجرات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای مؤمنان، در برابر الله و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی نگیرید؛ و از الله پروا کنید که الله شنوای داناست. (۱) ای مؤمنان، صدایتان را از صدای پیامبر بلندتر نکنید؛ و همچنان که برخی از شما با برخی دیگر بلند سخن می‌گویید، با او به صدای بلند سخن نگویید. مبادا بی‌آنکه بدانید، اعمالتان تباه گردد. (۲) کسانی که صدای خود را نزد رسول الله پایین می‌آورند، الله دل‌هایشان را برای پرهیزگاری آزموده [و خالص گردانده] است. آمرزش و پاداش بزرگی برایشان [در پیش] است. (۳) [ولی] کسانی که از پشت اطاق‌ها[ی همسرانت] تو را صدا می‌زنند، بیشتر آنان بی‌خردند. (۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ﴾

قرار دادن این دو خصلت متضاد- یعنی سرسختی و مهربانی- به دیدگاه اصیل و فرزانگی پیامبر ﷺ و صحابه اشاره دارد و این‌که اخلاق و اعمال‌شان بر اساس حکمت و راست و درست انجام می‌شد؛ چنان‌که هیچ یک از صفات پسندیده مانع دیگری نبود و با عجله و بدون تحقیق و بررسی، عمل نمی‌کردند. ابن عاشور: ۲۶/ ۲۰۵.

پرسش: کنار هم قرار گرفتن دو صفت سرسختی و مهربانی در مومنان چه فایده‌ای دارد؟

۲ ﴿وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا﴾

﴿أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ﴾ یعنی: در دشمنی با کافران می‌کوشند و تمام تلاش خود را در این راه به کار می‌گیرند...، ﴿رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ﴾ یعنی: مانند یک تن، به یکدیگر مهربانی و محبت و دلسوزی می‌کنند؛ هر یک از آنان آن‌چه را برای خود می‌پسندد برای دیگری نیز می‌پسندد. آن‌چه بیان شد در رابطه با رفتار آنان با مخلوقات است اما رفتارشان با آفریدگار چنین است: ﴿تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا﴾. سعدی: ۷۹۵.

پرسش: چرا پس از بیان سرسختی مومنان در برابر کفار و مهربانی آنان با یکدیگر، نماز آنان بیان شد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

وقتی الله سبحانه آنان را از این نهی کرد که صدای‌شان را بالاتر از صدای پیامبر ﷺ قرار دهند؛ پس چگونه می‌توانند افکارشان را فراتر از کلام او و وحی الله قرار دهند؟! ابن قیم: ۳/ ۵.

پرسش: آیه دلالت دارد بر این‌که عقل سلیم قطعاً از نقل صحیح پیروی می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

از مقدم‌کردن سخن غیر رسول بر سخن رسول به شدت نهی شده است؛ بنابراین هر گاه سنت رسول الله ﷺ مشخص بود، پیروی و ترجیح آن بر هر سخنی واجب است. سعدی: ۷۹۹.

پرسش: در جایی که سخن رسول آشکار و مشخص است، پیروی از سخن دیگران چه حکمی دارد؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ﴾

برخی علما بالابردن صدا در کنار قبر پیامبر ﷺ را مکروه دانسته‌اند. برخی از علما، به منظور احترام و تکریم علما، بالابردن صدا در مجالس آنان را به این دلیل که وارثان پیامبران هستند مکروه دانسته‌اند. قرطبی: ۱۹/ ۳۶۱.

پرسش: روش عمل به آیه را توضیح دهید؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ﴾

بر اساس ظاهر آیه، انسان گاهی عملش را باطل می‌کند در حالی که خودش نمی‌داند. شنقیطی: ۷/ ۴۰۳.

پرسش: آیا این نکته از آیه به دست می‌آید که انسان گاهی بدون این‌که خودش بداند عمل خویش را باطل می‌کند؟

۷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ﴾

الله تعالی آنان را به سبب عدم تفکر سرزنش کرد؛ زیرا این اندازه نفهمیدند که باید در برابر رسول الله ﷺ مودب باشند و او را محترم بدارند. یکی از نشانه‌های عقل و تفکر انسان، ادب اوست؛ یعنی ادب بنده بیانگر عقلش است و این‌که الله برایش ارادهٔ خیر دارد. سعدی: ۷۹۹.

پرسش: با توجه به آیه ارتباط میان ادب و عقل را بیان کنید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سِيمَاهُمۡ	نشانهٔ آنان.
شَطۡـَٔهُۥ	ساقه و شاخه‌اش.
فَـَٔازَرَهُۥ	این ساقه، کِشت را تقویت کرد.
فَٱسۡتَغۡلَظَ	ستبر شد.
فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ	تقویت شد و بر ساقه‌اش ایستاد.
لَا تُقَدِّمُواْ	قبل از فرمان الله و رسولش، هیچ سخن یا عمل یا حکمی را ارائه ندهید؛ که در این صورت بدعتگذار خواهید بود.

عمل به آیات

۱. به صورت دوستان و برادرانت تبسم بزن و سلام کن که نوعی مهربانی‌کردن به یکدیگر است، ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ﴾

۲. امروز رکوع و سجده‌ها را طولانی ادا کن، ﴿تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَجَنِّبْنِي سَيِّئَهَا لَا يُجَنِّبُنِي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ» [با الفاظی مشابه در صحیح مسلم: ۷۷۱] «یا الله! مرا به نیکوترین سخن و عمل و صفت اخلاقی راهنمایی کن و از موارد ناپسند دور نگاه دار که فقط تو بر این کار توانایی»، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ﴾

رهنمودها

۱. پیروان رسول الله ﷺ، در برابر کافران، سرسخت و در میان یکدیگر مهربان هستند، ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ﴾

۲. پیامبر ﷺ جایگاه بزرگی دارد، بنابراین مسلمان باید هر گاه نام مبارکش را می‌شنود مودب باشد و بر او درود بفرستد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ﴾

۳. عقل، یار و همدم ادب است، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ﴾

سورة (الحجرات) الجزء (٢٦) صفحة (٥١٦)

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن
تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦
وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ
إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧
فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٨ وَإِن طَآئِفَتَانِ
مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا
عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ
فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٩
إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ
عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا
مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ
ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِنَبَإٖ	خبری.
فَتَبَيَّنُوٓاْ	در مورد خبرش تحقیق و بررسی کنید.
لَعَنِتُّمۡ	قطعاً به رنج و مشقت می‌افتید.
بَغَتۡ	تجاوز کرد.
تَفِيٓءَ	به حکم الله و رسولش بازگردد.
وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ	به یکدیگر عیب و طعنه نزنید.
وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِ	یکدیگر را با القاب ناپسند نخوانید.

عمل به آیات

۱. به دیدار یکی از دوستانت برو یا در تأمین نیازش به او یاری رسان و دعای توفیق برایش بکن تا اُخُوّتی که الله بدان فرمان داده است محقق گردد، ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ﴾

۲. میان دو نفر که با هم اختلاف دارند سازش برقرار کن، ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾

۳. دوست و برادرت را به بهترین صفات صدا بزن، ﴿وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِ﴾

رهنمودها

۱. پذیرش ایمان و عمل صالح و ناپسنددانستن کفر و گناه، نعمتی است که الله آن را به هر یک از بندگانش که خواسته باشد می‌بخشد، پس این نعمت را از الله بخواه، ﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَ﴾

۲. عدالت و انصاف را در تمام امور رعایت کن، ﴿وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ﴾

۳. توبه و بازگشت به سوی الله لازم است، ﴿وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

ترجمه آیات

و اگر صبر می‌کردند تا خود برای ملاقاتشان خارج شوی، برایشان بهتر بود؛ و الله آمرزگار مهربان است. (۵) ای مؤمنان، اگر شخص منحرفی خبری برایتان آورد، تحقیق کنید تا مبادا ندانسته به گروهی [بی‌گناه] آسیب برسانید و از کردهٔ خود پشیمان شوید. (۶) بدانید که رسول الله میان شماست [و صلاحتان را بهتر می‌داند]؛ اگر در بسیاری از امور از [میل و نظرِ] شما پیروی کند، قطعاً دچار رنج و زحمت می‌شوید؛ ولی الله ایمان را محبوب شما نمود و آن را در دل‌هایتان بیاراست [تا اسلام بیاورید] و کفر و نافرمانی و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند گرداند. آنان [که آراسته به این اوصافند] پویندگانِ راه هدایت و کمالند. (۷) [این عنایات،] به عنوان فضیلت و نعمتی از جانب الله [مقرر شده است]؛ و الله دانای حکیم است. (۸) اگر دو گروه از مؤمنان با هم درگیر شدند، میانشان آشتی برقرار کنید؛ و اگر یک گروه بر دیگری تجاوز کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به فرمان الله بازآید؛ اگر بازگشت، صلحی عادلانه در میان آنان برقرار کنید و به عدالت رفتار نمایید که الله عادلان را دوست دارد. (۹) بی‌تردید مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس میان برادران خویش آشتی برقرار کنید و از الله پروا کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۰) هرگز نباید گروهی [از شما] گروهی دیگر را مسخره کند؛ چه بسا اینان از آنان بهتر باشند؛ و زنان نیز نباید زنان دیگر را مسخره نمایند؛ چه بسا اینان از آنان برتر باشند؛ و از یکدیگر عیبجویی نکنید؛ و یکدیگر را با لقب‌های [زشت] خطاب نکنید [که این کار، مصداقِ نافرمانی از اوامر الهی است]؛ و بدترین ویژگی [برای یک مسلمان] این است که پس از ایمان‌آوردن، [فِسق و] نافرمانی کند؛ و کسانی که توبه نکنند، [نسبت به نفس خویش] ستمکارند. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ﴾

خبر فاسق در معرض شک و دروغ قرار دارد؛ زیرا مانع دینی قدرتمندی در نفسش ندارد و این امر باعث می‌شود که امور حرام و ممنوع را سبک بپندارد و به زیان رساندن به دیگران یا مصالح عمومی که بر گواهی یا خبرش مترتب است اهمیت قائل نشود. این گستاخی فاسق زمانی بیشتر می‌شود که بدون توبه، به کارش اصرار ورزد و از اشتباه خویش دست نکشد. ابن عاشور: ۲۶/ ۲۳۱.

پرسش: چرا دستور داده شد که در مورد خبر فاسق تحقیق و بررسی کنیم؟

۲ ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ﴾

﴿لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ﴾ یعنی: به مشقت خواهید افتاد. فعل اطاعت به این منظور با صیغهٔ مضارع بیان شد که آنان می‌خواستند پیامبر ﷺ همیشه از آنان اطاعت کند، در حالی که حقیقت، خلاف این امر است و باید آنان از پیامبر ﷺ اطاعت می‌کردند نه بر عکس؛ زیرا رسول الله ﷺ دیدگاه بهتر و صحیح‌تری از دیگران داشت و اگر از دیدگاه مردم اطاعت می‌کرد قطعا نابود می‌شدند؛ پس باید از او فرمانبرداری می‌کردند و به دستورش بازمی‌گشتند. آیهٔ ﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ﴾ بر این مطلب اشاره دارد. ابن جزی: ۲/ ۳۷۵.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که مخالفت قوانین وضعی با شریعت اسلامی، سبب مشقت و نابودی است.

۳ ﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ﴾

رشد عبارت است از: استقامت بر راه حق همراه با صلابت... پیروی از حق، باعث رسیدن به رشد است؛ زیرا الله برای کسی که قصد خیر دارد و بر انجام کار نیک تلاش می‌کند، رسیدن به حقیقت و اجرای دقیق اقدامات را بدون پشیمانی، تضمین کرده است ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾. بقاعی: ۷/ ۲۲۹.

پرسش: رشد جایگاه بالایی دارد، بنده چگونه به این جایگاه می‌رسد؟

۴ ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ﴾

مومنان از نظر دینی و حرمت، برادر یکدیگرند نه از نظر نسبت؛ بنابراین گفته شده: برادری دینی از برادری نسبی پایدارتر است؛ چون برادری نسبی بر اثر تفاوت دین قطع می‌شود اما برادری دینی به سبب تفاوت نسبی قطع نمی‌شود. قرطبی: ۱۹/ ۳۸۳.

پرسش: برادری دینی مستحکم‌تر و پایدارتر است یا برادری نسبی؟ چرا؟

۵ ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾

صفت رحمت به این دلیل بیان شد که امر به تقوا پس از برقراری حقیقتِ برادری میان مومنان واقع می‌شود و برادران نسبت به یکدیگر مهربان هستند؛ یعنی پاداش این کار از جنس خودش است. ابن عاشور: ۲۶/ ۲۴۵.

پرسش: چرا در این آیه صفت رحمت انتخاب شد؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّ﴾

پرهیز و مراقبت سلف در گفتار و کردار به جایی رسیده بود که عمرو بن شرحبیل می‌گفت: اگر شخصی را ببینم که از بزی شیر می‌خورد و به او بخندم، می‌ترسم که خودم همانند کار او انجام دهم. از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که گفت: مصیبت به سخن وابسته است؛ اگر سگی را مسخره کنم می‌ترسم به سگ تبدیل شوم. قرطبی: ۱۹/ ۳۸۳.

پرسش: سلف چگونه به قرآن عمل می‌کردند؟ با مطالعهٔ تفسیر آیهٔ فوق به این سوال پاسخ دهید.

۷ ﴿وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ﴾

بیان می‌کند که هر کس عیب برادرش را بگیرد مثل این است که عیب خودش را می‌گیرد؛ زیرا مومنان مانند یک انسان هستند که صلاح و خیر خودش را می‌خواهد؛ بنابراین رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالْحُمَّى وَالسَّهَرِ» [با الفاظی مشابه در صحیح بخاری: ۶۰۱۱؛ صحیح مسلم: ۲۵۸۶] «مومنان همانند یک پیکرند و اگر عضوی از آن ناراحت و بیمار شود، تمام اعضا این ناراحتی را احساس و با آن همدردی می‌کنند». طبری: ۲۲/ ۲۹۸.

پرسش: چرا واژهٔ ﴿أَنفُسَكُمۡ﴾ در آیه بیان شد؟ آیا انسان از خودش هم غیبت می‌کند؟!

سورة (الحجرات) الجزء (٢٦) صفحة (٥١٧)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ
إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن
يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ
شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ
عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣ ۞قَالَتِ ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن
قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤
إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ
وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥ قُلۡ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٦ يَمُنُّونَ
عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ
عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٧ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ
غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨

ترجمه آیات

ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که برخی از گمان‌ها گناه است؛ و دربارهٔ یکدیگر تجسس و غیبت نکنید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادرِ مرده‌اش را بخورد؟ [حتماً] از آن نفرت دارید، [غیبت نیز به همین زشتی است]؛ از الله پروا کنید که الله توبه‌پذیرِ مهربان است. (۱۲) ای مردم، ما شما را از [آمیزش] مرد و زنی آفریدیم و به تیره‌ها و قبیله‌های مختلف تقسیم کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. بی‌تردید، بزرگوارترین شما نزد الله پرهیزگارترینِ شماست؛ و الله [به آنچه می‌کنید] دانا و آگاه است. (۱۳) اعراب [بادیه‌نشین، در حضور پیامبر] گفتند: «ایمان آورده‌ایم» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید؛ ولی بگویید: "اسلام آورده‌ایم"؛ و هنوز ایمان در قلب‌هایتان نفوذ نکرده است. اگر از الله و پیامبرش اطاعت کنید، از [پاداش] اعمال شما ذره‌ای نخواهد کاست. به راستی که الله آمرزگاری مهربان است». (۱۴) مؤمنان [حقیقی] کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند و [لحظه‌ای در ایمانشان] تردید نکردند و با مال و جانشان در راه الله به مبارزه برخاستند؛ اینانند که [در اعتقاد و عمل] صداقت دارند. (۱۵) [ای پیامبر، به بادیه‌نشینان] بگو: «آیا می‌خواهید الله را از دین خویش آگاه کنید [که از عمق قلب ایمان آورده‌اید؟!] در حالی که الله هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و الله به هر چیزی آگاه است». (۱۶) آنان بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ بگو: «منتِ اسلامِ خویش را بر من نگذارید؛ بلکه اگر [در ابراز ایمان] صداقت دارید، این الله است که بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت نموده است». (۱۷) بی‌تردید، الله اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند و به آنچه می‌کنید بیناست. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ﴾
گاهی فکر تهمت به ذهن انسان خطور می‌کند و به بررسی و کنجکاوی می‌پردازد تا از چند و چون امر باخبر شود، پیامبر ﷺ از این مورد نهی فرموده است. می‌توان گفت: هر گمانی که قرینهٔ صحیح و سبب آشکاری ندارد حرام است و باید از آن پرهیز کرد. قرطبی: ۱۹/ ۳۹۶.
پرسش: شریعت از چه نوع گمانی نهی می‌کند؟

۲ ﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُ﴾
ابوقلابه رقاشی می‌گوید: از ابوعاصم شنیدم که می‌گفت: از زمانی که معنای غیبت را دانستم، از هیچ‌کس غیبت نکرده‌ام. میمون از هیچ‌کس غیبت نمی‌کرد و به هیچ‌کس اجازه نمی‌داد نزد او از دیگری غیبت کند. قرطبی: ۱۹/ ۴۰۴.
پرسش: دو اثر از سلف در مورد پرهیز از غیبت را بیان کنید.

۳ ﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُ﴾
الله تعالی غیبت را به این دلیل به خوردن گوشت مردار تشبیه کرد که مرده احساس نمی‌کند گوشتش را می‌خورند چنان‌که زنده نمی‌داند دیگران از او غیبت می‌کنند. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: الله این مثال را به این دلیل برای غیبت بیان کرد که خوردن گوشت مرده، حرام و پلید است و غیبت نیز در دین حرام و در نفس ناپسند است. قتاده می‌گوید: همان‌گونه که از خوردن گوشت برادرِ مردهٔتان خودداری می‌کنید باید از غیبت او در حال زنده‌بودنش نیز دست بکشید. قرطبی: ۱۹/ ۴۰۳.
پرسش: چرا برای نهی از غیبت، به خوردن گوشت انسان مُرده تشبیه شد؟

۴ ﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُ﴾
عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌گوید: یاد مردم بیماری است پس از آن برحذر باشید و یاد الله شفاست پس او تعالی را یاد کنید. علی بن حسین سخن شخصی را شنید که از دیگری غیبت می‌کرد، گفت: از غیبت بپرهیز که خورش سگ‌های مردم است. به عمرو بن عبید گفتند: فلانی چنان از تو غیبت کرد که دلمان برایت سوخت. عمرو در پاسخ گفت: برای او دلسوزی کنید. شخصی به حسن گفت: باخبر شدم که از من غیبت می‌کردی! حسن گفت: چنان جایگاهی نزد من نداری که نیکی‌هایم را به تو ببخشم. قرطبی: ۱۹/ ۴۰۴.
پرسش: دیدگاه یکی از سلف را در سرزنش غیبت بیان کنید.

۵ ﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا﴾
دلیل تحریم را برادری ایمانی قرار داد؛ بنابراین غیبت بر اساس ایمان شخص تشدید می‌شود؛ یعنی هر اندازه ایمان شخص بیشتر باشد غیبت‌کردن از او شدیدتر است. ابن تیمیه: ۶/ ۶۲.
پرسش: آیا غیبت از تمام مومنان در یک درجه قرار دارد؟ با توجه به آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ﴾
الله تعالی فرمود مردم را گروه گروه و قبیله قبیله قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و از هم متمایز گردند، نه به این هدف که بر یکدیگر فخرفروشی و دست‌درازی کنند. بنابراین برتری و فضیلت میان مردم به سببی غیر از سبب نسبی است و الله تعالی آن را در عبارت ﴿إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ﴾ بیان می‌کند؛ یعنی برتری و فضیلت فقط بر اساس تقوای الهی است نه انتساب به قبیله‌ای خاص. شنقیطی: ۷/ ۴۱۷.
پرسش: آیه معیار برتری میان مردم را به درستی آشکار می‌کند. آن را توضیح دهید.

۷ ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾
مومنان حقیقی منظور هستند؛ یعنی کسانی که هم ایمان آوردند و هم در راه الله جهاد کردند؛ زیرا جهاد با کافران، بر ایمان کامل قلبی دلالت دارد و هر کس که برای اسلام و برپایی احکامش با دیگران جهاد کند، به طریق اولی با نفسش جهاد خواهد کرد. سعدی: ۸۰۲.
پرسش: چرا الله تعالی در این آیه ایمان و جهاد را برای مومن حقیقی کنار هم قرار داد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ	یعنی گمان بد به مؤمنان.
وَلَا تَجَسَّسُواْ	در امور پنهانی مسلمانان سرکشی نکنید.
وَلَا يَغۡتَب	در غیاب برادرتان سخنی که نمی‌پسندد نگویید.
وَقَبَآئِلَ	قبیله؛ گروهی کوچک‌تر از ملت.
ٱلۡأَعۡرَابُ	بادیه‌نشین‌ها.
لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡـًٔا	از پاداش اعمال‌تان نمی‌کاهد.

عمل به آیات

۱. برای کسی که بر او بدگمان شده بودی، عذری متصور شو، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞ﴾

۲. برای کسی که از او غیبت کرده‌ای از الله آمرزش بخواه و برایش دعا کن، ﴿وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُ﴾

۳. با انفاق بخشی از مالت در بهترین راه، با اموالت در راه الله جهاد کن، ﴿وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ﴾

رهنمودها

۱. تنوع قبیله‌ها و طایفه‌ها برای آشنایی و محبت با یکدیگر است نه برای تفرقه و اختلاف و تحریک احساسات، ﴿وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ﴾

۲. یکی از انواع جهل و غفلت این است که گمان کنی برتری میان مردم بر غیر تقوا استوار است، ﴿إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ﴾

۳. هر گاه الله تو را بر انجام عمل نیکی توفیق داد، شکر او تعالی را به سبب این توفیق به جای آور و منت نگذار؛ زیرا الله می‌تواند تو را از این کار محروم کند، ﴿يَمُنُّونَ عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

سُورَةُ قٓ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ ١ بَلۡ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡ
فَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَيۡءٌ عَجِيبٌ ٢ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗاۖ ذَٰلِكَ
رَجۡعُۢ بَعِيدٞ ٣ قَدۡ عَلِمۡنَا مَا تَنقُصُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۡهُمۡۖ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ
حَفِيظُۢ ٤ بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرٖ مَّرِيجٍ ٥
أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا
وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ ٦ وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ
وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ ٧ تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ
مُّنِيبٖ ٨ وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ
وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ ٩ وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠ رِّزۡقٗا
لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ ١١ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ
قَوۡمُ نُوحٖ وَأَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ١٢ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ وَإِخۡوَٰنُ
لُوطٖ ١٣ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ
١٤ أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ ٱلۡأَوَّلِۚ بَلۡ هُمۡ فِي لَبۡسٖ مِّنۡ خَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّرِيجٍ	مضطرب و آشفته هستند و بر یک امر ثابت نمی‌مانند.
فُرُوجٖ	ترک و شکاف.
زَوۡجِۭ بَهِيجٖ	نوعی خوش‌منظر.
وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ	دانه‌های کِشت دروشده.
بَاسِقَٰتٖ	نخل‌های بلند.
طَلۡعٞ نَّضِيدٞ	میوه‌های بر روی هم چیده‌شده.
ٱلرَّسِّ	چاه.
أَفَعَيِينَا	آیا ناتوان ماندیم و قدرتمان ضعیف شد؟!

عمل به آیات

۱. مسلمانی غافل را به صورت گفتاری یا نوشتاری نصیحت کن، ﴿بَلۡ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡ﴾

۲. به دامنهٔ کوه‌ها یا دریاها بنگر و دو مورد از فوایدی که از مظاهر قدرت الله به ذهنت خطور می‌کند بنویس، ﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ﴾

۳. با تأمل در درختی مرده، مراحل حیاتش را به یاد آور و آن را با مراحلی که در عمر خویش خواهی گذراند مقایسه کن، ﴿تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ﴾

رهنمودها

۱. قرآن کریم عزت و احترام زیادی دارد و جهانیان نیز با آن محترم می‌شوند، ﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ﴾

۲. توحید ربوبیت بر توحید الوهیت دلالت می‌کند، ﴿أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ﴾

۳. ذاتی که مخلوقات را از عدم پدید آورد، به طریق اولی می‌تواند آنان را پس از مرگ دوباره زنده کند، ﴿أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ ٱلۡأَوَّلِۚ بَلۡ هُمۡ فِي لَبۡسٖ مِّنۡ خَلۡقٖ جَدِيدٖ﴾

سورهٔ ق

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ق [قاف]؛ سوگند به قرآن ارجمند [که رستاخیز آمدنی است]. (۱) مشرکان از اینکه هشداردهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده است، ابراز شگفتی می‌کنند و می‌گویند: «ماجرای عجیبی است. (۲) آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم، [دوباره برانگیخته خواهیم شد؟] این بازگشتی بعید است». (۳) بی‌تردید، ذراتی که زمین از بدن آنان می‌کاهد [همه را] می‌دانیم؛ و کتابی نگاهبان در اختیار داریم [که هر چه بر آنان مقدر گشته، در آن ثبت است]. (۴) وقتی که [قرآن، یعنی کلام] حق برایشان آمد، آن را تکذیب کردند؛ پس در حالت سرگردانی [و پریشانی] هستند [و دربارهٔ قرآن حیرانند]. (۵) آیا کافران، آسمان را برفرازشان نمی‌نگرند که چگونه آن را برافراشتیم و [به زیور ستارگان] آراستیم و عاری از [هرگونه خلل و] شکافی است؟ (۶) و زمین را گستردیم و کوه‌های ثابت در آن پی افکندیم و از هر نوع گیاه زیبا [و شادی‌انگیزی] در آن رویاندیم. (۷) [آنها را آفریدیم] تا برای هر بندهٔ توبه‌کاری، موجب بینش و پند باشد؛ (۸) و بارانی پربرکت از آسمان فرستادیم و با آن، باغ‌ها[ی میوه] و [مزارعِ] دانه[های] دروکردنی رویاندیم، (۹) و درختان سرکشیدهٔ خرما با خوشه‌های برهم‌نشسته. (۱۰) برای روزی بندگان؛ به وسیلهٔ آن [باران،] سرزمین خزان‌زده و خشک را حیات بخشیدیم؛ خروج از قبرها [در قیامت] نیز همین گونه است. (۱۱) پیش از آنان نیز قوم نوح و اهالی «رَسّ» [= چاه] و قوم ثمود [پیامبرانشان را] دروغگو شمردند؛ (۱۲) و [همچنین قوم] عاد و فرعون و قوم لوط؛ (۱۳) و اهالی «اَیکه» [= قوم شعیب] و قوم «تُبَّع»؛ هر یک [از آنان] پیامبران [الهی] را دروغگو شمردند؛ پس وعدهٔ عذاب من [بر آنان] تحقّق یافت. (۱۴) آیا ما در آفرینش نخستین فروماندیم [تا از بازآفرینیِ آن عاجز باشیم]؟ [هرگز،] بلکه آنان از آفرینش جدید در [حیرت و] تردیدند. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ سورهٔ ق

از آن‌جا که این سوره اصول ایمان را در خود جای داده است پیامبر ﷺ آن را در اجتماعات بزرگ قرائت می‌کرد؛ چنان‌که آن را در خطبهٔ جمعه و نماز عید می‌خواند و در نماز صبح بسیار قرائت می‌کرد. ابن تیمیه: ۶/ ۸۳.

پرسش: چرا پیامبر ﷺ این سوره را در اجتماعات مردم بسیار قرائت می‌کرد؟

۲ ﴿قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ﴾

مجید، وسیع‌ترین و بزرگ‌ترین صفت و شایسته‌ترین واژه‌ای است که قرآن با آن توصیف می‌شود... این موضوع، موجب می‌شود که انسان به صورت کامل از قرآن پیروی کند و بی‌درنگ به آن گردن نهد و شکر الله را در قبال این نعمت به جای آورد. سعدی: ۸۰۳.

پرسش: چرا قرآن، صفت مجید را به خود گرفت؟

۳ ﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرٖ مَّرِيجٍ﴾

قتاده در مورد این آیه می‌گوید: هر کس حق را رها کند، سامان کارش به هم می‌ریزد و دینش بر او مشتبه می‌گردد. حسن می‌گوید: هیچ گروهی حق را رها نکردند مگر این‌که کارشان نابسامان شد. قرطبی: ۲۱/ ۳۱۶.

پرسش: چرا برخی کارها بر مردم مشتبه می‌شود؟

۴ ﴿أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ﴾

یعنی: این نگاه به مشقت و سفر نیاز ندارد؛ بلکه بی‌نهایت آسان است، پس بنگرند که چگونه آن را مرتفع و با کناره‌های یکسان، مستحکم، مزین با ستارگانِ سیار و ثابت آفریدیم، چنان‌که از افق تا افق به زیبایی و مهارت کامل آفریده شده، هیچ عیب و شکاف و نقص و خللی در آن مشاهده نمی‌شود. الله آن را سقفی برای ساکنان زمین قرار داده و بسیاری از مصالح‌شان را در آن گنجانیده است. سعدی: ۸۰۴.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود آسمان بالای سر مردم قرار دارد، در حالی که همگی از این موضوع آگاه هستند؟

۵ ﴿تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ﴾

بصیرت و پند به بندهٔ توبه‌کار اختصاص یافت هر چند که همه می‌توانند از موارد مذکور پند بگیرند، اما این بندهٔ توبه‌کار است که از این امر فایده می‌برد و گویی چنین بنده‌ای هدف حکمت این کارهاست. این بیان، نوعی احترام به مومنان و اشاره به سهل‌انگاری کافران در بینش و پندپذیری است. ابن عاشور: ۲۶/ ۲۹۱.

پرسش: چرا پند و بصیرت فقط به بندهٔ توبه‌کننده اختصاص یافت؟

۶ ﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ ٩ وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠ رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ﴾

هشدار می‌دهد به این‌که بنده بیش از بهره‌ای که از رزق و روزی حاصل از نزول باران می‌برد باید از این امر، پند و عبرت بگیرد و بینش حاصل کند. آلوسی: ۱۳/ ۳۲۷.

پرسش: مهم‌ترین فایده‌ای که مومن از نزول باران می‌برد چیست؟

۷ ﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَأَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ١٢ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ وَإِخۡوَٰنُ لُوطٖ ١٣ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ﴾

این آیه به رسول الله ﷺ دلداری می‌دهد؛ گویی به او گفته می‌شود: از این‌که اینان تو را تکذیب می‌کنند اندوهگین مباش و زیاد غصه نخور؛ زیرا پیامبرانِ پیش از تو نیز از سوی اقوام‌شان تکذیب شدند و فقط گروه اندکی آنان را تصدیق کردند. شوکانی: ۵/ ۷۳.

پرسش: دعوتگران و امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر چه فایده‌ای از آیه می‌برند؟

سورة (ق) الجزء (۲۶) صفحة (۵۱۹)

وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ
مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ١٦ إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ
قَعِيدٞ ١٧ مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨ وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ
ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ١٩ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ
يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ ٢٠ وَجَآءَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّعَهَا سَآئِقٞ وَشَهِيدٞ ٢١ لَّقَدۡ
كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ حَدِيدٞ
٢٢ وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣ أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ
عَنِيدٖ ٢٤ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ ٢٥ ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا
ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ٢٦ ۞قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ
وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ٢٧ قَالَ لَا تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ
إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ٢٨ مَا يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٢٩
يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ٣٠ وَأُزۡلِفَتِ
ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ٣١ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ
٣٢ مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ ٣٣ ٱدۡخُلُوهَا
بِسَلَٰمٖۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُلُودِ ٣٤ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيۡنَا مَزِيدٞ ٣٥

ترجمه آیات

ما انسان را آفریدیم و از وسوسه‌های ضمیرش آگاهیم؛ و از شاهرگ [وی] به او نزدیکتریم. (۱۶) وقتی دو فرشته که بر سمت راست و چپ مراقب نشسته‌اند [رفتارش را] ثبت می‌کنند؛ (۱۷) هر سخنی که بر زبان می‌آورد، [فرشتهٔ] مراقبی در کنار او آماده است [و آن سخن را می‌نویسد]. (۱۸) سختی‌های مرگ، به راستی دررسید؛ [ای انسان غافل،] این همان چیزی است که از آن می‌گریختی؛ (۱۹) و [برای دومین بار] در «صور» دمیده می‌شود [و قیامت برپا می‌گردد]. آن روز، [روز تحقق] وعدهٔ [عذاب] است. (۲۰) و هر کس در حالی [که دو فرشته او را همراهی می‌کنند به عرصهٔ محشر] می‌آید؛ یکی [او را] سوق می‌دهد و دیگری [بر اعمالش] گواه است. (۲۱) [به او گفته می‌شود:] «تو از این [روز] در غفلت بودی و ما [با عذاب دوزخ،] پرده[ی غفلت] را از مقابل [چشم‌های] تو برداشتیم؛ اکنون دیده‌ات تیزبین شده است. (۲۲) [فرشتهٔ] همنشین وی می‌گوید: «این همان [نامهٔ اعمال او] است که [آن را ثبت کرده‌ام و] نزدم آماده است». (۲۳) [الله خطاب به آن دو فرشته می‌فرماید:] «هر ستیزه‌جوی حق‌ستیزی را در دوزخ بیفکنید؛ (۲۴) [هر] مانع خیر و متجاوز و بدگمان را؛ (۲۵) همان کسی که در کنار الله، معبود دیگری قرار می‌داد. او را در عذابی سخت بیفکنید». (۲۶) [شیطانِ] همنشینش می‌گوید: «پروردگارا، من او را به طغیان نکشیدم؛ بلکه او خود در گمراهیِ بی‌پایانی بود». (۲۷) [الله] می‌فرماید: «در پیشگاه من ستیز نکنید که پیش از این به شما هشدار داده بودم. (۲۸) فرمانِ مجازات، نزد من تغییرپذیر نیست؛ و الله [در کیفر و پاداش] به بندگانش ستم نمی‌کند». (۲۹) روزی که به دوزخ می‌گوییم: «آیا پُر شده‌ای؟» [و او] می‌گوید: «آیا بیش از این هم هست؟». (۳۰) [در آن روز] بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک می‌کنند، و فاصله‌ای از آنان ندارد [تا نعمت‌هایش را از نزدیک ببینند]. (۳۱) [به آنان گفته می‌شود:] «این همان پاداشی است که به شما وعده داده می‌شد که برای هر توبه‌کاری است که [به سوی پروردگارش بازمی‌گردد و به پیمان و احکام الهی] پایبند است. (۳۲) همان کسی که در نهان از [خشمِ الله] رحمان می‌ترسد و با قلبی توبه‌کار [به پیشگاهش] بازمی‌گردد. (۳۳) با سلامت به بهشت درآیید؛ این است روز جاودانگی». (۳۴) در آنجا هرچه بخواهند، در اختیار دارند و حتی بیشتر از آن [نیز] در اختیارِ ماست. (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾
الله تعالی فرمود از رگ گردن انسان که نزدیک‌ترین عضو به اوست، نزدیک‌تر است. رگی منظور است که گودی گلو را احاطه کرده است. این امر باعث می‌شود که انسان از خالقش بترسد چون بر نهان و باطنش اشراف دارد و همیشه به او نزدیک است؛ بنابراین از الله حیا می‌کند و اوامر و نواهی‌اش را برپا می‌دارد. سعدی: ۸۰۵.
پرسش: چرا رگ گردن در آیه بیان شد؟ چه نکته‌ای از این امر به دست می‌آید؟

۲ ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾
الله تعالی به نامه‌های اعمال انسان‌ها که فرشتگان نگهبان، آن‌ها را می‌نویسند نیازی ندارد؛ چون از آن‌ها آگاه است و هیچ‌چیز بر او پنهان نمی‌ماند؛ بلکه این امر حکمت‌های دیگری مانند اقامهٔ حجت بر بنده در روز قیامت دارد. شنقیطی: ۷/ ۴۲۶.
پرسش: با وجود این‌که الله تعالی از اعمال بندگان آگاه است و هیچ‌چیز بر او پوشیده نمی‌ماند، چرا اعمال بندگان نوشته می‌شود؟

۳ ﴿وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ﴾
فعل به صورت ماضی آمد تا قطعیت و نزدیکی امر را برساند. ابن جزی: ۲/ ۳۶۵.
پرسش: چرا فعل مذکور در آیه با صیغهٔ ماضی بیان شد؟

۴ ﴿يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ﴾
ابوهریره ﷺ می‌گوید رسول الله ﷺ فرمود: «تَحَاجَّتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ، فَقَالَتِ النَّارُ: أُوثِرْتُ بِالْمُتَكَبِّرِينَ وَالْمُتَجَبِّرِينَ، وَقَالَتِ الْجَنَّةُ: مَا لِي لَا يَدْخُلُنِي إِلَّا ضُعَفَاءُ النَّاسِ وَسَقَطُهُمْ، فَقَالَ اللهُ لِلْجَنَّةِ: إِنَّمَا أَنْتِ رَحْمَتِي أَرْحَمُ بِكِ مَنْ أَشَاءُ مِنْ عِبَادِي، وَقَالَ لِلنَّارِ: إِنَّمَا أَنْتِ عَذَابِي أُعَذِّبُ بِكِ مَنْ أَشَاءُ مِنْ عِبَادِي، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْكُمَا مِلْؤُهَا، فَأَمَّا النَّارُ فَلَا تَمْتَلِئُ حَتَّى يَضَعَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رِجْلَهُ، فَتَقُولُ : قَطْ قَطْ، فَهُنَالِكَ تَمْتَلِئُ وَيُزْوَى بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، وَلَا يَظْلِمُ اللهُ مِنْ خَلْقِهِ أَحَدًا، وَأَمَّا الْجَنَّةُ فَإِنَّ اللهَ يُنْشِئُ لَهَا خَلْقًا»؛ «بهشت و جهنم با یکدیگر مجادله کردند. جهنم گفت: من به جباران و متکبران، اختصاص داده شده‌ام. بهشت گفت: چرا فقط افراد ضعیف و حقیر، وارد من می‌شوند. الله تعالی به بهشت فرمود: تو رحمت من هستی، به‌وسیلهٔ تو به هر یک از بندگانم که بخواهم رحم می‌کنم. و به جهنم گفت: همانا تو عذاب من هستی. و به‌وسیلهٔ تو هر یک از بندگانم را که بخواهم عذاب می‌دهم. هر دو پُر خواهد شد، ولی جهنم زمانی پر می‌شود که الله پایش را (بر آن) بگذارد. آن‌گاه جهنم می‌گوید: بس است، بس است. در این هنگام، جهنم پر می‌شود و قسمت‌هایش در هم می‌پیچد. الله تعالی به هیچ یک از مخلوقاتش ستم نمی‌کند. و برای بهشت، مخلوق دیگری می‌آفریند». آلوسی: ۲۶/ ۴۷۱.
پرسش: بارزترین صفات بهشتیان و جهنمیان را بیان کنید.

۵ ﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ﴾
﴿أَوَّابٍ﴾ یعنی بسیار بازگشت‌کننده به سوی الله از معاصی؛ گناه می‌کند سپس بازمی‌گردد. ضحاک و دیگران چنین گفته‌اند. ابن عباس ﵄ و عطاء گفته‌اند: اواب به معنای تسبیح‌کننده است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ﴾ [سبأ: ۱۰] «ای کوهساران و ای پرندگان، (در ستایش و نیایش) با او هم‌آواز شوید». حکم بن عتیبه می‌گوید: اواب کسی است که در خلوت ذکر الله تعالی را به جای می‌آورد. شعبی و مجاهد گفته‌اند: کسی است که در خلوت گناهانش را به یاد می‌آورد و از الله آمرزش می‌خواهد. ابن مسعود ﷺ نیز همین دیدگاه را دارد. عبید بن عمیر می‌گوید: کسی است که در هیچ مجلسی نمی‌نشیند مگر این‌که در آن مجلس از الله طلب آمرزش شود. از وی روایت شده که گفت: اواب را چنین تعریف می‌کردیم: مراقبت‌کننده‌ای است که هر وقت از مجلس خویش برمی‌خیزد می‌گوید: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا أَصَبْتُ فِي مَجْلِسِي هَذَا»، «الله متعال از هر عیب و نقصی، پاک است و از هر جهت، کامل است. یا الله! از گناهانی که در این مجلس مرتکب شدم از تو آمرزش می‌خواهم». بغوی: ۱۹/ ۴۵۴.
پرسش: سه مورد از صفات أوابین را بیان کنید.

۶ ﴿مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ﴾
انتخاب نام ﴿ٱلرَّحۡمَٰنَ﴾ بدون نام جلاله در عبارت ﴿مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ﴾ اشاره دارد به این‌که پرهیزگار درحالی از الله می‌ترسد که می‌داند او تعالی ذاتی مهربان است. به‌علاوه کنایه‌ای است به مشرکانی که نام رحمان الله را انکار کردند؛ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ﴾ [الفرقان: ۶۰] «و هنگامی‌که به آن‌ها گفته شود: برای (الله) رحمان سجده کنید گویند: رحمان چیست؟! (او را نمی‌شناسیم)». ابن عاشور: ۲۶/ ۳۲۰.
پرسش: چرا نام نیکوی رحمان در آیه بیان شد؟

۷ ﴿مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ﴾
یعنی: پنهان از دید مردم که خشیت حقیقی همین است، اما خشیت در برابر چشم و حضور مردم، گاهی ریا و سُمعه است و بر خشیت دلالت نمی‌کند. خشیت مفید آن است که بنده در نهان و آشکار از الله بترسد. سعدی: ۸۰۶- ۸۰۷.
پرسش: چرا فقط ترسیدن غیبی بیان شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ	رگی در گردن که به قلب متصل است.
رَقِيبٌ عَتِيدٞ	فرشته‌ای که مراقب سخنان انسان است و آن‌ها را می‌نویسد، و برای این کار حاضر و آماده است.
تَحِيدُ	می‌گریختی و پنهان می‌شدی.
قَرِينُهُۥ	فرشتهٔ کاتبی که علیه او گواهی می‌دهد.
مُعۡتَدٖ	ستمکار و متجاوز از حد.
مُّرِيبٍ	تردیدکننده در وعده و وعید الله.
مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ	من او را گمراه نکردم.
وَأُزۡلِفَتِ	نزدیک شود.
مُّنِيبٍ	توبه‌کننده و روی‌آورنده به طاعت.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ» [صحیح؛ ابوداود: ۵۰۶۷؛ ترمذی: ۳۳۹۲ و ۳۵۲۹] «یا الله! از شر نفسم و شر و شرک شیطان به تو پناه می‌برم»، ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾
۲. «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ» بگو تا آن را در نامهٔ اعمالت ببینی، ﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ﴾
۳. به زیارت قبور برو و از غفلت، به الله پناه ببر، ﴿لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا﴾

رهنمودها

۱. نوشتن اعمال از جانب فرشتگان نگهبان، باعث می‌شود که بنده بیشتر بترسد و مراقب باشد، ﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ﴾
۲. مبادا از الله تعالی غافل شوی، ﴿لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا﴾
۳. بخل، سبب ورود به آتش جهنم است، ﴿مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ﴾

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا فَنَقَّبُواْ
فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ ٣٦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن
كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ ٣٧ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا
مِن لُّغُوبٖ ٣٨ فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ٣٩ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ
وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ ٤٠ وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ
٤١ يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ ٤٢ إِنَّا
نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا ٱلۡمَصِيرُ ٤٣ يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ
عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ ٤٤ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَۖ
وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖۖ فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ٤٥

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا ١ فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ٢ فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا ٣
فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ٤ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ ٥ وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٞ ٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بَطۡشٗا	از نظر قدرت و شوکت.
فَنَقَّبُواْ	گشتند.
مَّحِيصٍ	گریزگاه.
لُّغُوبٖ	رنج و خستگی.
سِرَاعٗا	به سرعت خارج می‌شوند.
وَٱلذَّٰرِيَٰتِ	سوگند به بادهایی که خاک را می‌پراکنند.
فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا	قسم به ابرهایی که بار بزرگی از آب دارند.
فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا	سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی بر روی دریا حرکت می‌کنند.

عمل به آیات

۱. بر ادای نمازهای پنج‌گانه در مسجد همراه جماعت مراقبت کن، ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

۲. بعد از ادای نماز فجر بنشین و تسبیح بگو تا این‌که خورشید طلوع کند، ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

۳. مدتی قبل از اذان مغرب به مسجد برو و بنشین و تا غروب خورشید تسبیح بگو، ﴿وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

رهنمودها

۱. انسان خردمند کسی است که از دیگران عبرت بگیرد، ﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ﴾

۲. باید بر پاکیزگی قلب از بیماری‌هایی که آن را پوشانده است مشتاق بود تا پند و اندرزها را بپذیرد، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ﴾

۳. صبر و تسبیح همدم یکدیگر هستند، پس خودت را با این دو صفت آراسته گردان، ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

ترجمه آیات

و پیش از اینان [= مشرکان مکه]، امت‌های زیادی را نابود کردیم که آنان [به مراتب] از اینها قوی‌تر بودند؛ و در گوشه و کنار شهرها به جستجو پرداختند [که ببینند آیا] هیچ پناه و گریزگاهی [از عذاب و هلاکت، برایشان] وجود دارد. (۳۶) بی‌گمان در این [سخن] برای صاحبدلان یا کسانی که با حضور [قلب به ندای توحید] گوش فرامی‌دهند و هوشیارند، اندرز است. (۳۷) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست، در شش روز آفریدیم و [هرگز] رنج و خستگی به ما نرسید. (۳۸) [ای پیامبر،] در برابر سخنان مشرکان شکیبا باش؛ و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن، پروردگارت را به پاکی ستایش کن [و نماز بگزار]. (۳۹) و نیز [در پاسی] از شب و پس از هر نماز، او را به پاکی ستایش کن. (۴۰) و [ای پیامبر،] آنگاه که منادی [قیامت] از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، گوش فرادار. (۴۱) روزی که همگان بانگِ هولناک [رستاخیز] را به‌حق می‌شنوند، [آن روز،] روزِ خروج [از گورها] است. (۴۲) ماییم که حیات می‌بخشیم و مرگ می‌دهیم؛ و بازگشت [همگان] به سوی ماست. (۴۳) روزی که زمین از [فراز] آنان شکافته می‌شود، انسان‌ها شتابان [بیرون می‌آیند]. این احضاری است که برای ما آسان است. (۴۴) ما به آنچه [کافران] می‌گویند داناتریم؛ و تو [ای پیامبر،] بر آنان مسلط نیستی [که بخواهی آنان را به ایمان آوردن وادار کنی]؛ کسی را که از عذاب [و هشدار] من می‌ترسد، به [وسیلهٔ] قرآن اندرز بده. (۴۵)

سورهٔ ذاریات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به بادهای خاک [و باران] افشان (۱) و سوگند به ابرهای سنگین‌بار [از باران] (۲) و سوگند به کشتی‌های سبک‌سیر (۳) و سوگند به فرشتگانی که کارها را [به امر الله] تقسیم می‌کنند (۴) که آنچه [در مورد پاداش و عذاب] به شما وعده داده شده حقیقت دارد؛ (۵) و [روز] جزا قطعاً به وقوع می‌پیوندد. (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ﴾

هر کس به قصد هدایت و با قلبی حاضر، به آیات الله گوش فرا دهد، قرآن مایهٔ پند و اندرز و شفا و هدایتش است، اما کسی که به آیات گوش فرا نمی‌دهد، قرآن هیچ سودی به او نمی‌رساند، زیرا قرآن را قبول ندارد و حکمت الله تعالی هدایت چنین شخصی را تقاضا نمی‌کند. سعدی: ۸۰۷.

پرسش: کسی که با حضور قلب و هوشیاری به قرآن گوش نمی‌دهد چه فایده‌ای از قرآن می‌برد؟

۲ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ﴾

رازِ آمدنِ حرف ﴿أَوۡ﴾ به جای «واو» این است که دو نوع مردم از آیات فایده می‌برند: نوع اول: انسان خردمند و تیزهوشی است که با کوچک‌ترین اشاره هدایت می‌شود و نیازی به تمرکز و جمع حواس ندارد؛ بلکه قلبی هوشیار و قابل هدایت دارد. چنین کسی کاملاً برای پذیرش هدایت آماده است و فقط نیاز دارد که هدایت نزدش برسد... نوع دوم: انسانی است که از این آمادگی و پذیرش بی‌بهره است و وقتی هدایت نزدش بیاید به آن گوش می‌دهد و قلبش را حاضر و فکرش را جمع می‌کند، سپس از طریق تفکر و استدلال، به صحت و نیکوییِ هدایت پی می‌برد. ابن قیم: ۳/ ۱۶.

پرسش: چرا در این‌جا به جای حرف واو، حرف ﴿أَوۡ﴾ بیان شد؟

۳ ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

به پیامبر ﷺ دستور داد اموری را که انسان را بر صبر یاری می‌کنند انجام دهد؛ یعنی: تسبیح گفتن به حمد پروردگارش قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن و در شب و پس از سجده‌ها. ابن قیم: ۳/ ۲۶.

پرسش: چه اموری انسان را بر صبر یاری می‌رسانند؟

۴ ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ٣٩ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ﴾

در برابر این‌که تو را سرزنش و رسالتت را تکذیب می‌کنند، از آنان روی گردان و به طاعت و تسبیح پروردگارت در ابتدا و پایان روز و در لحظات شب و پس از نمازها مشغول شو؛ زیرا یاد الله تعالی نفس را شاداب و آرام می‌کند و صبر را آسان می‌گرداند. سعدی: ۸۰۷.

پرسش: چرا پس از امر به صبر، امر به تسبیح بیان شد؟

۵ ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ﴾

رازی می‌گوید: پاداش کلمات به اندازهٔ صدور آن‌ها بر اساس معرفت و حکمت است و این‌که قلب انسان با زبانش موافق باشد و حقایق و معانی کلمات را دریابد؛ تسبیح یعنی منزه‌دانستن از تمام آن‌چه در گمان یا خیال یا حواس و وسوسه‌ها ایجاد می‌شود، و حمد نیز احسان و صنع پروردگار و یگانگی نعمت‌دهنده را می‌رساند. بقاعی: ۱۸/ ۴۳۹.

پرسش: منظور از تسبیح چیست؟

۶ ﴿وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖ﴾

یعنی: کسی نیستی که اینان را بر هدایت مجبور کنی، و بر این کار مکلف نشده‌ای... تو مجبورکنندهٔ آنان بر ایمان نیستی، بلکه فقط ابلاغ‌کننده‌ای. ابن کثیر: ۷/ ۴۱۲.

پرسش: حد و مرز دعوتگر در دعوت چیست؟

۷ ﴿وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا ١ فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ٢ فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا ٣ فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ٤ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ ٥ وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٞ﴾

به این دلیل فقط به امور مذکور سوگند یاد شد که شگفت و مخالف عادت هستند؛ یعنی کسی که قادر بر این امور باشد قطعاً بر رستاخیز موعود تواناست. شوکانی: ۵/ ۸۳.

پرسش: چرا به امور مذکور سوگند یاد شد؟

سورة (الذاريات) الجزء (٢٦) صفحة (٥٢١)

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ ٧ إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ٨ يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ
أُفِكَ ٩ قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ١٠ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ١١ يَسۡـَٔلُونَ
أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٢ يَوۡمَ هُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ يُفۡتَنُونَ ١٣ ذُوقُواْ فِتۡنَتَكُمۡ
هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ١٤ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ
١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ١٦
كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧ وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ١٨
وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ١٩ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ
لِّلۡمُوقِنِينَ ٢٠ وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٢١ وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ
وَمَا تُوعَدُونَ ٢٢ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ
تَنطِقُونَ ٢٣ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٤ إِذۡ
دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٢٥ فَرَاغَ إِلَىٰٓ
أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ ٢٦ فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيۡهِمۡ قَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ
٢٧ فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٢٨
فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ
٢٩ قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٠

ترجمه آیات

سوگند به آسمان که [با ستارگان آراسته شده، و گویی] دارای راه‌هاست، (۷) که شما [در مورد پیامبر و قرآن] اختلاف‌نظر دارید. (۸) هر کس [از راه حق] بازگردانده شود، از [ایمان به] پیامبر و قرآن نیز بازگردانده خواهد شد. (۹) مرگ [و لعنت] بر دروغگویان! (۱۰) همان کسانی که در ورطهٔ جهل، غافلند. (۱۱) آنان [پیوسته و از روی انکار] می‌پرسند: «روز جزا چه زمانی است؟» (۱۲) همان روزی است که به آتش مجازات می‌شوند؛ (۱۳) [و به آنان گفته می‌شود:] «عذاب خود را بچشید؛ این همان آتشی است که به شتاب می‌خواستید». (۱۴) [در روز قیامت،] مسلماً پرهیزگاران در باغ‌هایی [از بهشت] و [کنار] چشمه‌سارها به سر می‌برند؛ (۱۵) آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده است دریافت می‌دارند؛ زیرا در [زندگیِ] گذشته نیکوکار بوده‌اند. (۱۶) آنان اندکی از شب را می‌خفتند [و بقیه را به نماز و نیایش مشغول بودند] (۱۷) و سحرگاهان [از الله] آمرزش می‌خواستند (۱۸) و در اموالشان برای سائل و محروم، حقی [معیّن از صدقه و زکات] بود. (۱۹) در زمین و در وجود خودتان، نشانه‌ها[ی قدرت الهی] برای اهل یقین پدیدار است؛ آیا نمی‌بینید؟ (۲۰ و ۲۱) و رزق و روزی‌تان و آنچه [از کیفر و پاداش و خیر و شر که] به شما وعده داده می‌شود، در آسمان است. (۲۲) سوگند به پروردگار آسمان و زمین که وعده[ی قیامت و پاداش و عذاب] همچون سخن گفتنتان، حقیقی و قطعی است. (۲۳) [ای پیامبر] آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴) آنگاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند، او گفت: «سلام» [و زیر لب گفت:] «گروهی ناشناسند». (۲۵) آنگاه آهسته نزد خانوادهٔ خود رفت و [گوشتِ بریانِ] گوساله‌ای فربه [برای پذیرایی] آورد. (۲۶) [او غذا را] نزد آنان گذاشت [و چند لحظه بعد] گفت: «آیا نمی‌خورید؟» (۲۷) [چون دست به غذا نزدند] از آنان احساس ترس کرد؛ گفتند: نترس [ما فرشته‌ایم]؛ و او را به [تولد] پسری دانا بشارت دادند. (۲۸) همسرش با فریاد [و شگفتی] پیش آمد و در حالی که به صورت خود می‌زد گفت: «پیرزنی نازا [فرزند می‌زاید]؟!» (۲۹) [فرشتگان] گفتند: «پروردگارت اینچنین فرموده است؛ و بی‌گمان، او حکیمِ داناست». (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ٨ يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ أُفِكَ﴾
سخنان‌شان در مورد قرآن و پیامبر ﷺ، مختلف و همگی از روی حدس و تخمین بود. پس از این‌که حق را تکذیب کردند، به مذاهب و آرا و روش‌ها و اقوال مختلفی رسیدند؛ زیرا حق، واحد و راهی راست است و هر کس با آن مخالفت کند با راه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی روبه‌رو می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرٖ مَّرِيجٍ﴾ [ق: ۵] «وقتی که (قرآن، یعنی کلام) حق بر آنان رسید، آن را تکذیب کردند؛ پس در حالت سرگردانی (و پریشانی) هستند (و دربارهٔ قرآن حیرانند)». یعنی امری مبهم و مشتبه. ابن قیم: ۳/ ۳۲- ۳۳.
پرسش: یکی از مهم‌ترین اسباب اتحاد، پایبندی به وحی است. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۲ ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ﴾
آشنایان به اصول فقه می‌دانند که این آیه با ایما و تنبیه، دلالت بر این دارد که سبب رسیدن به این باغ‌ها و چشمه‌سارها، تقوای الهی است و بنابر قول صحیح‌تر، سبب شرعی و علت شرعی به یک معنا هستند. شنقیطی: ۷/ ۴۳۹.
پرسش: خبر الله تعالی در مورد پرهیزگاران بر سبب ورود آنان به جهنم راهنمایی می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ﴾
﴿ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ﴾: احتمال دارد به این معنا باشد که الله تعالی بهشتیان را به تمام آرزوهای‌شان رسانده و تمام انواع نعمت‌ها را به آنان داده است؛ بنابراین با خشنودی دریافت کرده‌اند و از این امر شاد شده‌اند و در جستجوی هیچ جایگزین و انتقال از آن‌جا نیستند... یا احتمال دارد که صفت پرهیزگاران در دنیا باشد؛ یعنی این‌که اوامر و نواهی الله را دریافت کردند؛ به عبارتی دیگر: اوامر و نواهی الله را با رضایت کامل و سینه‌ای فراخ پذیرا شدند. سعدی: ۸۰۸.
پرسش: نشانهٔ پرهیزگاران در دنیا چیست؟

۴ ﴿كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ﴾
منظور آیه این است که آنان در اوقات استراحت و آسایش، رنج عبادت را می‌کشیدند و در سختی‌های روز فقط اندکی استراحت می‌کردند. حسن می‌گوید: رنج نماز شب را می‌کشیدند و فقط اندکی از شب را می‌خوابیدند. از عبدالله بن رواحه رضی الله عنه روایت شده که: اندکی می‌خوابیدند سپس برمی‌خاستند. آلوسی: ۲۷/ ۱۴.
پرسش: پرهیزگاران در وقت خواب و استراحت و آسایش چه عملی انجام می‌دهند که به سبب آن به باغ‌ها و چشمه‌ها درمی‌آیند؟

۵ ﴿وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ﴾
سحرگاهان به این دلیل اختصاص یافت که در این وقت، خواب بیش از هر وقت دیگری بر انسان غلبه می‌کند؛ بنابراین نماز و استغفارشان در این وقت، نیکوتر از نمازشان در سایر لحظات شب است. سحر به این دلیل به صورت جمع بیان شد که در تمام سحرها این عمل را تکرار می‌کردند. ابن عاشور: ۲۶/ ۳۵۰.
پرسش: چرا سحرگاهان به صورت خاص بیان شد؟

۶ ﴿وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ ٢٢ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ﴾
حکیمی می‌گوید: یعنی: همان‌گونه که هر انسانی به زبان خودش سخن می‌گوید و نمی‌تواند به زبان دیگری سخن بگوید، هر انسانی روزی خودش را که برایش مشخص شده است می‌خورد و نمی‌تواند روزی دیگران را بخورد. بغوی: ۱۹/ ۲۳۱.
پرسش: چرا روزی به نطق تشبیه شد؟

۷ ﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ﴾
روغان عبارت است از رفتن به صورت پنهانی به‌گونه‌ای که کسی احساس نکند. این از بزرگواری میزبان است که به‌گونه‌ای در نهان رفت و آمد کند که مهمان متوجه نشود و شرمنده نگردد و فقط زمانی رفت و آمد میزبان را احساس کند که غذا در مقابل او قرار گیرد؛ بر خلاف کسانی که به مهمان یا حضار می‌گویند: در جای خودتان بمانید تا برای‌تان غذا بیاورم و چنین سخنانی که موجب شرمندگی مهمان می‌شود. ابن قیم: ۳/ ۴۵.
پرسش: یکی از نشانه‌های بزرگواری و اخلاق نیکوی پیامبران را نام ببرید؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ	دارای آفرینش نیکو و صاحب راه‌هایی که ستارگان در آن‌ها حرکت می‌کنند.
يُؤۡفَكُ عَنۡهُ	از قرآن و رسول بازگردانده می‌شود.
قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ	مرگ و لعنت بر دروغگویان، کسانی که گمان ناحق دارند.
يَهۡجَعُونَ	می‌خوابند.
مُّنكَرُونَ	غریبانی ناشناس.
فَرَاغَ	پنهانی بازگشت.
فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ	در نفسش از آنان احساس ترس کرد.

عمل به آیات

۱. هنگام سحر از خواب برخیز و نماز بگزار و از گناهانت استغفار کن، ﴿وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ﴾
۲. مقداری از درآمدت- حتی اندک- را برای افراد گدا و محروم اختصاص بده، ﴿وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ﴾
۳. یکی از دوستانت را به منزل دعوت کن و او را گرامی دار، ﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ﴾

رهنمودها

۱. یادآوری احوال نیکوکاران، باعث می‌شود که انسان به صفات‌شان متصف گردد، ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ﴾
۲. الله تعالی روزی تو را تضمین کرده است، ﴿وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ﴾
۳. قصهٔ ابراهیم علیه السلام و پند و عبرت‌هایش بسیار بزرگ است، ﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ﴾

سورة (الذاريات) الجزء (٢٧) صفحة (٥٢٢)

۞ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمٍ
مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿٣٣﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ
لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا
فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَآ ءَايَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ
ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾ وَفِى مُوسَىٰٓ إِذْ أَرْسَلْنَٰهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَٰنٍ
مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ
فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِى عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلرِّيحَ
ٱلْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِن شَىْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَٱلرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾
وَفِى ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا۟ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا۟ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مِن قِيَامٍ
وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا
فَٰسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَٱلسَّمَآءَ بَنَيْنَٰهَا بِأَيْي۟دٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَٱلْأَرْضَ
فَرَشْنَٰهَا فَنِعْمَ ٱلْمَٰهِدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِن كُلِّ شَىْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾
وَلَا تَجْعَلُوا۟ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُّسَوَّمَةً	نشان‌دار به این‌که برای عذاب اسرافکاران است.
فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ	فرعون با غرور به نیرو و جذبه‌اش روی گرداند.
فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ	آنان را در دریا افکندیم.
مُلِيمٌ	کاری سزاوار سرزنش مرتکب شده بود.
ٱلْعَقِيمَ	بی‌خیر و برکت.
مَا تَذَرُ	نمی‌گذارد.
كَٱلرَّمِيمِ	مانند شیء پوسیده.
فَعَتَوْا۟	تکبر ورزیدند و نافرمانی کردند.

عمل به آیات

۱. هنگام وزش باد، خیر آن را از الله بخواه و از شر آن به الله پناه ببر، ﴿وَفِى عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلْعَقِيمَ﴾
۲. صد مرتبه بگو: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»، ﴿فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾
۳. هنگام خواب بگو: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لاَ مَلْجَا وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» [صحیح بخاری: ۶۳۱۳ و ۶۳۱۵ و ۷۴۸۸؛ صحیح مسلم: ۲۷۱۰] «یا الله! جانم را به تو تسلیم کردم، کارم را به تو سپردم، چهره‌ام را به سوی تو گردانیدم و پشتم را به تو تکیه دادم، به خاطر ترس از تو و رغبت به سوی تو، هیچ محل نجات و پناهگاهی از تو جز به سوی تو نیست، به کتابی که نازل کردی و پیامبری که فرستادی ایمان آوردم»، ﴿فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾

رهنمودها

۱. به زور و مالت مغرور نشو که از هدایت محروم می‌شوی، ﴿فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾
۲. باید در اسباب نابودی امت‌های پیشین تفکر کرد، ﴿وَفِى ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا۟ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا۟ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ﴾
۳. در تمام امور باید به الله تعالی پناه برد، ﴿فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾

ترجمه آیات

[ابراهیم] گفت: «ای فرستادگان [الله،] کار و مأموریت شما چیست؟» (۳۱) [فرشتگان] گفتند: «ما برای [مجازات] قومی مجرم [و گناهکار] فرستاده شده‌ایم (۳۲) تا سنگ‌هایی از گلِ [سخت‌شده] بر سرشان فروباریم. (۳۳) [سنگ‌هایی] که نزد پروردگارت، برای اسرافکاران، نشان گذاشته شده است». (۳۴) مؤمنانی را که در آن [شهرهای قوم لوط] بودند، [پیش از نزول عذاب] بیرون آوردیم؛ (۳۵) ولی در آنجا فقط یک خانواده را یافتیم که [نسبت به اوامر الهی] تسلیم بودند. (۳۶) و در آن [شهرها] برای مردمی که از عذاب دردناک [الهی] ترس دارند، نشانه‌ای روشن بر جای گذاشتیم. (۳۷) در [داستان] موسی [نیز نشانه و عبرتی است]؛ آنگاه که او را با دلیلی روشن نزد فرعون فرستادیم. (۳۸) ولی [فرعون] با تکیه بر قدرتش، روی برگرداند [و حق را نپذیرفت] و گفت: «[این مرد، یا] جادوگر است یا دیوانه». (۳۹) او را همراه سپاهیانش گرفتیم و به دریا افکندیم [و هلاک کردیم]؛ در حالی که [در لحظهٔ مرگ، خود را به خاطر نافرمانی و کفرش] سرزنش می‌کرد. (۴۰) در [داستان قوم] عاد [نیز درس عبرتی است]؛ آنگاه که تندبادی بی‌خیر و برکت بر آنان فرستادیم. (۴۱) [تندبادی] که بر هر چه وزید، آن را خاک و خاشاک کرد. (۴۲) در [داستان قوم] ثمود [نیز درس عبرتی است] آنگاه که [توسط پیامبرشان صالح] به آنان گفته شد: «اندکی [از لذت‌های زندگی] بهره‌مند شوید [که تنها سه روز فرصت دارید]». (۴۳) آنان از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند؛ پس در حالی که چشم به راه بودند، بانگ عذاب آنان را فراگرفت. (۴۴) [چنان بر زمین افتادند که] نه توان برخاستن [و گریز] داشتند و نه یارای دفاع. (۴۵) پیش از آن، قوم نوح را که گروهی نافرمان بودند [هلاک کردیم]. (۴۶) ما آسمان را به توان [خود] بنا نهادیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم؛ (۴۷) و زمین را [برای زندگی] گستردیم و چه نیک گسترانندهای هستیم! (۴۸) و همه چیز را به صورت زوج [= نر و ماده] آفریدیم؛ باشد که [توجه کنید و] پند گیرید. (۴۹) [ای پیامبر، به مردم بگو:] «به سوی الله بشتابید که من هشداردهنده‌ای آشکار از جانب او برای شما هستم؛ (۵۰) و در کنار الله معبود دیگری قرار ندهید که من از [جانب] او هشداردهنده‌ای آشکار برایتان هستم». (۵۱)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ﴾
ابراهیم ﷺ این سوال را پس از پذیرایی مهمانان، از آنان پرسید؛ زیرا ادب مهمان‌نوازی می‌طلبد پس از این‌که مهمان آمادهٔ رفتن شد، در مورد هدفش از او سوال شود؛ تا احساس دلتنگی نکند و اگر امکان کمک به او وجود دارد این کار انجام گیرد. ابن عاشور: ۲۷/ ۵.
پرسش: چرا ابراهیم ﷺ سوال از فرشتگان را در مورد ماموریت‌شان به تاخیر انداخت؟

❷ ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾
از قتاده دربارهٔ ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾ روایت شده که گفت: اگر بیشتر از این خانه، مومن در آن شهرها بود قطعا الله آنان را نجات می‌داد؛ تا بدانند که ایمان نزد الله محفوظ است و تباه نمی‌شود. طبری: ۲۲/ ۴۳۰.
پرسش: ارزش ایمان در خانه‌های ایمانی را بیان کنید.

❸ ﴿وَتَرَكْنَا فِيهَآ ءَايَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ﴾
آیه دلالت دارد بر این‌که از نشانه‌ها و شگفتی‌های الله سبحانه و آثارش در این دنیا که بر وجود او تعالی و راستگویی رسولش دلالت دارد، فقط کسانی فایده می‌برند که به معاد ایمان دارند و از عذاب الله تعالی می‌ترسند...؛ زیرا کسی که به آخرت ایمان ندارد، نهایت انتظاری که از او می‌توان داشت این است که بگوید: این‌ها مردمانی هستند که روزگار، آنان را همانند دیگران به مصیبت گرفتار کرد و چرخ روزگار همیشه بر بدبختی و خوشبختی می‌چرخد؛ اما کسی که به آخرت ایمان دارد و از آن می‌ترسد از نشانه‌ها و پند و اندرزها فایده می‌برد. ابن قیم: ۳/ ۴۹- ۵۰.
پرسش: چه کسی از قصص و اندرزهای قرآن فایده می‌برد؟

❹ ﴿فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ﴾
پس از این‌که عذاب به آنان رسید توان برخاستن و حرکت نداشتند. قتاده می‌گوید: پس از این افتادن، هرگز تکان نخوردند. ﴿وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ﴾: نتوانستند ما را دفع کنند. قتاده می‌گوید: نیرویی نداشتند که در برابر الله از خود دفاع کنند. بغوی: ۴/ ۲۳۳.
پرسش: مفهوم حدیث «إِنَّ اللَّهَ لَيُمْلِي لِلظَّالِمِ حَتَّى إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ» [صحیح بخاری: ۴۶۸۶] «الله به ستمکار مهلت می‌دهد اما وقتی او را به عذاب بگیرد دیگر رهایش نمی‌کند» چگونه از آیه به دست می‌آید؟

❺ ﴿وَمِن كُلِّ شَىْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾
یادآوری تمام آن‌چه در مورد حشر و نشر بیان شده است منظور است؛ زیرا کسی که بر این آفرینش توانا باشد، قطعاً می‌تواند مردگان را روز قیامت دوباره زنده کند. آلوسی: ۲۷/ ۲۷.
پرسش: آیه چه دلالتی بر قدرت الله بر رستاخیز دارد؟

❻ ﴿فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾
فرار کلی از جهل به سوی علم با قصد و عمل، و از تنبلی به چالاکی با هوشیاری و استواری، و از تنگی به گشایش با اطمینان و امید، منظور است. بقاعی: ۱۸/ ۴۴۷.
پرسش: منظور از فرار به سوی الله چیست؟

❼ ﴿فَفِرُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾
الله تعالی بازگشت به سوی خودش را فرار نامید؛ زیرا بازگشت به سوی دیگران انواعی از ترس و رنج‌ها را به همراه دارد، اما بازگشت به سوی او تعالی سرشار از انواع محبت و امنیت و شادمانی و سعادت و رستگاری است؛ بنابراین بنده از قضا و قدر الله به قضا و قدر الله می‌گریزد. سعدی: ۸۱۲.
پرسش: چرا بازگشت به سوی الله فرار نامیده شد؟

ترجمه آیات

هر پیامبری که بر پیشینیانشان مبعوث شد، همین گونه گفتند: «[او یا] جادوگر است یا دیوانه». (۵۲) آیا یکدیگر را به این [کفر و تکذیب] سفارش کرده بودند؟ نه، بلکه مردمی سرکش بودند. (۵۳) پس [ای پیامبر،] از آنان روی بگردان که تو [به خاطر کفر آنان] هرگز سزاوار سرزنش نیستی. (۵۴) و [پیوسته به آنان] تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنان سودبخش است. (۵۵) و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند [و از بندگیِ دیگران سر باز زنند]. (۵۶) نه از آنان روزی می‌خواهم، نه اینکه مرا خوراک دهند؛ (۵۷) [زیرا] الله است که روزی‌رسانِ نیرومند و برقرار است. (۵۸) ستمکاران [مشرک نیز] همچون یاران [گذشتۀ] خویش، سهمی از عذاب دارند؛ پس به شتاب [آن را] از من نخواهند. (۵۹) وای بر کافران از [عذاب] روزی که به آن وعده داده می‌شوند! (۶۰)

سورهٔ طور

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به کوه طور (۱) و سوگند به کتاب نوشته‌شده (۲) در صحیفه‌ای گشوده (۳) و سوگند به «بیت المَعمور» [که فرشتگان در آن، به عبادت پروردگار مشغولند] (۴) و سوگند به [آسمان بلند، همان] سقف برافراشته [بر زمین] (۵) و سوگند به دریای آکنده [از آب] (۶) که بی‌تردید، عذاب پروردگارت به وقوع خواهد پیوست؛ (۷) و هیچ بازدارنده‌ای ندارد. (۸) روزی که آسمان به سختی در جنبش و اضطراب افتد (۹) و کوه‌ها با حرکتی شدید روان شوند. (۱۰) در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان! (۱۱) همان کسانی که در بیهوده‌گویی، سرگرم بازی‌اند. (۱۲) روزی که با خشونت به سوی آتش دوزخ رانده می‌شوند. (۱۳) [به آنان گفته می‌شود:] «این [همان] آتشی است که آن را دروغ می‌پنداشتید. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٖ ﴿٥٤﴾ وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

الله تعالی پس از این‌که پیامبر ﷺ را به رویگردانی از تکذیب‌کنندگان فرمان داد، این فرمان را به او داد که به تذکر و پند و اندرز با بهترین روش ادامه دهد. شوکانی: ۵/ ۹۲.

پرسش: امر به یادآوری و پنددهی، بعد از امر به رویگردانی، نکته‌ای در درک دعوت دارد. این نکته چیست؟

۲ ﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

برای بیان علت امر به یادآوری، فقط بر یک علت یعنی بهره‌بردن مومنان از پند و اندرز اکتفا شد؛ زیرا این فایده قطعی است و نیز به این دلیل که در جایی که ترس اندک از کافران آشکار بود به مومنان توجه و عنایت شود؛ الله تعالی فرمود: ﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ﴿١١﴾﴾ [الأعلى: ۹-۱۱]؛ «پس اگر پند مفید باشد، پند ده. به‌زودی کسی‌که (از الله) می‌ترسد، پند می‌پذیرد. و بدبخت‌ترین (مردم) از آن دوری می‌گزیند». ابن عاشور: ۲۷/ ۲۴.

پرسش: چرا در تعلیل امر به یادآوری، به بیان فایده‌بردن مومنان بسنده شد؟

۳ ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ﴾

جن زودتر بیان شد تا مشرکانی که جن‌ها را عبادت می‌کردند بدانند جن‌ها بندگان الله تعالی هستند. ابن عاشور: ۲۷/ ۲۸.

پرسش: چرا در آیهٔ فوق، جن بر انس مقدم شد؟

۴ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ﴾

یکی از مصادیق قدرت الله تعالی این است که روزی‌اش را به تمام جهانیان می‌رساند. سعدی: ۸۱۳.

پرسش: چرا پس از بیان صفت رزاق، صفت قوت بیان شد؟

۵ ﴿وَٱلطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ ﴿٢﴾ فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ ﴿٣﴾ وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ ﴿٤﴾ وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ﴿٥﴾ وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ﴾

عمر رضی الله عنه شبی برای سرکشی در مدینه خارج شد، در بین راه از کنار خانهٔ یکی از مسلمانان که در آن لحظه نماز می‌گزارد عبور کرد، ایستاد و به قرائتش گوش داد، آن شخص سورهٔ طور را خواند تا این‌که وقتی به ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ﴾ رسید، عمر گفت: «سوگند به پروردگار کعبه که حقیقت است». آن‌گاه از اُلاغش پیاده شد و به دیواری تکیه زد. مدتی طولانی در آن‌جا ماند، سپس به خانه بازگشت و یک ماه در بستر بیماری افتاد. مردم در این مدت به عیادتش می‌رفتند اما نمی‌دانستند بیماری‌اش چیست. ابن کثیر: ۴/ ۲۴۲.

پرسش: آیا تدبر در قرآن از طریق شنیدن امکان‌پذیر است؟ توضیح دهید.

۶ ﴿وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ﴾

از انس بن مالک از مالک بن صعصعه رضی الله عنه روایت شده که از مردی از قومش گفت: پیامبر الله ﷺ فرمود: «رُفِعَ لِي الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، فَقُلْتُ: يَا جِبْرِيلُ مَا هَذَا؟ قَالَ: الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، يَدْخُلُهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِذَا خَرَجُوا مِنْهُ لَمْ يَعُودُوا فِيهِ آخِرُ مَا عَلَيْهِمْ» [صحیح بخاری: ۳۲۰۷؛ و لفظ از صحیح مسلم: ۱۶۴] «بیت المعمور را به من نشان دادند، گفتم: ای جبریل این چیست؟ گفت: بیت المعمور است؛ هر روز هفتاد هزار فرشته در آن وارد می‌شوند و پس از این‌که از آن خارج شدند، برای بار دیگر در آن باز نمی‌گردند». طبری: ۲۲/ ۴۵۵.

پرسش: چرا بیت المعمور مقام بسیار بالایی دارد؟

۷ ﴿فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ﴾

اعمال و علوم‌شان را خوض- که به معنای کلام باطل است- و لعب- که تلاش بیهوده است- نامید، یعنی هیچ علم مفید و هیچ عمل صالحی ندارند، بلکه علوم‌شان، مشغول‌شدن به باطل و عمل‌شان، بازی است. ابن قیم: ۳/ ۵۵.

پرسش: بارزترین صفات تکذیب‌کنندگان مذکور در آیه چیست؟

سورتا (الذریات،الطور) الجزء (۲۷) صفحة (۵۲۳)

كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ
﴿٥٢﴾ أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ
بِمَلُومٖ ﴿٥٤﴾ وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقۡتُ
ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ
أَن يُطۡعِمُونِ ﴿٥٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ﴿٥٨﴾
فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبٗا مِّثۡلَ ذَنُوبِ أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ
﴿٥٩﴾ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن يَوۡمِهِمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

سُورَةُ الطُّورِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ ﴿٢﴾ فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ ﴿٣﴾ وَٱلۡبَيۡتِ
ٱلۡمَعۡمُورِ ﴿٤﴾ وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ﴿٥﴾ وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ
عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ ﴿٨﴾ يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ
مَوۡرٗا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ سَيۡرٗا ﴿١٠﴾ فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ
﴿١١﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ
جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿١٣﴾ هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦ	آیا یکدیگر را به تکذیب سفارش کرده بودند؟!
طَاغُونَ	متجاوزان از حد در کفر.
ذَنُوبٗا	سهمی از عذاب که بر آنان نازل خواهد شد.
وَٱلطُّورِ	سوگند به کوهی که الله تعالی بر روی آن با موسی علیه السلام گفتگو کرد.
فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ	در صحیفه‌هایی سرگشاده و مفصّل.
ٱلۡمَسۡجُورِ	سرشار از آب.
تَمُورُ	حرکت می‌کند و می‌لرزد.
يُدَعُّونَ	به زور و شدت پرتاب می‌شوند.

عمل به آیات

۱. یکی از مسلمانان را با روشی زیبا و نیکو نصیحت کن، ﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. از الله بخواه در کارهایت به تو کمک کند، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ﴾

۳. یکی از نیازهای دنیوی‌ات را به یاد آور و آن را از الله بخواه، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ﴾

رهنمودها

۱. الله ما را برای عبادت خویش آفریده است، آیا او را عبادت کرده‌ایم؟! ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ﴾

۲. الله تعالی رزق و روزی همه را بر عهده گرفته و از ما بی‌نیاز است، ﴿مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ﴾

۳. برای نابودی کافران عجله نکن که الله مهلت می‌دهد اما غافل نمی‌شود، ﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبٗا مِّثۡلَ ذَنُوبِ أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ﴾

سورة (الطور) الجزء(۲۷) صفحة (۵۲٤)

أَفَسِحۡرٌ هَٰذَآ أَمۡ أَنتُمۡ لَا تُبۡصِرُونَ ﴿١٥﴾ ٱصۡلَوۡهَا فَٱصۡبِرُوٓاْ
أَوۡ لَا تَصۡبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾
إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ ﴿١٧﴾ فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ
وَوَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا
كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖۖ وَزَوَّجۡنَٰهُم
بِحُورٍ عِينٖ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا
بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۭ بِمَا
كَسَبَ رَهِينٞ ﴿٢١﴾ وَأَمۡدَدۡنَٰهُم بِفَٰكِهَةٖ وَلَحۡمٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٢٢﴾
يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأۡسٗا لَّا لَغۡوٞ فِيهَا وَلَا تَأۡثِيمٞ ﴿٢٣﴾ ۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ
غِلۡمَانٞ لَّهُمۡ كَأَنَّهُمۡ لُؤۡلُؤٞ مَّكۡنُونٞ ﴿٢٤﴾ وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ
بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ
﴿٢٦﴾ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا
مِن قَبۡلُ نَدۡعُوهُۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكِّرۡ فَمَآ أَنتَ بِنِعۡمَتِ
رَبِّكَ بِكَاهِنٖ وَلَا مَجۡنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمۡ يَقُولُونَ شَاعِرٞ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيۡبَ
ٱلۡمَنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلۡ تَرَبَّصُواْ فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱصۡلَوۡهَا	در آن وارد شوید و گرمایش را بچشید.
مَّصۡفُوفَةٖ	رو در رو و کنار یکدیگر.
بِحُورٍ	زنانی سپیداندام.
رَهِينٞ	هر کس در گروی اعمال خودش است و گناه دیگری را برنمی‌دارد.
يَتَنَٰزَعُونَ	جام را به یکدیگر می‌دهند و به یکدیگر می‌نوشانند.
لَّا لَغۡوٞ فِيهَا	هیچ سخن پستی پس از نوشیدن آن بر زبان جاری نمی‌شود.
وَلَا تَأۡثِيمٞ	هیچ گناه گفتاری یا رفتاری بر اثر نوشیدن از آن حاصل نمی‌شود.
مَّكۡنُونٞ	محفوظ و پوشیده در صدف‌هایش.
عَذَابَ ٱلسَّمُومِ	عذاب جهنم که در سوراخ‌های ریزِ پوستِ بدن نفوذ می‌کند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى» [صحیح مسلم: ۲۷۲۱] «یا الله! هدایت و تقوا و خویشتنداری و بی‌نیازی را از تو می‌خواهم»، ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ﴾

۲. یک روز در راه الله روزه بگیر، ﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

۳. میوه یا گوشت به یک مسکین صدقه بده، ﴿وَأَمۡدَدۡنَٰهُم بِفَٰكِهَةٖ وَلَحۡمٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ﴾

رهنمودها

۱. بر تقوای الهی کوشا باش تا به بهشت برسی، ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ﴾

۲. از الله تعالی بسیار بترس، آن‌گونه که الله سبحانه در مورد صفت بهشتیان در دنیا خبر داده است، ﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ﴾

۳. پدر و مادرت را بر انجام اعمال صالح یاری کن؛ زیرا در منزلت‌شان با آنان ملحق خواهی شد، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ﴾

ترجمه آیات

آیا این [آتش و عذاب] جادوست یا [هنوز هم آن را] نمی‌بینید؟ (۱۵) به آتش درآیید [و بسوزید] که شکیبایی و ناشکیباییِ شما [در برابر شعله‌های سوزانش] برایتان یکسان است؛ تنها در برابر آنچه کرده‌اید، مجازات می‌شوید». (۱۶) به راستی که پرهیزگاران در باغ‌های بهشت در ناز و نعمتند؛ (۱۷) و از بخشش‌های [بی‌دریغِ] پروردگارشان و از اینکه از عذاب دوزخ نگاهشان داشته است شادمانند. (۱۸) [به آنان گفته می‌شود:] «به پاداشِ کردارتان [در دنیا، اینک] گوارا بخورید و بیاشامید». (۱۹) در حالی که بر تخت‌هایی ردیف‌شده تکیه زده‌اند و حور العین را به همسریِ آنان درمی‌آوریم. (۲۰) مؤمنانی که فرزندانشان در ایمان پیرو آنان بودند، فرزندانشان را [نیز در بهشت] به آنان ملحق خواهیم کرد و از [پاداش] عملشان ذره‌ای نمی‌کاهیم؛ چرا که [سرنوشتِ] هر کس در گرو دستاورد خودِ اوست [و گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد]. (۲۱) [در بهشت، از] هر نوع میوه و گوشتی که بخواهند، پی‌درپی در دسترسشان قرار می‌دهیم. (۲۲) در آنجا جام‌های شرابی از دست یکدیگر می‌گیرند که نه موجب بیهوده‌گویی است و نه گناه؛ (۲۳) و نوجوانانی [که برای خدمت] پیرامونشان در رفت و آمدند، گویی [از زیبایی و سپیدرویی] همچون مرواریدی پنهان [در صدف] هستند. (۲۴) [بهشتیان] به یکدیگر روی می‌آورند [و] از [دنیا و احوال گذشتهٔ] خود سؤال می‌کنند. (۲۵) می‌گویند: «ما در دنیا، در خانوادهٔ خود [از عذاب الهی] می‌ترسیدیم. (۲۶) الله [با نعمت اسلام] بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سوزان [دوزخ] محافظت کرد. (۲۷) ما در زندگی دنیا، همواره او را [عبادت می‌کردیم و به ربوبیت] می‌خواندیم. بی‌تردید، او نیکوکار مهربان است». (۲۸) [ای پیامبر، با آیات قرآن به مردم] اندرز بده که به لطف پروردگارت [تو برخلاف ادعای کافران،] نه کاهنی و نه مجنون. (۲۹) آیا می‌گویند: «محمد شاعری است که منتظریم تا مرگش فرارسد [و از سخنانش رهایی یابیم]؟» (۳۰) بگو: «منتظر [مرگِ من] باشید؛ من [نیز] با شما منتظر خواهم ماند [تا عذابتان را به چشم ببینم]». (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱصۡلَوۡهَا فَٱصۡبِرُوٓاْ أَوۡ لَا تَصۡبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ﴾

الله تعالی پس از بیان عذاب تکذیب‌کنندگان، پاداش‌های پرهیزگاران را بیان کرد تا تشویق و تهدید را کنار یکدیگر بیاورد و انسان میان بیم و امید قرار داشته باشد. سعدی: ۸۱۴.

پرسش: چرا سرانجام پرهیزگاران بعد از عاقبت تکذیب‌کنندگان بیان شد؟

۲ ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ ﴿١٧﴾ فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ وَوَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ﴾

دلالت دارد بر این‌که نجات آنان از عذاب جهنم، عدالت است؛ زیرا اعمالِ موجبِ عذاب را مرتکب نشده‌اند. اما نعمت‌هایی که به آنان بخشیده است احسان و بخششی از جانب الله تعالی بر آنان است. ابن عاشور: ۲۷/ ۴۶.

پرسش: چگونه عدالت و بخشش الله تعالی در مورد پرهیزگاران در این آیه کریمه، با هم جمع شده است؟

۳ ﴿مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖ﴾

الله تخت‌ها را کنار هم چیده‌شده توصیف کرد تا بر کثرت و نظم و ترتیب نیکو و اجتماع و شادمانی بهشتیان به سبب معاشرت نیکو و مهربانی آنان به یکدیگر اشاره کند. سعدی: ۸۱۵.

پرسش: توصیف تخت‌ها به ﴿مَّصۡفُوفَةٖ﴾ بر چه اموری دلالت دارد؟

۴ ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٞ﴾

مفهوم آیه در این حدیث آمده که رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ ذُرِّيَّةَ الْمُؤْمِنِ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانُوا دُونَهُ فِي الْعَمَلِ لِتَقَرَّ بِهِمْ عَيْنُهُ» [به صورت موقوف صحیح است؛ بزار (ص ۲۲۱) و ابن عدی (ق ۲۷۰/ ۱) و بغوی در التفسیر (۸/ ۸۲ - منار)] «الله فرزندان انسان مومن را به درجهٔ او در بهشت می‌رساند تا چشمش با دیدن آنان خنک شود، حتی اگر از نظر عمل از او پایین‌تر باشند». این امر، نوعی بخشش به فرزندان به سبب پدران‌شان است... اگر سوال شود: چرا ایمان به صورت نکره بیان شد؟ پاسخ چنین است: آنان به سبب ایمان به درجهٔ پدران‌شان نرسیده‌اند بلکه به سبب اکرام الله به پدران‌شان به آنان ملحق شده‌اند. ایمان ضعیف و درجهٔ بالای فرزندان منظور است، چه رسد به این‌که ایمان بزرگی داشته باشند؟! ﴿وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖ﴾ یعنی: از پاداش اعمال‌شان نمی‌کاهیم بلکه پاداش آنان را به صورت کامل می‌دهیم. ابن جزی: ۲/ ۳۷۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه بر کامل‌شدن انس و الفت بهشتیان دلالت می‌کند.

۵ ﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ﴾

بیان می‌کند که إشفاق- یعنی ترس شدید از عذاب الله در دنیا- سبب نجات از آن در آخرت است؛ مفهوم مخالف این مطلب آن است که هر کس از عذاب الله در دنیا نترسد در آخرت از آن نجات نمی‌یابد. شنقیطی: ۷/ ۴۵۷.

پرسش: علت نجات از عذاب آخرت چیست؟ چه نکته‌ای از آیه به دست می‌آید.

۶ ﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ﴾

یعنی: ترسان و لرزان بودیم و بر اثر این ترس، گناهان را ترک کردیم و عیوبمان را اصلاح گردانیدیم. سعدی: ۸۱۵.

پرسش: ترس از الله و سرای آخرت در چه صورتی مفید است؟

۷ ﴿إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلُ نَدۡعُوهُۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ﴾

تمام مخلوقات موجود در آسمان‌ها و زمین از الله سبحانه درخواست می‌کنند، اما رستگاری و نجات فقط با اخلاص در عبادت به دست می‌آید نه فقط با درخواست و طلب. ابن قیم: ۳/ ۶۲.

پرسش: تمام مخلوقات الله سبحانه و تعالی را می‌خوانند، چه کسی از عذاب زهرآگین نجات می‌یابد؟

سورة (الطور) الجزء (٢٧) صفحة (٥٢٥)

أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمۡ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥۚ
بَل لَّا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ
﴿٣٤﴾ أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمۡ خَلَقُواْ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ
أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَۜيۡطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمۡ لَهُمۡ سُلَّمٞ يَسۡتَمِعُونَ فِيهِۖ فَلۡيَأۡتِ
مُسۡتَمِعُهُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمۡ لَهُ ٱلۡبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلۡبَنُونَ ﴿٣٩﴾
أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ
فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمۡ يُرِيدُونَ كَيۡدٗاۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾
أَمۡ لَهُمۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِن يَرَوۡاْ كِسۡفٗا
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطٗا يَقُولُواْ سَحَابٞ مَّرۡكُومٞ ﴿٤٤﴾ فَذَرۡهُمۡ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ
يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي فِيهِ يُصۡعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوۡمَ لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـٔٗا
وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعۡيُنِنَاۖ وَسَبِّحۡ
بِحَمۡدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ﴿٤٩﴾

سُورَةُ النَّجۡمِ

ترجمه آیات

آیا عقل‌هایشان به [بیان] این [سخنان باطل] حُکم می‌کند یا [اساساً] مردمی سرکش هستند؟ (۳۲) آیا می‌گویند: «[محمد] قرآن را جعل کرده است؟» [هرگز چنین نیست؛] بلکه [غرق در تکبرند که] ایمان نمی‌آورند. (۳۳) اگر راست می‌گویند، سخنی مانند آن بیاورند. (۳۴) آیا آنان از هیچ آفریده شده‌اند یا خود آفرینندهٔ خویشند؟ (۳۵) آیا آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ [نه،] بلکه آنان یقین ندارند [که الله آفرینندهٔ مطلق است]. (۳۶) آیا گنجینه‌های [نعمت و هدایت] پروردگارت نزد آنان است؟ آیا [بر همه چیز] تسلط دارند؟ (۳۷) آیا نردبانی دارند که [گفتار فرشتگان وحی را] به وسیلهٔ آن می‌شنوند؟ هر کس شنیده است، باید دلیلی روشن بیاورد. (۳۸) آیا الله فرزندان دختر دارد و شما پسر؟ (۳۹) [ای پیامبر،] آیا پاداشی از آنان درخواست می‌کنی که [از پرداخت آن در رنجند و هزینه‌اش] برایشان [گران و] سنگین است؟ (۴۰) آیا از عالم غیب آگاهند و [خبرهای نهان را] می‌نویسند؟ (۴۱) آیا قصد نیرنگ [و نقشهٔ پلیدی برایت] دارند؟ ولی کافران خود گرفتار نیرنگ [و تدبیر الهی] هستند. (۴۲) آیا آنان معبودی غیر از الله دارند؟ الله از چیزهایی که [با او] شریک قرار می‌دهند پاک و منزه است. (۴۳) [این کافران، حتی] اگر پاره‌ای از آسمان را نیز در حال سقوط ببینند، [باز هم ایمان نمی‌آورند و] می‌گویند: «ابری متراکم است». (۴۴) پس آنان را [به حال خود] رها کن تا با روزِ موعودشان که [با نخستین دمیدنِ صور] مدهوش مرگ می‌گردند، مواجه شوند. (۴۵) روزی که نیرنگشان سودمند نخواهد بود و [از هیچ سو] یاری نمی‌شوند. (۴۶) ستمکاران [در دنیا نیز به دست مؤمنان] به عذاب دیگری گرفتار خواهند شد؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۴۷) [ای پیامبر،] در برابر حکم پروردگارت شکیبا باش؛ زیرا تو تحت نظر و حفاظت مایی؛ و هنگامی که [از خواب یا به قصد عبادت] برمی‌خیزی، پروردگارت را به پاکی ستایش کن. (۴۸) و [نیز در پاسی] از شب او را تسبیح بگوی [و نماز بگزار] و به هنگام افول ستارگان [در سپیده‌دم نیز نماز صبح بگزار]. (۴۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ﴾

حلم به معنای عقل است... معنای انکار این‌که عقل‌های‌شان آنان را به این کار دستور می‌دهد این است که: عقل سالم به چنین کاری دستور نمی‌دهد و اشاره دارد به این‌که آنان با گفتن این سخن، عقل‌های‌شان را تباه کردند؛ زیرا عقل به چنین کاری دستور نمی‌دهد؛ گویی عقل ندارند. این تفسیری است که در مورد عقل‌نداشتنِ کافر روایت شده است. ابن عاشور: ۲۷/ ۶۴.

پرسش: این مطلب که کافر عقل ندارد به چه معناست؟

۲ ﴿أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ﴾

یعنی: آیا عقل‌های‌شان آنان را به گفتن این سخن متناقض امر می‌کند؛ زیرا کاهن بسیار باهوش و زیرک است اما مجنون کسی است که عقل در سر ندارد، چه رسد به این‌که باهوش و زیرک باشد. شوکانی: ۵/ ۹۹.

پرسش: تناقض مشرکان در زدن اتهام به پیامبر ﷺ را توضیح دهید.

۳ ﴿فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ﴾

﴿إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ﴾ یعنی: اگر طبق ادعای آنان پیامبر ﷺ این سخن را از جانب خود ساخته باشد؛ یعنی: اگر سخنی مانند قرآن نیاوردند دروغگو هستند. این عبارت آنان را تحریک می‌کند تا کلامی مانند قرآن بیاورند؛ تا عدم توانایی آنان بر انجام این کار، بر دروغگوییشان دلالت کند. ابن عاشور: ۲۷/ ۶۷.

پرسش: چه نکته‌ای در عبارت ﴿إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ﴾ وجود دارد؟

۴ ﴿فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ﴾

عرف و عادت تقاضا می‌کرد که یکی از افراد قوم کلامی را بیاورد که همگی نتوانستند بیاورند، خردمند به انجام کاری که بدان علم ندارد نمی‌پردازد و از علمِ آنان به این امر لازم می‌آمد که بر آوردن مثل آن‌چه پیامبر ﷺ آورده است توانایی داشته باشند؛ زیرا رسول الله ﷺ از نظر فصاحت و سرزمین و نسب مانند خودشان بود و حتی برخی از آنان نسبت به پیامبر ﷺ مهارت بیشتری در نوشتن و شعر و همنشینی با علما و ایراد سخنرانی و مقاله و سایر موارد داشتند؛ بنابراین پیامبر ﷺ جز به تایید الهی نمی‌توانست کلامی بیاورد که آنان از آوردن مثل آن ناتوان باشند. این‌گونه تکذیب‌شان ثابت شد. بقاعی: ۱۹/ ۲۶.

پرسش: آیه دلالت واضحی بر صحت و راستی رسالت پیامبر ﷺ دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿يَوۡمَ لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ﴾

یعنی: نه کم و نه زیاد؛ هر چند در دنیا گاهی به سبب نیرنگی که می‌زنند زمان اندکی از آن بهره می‌برند اما در روز قیامت نیرنگ‌شان نابود می‌شود و تلاش‌شان باطل می‌گردد. سعدی: ۸۱۸.

پرسش: چه تفاوتی میان نیرنگ کافران در دنیا و نیرنگ آنان در آخرت وجود دارد؟

۶ ﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

بنابر قولی: قبل از مرگ‌شان. ابن زید می‌گوید: مصیبت‌های دنیا شامل گرسنگی، بیماری، بلا، نابودی اموال و فرزندان. قرطبی: ۱۹/ ۵۴۱.

پرسش: عذاب الله تعالی بر دشمنان، منحصر در عذاب اخروی نیست. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ﴾

عمل به این آیه با نماز سنت و فرض صبح که وقت حقیقی ناپدیدشدن ستارگان است انجام می‌شود. برای بزرگداشتن عبادت صبح، دو بار به آن تشویق شده است؛ زیرا از عذاب نازل‌شده نجات می‌دهد و در برابر دشمن زره‌دار و منافقِ نیرنگ‌باز یاری می‌رساند. بقاعی: ۱۹/ ۳۹.

پرسش: چرا وقت ناپدید شدن ستارگان به نماز و تسبیح اختصاص داده شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَحۡلَٰمُهُم	خردهای‌شان.
طَاغُونَ	متجاوزان از حد در نافرمانی.
تَقَوَّلَهُۥ	آن را از جانب خود ساخته است.
مِّن مَّغۡرَمٖ	بر اثر التزام به پاداشی که از آنان می‌خواهی.
كَيۡدٗا	مکر.
كِسۡفٗا	پاره‌هایی.
مَّرۡكُومٞ	متراکم و فشرده.
يُصۡعَقُونَ	نابود می‌شوند.
وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ	هنگام ناپدیدشدن ستارگان، الله تعالی را منزه بدان و نماز صبح را ادا کن.

عمل به آیات

۱. به یکی از نیرنگ‌های دشمنان دین بیندیش و از الله بخواه آن را به خودشان بازگرداند، ﴿أَمۡ يُرِيدُونَ كَيۡدٗاۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ﴾

۲. بر ادای نماز فجر بکوش، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ﴾

۳. همیشه اذکار صبح و شام را بگو، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ﴾

رهنمودها

۱. پیامبران هیچ مزدی در برابر دعوت دریافت نمی‌کردند، ﴿أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ﴾

۲. کسی که الله قلبش را کور کرده باشد از پند و اندرزها فایده نمی‌برد، ﴿وَإِن يَرَوۡاْ كِسۡفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطٗا يَقُولُواْ سَحَابٞ مَّرۡكُومٞ﴾

۳. تسبیح و عبادت اهمیت زیادی در اطمینان و آرامش روانی مسلمان دارد، ﴿وَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعۡيُنِنَاۖ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾

سورة (النجم) الجزء (٢٧) صفحة (٥٢٦)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ ١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ ٢ وَمَا يَنطِقُ عَنِ
ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤ عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ ٥
ذُو مِرَّةٖ فَٱسۡتَوَىٰ ٦ وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٧ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ٨
فَكَانَ قَابَ قَوۡسَيۡنِ أَوۡ أَدۡنَىٰ ٩ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَىٰ عَبۡدِهِۦ مَآ أَوۡحَىٰ ١٠
مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١ أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ١٢ وَلَقَدۡ رَءَاهُ
نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ١٣ عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ ١٤ عِندَهَا جَنَّةُ ٱلۡمَأۡوَىٰٓ ١٥
إِذۡ يَغۡشَى ٱلسِّدۡرَةَ مَا يَغۡشَىٰ ١٦ مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ١٧ لَقَدۡ رَأَىٰ
مِنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ ١٨ أَفَرَءَيۡتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ ١٩ وَمَنَوٰةَ
ٱلثَّالِثَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ ٢٠ أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ ٢١ تِلۡكَ إِذٗا قِسۡمَةٞ
ضِيزَىٰٓ ٢٢ إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ
ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُۖ
وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ ٢٣ أَمۡ لِلۡإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ ٢٤ فَلِلَّهِ
ٱلۡأٓخِرَةُ وَٱلۡأُولَىٰ ٢٥ ۞ وَكَم مِّن مَّلَكٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي
شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ ٢٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ	سوگند به ثریا هنگامی که ناپدید شود.
وَمَا غَوَىٰ	هرگز اعتقاد باطلی نداشته است.
ذُو مِرَّةٖ	نیرومند و خوش‌منظر.
فَتَدَلَّىٰ	بسیار نزدیک شد.
أَفَتُمَٰرُونَهُۥ	آیا محمد ﷺ را تکذیب و با او مجادله می‌کنید؟!
سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ	درخت سدر در آسمان هفتم، که هر آن‌چه از زمین بالا برده می‌شود به آن منتهی می‌گردد و هر آن‌چه از بالای این درخت فرود می‌آید به آن منتهی می‌شود.

عمل به آیات

۱. ماجری إسراء و معراج را آن‌گونه که رسول الله ﷺ خبر داده است مطالعه کن، ﴿وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ﴾

۲. هدایت و خویشتنداری و بی‌نیازی را از الله بخواه، ﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ﴾

۳. بعد از اذان بگو: «اَللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدتَّهُ» [صحیح بخاری: ۶۱۴ و ۴۷۱۹] «یا الله! ای پروردگارِ این دعوت کامل و نماز برپا شده، وسیله و فضیلت را به محمد عطا فرما و در روز قیامت او را به مقام محمود و ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما»، تا مورد شفاعت پیامبرمان محمد قرار گیری، ﴿وَكَم مِّن مَّلَكٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ﴾

رهنمودها

۱. پیامبرمان محمد ﷺ مقام بسیار بالایی دارد، ﴿مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ﴾

۲. باید به جبریل ایمان و محبت داشت و بر این باور بود که او وحی را به پیامبر ﷺ رسانده است، ﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ﴾

۳. کافران، الله تعالی را بزرگ و محترم نمی‌دارند، ﴿أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ﴾

سورهٔ نجم

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به ستاره، آنگاه که افول کند (۱) که یار شما [= محمد ﷺ] هرگز گمراه نشده و به راه تباهی نیفتاده است؛ (۲) و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. (۳) [آنچه می‌گوید] نیست جز وحی [الهی] که به [او] وحی می‌شود. (۴) [جبرئیل که فرشته‌ای است] پُرتوان، به او آموزش داده است. (۵) [همان فرشتهٔ] خوش‌منظری که [با چهرهٔ حقیقی‌اش در برابر پیامبر] ایستاد. (۶) در حالی که او در افق بالا [در آسمان] قرار داشت. (۷) سپس [جبرئیل] نزدیک شد؛ و نزدیک‌تر؛ (۸) تا آنکه [فاصلهٔ او با پیامبر] به اندازهٔ طول دو کمان یا کمتر بود. (۹) آنگاه [آن فرشتهٔ بزرگوار] آنچه را که باید به بندهٔ الله وحی می‌کرد، وحی نمود. (۱۰) آنچه را که [پیامبر] دید، قلبش دروغ نپنداشت. (۱۱) آیا با او دربارهٔ آنچه می‌بیند مجادله می‌کنید؟ (۱۲) در حقیقت، پیامبر یک بار دیگر نیز آن فرشته را [به صورت کامل] مشاهده کرده بود. (۱۳) در کنارِ [درخت بزرگ] «سِدرةُ المُنتَهی» [در آسمان هفتم] (۱۴) که آرامشگاه بهشت، همان‌جاست. (۱۵) آنگاه که هاله‌ای آن درخت را پوشانده بود. (۱۶) چشم [پیامبر، به چپ و راست] منحرف نشد و [از حد] تجاوز نکرد. (۱۷) به راستی که او برخی از بزرگ‌ترین نشانه‌های پروردگارش را [در آنجا] مشاهده کرد. (۱۸) [ای مشرکان،] آیا «لات» و «عُزّی» را دیده‌اید؟ (۱۹) و «مَنات» آن سومین [نمادِ بی‌ارزش] را؟ [آیا هیچ سود و زیانی به شما می‌رسانند؟] (۲۰) آیا [ادعا می‌کنید که] فرزند پسر برای شماست و دختر برای الله؟ (۲۱) در این صورت، تقسیمی ناعادلانه است. (۲۲) این[نماد]ها فقط اسم‌هایی [بی‌معنا] هستند که خود و پدرانتان با آنها [معبودهای دروغین خود را] نام نهاده‌اید و الله هیچ دلیلی [بر حقانیت این کار] نازل نکرده است. [مشرکان، در اعتقاداتشان] فقط پیرو گمان و خواسته‌های دلِ خویشند؛ حال آنکه [موجبات] هدایت، از جانب پروردگارشان بر آنان رسیده است. (۲۳) آیا انسان هر چه [از شفاعت این معبودان باطل] آرزو کند برایش میسر است؟ (۲۴) دنیا و آخرت از آنِ الله است [و به هر کس، هر چه را صلاح بداند می‌بخشد]. (۲۵) چه بسیار فرشتگانی در آسمان‌ها هستند که شفاعتشان به هیچ وجه سودمند نخواهد بود؛ مگر پس از آنکه الله، برای هر کس که بخواهد و راضی باشد، اجازه دهد. (۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ ١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ﴾

برای اثبات صحت وحی الهی که رسول الله ﷺ آورد، به ستارگان سوگند یاد شد؛ زیرا ارتباط شگفتی در این مورد وجود دارد و آن این‌که الله تعالی، ستارگان را زینت آسمان قرار داده و وحی و آثارش نیز زینت زمین هستند؛ به عبارتی، اگر علمِ به جای‌مانده از پیامبران نبود، قطعاً مردم در تاریکی شدیدتری از شب تاریک و سیاه قرار می‌گرفتند. سعدی: ۸۱۸.

پرسش: چه ارتباطی میان ستارگان و نبوت پیامبر ﷺ وجود دارد؟

۲ ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ﴾

جواب قسم، خطاب به قریش است. منظور از همنشین آنان، پیامبر ﷺ است که ضلالت و غیّ (گمراهی) از او نفی شد. تفاوت بین این دو واژه آن است که ضلالت بدون قصد و غیّ از روی قصد و کسب حاصل می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۳۸۰.

پرسش: چه تفاوتی میان ضلال و غوایت وجود دارد؟

۳ ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ ٢ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ﴾

هوا و هوس از پیامبر ﷺ نفی شد و علم کامل یعنی وحی بر او ثابت گشت. این امر، کمال علم و قصد را می‌رساند و دشمنان او نیز با ضد این دو صفت توصیف شدند؛ بنابراین کمال مطلق انسان عبارت است از بندگی برای الله تعالی از روی علم و قصد. ابن تیمیه: ۶/ ۱۲۸.

پرسش: آیات فوق کمال پیامبر و نقص مشرکان را ثابت می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ﴾

دلالت دارد بر این‌که سنت، وحیی از جانب الله بر رسولش است. سعدی: ۸۱۸.

پرسش: جایگاه سنت را بر اساس آیات فوق توضیح دهید.

۵ ﴿مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ﴾

انسان بی‌ادبی که در برابر پادشاهان و بزرگان قرار می‌گیرد، به چپ و راست متمایل می‌شود و به هر سو نگاه می‌کند، الله تعالی این رفتار را از پیامبرش نفی کرد و از کمال ادب وی در آن مقام و جایگاه خبر داد؛ چنان‌که به هیچ جهتی متمایل نشد و به چیزی غیر از آیات و عجایبی که دید چشم ندوخت، بلکه مودب و بدون این‌که به چپ و راست بچرخد و به کنجکاوی بپردازد ایستاد؛ با این‌که از اطمینان و آرامش و اعتماد کامل برخوردار بود. این طرز رفتار، نهایت کمال است. ابن قیم: ۳/ ۷۶.

پرسش: آیه بر کمال ادب پیامبر ﷺ در اسراء و معراج دلالت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُ﴾

یعنی: آن‌چه نفس‌های امرکنندهٔ آنان به بدی می‌خواهد. نفس چون بر اساس محبتِ شهوات، سرشته شده است امور پست را می‌خواهد، اما عقل آن را به عاقبت نیکو سوق می‌دهد. آلوسی: ۱۴/ ۵۸.

پرسش: انسان بر اساس این آیه چگونه نفسش را تربیت می‌کند؟

۷ ﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ﴾

هر کس هدایت را دریابد باید از آن پیروی کند حتی اگر از جانب دشمنش آمده باشد، چه رسد به این‌که ذاتی هدایت را آورده باشد که از همه برتر است و هرگز احسان او به بنده قطع نشده است. بقاعی: ۱۹/ ۶۱.

پرسش: عبارت ﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ﴾ بر چه امری دلالت می‌کند؟

سورة (النجم) الجزء (٢٧) صفحة (٥٢٧)

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ ٢٧
وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ
ٱلۡحَقِّ شَيۡـٔٗا ٢٨ فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ
ٱلدُّنۡيَا ٢٩ ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن
سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱهۡتَدَىٰ ٣٠ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ
بِٱلۡحُسۡنَى ٣١ ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَۚ
إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلۡمَغۡفِرَةِۚ هُوَ أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ
بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ٣٢ أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي تَوَلَّىٰ ٣٣ وَأَعۡطَىٰ قَلِيلٗا وَأَكۡدَىٰٓ
٣٤ أَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡغَيۡبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ٣٥ أَمۡ لَمۡ يُنَبَّأۡ بِمَا فِي صُحُفِ
مُوسَىٰ ٣٦ وَإِبۡرَٰهِيمَ ٱلَّذِي وَفَّىٰٓ ٣٧ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ
٣٨ وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ٣٩ وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ
٤٠ ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَ ٱلۡأَوۡفَىٰ ٤١ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ ٤٢
وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضۡحَكَ وَأَبۡكَىٰ ٤٣ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحۡيَا ٤٤

ترجمه آیات

کسانی که به آخرت باور ندارند، بر فرشتگان الهی نام دختر می‌گذارند [و آنان را دختران الله می‌دانند]. (۲۷) آنان در موردِ این امر، [کاملاً] بی‌اطلاعند [و] فقط از حدس و گمان پیروی می‌کنند؛ در حالی که برای [شناخت] حقیقت، گمان کافی نیست. (۲۸) پس [ای پیامبر،] تو نیز از کسی که از یاد ما روی گردانده و فقط [لذت‌های] زندگی دنیا را می‌خواهد، روی برتاب. (۲۹) نهایت درک و فهمشان همین است. بی‌تردید، پروردگارت به حال کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است؛ و نیز به حال راه‌یافتگان. (۳۰) هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است؛ [راه خیر و شر را به انسان ارائه کرد] تا بدکاران را در برابر رفتارشان کیفر دهد و نیکوکاران را [با نعمت‌های بهشت] پاداش نیکو عطا نماید. (۳۱) و [نیز برای] کسانی که از گناهان بزرگ و بی‌حیایی‌ها اجتناب می‌ورزند؛ مگر لغزش‌های کم‌اهمیت [و گناهان صغیره که با توبه و عبادت بخشوده می‌شوند] که آمرزشِ پروردگارت گسترده است؛ از همان دَم که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که به صورت جنین در شکم مادرانتان بودید، به [طبیعتِ] شما آگاه‌تر [از خودتان] است؛ پس خودستایی نکنید، که او تعالی به حال پرهیزگاران داناتر است. (۳۲) آیا آن کسی را که [از حق] روی برتافت دیده‌ای؟ (۳۳) و اندکی انفاق کرد و [سپس] خودداری نمود. (۳۴) آیا علم غیب دارد و [آینده را] می‌بیند؟ (۳۵) آیا از مطالب کتاب آسمانی موسی و [تعلیمات] ابراهیم، که حق [رسالت و بندگی ما] را به تمامی ادا کرد، باخبر نشده است؟ (۳۶ و ۳۷) که هیچ گناهکاری بارِ گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید؛ (۳۸) و اینکه انسان فقط ثمرهٔ تلاش [و نیت] خود را خواهد داشت؛ (۳۹) و اینکه بی‌گمان، تلاش او [در محاسبهٔ اعمالش در روز قیامت،] منظور خواهد شد؛ (۴۰) آنگاه پاداشش را به تمامی خواهند داد، (۴۱) و اینکه بازگشت [همهٔ امور] به سوی پروردگار توست؛ (۴۲) و اوست که می‌خندانَد و می‌گریانَد؛ (۴۳) و اوست که می‌میرانَد و [در آخرت] زنده می‌کند؛ (۴۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ﴾
به سبب این‌که به آخرت ایمان نداشتند بر ارتکاب اقوال و افعالی ناپسند و دشمنی با الله و رسولش گستاخ شدند؛ از جمله این‌که گفتند: فرشتگان دختران الله هستند. سعدی: ۸۲۰.
پرسش: چه امری باعث شد مشرکان به دشمنی با الله و رسولش و گفتن سخنان ناروا در مورد فرشتگان بپردازند؟

۲ ﴿فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا﴾
بعد از این‌که مدارک باطل و گمراهی‌شان را بیان کرد، به پیامبرش دستور داد از آنان روی بگرداند؛ زیرا بر اثر رویگردانی از یاد الله گمراه شدند، پس سزاوار بود که جزایی مناسب با عمل خودشان دریافت کنند. ابن عاشور: ۲۷/ ۱۱۶- ۱۱۷.
پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که جزا از جنس عمل است.

۳ ﴿وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٢٩ ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾
یعنی: این نهایتِ دانش آنان است، اما مومنان و تصدیق‌کنندگان آخرت، خردمندانی هستند که همت و ارادهٔشان سرای آخرت است و برترین و بزرگ‌ترین علم یعنی علمِ برگرفته از قرآن و سنت را دارند. سعدی: ۸۲۰.
پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر فضیلت علم شرعی را بیان کنید.

۴ ﴿ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾
یعنی: در امور دنیا دانا و در امور دین نادان هستند. فراء می‌گوید: آنان را خوار و تحقیر کرد؛ یعنی همین اندازه عقل و علم دارند که دنیا را بر آخرت ترجیح دادند. قرطبی: ۲۰/ ۴۱.
پرسش: الله تعالی به چه سببی منکران آخرت را خوار و کوچک برشمرد؟

۵ ﴿وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ﴾
مکحول می‌گوید: به صورت جنین در شکم مادران‌مان بودیم، آن‌گاه برخی از ما سقط شدند و ما از آن دسته بودیم که باقی ماندند، سپس به مرحلهٔ شیرخوارگی رسیدیم که در این مرحله نیز برخی از ما نابود شدند و ما در زمرهٔ باقی‌ماندگان قرار گرفتیم، سپس به سن بلوغ رسیدیم و در این سن برخی از ما نابود شدند و ما از باقی‌ماندگان بودیم، سپس جوان شدیم و در این سن برخی از ما نابود شدند و ما با بازماندگان باقی ماندیم، تا این‌که به پیری رسیدیم، پس از این مرحله، منتظر چه چیزی هستیم؟! بغوی: ۴/ ۲۶۱.
پرسش: الله تعالی کدام یک از نعمت‌هایش را در این آیه به ما یادآوری می‌کند؟ و ما را بر چه امری دعوت می‌دهد؟

۶ ﴿فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ﴾
کلبی و مقاتل می‌گویند: مردم اعمال صالحی انجام می‌دادند سپس نماز و روزه و حج و جهادشان را بازگو می‌کردند؛ الله تعالی این آیه را نازل کرد. یعنی الله بهتر می‌داند که چه کسی نیکوکار و فرمانبردار است و عمل را خالص برای الله انجام می‌دهد. بغوی: ۴/ ۳۱۲.
پرسش: سبب نزول ﴿فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ﴾ چیست؟

۷ ﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾
فرزندان در آخرت همانند دنیا پیرو پدران‌شان هستند. این پیروی به سبب کرامت و پاداش پدران است که با تلاش خویش به آن دست یافته‌اند، اما پسران بدون تلاشی که پدران انجام دادند به آنان ملحق شدند؛ یعنی الله تعالی برای اکرام به پدران، فرزندان‌شان را نیز در بهشت به آنان ملحق می‌کند تا چشمان‌شان با دیدن آنان روشن شود. ابن قیم: ۳/ ۸۲.
پرسش: چگونه می‌توان میان این دو آیه جمع کرد: ﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾ و ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ﴾ [الطور: ۲۱]؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلۡحُسۡنَى	با بهشت.
وَٱلۡفَوَٰحِشَ	گناهان کبیره‌ای که قبح زیادی دارند.
ٱللَّمَمَ	گناهان صغیره‌ای که صاحبش بر آن‌ها اصرار نمی‌ورزد یا بنده به ندرت مرتکب آن می‌شود.
وَأَكۡدَىٰٓ	از بخشش بازایستاد و کار نیکش را به سبب بخل قطع کرد.
أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ	هیچ نفس گناهکاری به دوش نمی‌کشد.
وِزۡرَ أُخۡرَىٰ	گناه نفس دیگری را.
ٱلۡمُنتَهَىٰ	پایان تمام مخلوقاتش در روز قیامت.

عمل به آیات

۱. در یک حلقهٔ قرآنی یا علمی، هر چند اندک بنشین، ﴿فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» [صحیح؛ مسند احمد: ۱۵۴۹۲؛ الادب المفرد بخاری: ۶۹۹] «یا الله! ایمان را محبوب من قرار بده و آن را در قلبم بیارای، و کفر و گناه و نافرمانی را ناپسند من قرار بده»، ﴿ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ﴾

۳. دیگران را از گناهان کبیره برحذر دار، ﴿ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی تمام کسانی را که گمراه شده‌اند یا هدایت یافته‌اند می‌داند، ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱهۡتَدَىٰ﴾

۲. مغفرت و رحمت وسیع الله را در این سوره بیاب، ﴿إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ﴾

۳. انسان جزای کارهای خوب و بدش را خواهد دید، ﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾

سورتا (النجم،القمر) الجزء (۲۷) صفحة (۵۲۸)

وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ
﴿٤٦﴾ وَأَنَّ عَلَيْهِ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُخْرَىٰ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُۥ
هُوَ رَبُّ ٱلشِّعْرَىٰ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُۥٓ أَهْلَكَ عَادًا ٱلْأُولَىٰ ﴿٥٠﴾ وَثَمُودَا۟ فَمَآ
أَبْقَىٰ ﴿٥١﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ
﴿٥٢﴾ وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ ﴿٥٤﴾ فَبِأَىِّ ءَالَآءِ
رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ ﴿٥٦﴾ أَزِفَتِ ٱلْـَٔازِفَةُ
﴿٥٧﴾ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾ أَفَمِنْ هَٰذَا ٱلْحَدِيثِ
تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنتُمْ سَٰمِدُونَ
﴿٦١﴾ فَٱسْجُدُوا۟ لِلَّهِ وَٱعْبُدُوا۟ ۩ ﴿٦٢﴾

سُورَةُ ٱلْقَمَرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِن يَرَوْا۟ ءَايَةً يُعْرِضُوا۟ وَيَقُولُوا۟
سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾
وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ ٱلْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ
ٱلنُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ۘ يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَىْءٍ نُّكُرٍ ﴿٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ	اموال را به آنان تملیک کرد و با آن‌چه به آنان بخشید خشنودشان ساخت.
ٱلشِّعْرَىٰ	ستارهٔ درخشانی که اهالی جاهلیت آن را به جای الله عبادت می‌کردند.
وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ	شهرهای قوم لوط که چون الله آن‌ها را بر سر ساکنانش زیر و رو کرد به این اسم نامیده شدند.
أَهْوَىٰ	آن‌ها را پس از این‌که بالا برد بر زمین کوبید.
فَغَشَّىٰهَا	آن‌ها را با سنگ پوشانید.
تَتَمَارَىٰ	ای انسانِ تکذیب‌کننده شک می‌کنی.

عمل به آیات

۱. به آیاتی که می‌شنوی با خشوع گوش فرا بده، ﴿أَفَمِنْ هَٰذَا ٱلْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ﴾

۲. هنگام قرائت آیهٔ پایانی سورهٔ زمر سجدهٔ تلاوت بگزار، ﴿فَٱسْجُدُوا۟ لِلَّهِ وَٱعْبُدُوا۟﴾

۳. قصهٔ شکافته‌شدن ماه را برای دیگران بازگو کن، ﴿ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ﴾

رهنمودها

۱. آدمیزاد، ضعیف و نیازمند دیگران است، ﴿وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰ﴾

۲. ایمان به نزدیکی قیامت باعث می‌شود که انسان اعمال صالح انجام دهد، ﴿ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ﴾

۳. پیروی از هوای نفس، انسان را به دروغ می‌کشاند، ﴿وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ﴾

ترجمه آیات

و هموست که زوج نر و ماده را از نطفه‌ای که [در رحم] ریخته می‌شود می‌آفریند؛ (۴۵ و ۴۶) و پدیدآوردن دوبارهٔ آنها [در قیامت نیز بر عهدهٔ] الله است. (۴۷) و اوست که [شما را] بی‌نیاز می‌کند و سرمایه می‌بخشد؛ (۴۸) و اوست که پروردگار [ستارهٔ] «شِعریٰ» است؛ (۴۹) و اوست که قوم عاد را در گذشته هلاک کرد؛ (۵۰) و قوم ثمود را [نیز نابود کرد] و [هیچ یک از آنان را] باقی نگذاشت. (۵۱) و قوم نوح را که ستمکارتر و سرکش‌تر بودند نیز پیش از آن [هلاک نمود]؛ (۵۲) و شهرهای زیر و روشده [قوم لوط] را [بالا برد و] درهم کوبید؛ (۵۳) و آنان را [با باران سنگ] ـ چنان که باید ـ فروپوشانید؛ (۵۴) حال [ای انسان،] در مورد کدام یک از نعمت‌های پروردگارت تردید روا می‌داری [و مجادله می‌کنی]؟ (۵۵) این [پیامبر نیز] هشداردهنده‌ای است از [گروه] هشداردهندگان پیشین. (۵۶) قیامت نزدیک شد؛ (۵۷) و هیچ کس ـ جز الله ـ نمی‌تواند آن را آشکار کند [و سختی‌هایش را برطرف سازد]. (۵۸) [ای مشرکان،] آیا از این سخن در شگفتید؟ (۵۹) و در حال غفلت و غرور، [به آیات قرآن] می‌خندید و [از شنیدنِ هشدارهایش نمی‌ترسید و] اشک نمی‌ریزید؟ (۶۰ و ۶۱) پس [همگی] برای الله سجده کنید و [تنها] او را عبادت کنید. (۶۲)

سورهٔ قمر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

قیامت نزدیک شد و ماه [از هم] شکافت. (۱) اگر [کافران] معجزه‌ای ببینند، روی می‌گردانند و می‌گویند: «[این] جادویی [باطل و] زودگذر است». (۲) آنان [آیات و نشانه‌های الهی را] دروغ می‌پندارند و از هوای نفس خویش پیروی می‌کنند؛ و هر امری [از پاداش و کیفرهای قیامت] در زمان مخصوص به خود قرار دارد. (۳) و مطمئناً [ماجرای عذاب اقوام گذشته و] اخباری که باعث دست کشیدن از گناه می‌شود، به مشرکان رسیده است. (۴) این [آیات الهی، دانش و] حکمتی رساست؛ ولی [برای افراد لجوج،] هشدارها سودی ندارد؛ (۵) پس [ای پیامبر،] از آنان روی برتاب [و منتظر] روزی [باش] که [فرشتهٔ] دعوت‌کننده [با دمیدن در صور] آنان را به امری بس دشوار [و وحشتناک] فرابخوانَد. (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ﴾

نوح ﷺ نهصد و پنجاه سال در میان قومش ماند اما آنان در این زمان طولانی، از دعوت پیامبری گرامی و مهربان اثر نپذیرفتند؛ پس قطعاً ستمکارترین و سرکش‌ترین مردم هستند. طبری: ۲۲/ ۵۷۳.

پرسش: چرا الله تعالی در مورد قوم نوح ﷺ فرمود از همه ستمکارتر و سرکش‌تر بودند؟

۲ ﴿وَأَنتُمْ سَٰمِدُونَ﴾

سمود به معنای غناء است... این معنا با غفلت و سهوی که برای معنای سمود در آیه گفته شده است تناقض ندارد... زیرا غناء غفلت و عیاشی را نیز شامل می‌شود و موجب آن است. ابن قیم: ۳/ ۸۵- ۸۶.

پرسش: برخی از سلف سمود را به معنای غناء و برخی دیگر به معنای غفلت و عیاشی دانسته‌اند. چگونه می‌توان میان این اقوال جمع کرد؟

۳ ﴿فَٱسْجُدُوا۟ لِلَّهِ وَٱعْبُدُوا۟﴾

امر به سجده برای الله به صورت خاص، بر فضیلت سجده دلالت دارد و این‌که راز و مغز عبادت است؛ زیرا مغز عبادت، خشوع و خضوع در برابر الله است و بنده بیش از هر حالت دیگری، در سجده خاضع و فروتن می‌شود، قلب و بدنش را پایین می‌آورد و برترین اعضایش را بر روی زمین که محل گذاشتن قدم‌هایش است قرار می‌دهد. سعدی: ۸۲۳.

پرسش: با توجه به آیه جایگاه سجده در میان عبادات را بیان کنید.

۴ ﴿ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ﴾

معجزهٔ مذکور وسیله‌ای برای یادآوری نزدیکی قیامت قرار داده شد؛ زیرا ماه یکی از مخلوقات آسمانی است که نظامی همراه و موافق نظام جو زمینی دارد؛ پس هر گاه تغییری غیر عادی در نظمش ایجاد شود، برای هشدار به مردم مناسب است تا امکان نابودی جهان را تصور کنند. فعل ماضی برای بیان قطعیت و حقیقت این امر بیان شد. ابن عاشور: ۲۷/ ۱۶۸.

پرسش: چه ارتباطی میان دو عبارت ﴿ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ﴾ و ﴿وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ﴾ وجود دارد؟

۵ ﴿ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ﴾

الله تعالی بندگانش را به نزدیکی قیامت و نابودی دنیا انذار می‌دهد و دستور می‌دهد که قبل از این‌که قیامت به صورت ناگهانی و در حالی که در غفلت به سر می‌برند بر آنان هجوم آورد در برابر هول و هراس‌هایش آمادگی کسب کنند. طبری: ۲۲/ ۵۶۵.

پرسش: خبردادن از نزدیکی قیامت چه فایده‌ای به همراه دارد؟

۶ ﴿وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ﴾

قشیری می‌گوید: یکی از عواقب شوم پیروی از هوای نفس، تکذیب است؛ زیرا الله تعالی بر قلب چنین انسانی مهر می‌زند تا این‌که هدایت را نبیند. پیروی از خشنودی الله نیز تصدیق را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا الله تعالی به برکت پیروی از حق، بصیرتی به انسان می‌بخشد که او را به تصدیق می‌رساند. بقاعی: ۱۹/ ۹۷.

پرسش: پیروی از هوای نفس چه پیامدی به همراه دارد؟

۷ ﴿وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ﴾

یعنی: عمل هر کسی بر خودش قرار می‌گیرد؛ یعنی خیر به پیروانش در بهشت و شر به پیروانش در جهنم مستقر می‌شود. قرطبی: ۲۰/ ۷۵.

پرسش: منظور از عبارت ﴿وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ﴾ چیست؟

ترجمه آیات

با دیدگانِ فروافتاده [از وحشت] از گورها خارج می‌شوند؛ [حرکتشان به سوی دادگاه الهی، چنان است که] گویی ملخ‌هایی پراکنده‌اند. (۷) [هراسناک] به سوی مُنادیِ [محشر] می‌شتابند و کافران می‌گویند: «امروز، روز دشواری است». (۸) پیش از آنان، قوم نوح [نیز پیامبرشان را] تکذیب کردند و بندهٔ ما را دروغگو خواندند و گفتند: «دیوانه است»؛ و او را سخت آزردند؛ (۹) تا آنجا که او پروردگارش را خواند [و گفت]: «من مغلوب شده‌ام؛ پس یاری‌ام فرما [و از آنان انتقام بگیر]». (۱۰) ما نیز درهای آسمان را برای [ریزشِ] رگباری سیل‌آسا گشودیم. (۱۱) و از زمین نیز چشمه‌ها جاری ساختیم و آبها [از زمین و آسمان] برای طوفانی که مقدر شده بود، به هم پیوست. (۱۲) و نوح را بر [کشتیِ] ساخته و پرداخته از تخته‌ها و میخ‌ها سوار کردیم (۱۳) که تحت نظر [و حفاظتِ] ما حرکت می‌کرد. این، پاداش کسی بود که [قومش] او را انکار کرده بودند. (۱۴) ما آن [کیفر و نجات] را نشانه‌ای [از قدرتِ خود] بر جای گذاشتیم؛ آیا پندپذیری هست؟ (۱۵) [بنگرید] که عذاب و هشدارهای من چگونه بود. (۱۶) به راستی که قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ (۱۷) قوم عاد [نیز پیامبرشان را] دروغگو پنداشتند؛ [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و هشدارهای من چگونه بود. (۱۸) ما تندبادی سرد و سخت را در یک روز شوم و طولانی بر آنان فرستادیم. (۱۹) [طوفانی وحشتناک] که مردم را چنان از جای می‌کَنْد که گویی تنه‌های نخلِ ریشه‌کن‌شده بودند. (۲۰) [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و هشدارهای من چگونه بود. (۲۱) به راستی که قرآن را برای پندگرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ (۲۲) قوم ثمود [نیز] هشداردهندگان را دروغگو پنداشتند. (۲۳) آنان گفتند: «آیا [سزاوار است] بشری از میان خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، در گمراهی و سردرگمی خواهیم بود. (۲۴) آیا از میان همهٔ ما، تنها بر او وحی نازل شده است؟ [چنین نیست؛] بلکه او دروغگویی خودپسند است». (۲۵) فردا خواهند دانست که دروغگوی خودپسند کیست. (۲۶) [به صالح گفتیم:] «برای آزمایشِ آنان، ماده‌شتری [را که درخواست کرده‌اند، از دلِ کوه به سویشان] خواهیم فرستاد؛ پس مراقبِ رفتارشان باش و [بر آزارشان] شکیبایی کن. (۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ﴾

خشوع در چشم به معنای خضوع و خواری است. خشوع به این دلیل به چشم اضافه شد که تاثیر عزت و خواری در چشم انسان آشکار می‌شود؛ چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ﴾ [النازعات: ۹] و ﴿خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖ﴾ [الشوری: ۴۵]. قرطبی: ۲۰/ ۷۸.

پرسش: چرا خشوع به چشم اضافه شد؟

۲ ﴿يَقُولُ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ﴾

مفهوم مخالف آیه چنین است که روز قیامت، بر مومنان سهل و آسان است. سعدی: ۸۲۵.

پرسش: از این خبر که روز آخرت بر کافران سخت و دشوار است، چه نکته‌ای به دست می‌آید؟

۳ ﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ﴾

یعنی: من در برابر اینان و مقاومت‌شان ضعیف هستم، پس به دینت یاری رسان. ابن کثیر: ۴/ ۲۶۵.

پرسش: آیه بر اهمیت دعا در دعوت به سوی الله تعالی اشاره می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾

قشیری می‌گوید: قرائت قرآن بر زبان گروهی از مردم، علم آن در قلوب گروهی دیگر، فهم آن در قلوب گروهی دیگر و حفظ آن در قلوب گروهی دیگر آسان شده است و همگی اینان اهل قرآن و اهل و خواص الله هستند. بقاعی: ۱۹/ ۱۰۸.

پرسش: وجوه آسان‌سازی در قرآن کریم را بیان کنید.

۵ ﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾

یعنی: قرآن را برای حفظ آسان نمودیم که این امر قابل مشاهده است؛ چنان‌که بر خلاف سایر کتاب‌ها، بسیاری از خردسالان و دیگران حافظ کل قرآن هستند. روایت شده که از میان کتاب‌های الله فقط قرآن از حفظ خوانده شده است. بنابر قولی، معنای آیه چنین است: با دلایل و حکمت‌های رسایی که در قرآن وجود دارد آن را برای فهمیدن و پندگیری آسان کردیم. ابن جزی: ۲/ ۳۸۹.

پرسش: الله تعالی چگونه قرآن را برای تذکر آسان نموده است؟

۶ ﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾

این عبارت و عبارت ﴿فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾ تکرار می‌شود تا شنونده هنگام هر قصه‌ای متذکر شود و پند گیرد؛ اساساً هر قصه‌ای که به قصد پند و اندرز بیان گردد، با تهدیدی که سبب عبرتگیریِ شنونده است به پایان می‌رسد. ابن جزی: ۲/ ۳۸۹.

پرسش: چرا الله تعالی عبارت ﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾ را در پایان تمام قصه‌ها تکرار می‌کند؟

۷ ﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾

به حمد و لطف الهی، آسان‌ترین چیز از نظر یادگیری و حفظ و فهم، کتاب الله است که آن را برای تذکر آسان نمود... و سخت‌ترین و دشوارترین چیز افکار و مغلطه‌های ناروا و فروع و اصولی است که الله تعالی هیچ دلیلی بر آن‌ها نفرستاده است. ابن قیم: ۳/ ۸۷.

پرسش: آسان‌ترین منبع علم و عمل چیست؟

سورة (القمر) الجزء (۲۷) صفحة (۵۲۹)

خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ ٧
مُّهۡطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ ٨ ۞كَذَّبَتۡ
قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ ٩ فَدَعَا
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠ فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ
١١ وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ١٢
وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ ١٣ تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا جَزَآءٗ لِّمَن كَانَ
كُفِرَ ١٤ وَلَقَد تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٥ فَكَيۡفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذُرِ ١٦ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٧
كَذَّبَتۡ عَادٞ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٨ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا
صَرۡصَرٗا فِي يَوۡمِ نَحۡسٖ مُّسۡتَمِرّٖ ١٩ تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٖ
مُّنقَعِرٖ ٢٠ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ
لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٢٢ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ ٢٣ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا
مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ ٢٤ أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ
مِنۢ بَيۡنِنَا بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ ٢٥ سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ ٱلۡأَشِرُ
٢٦ إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ ٢٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خُشَّعًا	خوار و ذلیل بر اثر ترس زیاد.
ٱلۡأَجۡدَاثِ	قبرها.
مُّهۡطِعِينَ	شتابان.
وَٱزۡدُجِرَ	او را از خود راندند و از تبلیغ دعوت منع کردند.
مُّنۡهَمِرٖ	ریزان.
قُدِرَ	الله نابودکردن آنان با طوفان را در ازل مقدر کرده بود.
عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ	کشتی دارای تخته‌ها و میخ‌هایی که با آن‌ها محکم شده بود.
مُّدَّكِرٖ	پند و اندرزگیرنده.
يَوۡمِ نَحۡسٖ	روزی بدیمن و نامبارک.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه اندوهت را برطرف سازد، ﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ﴾
۲. در پندها و مقاصد یک یا چند آیه تأمل کن، ﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾
۳. بگو: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات و از کیفر تو به عفوت پناه می‌برم»، ﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی در برابر نوح مهربان بود و به او یاری رساند، ﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ﴾
۲. کیفر الله بر هر کس که نافرمانی کند و تکبر ورزد نازل می‌شود، ﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾
۳. یکی از سنت‌های الله این است که پیامبران و پیروان‌شان را آزمایش می‌کند، ﴿فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ﴾

سورة (القمر) الجزء (۲۷) صفحة (۵۳۰)

وَنَبِّئۡهُمۡ أَنَّ ٱلۡمَآءَ قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡۖ كُلُّ شِرۡبٖ مُّحۡتَضَرٞ ۝٢٨ فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ
فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ۝٢٩ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝٣٠ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ
صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ۝٣١ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ
لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ۝٣٢ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطِۭ بِٱلنُّذُرِ ۝٣٣ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا
عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ ۝٣٤ نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ
كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ ۝٣٥ وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ
۝٣٦ وَلَقَدۡ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِۦ فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ فَذُوقُواْ عَذَابِي
وَنُذُرِ ۝٣٧ وَلَقَدۡ صَبَّحَهُم بُكۡرَةً عَذَابٞ مُّسۡتَقِرّٞ ۝٣٨ فَذُوقُواْ
عَذَابِي وَنُذُرِ ۝٣٩ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ۝٤٠
وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ۝٤١ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ
أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ۝٤٢ أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ
فِي ٱلزُّبُرِ ۝٤٣ أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ۝٤٤ سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ
وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ۝٤٥ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ۝٤٦
إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ۝٤٧ يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ
وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ۝٤٨ إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ۝٤٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
شِرۡبٖ	سهمی از آب.
فَتَعَاطَىٰ	ماده‌شتر را با دستش گرفت.
فَعَقَرَ	کُشت.
كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ	مانند گیاهان خشکی که چهارپایان آن را لگد مال کنند و خُرد شود.
حَاصِبًا	سنگ.
فَتَمَارَوۡاْ	تردید و تکذیب کردند.
أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ	بزرگ‌تر و تلخ‌تر از عذابی که در بدر به آنان رسید.
سُعُرٖ	عذاب.

عمل به آیات

۱. در قبال نعمت‌هایی که الله به تو بخشیده است هم با زبانت از او سپاس‌گزاری کن و هم با انجام طاعات، ﴿نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ﴾

۲. دو فایده از خواندن آیات این صفحه استخراج کن، ﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾

۳. مناظر هولناک جهنم را برای دیگران بازگو کن یا مقاله‌ای در این مورد بنویس، ﴿يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ﴾

رهنمودها

۱. از نزول عذاب الله بر دروغگویان و نافرمانان برحذر باش، ﴿وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ﴾

۲. به وعده و یاری الله مطمئن باش، ﴿سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ﴾

۳. باید به قضا و قدر ایمان داشت، ﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ﴾

ترجمه آیات

و به آنان اعلام کن که آب [چاه،] بین آنان [و آن ماده‌شتر] سهمیه‌بندی شده است و هر کس باید در نوبت خود حاضر شود». (۲۸) ولی آنان همدستشان را ندا دادند؛ او نیز دست به کار شد و [شتر را] به قتل رساند. (۲۹) [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و هشدارهای من چگونه بود. (۳۰) ما بانگ مرگباری بر آنان فرستادیم؛ به‌ناگاه [همگی] همچون گیاه خشکیده[ی بازمانده از کومه‌ها و حصارهای ساخته‌شده با نی و علف،] خرد و ریز شدند. (۳۱) به راستی که قرآن را برای پندگرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ (۳۲) قوم لوط [نیز] هشداردهندگان را دروغگو پنداشتند. (۳۳) [ما نیز] طوفانی ریگ‌بار بر سرشان فرستادیم [که همگی را هلاک کرد]؛ مگر خانوادهٔ لوط که سحرگاهان آنان را نجات دادیم. (۳۴) [این نجات،] نعمتی از جانب ما بود؛ و به هر کس سپاسگزاری کند، این گونه پاداش می‌دهیم. (۳۵) لوط آنان را از کیفر [سخت] ما بیم داد؛ ولی آنان در برابر هشدارها به مجادله [و ستیز] برخاستند. (۳۶) آنان از لوط خواستند که مهمانانش را [برای کام‌جویی] در اختیارشان بگذارد؛ ما نیز چشمانشان را کور کردیم [و گفتیم:] «طعم عذاب و [نتیجهٔ] هشدارهایم را بچشید». (۳۷) و صبحگاهان عذابی پایدار آنان را فراگرفت. (۳۸) [و گفتیم:] «طعم عذاب و [نتیجهٔ] هشدارهایم را بچشید». (۳۹) به راستی که قرآن را برای پندگرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ (۴۰) هشداردهندگان به سراغ فرعونیان [نیز] رفتند. (۴۱) [ولی] آنان تمامی آیات ما را دروغ شمردند؛ ما نیز چنان [که شایستهٔ پروردگار] شکست‌ناپذیرِ مقتدر [است،] آنان را عذاب کردیم. (۴۲) [ای اهل مکه،] آیا کافران شما از آنان بهترند یا برای شما امان‌نامه‌ای در کتاب‌های [آسمانی پیشین نوشته شده] است؟ (۴۳) یا می‌گویند: «ما جماعتی متحد و انتقام‌جو هستیم». (۴۴) به زودی [در جنگ بدر] جمعشان شکست می‌خورد و فراری خواهند شد. (۴۵) وعده‌گاهشان قیامت است که [نسبت به میدان بدر، روزگاری بسیار] سخت‌تر و تلخ‌تر است. (۴۶) گناهکاران در گمراهی و عذابند. (۴۷) روزی‌که با چهره‌هایشان در آتش کشیده می‌شوند [و به آنان می‌گویند:] «آتش دوزخ را بچشید». (۴۸) بی‌تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم؛ (۴۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ﴾

قاتل ماده‌شتر همنشین ثمود معرفی شد تا اشاره کند بر این‌که آنان از عمل او خشنود بودند؛ چنان‌که آنان دوست و همنشین او بودند. ابن عاشور: ۲۷/ ۲۰۱.

پرسش: دلیل این‌که ثمود به عمل قاتل ماده‌شتر راضی بودند چیست؟

۲ ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ ۝٣٤ نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ﴾

قشیری می‌گوید: سپاس‌گزاری بر دفع عذاب، سزاوارتر است از سپاس‌گزاری بر منفعت. فقط انسان موفق و زیرک این مطلب را درک می‌کند. بقاعی: ۱۹/ ۱۲۵.

پرسش: انواع نعمت‌ها را نام ببرید؟ کدام یک استحقاق بیشتری برای سپاس‌گزاری دارد؟

۳ ﴿وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ﴾

﴿بَطۡشَتَنَا﴾ یعنی: عذاب ما بر آنان با عظمت بزرگی که داریم. این واژه به صورت مفرد آمد تا اشاره کند به این‌که هیچ یک از انواع عذاب الله سبک و کوچک نیستند، بلکه به سبب عظمتی که داریم یک بار گرفتن کافی است و نیازی به تثنیه وجود ندارد. بقاعی: ۱۹/ ۱۲۵.

پرسش: چرا ﴿بَطۡشَتَنَا﴾ به صورت مفرد آمد؟

۴ ﴿فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾

یعنی: به سبب این‌که از عمل زشت و پلیدشان لذت می‌بردند، این عبارت به صورت خاص برای آنان بیان شد. بقاعی: ۱۹/ ۱۱۳.

پرسش: چرا پیوست ﴿فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ﴾ به قصهٔ قوم لوط اختصاص یافت؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ﴾

یعنی کسانی که بسیار مرتکب شرک و سایر گناهان کبیره می‌شوند، در دنیا از علم و عمل که سبب نجات‌شان از عذاب است گمراه هستند و در روز قیامت در عذاب دردناک قرار می‌گیرند. سعدی: ۸۲۷.

پرسش: دو مورد از انواع گمراهی مجرمان در دنیا را بیان کنید.

۶ ﴿يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ﴾

با صورت که بهترین و حساس‌ترین عضو انسان در برابر درد است در جهنم کشانده می‌شوند و این‌گونه خوار و ذلیل می‌گردند. سعدی: ۸۲۸.

پرسش: عذاب الهی مذکور، سبب درد جسمی و روحی گناهکاران است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ﴾

﴿وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ﴾ یعنی: فقط یک مرتبه. ﴿كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ﴾ یعنی: حکم من در مورد مخلوقاتم از یک نگاه سریع هم سریع‌تر است. بغوی: ۲۰/ ۱۰۷.

پرسش: با قرائت این سوره، مثالی برای سرعت حکم الله در مورد امت‌های تکذیب‌کننده بیان کنید.

وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ ۝۵۰ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ
أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ۝۵۱ وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ
۝۵۲ وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ۝۵۳ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ
فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ۝۵۴ فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ ۝۵۵

سُورَةُ الرَّحۡمَٰن

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلرَّحۡمَٰنُ ۝۱ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ۝۲ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ۝۳ عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ ۝۴
ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ بِحُسۡبَانٖ ۝۵ وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ ۝۶
وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ۝۷ أَلَّا تَطۡغَوۡاْ فِي ٱلۡمِيزَانِ ۝۸
وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ ۝۹ وَٱلۡأَرۡضَ
وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ۝۱۰ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ ٱلۡأَكۡمَامِ ۝۱۱
وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ۝۱۲ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
۝۱۳ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ۝۱۴ وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن
مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ۝۱۵ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝۱۶ رَبُّ
ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ وَرَبُّ ٱلۡمَغۡرِبَيۡنِ ۝۱۷ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝۱۸

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
إِلَّا وَٰحِدَةٞ	فقط یک کلمه است؛ یعنی «کُن».
مُّسۡتَطَرٌ	نوشته‌شده و مکتوب در نامه‌های اعمال‌شان.
مَقۡعَدِ صِدۡقٍ	مجلس حق و راستی که هیچ سخن بیهوده و گناهی در آن نیست.
بِحُسۡبَانٖ	به حسابی دقیق و بدون خطا، از پی یکدیگر جریان دارند.
وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ	زمین را گستراند تا مخلوقات بر روی آن مستقر و ساکن شوند.
ٱلۡأَكۡمَامِ	خوشه‌هایی که خرما از آن بیرون می‌آید.
وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ	در زمین، دانه‌های دارای پوسته و کاه، برای روزی شما و چهارپایان‌تان است.
صَلۡصَٰلٖ	گِل خشکی که صدایی از آن شنیده می‌شود.
كَٱلۡفَخَّارِ	گِلی که پخته می‌شود تا سفت و سخت گردد.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَنَعِيمَهَا وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ» [صحیح؛ ترکیبی از دو حدیث در ابن ماجه: ۳۸۴۶ و ابوداود: ۱۴۸۰] «یا الله! بهشت و نعمت‌هایش و هر سخن یا عملی که باعث نزدیکی به آن می‌شود را از تو می‌خواهم»، ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ﴾

۲. حمد و سپاس الله را بگو از این‌که قرآن را به تو آموخت، ﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ ۝۱ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ﴾

۳. در قبال نعمت بزرگی که الله به تو بخشیده است از او تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ﴾

رهنمودها

۱. یادگیری قرآن کریم، راهی برای بیان فصیح و نیکوست، ﴿عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ﴾

۲. آسمان‌ها و زمین به عدالت برپا شده‌اند و میزان، یکی از وسایل این عدالت است، ﴿وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ﴾

۳. شکر نعمت‌های گوناگون الله تعالی را به جای آور، ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

ترجمه آیات

و [چون چیزی را اراده نماییم] فرمان ما فقط یک [کلمه یعنی «کُن»] است؛ به سرعتِ یک چشم بر هم زدن [یا کمتر، انجام می‌پذیرد]. (۵۰) به تحقیق که ما [در گذشته] امثال شما [کافران] را نابود کرده‌ایم؛ پس آیا پندپذیری هست؟ [که از این امر عبرت بگیرد و از کفر باز ایستد]؟ (۵۱) و تمام کارهایی که [بندگان] انجام داده‌اند در نامه‌های اعمال[شان] ثبت شده است؛ (۵۲) و هر [عمل] کوچک و بزرگی [در آن] نوشته شده است. (۵۳) پرهیزگاران در باغ‌ها و [کنار] جویبارهای [بهشتی] جای دارند؛ (۵۴) در مجلسی سرشار از راستی [و شایستگی] و نزد فرمانروایی مقتدر. (۵۵)

سورهٔ رحمان

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[الله] رحمان (۱) قرآن را آموزش داد؛ (۲) انسان را آفرید؛ (۳) [و] به او سخن‌گفتن آموخت. (۴) خورشید و ماه، با حسابی منظم [و دقیق] در گردِشَند؛ (۵) و گیاه و درخت [برایش] سجده می‌کنند. (۶) و آسمان را برافراشت و میزان [عدالت را در زمین] برقرار نمود. (۷) [ای مردم، چنین کرد] تا در وزن و پیمانه، [به یکدیگر] ستم نکنید؛ (۸) و سنجش [حقوق دیگران] را به عدالت برآورد کنید و در سنجش [چیزی] مکاهید [و کم‌فروشی نکنید]. (۹) و زمین را برای [زندگی] انسان‌ها مقرر داشت، (۱۰) که [انواع] میوه‌ها و نخل‌های خوشه‌دار در آن است. (۱۱) و [همچنین] حبوباتِ برگ‌دار و گیاهانِ خوشبو؛ (۱۲) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۱۳) او انسان را از گِل خشکی همچون سفال آفرید؛ (۱۴) و جن را از شعله‌ای از آتش خلق کرد؛ (۱۵) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۱۶) [او] پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌هاست؛ (۱۷) پس [ای گروه انس و جن] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ﴾

کسانی از امت‌های پیشین را که شبیه شما بودند و همانند شما عمل و تکذیب می‌کردند نابود کردیم؛ پس آیا کسی هست که پند گیرد و بداند سنت الله تعالی در مورد همه یکسان است و اگر حکمتش تقاضا کند اینان را نیز همانند امت‌های پیشین نابود می‌گرداند و هیچ تفاوتی میان دو گروه نیست. سعدی: ۸۲۸.

پرسش: چرا الله ماجرای نابودی امت‌های پیشین را برایمان حکایت می‌کند؟

۲ ﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ﴾

مقتدر: قدرتش به حدی رسیده که هیچ‌کس جز الله تعالی نمی‌تواند به آن دست یابد؛ پس آنان را به تمام خیرها می‌رساند و تمام آسیب‌ها را از آنان دفع می‌کند... این نام شریف، بر گرفتن انتقام از ستمکاران دلالت دارد. بقاعی: ۱۹/ ۱۳۷.

پرسش: صفت مقتدر بر چه امری دلالت دارد؟

۳ ﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ﴾

صادق می‌گوید: الله تعالی مجلس صدق را ستود و فقط راستگویان در آن می‌نشینند. قرطبی: ۲۰/ ۱۰۹.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر جایگاهِ بالای راستگویی را بیان کنید.

۴ ﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ ۝۱ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ۝۲ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ۝۳ عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ﴾

الله سبحانه نعمت تعلیم قرآن را قبل از آفرینش انسان بیان کرد؛ زیرا اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین نعمتی است که به انسان رسیده است. آلوسی: ۱۴/ ۹۹.

پرسش: چرا نعمت تعلیم قرآن قبل از سایر نعمت‌ها بیان شد؟

۵ ﴿عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ﴾

از آن‌جا که این سوره نعمت‌هایی را که الله تعالی برای بندگانش ارزانی داشته است بیان می‌کند، بزرگ‌ترین و مفیدترین و سودمندترین نعمت یعنی تعلیم قرآن قبل از همه بیان شد. قرآن، اساس و معیار سعادت و خیر دنیا و آخرت است. شوکانی: ۵/ ۱۳۱.

پرسش: چرا سورهٔ الرحمن با بیان تعلیم قرآن آغاز شد؟

۶ ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ﴾

قتاده در مورد این آیه می‌گوید: «ای انسان همان‌گونه که دوست داری دیگران در مورد تو عدالت را برقرار کنند تو نیز عادل باش و همان‌گونه که دوست داری حقت را کامل بپردازند تو نیز حق دیگران را کامل ادا کن؛ زیرا مردم با عدالت اصلاح می‌شوند». قرطبی: ۲۰/ ۱۱۸.

پرسش: آیهٔ فوق بر چه امری راهنمایی می‌کند؟

۷ ﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ۝۱۴ وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ﴾

این آیات بر برتری مادهٔ تشکیل‌دهندهٔ انسان یعنی گل و خاک که نماد استواری و وقار و منافع است دلالت دارد، بر خلاف مادهٔ تشکیل‌دهندهٔ جن یعنی آتش که نماد سبکی و شرّ و فساد است. سعدی: ۸۲۹.

پرسش: آیات فوق بر فضیلت و برتری انسان بر جن دلالت دارد. دلیل این برتری چیست؟

سورة (الرحمن) الجزء (۲۷) صفحة (۵۳۲)

مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ يَلۡتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٞ لَّا يَبۡغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يَخۡرُجُ مِنۡهُمَا ٱللُّؤۡلُؤُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ ٱلۡجَوَارِ ٱلۡمُنشَـَٔاتُ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ﴿٢٤﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ ﴿٢٦﴾ وَيَبۡقَىٰ وَجۡهُ
رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾
يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ
أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ
إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا
شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ
﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡـَٔلُ عَن
ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾
يُعۡرَفُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ بِسِيمَٰهُمۡ فَيُؤۡخَذُ بِٱلنَّوَٰصِي وَٱلۡأَقۡدَامِ ﴿٤١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ	آب دو دریای شور و شیرین را کنار یکدیگر قرار داد.
بَرۡزَخٞ	حایل.
ٱلۡجَوَارِ	کشتی‌های غول‌پیکر و روان.
فَانٖ	نابود می‌شود.
فِي شَأۡنٖ	یعنی: در کاری است: عزت می‌دهد و خوار می‌کند، می‌بخشد و بازمی‌دارد، زنده می‌کند و می‌میراند.
تَنفُذُواْ	روزنه‌ای بیابید که از آن فرار کنید.
شُوَاظٞ	شعلهٔ خالص.
كَٱلدِّهَانِ	مانند روغن مذاب یا پوست قرمز.
بِسِيمَٰهُمۡ	با نشانه‌های‌شان.

عمل به آیات

۱. آخرین پنج نفر از خویشاوندانت را که از دنیا رفته‌اند به یاد آور و برای‌شان دعای رحمت کن، ﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ﴾

۲. عظمت الله تعالی را بشناس، ﴿كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾

۳. در قبال گناهی که مرتکب شده‌ای صدقه‌ای بده، امید است که گناهت را بپوشاند، ﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ﴾

رهنمودها

۱. تمام مخلوقات به الله تعالی نیازمند هستند، ﴿يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾

۲. خشیت و ترس از الله سبحانه و تعالی اهمیت زیادی دارد، ﴿كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾

۳. مناظر هولناک روز قیامت را به یاد آور، ﴿فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ﴾

ترجمه آیات

او دو دریا[ی شور و شیرین] را روان کرد تا [به یکدیگر] برسند؛ (۱۹) [در عین حال،] مانعی میان آن دو است که با هم نمی‌آمیزند؛ (۲۰) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۱) از آن دو [دریا] مروارید و مرجان به دست می‌آید؛ (۲۲) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۳) کشتی‌های کوه‌پیکرِ بادبان‌برافراشته [و جاری] در دریا برای اوست؛ (۲۴) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۵) هر چه روی زمین وجود دارد، فناپذیر است (۲۶) و [تنها ذات جاوید و] روی پروردگار باشکوه و ارجمندت باقی خواهد ماند؛ (۲۷) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۲۸) [تمام] کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از او درخواستِ نیاز می‌کنند و او هر روز [و هر لحظه] در کاری است؛ (۲۹) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۰) ای گروه جن و انس، به زودی به حساب شما می‌پردازیم؛ (۳۱) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۲) ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید [تا از مجازات الهی برهید]، پس بگذرید؛ قادر [به این کار] نخواهید بود، مگر با قدرت [و بَیّنه فراوان که شما آن را ندارید]؛ (۳۳) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۴) شراره‌ای از آتش و مِس گداخته بر شما باریده می‌شود که [در برابر آن] قادر به دفاع [از خود] نیستید؛ (۳۵) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۶) آنگاه که آسمان بشکافد و همچون روغن گداخته، سرخ‌فام گردد [قیامت آغاز خواهد شد]. (۳۷) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۳۸) آن روز، [به علت روشن‌بودن همهٔ امور،] از انس و جن [دربارهٔ گناهانشان] سؤال نخواهد شد؛ (۳۹) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۰) گناهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند؛ آنگاه [آنان را] از موی پیشانی و پاهایشان می‌گیرند [و به دوزخ می‌اندازند]؛ (۴۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ﴾

الله تعالی با عبارت ﴿وَلَهُ ٱلۡجَوَارِ ٱلۡمُنشَـَٔاتُ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ﴾ نعمت ایجاد اسباب نجات از نابودی و اسباب تلاش برای تحصیل معاش را بیان کرد؛ زیرا کشتی‌ها سفرها را برای مردم آسان می‌کنند و آنان را در برابر طغیان آب دریا نجات می‌دهند. تشبیه کشتی‌ها به کوه‌ها نیز برای بیان بزرگی این نعمت است. الله تعالی پس از بیان این مطالب، به مردم اندرز داد که این اسباب نمی‌تواند میان آنان و قدرت الله تعالی بر نابودی‌شان فاصله بیندازد. روش قرآن این است که در فرصت مناسب به موعظه و تذکر می‌پردازد. ابن عاشور: ۲۷/ ۲۵۲.

پرسش: چه ارتباطی میان این آیه و آیات قبلی وجود دارد؟

۲ ﴿كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾

ابودرداء از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «مِنْ شَأْنِهِ أَنْ يَغْفِرَ ذَنْبًا وَيُفَرِّجَ كَرْبًا، وَيَرْفَعَ أَقْوَامًا وَيَضَعَ آخَرِينَ» [حسن؛ با الفاظی مشابه در ابن ماجه: ۲۰۲] «از جمله کارهای الله این است که گناه را می‌آمرزد، اندوه را برطرف می‌کند، گروهی را بالا می‌برد و گروهی دیگر را پایین می‌آورد». اسناد این حدیث حسن است. قرطبی: ۲۰/ ۱۳۴.

پرسش: منظور از عبارت ﴿كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾ چیست؟

۳ ﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ﴾

فارغ شدن از کار منظور نیست؛ زیرا هیچ کاری الله تعالی را از کاری دیگر بازنمی‌دارد؛ بلکه مخلوقات مورد این تهدید قرار گرفته‌اند که محاسبه خواهند شد. بغوی: ۴/ ۴۹۲.

پرسش: منظور از عبارت ﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ﴾ چیست؟

۴ ﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ﴾

جن و انس به سبب برتری بر سایر حیوانات زمین، ثقلین نامیده شدند. بنابر قولی: به این دلیل ثقلین نامیده شدند که در حال زندگی و مرگ، بار سنگینی بر زمین هستند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا﴾ [الزلزلة: ۲]. جعفر صادق می‌گوید: به این سبب ثقلین نامیده شدند که بار سنگینی از گناهان به دوش دارند. شوکانی: ۵/ ۱۳۷.

پرسش: چرا جن و انس ثقلین نامیده شدند؟

۵ ﴿يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

یعنی: شعله‌ای بدون دود از آتش و دود بر شما می‌فرستند. یعنی: ای گروه جن و انس، این دو امر ترسناک را بر شما می‌فرستند و با آن‌ها شما را احاطه می‌کنند، آن‌گاه نه خودتان می‌توانید از خود دفاع کنید و نه کسی غیر از الله می‌تواند به شما یاری رساند. چون تهدید الله بر بندگانش، نعمت به شمار می‌رود و شلاقی است که آنان را به بالاترین مراحل و بهترین موهبت‌ها سوق می‌دهد؛ بر آنان منت نهاد و فرمود: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾. سعدی: ۸۳۱.

پرسش: چرا بیان آتش جهنم نعمتی برای مومنان به شمار می‌رود؟

۶ ﴿فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ﴾

دِهان جمع دُهن به معنای روغن و شبیه آن است؛ شباهت آسمان در روز قیامت به روغن آن است که بر اثر هول و هراس زیاد ذوب می‌شود. بنابر قولی: به سبب درخشندگی‌اش به روغن تشبیه شد. بنابر قولی: منظور از دِهان، پوست قرمز است. ابن جزی: ۲/ ۳۹۵

پرسش: چرا آسمان به روغن تشبیه شد؟

۷ ﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ﴾

میان این آیه و آیهٔ ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾ [الحجر: ۹۲] می‌توان چنین جمع کرد که این دو امر در دو توقفگاه متفاوت انجام می‌شود. بنابر قولی: برای پرسیدن از گناهان‌شان از آنان سوال نمی‌شود؛ زیرا الله تعالی اعمال بندگان را برشمرده و محافظت کرده است، بلکه از روی توبیخ و سرزنش مورد سوال قرار می‌گیرند. شوکانی: ۵/ ۱۳۸.

پرسش: چگونه می‌توان این آیه و آیهٔ ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾ را با هم جمع کرد؟

ترجمه آیات

پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۲) این [همان] جهنمی است که گناهکاران انکارش می‌کردند؛ (۴۳) [در آنجا] میان آتش و آب بی‌نهایت داغ در حرکتند؛ (۴۴) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۵) هر کس از ایستادن در پیشگاهِ پروردگارش [برای حساب] می‌ترسد، دو باغ [در بهشت] دارد؛ (۴۶) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۷) [با درختانی] پر از شاخسار [تر و تازه و ثمردهنده]؛ (۴۸) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۴۹) در آن دو [باغ]، دو چشمه جاری است؛ (۵۰) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۱) در آن دو [باغ]، از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد؛ (۵۲) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۳) [بهشتیان] بر بسترهایی که آسترش از دیبای ضخیم است تکیه می‌زنند و میوه‌های آن باغ‌ها در دسترسشان است؛ (۵۴) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۵) در آن باغ‌ها، حوریانی هستند که تنها [به شوهران خود] نظر دارند [و فقط به آنها عشق می‌ورزند]، و دستِ احدی از انس و جن قبلاً به آنان نرسیده است؛ (۵۶) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۷) گویی آن حوریان، یاقوت و مرجانند؛ (۵۸) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۵۹) آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (۶۰) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۱) در کنار آن باغ‌ها، دو باغ [بهشتی] دیگر است؛ (۶۲) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۳) [آن دو باغ] که [درختانش] در نهایت سبزی [و خرمی] است؛ (۶۴) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۵) در آن دو [باغ بهشتی،] دو چشمهٔ همیشه جوشان جاری است. (۶۶) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۷) و در آنها [درختان] میوه و درختان خرما و انار هست؛ (۶۸) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۹)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَ حَمِيمٍ ءَانٖ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

چون عذاب افراد گناهکار و نافرمان و احسان به پرهیزگاران، بر اساس فضل و رحمت و عدالت و لطف الله به مخلوقاتش است و انذار از عذاب و خشمش، آنان را از شرک و سایر گناهانی که مرتکب می‌شوند بازمی‌دارد؛ برای بیان این نعمت بر آنان فرمود: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾. ابن کثیر: ۴/ ۲۷۸.

پرسش: الله تعالی عذاب مجرمان در جهنم را بیان می‌کند سپس با عبارت ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ بر آنان منت می‌نهد. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ﴾

راغب می‌گوید: ترس از الله به معنای وحشتی مانند احساس ترس از شیر که به ذهن خطور می‌کند نیست، بلکه ترک گناهان و انجام طاعات منظور است؛ بنابراین در مورد کسی که مرتکب گناه می‌شود نمی‌گویند از الله می‌ترسد. آلوسی: ۱۴/ ۱۱۵.

پرسش: منظور از خوف از مقام الله چیست؟

۳ ﴿مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۭ بَطَآئِنُهَا مِنۡ إِسۡتَبۡرَقٖ﴾

صفت و زیبایی این فرش‌ها را فقط الله تعالی می‌داند؛ آسترهای‌شان که بر روی زمین قرار می‌گیرد از ﴿إِسۡتَبۡرَقٖ﴾ یعنی بهترین و فاخترین ابریشم است، پس ظاهر آنان که با پوست بدن‌شان در تماس است چگونه خواهد بود؟! سعدی: ۸۳۱.

پرسش: زیبایی آستر فرش‌های بهشتی بر چه امری دلالت دارد؟

۴ ﴿وَجَنَى ٱلۡجَنَّتَيۡنِ دَانٖ﴾

جنی، میوهٔ تازه‌چیده‌شده و دان به معنای نزدیک است. روایت شده که انسان در بهشت در هر حالتی، ایستاده، نشسته و درازکشیده، میوه می‌چیند؛ زیرا هر گاه میوه بخواهد به او نزدیک می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۳۹۶.

پرسش: نزدیکی میوه‌های بهشتی به بنده را توضیح دهید.

۵ ﴿كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ﴾

وجه شباهت زنان بهشتی به یاقوت و مرجان در رنگ قرمز زیبای‌شان یعنی سرخی رخساره است، مثل این‌که رخساره به گل تشبیه شود. قرمز گاهی بر رنگ سفید اطلاق می‌شود؛ مانند این حدیث که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «بُعِثْتُ إِلَى الأَحْمَرِ وَالأَسْوَدِ» [صحیح؛ مسند احمد: ۱۴۲۶۴ و ۲۱۳۱۴] «به سوی سرخ و سیاه [یعنی همه خلق] مبعوث گردیده‌ام». ابن عاشور: ۲/ ۲۷۰

پرسش: وجه تشابه زنان بهشتی به یاقوت و مرجان چیست؟

۶ ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ﴾

یعنی هر کس طاعت الله را به نیکویی انجام دهد، الله تعالی با بخشیدن بهشت به او نیکی می‌کند. احتمال دارد که منظور از احسان در این‌جا همان موردی باشد که رسول الله ﷺ از جبریل در مورد آن پرسید و جبریل این‌گونه پاسخ داد: «أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» [صحیح بخاری: ۵۰ و ۴۷۷۷؛ صحیح مسلم: ۸] «یعنی الله را به‌گونه‌ای عبادت کنی که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند»- این احسان همان مقام مراقبه و مشاهده است- و پاداش آن را این دو باغ قرار داد. قول اخیر با این مطلب تقویت می‌شود که دو باغ مذکور در این‌جا را برای اهل مقام برتر قرار داد و دو باغ دیگر را برای کسانی که پایین‌تر از این مقام قرار می‌گیرند. ابن جزی: ۲/ ۳۹۶.

پرسش: منظور از احسان در دو موضع مذکور چیست؟

۷ ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ﴾

در مورد دو باغ اولی فرمود: ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ﴾. عبارت مذکور دلالت دارد بر این‌که دو باغ اول پاداش نیکوکاران است... با این وجه، مشخص می‌شود دو باغ اول از دو باغ اخیر بهتر هستند و برای بندگان مقرب شامل پیامبران و صدیقین و بندگان خاص و صالح الله و دو باغ اخیر برای عموم مومنان آماده شده است. سعدی: ۸۳۲.

پرسش: چرا الله تعالی در مورد دو باغ اول فرمود: ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ﴾ اما این عبارت را در مورد دو باغ اخیر بیان نکرد؟

سورة (الرحمن) الجزء (۲۷) صفحة (۵۳۳)

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا
ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَ حَمِيمٍ ءَانٖ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَآ أَفۡنَانٖ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيۡنَانِ تَجۡرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٖ زَوۡجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥٣﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۭ بَطَآئِنُهَا مِنۡ إِسۡتَبۡرَقٖۚ وَجَنَى ٱلۡجَنَّتَيۡنِ دَانٖ
﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ
لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥٩﴾ هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدۡهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيۡنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾
فِيهِمَا فَٰكِهَةٞ وَنَخۡلٞ وَرُمَّانٞ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَمِيمٍ ءَانٖ	آبی سوزان که به نهایت حرارت رسیده است.
بَطَآئِنُهَا	آسترهای‌شان.
إِسۡتَبۡرَقٖ	ابریشم ضخیم.
دَانٖ	نزدیک چیده‌شدن [در دسترس].
قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ	فقط به شوهران‌شان نگاه می‌کنند.
لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ	با آنان نزدیکی نکرده است.
مُدۡهَآمَّتَانِ	دو باغ سرسبز که بر اثر سبزی زیاد به سیاهی متمایل شده‌اند.
نَضَّاخَتَانِ	دو چشمه که آب‌شان فوران می‌کند و هرگز قطع نمی‌شود.

عمل به آیات

۱. عملی که بر ترس تو از الله سبحانه و تعالی دلالت دارد انجام بده، ﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ﴾

۲. در مورد مناظر هولناک جهنم سخن بگو یا مقاله‌ای در این مورد بنویس، ﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ﴾

۳. به کسی که به تو نیکی می‌کند بگو: «جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا»، و اگر توانستی هدیه‌ای هم به او بده که این کار، خیر به شمار می‌رود، ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ﴾

رهنمودها

۱. از عذاب جهنم به الله پناه ببر، ﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ﴾

۲. ترس از الله تعالی اهمیت بسزایی دارد، ﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ﴾

۳. الله برای بندگانش، بخشش و سخاوت و رحمت دارد، ﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِى ٱلْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ
وَعَبْقَرِىٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾
تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

سُورَةُ الوَاقِعَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ
﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ ٱلْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ
هَبَآءً مُّنۢبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنتُمْ أَزْوَٰجًا ثَلَٰثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ
مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ مَآ أَصْحَٰبُ
ٱلْمَشْـَٔمَةِ ﴿٩﴾ وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾
فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْـَٔاخِرِينَ
﴿١٤﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ ﴿١٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خَيْرَٰتٌ	همسرانی خوش‌اخلاق.
حُورٌ	زنانی سفید و زیبا.
مَّقْصُورَٰتٌ	پاکدامن و محافظت‌شده.
لَمْ يَطْمِثْهُنَّ	با آنان نزدیکی نکرده است.
رَفْرَفٍ خُضْرٍ	بالش‌هایی با پوشش‌هایی سبز.
وَعَبْقَرِىٍّ	فرش‌ها و بساط‌ها.
رُجَّتِ	بجنبد.
وَبُسَّتِ	متلاشی شود.
ثُلَّةٌ	گروه بزرگی.
مَّوْضُونَةٍ	زربافت.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه درجهٔ والایی در آخرت به تو بدهد، ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾

۲. امروز نخستین نفری باش که برای ادای یکی از نمازهای پنج‌گانه وارد مسجد می‌شود، ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ﴾

۳. اولین فرزند خانواده باش که امروز سر پدر و مادر را می‌بوسد، ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ﴾

رهنمودها

۱. قیامت هول و هراس بزرگی دارد، ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾

۲. مسابقه در انجام کار خیر، فضیلت بزرگی دارد، ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ﴾

۳. جزا از جنس عمل است، ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ﴾

ترجمه آیات

در میان آن باغ‌ها، زنان نیک‌سیرت و نیکوروی، حضور دارند؛ (۷۰) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۱) حورياني که در خیمه‌های بهشتی [از چشم بیگانگان] مستورند؛ (۷۲) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۳) [دوشیزگانی که] دست هیچ انس و جنی قبلاً به آنان نرسیده است؛ (۷۴) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۵) [بهشتیان] بر بالشت‌های سبز و بسترهایی نفیس و زیبا آرمیده‌اند؛ (۷۶) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۷) نامِ پروردگارِ باشکوه و ارجمند تو، بابرکت و فرخنده است. (۷۸)

سورهٔ واقعه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

هنگامی که واقعهٔ [قیامت] رخ دهد، (۱) [خواهید دید که] در وقوع آن دروغی نیست؛ (۲) [گروهی را] خوار می‌کند [و گروهی را] رفعتِ مقام می‌بخشد. (۳) آنگاه که زمین به سختی لرزانده شود (۴) و کوه‌ها به شدت متلاشی شوند (۵) و [به صورت] غباری پراکنده درآیند (۶) و شما به سه گروه تقسیم شوید: (۷) [گروه نخست:] سعادتمندان [هستند]؛ چه سعادتمندانی [و چه نیکو جایگاهی]! (۸) و [گروه دیگر:] تیره‌بختان [هستند]؛ چه تیره‌بختانی [و چه بد جایگاهی]! (۹) و [سومین گروه:] پیشگامان که [در نیکی‌ها] سبقت گرفتند. (۱۰) آنان مقرّبان [درگاه الهی] هستند. (۱۱) در باغ‌های پرنعمت [بهشت جای دارند]. (۱۲) گروه بسیاری از آنان، از پیشینیان هستند [خواه از امت اسلام یا از امت‌های گذشته]؛ (۱۳) و اندکی از آیندگان [و متأخران] هستند. (۱۴) که بر تخت‌های گوهرنشان، روبروی هم تکیه زده‌اند. (۱۵ و ۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِى ٱلْخِيَامِ﴾

حور جمع حَوراء و مقصورات به معنای زنان محجبه است؛ زیرا زنان به سبب ماندن در خانه مدح و به سبب خروج زیاد سرزنش می‌شوند. ابن جزی: ۲/ ۳۹۷.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر تشویق زنان بر ماندن در خانه را توضیح دهید.

۲ ﴿إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ﴾

به این دلیل واقعه نامیده شد که وقوع آن قطعی است، یا به این دلیل که وقوع آن نزدیک است یا به سبب سختی‌های زیادی که در آن رخ می‌دهد. شوکانی: ۵/ ۱۴۷.

پرسش: وجه تسمیهٔ واقعه چیست؟

۳ ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾

گروهی را به سوی جهنم پایین می‌آورد و دیگران را به بهشت بالا می‌برد. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: گروهی را که در دنیا بالا بودند پایین می‌آورد و گروهی را که در دنیا ضعیف بودند بالا می‌برد. بغوی: ۴/ ۳۰۱.

پرسش: منظور از خوارشدن و بالارفتن در روز قیامت چیست؟

۴ ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ﴾

هر کس در دنیا بر انجام کارهای نیکو پیشی بگیرد در آخرت نیز از پیشی‌گیرندگان به سوی کرامت است؛ زیرا جزا از جنس عمل است و انسان از همان دستی که بخشیده است پاداش می‌گیرد. ابن کثیر: ۴/ ۲۸۵.

پرسش: چرا گروه مذکور، در آخرت پیشگام هستند؟

۵ ﴿ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْـَٔاخِرِينَ﴾

﴿ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ﴾ یعنی: گروه زیادی از متقدمان این امت و سایر امت‌ها. عبارت ﴿وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْـَٔاخِرِينَ﴾ دلالت دارد بر این‌که صدر امت اسلام به صورت کلی بر متاخرین آن‌ها برتری دارد؛ زیرا مقربان قرون اولیه از مقربان قرون متأخر بیشتر هستند. منظور از مقربان، خواص هستند. سعدی: ۸۳۳.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیات مذکور بر فضیلت و برتری قرون اولیهٔ اسلام بر سایر قرون دلالت می‌کند.

۶ ﴿عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ﴾

وقتی جمعیت زیاد شود برخی از افراد پشت به پشت هم قرار می‌گیرند، بنابراین اظهار داشت که تمام بهشتیان رو در روی یکدیگر قرار دارند و هرگز از هم دور نیستند و هرگز به پشت هم قرار ندارند؛ بر پشت سر یکدیگر نگاه نمی‌کنند و هیچ نفرتی میان آنان نیست. بقاعی: ۱۹/ ۲۰۳.

پرسش: واژهٔ ﴿مُتَقَٰبِلِينَ﴾ بر چه امری دلالت دارد؟

۷ ﴿مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ﴾

به سبب صفای دل و ادب نیکو و نزدیکی قلب‌ها، همگی رو در روی یکدیگر قرار دارند. سعدی: ۸۳۳.

پرسش: آیه بر صفای قلب بهشتیان و زدودن کینه و دشمنی از دل‌های‌شان دلالت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

يَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ (١٧) بِأَكۡوَابٖ وَأَبَارِيقَ وَكَأۡسٖ مِّن مَّعِينٖ
(١٨) لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا وَلَا يُنزِفُونَ (١٩) وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ
(٢٠) وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ (٢١) وَحُورٌ عِينٞ (٢٢) كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِٕ
ٱلۡمَكۡنُونِ (٢٣) جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ (٢٤) لَا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا
وَلَا تَأۡثِيمًا (٢٥) إِلَّا قِيلٗا سَلَٰمٗا سَلَٰمٗا (٢٦) وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡيَمِينِ (٢٧) فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ (٢٨) وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ (٢٩) وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ
(٣٠) وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ (٣١) وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ (٣٢) لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ
(٣٣) وَفُرُشٖ مَّرۡفُوعَةٍ (٣٤) إِنَّآ أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ (٣٥) فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا
(٣٦) عُرُبًا أَتۡرَابٗا (٣٧) لِّأَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ (٣٨) ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ (٣٩)
وَثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ (٤٠) وَأَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ
(٤١) فِي سَمُومٖ وَحَمِيمٖ (٤٢) وَظِلّٖ مِّن يَحۡمُومٖ (٤٣) لَّا بَارِدٖ
وَلَا كَرِيمٍ (٤٤) إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ (٤٥) وَكَانُواْ
يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ (٤٦) وَكَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا
تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ (٤٧) أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ (٤٨) قُلۡ إِنَّ
ٱلۡأَوَّلِينَ وَٱلۡأٓخِرِينَ (٤٩) لَمَجۡمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ (٥٠)

ترجمه آیات

نوجوانانی جاودان [با طراوت،] همواره گردِ آنان [به خدمت] می‌گردند. (۱۷) با جام‌ها و کوزه‌ها و پیاله‌هایی از شراب جاری؛ (۱۸) [شرابی] که از نوشیدنش سردرد نمی‌گیرند و دستخوشِ مستی نمی‌شوند. (۱۹) و از هر میوه و گوشتِ پرنده که بخواهند [در اختیار دارند]؛ (۲۰ و ۲۱) و [همسرانی از] حور العین؛ (۲۲) همچون مروارید پنهان در صدف؛ (۲۳) [اینها همه،] پاداش اعمالشان است. (۲۴) در آنجا [سخن] یاوه و گناه‌آلودی نخواهند شنید؛ (۲۵) مگر سلام و درود [فرشتگان و بهشتیان]. (۲۶) و [اما] سعادتمندان؛ چه سعادتمندانی! (۲۷) در کنار درختان بی‌خارِ سدر [هستند]؛ (۲۸) و درختان موز با خوشه‌های برهم‌نشسته (۲۹) با سایه‌ای گسترده (۳۰) و آبِ همواره روان؛ (۳۱) و میوه‌های فراوان که نه تمام می‌شود و نه ممنوع می‌گردد، (۳۲ و ۳۳) و بسترهای برافراشته [و ارزشمند] (۳۴) و همسرانی که با آفرینشی ویژه پدید آوردیم [که زیبایی و جوانیِ جاودان دارند]؛ (۳۵) همواره دوشیزه‌اند و شوهردوستانی هم‌سن‌وسال هستند. (۳۶ و ۳۷) [همهٔ این نعمت‌ها،] برای سعادتمندان است که برخی از آنان از پیشینیان و برخی دیگر از متأخران هستند. (۳۸ - ۴۰) و [اما] تیره‌بختان؛ چه تیره‌بختانی! (۴۱) در میان باد سوزان و آب جوشان قرار دارند (۴۲) و سایه‌هایی از دود سیاه که نه خنک است و نه خوش. (۴۳ و ۴۴) آنان در دنیا ثروتمند و سرکش بودند (۴۵) و بر گناه بزرگِ [شرک] اصرار می‌ورزیدند؛ (۴۶) و می‌گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟ (۴۷) آیا نیاکان ما [نیز برانگیخته می‌شوند]؟» (۴۸) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «بی‌تردید، گذشتگان و آیندگان، همه در وعده‌گاهِ قیامت جمع خواهند شد». (۴۹ و ۵۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (٢٠) وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ﴾

میوه به این دلیل زودتر بیان شد که نرم‌تر است و زودتر دفع می‌شود و کمترین نیاز را برای ماندن در معده برای هضم دارد. گفته شده یکی از اسباب رفع سوء هاضمه این است که پس از خوردن غذاهای سنگین، غذای نرم و رقیقی تناول شود. آلوسی: ۱۴/ ۱۳۷.

پرسش: چرا میوه بر گوشت مقدم شد؟

۲ ﴿وَحُورٌ عِينٞ (٢٢) كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِٕ ٱلۡمَكۡنُونِ﴾

از نظر سفیدی به مروارید شبیه شدند. صفت پنهان‌بودن مروارید نیز به این دلیل بیان شد که این امر باعث می‌شود زیبایی‌اش تغییر نکند. ابن جزی: ۲/ ۴۰۰.

پرسش: وجه تشابه حوریان به مروارید پنهان چیست؟

۳ ﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ﴾

یعنی: سایهٔ گسترده‌ای که همیشگی است و خورشید آن را برطرف نمی‌کند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً يَسِيرُ الرَّاكِبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَا يَقْطَعُهَا؛ وَاقْرَءُوا إِنْ شِئْتُمْ: ﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ﴾» [صحیح بخاری: ۴۸۸۱] «در بهشت درختی وجود دارد که اگر سواره‌ای صد سال در سایهٔ آن حرکت کند نمی‌تواند به پایانش برسد؛ اگر می‌خواهید این آیه را بخوانید: (﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ﴾؛ و سایه‌ای گسترده)». ابن جزی: ۲/ ۴۰۱.

پرسش: از میان احادیث نبوی، مثالی برای توصیف سایهٔ گسترده در روز قیامت بیان کنید؟

۴ ﴿لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: «بر اثر چیده‌شدن تمام نمی‌شود و از هر کس که آن را بخواهد بازداشته نمی‌گردد». یکی از علما گفته است: «فصلی نیست و رایگان است؛ چنان‌که اکثر میوه‌های دنیایی در زمستان یافت نمی‌شوند و فقط با پرداخت پول به دست می‌آیند». بغوی: ۴/ ۳۰۶.

پرسش: منظور از عبارت ﴿لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ﴾ چیست؟

۵ ﴿عُرُبًا أَتۡرَابٗا﴾

عُرُب، جمع عروب به معنای زنی است که شوهرش را دوست دارد. مُبَرّد می‌گوید: زنی که عاشق شوهرش است. شوکانی: ۵/ ۱۵۳.

پرسش: واژهٔ ﴿عُرُبًا﴾ در آیه به چه معناست؟

۶ ﴿وَظِلّٖ مِّن يَحۡمُومٖ (٤٣) لَّا بَارِدٖ وَلَا كَرِيمٍ﴾

یعنی: هیچ خنکی و آرامشی در آن وجود ندارد. منظور این است که غم و اندوه و حزن و شرّی در آن‌جا وجود دارد که هیچ خیری در آن نیست؛ زیرا نفی چیزی، اثبات ضدش را به همراه دارد. سعدی: ۸۳۴.

پرسش: منظور از نفی خنکی و آرام‌بخشی سایهٔ آتش جهنم چیست؟

۷ ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ﴾

اهل شمال را به این دلیل مرفه و خوشگذران توصیف کرد که در هیچ یک از شرایط و اوقات‌شان از نعمتِ خوردن و آشامیدن و بهره‌بردن از زنان دست نکشیدند... یا به این دلیل که فقط به زندگی دنیا اندیشیدند و این امر آنان را از دقت و استدلال بر صحت دعوت رسول الله ﷺ بازداشت؛ آیه دلالت دارد بر این‌که خوشگذرانی آنان در دنیا یکی از اسباب عذاب‌شان است. ابن عاشور: ۲۷/ ۳۰۶.

پرسش: خطر و پیامد ناگوار خوشگذرانی را در آخرت بیان کنید؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا	از آن سردرد نمی‌گیرند.
وَلَا يُنزِفُونَ	عقل‌های‌شان را زایل نمی‌کند.
ٱلۡمَكۡنُونِ	محفوظ در صدف‌های‌شان، از بس که پاکدامن و زیبا هستند.
سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ	درخت سدر که هیچ خاری ندارد.
وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ	موزهای انبوه و روی هم چیده شده، یا همان درخت موز معروف که بیشترین درختان عرب را تشکیل می‌دهد.
عُرُبًا	دوستداران شوهران‌شان.
أَتۡرَابٗا	هم‌سن و سال.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه تو را در زمرهٔ اصحاب یمین قرار دهد، ﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ﴾

۲. میوه یا گوشت به یک فقیر صدقه بده تا به میوه‌ها و گوشت‌های بهشتی دست یابی، ﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (٢٠) وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ﴾

۳. امروز در استفاده‌نکردن از یکی از وسایل آسایش صبر کن، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسباب تحکیم خانواده، محبت همسر به شوهرش است، ﴿عُرُبًا أَتۡرَابٗا﴾

۲. الله تعالی به پاداش صبر و عمل طاعتگران در دنیا، بخشش و احسان بزرگی برای‌شان آماده کرده است، ﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (٢٠) وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ﴾

۳. از صفات اهل شمال دوری کن و از آن‌ها به الله پناه ببر، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ﴾

سورة (الواقعة) الجزء (٢٧) صفحة (٥٣٦)

ثُمَّ إِنَّكُمۡ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلۡمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَأٓكِلُونَ مِن شَجَرٖ مِّن زَقُّومٖ ﴿٥٢﴾
فَمَالِـُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَٰرِبُونَ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ
شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمۡ يَوۡمَ ٱلدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحۡنُ خَلَقۡنَٰكُمۡ فَلَوۡلَا
تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تُمۡنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنتُمۡ تَخۡلُقُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ
ٱلۡخَٰلِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحۡنُ قَدَّرۡنَا بَيۡنَكُمُ ٱلۡمَوۡتَ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ﴿٦٠﴾
عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمۡثَٰلَكُمۡ وَنُنشِئَكُمۡ فِي مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدۡ
عَلِمۡتُمُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُولَىٰ فَلَوۡلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَحۡرُثُونَ
﴿٦٣﴾ ءَأَنتُمۡ تَزۡرَعُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوۡ نَشَآءُ لَجَعَلۡنَٰهُ
حُطَٰمٗا فَظَلۡتُمۡ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُغۡرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلۡ نَحۡنُ
مَحۡرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنتُمۡ أَنزَلۡتُمُوهُ
مِنَ ٱلۡمُزۡنِ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوۡ نَشَآءُ جَعَلۡنَٰهُ أُجَاجٗا فَلَوۡلَا
تَشۡكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنتُمۡ أَنشَأۡتُمۡ
شَجَرَتَهَآ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنشِـُٔونَ ﴿٧٢﴾ نَحۡنُ جَعَلۡنَٰهَا تَذۡكِرَةٗ وَمَتَٰعٗا
لِّلۡمُقۡوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ فَلَآ أُقۡسِمُ
بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٞ لَّوۡ تَعۡلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
زَقُّومٍ	زشت‌ترین درخت در جهنم.
شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ	مانند شتر مبتلا به بیماری تشنگی که هر چه آب بنوشد سیراب نمی‌شود.
بِمَسۡبُوقِينَ	ناتوان.
تَفَكَّهُونَ	از آن‌چه به کشتزارتان رسیده است تعجب کنید.
إِنَّا لَمُغۡرَمُونَ	بگویید: قطعاً ما زیان دیده‌ایم و عذاب شده‌ایم.
ٱلۡمُزۡنِ	ابر.
أُجَاجًا	بسیار شور که نه قابل شرب است نه قابل آبیاری.
تُورُونَ	می‌افروزید.

عمل به آیات

۱. هنگام صرف غذا، مراحل تولید تا مصرف غذا را بر شمار و شکر الله را در قبال آن به جای آور، ﴿أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَحۡرُثُونَ﴾

۲. هنگام نوشیدن مایعات، الله را حمد و ستایش کن، ﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ﴾

۳. در رکوع «سُبۡحَانَ رَبِّيَ الۡعَظِيمِ» بگو تا به این آیه عمل کرده باشی: ﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ﴾

رهنمودها

۱. آتش جهنم و عذاب بدنی و روحی آن بسیار شدید است، ﴿فَشَٰرِبُونَ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ﴾

۲. اعتراف به بندگی برای الله در قبال آفرینش و روزی و تدبیری که به ما بخشید، ﴿نَحۡنُ خَلَقۡنَٰكُمۡ فَلَوۡلَا تُصَدِّقُونَ﴾

۳. آتش دنیا، علاوه بر سایر فوایدی که برای بندگان دارد، آتش جهنم را برای‌شان یادآوری می‌کند، ﴿نَحۡنُ جَعَلۡنَٰهَا تَذۡكِرَةٗ وَمَتَٰعٗا لِّلۡمُقۡوِينَ﴾

ترجمه آیات

آنگاه شما، ای گمراهان تکذیب‌کننده، (۵۱) قطعاً از [میوهٔ] درخت زَقّوم خواهید خورد؛ (۵۲) و شکم‌ها را از آن انباشته می‌کنید؛ (۵۳) آنگاه روی آن، آب جوشان می‌نوشید؛ (۵۴) همچون شترانِ عطش‌زده. (۵۵) این پذیرایی آنان در روز جزاست. (۵۶) ماییم که شما را [از هیچ] آفریده‌ایم؛ پس چرا [آفرینشِ دوباره را] باور ندارید؟ (۵۷) آیا به نطفه‌ای که [در رحِم همسرانتان] می‌ریزید، توجه کرده‌اید؟ (۵۸) آیا شما آن را می‌آفرینید یا ما آفریننده‌اش هستیم؟ (۵۹) ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم و ناتوان نیستیم که امثال شما را جایگزین [خودتان] کنیم و شما را به گونه‌ای که از آن بی‌خبرید، [در آفرینشی نو] پدید آوریم. (۶۰ و ۶۱) شما که از آفرینش نخستین به روشنی آگاه شده‌اید، چرا [به یاد آخرت نمی‌افتید و] پند نمی‌گیرید؟ (۶۲) آیا به دانه‌هایی که می‌کارید، توجه کرده‌اید؟ (۶۳) آیا شما هستید که آن را می‌رویانید یا ما رویاننده‌ایم؟ (۶۴) اگر می‌خواستیم، آن را خاشاک می‌کردیم؛ چنان که شگفت‌زده شوید. (۶۵) [و چنان آن را نابود می‌کردیم که بگویید:] «ما زیان کرده‌ایم؛ بلکه همه چیز را از دست داده‌ایم». (۶۶ و ۶۷) آیا به آبی که می‌نوشید توجه کرده‌اید؟ (۶۸) آیا شما آن را از ابر فروباریدید یا ما فرودآورندهٔ آن هستیم. (۶۹) اگر می‌خواستیم، آن را بسیار شور و تلخ می‌کردیم؛ پس چرا شکر به جای نمی‌آورید؟ (۷۰) آیا به آتشی که می‌افروزید توجه کرده‌اید؟ (۷۱) آیا شما درختش را آفریده‌اید یا ما آفریده‌ایم؟ (۷۲) ما این آتش را وسیلهٔ یادآوری [عذاب دوزخ] و مایهٔ برخورداری [و راحتی] مسافران قرار داده‌ایم. (۷۳) پس [ای پیامبر،] به نام پروردگارِ بزرگت تسبیح گوی [او را به پاکی یاد کن]. (۷۴) سوگند به جایگاه ستارگان (۷۵) که اگر بدانید، سوگند بزرگی است. (۷۶)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿نَحۡنُ قَدَّرۡنَا بَيۡنَكُمُ ٱلۡمَوۡتَ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ﴾

یعنی مرگ را بر مقدار مشخصی برای همه مقدر کردیم که هیچ‌کس از آن تجاوز نمی‌کند؛ یعنی چه بسا عمر کسی را کوتاه قرار داده باشیم در حالی که در اوج قدرت بدنی و سلامتی قرار دارد، و عمر دیگری را طولانی کنیم در حالی که بی‌نهایت بیمار و ضعیف است، حال آن‌که شما اعتراف دارید بر این‌که الله سبحانه و تعالی افعالش را بر اساس کمال و قدرت و حکمت رسا انجام می‌دهد. بقاعی: ۱۹/ ۲۲۱.

پرسش: عبارت ﴿نَحۡنُ قَدَّرۡنَا بَيۡنَكُمُ ٱلۡمَوۡتَ﴾ به چه معناست؟

۲ ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُولَىٰ فَلَوۡلَا تَذَكَّرُونَ﴾

الله تعالی می‌فرماید: ای مردم چرا پند نمی‌گیرید تا بدانید ذاتی که شما را نخستین بار از عدم آفرید، بر او سخت نیست که شما را پس از مرگ و نابودی‌تان دوباره زنده کند. طبری: ۲۳/ ۱۳۸.

پرسش: چرا الله تعالی آفرینش نخستین و یادآوری را کنار هم بیان کرد؟

۳ ﴿ءَأَنتُمۡ تَزۡرَعُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلزَّٰرِعُونَ﴾

این آیه متضمن دو امر است: امر اول: بیان این نعمت که کشتزارشان را می‌رویاند تا با مصرف آن بتوانند زندگی کنند؛ به این هدف که شکر این نعمتش را به جای آورند. امر دوم: دلیل و برهانی که باعث پندپذیری می‌شود؛ یعنی پس از پاشیدن بذر، محصولاتشان را می‌رویاند و آن را رشد می‌دهد تا این‌که قوی و چند برابر می‌شود؛ پس زنده گرداندین کسی که مرده است بر او تعالی آسان‌تر است. این برهان برای کسانی که عقل سالم دارند کافی است. قرطبی: ۲۰/ ۲۱۱.

پرسش: بخشش و احسان الله به مخلوقاتش از طریق نعمت کشاورزی را به صورت مختصر بیان کنید.

۴ ﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ﴾

الله سبحانه به بیان آشامیدن آب- با وجود این‌که فواید و منافع زیادی دارد- اکتفا کرد؛ زیرا بزرگ‌ترین و برترین فایده‌ای است که از این نعمت حاصل می‌شود. شوکانی: ۵/ ۱۵۸.

پرسش: چرا الله تعالی از میان فواید زیادی که آب دارد فقط آشامیدن را بیان کرد؟

۵ ﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنتُمۡ أَنزَلۡتُمُوهُ مِنَ ٱلۡمُزۡنِ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنزِلُونَ﴾

عبارت ﴿ءَأَنتُمۡ أَنزَلۡتُمُوهُ مِنَ ٱلۡمُزۡنِ﴾ دلالت دارد بر این‌که تمام آب‌های جوشیده از چشمه و چاه‌ها و سایر آب‌های موجود در زمین، از ابر فرود می‌آید و الله آن را در زمین برای مخلوقاتش قرار می‌دهد. شنقیطی: ۷/ ۵۳۴.

پرسش: اصل و اساس تمام آب‌های زمین شامل آب موجود در چشمه‌ها و چاه‌ها و سایر موارد چیست؟

۶ ﴿نَحۡنُ جَعَلۡنَٰهَا تَذۡكِرَةٗ وَمَتَٰعٗا لِّلۡمُقۡوِينَ﴾

مُقوین به معنای مسافرین است. الله تعالی به این دلیل فقط مسافران را بیان کرد که نفع مسافر از آتش بیش از دیگران است. شاید دلیل این اختصاص آن باشد که تمام دنیا سرای سفر است و انسان از زمان تولد به سوی پروردگارش در حال سفر است. سعدی: ۸۳۵- ۸۳۶.

پرسش: چرا از میان کسانی که از آتش فایده می‌برند فقط مسافر بیان شد؟

۷ ﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ﴾

تنزیه و تعظیم الله تعالی پس از ذکر نعمت‌هایش، مدح و ستایشی در قبال این نعمت‌هاست و در حقیقت، سپاس‌گزاری از نعمت‌دهنده به شمار می‌رود. آلوسی: ۱۴/ ۱۵۰.

پرسش: امر به تسبیح الله پس از بیان نعمت‌هایش بر چه امری دلالت دارد؟

ترجمه آیات

که این [گفتار]، قرآنی گرانقدر است؛ (۷۷) در لوح محفوظ قرار دارد. (۷۸) جز فرشتگان پاک‌سیرت، کسی [آن را نمی‌بیند و] به آن دسترسی ندارد. (۷۹) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (۸۰) آیا این سخن را سبک [و غیر قابل اعتنا] می‌دانید؟! (۸۱) و به جای شکر روزی‌هایی که به شما داده شده است، آن را دروغ می‌پندارید؟ (۸۲) آنگاه که [جان نزدیکانتان] به گلوگاه می‌رسد (۸۳) و شما در آن هنگام نظاره می‌کنید (۸۴) و ما از شما به او نزدیک‌تریم؛ ولی نمی‌بینید. (۸۵) اگر راست می‌گویید و هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی‌شوید [و قیامتی نیست]، چرا جانش را بازنمی‌گردانید؟ (۸۶ و ۸۷) اما اگر او در زمرۀ مقرّبان باشد، (۸۸) در آرامش و گشایش و بهشت پرنعمت است؛ (۸۹) و اگر در زمرۀ سعادتمندان باشد، [به او گفته می‌شود:] «سلامت و امنیت بر تو باد، که از سعادتمندان هستی»؛ (۹۰ و ۹۱) اما اگر از تکذیب‌کنندگان گمراه [و در زمرۀ تیره‌بختان] باشد، (۹۲) با آب جوشان [از او] پذیرایی می‌شود و به [آتش] دوزخ درمی‌آید. (۹۳ و ۹۴) این [وعدۀ پاداش و عذاب،] یقیناً حقیقت دارد [و تردیدی در وقوع آن نیست]. (۹۵) پس [ای پیامبر،] با [ذکرِ] نامِ پروردگار بزرگت [او را] تسبیح گوی. (۹۶)

سورۀ حدید

به نام الله بخشندۀ مهربان

آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای الله تسبیح می‌گویند؛ و او تعالی پیروزمند حکیم است. (۱) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ حیات می‌بخشد و مرگ می‌دهد؛ و بر هر کاری تواناست. (۲) او ازلی و ابدی است و پیدا و ناپیدا؛ و به هر چیزی داناست. (۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ﴾

یعنی الله قرآن را گرامی و محترم و بالاتر از تمام کتاب‌ها و بزرگ‌تر از این قرار داد که سحر یا غیبگویی یا دروغ باشد. بنابر قولی: به سبب اخلاق والا و خصایل نیکو و ممتازی که در آن قرار دارد گرامی است. بنابر قولی: حافظ قرآن گرامی داشته می‌شود و قاری‌اش احترام می‌گردد. یکی از معناشناسان به نام «واحدی» چنین نقل کرده است: قرآن به این دلیل، کریم نامیده شد که به سبب دلایلی که به دیدگاه صحیح در دین راهنمایی می‌کند خیر زیادی می‌بخشد. أزهری گفته است: کریم، اسم جامعی است برای آن‌چه مدح و ستایش می‌شود و قرآن کریم به سبب هدایت و بیان و علم و حکمتی که در آن وجود دارد ستودنی است. شوکانی: ۵/ ۱۶۰.

پرسش: برخی وجوه بزرگی قرآن را نام ببرید.

۲ ﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ٧٧ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ٧٨ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ﴾

آیه از طریق اشاره و ایماء دلالت دارد بر این‌که فقط دل‌های پاکیزه می‌توانند معانی و مفاهیم قرآن را درک کنند و این امر بر دل‌های آلوده به نجاستِ بدعت‌ها و کارهای ناروا حرام است و نمی‌توانند آن را به نحو شایسته درک کنند. ابن قیم: ۳/ ۱۲۰.

پرسش: هر کس می‌خواهد قرآن را بفهمد باید قلبش را پاکیزه کند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

اضافه‌شدن تنزیل به ربوبیت الله بر جهانیان، مستلزم مالکیت و تصرف و حکم الله بر آنان است و این‌که سزاوار این ربوبیت کامل نسبت به مخلوقات نیست که آنان را مهمل رها کند و بیهوده بیافریند، امر و نهی نکند و پاداش و عذاب ندهد. ابن قیم: ۳/ ۱۲۱.

پرسش: چرا تنزیل به صفت ربوبیت الله سبحانه و تعالی اضافه شد؟

۴ ﴿تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

یعنی: این قرآن که به صفات بزرگ مذکور توصیف شد، از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است، همان ذاتی که بندگانش را با نعمت‌های دینی و دنیوی پرورش می‌دهد و یکی از بزرگ‌ترین این نعمت‌ها، نزول قرآن است که مصالح دنیا و آخرت‌شان را در بر دارد. سعدی: ۸۳۶.

پرسش: چرا الله تعالی پس از بیان نزول قرآن کریم، خودش را پروردگار جهانیان نامید؟

۵ ﴿أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ﴾

ای مردم آیا در مورد این قرآن که شما را از آن باخبر کردم و موضوع آن را برای‌تان حکایت کردم، با تکذیب‌کنندگان با سخن نرم برخورد می‌کنید تا آنان را بر تکذیب قرآن و کفر یاری رسانید. طبری: ۲۳/ ۱۵۲.

پرسش: منظور از واژۀ ﴿مُّدۡهِنُونَ﴾ چیست؟

۶ ﴿وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ﴾

ابن عطیه می‌گوید: مفسران بر این امر اجماع دارند که آیه کسانی را توبیخ می‌کند که در مورد باران می‌گویند: باران به سبب طلوع فلان ستاره بر ما نازل شد. یعنی: سپاس‌گزاری از رزقی که به شما رسیده است را با تکذیب عوض می‌کنید. ابن جزی: ۲/ ۴۰۶.

پرسش: منظور از (رزق) و (تکذیب) در آیه چیست؟

۷ ﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ﴾

﴿ٱلۡأَوَّلُ﴾: قبل از همه‌چیز و بدون ابتدا، او تعالی بوده در حالی که هیچ‌چیز موجود نبوده است. ﴿ٱلۡأٓخِرُ﴾: پس از نابودی همه‌چیز، هست و انتهایی ندارد، همه نابود می‌شوند و او باقی است. ﴿ٱلظَّٰهِرُ﴾: بر همه‌چیز پیروز و برتر است. ﴿ٱلۡبَاطِنُ﴾: همه‌چیز را می‌داند. آن‌چه بیان شد، معنای دیدگاه ابن عباس رضی الله عنهما است. بغوی: ۴/ ۳۲۲.

پرسش: معانی اسمای نیکوی مذکور را بیان کنید.

إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ٧٧ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ٧٨ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا
ٱلۡمُطَهَّرُونَ ٧٩ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٠ أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ
أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ٨١ وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ٨٢ فَلَوۡلَآ
إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ٨٣ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ٨٤ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ
إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ٨٥ فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ
٨٦ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٨٧ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ
٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ
ٱلۡيَمِينِ ٩٠ فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٩١ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ
ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ٩٢ فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ٩٣ وَتَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ
٩٤ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ٩٥ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٩٦

سُورَةُ الحَدِيدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١ لَهُۥ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢ هُوَ
ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّكۡنُونٖ	پوشیده و محفوظ.
مُّدۡهِنُونَ	تکذیب‌کنندگان.
غَيۡرَ مَدِينِينَ	جزا داده نشدگان و مورد محاسبه قرار نگرفتگان.
فَرَوۡحٞ	رحمتی گسترده و آسایش و شادمانی.
فَنُزُلٞ	پذیرایی.
ٱلۡأَوَّلُ	ذاتی که قبل از او هیچ‌چیز نبوده است.
وَٱلۡأٓخِرُ	ذاتی که بعد از او هیچ‌چیز نیست.
وَٱلظَّٰهِرُ	ذاتی که بالاتر از او هیچ‌چیز نیست.
وَٱلۡبَاطِنُ	ذاتی که پایین‌تر از او هیچ‌چیز قرار ندارد.

عمل به آیات

۱. با مرتب‌کردن قرآن‌ها در طاقچه‌های مسجد و زدودن غبار از آن‌ها، کتاب الله تعالی را بزرگ و محترم دار، ﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ﴾

۲. به دیدار یک بیمار یا غسالخانه یا قبرستان برو، ﴿فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ٨٣ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ﴾

۳. قبل از قرائت قرآن وضو بگیر، ﴿لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ﴾

رهنمودها

۱. نرمی و مدارا با دشمنانِ الله در کفرِ آشکار و تکذیبِ وحی توسط آنان، نوعی تکذیب است، ﴿أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ﴾

۲. مقربان پاداش بسیار بزرگی دارند، ﴿فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ﴾

۳. بر یادگیری اسمای نیک الله و عبادت با آن‌ها بکوش، ﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ﴾

سورة (الحديد) الجزء (٢٧) صفحة (٥٣٨)

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ
عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ
بَصِيرٞ (٤) لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ
(٥) يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۚ وَهُوَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ (٦) ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم
مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ (٧)
وَمَا لَكُمۡ لَا تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ لِتُؤۡمِنُواْ بِرَبِّكُمۡ وَقَدۡ
أَخَذَ مِيثَٰقَكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ (٨) هُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦٓ
ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمۡ
لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ (٩) وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ
وَقَٰتَلَۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡظَمُ دَرَجَةٗ مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَقَٰتَلُواْۚ
وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ (١٠) مَّن ذَا
ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ (١١)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَا يَلِجُ	باران و سایر آن‌چه در زمین فرو می‌رود.
وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَا	آن‌چه در آسمان بالا می‌رود.
يُولِجُ	داخل می‌کند.
مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِ	از اموالی که شما را برای تصرف در آن، جانشین قرار داد.
ٱلۡفَتۡحِ	فتح مکه.
ٱلۡحُسۡنَىٰ	بهشت.
قَرۡضًا حَسَنٗا	در حالی که به امید کسب ثواب انفاق می‌کند و هیچ منت و آزاری نمی‌گذارد.

عمل به آیات

۱. دو فایده از این آیه استخراج کن: ﴿وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

۲. بخشی از مالت را با این احساس انفاق کن که الله تعالی تو را در این مال جانشین قرار داده است، ﴿وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِ﴾

۳. یک آیه برای مسلمانی که بدان نیاز دارد توضیح بده، ﴿هُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦٓ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ﴾

رهنمودها

۱. یادآوری عظمت الله تعالی، ﴿يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

۲. مومن از این امر غافل نیست که الله همیشه همراه اوست و از تمام اعمالش آگاه است، ﴿وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ﴾

۳. پاداش و اجر بزرگی را که صدقه‌دهنده و انفاق‌کننده در راه الله تعالی دارد به یاد داشته باش، ﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ﴾

ترجمه آیات

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ آنگاه [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. هر چه در زمین نفوذ می‌کند یا از آن برمی‌آید و هر چه از آسمان فرود می‌آید یا در آن صعود می‌کند، [همه را] می‌داند؛ و هر جا که باشید، همراه شماست؛ و الله به آنچه می‌کنید، بیناست. (۴) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ و همهٔ امور تنها به او بازگردانده می‌شود. (۵) [با تغییر تدریجی فصول] شب را در روز می‌کشانَد و روز را در شب؛ و او به راز دل‌ها داناست. (۶) به الله و پیامبرش ایمان آورید و از اموالی که شما را جانشین [و نمایندهٔ خود در استفاده از آنها] قرار داده است انفاق کنید؛ زیرا افرادی از شما که ایمان بیاورند و انفاق کنند، پاداش بزرگی [در پیش] دارند. (۷) چرا به الله ایمان نمی‌آورید؛ حال آنکه پیامبر، شما را فرامی‌خوانَد که به پروردگارتان ایمان بیاورید؟ اگر باور دارید، [به یاد داشته باشید که الله در این مورد] از شما پیمان گرفته است. (۸) اوست که آیاتی روشنگر بر بنده‌اش نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌های [کفر و شرک] به سوی نور [ایمان] رهسپار گردانَد؛ [زیرا] الله نسبت به شما دلسوز و مهربان است. (۹) چرا در راه الله انفاق نمی‌کنید، حال آنکه میراثِ آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است؟ کسانی که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جنگیدند، [با دیگران] برابر نیستند؛ درجهٔ آنان والاتر از کسانی است که پس از فتح، انفاق کردند و جنگیدند؛ ولی الله به هر دو گروه، نیکوترین [پاداش‌ها] را وعده داده است؛ و الله به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۰) کیست که به الله قرضی نیکو دهد [و انفاق کند] تا الله نیز آن را برایش چندین برابر سازد و [در آخرت] پاداشی فاخر داشته باشد؟ (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

منظور از این همراهی، همراهی علم و آگاهی است. بنابراین با بیان عبارت ﴿وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾ به جزا دادن در قبال اعمال وعده و وعید می‌دهد. سعدی: ۸۳۸.

پرسش: منظور از همراهی مذکور در آیه چیست؟

۲ ﴿ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ﴾

﴿مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِ﴾ یعنی: اموالی که در دست شما قرار دارد، اموال الله هستند و او آن‌ها را آفریده است، اما شما را از آن‌ها بهره‌مند ساخت و جانشین خود در تصرف قرار داد و شما مانند وکیل هستید، پس آن‌ها را از انفاق در مصارفی که مالکش فرمان می‌دهد بازندارید. ابن جزی: ۲/ ۴۱۰.

پرسش: عبارت ﴿مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِ﴾ بر چه امری دلالت دارد؟

۳ ﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾

یعنی: انفاق کنید و از فقر و تهیدستی نترسید؛ زیرا ذاتی که در راه او انفاق می‌کنید مالک آسمان‌ها و زمین است و کلید و گنجینه‌های این دو در دست اوست. ابن کثیر: ۴/ ۳۰۷.

پرسش: چه حکمتی در عبارت ﴿وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ پس از بیان امر به انفاق وجود دارد؟

۴ ﴿لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ﴾

انفاق قبل از فتح، پاداش بزرگ‌تری داشت؛ زیرا به سبب ضعف اسلام، مردم نیاز بیشتری داشتند و انجام این کار در آن زمان بر منافقان سخت‌تر بود و پاداش به اندازهٔ رنج پرداخت می‌شود. قرطبی: ۲۰/ ۲۴۰.

پرسش: چرا انفاق قبل از فتح، پاداش بیشتری دارد؟

۵ ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ﴾

مقیدشدن این قرض به حَسَن‌بودن، سه امر را در بر دارد: امر اول: از مالِ پاکیزه باشد نه از مال پست و کثیف. امر دوم: انسان آن را با رضایت قلبی و به هدف کسب خشنودی الله انفاق کند. امر سوم: منت و آزار نگذارد. امر اول به مال، امر دوم به ارتباط میان انفاق‌کننده و الله و امر سوم به ارتباط میان انفاق‌کننده و گیرنده بستگی دارد. ابن قیم: ۳/ ۱۲۸.

پرسش: صدقه در چه صورتی قرض نیکو نامیده می‌شود؟

۶ ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ﴾

انفاق در راه الله به این سبب قرض نیکو نامیده شد که باعث تشویق و تحریک مردم بر انجام این کار شود؛ زیرا انفاق‌کننده اگر بداند قرض‌گیرنده ثروتمند و نیکوکار است و پاداش قرض را به صورت کامل ادا می‌کند با رضایت و سخاوت بیشتری این کار را انجام می‌دهد. ابن قیم: ۳/ ۱۲۸.

پرسش: چرا انفاق در راه الله قرض نیکو نامیده شد؟

۷ ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ﴾

قشیری می‌گوید: منظور از قرضِ حَسن این است که صدقه‌دهنده با نیتی صادق و رضایت قلبی و فقط برای خشنودی الله و بدون ریا و سُمعه و از مال حلال صدقه بدهد. قرطبی: ۲۰/ ۲۴۴.

پرسش: منظور از قرض نیکو چیست؟

ترجمه آیات

[این پاداش بزرگ، در] روزی است که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان، پیش رو و در سمت راستشان به شتاب حرکت می‌کند؛ [و به آنان خطاب می‌شود:] «امروز بشارتِ باغ‌هایی [از بهشت] بر شما باد که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و جاودانه در آن به سر خواهید برد؛ این است همان کامیابی بزرگ». (۱۲) روزی که مردان و زنانِ منافق به مؤمنان می‌گویند: «منتظرمان بمانید تا پرتویی از نورتان برگیریم»؛ به آنان گفته می‌شود: به عقب بازگردید و کسبِ نور کنید؛ آنگاه دیواری میانشان قرار می‌گیرد که دری دارد؛ درون آن [که به سوی مؤمنان است،] رو به رحمت است و بیرون آن [که به سمت منافقان است] رو به عذاب است. (۱۳) [منافقان] به مؤمنان می‌گویند: «مگر ما [در دینداری و عبادت] همراه شما نبودیم؟» آنان پاسخ می‌دهند: «بله، ولی شما [با دورویی و تزویر،] خود را به فتنه انداختید [و هلاک کردید]؛ و در انتظار [شکست مؤمنان و بازگشت به شرک و کفر] بودید و [دربارهٔ یاری رساندنِ الله به پیامبر و مؤمنان] تردید داشتید و آرزوها[ی دروغین] شما را فریب داد تا آنکه فرمان [مرگتان از جانب] الله در حالی فرارسید که شیطان شما را در برابرِ او تعالی گستاخ کرده بود». (۱۴) امروز نه از شما [منافقان] غرامت می‌پذیرند و نه از کافران؛ جایگاهتان آتش است که [به راستی] شایستهٔ شماست؛ و چه بد سرانجامی است! (۱۵) آیا وقت آن فرا نرسیده است که دل‌های مؤمنان به یاد الله و کلام حقی که نازل شده است [نرم و] فروتن گردد و همچون کسانی نباشند که قبلاً اهل کتاب بودند و چون [از بعثت پیامبرانشان] زمانی طولانی بر آنان گذشت، دل‌هایشان سخت شد و بسیاری از آنان [از دینشان] منحرف شدند؟ (۱۶) آگاه باشید که الله زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده می‌سازد. [ای مردم،] مسلّماً ما نشانه‌ها[ی توان و تدبیر خود] را به روشنی برایتان بیان کرده‌ایم؛ باشد که بیندیشید. (۱۷) بی‌گمان، مردان و زنانی که انفاق می‌کنند و قرضی نیکو به الله می‌دهند، ثوابشان چندین برابر می‌گردد و [در آخرت،] پاداشی فاخر [و نیک] خواهند داشت. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ﴾

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «به اندازهٔ اعمال‌شان نور دریافت می‌کنند؛ برخی به اندازهٔ درخت خرما و برخی به قامت انسانی ایستاده، کسی که کمترین نور را دریافت می‌کند نورش به اندازهٔ بزرگ‌ترین انگشتش است که گاهی خاموش می‌شود و گاهی می‌درخشد». بغوی: ۴/ ۳۲۴.

پرسش: آیا نور مومنان در روز قیامت متفاوت است؟ معیار و اساس این تفاوت چیست؟

۲ ﴿يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗا﴾

بزرگ‌ترین افسوس و مصیبت بر بنده این است که پس از این‌که راه نجات و رستگاری به رویش باز شد و گمان کرد نجات یافته و منازل خوشبختی را ببیند، از آن‌ها جدا گردد و بدبخت شود. از خشم و عذاب الله به خودش پناه می‌بریم. ابن قیم: ۳/ ۱۲۹.

پرسش: بر اساس آیه، عذاب روحی منافقان در روز قیامت را بیان کنید.

۳ ﴿يُنَادُونَهُمۡ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

چهار اصل را که اسباب زیان هستند برای‌شان بیان کرد: فتنهٔ خودشان، انتظار کشیدن بر مصیبت مومنان، تردید در راستی رسول الله، و فریب‌خوردن به آن‌چه نفس‌های‌شان برای آنان آراست. ابن عاشور: ۲۷/ ۳۸۵.

پرسش: چهار سبب زیان را که در آیه بیان شده نام ببرید.

۴ ﴿أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾

﴿أَن تَخۡشَعَ﴾ یعنی: به رتبه‌ای بالا در ایمان رسیده باشند؛ تا آرام و مطمئن و خاضع و فروتن شده و از فانی روی بگردانند و به باقی روی آورند. ﴿قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾ یعنی: پادشاه برتر که تمام خیرها از جانب اوست، در نتیجه، دروغگو صادقانه ایمان آورَد و ضعیف در دین تقویت شود. پس برای درمان بیماری‌های دینی و قلبی‌شان فقط باید در قرآن به دنبال دارو باشند؛ زیرا ذکر الله تعالی قلب را جلا می‌دهد و زنگار و آلودگی‌هایش را برطرف می‌کند. بقاعی: ۱۹/ ۲۷۹.

پرسش: بهترین داروی سختدلی چیست؟

۵ ﴿وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ﴾

دل‌های‌شان به سبب طولانی‌شدن مدت، سخت و منحرف شد تا جایی که از طاعات و نیکی‌ها اثر نمی‌پذیرفت. قشیری می‌گوید: قلب بر اثر پیروی از شهوت سخت می‌شود؛ زیرا شهوت با نرمی و بی‌آلایشی یکجا جمع نمی‌گردد. بقاعی: ۱۹/ ۲۸۰.

پرسش: سختی دل‌ها به چه معناست؟

۶ ﴿وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ﴾

سخت‌دلی، ابتدای شرارت است و از غفلت طولانی از الله تعالی ناشی می‌شود. آلوسی: ۱۴/ ۱۸۱.

پرسش: سخت‌دلی چه خطری برای انسان به همراه دارد؟

۷ ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ﴾

نیاز دل‌های مومن به یاد الله مانند زمین مرده‌ای است که به باران نیاز دارد و تزکیه و نورانی‌کردن نفس نیز به منزلهٔ باران در زنده‌کردن زمین خشک است. ابن عاشور: ۲۷/ ۳۹۳.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود زمین را پس از مرگش زنده می‌کند؟

سورة (الحديد) الجزء (٢٧) صفحة (٥٣٩)

يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ
وَبِأَيۡمَٰنِهِم بُشۡرَىٰكُمُ ٱلۡيَوۡمَ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَاۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢ يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ
لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ
فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ
وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ١٣ يُنَادُونَهُمۡ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ
وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ
حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ١٤ فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ
فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ
وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٥ ۞ أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ
قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ
أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ
مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ١٦ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا
لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٧ إِنَّ ٱلۡمُصَّدِّقِينَ وَٱلۡمُصَّدِّقَٰتِ
وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ كَرِيمٞ ١٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَقۡتَبِسۡ	بگیریم و دریافت کنیم.
وَتَرَبَّصۡتُمۡ	رسیدن حوادث بد را برای پیامبر و مومنان همراهش انتظار کشیدید.
وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ	آرزوهای باطل شما را فریفت.
فِدۡيَةٞ	عوضی در برابر رهایی از عذاب الله.
مَأۡوَىٰكُمُ	بازگشتگاه.
أَلَمۡ يَأۡنِ	آیا وقت آن نرسیده است که؟!

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها دلم را بر دینت پایدار گردان»، ﴿وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

۲. یک صفحه از قرآن را با تدبر بخوان و دو فایده از آن استخراج کن، ﴿أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾

۳. صدقه‌ای بده و امید داشته باش که در روز قیامت پاداشی مضاعف می‌گیری، ﴿وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ كَرِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. بنده بر اساس عملش در روز قیامت نور دریافت می‌کند، ﴿يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِم﴾

۲. از شک و تردید در دین برحذر باش که یکی از نشانه‌های نفاق است، ﴿وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

۳. از آرزوها دوری کن که سرمایهٔ مفلس است، ﴿وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

سورة (الحديد) الجزء (٢٧) صفحة (٥٤٠)

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ وَٱلشُّهَدَآءُ
عِندَ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ
بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١٩ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ
ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ
وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ
مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ
مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ٢٠
سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ
وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ
ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢١ مَآ أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن
قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢ لِّكَيۡلَا
تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ
لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ
ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلصِّدِّيقُونَ	کسانی که در تصدیق به اوج رسیده‌اند.
وَٱلشُّهَدَآءُ	کسانی که در راه الله کشته می‌شوند.
ٱلۡكُفَّارَ	کشاورزان. به این سبب کفار (پوشانندگان) نامیده شدند که دانه را در زمین می‌پوشانند.
يَهِيجُ	خشک می‌شود.
حُطَٰمٗا	خرد و درهم شکسته.
نَّبۡرَأَهَآ	این مخلوقات را می‌آفرینیم.
تَأۡسَوۡاْ	افسوس بخورید.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَنَازِلَ الصِّدِّيقِينَ»؛ «یا الله! مرا به مقام صدیقان برسان»، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَ﴾

۲. از الله بخواه زهد در دنیا را به تو روزی دهد، ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ﴾

۳. امروز برای ادای تمام نمازها زود به مسجد برو تا در صف اول پشت سر امام قرار بگیری، ﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. بهشت، بخششی از جانب الله تعالی است که آن را برای هر یک از بندگانش که بخواهد می‌بخشد، ﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ﴾

۲. متواضع و فروتن و خونگرم باش؛ زیرا الله تعالی انسان‌های متکبر و خودخواه را دوست ندارد، ﴿وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ﴾

۳. الله هیچ نیازی به بندگانش ندارد و ذات پسندیده‌ای است که به حمد و ستایش دیگران محتاج نیست، ﴿وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾

ترجمه آیات

کسانی که به الله و پیامبرانش ایمان آوردند، راستگویان [راست‌کردار] هستند؛ و شهیدان نزد پروردگارشان به سر می‌برند و [در آخرت،] پاداش و نورشان محفوظ است؛ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، دوزخی‌اند. (۱۹) بدانید که زندگی دنیا، بازیچه و سرگرمی و زیور، و فخرفروشی در برابر یکدیگر و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است؛ [این زندگی،] همچون بارانی است که گیاهان [روییده از] آن، کشاورزان را به شگفت می‌آورد؛ سپس [این گیاه شاداب،] پژمرده شود؛ آنگاه می‌بینی که زرد می‌شود و سپس خاشاک می‌گردد؛ و در آخرت، [نصیبِ منافقان و کافران] عذابی شدید است؛ و [نصیبِ مؤمنان،] آمرزش و رضایت الهی است. [در هر حال] زندگی دنیا چیزی جز [لذت و] برخورداریِ فانی [و فریبنده] نیست. (۲۰) [ای مردم،] برای رسیدن به آمرزشِ پروردگارتان و بهشتی که پهنهٔ آن، همچون پهنهٔ آسمان و زمین است، از یکدیگر پیشی بگیرید. [این بهشت،] برای کسانی آماده شده است که به الله و پیامبرانش ایمان آورده‌اند. این [پاداش، ناشی از] فضل الهی است؛ آن را به هر کس که بخواهد [و شایسته بداند] عطا می‌کند که الله فضل و بخشش بی‌حد دارد. (۲۱) هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر پیش از آن که آن را پدید آوریم، در دفتر [علم الهی] رقم خورده است. به راستی که این کار، بر الله آسان است. (۲۲) [این نکته را تذکر دادیم] تا بر آنچه از دستتان می‌رود افسوس نخورید و به آنچه به دست می‌آورید سرمست نگردید که الله هیچ متکبرِ فخرفروشی را دوست ندارد. (۲۳) همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند؛ و هر کس [از انفاق] روی بگرداند، [بداند که] الله بی‌نیازِ ستوده است. (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ﴾
دنیادوستان، مصداق این آیه هستند... اما کسی که دنیا و حقیقتش را بشناسند، آن را محل عبور و نه محل ماندن می‌داند و برای نزدیکی به سوی الله با دیگران مسابقه می‌دهد و وسایلی که او را به سوی الله می‌رسانند به کار می‌گیرد. سعدی: ۸۴۱.
پرسش: پس از این‌که حقیقت دنیا را دانستی، چه موضعی در قبال آن اتخاذ می‌کنی؟

۲ ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ﴾
اصول مراحل زندگی هر یک از انسان‌ها در این آیه بیان شده است؛ زیرا لعب، مرحلهٔ طفولیت و کودکی، لهو مرحلهٔ جوانی، زینت مرحلهٔ مردانگی، فخرفروشی مرحلهٔ پیری و افزون‌طلبی مرحلهٔ کهنسالی است. ابن عاشور: ۲۷/ ۴۰۱.
پرسش: آیه دربردارندهٔ مراحل زندگی مردم است. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞ﴾
یعنی آخرت از دو حال خارج نیست: یا عذاب سخت در آتش جهنم است... یا آمرزش گناهان و دفع کیفرها از جانب الله و خشنودی او تعالی از کسانی که آنان را به بهشت درآورد... این امور انسان را به پرهیزگاری در دنیا و وابستگی به آخرت فرا می‌خواند. سعدی: ۸۴۱.
پرسش: وقتی که دانستی آخرت یا عذاب است یا آمرزش؛ چه موضعی در قبال دنیا اتخاد می‌کنی؟

۴ ﴿وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ﴾
سعید بن جبیر می‌گوید: «دنیا مایهٔ فریب کسانی است که در آن به دنبال جستجوی آخرت نباشند، اما برای کسانی که در جستجوی آخرت هستند، مایهٔ رسیدن به خوبی‌هاست». بغوی: ۴/ ۳۲۸.
پرسش: آیا دنیا مایهٔ فریب تمام مردم است؟

۵ ﴿لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ﴾
یعنی: برای‌تان بیان کردیم که همه‌چیز قبل از وجود مخلوقات مقدر و نوشته شده بودند و قطعا به همان نحو واقع خواهند شد؛ تا بر چیزی که از دست می‌دهید اندوهگین نشوید؛ چون فوت آن برای‌تان مقدر شده است، و چیزی که امیدی در آن وجود نداشته باشد اندوه کمتری دارد، و به آن‌چه به شما می‌رسد شاد و سرمست نشوید؛ زیرا اگر بدانید رزق و خیری که برای‌تان نوشته شده است قطعا به شما خواهد رسید، از شادی شما کاسته می‌شود. شنقیطی:۷/ ۵۴۹.
پرسش: انسان از این امر که بداند مقدرات، قبل از وجود مخلوقات نوشته شده بودند چه فایده‌ای می‌برد؟

۶ ﴿لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ﴾
اگر گفته شود: انسان ناخودآگاه از رسیدن خیر خوشحال می‌شود و از آمدن شر اندوهگین می‌گردد؛ چنان‌که ابوبکر صدیق رضی الله عنه که مال فراوانی به او رسید گفت: «یا الله! ما نمی‌توانیم به سبب آن‌چه برایمان زینت داده‌ای خوشحال نشویم». پاسخ این است که: منظور از شادی مورد نهی آن است که بر اثر تکبر و طغیان صادر شود و منظور از غمی که مورد نهی قرار گرفته نیز این است که از حد صبر و تسلیم بگذرد. ابن جزی: ۲/ ۴۱۵.
پرسش: الله تعالی از غمگین‌شدن بر آن‌چه از دست می‌رود و شادشدن از آن‌چه به دست می‌آید نهی کرده است. منظور از این نهی چیست؟

۷ ﴿وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾
بخل در تمام منافع دینی و دنیایی مانند مال و علم امکان‌پذیر است؛ بخیل در علم کسی است که آن را از دیگران بازمی‌دارد. انسان متکبر و خودخواه یا خودش بر اثر غرور علم را طلب نمی‌کند یا آن را به مردم نمی‌بخشد. این امر بسیار اتفاق می‌افتد و ضد این تکبر، تواضع در طلب علم و آموختن آن به دیگران است. ابن تیمیه: ۶/ ۲۱۷.
پرسش: بسیاری از مردم بدون این‌که خودشان بدانند گرفتار بخل می‌شوند. این مطلب را توضیح دهید.

ترجمه آیات

در حقیقت، ما پیامبران خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و کتاب و میزانِ [تشخیص حق از باطل،] با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند؛ و آهن [و سایر فلزات] را پدید آوردیم که در آن، هم نیرویی شدید وجود دارد و هم منافعی برای مردم؛ [چنین کردیم] تا الله [برای بندگانش] معلوم بدارد چه کسانی بدون آنکه پروردگارشان را ببینند، [با جنگ‌افزارهای آهنین،] او و پیامبرانش را [در میدان‌های جنگ] یاری می‌کنند. بی‌تردید، الله نیرومندِ شکست‌ناپذیر است. (۲۵) ما نوح و ابراهیم را [به رسالت] فرستادیم و در میان فرزندانشان [موهبتِ] پیامبری و کتاب مقرر داشتیم؛ برخی از آنان راه یافتند و بسیاری از آنان نافرمانی کردند. (۲۶) سپس به دنبال آنان، پیامبران دیگرمان را [مبعوث کردیم]؛ و سپس عیسی پسر مریم را فرستادیم و انجیل را به او عطا نمودیم و در دلِ پیروانش، رأفت و مهربانی نهادیم؛ ولی [دنیاگریزی و] رُهبانیتی را که بدعت نهادند، ما بر آنان مقرر نداشتیم؛ و هر چند هدفشان جلب رضایت الهی بود، ولی حقِ آن را [چنان که باید،] رعایت نکردند؛ از این رو، ما به افرادی از آنان که ایمان آوردند، پاداششان را عطا کردیم؛ ولی بسیاری از آنان [به بیراهه رفتند و] نافرمان بودند. (۲۷) ای مؤمنان، از الله پروا کنید و به پیامبرش [خالصانه] ایمان بیاورید تا الله از رحمت خویش، بهرهٔ دوچندان به شما عطا نماید و نوری برایتان پدید آوَرَد که در پرتوی آن گام بردارید و شما را ببخشاید. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است. (۲۸) [این را بیان کردیم] تا اهل کتاب بدانند که به فضل و بخشش الهی دسترسی ندارند [و نمی‌توانند آن را به کسی اختصاص دهند یا از کسی بازدارند]؛ و اینکه تمامی برتری به دست الله است و به هر کس که بخواهد [و شایسته بداند] عطا می‌کند. بی‌گمان، الله فضل و بخشش بی‌حد دارد. (۲۹)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ﴾

برپایی دین بر دو امر استوار است: امر اول در عبارت ﴿وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِ﴾ ذکر شده است؛ زیرا سبب اقامهٔ دلایل حق و بیان حجت و امر و نهی و پاداش و عذاب است. بنابراین چون کافران با وجود این بیان و توضیح، بر کفر و تکذیب رسولان اصرار ورزیدند، الله تبارک و تعالی آهن را برای انسان‌ها آفرید تا مومنان با استفاده از آن، کافران ستیزه‌جو را دفع کنند؛ یعنی آنان را با شمشیر و نیزه و تیرها به قتل برسانند. شنقیطی: ۷/ ۵۴۹.

پرسش: برپایی دین بر دو امر استوار است. این دو امر چیست؟

❷ ﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ﴾

یعنی آهن را مانع کسی قرار دادیم که از حق ابا ورزد و پس از اقامهٔ دلیل با آن دشمنی کند. به همین منظور، رسول الله ﷺ پس از نبوت سیزده سال در مکه ماند و سوره‌های مکی بر او نازل می‌شد. تمام این سوره‌ها، جدال با مشرکان و بیان و توضیح توحید و دلایل و براهین است. وقتی که حجت بر مخالفان شریعت اقامه شد، مومنان دستور یافتند هجرت کنند و با شمشیر در برابر مخالفان و دشمنان و تکذیب‌کنندگان قرآن به جهاد بپردازند. ابن کثیر: ۴/ ۳۱۵.

پرسش: چرا نزول کتاب‌ها قبل از نزول آهن بیان شد؟

❸ ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ﴾

منظور از یاری مردم به الله، یاری آنان به دینش است؛ زیرا خود الله از یاری دیگران بی‌نیاز است. ﴿وَرُسُلَهُۥ﴾ یعنی: کسانی که برپادارندگان دینش را یاری می‌کنند. یاری شریعت رسول پس از مرگش نیز مصداق این آیه است. ابن عاشور: ۲۷/ ۴۱۸.

پرسش: منظور از رساندن یاری به الله و رسولانش چیست؟

❹ ﴿وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗ﴾

نصارا زمانی نسبت به دیگران مهربان‌ترین مردم بودند که بر شریعت عیسی قرار داشتند. سعدی: ۸۴۳.

پرسش: نصارا چه زمانی مهربان‌ترین و نرم‌دل‌ترین مردم در برابر مومنان بودند؟

❺ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ﴾

یعنی: از عذاب الله بترسید و با رعایت ادب در برابر او تعالی، میان خودتان و خشم او - که پادشاه اعظم است- سپری برای حفاظت خویش قرار دهید و خودتان را از تدبیرش در امان ندانید، بترسید از این‌که آن‌چه را برای‌تان بخشیده است از شما سلب کند، از رسول پیروی کنید و مسلمان شوید و بر این امر پایدار بمانید تا نابود نشوید. بقاعی: ۱۹/ ۳۲۴.

پرسش: کسی که از تقوا و ترس الهی بی‌بهره باشد چه مجازاتی دارد؟

❻ ﴿وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ﴾

یعنی: بیان و هدایتی. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: قرآن منظور است. بنابر قولی: نوری که در آخرت با آن بر روی صراط حرکت می‌کنید. بنابر قولی: نوری که با حرکت در آن، مردم را به سوی اسلام فرا می‌خوانید و پیشوایان دین اسلام قرار می‌گیرید و تا زمانی که این کار را انجام دهید ریاست می‌کنید؛ زیرا ترسیدند که اگر به محمد ﷺ ایمان بیاورند ریاست‌شان از بین می‌رود. قرطبی: ۲۰/ ۲۷۸.

پرسش: منظور از نوری که الله برای افراد مورد نظر آیه قرار داده چیست؟

❼ ﴿وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ﴾

یعنی به‌گونه‌ای مالکش است که هرگز از او جدا نمی‌شود و هیچ‌کس در این مورد با او شریک نیست و هیچ تصرفی در آن ندارد؛ بنابراین هر چه را به هر کس که بخواهد اختصاص می‌دهد و هیچ‌کس نمی‌تواند هیچ اعتراضی کند. بقاعی: ۱۹/ ۳۳۰.

پرسش: توصیف الله به این‌که فضل بسیار بزرگی دارد چیست؟

سورة (الحديد) الجزء (٢٧) صفحة (٥٤١)

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ
بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ
بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ۲۵ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ
وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ
وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ۲۶ ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا
فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً
ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ
فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ
وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ۲۷ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا
تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۲۸ لِّئَلَّا يَعۡلَمَ
أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ
ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ۲۹

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ	با دلایل روشن و واضح.
وَٱلۡمِيزَانَ	عدالت در گفتار و رفتار.
بَأۡسٞ	نیرو.
عَزِيزٞ	ذات پیروزی که هرگز مغلوب نمی‌شود.
قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم	در پی آنان قرار دادیم و پس از آنان مبعوث گردانیدیم.
وَرَهۡبَانِيَّةً	غلو در عبادت.
مَا كَتَبۡنَٰهَا	ما فرض نکرده بودیم.
فَمَا رَعَوۡهَا	آن‌گونه که سزاوار بود آن را رعایت نکردند بلکه آن را تغییر دادند و مخالفت ورزیدند.
كِفۡلَيۡنِ	دوچندان.

عمل به آیات

۱. سه مورد از مظاهر قدرت الله تبارک و تعالی را در آن‌چه می‌بینی و مشاهده می‌کنی برشمار، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ﴾

۲. از الله تعالی بخواه دین اسلام را یاری کند، ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ﴾

۳. عمل نیکویی برای یاری دین اسلام به صورت داوطلبانه انجام بده، ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ﴾

رهنمودها

۱. آسمان‌ها و زمین به عدالت برپا شده‌اند، پس در تمام کارهایت به عدالت پایبند باش، ﴿وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِ﴾

۲. در برابر هر سخن یا عملی که برای یاری دین الله به کار گیری پاداش دریافت می‌کنی، ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ﴾

۳. گنجینه‌های فضل و خیر فقط به دست الله تعالی است، ﴿وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ﴾

سُورَةُ المُجَادَلَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ
وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ١ ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ
مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمۡۖ إِنۡ أُمَّهَٰتُهُمۡ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔي
وَلَدۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ وَإِنَّ
ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٢ وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ ثُمَّ يَعُودُونَ
لِمَا قَالُواْ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مِّن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۚ ذَٰلِكُمۡ تُوعَظُونَ
بِهِۦۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٣ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ
مُتَتَابِعَيۡنِ مِن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۖ فَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ فَإِطۡعَامُ سِتِّينَ
مِسۡكِينٗاۚ ذَٰلِكَ لِتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۗ
وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٤ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۚ
وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٥ يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم
بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تُجَٰدِلُكَ	به تو مراجعه می‌کرد. این زن، خولَه دختر ثَعلَبه بود.
زَوۡجِهَا	اوس بن صامت.
وَزُورٗا	دروغ.
فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ	آزادی برده‌ای مؤمن؛ غلام یا کنیز.
يَتَمَآسَّا	از جماع برخوردار شوند.
يُحَآدُّونَ	دشمنی و مخالفت می‌کنند.
كُبِتُواْ	خوار و ذلیل می‌شوند.

عمل به آیات

۱. با زاری دعا کن و بگو: «یا الله! من از ناتوانی و ضعف در برابر مردم به سوی تو شکوه می‌کنم»، سپس از او تعالی بخواه نیازهایت را برآورده کند و مشکلاتت را برطرف نماید، ﴿وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ﴾

۲. به زنی ضعیف یا درمانده و یا ستمدیده صدقه بده یا به او کمک کن، ﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ﴾

۳. گناهی را که قبلا انجام داده‌ای، به یاد آور و از الله تعالی آمرزش بخواه، ﴿أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ﴾

رهنمودها

۱. گستردگی و شمول علم و آگاهی الله و شنیده‌شدن تمامی صداها توسط او تعالی، ﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ﴾

۲. از این‌که حدود الهی را رعایت نکنی، برحذر باش، ﴿وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

۳. از عملی که در روز قیامت، به ضرر تو باشد، پرهیز کن؛ زیرا هر عمل خوب یا بدی را که انجام دهی، به حساب تو ثبت می‌گردد، ﴿أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ﴾

سورۀ مجادله

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

الله سخن آن زن [= خَوله بنت ثَعلَبه] را شنید که دربارۀ شوهرش با تو صحبت می‌کرد و به الله شکایت می‌بُرد. الله گفتگوی شما را می‌شنود؛ چرا که الله شنوای بیناست. (۱) کسانی از شما که همسران خویش را [از لحاظ حرمتِ همبستری، همچون] مادر خود تلقی می‌کنند، [بدانند که] آن زنان هرگز مادرانشان نخواهند بود؛ مادرانشان فقط زنانی هستند که آنها را به دنیا آورده‌اند. آنان سخنی ناپسند و ناحق می‌گویند؛ و [اگر توبه کنند] الله بخشایندۀ آمرزگار است. (۲) کسانی که زنانشان را ظِهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند باز می‌گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده‌ای را آزاد کنند. این حکمی است که به آن [پند و] اندرز داده می‌شوید؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۳) اگر کسی [برده‌ای را] نیابد، [باید] پیش از آمیزش جنسی، دو ماه پیاپی روزه بگیرد؛ و کسی که نمی‌تواند [روزه بگیرد، در آن صورت،] باید شصت مسکین را اِطعام کند. این [کفّاره،] برای آن است که به الله و رسولش ایمان بیاورید و اینها حدود [احکام] الهی است؛ و برای کافران عذاب دردناکی [در پیش] است. (۴) همانا کسانی که با الله و رسولش دشمنی می‌کنند، خوار [و ذلیل] می‌شوند؛ همان گونه که پیشینیانِ آنها نیز خوار [و ذلیل] شدند؛ و به راستی ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذابی خفت‌بار [در پیش] است. (۵) روزی که الله همۀ آنها را [از گور] برمی‌انگیزد، سپس آنها را از آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد؛ [همان اعمالی که] الله حساب آن را نگه داشته، اما آنها فراموشش کرده‌اند؛ و الله بر همه چیز، گواه [و ناظر] است. (۶)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ﴾

از کمال شنوایی و بینایی الله خبر می‌دهد و این‌که او تعالی تمامی امور جزئی و پنهان و آشکار را می‌بیند و می‌شنود و نیز اشاره دارد به این‌که الله مصیبت او را برطرف خواهد کرد. سعدی: ۸۴۴.

پرسش: چرا آیه فوق، با این دو اسم گرامی به پایان رسید؟

۲ ﴿ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمۡۖ إِنۡ أُمَّهَٰتُهُمۡ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔي وَلَدۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ﴾

با توجه به آیات، ظِهار حرام است و حتی علما آن را از گناه کبیره دانسته‌اند؛ زیرا به معنای تغییر و تبدیل حکم الله تعالی بدون اجازه اوست، که این عمل بدتر و خطرناک‌تر از بسیاری از گناهان کبیره است. آلوسی: ۱۴/ ۲۰۰.

پرسش: از این‌که ظِهار متصف به منکر و دروغ شده است، چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

۳ ﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ﴾

تفاوت این‌که ظهار از جهتی، منکر و از جهتی دیگر دروغ باشد، در این است که وقتی مردی به همسرش می‌گوید: «تو بر من، همچون پشت مادرم هستی» خبر از این موضوع می‌دهد و وی را بر خود تحریم می‌کند؛ بنابراین متضمن خبردادن و ایجاد است؛ یعنی خبر دروغ و ایجاد منکر؛ چون «زور» به معنای باطل و خلافِ حقیقتِ ثابت‌شده است، و منکر به معنای خلافِ نیکی و عملِ پسندیده است. ابن قیم: ۳/ ۱۳۹.

پرسش: چرا ظهار توصیف به منکر و دروغ شد؟

۴ ﴿ذَٰلِكَ لِتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ﴾

آن حکم را برای شما بیان کردیم و توضیح دادیم تا به الله و پیامبرش ایمان بیاورید؛ یعنی با پایبندی و عمل به این حکم و سایر احکام؛ زیرا پایبندی و عمل به احکام الهی نشانه ایمان و بلکه هدف مهم و اساسی زندگی است و باعث افزایش و تکمیل و رشد ایمان می‌شود. سعدی: ۸۴۴.

پرسش: بر اساس این آیه، رابطه میان عمل صالح و ایمان را بیان کن.

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ﴾

یعنی هلاک شدند. قتاده می‌گوید: آنان خوار و ذلیل شدند، چنان‌که افرادی که پیش از آنان بودند، خوار گشتند. بنابر قولی: عذاب شدند. و بنابر قولی: در نبرد خندق، به خشم آمدند. و بنابر قولی: خوار و رسوا خواهند شد، که این مژده، یاری و پیروزی برای مؤمنان از جانب الله است. قرطبی: ۲۰/ ۳۰۵.

پرسش: هدف از عبارت ﴿كُبِتُواْ﴾ چیست؟ و آیه فوق چه بشارتی می‌دهد؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

ثابت شده است که فرد ستیزه‌جو خوار و ذلیل می‌شود و از شدت خشم و اندوه هلاک می‌گردد، این در صورتی است که بترسد اگر دشمنی و خصومتش را آشکار کند، کشته شود وگرنه کسی که بتواند مخالفت خود را بروز دهد و ترسی بر جان و مالش نداشته باشد، خوار و ذلیل نیست، بلکه خوشحال و شادمان است. به همین سبب، الله تعالی فرمود: ﴿كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ﴾ و کسانی که پیش از آنان، با رسولان و پیامبر اسلام ﷺ مخالفت ورزیدند، الله آنان را با عذابی از جانب خود یا با دستان مؤمنان، خوار و ذلیل کرد. ابن تیمیه: ۶/ ۲۴۰.

پرسش: مخالفت و دشمنی با الله و رسولش منجر به بیماری‌های قلبی در دنیا و عذاب الهی در آخرت می‌شود، این مطلب را توضیح بده.

۷ ﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ﴾

جمله ﴿أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ﴾، مستأنفه و مستقل و جواب از سؤال مقدر است؛ گویا گفته شده است: چگونه الله تعالی این همه را با وجود فراوانی و تنوع انواعش بیان می‌کند؟ بنابراین در پاسخ آمده است: الله سبحانه تمامی آن‌ها را بر می‌شمرد و از هیچ موردی غافل نمی‌شود، در حالی که آنان این موارد را فراموش کرده‌اند و به یاد نمی‌آورند، بلکه آن را حاضر و نوشته‌شده در نامه‌های اعمال‌شان می‌یابند. شوکانی: ۵/ ۱۸۶.

پرسش: سؤال مقدر برای عبارت ﴿أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ﴾ چیست؟

سورة (المجادلة) الجزء (۲۸) صفحة (۵۴۳)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ مَا يَكُونُ مِن
نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ
مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
نُهُوا۟ عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ وَيَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ
وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ ۖ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ
بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِىٓ أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُ ۚ حَسْبُهُمْ
جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا
تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ
وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا
ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ
شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ
ٱللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُوا۟ فَٱنشُزُوا۟ يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ
وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

ترجمه آیات

مگر ندیده‌ای که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند؟ هیچ نجوایی میان سه نفر نیست، مگر آنکه او [با علم خویش] چهارمین آنهاست؛ و نه میان پنج نفر، مگر آنکه او [با علم خویش] ششمین آنهاست؛ و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر؛ مگر آنکه هر کجا باشند، او [با علم خویش] همراه آنهاست. سپس روز قیامت آنها را از آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد. بی‌گمان، الله به همه چیز داناست. (۷) [ای پیامبر،] مگر ندیده‌ای کسانی [= یهودیانی] را که از نجوا نهی شدند، ولی به آنچه از آن نهی شده بودند باز می‌گردند، و به [قصدِ] گناه و تجاوز و نافرمانی از پیامبر، با هم نجوا می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند، به نحوی به تو درود می‌فرستند که الله با آن [کلمات،] به تو درود و سلام نگفته است [و به جای السلام علیك، السَّامُ عَلَيكَ یعنی مرگ بر تو می‌گفتند]؛ و [آنها] در دل خود می‌گویند: «چرا الله ما را به [کیفر] آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟» جهنم برایشان کافی است [که] به آن وارد می‌شوند؛ و چه بد [سرانجام و] جایگاهی است! (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با یکدیگر نجوا می‌کنید، به [قصدِ] گناه و تجاوز و نافرمانی از رسول نجوا نکنید، و به نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید؛ و از الله بترسید، که به سوی او محشور خواهید شد. (۹) همانا سخن پنهانی[که موجب گناه و دشمنی می‌گردد] از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند [با آنها گرفتار کند و در نتیجه،] اندوهگین سازد؛ و [حال آنکه او] جز به فرمان الله، نمی‌تواند هیچ ضرری به آنان برساند؛ پس مؤمنان باید بر الله توکل کنند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شود: «در مجالس جا باز کنید»، [جا] باز کنید [که با این کار،] الله برای شما گشایش می‌آورد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید» برخیزید. الله مقام [و درجاتِ] کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان عطا شده‌است، بالا می‌برد؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ﴾

سخنش را با علم شروع کرد و با آن به پایان برد و به همین دلیل، ابن عباس ﵄، ضحاک، سفیان ثوری و احمد بن حنبل گفته‌اند: «الله با علم خود، همراه مخلوقات است [از تمامی امورشان باخبر است].» ابن تیمیه: ۶/ ۲۴۶.

پرسش: بر اساس آیه، چگونه می‌فهمی که مراد از همراهی در عبارت: ﴿هُوَ مَعَهُمْ﴾ همراهی با علم و نه با ذات است؟

۲ ﴿وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ﴾

وقتی نزد پیامبر ﷺ می‌رفتند، «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» را پنهان می‌کردند؛ زیرا شعار اسلام و بیانگر مفهوم سلامتی است و از این رو، آنان به جای آن، می‌گفتند: «أَنْعِمْ صَبَاحًا»؛ تحیت قوم عرب در دوران جاهلیت؛ زیرا دوست نداشتند که عادات جاهلی را ترک کنند. ابن عاشور: ۲۸/ ۳۱.

پرسش: دیدگاه شما درباره برخی از احوالپرسی‌های مرسوم در میان جوانان امروزی چیست؟ چه نوع احوالپرسی و تحیتی از همه بهتر است؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ﴾

جای باز کردنی که انسان موظف به اجرای آن است، فراخ‌کردن جا و نه برخاستن است. به همین سبب، پیامبر ﷺ فرمود: «کسی از شما از جایش بلند نشود که فرد دیگری در آن‌جا بنشیند، بلکه جای باز کنید» [صحیح بخاری: ۶۲۷۰؛ صحیح مسلم: ۲۱۷۷]. ابن جزی: ۲/ ۴۲۲.

پرسش: آیه فوق، فرمان به اجرای کدام یک از رفتارهای شرعی می‌دهد؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ﴾

﴿يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ﴾: یعنی در قبرهای‌تان گشایش ایجاد می‌کند. بنابر قولی: در دل‌های‌تان و بنابر قولی: بر شما در دنیا و آخرت آسان می‌گیرد. قرطبی: ۲۰/ ۳۱۸.

پرسش: منظور از این‌که الله برای بنده، گشایش به وجود می‌آورد، چیست؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ﴾

جزا از جنس عمل است؛ کسی که برای دیگران آسان بگیرد، الله برایش آسان می‌گیرد، و کسی که برای برادرش جای دهد، الله به وی جای می‌دهد. سعدی: ۸۴۶.

پرسش: با توجه به آیه، درباره قاعده «جزا از جنس عمل است» توضیح دهید.

۶ ﴿يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ﴾

هرگز گمان نکنید که اگر کسی از شما هنگام آمدن برادر دینی‌اش، برای او جایی باز کند یا اگر او را به خارج‌شدن فرمان دهد و خارج شود، به معنای نادیده‌گرفتن حق اوست، بلکه این عمل بر مقام و درجه‌اش نزد الله تعالی می‌افزاید. ابن کثیر: ۴/ ۳۲۶.

پرسش: اگر در مجلسی، برای برادرتان جایی را باز کنید، آیا این نوعی ستم در حق شماست؟

۷ ﴿يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ﴾

حرف «لام» در ﴿ٱلْعِلْمَ﴾ برای استغراق نیست، بلکه «لام» عهد است؛ یعنی علمی که الله پیامبرش را با آن مبعوث کرد. و از آن‌جا که این علم به آنان داده شده، پیروی از این افراد واجب است. ابن قیم: ۳/ ۱۴۳.

پرسش: آیهٔ فوق چگونه بیانگر ضرورت پیروی از علما است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ	به تو می‌گویند: السّامُ علیکم؛ یعنی مرگ بر تو باد.
لَوْلَا	چرا؟
حَسْبُهُمْ	برای‌شان کافی است.
ٱلْمَصِيرُ	بازگشتگاه و سرانجام.
إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ	سخن‌گفتنِ سرّی به گناه و ستم.
تَفَسَّحُوا۟	در مجالس برای یکدیگر جا باز کنید.
ٱنشُزُوا۟	از مجالس‌تان برای امری که برای‌تان خیر دارد برخیزید.

عمل به آیات

۱. با انسان مسلمانی بنشین و با او درباره موضوعی که بر ایمانت بیفزاید، سخن بگو و با یکدیگر در مورد نیکی و تقوا گفتگو کنید، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾

۲. نسبت به مؤمنان، خوش‌گمان باش، که سخن درگوشی برخاسته از بدگمانی است، ﴿إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟﴾

۳. در حلقه یا مجلس و کلاس درس، برای برادرت جایی را باز کن تا الله برای تو جای دهد و آسان گیرد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ﴾

رهنمودها

۱. به شمول و فراوانی علم و آگاهی الله دقت کن و به این‌که هیچ‌چیزی بر او پنهان نمی‌ماند، ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ﴾

۲. هر گاه غم و اندوهی به تو دست داد، بدان که از طرف شیطان است؛ زیرا او می‌خواهد که حزن و اندوه را بر قلب تو بیندازد، ﴿إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟﴾

۳. یکی از راه‌های درمان اندوه و غم، توکل بر الله است، ﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ﴾

سورة (المجادلة) الجزء (٢٨) صفحة (٥٤٤)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ
صَدَقَةٗۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ
١٢ ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ
وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٣ ۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ
قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ
وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ١٥ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ
عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٦ لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ
شَيۡـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٧ يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ
ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ
عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٨ ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ
هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ
٢٠ كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا	منافقان که یهودیان را به دوستی گرفتند و با آنان دوستی کردند.
جُنَّةٗ	سپری برای‌شان در برابر قتل.
وَيَحۡسَبُونَ	اعتقاد دارند.
ٱسۡتَحۡوَذَ	غالب و چیره شده است.
يُحَآدُّونَ	مخالفت و دشمنی می‌کنند.
ٱلۡأَذَلِّينَ	خوار و مغلوب و تحقیرشدگان.
لَأَغۡلِبَنَّ	قطعاً پیروز می‌شوم.

عمل به آیات

۱. برای استاد و معلمت که در آموزش به تو صبور و بردبار است، دعا کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗ﴾

۲. پیش از خوردن و خواب و بعد از آن‌ها، ذکر الله را به جای آور، ﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِ﴾

۳. برای ادای نمازها به جماعت تلاش کن؛ به‌ویژه نماز صبح و عصر، ﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِ﴾

رهنمودها

۱. برای پیروی از پیامبر ﷺ تلاش کن، ﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾

۲. منافقان از لشکر شیطان هستند، پس از آنان و صفات‌شان برحذر باش، ﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ﴾

۳. برخی از ویژگی‌های لشکر شیطان، دروغ، نفاق و بغض و کینه نسبت به صحابه است، ﴿أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ﴾

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که می‌خواهید با رسول الله نجوا کنید، پیش از نجوایتان، صدقه‌ای [در راه الله] بدهید. این [کار،] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. اما اگر چیزی نیافتید، بی‌گمان، الله آمرزندۀ مهربان است. (۱۲) آیا [از فقر] ترسیدید که پیش از نجوایتان صدقاتی دهید؟ حال که چنین نکردید و الله از شما درگذشت، پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید، و از الله و پیامبرش اطاعت کنید؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۳) [ای پیامبر،] آیا ندیدی کسانی [=منافقان] را که با قومی دوستی کردند که الله بر آنان خشم [و غضب] کرده است؛ آنها [=منافقان] نه از شما هستند و نه از آنان [= یهود]؛ و به دروغ سوگند یاد می‌کنند [که مسلمانند]، در حالی که خود می‌دانند [که منافقند]. (۱۴) الله عذاب سختی برای آنها آماده کرده است؛ چرا که بی‌گمان، اعمال بدی انجام می‌دادند. (۱۵) آنها سوگندهای خود را سپر [بلا] قرار دادند و [مردم را] از راهِ الله بازداشتند؛ پس عذاب خفت‌باری [در پیش] دارند. (۱۶) هرگز اموال و فرزندانشان چیزی از عذاب الله را از آنها دفع نخواهد کرد. آنها اهل [آتش] دوزخند و جاودانه در آن می‌مانند. (۱۷) روزی که الله همگی آنها را برمی‌انگیزد، آنگاه آنها برای او [نیز] سوگند یاد می‌کنند، همان‌گونه که [امروز در دنیا] برای شما سوگند یاد می‌کنند و گمان می‌کنند که بر چیزی [سودمند] هستند. آگاه باشید [و بدانید] که آنها دروغگویانند. (۱۸) شیطان بر آنها چیره شده و یاد الله را از خاطرشان برده است. آنها حزب شیطان هستند؛ و آگاه باشید [و بدانید] که حزب شیطان زیانکارانند. (۱۹) بی‌گمان، کسانی که با الله و پیامبرش مخالفت [و دشمنی] می‌کنند، در زمرۀ خوارترین [افراد]ند. (۲۰) الله مقرر داشته است که «یقیناً من و رسولانم پیروز می‌شویم». بی‌گمان، الله نیرومندِ شکست‌ناپذیر است. (۲۱)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

به جای این‌که بگوید: نماز بخوانید، فرمود: نماز را بر پای دارید؛ زیرا هدفش تلاش برای رعایت و انجام کامل حقوق نماز است و فقط خواندن نماز مورد نظر نبوده است. آلوسی: ۱۴/ ۲۲۵.

پرسش: چرا فرمود: نماز را بر پای دارید و نفرمود: نماز بخوانید؟

۲ ﴿فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾

این دو عبادت، اصل و مادر تمامی عبادات بدنی و مالی است؛ پس کسی که آن دو را به صورت شرعی انجام دهد، قطعا حقوق الله و حقوق بندگانش را رعایت می‌کند. سعدی: ۸۴۷.

پرسش: چرا از میان عبادت‌ها، دو عبادت مذکور بیان گردید؟

۳ ﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ﴾... مهم در این زمینه، اخلاص و احسان است و به همین سبب، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾. بنابراین الله از اعمال‌شان باخبر است و می‌داند که به چه شکلی انجام می‌شود و در نتیجه، آنان را بر اساس آگاهی خود از آن‌چه در دل‌های‌شان است، جزا و پاداش می‌دهد. سعدی: ۸۴۷.

پرسش: چرا پس از فرمان‌دادن به اطاعت از الله و رسول، بیان شد که او تعالی به آن‌چه انجام می‌دهیم، آگاه است؟

۴ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ﴾

قشیری می‌گوید: هر کس با فردی که مورد خشم و غضب کسی قرار گرفته است، همراه و موافق شود، خودش را در معرض خشم و غضب آن فرد قرار می‌دهد؛ پس هر کس با فردی که از جانب الله مورد خشم و غضب است، همراه و دوست شود، الله بر وی خشم می‌گیرد و برای بدبختی چنین فردی، همین کافی است که خوار و پست و محروم گردد. بقاعی: ۱۹/ ۳۸۷.

پرسش: دوستی با کسانی که مورد خشم الله قرار گرفته‌اند، چه خطر و زیانی دارد؟

۵ ﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ﴾

هر کس بر یک صفت و رفتاری زندگی کند، با همان صفت و ویژگی می‌میرد؛ بنابراین منافقان که در دنیا، برای مؤمنان قسم می‌خوردند که ایمان دارند، در روز قیامت که الله تمامی آنان را زنده می‌کند، برای الله نیز قسم یاد می‌کنند و گمان می‌کنند که دلیل و مدرکی دارند؛ زیرا کفر، نفاق و اعتقادات باطل‌شان به مرور در ذهن‌شان رسوخ کرده و آنان را فریب داده است و گمان می‌کنند که اعمال با ارزش و قابل اعتمادی دارند و بر اساس آن‌ها پاداش می‌گیرند. سعدی: ۸۴۸.

پرسش: حالت منافقان در دنیا و آخرت، چه شباهتی با هم دارد؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ﴾

از آن‌جا که این کار را به سبب فراوانی حامیان و پیروان‌شان انجام می‌دادند و کسانی که آنان را می‌دیدند گمان می‌کردند که این افراد، قوی و غالب و از همه برترند، الله تعالی در رد و انکار این فریب آشکار فرمود: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ﴾: آن افراد، ﴿فِي ٱلۡأَذَلِّينَ﴾: خوارترین و پست‌ترین مخلوقاتند... حسن می‌گوید: گناهی که در دل‌های‌شان است، بسیار پست و بد است هر چند به ظاهر سر و صدای‌شان زیاد باشد و در رفاه و آسایش باشند. بقاعی: ۱۹/ ۳۹۵.

پرسش: با توجه به آیه، گناه چه تاثیری بر دل می‌گذارد؟

۷ ﴿كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ﴾

زجاج می‌گوید: غلبه و پیروزی پیامبران بر دو نوع است: کسی که برای جنگ و نبرد فرستاده شده است، با جنگ پیروز است و هر کس که فرمان مبارزه و جنگ به وی داده نشده است، با دلیل و برهان پیروز است. بغوی: ۴/ ۳۴۹.

پرسش: پیامبران الهی چگونه بر تکذیب‌کنندگان‌شان پیروز می‌شوند و کدام یک از پیامبران را قوم‌شان کشتند؟

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] هیچ قومی را نمی‌یابی که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشند [و در عین حال،] با کسانی که با الله و رسولش [دشمنی و] مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند؛ اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. آنها کسانی هستند که [الله] ایمان را در [صفحۀ] دل‌هایشان نوشته است و به روحی از جانب خود، آنها را تقویت [و تأیید] نموده است؛ و آنها را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. الله از آنها راضی است و آنها [نیز] از الله راضیَند. آنها حزبِ الله هستند. آگاه باشید! بی‌تردید، حزبِ الله رستگارند. (۲۲)

سورۀ حشر

به نام الله بخشندۀ مهربان

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای الله تسبیح می‌گویند؛ و او پیروزمندِ حکیم است. (۱) اوست که کسانی از اهل کتاب [= بنی نضیر] را که کافر شدند، با نخستین برخورد [و گردآوریِ لشکر] از دیارشان [به سوی شام] بیرون راند. گمان نمی‌کردید که آنها خارج شوند، و خودشان [نیز] گمان می‌کردند که دژهای [محکم]شان آنها را از [عذاب] الله مانع می‌شود؛ اما [عذاب] الله از جایی که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند، [به گونه‌ای که] خانه‌های خود را با دست خود و با دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس ای صاحبان بینش، عبرت گیرید. (۲) و اگر الله ترک وطن [و آوارگی] را بر آنان مقرر نداشته بود، یقیناً آنان را در [همین] دنیا عذاب می‌کرد و در آخرت، عذاب آتش [جهنم] برایشان است. (۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ﴾

یعنی این و آن با هم جمع نمی‌شود؛ در صورتی بنده، ایمان واقعی به الله و روز آخرت دارد که بر اساس ایمان و لوازم آن عمل کند؛ همچون محبت و دوستی با مؤمنان و خشم و دشمنی علیه کسانی که ایمان ندارند. سعدی: ۸۴۸.

پرسش: ایمان به الله و روز آخرت چه رابطه‌ای با دشمنی علیه مخالفان الله و پیامبرش دارد؟

۲ ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ﴾

الله سبحانه خبر داد که هرگز مؤمنی را نمی‌یابی که با دشمنان الله و رسولش دوستی و محبت کند؛ زیرا ایمان منافات با این نوع دوستی دارد، همان‌گونه که دو شیء متضاد با هم منافات دارند؛ پس هر گاه ایمان وجود داشته باشد، ضد آن؛ یعنی دوستی با دشمنان الله منتفی است، بنابراین اگر انسان قلبا با دشمنان الله دوستی ورزد، نشان دهندۀ آن است که ایمان واجب در دلش وجود ندارد. ابن تیمیه: ۶/ ۲۵۷.

پرسش: چرا الله هنگامی که دوستی با دشمنان الله و رسول را از آنان نفی کرد، آن‌ها را توصیف به ایمان نمود؟

۳ ﴿رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ﴾

در عبارت ﴿رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ﴾، نکته بدیع و شگفت‌انگیزی نهفته است؛ یعنی وقتی آنان برای رضایت الله، بر خویشاوندان و نزدیکان‌شان خشم گرفتند، الله تعالی در عوض، از آنان راضی شد و آن‌ها نیز با نعمت دائمی و فضل بی‌شماری که الله به آنان داد، از او تعالی خشنود گشتند. ابن کثیر: ۴/ ۳۲.

پرسش: بر اساس آیه، دلیل رضایت الله از مؤمنان و خشنودی آنان را بیان کنید.

۴ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

﴿أُوْلَٰٓئِكَ﴾: یعنی کسانی که از لحاظ بزرگی در مرتبه بالایی قرار دارند؛ چون فقط با الله دوست شدند و محبت ورزیدند و می‌دانستند که منفعت و ضرر فقط به دست اوست. بقاعی: ۱۹/ ۴۰۰.

پرسش: نشانۀ حزب و گروه واقعی الله چیست؟

۵ ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِ﴾

بر غیر الله اعتماد نکنید، چنان‌که این افراد بر منافقان اعتماد کردند؛ زیرا هر کس بر مخلوق اعتماد نماید، خوار و ذلیل می‌گردد. بقاعی: ۱۹/ ۴۱۱.

پرسش: جزای کسی که به جای اعتماد بر الله، بر مخلوق تکیه کند، چیست؟

۶ ﴿وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْ﴾

قلعه‌ها و دژهای‌شان آنان را مغرور کرد و گمان نمودند که هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن‌ها مسلط شود... به این قلعه‌ها اعتماد کردند و هر کس به غیر الله تکیه کند، خوار می‌گردد و اعتمادش باعث خسران و زیانش می‌شود. سعدی: ۸۴۹.

پرسش: در این آیه، انسان تشویق به توکل بر الله و اعتمادنکردن به اسباب شده است، این موضوع را توضیح دهید.

۷ ﴿يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾

یعنی در سرانجامِ کسی که با دستورات الله و رسولش مخالفت کند و قرآن را تکذیب نماید، بیندیشید که چگونه در دنیا گرفتار خواری و مصیبت می‌شود، علاوه بر عذاب دردناکی که در آخرت، برای وی در نظر گرفته شده است! ابن کثیر: ۴/ ۳۳۱.

پرسش: از ماجرای بنی‌نضیر، چه پند و اندرزی گرفته می‌شود؟

لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ
أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم
بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ
خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ
ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٢٢

سُورَةُ الحَشۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ
١ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ
لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِۚ مَا ظَنَنتُمۡ أَن يَخۡرُجُواْۖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ
حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْۖ وَقَذَفَ
فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَۚ يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ٢ وَلَوۡلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُوَآدُّونَ	دوست دارند.
حَآدَّ	دشمنی می‌کند.
عَشِيرَتَهُمۡ	خویشاوندان‌شان.
وَأَيَّدَهُم	آنان را تقویت کرد.
بِرُوحٖ مِّنۡهُ	با کمک و تاییدی از جانب خود.
لَمۡ يَحۡتَسِبُواْ	هرگز به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد.
وَقَذَفَ	افکند.

عمل به آیات

۱. بگو: یا الله! من رضایت و بهشتت را از تو می‌خواهم، ﴿رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ﴾

۲. از الله بخواه که تو، پدر و مادر، برادران و خویشاوندانت را هدایت کند، ﴿وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ البَلاَءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ القَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الأَعْدَاءِ» [صحیح بخاری: ۶۳۴۷ و ۶۶۱۶؛ صحیح مسلم: ۲۷۰۷] «یا الله! من از سختی مصیبت، از این‌که بدبخت شوم، از تقدیر و سرنوشت بد، و از خوشحال‌شدن دشمنان، به تو پناه می‌برم»، ﴿يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. تلاش کن که برادری و محبتت برای الله و نه منافع دنیوی باشد، ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ﴾

۲. دشمنی علیه کسی که با الله و رسولش مخالفت کند هر چند نزدیک‌ترین خویشاوند باشد، ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ﴾

۳. هیچ‌کس نمی‌تواند بر امر و خواسته الله چیره شود، هر چند بسیار قوی باشد، ﴿أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

سورة (الحشر) الجزء (٢٨) صفحة (٥٤٦)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ
ٱلْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ
أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيُخْزِىَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ
عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْهُمْ فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ
دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ ۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ
وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ
﴿٧﴾ لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ
أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلْإِيمَٰنَ مِن
قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ
حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا۟ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ
وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لِّينَةٍ	درخت خرما یا نوعی درخت خرما.
وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ	آن‌چه از اموال بنونضیر که الله به رسولش بازگرداند. فیء: آن دسته از اموال کفار که به حق و بدون قتال گرفته می‌شود. غنیمت: اموالی است که از طریق قتال از آنان گرفته می‌شود.
فَمَآ أَوْجَفْتُمْ	برای تحصیل آن، سواری نتاختید.
رِكَابٍ	شتر سواری.
دُولَةً	قدرتی که دست به دست می‌چرخد.
تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ	در مدینه وطن گزیدند.

عمل به آیات

۱. هدیه‌ای به کسی که تازه مسلمان شده است یا به دانشجویی که از سرزمینش دور است، تقدیم کن، ﴿يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾

۲. افطار امروزت را به یکی از فقیران ببخش تا به آن‌چه نزد الله است، دست یابی، ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾

۳. بگو: یا الله! مرا از بخل نفسم حفاظت کن، ﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. پایبندی به آن‌چه سنتِ نبوی دستور انجام آن را داده و دوری از آن‌چه نهی کرده است، ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟﴾

۲. بسا اوقات صداقت نیاز به جان‌فشانی دارد، ﴿لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ﴾

۳. کسی که از بخل نفسش نجات یابد، از رستگاران است، ﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾

ترجمه آیات

این [آوارگی و عذاب،] به خاطر آن است که آنها با الله و پیامبرش مخالفت [و دشمنی] کردند؛ و هر کس با الله مخالفت [و دشمنی] کند، بی‌گمان، الله سخت‌کیفر است. (۴) هر درخت خرمایی که بریدید و یا آن را ایستاده بر ریشه‌اش باقی گذاشتید، به فرمان الله بود، تا [الله،] فاسقان را خوار [و رسوا] سازد. (۵) و آنچه الله از [اموال] آنها [= بنی نضیر] به پیامبرش بازگردانده [و بخشیده] است، نه اسبی برای آن [اموال] تاختید و نه شتری؛ ولی الله رسولانش را بر هر کس که بخواهد، چیره می‌گرداند؛ و الله بر همه چیز تواناست. (۶) و آنچه الله از [اموالِ] اهل آبادی‌ها [بدون پیکار] به پیامبرش بازگردانده [و بخشیده] است، از آنِ الله و رسول و خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است. تا [این اموال،] در میان ثروتمندانِ شما دست به دست نشود؛ و آنچه که رسول الله به شما داد، بگیرید و از آنچه که شما را از آن نهی کرد دست بردارید؛ و از الله پروا کنید که الله سخت‌کیفر است. (۷) [بخشی از این اموال،] برای فقرای مهاجری است که از خانه و اموالشان بیرون رانده شدند، [همان کسانی که] فضل و رضامندی الله را می‌طلبند و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند. آنها راستگویانند. (۸) و [نیز انصار، همان] کسانی که پیش از آنان، [در مدینه] وطن گزیده و ایمان آورده‌اند، افرادی را که به سویشان هجرت می‌کنند دوست دارند، و در دل‌های خود، از آنچه [به مهاجران] داده شده احساس حسادت نمی‌کنند، و آنان را بر خود مقدّم می‌دارند، حتی اگر خود [سخت] نیازمند باشند؛ و کسانی که از بُخل [و حرصِ] نفسِ خویش در امان بمانند [و در راه الله انفاق کنند]، آنان رستگارند. (۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ﴾

﴿وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ﴾: فقط از دشمنی با الله نام برد، زیرا خصومت با الله، دشمنی با رسولش است. شوکانی: ۵/ ۱۹۶.

پرسش: چرا در آخر آیه، از دشمنی آنان با الله نام برد و به مانند عبارت قبلی، از خصومت آنان با پیامبر ﷺ سخن نگفت؟

۲ ﴿كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ﴾

تا این‌که این اموال ... میان رئیسان و قدرتمندان دست به دست نشود و در نتیجه، بر فقیران و ضعیفان مسلط شوند؛ زیرا در دوران جاهلیت، وقتی غنیمتی می‌گرفتند، رئیس یک چهارم آن را برای خودش برمی‌داشت؛ که به آن «مرباع» می‌گفتند ... بنابراین الله این حق را به پیامبرش داد تا مال غنیمت را بر اساس فرمان او تعالی، تقسیم کند. بغوی: ۴/ ۳۵۷.

پرسش: منظور از عبارت ﴿كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ﴾ چیست؟

۳ ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟﴾

هدف از این پیوست، دفع گمان برخی از لشکریان بود که می‌پنداشتند از غنیمتی که الله از سرزمین نضیر به پیامبرش بخشیده بود، محروم شده‌اند و بدین سبب خشمگین بودند. ابن عاشور: ۲۸/ ۸۶.

پرسش: چرا بیان احکام غنیمت، با این جملهٔ زیبا و پرمعنا به پایان رسید؟

۴ ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا۟ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾

الله فرمود که آنان با وجود نیازشان، آن‌چه دارند را به دیگران می‌بخشند و از نعمتی که به برادران‌شان داده شده است، ناراحت نمی‌شوند، که ضد صفت اولی، بخل و ضد دومی، حسادت است. به همین سبب، بخل و حسادت از یک نوع است؛ زیرا حسود بخشش دیگران را نمی‌پسندد که به فردی برسد و بخیل دوست ندارد که آن‌چه دارد را به دیگران بدهد. ابن تیمیه: ۶/ ۲۷۲.

پرسش: در آیه فوق، دو صفت و ویژگی مهم از مؤمنان بیان شده است، آن دو ویژگی را بنویسید.

۵ ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾

منظور آیه، اموال دنیوی و نه اوقات و فرصت‌هایی است که به عبادت می‌گذرد؛ زیرا بخل‌ورزیدن در این مورد، نشانهٔ سعادت و رستگاری است؛ زیرا اگر انسان وقتش را غنیمت نشمارد و بیهوده بگذراند، مردم وی را دست خالی و زیاندیده رها می‌کنند. بنابراین اهمیت‌دادن به وقت و هدرندادن آن و بخل‌ورزیدن در این باره، سبب اصلاح دل و حفظ منافع است، و الله تعالی دستور داده است که در کارهای نیک از همدیگر سبقت بگیریم و در این زمینه شتاب کنیم، که این ضد ایثار و از خودگذشتگی است. ابن قیم: ۳/ ۱۴۶.

پرسش: ایثار و از خود گذشتگی در چه صورتی پسندیده است؟ بخل در چه صورتی پسندیده است؟

۶ ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾

این مرتبه و مقام، بالاتر از درجه کسانی است که الله درباره آنان فرموده است: ﴿وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ﴾ [الإنسان: ۸]؛ «و غذا را با این‌که (نیاز و) دوست دارند، می‌بخشند.» ﴿وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ﴾ [البقرة: ۱۷۷]؛ «و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش بدهد.»؛ زیرا این افراد صدقه دادند در حالی که آن‌چه را که انفاق کردند دوست داشتند اما به آن محتاج نبودند، اما آنان با وجود نیاز و ضرورت، دیگران را بر خود ترجیح دادند. ابن کثیر: ۴/ ۳۳۸.

پرسش: کدام یک بهتر است: کسی که دیگران را بر خود ترجیح می‌دهد؟ یا فردی که مالش را دوست دارد و می‌بخشد؟

۷ ﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾

وقتی بنده بُخلِ نفسش را کنترل کند، به خود اجازه می‌دهد که دستورات الله و رسولش را اجرا نماید، بنابراین عملش از روی اراده و میل و اختیار کامل است، و نیز ممنوعات را با کمال میل و رضایت ترک می‌کند هر چند گرایش به آن‌ها داشته باشد. همچنین از روی میل، اموالش را در راه الله و کسب رضایت او می‌بخشد و در نتیجه، به سعادت و رستگاری می‌رسد. سعدی: ۸۵۱.

پرسش: کنترل بخل نفس چگونه منجر به رستگاری می‌شود؟

ترجمه آیات

و [نیز] کسانی که پس از آنها [= مهاجران و انصار] آمده‌اند، می‌گویند: «پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده. پروردگارا، بی‌گمان، تو دلسوزِ مهربانی». (۱۰) آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران اهل کتابشان که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اگر شما را [از سرزمینتان] بیرون کنند، ما [نیز] با شما بیرون خواهیم آمد و هرگز [سخن] کسی را در مورد شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما جنگ شود، البته یاری‌تان خواهیم کرد»؟ الله گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند. (۱۱) اگر آنها [= یهود] [از وطنشان] اخراج شوند، اینان [=منافقان] همراه آنان بیرون نمی‌روند؛ و اگر با آنها جنگ شود، یاری‌شان نخواهند کرد؛ و اگر [هم] یاری‌شان کنند، قطعاً پشت [به میدان] کرده و فرار می‌کنند، و دیگر یاری نمی‌شوند. (۱۲) [ای مؤمنان،] شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از الله مایهٔ هراسید؛ زیرا آنان مردمانی هستند که نمی‌فهمند. (۱۳) آنها [= یهود] هرگز دسته‌جمعی با شما نمی‌جنگند، مگر در روستاها [و دژهای] محکم یا از پشت دیوارها. جنگشان در میان خودشان سخت است. تو آنها را متحد می‌پنداری؛ در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ زیرا آنها قومی هستند که نمی‌اندیشند. (۱۴) [داستان این یهودیان،] مانند [داستان] کسانی است که اندکی پیش از آنان بودند [و در واقعهٔ بدر،] سزایِ کار [بدِ] خود را چشیدند؛ و عذابِ دردناکی برایشان [در پیش] است. (۱۵) [داستان منافقان با یهودیان] همچون [داستان] شیطان است، هنگامی که به انسان گفت: «کافر شو»؛ اما هنگامی که کافر شد، [به او] گفت: «من از تو بیزارم؛ [چرا که] من از الله ـ پروردگار جهانیان ـ می‌ترسم». (۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

بنابر قولی: یعنی کسانی که پس از صحابه آمدند؛ تابعان و پیروان‌شان تا روز قیامت. امام مالک بر این باور بوده و می‌گوید: هر کس سخن ناروایی درباره صحابه بگوید، هیچ سهمی در غنیمت ندارد؛ چون الله در توصیف کسانی که پس از صحابه آمدند، فرمود: ﴿يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾، پس کسی که خلاف این را بر زبان آورد، از افرادی که الله آنان را توصیف کرد، به شمار نمی‌رود. ابن جزی: ۲/ ۴۳۰.

پرسش: چگونه امام مالک از این آیه برداشت کرد که هر کس سخن ناروایی در مورد صحابه بگوید، سهمی از غنیمت ندارد؟

۲ ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾

از فضایل ایمان است که مؤمنان از یکدیگر فایده می‌برند، برای همدیگر دعا می‌کنند؛ چون در ایمان مشترکند و ایمان پیمان برادری را میان آنان به وجود می‌آورد، و یکی از مواردش، دعا برای یکدیگر است. سعدی: ۸۵۲.

پرسش: یکی از فضایل ایمان را که آیه فوق بیانگر آن است، بنویسید.

۳ ﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ﴾

نشانهٔ کمال عقل و خرد این است که ترس از آفریدگار و امید و محبت به او مُقدّم بر غیرش باشد و غیر آن تابعش گردد. سعدی: ۸۵۲.

پرسش: نشانهٔ خرد و فهم بنده چیست؟

۴ ﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِ﴾

الله تعالی فرمود که بیم و ترس در دل‌های‌شان وجود دارد؛ تا اشاره کند که این ترس پنهان است و آنان در ظاهر آمادگی خود را برای جنگ علیه مسلمانان اعلام می‌کنند و اظهار دلیری می‌نمایند تا مسلمانان از آن‌ها بترسند، ولی در حقیقت این‌گونه نیستند و چنین قدرتی ندارند. بنابراین الله پیامبرش را از آن‌چه در دل‌های آنان بود، باخبر کرد. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۰۳.

پرسش: چرا بیان شد که بیم و ترس در دل‌های‌شان است؟ این توصیف چه فایده و نتیجه‌ای برای مسلمانان دارد؟

۵ ﴿بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰ﴾

قشیری می‌گوید: اجتماع انسان‌ها با نفرت و اختلاف دل‌ها اصل و ریشه هر فسادی است و منجر به خواری مسلمانان و جسارت و جرأت دشمنان می‌شود، ولی هماهنگی و وحدت دل‌ها و همسانی در تلاش و مقصد منجر به پیروزی و سعادت می‌گردد. بقاعی: ۱۹/ ۴۵۲.

پرسش: نفرت و اختلاف دل‌ها چه خطر و زیانی دارد؟

۶ ﴿بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ﴾

هیچ کیش و آیینی ندارند که آنان را به هم جمع کنند؛ چون می‌دانند که بر باطل هستند؛ بنابراین آنان اسیر تمایلات هستند و تمایلات بی‌نهایت با هم متفاوتند و اختلاف دارند. پس عقل و خرد محورِ توافق و هماهنگی، و تمایلاتِ نفسانی محورِ اختلاف است. بقاعی: ۱۹/ ۴۵۳.

پرسش: این‌که یهودیان توصیف به بی‌خردی شدند، بیانگر چه مطلبی است؟

۷ ﴿بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ﴾

این آیه مسلمانان را راهنمایی می‌کند که از اختلاف و بریدن از همدیگر، برحذر باشند و بدانند که در صورتی امت اسلامی بر دشمنان‌شان پیروز می‌شوند و قدرت می‌گیرند که دل‌های‌شان با هم باشد. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۰۶.

پرسش: آیه فوق اشاره به اهمیت وحدت و اختلاف‌نکردن در رویارویی با دشمن دارد، این موضوع را توضیح دهید.

سورة (الحشر) الجزء (٢٨) صفحة (٥٤٧)

وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا
ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ
ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠ ۞ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ
لَئِنۡ أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا
وَإِن قُوتِلۡتُمۡ لَنَنصُرَنَّكُمۡ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ
١١ لَئِنۡ أُخۡرِجُواْ لَا يَخۡرُجُونَ مَعَهُمۡ وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمۡ
وَلَئِن نَّصَرُوهُمۡ لَيُوَلُّنَّ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١٢ لَأَنتُمۡ
أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ
لَّا يَفۡقَهُونَ ١٣ لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ
أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭۚ بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا
وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ ١٤ كَمَثَلِ
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَرِيبٗاۖ ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
أَلِيمٞ ١٥ كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا
كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
غِلّٗا	حسد و کینه.
لِإِخۡوَٰنِهِمُ	یهود بنی‌نضیر.
جُدُرِۭ	دیوارها.
بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ	دشمنی آنان میان یکدیگر.
شَتَّىٰ	پراکنده.
وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ	سرانجامِ بدِ کفرشان.
كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ	مثال منافقان در وعده‌دادن یاری به یهود و یاری‌نکردن آنان مانند مثال شیطان است.

عمل به آیات

۱. این‌گونه دعا کن: ﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

۲. از شر شیطان و وسوسه‌هایش، به الله پناه ببر، ﴿كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

۳. با توجه به آیات مذکور، سه مورد از صفات منافقان را نام ببر.

رهنمودها

۱. تلاش برای پاک‌کردن دل از کینه و دشمنی با مؤمنان، ﴿وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

۲. ترس و بزدلی ویژگی همیشگی یهودیان است، ﴿لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭ﴾

۳. ترس از مخلوقات که بیشتر از ترس از خالق شود، نشانهٔ بی‌خردی است، ﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ﴾

سورة (الحشر) الجزء (۲۸) صفحة (۵۴۸)

فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ
مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨﴾
وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسۡتَوِيٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصۡحَٰبُ
ٱلۡجَنَّةِۚ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ
ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ
﴿٢١﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ
هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ
ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ
ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ ٱللَّهُ
ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ
لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

سُورَةُ المُمتَحنَةِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَلۡتَنظُرۡ	باید بیندیشد.
فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡ	به‌گونه‌ای که از نصیب خویش در آخرت غافل شدند.
مُّتَصَدِّعٗا	پاره پاره.
وَٱلشَّهَٰدَةِ	دانای هر آشکارشده و حاضری است.
ٱلۡمُؤۡمِنُ	تصدیق‌کنندهٔ رسولانش با معجزات و نشانه‌های روشن.

عمل به آیات

۱. به اعمالی که در هفته گذشته انجام دادی، بیندیش، سه مورد از عباداتی را که ادا کردی، به یاد آور و الله را به سبب آن‌ها شکر کن، سپس سه تا از اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ای، به یاد آور و از الله آمرزش بخواه، ﴿وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ﴾

۲. تلاش کن که امروز، دعاهای ورود به منزل و خروج از آن را بر زبان آوری، ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

۳. با بیان نام‌های نیکی که در این سوره آمده است، الله تعالی را بخوان، ﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ﴾

رهنمودها

۱. همواره روز آخرت را به یاد آور و آن را فراموش نکن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ﴾

۲. انگیزه‌ها و عوامل تقوا بسیار است؛ همچون یادآوری آخرت و احساس و درک عظمت الله، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ﴾

۳. تلاش کن که هنگام تلاوت قرآن کریم، خاشع باشی، ﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِ﴾

ترجمه آیات

سرانجامِ [کار] آنها این شد که آنها هر دو در آتش [دوزخ] خواهند بود. جاودانه در آن می‌مانند و این است کیفرِ ستمکاران. (۱۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید؛ و هر کس باید بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است؛ و از الله بترسید. بی‌گمان، الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۸) و مانند کسانی نباشید که الله را فراموش کردند، و الله [نیز] آنان را دچار خودفراموشی ساخت. آنها [بدکار و] نافرمانند. (۱۹) هرگز اهل جهنم و اهل بهشت یکسان نیستند؛ اهل بهشت رستگارانند. (۲۰) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، یقیناً آن را از ترس الله خاکسار [و] از هم پاشیده می‌دیدی؛ و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که بیندیشند. (۲۱) او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشندهٔ مهربان است. (۲۲) او الله است که معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ [اوست] فرمانروا، منزّه، بی‌عیب و نقص، تصدیق‌کنندهٔ پیامبرانش، مراقب [اعمال بندگانش]، قدرتمندِ شکست‌ناپذیر، شکوهمند و شکست‌دهندهٔ مطلق، والامقام و شایستهٔ عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می‌آورند، پاک و منزّه است. (۲۳) او الله است: خالقِ هستی، آفریدگارِ آن از نیستی [و] شکل‌دهندهٔ مخلوقات؛ نام‌هایی نیک دارد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیحِ او را می‌گویند، و او قدرتمندِ شکست‌ناپذیر [و] حکیم است. (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ﴾

آوردنِ ﴿قَدَّمَتۡ﴾ با صیغه ماضی، تشویق به شتاب در عمل و عدمِ تاخیر می‌کند؛ زیرا انسان مالک آن چیزی است که در گذشته انجام داده است و هیچ اختیاری در آینده ندارد و نمی‌داند که چه اتفاقی خواهد افتاد: ﴿وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ﴾ [القمان: ۳۴]؛ «و هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه چیز به دست می‌آورد.» شنقیطی: ۸/ ۵۴.

پرسش: چرا ﴿قَدَّمَتۡ﴾ به صورت فعل ماضی بیان شد؟

۲ ﴿وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ﴾

این آیه شریفه دلیل بر این است که بنده باید خودش را مورد محاسبه قرار دهد و بسنجد؛ اگر لغزشی ببیند، با ترک آن و توبه خالصانه و دوری از اسبابی که منجر به آن می‌شود، دیگر مرتکب لغزش نشود و اگر بفهمد که در انجام یکی از دستورات الهی کوتاهی کرده است، تمام تلاشش را برای تکمیل و اجرای خوب آن به کار گیرد و از الله کمک بخواهد، فضل و احسانات الله بر خودش را با کوتاهی‌ها و لغزش‌هایش مقایسه کند؛ که قطعا این کار باعث شرمندگی وی خواهد شد. سعدی: ۸۵۳.

پرسش: در پرتو آیه مذکور، مطالبی را درباره محاسبه نفس بیان کنید.

۳ ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡ﴾

یعنی این‌که انسان از فواید عالی و اسباب سعادت و اصلاحش غافل می‌شود؛ به گونه‌ای که هرگز به ذهنش خطور نمی‌کند، آن‌ها را به یاد نمی‌آورد و در نتیجه، برای دستیابی به این موارد تلاش نمی‌کند؛ چون هرگز به ذهنش خطور نکرده است که به طرف آن‌ها برود. همچنین عیوب و نواقص و آفات نفسش را نمی‌بیند و برای برطرف‌کردن آن‌ها فکر نمی‌کند. ابن قیم: ۳/ ۱۴۷.

پرسش: چگونه بنده خودش را فراموش می‌کند؟

۴ ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

﴿فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ﴾: انگار که شنونده پرسیده است: این‌که الله آنان را از خودشان غافل می‌کند، چه تاثیری دارد؟ در پاسخ گفته شده است: بر اثر این کار، به اوج فسق و فجور می‌رسند، به طوری که می‌توان درباره آنان گفت: هیچ فسق و فجوری بدتر از فسق و پلیدی آنان وجود ندارد. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۱۴.

پرسش: این‌که الله تعالی آنان را از خودشان غافل کرده است، چه تاثیری دارد؟

۵ ﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِ﴾

تشویق بر تفکر و اندیشیدن در موعظه‌های قرآنی می‌کند و می‌فرماید که هیچ عذری برای نیندیشیدن وجود ندارد؛ زیرا اگر کوه‌ها با این قرآن پند و اندرز داده شوند و عقل داشته باشند، قطعا پند و عبرت می‌گیرند و با وجود استحکام‌شان، آن‌ها را از ترس الله، فروتن و شکافته‌شده می‌بینی. قرطبی: ۲۰/ ۳۸۸.

پرسش: آیا پس از این بیان، کسی عذری برای تفکرنکردن دارد؟

۶ ﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ﴾

برای یگانگی الله در الوهیت، دلیل می‌آورد که: ﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ﴾، در مواضع دیگری نیز بیان شده است که این دلیلی بر یگانگی الله تعالی است. شنقیطی: ۸/ ۶۸.

پرسش: دلیل این‌که الله در الوهیتش یگانه است، چیست؟

۷ ﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ﴾

پس از بیان صفات قبلی، صفت ﴿ٱلۡمُؤۡمِنُ﴾ را آورد تا با بیان صفت ﴿ٱلۡمَلِكُ﴾ گمان نشود که الله مانند پادشاهان دنیوی و دارای نواقص است. بنابراین صفتِ ﴿ٱلۡقُدُّوسُ﴾ ذات الله را منزه معرفی می‌کند، صفت ﴿ٱلۡمُؤۡمِنُ﴾ نشان می‌دهد که تصرفات پنهانی او تعالی از مکر و خیانت مبراست و صفت ﴿ٱلسَّلَٰمُ﴾ دلالت می‌کند که تصرفات ظاهری او از جور و ستم خالی است. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۲۱.

پرسش: چرا نام‌های ﴿ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ﴾، پس از نام ﴿ٱلۡمَلِكُ﴾ بیان شد؟

سورهٔ ممتحنه

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر برای جهاد در راه من و طلبِ رضایت من از [وطن خود] بیرون آمده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید که با آنها مهربانی کنید؛ و حال آنکه آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر و انکار ورزیده‌اند و پیامبر و شما را آواره کرده‌اند؛ چرا که به الله ـ پروردگارتان ـ ایمان دارید. شما پنهانی با آنها پیوند دوستی برقرار می‌کنید، در حالی که من به آنچه که پنهان می‌دارید و آنچه که آشکار می‌سازید داناترم؛ و هر کس از شما که چنین [کاری] کند، یقیناً راهِ راست را گم کرده است. (۱) اگر آنها بر شما دست یابند، دشمنانتان خواهند بود و به آزارتان دست و زبان می‌گشایند و دوست دارند که شما [نیز] کافر گردید. (۲) روز قیامت، خویشاوندانتان و فرزندانتان هرگز سودی به حالتان نخواهند داشت. الله در میان شما جدایی می‌اندازد و الله به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۳) یقیناً در [زندگیِ] ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشق خوبی برایتان وجود دارد؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه غیر از الله عبادت می‌کنید بیزاریم؛ به شما کافر شده‌ایم، و میان ما و شما دشمنی و کینهٔ همیشگی پدید آمده است، تا وقتی که به الله یگانه ایمان آورید»؛ مگر این سخن ابراهیم [که قابل پیروی نیست، آنگاه] که به پدرش [آزر] گفت: «من برایت آمرزش طلب می‌کنم و در برابر الله برای تو اختیارِ چیزی را ندارم». پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو روی آوردیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (۴) پروردگارا، ما را دستخوشِ [فتنهٔ] کافران قرار مده و ما را بیامرز ای پروردگار ما؛ همانا تو پیروزمندِ حکیمی». (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ﴾

وقتی دوستی و مودت به وجود آید، به تبع آن، یاری و همکاری هم حاصل می‌شود و بنابراین بنده از دایره ایمان خارج می‌گردد و از کافران می‌شود و دیگر فردی از اهل ایمان نیست. سعدی: ۸۵۵.

پرسش: چرا از دوستی و مودت با کافران نهی شده است؟

۲ ﴿وَأَنَا۠ أَعۡلَمُ بِمَآ أَخۡفَيۡتُمۡ وَمَآ أَعۡلَنتُمۡ﴾

پس اسرارتان چه فایده‌ای دارد وقتی که می‌دانید من نسبت به آن‌ها آگاهم؟! و اگر گمان می‌کنید که من آن‌ها را نمی‌دانم، قطعا این گمان باطل است. بقاعی: ۱۹/ ۴۸۸.

پرسش: فایده خبردادن از این‌که الله نهان و آشکار را می‌داند، چیست؟

۳ ﴿إِن يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ﴾

مؤمنان دین را از جان‌های‌شان بیشتر دوست دارند؛ زیرا جان‌شان را برای آن فدا می‌کنند، و مهم‌ترین چیزی که مد نظر دشمن است، آن چیزی است که از دیدگاه صاحبش بسیار با ارزش و مهم است. آلوسی: ۱۴/ ۲۶۳.

پرسش: مؤمنان چه چیزی را بسیار با ارزش و مهم می‌دانند؟ مهم‌ترین چیز از دیدگاه کافران چیست؟

۴ ﴿لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

وقتی حاطب بهانه آورد که دارای فرزندان و خویشاوندانی میان آنان است، الله تعالی فرمود که خانواده و فرزند در روز قیامت هیچ فایده‌ای به انسان نمی‌رسانند در صورتی که به سبب آن‌ها، نافرمانی الله انجام شود. قرطبی: ۲۰/ ۴۰۲.

پرسش: آیا انسان مسلمان می‌تواند به سبب ترس بر خود، فرزندان یا اموالش، دشمنان را از عیوب و اسرار مسلمانان آگاه کند؟

۵ ﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ﴾

محبت و دشمنی برای رضایت الله، از محکم‌ترین ریسمان‌های ایمان است، بنابراین سزاوار است که آدمی از این دو غافل نباشد. آلوسی: ۱۴/ ۲۶۳.

پرسش: دو نمونه از محکم‌ترین ریسمان‌های ایمان را نام ببرید.

۶ ﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ﴾

یعنی مسلمانان تابع رضایت پیامبرشان باشند، چنان‌که پیروان ابراهیم عليه السلام این‌گونه بودند. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۴۳.

پرسش: اقتدا به ابراهیم عليه السلام و همراهانِ او، به چه معناست؟

۷ ﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾

یعنی آنان را به سبب گناهان ما، بر ما مسلط نکن که ما را به فتنه بیندازند... و نیز خودشان را به فتنه اندازند؛ زیرا وقتی ببینند که غالب و پیروزند، گمان می‌کنند که بر حق هستند و ما بر باطلیم و در نتیجه، بر کفر و تجاوزشان می‌افزایند. سعدی: ۸۵۶.

پرسش: چگونه مسلمان سبب فتنه کافر می‌گردد؟

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ
إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَقَدۡ كَفَرُواْ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلۡحَقِّ يُخۡرِجُونَ ٱلرَّسُولَ
وَإِيَّاكُمۡ أَن تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمۡ إِن كُنتُمۡ خَرَجۡتُمۡ جِهَٰدٗا فِي سَبِيلِي
وَٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِيۚ تُسِرُّونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعۡلَمُ بِمَآ أَخۡفَيۡتُمۡ
وَمَآ أَعۡلَنتُمۡۚ وَمَن يَفۡعَلۡهُ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١ إِن
يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم
بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ ٢ لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣ قَدۡ كَانَتۡ
لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا
بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا
وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ إِلَّا قَوۡلَ
إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسۡتَغۡفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمۡلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۖ
رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا
فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَوۡلِيَآءَ	برگزیدگان و دوستان.
تُلۡقُونَ	می‌رسانید.
يَثۡقَفُوكُمۡ	بر شما پیروز شوند.
وَيَبۡسُطُوٓاْ	دراز می‌کنند.
يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡ	میان فرمانبرداران و نافرمانان داوری می‌کند.
أُسۡوَةٌ	الگو.
أَنَبۡنَا	با توبه و طاعت بازگشتیم.
ٱلۡمَصِيرُ	بازگشتگاه.

عمل به آیات

۱. بگو: ﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴]؛ «پروردگارا! از همسران‌مان، و فرزندان‌مان مایهٔ روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده.»، ﴿لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡ﴾

۲. بگو: ﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

۳. این‌گونه دعا کن: ﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

رهنمودها

۱. برحذر بودن از مکر و نیرنگ و نقشه‌های کافران که می‌خواهند از این طریق، نسبت مسلمانان به اسلام را ضعیف کنند، ﴿إِن يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ﴾

۲. فرزندان و خویشاوندانت هیچ فایده‌ای به تو نمی‌رسانند در صورتی که دستور الله را به سبب آنان رها کنی، ﴿لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

۳. توکل بر الله و سپردن نتایج کارها به او تعالی، ﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

سورة (الممتحنة) الجزء (۲۸) صفحة (۵۵۰)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ ۚ
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ ۝٦ ۞ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً ۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٌ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
۝٧ لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم
مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ
۝٨ إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن
دِيَٰرِكُمْ وَظَٰهَرُوا۟ عَلَىٰٓ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٍ
فَٱمْتَحِنُوهُنَّ ۖ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّ ۖ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا
تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَءَاتُوهُم
مَّآ أَنفَقُوا۟ ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۚ
وَلَا تُمْسِكُوا۟ بِعِصَمِ ٱلْكَوَافِرِ وَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقُوا۟ ۚ
ذَٰلِكُمْ حُكْمُ ٱللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝١٠ وَإِن فَاتَكُمْ
شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْ إِلَى ٱلْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَـَٔاتُوا۟ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتْ
أَزْوَٰجُهُم مِّثْلَ مَآ أَنفَقُوا۟ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ۝١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ	امید به خیر از جانب الله دارد.
يَتَوَلَّ	از پیامبران پیروی نکند و با دشمنان الله دوستی کند.
ٱلْحَمِيدُ	در ذات و صفات و افعالش ستوده‌شده است.
وَتُقْسِطُوٓا۟	در مورد آنان عدالت را رعایت کنید.
وَظَٰهَرُوا۟	یاری کرده‌اند.
أَن تَوَلَّوْهُمْ	که به آنان یاری رسانند و با آنان دوستی برقرار کنند.
فَٱمْتَحِنُوهُنَّ	آنان را بیازمایید تا از راستی ایمان‌شان آگاه گردید.

عمل به آیات

۱. دعا کن که الله گمراهان و کافران را هدایت کند، ﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً ۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٌ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

۲. هدیه‌ای به انسان کافر بده تا دلش را به دست آوری، ﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ﴾

۳. مسلمانی را به یاد آور که در حق او اشتباه کرده‌ای، سپس از وی عذرخواهی کن یا برایش دعا کن، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ﴾

رهنمودها

۱. اهمیت الگو در زندگی انسان مسلمان، ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ﴾

۲. جواز معامله با کافر غیرِ حربی و نیکی به او، ﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ﴾

۳. رعایت عدل و داد با موافق و مخالف، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ﴾

ترجمه آیات

مسلماً در [زندگی] آنها [= ابراهیم و یارانش] سرمشق خوبی برای شماست، برای کسانی که به الله و روز قیامت امید دارند؛ و هر کس رویگردان شود [بداند که] الله بی‌نیازِ ستوده است. (۶) امید است که الله میان شما و کسانی [از مشرکان] که با آن‌ها دشمنی داشته‌اید [با اسلام آوردن‌شان، پیوند] دوستی [و محبت] برقرار کند؛ و الله تواناست؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است. (۷) الله شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در [امر] دین، با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند. بی‌گمان، الله عدالت‌پیشگان را دوست دارد. (۸) [او] تنها شما را از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در [امر] دین با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون کرده‌اند و بر بیرون راندنِ شما [به دیگران] کمک کرده‌اند؛ و هر کس با آنان دوستی کند، آنان همان ستمکارانند. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان مؤمنِ مهاجر نزد شما می‌آیند، آنها را بیازمایید [تا از صحت ایمانشان آگاه گردید]؛ الله به ایمانشان داناتر است. اگر آنان را [زنانی] مؤمن یافتید، آنها را به سوی کافران بازنگردانید. نه این [زنان مؤمن] بر آنان [= کافران] حلالند، و نه آن [مردان کافر] بر این [زنان] حلالند؛ و هر چه [شوهران کافر به عنوان مهریه] خرج [این زنان] کرده‌اند، به آنها بدهید؛ و بر شما گناهی نیست که پس از آنکه مهریه‌هایشان را پرداختید [و پس از انقضای عده،] با آنان ازدواج کنید؛ و به [نگه‌داشتن پیوند زناشویی با] زنان کافر، پایبند نباشید؛ [و اگر زنان شما مرتد شدند و نزدِ کافران رفتند، رهایشان کنید] و آنچه را [به عنوان مهریه] خرج کرده‌اید [از کافران] مطالبه کنید؛ و [کافران نیز] آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند. این حکمِ الله است که در میان شما داوری می‌کند؛ و الله دانای حکیم است. (۱۰) اگر یکی از همسران شما به سوی کافران رفت [و مهریه‌اش را از کافران طلب کردید و آن‌ها پرداخت نکردند]، آنگاه شما [در جنگ بر آنان پیروز شدید و] و از آنان غنیمت گرفتید، به کسانی که همسرانشان [به سوی کفار] رفته‌اند، همانند آنچه را که خرج کرده‌اند [از غنایم] بپردازید؛ و از الله که شما به او ایمان دارید پروا کنید. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾

﴿وَمَن يَتَوَلَّ﴾: هر کس از اسلام و پذیرش این موعظه‌ها روی گرداند، ﴿فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ﴾: بداند که الله مخلوقات را به سبب نیاز خود به آنان نیافریده است، ﴿ٱلْحَمِيدُ﴾: و او تعالی در ذات و صفاتش ستوده است. قرطبی: ۲۰/ ۴۰۵.

پرسش: چرا این آیه با دو نام مذکور به پایان رسید؟

۲ ﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً﴾

وقتی الله سبحانه به مسلمانان فرمان داد که کافران را دشمن خود بدانند و با آنان قطع رابطه کنند، مسلمانان خویشاوندی خود با کافران را مطرح کردند و از آن‌جا که الله می‌دانست آنان راست می‌گویند، با نزول این آیه، مسلمانان را آرام کرد و وعده داد که میان‌شان دوستی برقرار خواهد کرد و این دوستی در فتح مکه حاصل شد؛ به گونه‌ای که سایر افراد قریش در آن زمان اسلام آوردند. ابن جزی: ۲/ ۴۳۶.

پرسش: چرا پس از این‌که فرمان دوری و بیزاری از کافران داده شد، این آیه بیان گردید؟

۳ ﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً ۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٌ﴾

﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً﴾: زیرا ایمان می‌آورند. ﴿وَٱللَّهُ قَدِيرٌ﴾: الله بر هر چیزی تواناست؛ از جمله: هدایت دل‌ها و تغییردادن حالات آن‌ها. سعدی: ۸۵۶.

پرسش: چرا الله پس از این‌که امکان تغییر دشمنی کافران به دوستی را بیان فرمود، از قدرت خود سخن گفت؟

۴ ﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ﴾

وقتی الله فرمود که دشمنی با کافران و عدم‌دوستی با آنان شایسته است، از کافرانی که نیکی به آنان جایز است و نیز از گروهی که نیکی به آنان جایز نیست، سخن گفت و فرمود: ﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ﴾. شوکانی: ۵/ ۲۱۳.

پرسش: این آیه چه تناسبی با ما قبل خود دارد؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٍ فَٱمْتَحِنُوهُنَّ﴾

قشیری می‌گوید: به طور کل، امتحان راه شناخت است و گوهرهای نفس با تجربه آشکار می‌گردد و کسی که بدون تجربه اقدام به انجام کاری کند، قطعا پشیمان می‌شود. بقاعی: ۱۹/ ۵۱۴.

پرسش: آزمایش نفس‌ها چه اهمیتی دارد؟

۶ ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ﴾

نشان می‌دهد که می‌توان از ایمان واقعی افراد آگاه شد. ابن کثیر: ۴/ ۳۵۱.

پرسش: آیا می‌توانیم از ایمان برخی انسان‌ها، به طور صحیح آگاه شویم؟

۷ ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُوا۟﴾

الله تعالی فرمان می‌دهد که اگر زن مسلمان نگه داشته شود، باید آن‌چه را که شوهرش هزینه کرده است، برگرداند و این نشانهٔ وفای به عهد است؛ زیرا به سبب مسلمان‌نشدن، از داشتن خانواده‌اش محروم گشته، اما مالش به او برگردانده می‌شود تا از دو لحاظ ضرر نکند: از طرف همسر و مال. قرطبی: ۲۰/ ۴۱۴.

پرسش: یکی از موارد وفای به عهد را که در این آیه بیان شده است، توضیح بده.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ يُبَايِعۡنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشۡرِكۡنَ بِٱللَّهِ
شَيۡـٔٗا وَلَا يَسۡرِقۡنَ وَلَا يَزۡنِينَ وَلَا يَقۡتُلۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأۡتِينَ
بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ بَيۡنَ أَيۡدِيهِنَّ وَأَرۡجُلِهِنَّ وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي
مَعۡرُوفٖ فَبَايِعۡهُنَّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُنَّ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ
١٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ قَدۡ
يَئِسُواْ مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلۡكُفَّارُ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡقُبُورِ ١٣

سُورَةُ الصَّفِّ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ
١ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢
كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٣ إِنَّ
ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم
بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ ٤ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ
تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡۖ فَلَمَّا زَاغُوٓاْ
أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٥

ترجمه آیات

ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را با الله شریک نسازند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و فرزندی را به دروغ به شوهرانشان نسبت ندهند و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از الله برایشان آمرزش بخواه. بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با قومی که الله بر آنان خشم [و غضب] گرفته است دوستی نکنید. آنها از آخرت نومید هستند، همان گونه که کافران، [به سبب کفر به رستاخیز] از [دوباره زنده شدن] گورخفتگان [در قیامت] نومیدند. (۱۳)

سورهٔ صف

به نام الله بخشندهٔ مهربان

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تسبیح الله را می‌گویند؛ و او پیروزمندِ حکیم است. (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را می‌گویید که [به آن] عمل نمی‌کنید؟ (۲) نزد الله سخت ناپسند [و موجب خشم] است که چیزی را بگویید که [به آن] عمل نمی‌کنید. (۳) بی‌گمان، الله کسانی را که چون بنیانی آهنین، صف بسته [و] در راه او پیکار می‌کنند دوست دارد. (۴) و [ای پیامبر، به یاد آور] هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من، چرا به من آزار [و اذیت] می‌رسانید، در حالی که می‌دانید بی‌گمان، من فرستادهٔ الله به سوی شما هستم؟» آنان چون [از حق] منحرف شدند، الله دل‌هایشان را منحرف ساخت؛ و الله قومِ نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ﴾

نافرمانی از پیامبر ﷺ فقط در کار نیک صورت می‌گیرد؛ زیرا او فرمان به بدی نمی‌دهد. بر این اساس، اطاعت از صاحبان امر فقط در امور شایسته و صحیح، جایز است. ابن تیمیه: ۶/ ۲۹۵.

پرسش: پیامبر ﷺ فقط دستور به نیکی می‌دهد، پس چرا نهی مشروط به این شد که نافرمانی در کار نیک صورت نگیرد؟

۲ ﴿وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ﴾

یعنی در امور نیکی که به آنان فرمان می‌دهی و در کارهای بدی که آنان را از آن‌ها نهی می‌کنی. مشروط‌کردن به معروف و کار نیک، در حالی که رسول الله ﷺ فقط به نیکی فرمان می‌دهد، بیانگر این مطلب است که اطاعت از مخلوق در جایی که نافرمانی خالق شود، هرگز جایز نیست. آلوسی: ۱۴/ ۲۷۴.

پرسش: چرا نافرمانی از پیامبر ﷺ مشروط به این شد که در کار نیک نباشد، با وجود این‌که رسول الله ﷺ فقط فرمان به نیکی می‌دهد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ﴾

نخعی می‌گوید: سه آیه مرا بازداشت از این‌که مردم را اندرز دهم: ﴿۞أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾ [البقرة: ۴۴]؛ «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید، و خودتان را فراموش می‌کنید، در حالی که شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید؟! آیا نمی‌اندیشید؟!»، ﴿وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ﴾ [هود: ۸۸]؛ «و من نمی‌خواهم با شما مخالفت کنم، دربارهٔ چیزی که شما را از آن نهی می‌کنم، (و خود مرتکب شوم).»، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ﴾ [الصف: ۲]؛ «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!» قرطبی: ۲۰/ ۴۳۶.

پرسش: بیان کنید که سلف صالح چه تأثیری از این آیه گرفته بودند و در این زمینه، چه حالتی داشتند؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ﴾

کسی که فرمان به کار خیر می‌دهد، باید که خودش پیش از همه برای انجام آن شتاب کند، و نیز فردی که از کار بدی نهی می‌کند، سزاوار است که خودش قبل از دیگران، از آن کار بد دوری نماید. سعدی: ۸۵۸.

پرسش: مؤمن دعوتگر از این آیه چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟

۵ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ﴾

صف‌های‌شان چنان نظم و ترتیبی دارد که باعث برابری میان مجاهدان، کمک به یکدیگر، ترس دشمن و شادمان‌کردن همدیگر می‌شود. سعدی: ۸۵۸.

پرسش: حکمت و فلسفه این‌که مسلمانان در هنگام نبرد، در صف‌هایی صاف و به‌هم‌فشرده و همچون بنیانی استوار و محکم قرار می‌گیرند، چیست؟

۶ ﴿كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ﴾

قتاده می‌گوید: مگر صاحب بنا را نمی‌بینی که دوست ندارد ساختمانش ناهماهنگ باشد؟! الله تعالی نیز دوست ندارد که امر و فرمانش نظم نگیرد. الله مؤمنان را به هنگام نبرد، و در زمان نماز، فرمان داد تا به صف بایستند، پس بر شما باد که دستور الهی را اجرا کنید؛ زیرا این کار باعث حفاظت کسانی می‌شود که آن را انجام دهند. ابن کثیر: ۴/ ۳۵۹.

پرسش: الله در دو مورد، به مؤمنان فرمان داده است که منظم و مرتب بایستند، آن دو مورد را نام ببرید.

۷ ﴿فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ﴾

بر اساس آیه فوق، گمراه‌کردن بندگان از جانب الله، به معنای ستم او تعالی بر آنان نیست و این نمی‌تواند به عنوان دلیل و حجتی برای آنان علیه الله باشد، بلکه مقصر خودشان هستند؛ چون دروازه هدایت را پس از این‌که شناختند، بر روی خود بستند و در نتیجه، الله به جزای این کار، آنان را گمراه و منحرف می‌کند، به گونه‌ای که نمی‌توانند آن را از خود دور کنند. سعدی: ۸۵۹.

پرسش: این آیه ادعای کسی را رد می‌کند که می‌گوید تقدیر الهی بر انحراف وی بوده است. این مطلب را توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُبَايِعۡنَكَ	با تو عهد بندند.
بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ	به این‌که فرزندانی به شوهران‌شان ملحق کنند که از آنان نیستند.
لَا تَتَوَلَّوۡاْ	آنان را به عنوان دوست و همنشین انتخاب نکنید.
كَبُرَ مَقۡتًا	موجب خشم بزرگی است.
مَّرۡصُوصٞ	چنان به هم فشرده و چسبیده است که هیچ شکافی ندارد و دشمن نمی‌تواند در آن نفوذ کند.
زَاغُوٓاْ	از حق منصرف شدند با این‌که آن را می‌شناختند.

عمل به آیات

۱. الله را ۱۰۰ مرتبه تسبیح بگو، ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. عمل نیکی را معین کن، سپس پیامی به دوستانت بنویس و در آن پیام، آنان را تشویق به انجامِ نیکیِ مذکور کن تا از عاملان به آن‌چه می‌گویی، باشی، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ﴾

۳. عالم یا دعوتگری را که در معرض سخنان ناروا قرار گرفته است، به یاد آور و نیکی‌هایش را به یاران و دوستانت بازگو کن، ﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. باید که زندگی‌ات منظم باشد؛ زیرا الله کسانی را که در راهش با انسجام در کنار هم مبارزه می‌کنند و نیز کسانی را که به هنگام نماز، منظم به صف می‌ایستند، دوست دارد، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ﴾

۲. پیامبران در برابر آزار و اذیت دیگران صبر کردند و آنان الگو برای دعوتگران به شمار می‌روند، ﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ﴾

۳. باید که از انحراف و اعراض از اطاعت الله برحذر باشیم؛ چون سبب انحراف دل است، ﴿فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ﴾

سورة (الصف) الجزء (٢٨) صفحة (٥٥٢)

وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا
بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُۖ فَلَمَّا
جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٦ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى
ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
٧ يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ
ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ
عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ
تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ١٠ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١
يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ
طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢ وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ
مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ
أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ
قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ ١٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱفۡتَرَىٰ	ساخته است.
نُورَ ٱللَّهِ	حقی که رسول الله ﷺ آن را آورده است.
بِأَفۡوَٰهِهِمۡ	با سخنان دروغ‌شان.
مُتِمُّ نُورِهِۦ	الله با کامل‌کردن دینش، حق را آشکار و پیروز می‌کند.
ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ	تمام ادیان مخالف.
لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ	یاران و خواص عیسی ؛.
ظَٰهِرِينَ	پیروزشدگان.

عمل به آیات

۱. یکی از انواع جهاد، جهاد با مال در راه خیر و اصلاح امت است؛ پس بخشی از اموالت را به گونه‌ای که فکر می‌کنی باعث اقتدار مسلمانان می‌شود، انفاق کن، ﴿وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

۲. فرد کافری را به اسلام دعوت کن، ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه که تو را از یاری‌دهندگان دینش قرار دهد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ﴾

رهنمودها

۱. باید که از افترا و دروغ‌بستن بر الله، دوری کنیم، ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۲. باید که به تجارتی سودآور روی آوری، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ١٠ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ﴾

۳. شبیه‌شدن به امت‌های پیشین در کار خیر، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ﴾

ترجمه آیات

و [به یاد آور] هنگامی که عیسی ـ پسر مریم ـ گفت: «ای بنی‌اسرائیل، بی‌گمان، من فرستادۀ الله به سوی شما هستم. آنچه از تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و [نیز] مژده‌دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید و نامش "احمد" است». اما هنگامی که او [= احمد] با معجزه‌ها [و دلایل روشن] به سوی آنان آمد، گفتند: «این جادوی آشکاری است». (۶) چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که بر الله دروغ ببندد، در حالی که به [دین] اسلام دعوت می‌شود؟ و الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۷) آنها می‌خواهند نورِ الله را با دهان خود خاموش کنند؛ و[لی] الله کامل‌کنندۀ نور خویش است؛ هر چند کافران خوششان نیاید. (۸) او ذاتی است که فرستادۀ خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همۀ ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوششان نیاید. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا [می‌خواهید] شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ (۱۰) به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راهِ الله جهاد کنید. اگر بدانید، این [کار] برای شما بهتر است. (۱۱) [اگر چنین کردید، [الله] گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و در خانه‌های پاکیزه در بهشت جاویدان [جای می‌دهد]. این کامیابی بزرگی است. (۱۲) و [نعمت] دیگری که آن را دوست دارید [نیز به شما عنایت می‌فرماید که آن،] یاری از سوی الله و پیروزیِ نزدیک است؛ و مؤمنان را [به این پیروزی] بشارت ده. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاورانِ [دین] الله باشید؛ همان گونه که عیسی ـ پسر مریم ـ به حواریون گفت: «چه کسانی یاوران من [در دعوت] به سوی الله هستند؟» حواریون گفتند: «ما یاوران [دین] الله هستیم». سپس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. آنگاه ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر دشمنانشان نیرو [و توانایی] دادیم، و سرانجام پیروز شدند. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ﴾

می‌خواهند که حق را با باطل رد کنند. مَثَل آنان همچون کسی است که می‌خواهد نور خورشید را با دهانش خاموش کند، چنان‌که این کار محال است، اراده آنان نیز غیر ممکن است. ابن کثیر: ۴/ ۳۶۱.

پرسش: این آیه بیانگر چه نوع تشبیهی است؟

❷ ﴿وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾

جمله ﴿وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ﴾ عطف بر عبارت ﴿يُرِيدُونَ﴾ شده است؛ خبر می‌دهد که آنان به مرادشان نمی‌رسند و قطعا این دین کامل و کاملا منتشر خواهد شد. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۹۰.

پرسش: در جمله ﴿وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ﴾ چه بشارتی داده شده است؟

❸ ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ﴾

مشخص است که الله وعده اظهار و غلبه دین را به طور کامل داده است: پیروزی و برتری دین از لحاظ علمی و بیانی و از نظر مبارزه و نبرد، چنان‌که می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ﴾. علما ظهور را این‌گونه تفسیر کرده‌اند و واژه «ظهور» مشتمل بر هر دو معناست؛ زیرا هدایت، با علم و بیان، و دین، با دست و عمل آشکار و غالب می‌شود. ابن تیمیه: ۶/ ۲۹۷.

پرسش: اسلام چگونه بر سایر ادیان برتری می‌یابد؟

❹ ﴿تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

گویی که نفس‌ها در بخشیدن زندگی و بقای‌شان بخل ورزیدند و الله فرمود: ﴿ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾: یعنی جهاد برای شما از نشستن برای زندگی و سالم‌ماندن، بهتر است. ابن قیم: ۳/ ۱۵۳.

پرسش: چرا این آیه با عبارت ﴿إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾ ختم شد؟

❺ ﴿تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ﴾

روشن است که ایمانِ کامل یعنی تصدیق یقینی به آن‌چه الله فرمان داده است که تایید شوند، و چنین ایمانی می‌طلبد که اعضا عمل کنند و یکی از مهم‌ترین اعمال جوارح، جهاد در راه الله است و به همین سبب، الله فرمود: ﴿وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ﴾. سعدی: ۸۶۰.

پرسش: این آیه ایمان و جهاد را با هم آورد، چه رابطه‌ای میان آن دو وجود دارد؟

❻ ﴿يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ﴾

از مسکن‌ها نام برده شد؛ چون جهاد باعث جدایی از خانه‌ها می‌شود و در عوضِ آن جدایی موقتی، وعدۀ داشتن خانه‌های ابدی به مجاهدان داده شد. ابن عاشور: ۲۸/ ۱۹۵.

پرسش: چرا از مسکن‌ها نام برده شد؟

❼ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ﴾

الله تعالی در حالی که به بندگان مؤمن خویش فرمان می‌دهد، می‌فرماید که در تمامی شرایط، با سخنان، اعمال، جان‌ها و مال‌های‌شان، دین الله را یاری دهند. ابن کثیر: ۴/ ۳۶۱.

پرسش: آیا یاری دین الله محدود به برخی زمان‌ها یا شرایط است؟

سورهٔ جمعه

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تسبیحِ الله را می‌گویند؛ [الله] که فرمانروا، منزّه [و] پیروزمندِ حکیم است. (۱) و ذاتی است که از میان بی‌سوادان، پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخوانَد و آنان را پاک گردانَد و کتاب [= قرآن] و حکمت [= سنت] به آنان بیاموزاند؛ و به راستی که آنان پیش از این[که پیامبر به سویشان فرستاده شود]، در گمراهیِ آشکاری بودند. (۲) و [این پیامبر نیز] به سوی قومی دیگر از ایشان که هنوز به اینان ملحَق نشده‌اند [و بعدها به دنیا خواهند آمد، مبعوث شده است]؛ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۳) این فضلِ الله است که آن را به هر کس که بخواهد می‌بخشد؛ و الله دارای فضل عظیم است. (۴) مَثَل کسانی که [عمل به] تورات به آنان تکلیف شد ولی آن را [چنان که باید و شاید] رعایت نکردند، مانند خری است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند، [اما چیزی از آن نمی‌فهمد]. چه بد است مَثَل گروهی که آیات الهی را تکذیب کردند! و الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۵) بگو: «ای یهود، اگر گمان دارید که [تنها] شما دوستان الله هستید نه مردم دیگر، اگر راست می‌گویید، مرگ را آرزو کنید». (۶) ولی آنها به خاطر آنچه از پیش فرستاده‌اند، هرگز آن آرزو را نخواهند کرد؛ و الله [از حالِ] ستمکاران آگاه است. (۷) [ای پیامبر،] بگو: «آن مرگی که از آن فرار می‌کنید، یقیناً به شما خواهد رسید؛ سپس به سوی [الله، آن] دانای غیب و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد». (۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾
فعل تسبیح در این سوره، به صورت مضارع و در سایر سوره‌ها، به شکل ماضی آمده است؛ زیرا هدف در سوره مذکور، ستودن نماز جمعه و نکوهش گروهی است که نماز را ترک کردند و برای تجارت و اعمال بیهوده خارج شدند و از این رو، مناسب است که تسبیحِ مداومِ اهل آسمان‌ها و زمین بیان شود تا گوشزد و کنایه‌ای باشد به کسانی که نماز جمعه را ادا نکردند. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۰۶.
پرسش: چرا فعل تسبیح در این سوره، به شکل مضارع: ﴿يُسَبِّحُ﴾ و در غیر آن، به صورت ماضی آمده است؟

۲ ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾
الله تعالی خبر می‌دهد که تمامی مخلوقات؛ جاندار و بی‌جان، در آسمان‌ها و زمین، او را به پاکی می‌ستایند. ابن کثیر: ۴/ ۳۶۳.
پرسش: آیا فقط مخلوقاتِ سخنگو و جاندار الله را تسبیح می‌گویند؟

۳ ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾
ابتدا از تلاوت سخن گفت؛ چون آغاز تبلیغ دعوت با رساندن وحی است. سپس تزکیه را آورد؛ زیرا ابتدای دعوت با پاک‌کردن از پلیدی معنوی؛ یعنی شرک و اعمال و رفتار زشت است. بعد از آن، از تعلیم و آموزشِ کتابِ آسمانی سخن گفت؛ چون کتاب پس از این‌که به آنان رسانده شود، مقاصد و مفاهیمش برای‌شان آشکار می‌گردد. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۰۹.
پرسش: چرا ابتدا از تلاوت، سپس از تزکیه و پس از آن، از آموزش کتاب و حکمت سخن گفت؟

۴ ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾
هدف و مقصد کتاب، در قدرت فهم و عمل به آن است؛ زیرا علمِ آراسته به عمل و عملِ استوار با علم عقلی و نقلی است؛ تا هر چیزی را در بهترین مواضعش قرار دهند و همچون بنی‌اسرائیل، از آن منحرف نگردند و به مانند الاغی نگردند که کتاب‌ها را حمل می‌کند. اگر پیامبر ﷺ غیر از این معجزه‌ای نمی‌داشت، قطعا همین کافی بود. بقاعی: ۲۰/ ۵۱.
پرسش: در چه صورتی انسان مسلمان، فایده کامل را از قرآن کریم می‌برد؟

۵ ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾
الله یهودیانی را که تورات به آنان داده شد و آن را گرفتند تا بدان عمل کنند، ولی عمل نکردند، نکوهش می‌کند و می‌فرماید که مَثَل این افراد ﴿كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢا﴾: همچون مَثَل الاغی است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند و نمی‌داند که چه چیزی را برداشته است؛ یعنی ظاهرا و به طور حسی آن‌ها را حمل می‌کند، ولی متوجه نمی‌شود که چه چیزی را برداشته است. این یهودیان نیز لفظ تورات را یاد گرفته‌اند، ولی به مفاهیمش پی نبردند و بر اساس آن عمل نکردند. ابن کثیر: ۴/ ۳۶۴.
پرسش: آیا حافظ قرآنی که قرآن را نمی‌فهمد و در آن تدبر نمی‌کند و احکامش را اجرا نمی‌کند، از اهل قرآن است؟

۶ ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢا﴾
این مَثَل هر چند برای یهودیان زده شده است، ولی از نظر مفهومی شامل کسی می‌شود که قرآن را حفظ نموده و یاد گرفته، ولی به آن عمل نمی‌کند و حقوقش را رعایت نمی‌کند. قاسمی: ۹/ ۲۲۹.
پرسش: آیا این مَثَل مخصوص کسانی است که تورات به آنان داده شده بود؟

۷ ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢا﴾
میمون بن مهران می‌گوید: الاغ نمی‌داند که آیا کتاب بر پشتش است یا سرگین، یهودیان نیز این‌گونه‌اند. شوکانی: ۵/ ۲۲۵.
پرسش: با توجه به سخن میمون بن مهران، بیان کنید که یهودیان چه شباهتی با الاغ دارند؟

سُورَةُ الجُمُعَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ
ٱلۡحَكِيمِ ١ هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ
مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢ وَءَاخَرِينَ مِنۡهُمۡ لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡۚ
وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ
ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٤ مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ
يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ
ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
٥ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓاْ إِن زَعَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ أَوۡلِيَآءُ لِلَّهِ مِن
دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦ وَلَا يَتَمَنَّوۡنَهُۥٓ
أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٧ قُلۡ
إِنَّ ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ
إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُسَبِّحُ	الله را از تمام آن‌چه سزاوارش نیست پاک و منزه می‌دارد.
ٱلۡقُدُّوسِ	منزه از هر نقص و عیبی.
ٱلۡعَزِيزِ	قوی و پیروزی که هرگز شکست نمی‌خورد.
ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ	عرب که خواندن نمی‌دانستند و کتابی نداشتند.
لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡ	هنوز نیامده‌اند و خواهند آمد.
أَسۡفَارَۢا	کتاب‌هایی.
بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ	مَثَل آنان بد و ناپسند است.

عمل به آیات

۱. الله را با این نام‌هایش بخوان: قدوس، عزیز و حکیم، و بیاموز که چه نتایج و فوایدی ایمانی بر تو دارند، ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾

۲. عملی را پنهانی انجام بده، به گونه‌ای که دیگران از آن مطلع نشوند، ﴿ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

۳. عاقبت به‌خیری را از الله بخواه، ﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

رهنمودها

۱. مسئولیت دعوتگر، تربیت مردم از لحاظ علمی و عملی، بر اساس قرآن و سنت است، ﴿يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾

۲. توجه به تزکیه نفس، ﴿وَيُزَكِّيهِمۡ﴾

۳. مَثَلی در نکوهش کسی که به علمش عمل نمی‌کند، ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢا﴾

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ
إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ
٩ فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ
مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠
وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ
ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ١١

سُورَةُ المُنَافِقُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ
لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ١ ٱتَّخَذُوٓاْ
أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ
لَا يَفۡقَهُونَ ٣ ۞وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ
تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ
عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤

مفاهيم واژگان

واژه	معنا
وَذَرُواْ	رها کنید.
ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا	از نزد تو پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند.
فَطُبِعَ	مُهر خورده است.
كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞ	به سبب نبود ایمان در دل‌های‌شان و نبود فهم در عقل‌های‌شان، گویی چوب‌های تکیه‌داده به دیوار هستند.
كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡ	هر صدای بلندی را علیه خود می‌پندارند؛ چون از حقیقت حال خویش آگاه هستند و می‌ترسند.

عمل به آیات

۱. ذکر، تسبیح و تهلیل الله را زیاد به جای آور، ﴿وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

۲. وقتی مؤذن اذان داد، آن‌چه را که در دست داری رها کن و فورا به سمت مسجد برو، ﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِ﴾

۳. خطر منافقان و این‌که آنان دشمنان دین هستند را به خانواده و دوستانت تبیین کن، ﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾

رهنمودها

۱. فراوانی ذکر الله راه رستگاری است، ﴿وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

۲. یکی از ویژگی‌های منافقان، دروغگویی است، ﴿إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ﴾

۳. فریب‌نخوردن از ظاهر و اَشکال؛ چرا که مهم حقایق و باطن است، ﴿وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞ﴾

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه، اذان گفته شد، به سوی [نماز و] ذکرِ الله بشتابید [و درنگ نکنید]، و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید، این [کاری که به شما دستور داده می‌شود] برایتان بهتر است. (۹) و هنگامی که نماز پایان یافت، [برای کسب رزق و روزی] در زمین پراکنده شوید و از فضلِ الله طلب کنید؛ و الله را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰) [ای پیامبر، برخی از این مردم] هنگامی که تجارت یا سرگرمی‌ای ببینند، [از اطرافِ تو] به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده [بر منبر] رها می‌کنند. بگو: «آنچه در نزد الله است، بهتر از سرگرمی و تجارت است؛ و الله بهترین روزی‌دهنده است». (۱۱)

سورۀ منافقون

به نام الله بخشندۀ مهربان

هنگامی که منافقان نزد تو آیند، [سوگند می‌خورند و] می‌گویند: «ما گواهی می‌دهیم که یقیناً تو فرستادۀ الله هستی»؛ و الله می‌داند که بی‌گمان، تو فرستادۀ او هستی؛ و الله گواهی می‌دهد که منافقان یقیناً دروغگو هستند. (۱) آنها سوگندهای خود را سپر ساخته‌اند، در نتیجه [مردم را] از راه الله بازداشته‌اند. به راستی که آنان چه بد می‌کنند! (۲) این به خاطر آن است که آنها ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ آنگاه بر دل‌هایشان مُهر نهاده شده، پس درنمی‌یابند. (۳) و هنگامی که آنها را ببینی، جسم [و ظاهر] شان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آوَرَد؛ و اگر [سخن] گویند، [به علت شیرینی و جذابیّت کلام‌شان] به سخنانشان گوش می‌دهی. [ای پیامبر] گویی آنها [در مجلس تو] چوب‌های تکیه‌داده به دیوارند، [که هیچ چیزی نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، و به سبب بزدلی] هر بانگی را علیه خود می‌پندارند. آنان دشمن [حقیقی] هستند؛ پس از آنان بر حذر باش. الله آنها را بکشد! چگونه [از حق] منحرف می‌شوند؟ (۴)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

به نظر من، در عوض این‌که بگوید: به سوی نماز – مانند این‌که فرمود: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ﴾- «﴿إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾: به سوی یاد الله» را آورد تا شامل هر دو مورد؛ یعنی خطبه و نماز شود. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۲۵.

پرسش: مراد از ﴿إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾، در این آیه چیست؟

❷ ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ﴾

عراک بن مالک وقتی نماز جمعه را ادا می‌کرد، کنار در مسجد می‌ایستاد و می‌گفت: «یا الله! من دعوتت را اجابت کردم، فریضه‌ات را ادا نمودم و همان‌گونه که تو به من فرمان دادی، به راه افتادم، پس از فضل خود به من روزی بده که تو بهترین روزی‌دهندگانی». ابن کثیر: ۴/ ۳۶۷.

پرسش: عراک بن مالک چگونه به این آیه عمل می‌کرد؟

❸ ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

از آن‌جا که پرداختن به تجارت باعث غفلت انسان از یاد الله می‌شود، الله تعالی فرمان داد که ذکر او بسیار انجام شود. سعدی: ۸۶۳.

پرسش: چرا در آخر آیۀ فوق، فرمان داده شد تا ذکر الله انجام شود پس از این‌که دستور به پراکنده‌شدن در زمین و طلب روزی داده شده است؟

❹ ﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

صبر بر اطاعت از الله، مانع روزی نیست؛ زیرا الله بهترین روزی‌دهندگان است و هر کس تقوای الهی را رعایت کند، الله از جایی که خودش گمان نکند، به او روزی می‌دهد. سعدی: ۸۶۳.

پرسش: در آیه مذکور اشاره شده است که تقوا یکی از اسباب روزی به شمار می‌رود، این مطلب را توضیح دهید.

❺ ﴿إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ﴾

علیه آنان شهادت داد که این افراد دروغگو هستند با وجود این‌که ظاهر سخن‌شان حق است؛ چون باطن آنان ظاهرشان را تکذیب می‌کند و اعمال وابسته به نیت‌هاست. شنقیطی: ۸/ ۱۸۸.

پرسش: چرا الله گواهی داد که این منافقان دروغ می‌گویند؟

❻ ﴿وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾

مردانی بسیار زیبا بودند، ولی اکنون گویی که چوب‌هایی تکیه‌داده شده به دیوارند. آنان را به چوب‌هایی که به دیوار تکیه داده شده‌اند، تشبیه کرد که نمی‌شنوند و نمی‌فهمند، کالبدهایی بدون روح و اجسامی بدون خرد و عقل. بنابر قولی: آنان را به چوب‌هایی که فرسوده و ساییده شده‌اند تشبیه کرد؛ بنابراین به غیر خود تکیه داده‌اند و نمی‌فهمند که چه چیزی در شکم‌شان قرار دارد. قرطبی: ۲۰/ ۵۰۰.

پرسش: چرا آنان را تشبیه به چوب‌های تکیه‌داده شده کرد؟

❼ ﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ﴾

در حقیقت، این افراد دشمن هستند؛ چون دشمنِ آشکار و قابلِ تشخیص، کم‌خطرتر از دشمنِ پنهان است و دشمنِ غیر قابلِ شناخت، فریبکار و مکار است، ادعای دوستی می‌کند، در حالی که دشمن واقعی است. سعدی: ۸۶۴.

پرسش: چرا الله فرمود که منافقان دشمنان واقعی هستند؟

ترجمه آیات

و هنگامی که به آنها گفته شود: «بیایید تا رسول الله برای شما آمرزش بخواهد» [از روی تمسخر و استهزا] سرهایشان را تکان می‌دهند، و آنها را می‌بینی که [از سخنان تو] رویگردان می‌شوند و تکبر می‌ورزند. (۵) برای آنها یکسان است که برایشان آمرزش بخواهی یا نخواهی؛ الله هرگز آنان را نمی‌بخشد. بی‌گمان، الله قومِ نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۶) آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به کسانی که نزد رسول الله هستند [چیزی] انفاق نکنید تا [از گِرد او] پراکنده شوند؛ حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین، از آنِ الله است؛ ولی منافقان درنمی‌یابند. (۷) آنها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، یقیناً صاحبان عزت، فرومایگان را از آنجا بیرون می‌کنند»؛ در حالی که عزت، از آنِ الله و فرستادهٔ او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندانتان شما را از یادِ الله غافل نکند؛ و هر کس که چنین کند، آنان زیانکارانند. (۹) و از آنچه به شما روزی داده‌ایم، [در راه الله] انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما آید و بگوید: «پروردگارا، ای کاش [مرگ] مرا مدت کمی به تأخیر می‌انداختی تا [در راه تو] صدقه دهم و از نیکوکاران باشم». (۱۰) و[لی] هر کس اجلش فرارسد، هرگز الله [آن را] به تأخیر نمی‌اندازد، و الله از آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾
آنان گفتند: ﴿لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا۟﴾؛ «به کسانی که نزد رسول الله هستند (چیزی) انفاق نکنید تا پراکنده شوند.»؛ این سخن را از روی یقین و باور به این گفتند که اگر به آنان انفاق نکنند، روزی‌شان قطع می‌شود و در نتیجه از نزد رسول الله ﷺ می‌روند؛ چون گمان می‌کردند که فقط خودشان قدرت انفاق و بخشیدن اموال را دارند، ولی از تعدد اسباب و عوامل رزق و روزی غافل بودند، بنابراین الله در رد این گمان باطل‌شان، عبارت ﴿وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ را آورد. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۴۸.
پرسش: فایدهٔ آوردن جمله ﴿وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ چیست؟

۲ ﴿وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾
مردم در دروازه قصرهای شاهان به دنبال عزتند، در حالی که آن را فقط در اطاعت از الله می‌یابند. حسن بصری می‌گفت: اگر چه اسب‌های تیزرو به سمت آنان شتاب گیرند و رفتن استران سر و صدا به پا کند، همانا خواری و رسواییِ معصیت بر گردن‌های‌شان است و قطعا الله تعالی کسی را که از او نافرمانی کند، خوار می‌گرداند. ابن تیمیه: ۶/ ۳۱۲.
پرسش: عزت حقیقی از کجا به دست می‌آید؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾
وقتی الله از زشتی‌های منافقان سخن گفت، مؤمنان را مورد خطاب قرار داد، آنان را تشویق کرد تا ذکر او را به جای آورند و فرمود: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾. بنابراین آنان را از اخلاق منافقان برحذر داشت؛ کسانی که اموال و فرزندان‌شان، آنان را از یاد الله غافل کرد. شوکانی: ۵/ ۲۳۳.
پرسش: این آیه چه تناسبی با ماقبل خود دارد؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾
از اموال و اولاد نام برد و فرمود که آن‌ها شما را از یاد الله باز ندارد؛ زیرا مردم بسیار به فکر کسب و افزایش ثروتند، به گونه‌ای که مردم بیش از این‌که متوجه فرزندان‌شان باشند، مشغول کسب و کارند و علاوه بر این‌که کسب و افزایش ثروت، بیشتر وقت انسان را به خود اختصاص می‌دهد و وی را از یاد الله باز می‌دارد، فکر ذخیره و پس‌انداز نیز وقت زیادی می‌برد و انسان را غافل می‌سازد از این‌که الله فرمان به انفاق آن داده است. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۵۱.
پرسش: چرا فرمود که اموال و اولاد، شما را از یاد الله غافل نکند؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾
دوام ذکر سببِ دوام محبت است؛ بنابراین ذکر برای دل همچون آب برای کشتزار است.... که فقط با وجود آن، سبز و زنده می‌ماند. ذکر بر چند نوع است: ۱. ذکر الله با اسماء و صفات او و ثنای الله از این طریق. ۲. تسبیح، تحمید، تکبیر، تهلیل و تمجید الله، که متأخران غالبا همین معنا را از ذکر مد نظر دارند. ۳. ذکر الله با احکام، دستورات و ممنوعاتش؛ یعنی ذکر اهل علم... بهترین ذکر، ذکر الله با کلامش است.... از دیگر انواع ذکر، دعا، استغفار و تضرع را می‌توان نام برد. بنابراین ۵ نوع از انواع ذکر بیان شد. ابن قیم: ۳/ ۱۵۷- ۱۵۸.
پرسش: اهمیت و انواع ذکر را بیان کنید؟

۶ ﴿وَأَنفِقُوا۟ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم﴾
بر اساس آیه فوق، الله تعالی بندگان را به گونه‌ای فرمان به انفاق نداده است که بر آنان سخت تمام شود، بلکه دستور می‌دهد که بخشی از آن‌چه الله به آنان روزی داده و اسبابش را برای‌شان مهیا کرده است، انفاق کنند. سعدی: ۸۶۵.
پرسش: فایده حرف جر ﴿مِن﴾ که دلالت بر بعضیت در این آیه می‌کند، چیست؟

۷ ﴿مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾
هر انسان متجاوزی به هنگام مرگ پشیمان می‌شود، و درخواست فرصت و مهلت - هر چند اندک باشد- می‌کند تا گذشته‌اش را جبران کند. ابن کثیر: ۴/ ۳۷۳.
پرسش: آیا پشیمانی به هنگام مرگ، مخصوص کافران است؟ از این موضوع چه نتیجه‌ای می‌گیری؟

سورة (المنافقون) الجزء (٢٨) صفحة (٥٥٥)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْا۟ رُءُوسَهُمْ
وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ٥ سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ
أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ٦ هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ
لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا۟ ۗ وَلِلَّهِ
خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ
٧ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَآ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ ٱلْأَعَزُّ
مِنْهَا ٱلْأَذَلَّ ۚ وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ
ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ
أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ
ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ٩ وَأَنفِقُوا۟ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم
مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِىٓ
إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠ وَلَن
يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا ۚ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ١١

سُورَةُ التَّغَابُنِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَوَّوْا۟ رُءُوسَهُمْ	برای اعراض و استهزا، سرهای‌شان را می‌چرخانند.
يَصُدُّونَ	روی می‌گردانند.
يَنفَضُّوا۟	از نزد او پراکنده شوند.
رَّجَعْنَآ	از غزوهٔ بنی‌مصطلق.
لَا تُلْهِكُمْ	شما را غافل نسازد.
لَوْلَآ أَخَّرْتَنِىٓ	کاش مهلت می‌یافتم و اجلم به تأخیر می‌افتاد.
أَجَلُهَا	وقت مرگش.

عمل به آیات

۱. به کلاس درس یا جلسهٔ پرسش و پاسخ شرعی حاضر شو، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْا۟ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ﴾

۲. برای خود و مردان و زنان مؤمن، درخواست آمرزش کن، ﴿سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ﴾

۳. در یکی از راه‌های خیر انفاق کن تا از صفات منافقان دور شوی؛ مثلا برای حمایت از یک دعوتگر یا دانشجو. ﴿هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا۟﴾

رهنمودها

۱. عزت فقط از جانب الله است و هر کس که به دنبال عزت است، باید که آن را از صاحبش بخواهد، ﴿وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۲. اموال و اولاد گاهی سبب دوری انسان از الله می‌شود، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾

۳. علاقه و تلاش فراوان برای عاقبت خوب، ﴿وَأَنفِقُوا۟ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ﴾

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم
مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
بِٱلۡحَقِّ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣ يَعۡلَمُ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَۚ وَٱللَّهُ
عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ
فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٥ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ
رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا فَكَفَرُواْ وَتَوَلَّواْۖ وَّٱسۡتَغۡنَى
ٱللَّهُۚ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ٦ زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ
وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧
فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَاۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ
٨ يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ
وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُسَبِّحُ	الله را از آن‌چه سزاوارش نیست منزه می‌داند.
ٱلۡمَصِيرُ	بازگشتگاه.
وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ	سرانجام بدِ کفرشان.
وَتَوَلَّواْ	از حق روی گرداندند.
وَٱلنُّورِ	قرآن.
لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِ	روز قیامت که همگی محشور می‌شوند.
يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ	خسارت و زیان کافران به سبب ترک ایمان، در آن روز آشکار می‌شود.
يُكَفِّرۡ	محو می‌کند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي» [صحیح لغیره؛ طبرانی در الدعاء: ۴۰۴؛ و با الفاظی مشابه در مسند احمد: ۳۸۲۳؛ صحیح ابن حبان: ۹۵۹] «یا الله! همان‌گونه که آفرینشم را نیکو گردانیدی، اخلاقم را خوب بگردان»، ﴿وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ﴾

۲. در قرآن، قصه قومی که هلاک شدند را بخوان و اسباب هلاکت‌شان را مشخص کن، ﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

۳. از الله بخواه که بهترین روزت را آخر آن‌ها بگرداند، ﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِ﴾

رهنمودها

۱. ایمان قطعی به آن‌چه الله برای بندگان مقدر کرده است، ﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

۲. برای کسی که ایمان به رستاخیز دارد، لازم است که برای آن روز عمل کند و آماده شود، ﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ﴾

۳. یکی از نام‌های روز قیامت، ﴿يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾ است؛ زیرا برخی از مردم در آن روز، سود و فایده می‌برند و برخی ضرر می‌کنند، ﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾

سورۀ تغابن

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه تسبیح الله را می‌گویند. فرمانروایی از آنِ اوست و سپاس [و ستایش نیز] از آنِ اوست؛ و او بر همه چیز تواناست. (۱) او ذاتی است که شما را آفرید؛ [گروهی] از شما کافرند و [گروهی] از شما مؤمن هستند؛ و الله از آنچه می‌کنید آگاه است. (۲) آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را [در رحِم مادرانتان] شکل و صورت بخشید. و شکل و صورتتان را نیکو [و زیبا] گرداند، و بازگشت [همه] به سوی اوست. (۳) آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌کنید [نیز] می‌داند؛ و الله از آنچه در سینه‌هاست آگاه است. (۴) آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند، به شما نرسیده است؟ آنها [طعم تلخ] کیفر کار خود را چشیدند و عذاب دردناکی خواهند داشت. (۵) این [کیفر] به سبب آن است که پیامبرانشان با معجزات [و دلایل روشن] به سوی آنان آمدند، اما [آنها از روی تکبر] گفتند: «آیا بشری [مانند خودمان] می‌خواهد ما را هدایت کند؟». آنگاه کافر شدند و [از حق] روی گرداندند و الله [از آنان و ایمانشان] بی‌نیاز بود؛ و الله بی‌نیازِ ستوده است. (۶) کسانی که کافر شدند، گمان بردند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری؛ به پروردگارم سوگند، یقیناً [همه] برانگیخته خواهید شد؛ آنگاه از آنچه می‌کردید به شما خبر خواهند داد؛ و این [کار] بر الله آسان است». (۷) پس به الله و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید؛ و الله از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۸) روزی که [همۀ] شما را [در محشر] گرد می‌آوَرَد. آن روز، روز زیانمندی [کافران، و سودمندی مؤمنان] است؛ و هر کس به الله ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد و او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. این کامیابی بزرگ است. (۹)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ﴾
حمد و سپاس تمامی مخلوقات مخصوص او تعالی است؛ زیرا همه آن‌ها خیر را از جانب او می‌دانند و فقط او مخلوقات را روزی می‌دهد، پس حمد و ستایش همگی برای اوست. طبری: ۲۳/ ۴۱۵.

پرسش: چرا هر آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است، الله را حمد و سپاس می‌گویند؟

❷ ﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ﴾
بنابر قولی: الله سبحانه انسان را بهترین و زیباترین مخلوقات گردانید؛ چون انسان نمی‌خواهد که شکل و ساختارش همانند شکل سایر حیواناتی باشد که می‌بیند. یکی از زیبایی‌های آدمی این است که ایستاده است و بر چهره‌اش نمی‌افتد. قرطبی: ۲۱/ ۹.

پرسش: هدف از ﴿وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ﴾ چیست؟

❸ ﴿وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾
از آن‌جا که الله به آن‌چه در سینه‌ها وجود دارد، آگاه است، بر انسان عاقل و آگاه لازم است که باطنش را از اخلاق ناپسند حفاظت کند و متصف به اخلاق نیکو شود. سعدی: ۸۶۶.

پرسش: فرد عاقل از این‌که الله به آن‌چه در سینه‌ها وجود دارد، آگاه است، چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟

❹ ﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾
عذابی را که بر آنان فرستاده شد، تشبیه به خوراکی کرد که مزه‌ای بد دارد؛ چون چشیدن با زبان سخت‌تر از لمس با دست و پوست است. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۶۸.

پرسش: چرا از عذابی که بر کافر فرستاده می‌شود، تعبیر به چشیدن شده است؟

❺ ﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ﴾
آن‌چه از دیدگاه مردم سخت و مشکل به نظر می‌رسد، بر الله آسان است. الله تعالی در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ﴾ [الروم: ۲۷] «و او ذاتی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند و این (بازگرداندن) بر او آسان‌تر است.» ابن عاشور: ۲۸/ ۲۷۲.

پرسش: چرا در این آیه بیان شد که زنده‌کردن مردگان آسان است؟

❻ ﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾
زیان‌دیده کسی است که از اهل و منازل خود در بهشت محروم می‌شود، و در آن روز آشکار می‌شود که هر کافری با ترک ایمان، و هر مؤمنی با کوتاهی در انجام نیکی‌ها، چه زیانی کرده است. آلوسی: ۱۴/ ۳۱۹.

پرسش: چرا قیامت، روز «﴿ٱلتَّغَابُنِ﴾؛ زیان» نام گرفت؟

❼ ﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾
﴿يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾: یعنی روز قیامت. تغابن استعاره از ضرر و زیان مردم در تجارت است؛ یعنی از آن‌جا که سعادتمندان، بهشت را به دست می‌آورند، گویی که سیه‌روزان در نرسیدن به منازل بهشتی‌شان ضرر کردند؛ زیرا اگر رستگار می‌بودند به آن‌ها دست می‌یافتند. ابن جزی: ۲/ ۴۵۲.

پرسش: در روز قیامت، چگونه برخی ضرر و زیان می‌کنند؟

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ
خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٠ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ
إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ
شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١١ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۚ فَإِن
تَوَلَّيۡتُمۡ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٢ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّا هُوَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٣ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا
لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ وَإِن تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤ إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ
فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٥ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ
وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ
شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٦ إِن تُقۡرِضُواْ
ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعِفۡهُ لَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ ١٧ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨

سُورَةُ الطَّلَاقِ

ترجمه آیات

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل آتش [دوزخ]ند [و] جاودانه در آن می‌مانند؛ و چه بد [سرانجام و] جایگاهی است! (۱۰) هیچ مصیبتی [به انسان] نمی‌رسد، مگر به حکم [و قضا و قدر] الله؛ و هر کس به الله ایمان آوَرَد، [الله] قلبش را هدایت می‌کند؛ و الله به همه چیز داناست. (۱۱) از الله اطاعت کنید و رسول را [نیز] اطاعت کنید. اگر [از اطاعت] روی بگردانید، [بدانید که گناه این رویگردانی بر خودتان است و] فرستادهٔ ما وظیفه‌ای جز ابلاغِ آشکار ندارد. (۱۲) الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس مؤمنان باید بر الله توکل کنند. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به راستی که [بعضی] از همسرانتان و فرزندانتان دشمنان شما هستند؛ [چون شما را از یاد الله و جهاد بازمی‌دارند]؛ پس از آنها بر حذر باشید؛ و اگر عفو کنید و [از لغزشهایشان] چشم بپوشید و ببخشید، بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۴) اموال و فرزندانتان فقط وسیلهٔ آزمایش [شما] هستند؛ و الله است که پاداش بزرگ نزد اوست. (۱۵) تا آنجا که می‌توانید، از الله پروا کنید و [حق را] بشنوید و فرمان برید و مالی برای [مصلحت] خودتان [در راه الله] انفاق کنید؛ و کسانی که از بُخل و حرصِ نفس خویش در امان بمانند، آنانند که رستگارند. (۱۶) اگر به الله قرض نیکو دهید، آن را برای شما چندین برابر می‌کند و شما را می‌آمرزد؛ و الله قدرشناسِ بردبار است. (۱۷) [او] دانای پنهان و آشکار [و] پیروزمندِ حکیم است. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾

این شامل تمامی مصیبت‌ها می‌شود... هر آن‌چه به بندگان می‌رسد، بر اساس قضا و قدر الهی است... مهم این است که آیا بنده به وظیفه خود در این زمینه عمل می‌کند یا نه؟ اگر عمل کند که در دنیا و آخرت، پاداش و اجر فراوان و نیکو می‌برد، اگر ایمان و باور داشته باشد که این مصیبت‌ها از جانب الله است و به آن‌ها راضی باشد و تسلیم فرمان الله گردد، الله تعالی دلش را هدایت می‌کند و در نتیجه آرام می‌گیرد و به هنگام مصایب، آشفته و حیران نمی‌شود. سعدی: ۸۶۷.

پرسش: وقتی بدانید که مصیبت‌ها از جانب الله است، چه تأثیر و نتیجه‌ای دارد؟

۲ ﴿وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ﴾

از ابن عباس ﷺ در تفسیر ﴿وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾ چنین نقل شده است: دلش را برای یقین هدایت می‌کند، بنابراین می‌داند که آن‌چه به وی رسیده است، امکان نداشت که دامنگیرش نشود، و آن‌چه به او نرسیده است، امکان نداشته است که به وی برسد. طبری: ۲۳/ ۴۲.

پرسش: در این آیه، منظور از هدایتِ قلبِ کسی که به الله ایمان دارد، چیست؟

۳ ﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾

از ایمان و نه سایر صفات‌شان نام برد تا نشان دهد که ایمان مقتضی توکل است و این‌که قوت و ضعف توکل، بر حسب قوت ایمان و ضعف آن است. هر اندازه ایمان بنده قوی‌تر باشد، توکلش به همان اندازه قوی می‌گردد و هر اندازه ایمانش ضعیف گردد، توکلش نیز ضعیف می‌شود. اگر توکل ضعیف باشد، قطعا دلیل بر ضعف ایمان است. ابن قیم: ۳/ ۱۵۹.

پرسش: چرا الله مؤمنان را با ویژگی ایمان مورد خطاب قرار داد، پس از این‌که آنان را فرمان به توکل داد؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡ﴾

قاضی ابوبکر بن العربی می‌گوید: «این، دلیل و چگونگی دشمنی را روشن می‌کند؛ زیرا دشمن از لحاظ ذات خود، دشمن نیست، بلکه با کاری که انجام می‌دهد، دشمن می‌گردد، پس در صورتی که همسر و فرزند کار دشمن را انجام دهند، دشمن می‌گردند، و هیچ کاری زشت‌تر از مانع‌شدن میان بنده و اطاعت و عبادت نیست.» قرطبی: ۱۷/ ۵۲۱.

پرسش: چگونه همسر و فرزند دشمن انسان می‌گردند؟

۵ ﴿إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ﴾

ابن مسعود ﷺ می‌گوید: «کسی از شما نگوید: یا الله! من از فتنه، به تو پناه می‌برم؛ چون هر یک از شما دارای فتنه است؛ زیرا الله می‌فرماید: ﴿إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ﴾. پس اگر خواستید به الله پناه ببرید، از لغزشگاه‌های فتنه‌ها به او پناه ببرید.» ابن قیم: ۳/ ۱۶۰.

پرسش: چه دعایی شایسته است که انسان درباره فتنه‌ها انجام دهد؟

۶ ﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ﴾

الله تعالی فرمان به رعایت تقوا؛ یعنی عمل به دستورات و پرهیز از ممنوعاتش می‌دهد و آن را مشروط به توان و قدرت انسان می‌کند. پس این آیه نشان می‌دهد که اگر بنده نتواند عمل واجبی را انجام دهد، آن عمل از وی ساقط می‌گردد و اگر بر بعضی امور، توانا و بر انجام برخی، ناتوان باشد، باید آن‌چه را که می‌تواند انجام دهد و آن‌چه در توانش نیست، از عهده وی ساقط می‌شود. سعدی: ۸۶۸.

پرسش: از این‌که تقوا مشروط به توان و قدرت شده است، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۷ ﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٦ إِن تُقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعِفۡهُ لَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾

هدف، توجه بسیار و مکرر به فضیلت انفاق است؛ علاوه بر این‌که خیر است، سبب رستگاری به شمار می‌رود و به عنوان قرض از طرف بنده برای پروردگارش است و در ترغیب و تشویق به آن، همین کافی است که گویی انفاق‌کننده، مالی را به الله می‌دهد و این به معنای معامله نیک بنده با پروردگارش است. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۹۰.

پرسش: انگیزه‌های انفاق را که در این آیه بیان شده است، نام ببرید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِإِذۡنِ ٱللَّهِ	به قضا و قدر الله.
يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ	او را به تسلیم در برابر قضا و صبر در برابر امر مقدّر، موفق می‌گرداند.
تَوَلَّيۡتُمۡ	از طاعت رسول روی گرداندید.
فَلۡيَتَوَكَّلِ	باید اعتماد کند و کارش را واگذارد.
تَعۡفُواْ	از بدی‌های‌شان درگذرید.
وَتَصۡفَحُواْ	اعراض کنید و ببخشید.

عمل به آیات

۱. همسر، فرزندان یا برخی از برادرانت را جمع کن و آیه‌ای از قرآن را با هم بخوانید و بررسی کنید، ﴿إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡ﴾

۲. مسلمانی را که به تو بدی کرده است، ببخش تا الله نیز تو را عفو کند، ﴿وَإِن تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

۳. مالی هر چند اندک را انفاق کن تا از فتنه آن در امان بمانی، ﴿إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. راضی‌شدن به قضا و قدر، ﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾

۲. ایمان دل را به هنگام وقوع مصیبت، استوار و آرام می‌گرداند، ﴿وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾

۳. کسی که از بخل دوری کند، رستگار و پیروز می‌گردد، ﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

سورة (الطلاق) الجزء (۲۸) صفحة (۵۵۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾
فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ﴿٣﴾ وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ
ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ
الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ	در حالی که به عده‌شان نزدیک هستند؛ در طهری [مدت زمان میان دو حیض] که همبستری در آن صورت نگرفته است.
وَأَقِيمُوا	ادا کنید.
بَالِغُ أَمْرِهِ	حکمش را اجرا می‌کند، هیچ‌چیزی را از دست نمی‌دهد و به هر چه بخواهد، می‌رسد.
قَدْرًا	مدتی که به آن می‌رسد.
يَئِسْنَ	امیدشان به سبب کهنسالی، از بین رفته است.
ارْتَبْتُمْ	تردید کردید و نفهمیدید که حکم‌شان چیست.

عمل به آیات

۱. مسلمانی را از تجاوز بر شریعت الله، برحذر دار، ﴿وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾

۲. بر اذکار صبح و شام، پایبند باش؛ زیرا از اسباب توکل بر الله به شمار می‌رود، ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

۳. به یکی از دوستانت بگو که تقوا سبب روزی و بخشش گناهان و ترفیع درجات است و این آیه را یادآوری کن، ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾

رهنمودها

۱. تفکر در مقاصد و مصالح شرعیِ مترتب بر احکام طلاق، ﴿وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا﴾

۲. اهمیت رفتار نیکو در تمامی حالات؛ به‌ویژه با ضعیفان، ﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾

۳. رعایت تقوای الهی، انسان را از هر سختی و مصیبتی نجات می‌دهد، ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾

سورهٔ طلاق

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی پس از پاک شدن از حیض و پیش از آمیزش]، و حساب عدّه را نگه دارید، و از الله که پروردگار شماست پروا کنید. نه شما آنها را [تا پایان عده] از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها بیرون روند؛ مگر آنکه کار زشتِ آشکاری [مانند زنا] مرتکب شوند؛ و این حدود [احکام] الله است؛ و هر کس از حدود الله تجاوز کند، مسلماً به خود ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید الله پس از آن، وضع تازه‌ای فراهم آورَد [و رغبتی در دل زوجین بیندازد که به صلح و آشتی منجر شود]. (۱) و هنگامی که [آنها را طلاق دادید و] عده‌شان به سر رسید، آنان را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنها جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و شهادت را برای الله برپا دارید. این [حکمی است] که هر کس به الله و روز قیامت ایمان دارد، به آن پند و اندرز داده می‌شود؛ و هر کس که از الله بترسد، راه نجاتی برای او قرار می‌دهد (۲) و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد؛ و هر کس بر الله توکل کند، او تعالی برایش کافی است. بی‌گمان، الله فرمان خود را به انجام می‌رساند. مسلّماً الله برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (۳) و کسانی از زنانتان که [به سبب سن زیاد و ...] از عادت ماهانه مأیوس شده‌اند، اگر [در چگونگی عده آنان] شک کردید، عدّهٔ آنان سه ماه است، و زنانی که عادت ماهانه ندیده‌اند [نیز عده‌شان سه ماه است]. و عدّهٔ زنان باردار این است که وضع حمل کنند؛ و هر کس از الله بترسد، [الله] کارش را برایش آسان می‌سازد. (۴) این، فرمان الله است که بر شما نازل کرده است؛ و هر کس از الله پروا کند، الله گناهانش را از او می‌زداید [و می‌بخشد] و پاداش او را بزرگ می‌گرداند. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ﴾

عبارت ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ﴾ هشدار به کسی است که در احکام طلاق و عده سهل‌انگار است؛ زیرا افراد دوره جاهلی ارزشی برای زنان قایل نمی‌شدند و خویشاوندان زنان طلاق‌داده‌شده، خیلی کم از آنان دفاع می‌کردند و در نتیجه، مردم آن حقوق را نادیده گرفتند و از این رو، آیات مذکور با لحنی تند بیان شد و از آن حقوق، تعبیر به تقوا و حدود الهی کرد و برای تاکید بیشتر بر تقوا، پس از نام جلاله، الله ﴿رَبَّكُمْ﴾ را آورد تا یادآوری کند که شایسته است از غضب او تعالی پرهیز شود. ابن عاشور: ۲۸/ ۲۹۸- ۲۹۹.

پرسش: فایده بیان تقوا میان احکام طلاق چیست؟

۲ ﴿ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾

از کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، نام برد؛ زیرا فقط چنین فردی از آن فایده می‌برد. شوکانی: ۵/ ۲۴۱.

پرسش: چرا بیان شد که فقط انسان مؤمن، پند می‌گیرد؟

۳ ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾

کسی که تقوای الهی را رعایت نکند، در سختی‌ها و گرفتاری‌هایی می‌افتد که نمی‌تواند خودش را از آن‌ها و پیامدهای‌شان نجات دهد. مثلا در موضوع طلاق- اگر بنده تقوای الهی را در این زمینه رعایت نکند و به شکل ممنوع و حرام آن را انجام دهد- به مانند سه طلاق و امثال آن- قطعا پشیمان خواهد شد و نخواهد توانست آن را جبران کند و خودش را از پیامدهایش نجات دهد. سعدی: ۸۷۰.

پرسش: کسی که تقوای الهی را رعایت نکند، حالاتش در سختی‌ها و بحران‌ها چگونه خواهد بود؟

۴ ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر ﴿يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ می‌گوید: یعنی او را از هر سختی و مصیبتی در دنیا و آخرت نجات می‌دهد. بنابر قولی: یعنی الله وی را به آن‌چه برایش روزی داده است، قانع می‌کند... کلبی می‌گوید: ... برای او راه خروجی از آتش به بهشت قرار می‌دهد... ربیع بن خثیم می‌گوید: ...یعنی از هر چیزی که بر مردم سخت و گران تمام شود. قرطبی: ۲۱/ ۴۲- ۴۳.

پرسش: منظور از ﴿مَخْرَجًا﴾ در آیه فوق چیست؟

۵ ﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾

برخی از علما گفته‌اند: روزی بر دو نوع است؛ رزقی که برای هر موجود زنده‌ای در طول عمرش تضمین شده است؛ یعنی غذایی که زنده‌ماندن وابسته به آن است و در این آیه، به همین نوع اشاره شده است: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ [هود: ۶]؛ «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این‌که روزی‌اش بر (عهدهٔ) الله است.» و رزقی که فقط برای پرهیزگاران وعده داده شده و در آیهٔ فوق ذکر شده است. ابن جزی: ۲/ ۴۵۶.

پرسش: بر اساس آیه، رزق و روزی بر دو نوع است، این دو نوع را نام ببرید.

۶ ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾

چون الله تعالی فرموده است که انسان متوکل را کفایت و حمایت می‌کند، شاید این گمان پیش آید که به محض توکل، باید کفایت و حفاظت الهی حاصل شود، ولی الله فرمود: ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ یعنی هر چیزی وقت معینی دارد و در همان موقع شکل می‌گیرد، پس نباید انسان متوکل عجله کند و بگوید: توکل و دعا کردم، اما نتیجه‌ای نگرفتم و مورد کفایت و حفاظت قرار نگرفتم؛ زیرا الله در وقتی که مقدر کرده است، فرمانش را اجرا می‌کند. ابن قیم: ۳/ ۱۶۵.

پرسش: چرا در پایان آیه، جمله ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ آمد؟

۷ ﴿ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾

﴿وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾: به سبب عمل و تقوایش، به او پاداش می‌دهد و یکی از موارد افزایش پاداشش این است که الله وی را به بهشت می‌برد و تا ابد در آن‌جا می‌ماند. طبری: ۲۳/ ۴۵۶.

پرسش: بیان کنید که چگونه الله تعالی پاداش فرد پرهیزگار را افزایش می‌دهد؟

سورة (الطلاق) الجزء (۲۸) صفحة (۵۵۹)

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا۟
عَلَيْهِنَّ ۚ وَإِن كُنَّ أُو۟لَٰتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا۟ عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَإِنْ
أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأْتَمِرُوا۟ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِن
تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُۥٓ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾ لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ ۖ وَمَن
قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا
مَآ ءَاتَىٰهَا ۚ سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ
عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا
نُّكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ
لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ قَدْ أَنزَلَ
ٱللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَّسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَمَن يُؤْمِنۢ
بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزْقًا ﴿١١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ
وَمِنَ ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًۢا ﴿١٢﴾

ترجمه آیات

آنان [= زنان مطلقه] را در حد توان خود، هر جا که خودتان سکونت دارید [و در توانایی شماست] سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید تا [عرصه را] بر آنان تنگ کنید [و پیش از پایان عده، به ترک منزل مجبور شوند]؛ و اگر باردار هستند، نفقهٔ آنها را بدهید تا وضع حمل کنند. اگر [فرزندتان را] برای شما شیر می‌دهند، مزدشان را بپردازید و [این کار را] به نیکی و با مشورت یکدیگر انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری [به درخواست شوهر،] او را شیر دهد. (۶) کسانی که دارا [و ثروتمند] هستند، باید از دارایی [و ثروت] خود [بر زن مطلقه و فرزندش] خرج کنند، و کسی که تنگدست است، باید از آنچه که الله به او داده [و در توانش است] خرج کند. الله هیچ کس را جز به آن اندازه که به او [توان] داده است مکلّف نمی‌کند. الله به زودی بعد از سختی [و تنگدستی،] آسانی [و گشایش] قرار می‌دهد. (۷) چه بسیار [اهالی] شهرها که از فرمان پروردگارشان و [فرمان] پیامبرانش سرپیچی کردند؛ ما به شدت از آنها حساب کشیدیم و آنها را به عذابی سخت [و سهمناک] عذاب کردیم. (۸) پس آنان کیفر کار خود را چشیدند، و سرانجامِ کارشان زیان بود. (۹) الله عذاب سختی برایشان مهیّا کرده است؛ پس ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید. همانا الله ذکر [= قرآن] را به سوی شما نازل کرده است. (۱۰) [و نیز] پیامبری [فرستاده] که آیات روشن الله را بر شما می‌خوانَد، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورَد؛ و هر کس به الله ایمان آورَد و کار شایسته انجام دهد، [الله] او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. به راستی الله رزق و روزی‌اش را نیکو گردانیده است. (۱۱) الله است که هفت آسمان را آفرید و از زمین [نیز] همانند آنها را [آفرید]؛ و فرمان [الله] پیوسته در میان آنها نازل می‌شود، تا بدانید که الله بر همه چیز تواناست، و اینکه علم الله بر همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا۟ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ﴾
الله تعالی معروف را به صورت نکره آورد تا زن به حد استطاعت راضی شود. این امر، نشانهٔ رعایت انصاف در برابر دیگران و مخالفت با نفس و اعتراف به حق است. بقاعی: ۲۰/ ۱۶۱.
پرسش: چرا واژه ﴿مَعْرُوفٍ﴾ در این آیه، به صورت نکره آمد؟

۲ ﴿وَأْتَمِرُوا۟ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُۥٓ أُخْرَىٰ﴾
مشورت به نیکی نشان می‌دهد که عرف در این باره نقش دارد، چنان‌که صراحتا هشدار داده شده است که کسی از والدین، بر اثر فرزندش متضرر نشود و تفاهم میان همسران پس از جدایی، در تمامی امور - فرقی نمی‌کند که در مورد شیردهی یا سایر موارد باشد- بر اساس نیکی، بخشش و احسان باشد؛ تا حق خویشاوندی قبلی رعایت شود و هرگز فضل و احسان میان خود را فراموش نکنید. شنقیطی: ۸/ ۲۱۶.
پرسش: حکم و آداب اسلام پس از طلاق، چیست؟

۳ ﴿لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا ۚ سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾
﴿لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ﴾: فرمان داد که هر یک با توجه به شرایطش نفقه دهد، شوهر را به آن‌چه در توانش نیست، مکلف نکرد و حقوق زن را نیز نادیده نگرفت، بلکه اعتدال رعایت شد. این آیه نشان می‌دهد که نفقه بر اساس احوال مردم، متفاوت می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۴۵۹.
پرسش: در این آیه یکی از موارد آسانگیری و رفع حرج و موانع بیان شده است، آن را نام ببرید.

۴ ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾
کسی که خار بکارد، گل برداشت نمی‌کند. کسی که حقوق الله را تباه کند، از حقوق خودش محروم می‌گردد، و کسی که با امر الله مخالفت کند، باید سختی عقوبت و مجازاتش را نیز تحمل کند. بقاعی: ۲۰/ ۱۶۷.
پرسش: عذاب روستا یا جامعه‌ای که از فرمان پروردگارش سرپیچی کند، چیست؟

۵ ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾
یعنی اهل آن را مورد محاسبه قرار دادیم. بنابر قولی: منظور حساب در آخرت است، و نیز عذاب مذکور پس از آن. بنابر قولی: هدف، در دنیاست، که این بهتر است؛ چون پس از آن، عذاب آخرت را بیان می‌کند: ﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾، یا برای این‌که ﴿فَحَاسَبْنَٰهَا﴾ و ﴿عَذَّبْنَٰهَا﴾ به صورت فعل ماضی بیان شده است... بنابراین ﴿فَحَاسَبْنَٰهَا﴾: یعنی آنان را بر اثر گناهان‌شان گرفتیم و هیچ یک از گناهان صغیرهٔشان را نبخشیدیم، و «عذاب» یعنی عذاب‌شان در دنیا، و «نُکر» یعنی عذابی شدید و بی‌نظیر. ابن جزی: ۲/ ۴۵۹.
پرسش: چه موقع عذاب روستاها و جامعه‌های گنهکار فرا می‌رسد؟

۶ ﴿فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟﴾
ای خردمندانی که آیات و نشانه‌های الله را درک می‌کنید! الله افراد پیشین را به سبب تکذیب‌شان هلاک کرد، نسل‌های بعدی نیز این‌گونه‌اند و هیچ تفاوتی میان‌شان نیست، و قطعا الله آنان را نیز در صورتی که تکذیب کنند، هلاک خواهد کرد. سعدی: ۸۷۲.
پرسش: چرا پس از بیان ماجرای روستایی که عذاب الله بر ساکنانش نازل شد، از تقوا سخن گفت؟

۷ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ وَمِنَ ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾
معناشناسان می‌گویند: تدبیر الله تعالی در این زمینه بسیار عجیب است، که باران را می‌فرستد و گیاه را بیرون می‌آورد، شب و روز و تابستان و زمستان را می‌آورد، و حیوانات را با تفاوت در شکل‌ها به وجود می‌آورد و احوال‌شان را تغییر می‌دهد. بغوی: ۴/ ۴۲۲.
پرسش: هدف از ﴿يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مِّن وُجْدِكُمْ	به قدر وسع و توان‌تان.
أُو۟لَٰتِ	صاحب.
وَأْتَمِرُوا۟	یکدیگر را امر کنید.
بِمَعْرُوفٍ	با جوانمردی و رضایتی که مرسوم است.
تَعَاسَرْتُمْ	در شیردادن با یکدیگر اختلاف کردید؛ یعنی پدر از پرداخت اجرت و مادر از شیردادن خودداری کرد.
قُدِرَ	محدود شده است.
عَتَتْ	نافرمانی و سرکشی کرد.
وَبَالَ أَمْرِهَا	سرانجامِ بدِ تکبر و کفرشان.

عمل به آیات

۱. امروز، فردی را از یک کار منکر باز دار، ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا﴾

۲. هدایت و تقوا را از الله بخواه، ﴿فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

۳. بخشی از قرآن را برای برخی از برادران و خویشاوندانت تلاوت کن، ﴿رَّسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ﴾

رهنمودها

۱. نهی از ضرر رساندن و اذیت‌کردن، ﴿وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا۟ عَلَيْهِنَّ﴾

۲. تفکر در نزول عقوبت‌ها بر کسانی که طغیان کردند و تکبر ورزیدند، ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا﴾

۳. فقط کاری را انجام بده که در توان توست، ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا﴾

سُورَةُ التَّحۡرِيمِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَۖ تَبۡتَغِي مَرۡضَاتَ أَزۡوَٰجِكَۚ وَٱللَّهُ
غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١ قَدۡ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمۡ تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡۚ وَٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ
ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٢ وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا فَلَمَّا
نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖۖ فَلَمَّا
نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتۡ مَنۡ أَنۢبَأَكَ هَٰذَاۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ٣ إِن
تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدۡ صَغَتۡ قُلُوبُكُمَاۖ وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيۡهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ
هُوَ مَوۡلَىٰهُ وَجِبۡرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ
ظَهِيرٌ ٤ عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبۡدِلَهُۥٓ أَزۡوَٰجًا خَيۡرٗا مِّنكُنَّ
مُسۡلِمَٰتٖ مُّؤۡمِنَٰتٖ قَٰنِتَٰتٖ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٖ سَٰٓئِحَٰتٖ ثَيِّبَٰتٖ
وَأَبۡكَارٗا ٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا
وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ
لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَا تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡ	گشودن سوگندهای‌تان با ادای کفارهٔ آن‌ها.
مَوۡلَىٰكُمۡ	یاور شما و متولی امورتان.
بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ	حفصه دختر عمر رضي الله عنهما.
وَأَظۡهَرَهُ	او را آگاه کرد.
عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ	حفصه رضي الله عنها را از بخشی از آن‌چه به او خبر داده شده بود آگاه کرد.
صَغَتۡ قُلُوبُكُمَا	به دوست‌داشتن افشای راز پیامبر ﷺ که او آن را نمی‌پسندید مایل شد.
سَٰٓئِحَٰتٖ	زنان روزه‌دار.

عمل به آیات

۱. مقاله یا پیامی بنویس و در آن بیان کن که گناهان سبب مشکلات خانوادگی هستند، ﴿عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبۡدِلَهُۥٓ أَزۡوَٰجًا خَيۡرٗا مِّنكُنَّ مُسۡلِمَٰتٖ مُّؤۡمِنَٰتٖ﴾

۲. یک روز برای رضای الله روزه بگیر، ﴿سَٰٓئِحَٰتٖ﴾

۳. پیامی به خانواده‌ات بده و آن‌ها را نصیحت کن و هدفت حفاظت آنان از عذاب جهنم باشد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ﴾

رهنمودها

۱. وقتی کسی را سرزنش کردی، تمامی گناهانش را برایش بازگو نکن تا مبادا وی را نااُمید گردانی، ﴿عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾

۲. گرامیداشتِ پیامبر ﷺ و توجه الله به او، ﴿فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوۡلَىٰهُ وَجِبۡرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ﴾

۳. چشم‌پوشی از برخی لغزش‌های برادرانت، نشانهٔ بزرگواری توست، ﴿فَلَمَّا نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾

سورهٔ تحریم

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای پیامبر، چرا چیزی را که الله بر تو حلال کرده است، به خاطر راضی‌کردن همسرانت [بر خود] حرام می‌کنی؟ و [بدان که در همه حال،] الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱) به راستی که الله شکستن سوگندهایتان را [با دادن کفّاره] بر شما روا داشته است؛ و الله دوستدار [و کارساز] شماست و او دانای حکیم است. (۲) و [به یاد آور] آنگاه که پیامبر با یکی از همسرانش رازی را در میان نهاد، و [آن همسر] آن راز را [به همسر دیگر] خبر داد و الله او [= پیامبر] را از آن [افشای راز] آگاه کرد، [پیامبر] قسمتی از آن [رازگویی] را [برای همسر رازگویش] بازگو کرد و از [بازگویی] قسمتی [دیگر] خودداری نمود؛ هنگامی که [پیامبر] او را از آن[چه که ذکر کرده بود] باخبر ساخت، [آن زن] گفت: «چه کسی تو را از این امر باخبر کرده است؟» [پیامبر] گفت: «[الله] دانای آگاه مرا باخبر ساخته است». (۳) [شما ای دو همسر پیامبر،] اگر به درگاه الله توبه کنید [به سود شماست]؛ بی‌گمان، دل‌هایتان [از حفظ سرّ که پیغمبر دوست می‌داشت] منحرف گشته است، و اگر شما دو نفر علیه او همدست [و متفق] شوید، [بدانید] که الله دوست و یاورِ اوست و [نیز] جبرئیل و مردمان شایسته ـ از مؤمنان و فرشتگان‌ـ [نیز] بعد از آن، پشتیبان [و مددکار او] هستند. (۴) چه بسا اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی اعم از بیوه و دوشیزه بهتر از شما برایش جایگزین کند [که] زنانی مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه‌کار، عبادتگر [و] روزه‌دار باشند. (۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزمِ آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید؛ [آتشی که] فرشتگانِ خشن و سختگیر بر آن، [گمارده شده‌اند] که هرگز از الله در [مورد] آنچه به آنان فرمان داده، نافرمانی نمی‌کنند، و هر چه فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (۶) [و در روز قیامت به کافران گفته می‌شود:] ای کسانی که کافر شده‌اید، امروز عذرخواهی نکنید. فقط در برابر آنچه [در دنیا] می‌کردید جزا داده می‌شوید. (۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَدۡ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمۡ تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡۚ وَٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

﴿ٱلۡعَلِيمُ﴾: می‌داند که چه چیزی به صلاح شماست و آن را برای‌تان مشروع کرده است، ﴿ٱلۡحَكِيمُ﴾: در اعمال و احکامش ستوده است، پس بر اساس حکمت، به شما فرمان می‌دهد و از کاری منع می‌کند. آلوسی: ۱۴/ ۳۴۵.

پرسش: نام ﴿ٱلۡعَلِيمُ﴾ و ﴿ٱلۡحَكِيمُ﴾ در پایان این آیه، بیانگر چه مطلبی است؟

۲ ﴿وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا﴾

بر اساس این آیه، انسان می‌تواند برخی از اسرار و سخنانش را پنهان کند و به همسر یا رفیق مورد اعتمادش بگوید، ولی بر همسر و رفیق لازم است که آن را مخفی نگه دارند. آلوسی: ۱۴/ ۳۶۴.

پرسش: اگر پنهان‌کردن برخی از سخنان به قصد خیر باشد، چه حکمی دارد؟

۳ ﴿وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا فَلَمَّا نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾

در برخی موارد، سرزنش‌نکردن بیشتر باعث شرم و خجالت فرد خاطی می‌شود و باعث می‌گردد که توبه کند و دیگر مرتکب گناه نشود. ﴿وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾: یعنی: در مورد همبستری با کنیز؛ چون پیامبر ﷺ لطف کرد و نخواست وی را زیاد سرزنش کند و حیا و خوش‌رفتاری نمود. حسن می‌گوید: انسان شریف هرگز دیگران را زیاد نکوهش و سرزنش نمی‌کند. سفیان ثوری می‌گوید: چشم‌پوشی همیشه صفت بزرگان بوده است. بقاعی: ۲۰/ ۱۸۶.

پرسش: از عبارت ﴿عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾، چه نتیجه‌ای به دست می‌آید؟

۴ ﴿وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾

اعراض پیامبر ﷺ از این‌که بخشی از سخنانی را که همسرش فاش کرده بود، بگوید، نشانهٔ اخلاق والای او بود. سفیان می‌گوید: چشم‌پوشی، همواره خصلت بزرگان است. حسن می‌گوید: انسان بزرگوار هرگز کسی را زیاد سرزنش نمی‌کند و اگر سرزنش، بیش از حد گردد، تبدیل به سرکوفت و طعنه می‌شود. ابن عاشور: ۲۸/ ۳۵۳.

پرسش: گاهی اوقات، چشم‌پوشی از صفات بزرگان است، این مطلب را با توجه به جمله ﴿وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖ﴾، بیان کنید؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: یعنی با دست‌کشیدن از آن‌چه الله نهی کرده است و عمل به دستورات او... یعنی آنان را به خیر فرمان دهید، از بدی نهی کنید، آنان را تعلیم دهید و ادب کنید. بغوی: ۴/ ۴۳۰.

پرسش: انسان چگونه می‌تواند خود و خانواده‌اش را از آتش جهنم حفاظت کند؟

۶ ﴿نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ﴾

الله تعالی آتش را با این ویژگی‌ها توصیف کرد تا بندگانش را از این‌که بدان بی‌توجه باشند، برحذر دارد. سعدی: ۸۷۴.

پرسش: چرا الله آتش را با این ویژگی‌ها توصیف کرد؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

از آن‌جا که لازم است امت اسلام ادب با پیامبر ﷺ را بیش از ادب با دیگران رعایت کند، کسی که بخواهد در این زمینه ایجاد بی‌نظمی کند، عملش کفر به شمار می‌رود، بنابراین چنین افرادی مستحق آتش جهنم هستند. پس تقدیر آیه چنین است: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾: ای کسانی که با ایجاد بی‌نظمی در رعایت ادب با رسول الله ﷺ کافر گشتید و باعث شد که نسبت به الله و سایر مخلوقات نیز بی‌ادب شوید... . بقاعی: ۲۰/ ۱۹۹.

پرسش: بی‌ادبی نسبت به پیامبر ﷺ چه حکمی دارد؟

سورة (التحريم) الجزء (٢٨) صفحة (٥٦١)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ
أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَآ
أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ
وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٩ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا
لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ
عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا
مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ١٠
وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ
قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ
وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١١ وَمَرۡيَمَ ٱبۡنَتَ
عِمۡرَٰنَ ٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا
وَصَدَّقَتۡ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ ١٢

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی الله توبه کنید؛ توبه‌ای خالصانه. امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما بزداید و شما را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ [در] روزی که الله، پیامبر و کسانی را که همراه او ایمان آورده‌اند، خوار نمی‌کند. نورشان پیشاپیش آنان و سمت راستشان [بر روی صراط] در حرکت است؛ می‌گویند: «پروردگارا، نور ما را به تمام [و کمال] برسان [که وارد بهشت شویم] و ما را بیامرز. بی‌گمان، تو بر هر چیز توانایی». (۸) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر، و جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد جایگاهی است! (۹) الله برای کسانی که کافر شده‌اند، همسر نوح و همسر لوط را مَثَل زده است که آن دو در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند؛ و به آن دو خیانت کردند، و [آن دو بندهٔ صالح] نتوانستند چیزی از [عذاب] الله را از آن دو [زن] دفع کنند؛ و [به آنها] گفته شد: «همراه واردشوندگانِ به آتش [جهنم، شما نیز] وارد شوید». (۱۰) الله برای کسانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون [= آسیه] را مَثَل زده است؛ هنگامی که گفت: «پروردگارا، نزد خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بده، و مرا از قوم ستمگر رهایی بخش». (۱۱) و [نیز] مریم ـ دختر عمران ـ را [مَثَل زده است] که شرمگاه خویش را [پاک] نگه داشت؛ و ما از روح[ی از جانب] خود در آن دمیدیم و [او] کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا﴾

قرطبی می‌گوید: توبه نصوح چهار شرط دارد: استغفار زبانی، دست‌کشیدن از گناه با اعضا، تصمیم قطعی و قلبی بر بازنگشتن به گناه، دوری از دوستان ناباب و بد. بغوی: ۴/ ۴۳۰- ۴۳۱.

پرسش: توبه نصوح چیست؟

۲ ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ﴾

سخت‌گرفتن بر کافران و منافقان نشانهٔ نرمی و خوش‌رفتاری برای رضای الله است، چنان‌که نرمی با اهل الله برخاسته از خشیت الهی است. ابتدا الله سبحانه فرمان داد که با آنان به نرمی رفتار کند تا عذر و بهانه‌ای برای‌شان باقی نماند، ولی هنگامی که نرمی به اوج خود رسید، فرمان به شدت و خشونت داد. بقاعی: ۲۰/ ۲۰۶.

پرسش: در چه صورتی به انسان دستور داده می‌شود که علیه کافران و منافقان، با شدت رفتار کند؟

۳ ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ﴾

مشخص است که منافقان کافرند، بنابراین جهاد رسول الله ﷺ علیه کافران، با شمشیر و علیه منافقان، با قرآن بود، چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «لِئَلَّا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ» [صحیح بخاری: ۴۹۰۵ و ۴۹۰۷؛ صحیح مسلم: ۲۵۸۴] «برای این‌که مردم نگویند که محمد ﷺ یارانش را می‌کشد.» اما جهاد با قرآن هم کمتر از جهاد با شمشیر نبود؛ زیرا به گونه‌ای در ترس و تنگنا قرار داشتند که هر فریادی را علیه خود می‌پنداشتند و دل‌های‌شان آشفته و فرسوده شده بود، گویی که چوب‌هایی تکیه‌داده شده به دیوار بودند، که این کار بر آنان سخت‌تر از مبارزه با شمشیر بود، و علم همه‌چیز نزد الله تعالی است. شنقیطی: ۸/ ۲۲۳.

پرسش: تفاوت جهاد علیه کافران و جهاد علیه منافقان را بیان کنید.

۴ ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ﴾

الله این ضرب المثل را بیان کرد تا اشاره کند که در آخرت هیچ خویشاوند و قومی به کسی فایده نمی‌رساند در صورتی که دین، آن‌ها را از یکدیگر جدا کرده باشد. قرطبی: ۲۱/ ۱۰۲.

پرسش: منظور از بیان این مَثَل چیست؟

۵ ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

این مَثَل بیان می‌کند که ارتباط مؤمن با کافر، ضرری به او نمی‌رساند اگر در کفر و عملش از وی جدا باشد، بنابراین گناه دیگران، در آخرت ضرری به مؤمن فرمانبردار نمی‌رساند، هر چند در دنیا به سبب عقوبتی که بر ساکنان سرزمینی که امر الهی را نادیده گرفته‌اند می‌رسد، انسان مؤمن نیز متضرر می‌شود و این نوع عذاب همگی را در بر می‌گیرد، پس ارتباط همسر فرعون، ضرری به او نرساند، هر چند فرعون کافرترین فرد بود. ابن قیم: ۳/ ۱۷۰.

پرسش: اگر فرد مؤمنی مجبور به ارتباط با کافر شد، چه کاری بر وی واجب است؟

۶ ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ﴾

علما می‌گویند: همسایه را قبل از خانه انتخاب کرد. ابن کثیر: ۴/ ۳۹۴.

پرسش: چرا همسر فرعون ﴿عِندَكَ﴾ را بر ﴿بَيۡتٗا﴾ مقدم کرد؟

۷ ﴿وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

این آیه نشان می‌دهد که پناه‌بردن به الله و درخواست نجات از او به هنگام مشکلات و مصیبت‌ها، ویژگی و روش صالحان و پیامبران بوده و این مطلب در قرآن کریم، بسیار آمده است. آلوسی: ۱۴/ ۳۵۸.

پرسش: در این آیه یکی از صفات صالحان بیان شده است، آن را نام ببرید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا	توبه‌ای راستین که توبه‌کننده گناه را تکرار نکند و قصد بازگشت به آن را نیز نداشته باشد.
لَا يُخۡزِي	خوار و عذاب نمی‌کند.
وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ	در جهاد با آنان خشن و سرسخت باش.
فَخَانَتَاهُمَا	با کفر و مخالفت در دین.
أَحۡصَنَتۡ	از زنا محفوظ و مصون داشت.
ٱلۡقَٰنِتِينَ	فرمانبرداران پروردگارشان.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه که توبه‌ای نصوح را نصیب تو گرداند، ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا﴾

۲. از الله بخواه که نوری در قلبت قرار دهد و گناهانت را ببخشاید، ﴿يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا﴾

۳. دو رکعت نماز نافله به صورت طولانی ادا کن، ﴿وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ﴾

رهنمودها

۱. نهایت تلاش در مبارزه علیه کافران و منافقان و سخت‌گرفتن بر آنان همان‌گونه که الله فرمان داده است، ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ﴾

۲. خویشاوندی و نزدیکی انسان به صالحان، هیچ فایده‌ای برای او ندارد تا زمانی که خودش صالح نباشد، ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا﴾

۳. تلاش و علاقه برای دعا هنگام مصیبت و مشکلات، ﴿إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

سُورَةُ المُلْكِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ
ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ
﴿٢﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ۖ مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن
تَفَٰوُتٍ ۖ فَٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ
يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ
ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
ٱلسَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ
﴿٦﴾ إِذَآ أُلْقُوا۟ فِيهَا سَمِعُوا۟ لَهَا شَهِيقًا وَهِىَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ
مِنَ ٱلْغَيْظِ ۖ كُلَّمَآ أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾
قَالُوا۟ بَلَىٰ قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ
إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا۟ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِىٓ أَصْحَٰبِ
ٱلسَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَٱعْتَرَفُوا۟ بِذَنۢبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١١﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
طِبَاقًا	بر روی یکدیگرند بدون این‌که با هم برخورد کنند.
فُطُورٍ	شکاف.
خَاسِئًا	خوار و ذلیل.
حَسِيرٌ	خسته و درمانده.
رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ	شهاب‌هایی سوزاننده علیه شیطان‌هایی که پنهانی به سخنان گوش می‌دهند.
شَهِيقًا	صدایی زشت.

عمل به آیات

۱. بگو: الهی! عملم را خالص و صحیح بگردان، سپس در هر آن‌چه انجام می‌دهی، پیرو سنت باش، ﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ﴾

۲. درباره آفرینش ستارگان تفکر کن، سپس الله را شکر گزار که شیاطین را از استراق سمع بازداشت تا مردم را به فتنه نیندازند، ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» [صحیح؛ سنن نسایی: ۱۳۰۵] «یا الله! من از تو می‌خواهم که ترس از خودت را در نهان و آشکار، نصیب من گردانی»، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾

رهنمودها

۱. تشویق بر تلاوت سوره ملک در هر شب، ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲. تعظیم الله تعالی در هر کاری، ﴿ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ۖ مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ ۖ فَٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾

۳. عقوبت مخالفت با پیامبران و عذاب و سرزنشی که الله علیه مخالفان‌شان آماده کرده است، ﴿قَالُوا۟ بَلَىٰ قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ كَبِيرٍ﴾

سورهٔ مُلک

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

پربرکت [و بزرگوار] است کسی که فرمانروایِیِ جهانِ هستی به دست اوست، و او بر همه چیز تواناست. (۱) [همان] ذاتی که مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است؛ و او پیروزمندِ بخشنده است. (۲) آن ذاتی که هفت آسمان را بر فرازِ یکدیگر آفرید. در آفرینشِ [الله] رحمان هیچ بی‌نظمی و خللی نمی‌بینی. بار دیگر نگاه کن؛ آیا هیچ شکاف [و نقصی] می‌بینی؟ (۳) بار دیگر [به عالم هستی] نگاه کن؛ [خلل و نقصی نخواهی دید و] چشمت در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی‌گردد. (۴) و به راستی ما آسمان دنیا را با چراغ‌ها آراستیم و آنها را برای راندن شیاطین قرار دادیم، و عذاب [آتش] سوزان را برایشان آماده ساختیم. (۵) و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب جهنم است؛ و چه بد جایگاهی است! (۶) هنگامی که در آن انداخته شوند، نعره‌ای [وحشتناک] از آن می‌شنوند، در حالی که می‌جوشد. (۷) از شدت خشم، نزدیک است [جهنم] پاره‌پاره شود. هر گاه گروهی در آن انداخته می‌شوند، نگهبانانش از آنان می‌پرسند: «آیا بیم‌دهنده‌ای به سراغتان نیامد؟» (۸) می‌گویند: «بله؛ بیم‌دهنده به سوی ما آمد، اما ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: «هرگز الله چیزی نازل نکرده است. شما جز در گمراهی بزرگ نیستید». (۹) و [باز] می‌گویند: «اگر ما می‌شنیدیم یا عقلمان را به کار می‌بردیم، در [زمرهٔ] دوزخیان نبودیم». (۱۰) اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری [از رحمت الله] بهرهٔ دوزخیان باد! (۱۱) بی‌گمان، کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند. (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

هر تدبیری از جانب الله است، آن‌چه را که بخواهد، با قدرت خویش ایجاد می‌کند، هیچ مانعی در برابر او وجود ندارد و به هیچ وجه، همتا و مانندی ندارد. بقاعی: ۲۰/ ۲۱۷.

پرسش: چرا دل‌ها با توکل به الله، آرام می‌گیرند؟

۲ ﴿ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ﴾

فضیل بن عیاض می‌گوید: یعنی عملی که خالص‌تر و صحیح‌تر باشد... زیرا عمل تا زمانی که خالصانه و درست نباشد، پذیرفته نمی‌شود. بغوی: ۴/ ۴۳۵.

پرسش: منظور از نیکویی عمل چیست؟

۳ ﴿ثُمَّ ٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾

دو بار فرمان به دیدن و نگاه‌کردن داد؛ چون انسان وقتی یک بار به چیزی می‌نگرد، عیبش را نمی‌بیند تا زمانی که دوباره به آن نگاه کند. قرطبی: ۲۱/ ۱۱۶.

پرسش: چرا الله دستور داد تا آدمی دو بار به آسمان‌ها بنگرد؟

۴ ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ﴾

قتاده می‌گوید: الله ستارگان را به سه هدف آفرید: برای این‌که باعث زینت آسمان‌ها باشند، مایهٔ سنگسار و راندن شیاطین گردند و برای این‌که مردم در تاریکی‌های خشکی و دریا، به‌وسیلهٔ آن‌ها راه‌شان را پیدا کنند. ابن جزی: ۲/ ۴۹۴.

پرسش: فواید ستارگان را بنویسید.

۵ ﴿تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلْغَيْظِ ۖ كُلَّمَآ أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾

این آیه نشان می‌دهد که الله هیچ‌کسی را با آتش عذاب نمی‌کند مگر پس از این‌که در دنیا وی را هشدار داده باشد. شنقیطی: ۸/ ۲۳۳.

پرسش: پرسش نگهبانان آتش از گروه‌های جهنمی، که می‌گویند: ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ بیانگر چه مطلبی است؟

۶ ﴿وَقَالُوا۟ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ﴾

تقدیم شنیدن بر فهمیدن و تعقل بدین سبب است که شنیدنِ دعوتِ هشداردهنده، اولین چیزی است که هشداردادہ‌شدگان دریافت می‌کنند، سپس عقل‌های‌شان را برای تدبر در آن به کار می‌اندازند. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۸.

پرسش: چرا شنیدن بر تعقل و فهمیدن مقدم شد؟

۷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾

مغفرت مقدم شد تا دل‌های‌شان آرام گیرد؛ چون آنان بر اثر کفر و لغزش‌های فراوانی که پیش از اسلام انجام دادند، ترس شدیدی از مؤاخذه داشتند، سپس بشارت مزد و پاداش فراوان به آنان می‌دهد، بنابراین این سخن بر اساس اصلِ: تخلیه پیش از تحلیه [آراسته‌شدن] بیان شده است. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۹.

پرسش: چرا در آیه فوق، مغفرت بر اجر بزرگ مقدم شد؟

ترجمه آیات

[خواه] گفتار خود را پنهان دارید یا آن را آشکار سازید، [به هر حال،] او به آنچه در دل‌هاست آگاه است. (۱۳) آیا کسی که [همهٔ موجودات را] آفریده است، [حالِ بندگان را] نمی‌داند؟ در حالی که او باریک‌بین و آگاه است. (۱۴) او ذاتی است که زمین را برای شما رام [و هموار] گردانید، پس در گوشه و کنارِ آن راه بروید و از روزیِ او بخورید؛ و بازگشت [همه] به سوی اوست. (۱۵) آیا خود را از [عذاب] ذاتی که در آسمان است، در امان می‌دانید، که [فرمان دهد] زمین شما را فرو بَرد و ناگهان به لرزش درآید؟ (۱۶) یا خود را از ذاتی که در آسمان است در امان می‌دانید، که طوفان شن بر شما فرستد؟ آنگاه به زودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است! (۱۷) همانا کسانی که پیش از آنان بودند [نیز دعوت پیامبران را] تکذیب کردند؛ پس [بنگر که] عقوبت من چگونه بود! (۱۸) آیا به پرندگانی که بر فرازِ سرشان است نگاه نکردند که [گاهی] بال‌هایشان را می‌گشایند و [گاهی] فرومی‌بندند؟ جز [الله] رحمان [کسی] آنها را [بر فرازِ آسمان] نگاه نمی‌دارد؛ بی‌گمان او به همه چیز بیناست. (۱۹) آیا این کسی که لشکر شماست، می‌تواند شما را در برابر الله یاری دهد؟ کافران جز در فریب [و غرورشان] نیستند. (۲۰) یا آن ذاتی که شما را روزی می‌دهد، اگر روزی‌اش را بازدارد، [چه کسی می‌تواند نیاز شما را تأمین کند؟] ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت، لجاجت می‌ورزند. (۲۱) آیا کسی که به رو افتاده [و نگونسار] حرکت می‌کند، به هدایت نزدیک‌تر است، یا کسی که راست و استوار بر راهِ راست گام برمی‌دارد؟ (۲۲) بگو: «او ذاتی است که شما را آفرید و گوش و چشمان و دل برایتان قرار داد؛ [اما شما] اندکی سپاسگزاری می‌کنید». (۲۳) بگو: «او ذاتی است که شما را در زمین پراکند، و به سوی او محشور می‌شوید». (۲۴) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده [قیامت] چه زمانی است؟» (۲۵) بگو: «علم [قیامت] تنها نزد الله است و من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکارم». (۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَسِرُّواْ قَوۡلَكُمۡ أَوِ ٱجۡهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾

یعنی با تمام نیت‌ها و اراده‌هایی که وجود دارد، پس سخنان و اعمالی که شنیده و دیده می‌شود، چگونه خواهد بود؟! سعدی: ۸۷۶.

پرسش: چرا در پایان این آیه آمد که الله به آن‌چه در سینه‌ها وجود دارد، آگاه است؟

۲ ﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ﴾

حجت را با دو نامی که مقتضی ثبوت آن‌هاست، تمام کرد؛ یعنی نام ﴿ٱللَّطِيفُ﴾: که آفرینش و حکمت الهی بی‌نهایت دقیق و ظریف است، به گونه‌ای که عقل‌ها از درک آن عاجزند. و ﴿ٱلۡخَبِيرُ﴾: که علمش به باطن و امور نهان اشیا می‌رسد همان‌گونه که از ظاهرشان باخبر است، پس چگونه امکان دارد که بر پروردگار لطیف و خبیر، آن‌چه در سینه‌ها و دل‌هاست، مخفی باشد؟! ابن قیم: ۳/ ۱۷۳.

پرسش: چرا این آیه با دو نام ﴿ٱللَّطِيفُ﴾ و ﴿ٱلۡخَبِيرُ﴾ به پایان رسید؟

۳ ﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ﴾

بدانید که سعی و تلاش شما هیچ فایده‌ای برای‌تان ندارد مگر این‌که الله آن را برای شما ممکن سازد و به همین سبب، می‌فرماید: ﴿وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ﴾؛ بنابراین تلاش منافاتی با توکل ندارد. ابن کثیر: ۴/ ۳۹۸.

پرسش: نسبت‌دادن روزی به ضمیری که مرجع آن «الله» است، بیانگر چه موضوعی است؟

۴ ﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ﴾

الله تعالی با بیان ﴿وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ﴾ هشدار می‌دهد که ما در دنیا، همواره و دائمی نخواهیم بود، بلکه رهگذریم و از این رو، شایسته نیست که آن را به عنوان قرارگاه و وطن دائمی انتخاب کنیم، بلکه وارد دنیا شده‌ایم تا برای سرای آخرت، توشه برگیریم؛ پس این‌جا محل عبور و نه قرارگاه شادمانی، و محل گذر و رفتن و نه وطن و جای ماندن است. ابن قیم: ۳/ ۱۷۴.

پرسش: چرا این آیه به ما فرمان داد تا از آن‌چه در زمین است، استفاده کنیم، سپس در پایان، موضوع رستاخیز را یادآور می‌شود؟

۵ ﴿ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخۡسِفَ بِكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ﴾

تهدید با فرو رفتن در زمین، بر تهدید با طوفان شن مقدم شد؛ چون فرو بردن در زمین، از حالات زمین است و سخن درباره احوال آن، در این‌جا مناسب‌تر است، بنابراین از روشی شبیه «نشر معکوس» استفاده شد. همچنین فرستادن طوفان شن بر آنان، جزای ناسپاسی و کفری بود که در برابر نعمت الهی که از زمین به آنان داده شده بود، مرتکب شدند، و در عبارت ﴿وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ﴾ به این نعمت اشاره شد؛ زیرا خاستگاه نعمت‌ها و ارزاق زمینی، برف و باران‌های آسمانی است، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ﴾ [الذاریات: ۲۲]؛ «و رزق (و روزی) شما، در آسمان است.» ابن عاشور: ۲۹/ ۳۶.

پرسش: چرا تهدید با فرو رفتن در زمین بر تهدید با طوفان شن مقدم شد؟

۶ ﴿أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

الله مَثَلی برای مؤمن و کافر زد: ﴿مُكِبًّا﴾؛ یعنی افتاده بر سرش، که به روبه‌رو و سمت راست و چپش نگاه نمی‌کند و چنین فردی ایمن از لغزش و افتادن بر چهره‌اش نیست، آیا همچون کسی است که ﴿يَمۡشِي سَوِيًّا﴾؛ درست راه می‌رود و به جلو و سمت راست و چپش توجه دارد؟! قرطبی: ۲۱/ ۱۲۹.

پرسش: الله این مَثَل را برای چه کسانی زده است؟

۷ ﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾

﴿قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾: یعنی این نعمت‌هایی را که الله بر شما ارزانی داشته است، خیلی کم در راه اطاعت و فرمانبرداری از دستورات او به کار می‌برید. ابن کثیر: ۴/ ۳۹۹.

پرسش: پایان‌یافتن آیه با عبارت ﴿قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾ بیانگر چه موضوعی است؟

سورة (الملك) الجزء (٢٩) صفحة (٥٦٣)

وَأَسِرُّواْ قَوۡلَكُمۡ أَوِ ٱجۡهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١٣ أَلَا
يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٤ هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ
ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ ١٥
ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخۡسِفَ بِكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ١٦
أَمۡ أَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ
كَيۡفَ نَذِيرِ ١٧ وَلَقَدۡ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ١٨
أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ فَوۡقَهُمۡ صَٰٓفَّٰتٖ وَيَقۡبِضۡنَۚ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا
ٱلرَّحۡمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءِۭ بَصِيرٌ ١٩ أَمَّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ جُندٞ لَّكُمۡ
يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ إِنِ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ٢٠ أَمَّنۡ هَٰذَا
ٱلَّذِي يَرۡزُقُكُمۡ إِنۡ أَمۡسَكَ رِزۡقَهُۥۚ بَل لَّجُّواْ فِي عُتُوّٖ وَنُفُورٍ ٢١ أَفَمَن
يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٖ ٢٢ قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ
وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٢٣ قُلۡ هُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ٢٥ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٢٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ذَلُولًا	نرم و هموار که بر آن استقرار می‌یابید.
مَنَاكِبِهَا	اطراف و جوانبش.
تَمُورُ	شما را به حرکت و لرزه می‌اندازد تا این‌که هلاک شوید.
حَاصِبًا	بادی که شما را با سنگ‌هایی کوچک می‌زند.
لَجُّوا	مداومت کردند و ادامه دادند.
نُفُورٍ	بدکرداری و دوری از حقیقت.

عمل به آیات

۱. بیندیش که چگونه الله این زمین را هموار و نرم قرار داد که بر روی آن راه می‌روی، سپس الله را به سبب این نعمت شکر کن، ﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ﴾

۲. با تفکر در پرندگان و نیفتادن آن‌ها، به قدرت الله پی ببر، سپس بگو: پاک است ذاتی که به هر چیزی، آفرینشش را داد و سپس آن را راهنمایی کرد، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ فَوۡقَهُمۡ صَٰٓفَّٰتٖ وَيَقۡبِضۡنَۚ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحۡمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءِۭ بَصِيرٌ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ مَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا» [حسن؛ ترمذی: ۳۵۰۲] «یا الله! ما را از شنوایی‌ها و بینایی‌ها و نیروی ما بهره‌مند کن»، و الله را به سبب این نعمت‌ها، شکر کن، ﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾

رهنمودها

۱. راه حق و راه باطل، با هم یکسان نیست، ﴿أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۲.از مؤمن درباره زمان قیامت سؤال نمی‌شود، ولی در برابر آماده‌شدن برای آن، مسئول است، ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

۳. سپردن علم به الله، ﴿قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾

سورتا (الملك، القلم) الجزء (٢٩) صفحة (٥٦٤)

فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓـَٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم
بِهِۦ تَدَّعُونَ ٢٧ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا
فَمَن يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٢٨ قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ
ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ
٢٩ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ ٣٠

سُورَةُ القَلَمِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ ١ مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُونٖ ٢ وَإِنَّ
لَكَ لَأَجۡرًا غَيۡرَ مَمۡنُونٖ ٣ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ ٤ فَسَتُبۡصِرُ
وَيُبۡصِرُونَ ٥ بِأَييِّكُمُ ٱلۡمَفۡتُونُ ٦ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ
عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ٧ فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ
٨ وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ ٩ وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ
١٠ هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ ١١ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢
عُتُلِّۭ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ١٣ أَن كَانَ ذَا مَالٖ وَبَنِينَ ١٤ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ
ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٥ سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ ١٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
رَأَوۡهُ زُلۡفَةً	عذاب الهی را نزدیک یافتند.
تَدَّعُونَ	از روی تمسخر، می‌خواهید که عذاب الهی فورا به شما برسد.
يُجِيرُ	حمایت می‌کند.
غَوۡرًا	در زمین بروید و با هیچ وسیله‌ای به آن نرسید.
مَمۡنُونٍ	ناقص و نه قطع‌شده.
تُدۡهِنُ	سازش و نرمی می‌کنی.
هَمَّازٍ	کسی که از مردم غیبت می‌کند.
عُتُلِّۭ	زشت، فرومایه و بسیار ناسپاس.
زَنِيمٍ	کسی که به غیر پدرش نسبت داده می‌شود.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه که باران را بفرستد، ﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ﴾

۲. الله را به سبب سه نعمتی که به تو داده است، شکر کن، ﴿مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُونٖ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ» [صحیح مسلم: ۷۷۱] «یا الله! مرا برای داشتن بهترین اخلاق راهنمایی کن.» ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ﴾

رهنمودها

۱. تشویق به داشتن اخلاق نیکو، ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ﴾

۲. هشدار علیه هر تکذیب‌کننده و رویگردان و مسخره‌کننده، ﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾

۳. برحذر داشتن از سازش و چاپلوسی در دین الهی، ﴿وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که آن [وعده و عذاب الهی] را از نزدیک ببینند، چهرهٔ کسانی که کافر شدند، سیاه و اندوهگین می‌گردد و [به آنان] گفته می‌شود: «این همان چیزی است که درخواست می‌کردید». (۲۷) [ای پیامبر،] بگو: «به من خبر دهید، اگر الله مرا و کسانی را که با من هستند، نابود کند یا بر ما رحمت آورد، کیست که کافران را از عذاب دردناک پناه دهد؟» (۲۸) بگو: «او [الله] رحمان است؛ به او ایمان آورده‌ایم و بر او توکل کرده‌ایم؛ [ای کافران،] به زودی خواهید دانست که چه کسی در گمراهیِ آشکار است». (۲۹) [ای پیامبر،] بگو: «به من خبر دهید اگر آب [آشامیدنیِ] شما [در زمین] فرو رود، چه کسی می‌تواند آب روان [و گوارا] برایتان بیاورد؟» (۳۰)

سورهٔ قلم

به نام الله بخشندهٔ مهربان

نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند، (۱) که تو [ای پیامبر،] به نعمت [و فضلِ] پروردگارت، دیوانه نیستی، (۲) و پاداشی بی‌پایان برای تو [درپیش] است؛ (۳) و یقیناً تو اخلاقِ بسیار نیکو و والایی داری. (۴) به زودی خواهی دید و آنها [نیز] خواهند دید (۵) که کدام یک از شما دیوانه است. (۶) پروردگارت بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه گشته، و او به هدایت‌یافتگان [نیز] داناتر است. (۷) پس از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن. (۸) آنها دوست دارند [و می‌خواهند] که نرمی [و مدارا] کنی، تا آنان [نیز] نرمی [و مدارا] کنند. (۹) و از هر فرومایه‌ای که بسیار سوگند [دروغ] یاد می‌کند، اطاعت مکن. (۱۰) [همان کسی که] بسیار عیبجوست و به سخن‌چینی آمد و شد می‌کند. (۱۱) و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است. (۱۲) به علاوه، خشن و بی‌تبار و بدنام است. (۱۳) به خاطر آن که صاحب مال و فرزندان بسیار است. (۱۴) هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: «[اینها] افسانه‌های [خیالی] گذشتگان است». (۱۵) به زودی داغ [ننگ و رسوایی] بر بینی او می‌نهیم. (۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَا﴾

ایمان شامل تصدیق و باور باطن و اعمال ظاهری و باطنی می‌شود و از آن‌جا که وجود و کمال اعمال مشروط بر توکل است، الله توکل را از میان سایر اعمال انتخاب کرد وگرنه این امر، داخل در ایمان بوده و از لوازم آن به شمار می‌رود. سعدی: ۸۷۸.

پرسش: توکل داخل در ایمان است، پس چرا الله آن را از میان سایر اعمال، نام برد؟

۲ ﴿قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾

﴿وَعَلَيۡهِ﴾: فقط بر او تعالی ﴿تَوَكَّلۡنَا﴾: چون هیچ‌چیزی در اختیار و دست غیر الله نیست وگرنه، اگر کسی چنین اختیاری می‌داشت، می‌توانست به فردی که الله اراده عذاب او را کرده است، رحم کند یا کسی را که الله قصد رحمت و مغفرت او را کرده است، عذاب برساند، بنابراین رحمت و مصیبتی که توسط مخلوقات حاصل می‌شود، در حقیقت الله آن‌ها را اجرا می‌کند. بقاعی: ۲۰/ ۲۷۰.

پرسش: چرا فقط بر الله توکل می‌کنیم؟

۳ ﴿نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ﴾

علت سوگندخوردن به قلم، شرافتش است؛ زیرا با آن نوشته می‌شود و کتاب‌های مقدس با آن نوشته شده است و نیز کتاب‌های تربیتی و اخلاقی و علوم بدین‌وسیله نگاشته می‌شود، و تمامی این موارد نزد الله دارای ارزش و شرافت است. ابن عاشور: ۲۹/ ۶۰.

پرسش: چرا الله به قلم قسم یاد کرد؟

۴ ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ﴾

در این آیه تهدیدی علیه گمراهان و وعده‌ای برای هدایت‌شدگان وجود دارد. سعدی: ۸۷۹.

پرسش: آگاهی و اطلاع الله از گمراهان و هدایت‌یافتگان، بیانگر چه مطلبی است؟

۵ ﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾

نهی از اطاعت از فرد، به طریق اولی بیانگر نهی از تشبه به اوست؛ بنابراین از فرد تکذیب‌گر و کسی که زیاد سوگند بخورد، اطاعت نمی‌شود و به مانند رفتار آنان نیز عمل نمی‌گردد. ابن تیمیه: ۶/ ۳۷۰.

پرسش: آیه فوق انسان را از تشبیه به فاسقان و بدکاران باز می‌دارد، این موضوع را توضیح دهید؟

۶ ﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٨ وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ ٩ وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ١٠ هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ ١١ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢ عُتُلِّۭ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ﴾

اخلاق و رفتار از طریق همنشینی به دست می‌آید. بنابراین در آیه مذکور هشدار داده شده است که مبادا بر اثر معاشرت با این افراد، اخلاق آنان را فرا گیرید، پس باید که مواظب باشید؛ زیرا همنشینی و اختلاط با آن‌ها برای دعوتشان به سوی الله لازم است. ابن تیمیه: ۶/ ۳۷۰.

پرسش: نیاز است که انسان در دعوت گنهکاران، از یک چیز پرهیز کند، آن را بیان کنید؟

۷ ﴿وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ﴾

زیرا فرد دروغگو - به سبب ضعف و پستی‌اش - همواره و در هر موقعیتی به خود جرأت می‌دهد که با نام‌های الهی قسم یاد کند و باید که از این کار پرهیز شود. ابن کثیر: ۴/ ۴۰۴.

پرسش: چرا از پیروی از فردی که بسیار قسم می‌خورد، نهی شده‌ایم؟

ترجمه آیات

ما آنها را آزمایش کردیم، همان‌گونه که صاحبان باغ را آزمودیم؛ هنگامی که سوگند یاد کردند که صبحگاهان [که مستمندان نباشند،] میوه‌های باغ را بچینند. (۱۷) و[لی] «ان شاء الله» نگفتند. (۱۸) عذابی [فراگیر] از سوی پروردگارت بر [باغِ] آنها فرود آمد، در حالی که همه در خواب بودند. (۱۹) و آن باغ [سبز و خرم، پس از آتش‌سوزی] همچون شبِ سیاه شد. (۲۰) آنگاه صبحگاهان یکدیگر را ندا دادند (۲۱) که اگر می‌خواهید میوه بچینید، به سوی کشتزار [و باغ] خویش بروید. (۲۲) آنگاه [به سوی کشتزار] حرکت کردند، در حالی که آهسته با هم می‌گفتند: (۲۳) «[مراقب باشید] که امروز هیچ [نیازمند و] بینوایی در آن [باغ] وارد نشود!» (۲۴) و صبحگاهان با تصمیم جدی بر جلوگیری [از ورود مستمندان، به سمتِ باغ] بیرون شدند. (۲۵) اما هنگامی که آن [باغ] را دیدند، گفتند: «یقیناً ما [اشتباه آمده‌ایم و] راه را گم کرده‌ایم؛ (۲۶) [نه؛] بلکه ما [از حاصلِ آن] بی‌بهره و محروم هستیم». (۲۷) بهترین [و خردمندترین] آنان گفت: «آیا به شما نگفتم چرا [شکر و] تسبیح [الله را] نمی‌گویید؟». (۲۸) گفتند: «پروردگار ما پاک و منزّه است؛ مسلّماً ما ستمکار بودیم». (۲۹) آنگاه ملامت‌کنان به یکدیگر روی آوردند (۳۰) [و] گفتند: «وای بر ما که طغیانگر [و سرکش] بودیم! (۳۱) امیدواریم که پروردگارمان [ما را ببخشد و] در عوض، چیزی بهتر از آن [باغ] به ما دهد؛ [چرا که] بی‌گمان، ما به سوی پروردگار خود روی آورده‌ایم». (۳۲) عذاب [الله در دنیا] اینچنین است؛ و اگر می‌دانستند، عذاب آخرت مسلماً بزرگ‌تر [و بیشتر] است. (۳۳) به راستی برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغ‌های پرنعمت است. (۳۴) آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان [و گناهکاران] قرار می‌دهیم؟ (۳۵) شما را چه شده است؟ چگونه داوری می‌کنید؟ (۳۶) آیا شما کتابی [آسمانی] دارید که در آن [می‌خوانید و] فرامی‌گیرید؟ (۳۷) و [آیا] آنچه را انتخاب می‌کنید، در آن [کتاب] برای شما [نوشته شده] است؟ (۳۸) یا اینکه بر [عهدهٔ] ما عهد و پیمان استواری تا روز قیامت دارید که هر چه را حکم کنید، [حق] برای شما باشد؟ (۳۹) [ای پیامبر،] از آنها بپرس کدام‌یک از آنان در برابر این [ادعاها] متعهد است؟ (۴۰) و یا اینکه [معبودان و] شریکانی دارند؟ اگر راست می‌گویند، باید شریکان [و معبودان] خویش را بیاورند. (۴۱) روزی که [الله متعال برای داوری میان خلایق بیاید،] ساق [او تعالی که هیچ چیز مانند آن نیست] آشکار می‌گردد و [مردم] به سجده فراخوانده می‌شوند؛ ولی [کافران و منافقان] نمی‌توانند [سجده کنند]. (۴۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّا بَلَوْنَـٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَـٰبَ ٱلْجَنَّةِ﴾

ما این تکذیب‌کنندگان را با خیر آزمایش کردیم، به آنان مهلت دادیم و با آن‌چه از مال، فرزند، طول عمر و امثال آن که خواستیم و موافق با میل‌شان بود، کمک کردیم، نه بدین سبب که از نظر ما مورد احترام و گرامی بودند، بلکه به گونه‌ای که خودشان نمی‌فهمند، به آنان مهلت دادیم تا بر گناهان‌شان بیفزایند. سعدی: ۸۸۰.

پرسش: آیا ثروت و فقر نشانهٔ این است که الله بنده ثروتمند را دوست دارد و از فقیر بیزار است؟

۲ ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَآئِمُونَ﴾

پیش از این‌که صدقه ندهند، آنان را عذاب کردیم؛ زیرا تصمیم‌شان بر ندادن صدقه بود و ثابت شد که مانعان زکات هستند. در این آیه، پند و عبرت برای کسانی است که دیگران را به‌وسیله اموال‌شان کمک نمی‌کنند. ابن عاشور: ۲۹/ ۸۲.

پرسش: چرا در عقوبت صاحبان باغ به محض این‌که تصمیم به ندادن صدقه گرفتند، تعجیل شد؟

۳ ﴿وَغَدَوْاْ عَلَىٰ حَرْدٍ قَـٰدِرِينَ﴾

آنان تصمیم گرفتند که به مساکین صدقه ندهند و خواستند که آنان را محروم کنند با وجود این‌که می‌توانستند به فقیران فایده برسانند، بنابراین در حالی صبح کردند که توانا بر منع و محروم‌کردن نبودند. آلوسی: ۱۵/ ۳۶.

پرسش: چه چیزی باعث شد که صاحبان باغ مذکور، از فواید آن محروم شوند؟

۴ ﴿بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ﴾

چون مساکین را محروم کردیم و إن‌شاءالله را ترک کردیم، محروم شدیم. بغوی: ۴/ ۴۵۱.

پرسش: چرا از این خیر محروم شدند؟

۵ ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾

﴿أَوْسَطُهُمْ﴾: بهترین و نزدیک‌ترین‌شان به خیر؛ یکی از آن سه برادر. وسط، بر بهتر و برتر اطلاق می‌گردد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَـٰكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ [البقرة: ۱۴۳]؛ «و همچنین شما را امت میانه قرار دادیم.» و نیز فرموده است: ﴿حَـٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلْوُسْطَىٰ﴾ [البقرة: ۲۳۸]؛ «بر (به جای آوردن) نمازها و (به‌خصوص) نماز میانه (نماز عصر) محافظت کنید.» ابن عاشور: ۲۹/ ۸۶.

پرسش: چرا از «أوسَط» آنان نام برده شد؟

۶ ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّـٰتِ ٱلنَّعِيمِ﴾

نزدیک‌بودن این افراد به الله، دلالت بر رضایت او تعالی از آنان می‌کند، و رضایت صاحب خانه پیش از نگاه به خانه ضروری است. بقاعی: ۲۰/ ۳۱۷.

پرسش: عبارت ﴿عِندَ رَبِّهِمْ﴾ بیانگر چه مطلبی است؟

۷ ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾

بر عکس آن‌چه در دنیا بودند، عذاب می‌شوند؛ در دنیا فرا خوانده شدند که سجده کنند، اما با وجود صحت و سلامتی‌شان، سجده نکردند، در آخرت نیز توان انجام این کار را ندارند وقتی که الله تعالی حاضر می‌شود و مؤمنان برایش سجده می‌کنند و هیچ یک از کافران و منافقان نمی‌توانند سجده کنند، بلکه پشتِ هر یک از آنان صاف و بدون حرکت می‌ماند. ابن کثیر: ۴/ ۴۰۷.

پرسش: چرا در آن روز، از سجده منع می‌شوند؟

سورة (القلم) الجزء (۲۹) صفحة (٥٦٥)

إِنَّا بَلَوْنَـٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَـٰبَ ٱلْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُواْ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا
يَسْتَثْنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ
كَٱلصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوْاْ مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنِ ٱغْدُواْ عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ
صَـٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَٱنطَلَقُواْ وَهُمْ يَتَخَـٰفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم
مِّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَغَدَوْاْ عَلَىٰ حَرْدٍ قَـٰدِرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ
﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ
﴿٢٨﴾ قَالُواْ سُبْحَـٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَـٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
يَتَلَـٰوَمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُواْ يَـٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَـٰغِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبْدِلَنَا
خَيْرًا مِّنْهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ ٱلْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ
أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّـٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٣٤﴾
أَفَنَجْعَلُ ٱلْمُسْلِمِينَ كَٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ لَكُمْ
كِتَـٰبٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَـٰنٌ عَلَيْنَا
بَـٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ ۙ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ
زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ فَلْيَأْتُواْ بِشُرَكَآئِهِمْ إِن كَانُواْ صَـٰدِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ
يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بَلَوْنَـٰهُمْ	آنان را آزمودیم.
لَيَصْرِمُنَّهَا	باید که میوه‌های باغش را بچینند.
فَطَافَ عَلَيْهَا	بر آن نازل شد و احاطه‌اش کرد.
طَآئِفٌ	آتشی که آن را سوزاند.
كَٱلصَّرِيمِ	همچون شب بسیار تاریک.
صَـٰرِمِينَ	اصرار بر چیدن میوه‌ها داشتند.
عَلَىٰ حَرْدٍ	بر هدف بدشان مبنی بر محروم‌کردن مساکین.
رَٰغِبُونَ	در جستجوی خیر.
تَخَيَّرُونَ	تمایل و رغبت دارید.
زَعِيمٌ	کفیل و ضامنی مبنی بر این‌که آن برای‌شان باشد.

عمل به آیات

۱. به یکی از مساکین صدقه بده، ﴿أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ﴾

۲. بگو: ﴿لَّآ إِلَـٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَـٰنَكَ إِنِّى كُنتُ مِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷]؛ «(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم.»، ﴿قَالُواْ سُبْحَـٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَـٰلِمِينَ﴾

۳. دو رکعت نماز ادا کن و سجده‌هایت را طولانی کن و از الله بخواه که ایستادنت را در برابر خودش نیک بگرداند، ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾

رهنمودها

۱. دنیا سرای مصیبت و امتحان است، ﴿إِنَّا بَلَوْنَـٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَـٰبَ ٱلْجَنَّةِ﴾

۲. اعتراف به گناه، ابتدای راه نجات است، ﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَـٰوَمُونَ﴾

۳. یادآوری و درک بزرگی عذاب برای تکذیب‌کنندگان و فراوانی نعمت برای پرهیزگاران، ﴿كَذَٰلِكَ ٱلْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ﴾

سورتا (القلم، الحاقة) الجزء (٢٩) صفحة (٥٦٦)

خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ
سَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم
مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ
أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ
﴿٤٧﴾ فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ نَادَىٰ
وَهُوَ مَكۡظُومٞ ﴿٤٨﴾ لَّوۡلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعۡمَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ
وَهُوَ مَذۡمُومٞ ﴿٤٩﴾ فَٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿٥٠﴾ وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ
ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الحَاقَّةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَآقَّةُ ﴿١﴾ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ وَعَادُۢ
بِٱلۡقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهۡلِكُواْ بِٱلطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٞ فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ
صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٖ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومٗاۖ فَتَرَى
ٱلۡقَوۡمَ فِيهَا صَرۡعَىٰ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٖ ﴿٧﴾ فَهَلۡ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٖ ﴿٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَرۡهَقُهُمۡ	آنان را می‌پوشاند.
مَكۡظُومٞ	سرشار از غم و اندوه.
لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ	قطعاً از شکم ماهی به زمینی فراخ و گسترده و نابودکننده افکنده می‌شد.
وَهُوَ مَذۡمُومٞ	در حالی که نکوهیده بود.
لَيُزۡلِقُونَكَ	به سبب دشمنی و کینه، با چشمان‌شان تو را به زمین بزنند.
عَاتِيَةٖ	بادی بسیار شدید.
حُسُومٗا	پیاپی، بدون این‌که سست و قطع شود.
أَعۡجَازُ نَخۡلٍ	تنه‌های درخت خرما.

عمل به آیات

۱. بر ادای نمازهای پنج‌گانه همراه جماعت مراقبت کن، ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ﴾

۲. مسلمانی را که بر انجام گناه اصرار می‌ورزد نصیحت کن و از هدایتش نومید نباش، ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ نَادَىٰ وَهُوَ مَكۡظُومٞ﴾

۳. عاقبت به‌خیری را از الله بخواه، ﴿سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٖ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومٗاۖ فَتَرَى ٱلۡقَوۡمَ فِيهَا صَرۡعَىٰ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٖ﴾

رهنمودها

۱. روز آخرت یادآوری شده است، ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞ﴾

۲. نباید در وقوع نتایجِ دعوت به سوی الله، عجله کرد، ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ﴾

۳. شرایط و عذاب‌های امت‌های پیشین بیان شده است، ﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهۡلِكُواْ بِٱلطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٞ فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ﴾

ترجمه آیات

[در حالی که] دیدگانشان [از ترس و ندامت] فرو افتاده و ذلت و خواری وجودشان را فراگرفته است؛ و یقیناً پیش از این [در دنیا] در حالی که تندرست بودند، به سجده فراخوانده می‌شدند. (۴۳) [ای پیامبر،] مرا با آن کسی که این سخن [= قرآن] را تکذیب می‌کند واگذار. ما آنان را اندک‌اندک [و] به گونه‌ای که درنیابند [و از جایی‌که متوجه نگردند]، به سوی عذاب خواهیم کشاند. (۴۴) و به آنها مهلت می‌دهم. بی‌گمان، مکر [و تدبیرِ] من استوار [و محکم] است. (۴۵) [ای پیامبر،] مگر تو از آنان مزدی درخواست می‌کنی که [از اداِی آن در رنجند و] برایشان سنگین است؟ (۴۶) یا [اسرار] غیب نزد آنهاست و آنان [آنچه را می‌گویند از روی آن] می‌نویسند. (۴۷) [ای پیامبر،] در برابر فرمان [و حکم] پروردگارت صبر کن، و مانند صاحبِ ماهی [= یونس] مباش که با دلی سرشار از خشم و اندوه، [الله را] ندا داد. (۴۸) اگر نعمت [و رحمتی] از سوی پروردگارش به یاری او نیامده بود، یقیناً در حالی که نکوهیده بود، [از شکم ماهی،] به صحرای خشکیده بیرون افکنده می‌شد. (۴۹) آنگاه پروردگارش او را برگُزید و از صالحان قرار داد. (۵۰) و [ای پیامبر،] نزدیک است کسانی که کافر شدند، هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را چشم‌زخم زنند؛ و [به خاطر خشم و حسدشان] می‌گویند: «قطعاً او دیوانه است»؛ (۵۱) در حالی که این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (۵۲)

سورۀ حاقّه

به نام الله بخشندۀ مهربان

[روزِ] واقع‌شدنی [رستاخیز] (۱) آن واقع‌شدنی چیست؟ (۲) و تو چه دانی آن واقع‌شدنی چیست [و چگونه است]؟ (۳) [قوم] ثمود و [قوم] عاد، [قیامتِ] درهم‌کوبنده را تکذیب کردند. (۴) و اما [قوم] ثمود، به بانگِ سهمگین هلاک شدند. (۵) و اما [قوم] عاد، با تندبادی سرکش و سرد به هلاکت رسیدند. (۶) [الله] هفت شب و هشت روز پیاپی آن [عذاب] را بر آنها مسلط نمود؛ پس [اگر آنجا بودی، آن] قوم را [در اثرِ آن تندباد،] مانند تنه‌های پوسیده و توخالی درختان خرما، بر زمین‌افتاده [و هلاک‌شده] می‌دیدی. (۷) آیا کسی از آنها را می‌بینی که باقی مانده باشد؟ (۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ﴾
انتساب خضوع و خواری به چشم‌ها به این دلیل است که اثر آن در چشم آشکار می‌گردد. شوکانی: ۵/ ۲۷۵.
پرسش: چرا خشوع به چشم‌ها اضافه شد؟

۲ ﴿وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ﴾
ابراهیم تیمی می‌گوید: نماز مکتوب با اذان و اقامه مورد نظر آیه است. سعید بن جبیر می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ» را می‌شنیدند اما اجابت نمی‌کردند. بغوی: ۴/ ۴۵۴.
پرسش: عبارت ﴿وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ﴾ به چه معناست؟

۳ ﴿فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ﴾
یعنی با اعطای مهلت و سلامتی پایدار و نعمت فراوان، آنان را به تدریج به عذاب خواهم افکند، چنان‌که خودشان ندانند به عذاب نزدیک می‌شوند؛ بلکه گمان می‌کنند به سبب فضیلت و برتری بر مومنان بهره‌مند می‌شوند. آلوسی: ۱۵/ ۴۱.
پرسش: نزدیک‌کردن تدریجی تکذیب‌کنندگان به عذاب، از جانب الله تعالی، چه نشانه‌ای دارد؟

۴ ﴿سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ﴾
سفیان ثوری می‌گوید: نعمت‌ها را بر آنان کامل می‌کنیم و سپاس‌گزاری را از یادشان می‌بریم. حسن می‌گوید: چه بسیار کسانی که به‌وسیلۀ احسان الهی به آنان، اندک اندک به عذاب نزدیک می‌شوند، چه بسیار کسانی که بر اثر تعریف و تمجید مردم از آنان، به فتنه می‌افتند و چه بسیار کسانی که به‌وسیلۀ پرده‌پوشی الله از آنان، مغرور می‌شوند. ابوروق می‌گوید: یعنی هر گاه گناه جدیدی مرتکب شدند، نعمت تازه‌ای به آنان دادیم و استغفار را از یادشان بردیم... در حدیثی چنین آمده است: «أَنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ يَا رَبِّ كَمْ أَعْصِيكَ وَأَنْتَ لَا تُعَاقِبُنِي، قَالَ: فَأَوْحَى اللهُ إِلَى نَبِيِّ زَمَانِهِمْ أَنْ قُلْ لَهُ: كَمْ مِنْ عُقُوبَةٍ لِي عَلَيْكَ وَأَنْتَ لَا تَشْعُرُ؛ إِنَّ جُمُودَ عَيْنَيْكَ وَقَسَاوَةَ قَلْبِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنِّي وَعُقُوبَةٌ لَوْ عَقَلْتَ»؛ «شخصی از بنی‌اسرائیل گفت: پروردگارا چه بسیار گناهانی که مرتکب می‌شوم و تو مرا در قبال آن‌ها مجازات نمی‌کنی. الله به پیامبر زمان‌شان وحی کرد که به او بگو: چه بسیار مجازات‌هایی که به تو می‌فرستم و تو نمی‌دانی؛ اگر درست بیندیشی می‌دانی که بی‌اشکی چشمانت و سختی قلبت، مجازاتی از جانب من است و این‌گونه تو را به تدریج به عذاب نزدیک می‌کنم». قرطبی: ۲۱/ ۱۸۰.
پرسش: منظور از استدراج در آیه چیست؟

۵ ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ نَادَىٰ وَهُوَ مَكۡظُومٞ﴾
یونس ﷷ به این دلیل صاحب حوت نامیده شد که ماهی او را بلعید؛ ذو النون نیز نامیده می‌شود؛ نون و حوت هر دو به معنای ماهی هستند. قصۀ یونس ﷷ در سورۀ انبیاء و صافات بیان شد. الله تعالی محمد ﷺ را نهی کرد از این‌که مانند یونس ﷷ هنگام خشم، بی‌قرار شود و شتابزده عمل کند. ابن جزی: ۲/ ۴۹۴.
پرسش: پیامبر ﷺ از کدام کار یونس ﷷ نهی شد؟

۶ ﴿وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ﴾
یعنی: اگر الله تعالی در برابر آنان از تو محافظت و حمایت نکند، نزدیک است به سبب کینه‌ای که نسبت به تو دارند به تو چشم‌زخم بزنند. آیه بر وقوع چشم‌زخم دلالت دارد. ابن کثیر: ۴/ ۴۰۸.
پرسش: با استدلال به آیه توضیح دهید که چشم‌زخم حقیقت دارد.

۷ ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾
یعنی: در حالی که این قرآن یا رسول فقط پند و اعتبار و فضیلتی برای تمام جهانیان، اعم از بزرگان و فرومایگان است؛ هیچ یک از آنان نیست که نداند هیچ مشابهی از نظر معانی باشکوه، عبارات شیرین، سبک روان، فهم و درک دقیق، حواشی لطیف و نظم محکم و استوار ندارد، و هر کس بر اساس آن‌چه الله برایش مقدر کرده است مطالب این کتاب بزرگ را می‌فهمد. بقاعی: ۲۰/ ۳۳۶.
پرسش: چرا از قرائت قرآن خسته نمی‌شویم؟

سورة (الحاقة) الجزء (۲۹) صفحة (۵۶۷)

وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَن قَبۡلَهُۥ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ بِٱلۡخَاطِئَةِ ٩ فَعَصَوۡاْ رَسُولَ
رَبِّهِمۡ فَأَخَذَهُمۡ أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً ١٠ إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ
١١ لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ ١٢ فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ
نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣ وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ ١٤
فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ١٥ وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ
١٦ وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَاۚ وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ
١٧ يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ١٨ فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ
بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ ١٩ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ
٢٠ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ٢١ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ٢٢ قُطُوفُهَا دَانِيَةٞ ٢٣
كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ ٢٤ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ
كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ٢٥ وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ
٢٦ يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ ٢٧ مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ٢٨ هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ
٢٩ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣٠ ثُمَّ ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣١ ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا
سَبۡعُونَ ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ٣٢ إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ٣٣
وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣٤ فَلَيۡسَ لَهُ ٱلۡيَوۡمَ هَٰهُنَا حَمِيمٞ ٣٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ	اهالی شهرهای قوم لوط که سرزمین شان زیر و رو شد.
بِٱلۡخَاطِئَةِ	کارهایی بسیار اشتباه.
رَّابِيَةً	در اوج سختی.
وَاهِيَةٞ	سست و فروهشته.
هَآؤُمُ	بگیرید.
فَغُلُّوهُ	دست‌ها و گردنش را با زنجیرها به هم ببندید.
صَلُّوهُ	او را به جهنم اندازید و در آن بسوزانید.
ذَرۡعُهَا	طول آن بر اساس ذراع فرشته.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه روز قیامت نامهٔ اعمالت را به دست راست تو دهد، ﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ﴾

۲. صدقه‌ای بده، ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡ﴾

۳. مسکینی را اطعام کن، ﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

رهنمودها

۱. گناهانِ پنهانی را ترک کن که هیچ نهانی بر الله پوشیده نمی‌ماند، ﴿إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ﴾

۲. هول و هراس روز قیامت یادآوری شده است، ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ﴾

۳. مال و قدرت هیچ فایده‌ای در برابر عذاب الله به بنده نمی‌رساند، ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ٢٨ هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ٢٩ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ﴾

ترجمه آیات

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای ویران شده [= قوم لوط،] مرتکب گناهان [بزرگ] شدند. (۹) آنها از [فرمان] فرستادهٔ پروردگارشان سرپیچی کردند، آنگاه [الله] آنان را به عذاب بی‌نهایت سختی گرفتار کرد. (۱۰) هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را در کشتی سوار کردیم، (۱۱) تا پندی برای شما قرار دهیم و گوش‌های شنوا آن را بشنوند و به یاد بسپارند. (۱۲) آنگاه که یک بار در صور دمیده شود، (۱۳) و زمین و کوه‌ها از جا کنده شده و یکباره درهم‌کوبیده [و متلاشی] شوند. (۱۴) در آن روز، واقعهٔ [عظیمِ] قیامت به وقوع می‌پیوندد (۱۵) و آسمان شکافته می‌شود و در آن روز، سست می‌گردد [و فرو می‌ریزد]. (۱۶) و فرشتگان بر کناره‌های آن [= آسمان] قرار می‌گیرند؛ و آن روز، هشت [فرشته] عرش پروردگارت را بر سرِ خود حمل می‌کنند. (۱۷) در آن روز، شما [همگی برای حسابرسی، به پیشگاه الله] عرضه می‌شوید و هیچ چیز از [کارهای] شما پنهان نخواهد ماند. (۱۸) اما کسی که نامهٔ [اعمالش] را به دست راستش دهند، می‌گوید: «بیایید نامهٔ [اعمال] مرا بخوانید. (۱۹) من یقین داشتم که با حساب [اعمال] خود مواجه خواهم شد». (۲۰) پس او در یک زندگی پسندیده [و رضایت‌بخش] خواهد بود؛ (۲۱) در بهشتی برین (۲۲) که میوه‌هایش [برای چیدن] در دسترس است. (۲۳) [و به آنها گفته می‌شود: «به [پاداش] آنچه در ایام گذشته پیش فرستاده‌اید، بخورید و بیاشامید؛ گوارایتان باد». (۲۴) و اما کسی که نامهٔ [اعمالش] را به دست چپش دهند، می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه[ی اعمالم] را به من نمی‌دادند، (۲۵) و نمی‌دانستم حسابم چیست! (۲۶) ای کاش [با مرگ،] همه چیز تمام می‌شد [و پایان کار بود]! (۲۷) مال و دارایی‌ام مرا بی‌نیاز نکرد [و سودی نبخشید]. (۲۸) قدرت و فرمانروایی‌ام [نیز] از [دست] من رفت [و به کلی نابود شد]». (۲۹) [به فرشتگان گفته می‌شود:] «او را بگیرید و در بند و زنجیر کنید. (۳۰) سپس او را به [آتش] دوزخ بیفکنید. (۳۱) آنگاه وی را در زنجیری ببندید که طولش هفتاد ذِراع است. (۳۲) بی‌گمان، او هرگز به الله بزرگ ایمان نمی‌آورد، (۳۳) و هرگز [مردم را] بر اطعام بینوا[یان] تشویق نمی‌کرد. (۳۴) بنابر این، امروز دوست صمیمی [و مهربانی] در اینجا ندارد [که یاری‌اش کند]، (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ﴾

وعی (هوشیاری)، صفتی است که هم گوش و هم قلب با آن توصیف می‌شوند؛ یعنی گفته می‌شود: «قلب واعٍ، أذن واعیة»؛ زیرا میان گوش و قلب ارتباط وجود دارد؛ علم از راه گوش وارد قلب می‌شود؛ بنابراین گوش، دروازه و پیک قلب است که علم را به آن می‌رساند؛ چنان‌که زبان پیک قلب در بیان مضامینش است. هر کس از ارتباط میان اعضا و قلب آگاه باشد می‌داند که سزاوارترین عضو برای توصیف به صفت مذکور، گوش است و اگر گوش هوشیار و آگاه باشد، قلب نیز هوشیار می‌گردد. ابن قیم: ۳/ ۱۸۹.

پرسش: چرا صفت زیرکی و هوشیاری به گوش نسبت داده شد؟

۲ ﴿لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ﴾

وعی به معنای علم به شنیده‌هاست، یعنی آن را گوش‌های آگاه می‌دانند. این مطلب، کنایه‌ای بر مشرکان است؛ زیرا از قصهٔ طوفان و کشتی‌ای که مومنان با آن نجات یافتند، پند و عبرت نگرفتند، بلکه همانند قصه‌های طنز و سرگرم‌کننده با آن برخورد کردند. ابن عاشور: ۲۹/ ۱۲۳.

پرسش: در آیه چه کنایه‌ای به مشرکان بیان شده است؟

۳ ﴿إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ﴾

انسان هر اندازه که در مرتبهٔ بالاتری قرار داشته باشد بیشتر احساس ترس و نقصان می‌کند... برای عاقل همین اندازه ترس کافی است که او را به انجام عمل وادارد. بقاعی: ۲۰/ ۳۶۲.

پرسش: نشانهٔ کمال عقل انسان چیست؟

۴ ﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ﴾

در حدیث صحیح از پیامبر ﷺ ثابت است که فرمود: «لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ أَحَدٌ بِعَمَلِهِ، قَالُوا: وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَغَمَّدَنِيَ اللهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ» [صحیح؛ با الفاظی مشابه طبرانی در مسند الشامیین: ۶۹۸] «هیچ‌کس بر اساس عمل خود وارد بهشت نخواهد شد. گفتند: حتی شما ای رسول الله؟ فرمود: حتی من، جز این‌که الله تعالی به فضل و رحمت خویش به من احسان کرده است». ابن تیمیه: ۶/ ۳۸۸.

پرسش: انسان در چه صورتی از عمل صالح خویش فایده می‌برد؟

۵ ﴿ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا سَبۡعُونَ ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ٣٢ إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ٣٣ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

ابودرداء همسرش را بر افزایش شوربا به خاطر مساکین تشویق می‌کرد و می‌گفت: خودمان را به‌وسیلهٔ ایمان از نصف این زنجیر رها کردیم، آیا خود را از نصف دیگر آن جدا نکنیم. آلوسی: ۱۵/ ۵۷.

پرسش: ایمان و انفاق بر مساکین اگر با هم در مومن جمع شود چه پاداشی دارد؟

۶ ﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

کسی که به اطعام مسکین تشویق نکند، به طریق اولی خودش به مساکین اطعام نخواهد کرد. این آیه بر فضیلت و بزرگی صدقه دلالت دارد؛ زیرا منع اطعام به مساکین را در کنار کفر به الله قرار داد. ابن جزی: ۲/ ۴۹۴.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر پاداش بزرگِ صدقه را بیان کنید؟

۷ ﴿إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ٣٣ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

معیار و اساس سعادت، دو امر است: اخلاص برای الله که اصل آن، ایمان به الله است و احسان به مخلوقات با انواع مختلف که بزرگ‌ترین نوع آن، دفع نیازِ نیازمندان با طعام‌دادن به آنان است. اینان نه اخلاص داشتند و نه احسان، پس مستحق صفات مذکور هستند. سعدی: ۸۸۴.

پرسش: چرا در مورد بدبختان گفته شد به الله بزرگ ایمان نمی‌آورند و بر غذادادن به مسکین تشویق نمی‌کنند؟

سورتا (الحاقة، المعارج) الجزء (۲۹) صفحة (۵۶۸)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾ لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلْخَٰطِـُٔونَ ﴿٣٧﴾ فَلَآ أُقْسِمُ
بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ
بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ
﴿٤٢﴾ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾
لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِٱلْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ ٱلْوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنكُم
مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا
لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَسْرَةٌ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ
﴿٥٠﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلْيَقِينِ ﴿٥١﴾ فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ المَعَارِج

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِّلْكَٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُۥ دَافِعٌ ﴿٢﴾
مِّنَ ٱللَّهِ ذِى ٱلْمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعْرُجُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيْهِ
فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾ فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا
﴿٥﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾ يَوْمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ
كَٱلْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسْـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
غِسْلِينٍ	خونابهٔ جهنمیان.
تَقَوَّلَ	جعل می‌کرد و به ما نسبت می‌داد.
ٱلْوَتِينَ	رگی متصل به قلب که اگر قطع شود انسان می‌میرد.
ذِى ٱلْمَعَارِجِ	بلندمرتبه و باعظمت.
كَٱلْمُهْلِ	مانند ته‌نشین روغن.
كَٱلْعِهْنِ	مانند پشم رنگ‌شده و حلاجی‌شده‌ای که باد آن را در هوا می‌پراکند.

عمل به آیات

۱. بگو: «یا الله! به تو پناه می‌برم از این‌که به ناحق گواهی دهم یا گناهی مرتکب شوم»، ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ﴾

۲. صد مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ»، ﴿فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ» [صحیح مسلم: ۷۷۱] «یا الله! مرا به نیکوترین اخلاق راهنمایی کن که فقط تو بر این کار توانایی»، ﴿فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾

رهنمودها

۱. وقتی پیامبر ﷺ مورد تهدید قرار می‌گیرد از این‌که بر الله دروغ بندد، پس کسی که بدون علم فتوا می‌دهد چه سرنوشتی دارد؟! ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِٱلْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ ٱلْوَتِينَ﴾

۲. مدّعی نبوت، عاقبت بسیار بدی دارد، ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِٱلْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ ٱلْوَتِينَ﴾

۳. یقین به روز آخرت و نزدیکی آن، مومنان را به عمل می‌کشاند، ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا﴾

ترجمه آیات

و غذایی جز چرک و خون [جهنمیان] ندارد؛ (۳۶) [غذایی که] جز گناهکاران آن را نمی‌خورند». (۳۷) سوگند به آنچه می‌بینید (۳۸) و به آنچه نمی‌بینید. (۳۹) بی‌تردید، این [قرآن، سخن الله است که ابلاغش به پیامبر، بر عهدهٔ] فرستاده‌ای بزرگوار [=جبرئیل] است. (۴۰) و اینها گفتار شاعری نیست؛ [اما شما کافران] کمتر ایمان می‌آورید. (۴۱) و [نیز] گفتار کاهنی نیست؛ [اما شما] کمتر پند می‌گیرید. (۴۲) [این قرآن،] از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (۴۳) اگر [پیامبر] سخنانی [به دروغ] بر ما می‌بست، (۴۴) مسلّماً ما دست راست او را می‌گرفتیم، (۴۵) سپس [شاه]رگِ قلبش را قطع می‌کردیم، (۴۶) و هیچ‌یک از شما نمی‌توانست مانع [عذابِ] او گردد. (۴۷) یقیناً این [قرآن،] پند و تذکری برای پرهیزگاران است. (۴۸) و ما یقیناً می‌دانیم که برخی از شما، تکذیب‌کنندگان [این کلام الهی] هستید. (۴۹) و همانا این [قرآن،] بر کافران مایهٔ حسرت و ندامت است. (۵۰) و بی‌گمان، این [قرآن،] حقیقتِ راستین است. (۵۱) پس [ای پیامبر،] با [ذکرِ] نامِ پروردگار بزرگت [او را] تسبیح گوی. (۵۲)

سورهٔ معارج

به نام الله بخشندهٔ مهربان

درخواست‌کننده‌ای [به تمسخر] تقاضای عذابی را کرد که وقوعش [در قیامت] حتمی است، (۱) [این عذاب،] برای کافران است [و] هیچ دفع‌کننده‌ای ندارد. (۲) از سوی الله [به وقوع می‌پیوندد که دارای عُلُو و] صاحبِ مراتب و درجات والاست. (۳) فرشتگان و روح [= جبرئیل] به سوی او عروج می‌کنند، در روزی که مقدارش [در مقیاس بشری،] پنجاه هزار سال است. (۴) پس تو [ای پیامبر، در برابر تمسخرشان] صبر نیکو پیشه کن. (۵) بی‌گمان، آنها آن [روز] را دور می‌بینند (۶) و ما آن را نزدیک می‌بینیم. (۷) [همان] روزی که آسمان چون مسِ گداخته شود، (۸) و کوهها مانند پشم رنگین [متلاشی و پراکنده] شود. (۹) و هیچ دوست صمیمی [و خویشاوندی] از [حال] دوست صمیمی [و خویشاوندش] نمی‌پرسد. (۱۰)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

بر اساس عبارت ﴿تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾، ربوبیت کامل الله بر مخلوقاتش مانع از آن است که آنان را بیهوده رها گرداند، امر و نهی نکند، به امور نافع راهنمایی نکند و از امور زیان‌رسان برحذر ندارد و همانند چهارپایان چرنده رهای‌شان کند؛ هر کس چنین گمانی داشته باشد پروردگار جهانیان را آن‌گونه که سزاوارش است نشناخته و آن‌چه را که شایسته‌اش نیست به او نسبت داده است. ابن قیم: ۳/ ۱۹۱.

پرسش: نشانهٔ ربوبیت کامل الله سبحانه و تعالی چیست؟

۲ ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾

یعنی از میان جهانیان فقط پرهیزگاران پند می‌پذیرند؛ زیرا موعظه و تذکر را برای کسب فایده می‌پذیرند. بقاعی: ۲۰/ ۳۸۳.

پرسش: چرا تذکر به پرهیزگاران اختصاص یافت؟

۳ ﴿فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾

یعنی: در برابر آزار و اذیت‌های‌شان صبر کن. این امر نباید تو را از تبلیغ آنان بازدارد؛ زیرا هنگام انتقام از آنان به مرتبهٔ بالایی رسیدی و آن‌چه را که بر زبان تو جاری ساختم برای هیچ‌کس آشکار نکرده‌ام. صبر عبارت است از کنترل نفس در برابر امور ناگوار. بقاعی: ۲۰/ ۳۹۲.

پرسش: آیا صبر در برابر مردم، مستلزم این امر است که دعوت داده نشوند؟ توضیح دهید.

۴ ﴿فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾

یعنی: صبری بدون بی‌قراری. طبری: ۲۳/ ۶۰۳.

پرسش: معنای صبر جمیل چیست؟

۵ ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا﴾

الله روز قیامت را نزدیک می‌بیند؛ زیرا ذات مهربان و دلسوزی است که عجله نمی‌کند و می‌داند قطعا واقع خواهد شد و هر آن‌چه آمدنی باشد نزدیک است. سعدی: ۸۸۶.

پرسش: از زمان نزول آیهٔ فوق بیش از ۱۴۰۰ سال می‌گذرد، پس چگونه گفته شد که روز قیامت نزدیک است؟

۶ ﴿يَوْمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ﴾

وقتی که این اجرام بزرگ و سخت چنین آشفته و ناآرام می‌شود، بندهٔ ضعیفی که کمرش زیر بار سنگین گناهان و خطاها خم شده است چه وضعیتی خواهد داشت؟ سعدی: ۸۸۶.

پرسش: تغییر حالت آسمان و کوهها به چه هدفی بیان شد؟

۷ ﴿وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ﴾

عِهن به معنای پشم است و کوهها از نظر برافراشتگی و متلاشی‌شدن به آن تشبیه شده است. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: وجه تشابه پشم و کوهها در روز قیامت را بیان کنید؟

يُبَصَّرُونَهُمۡۚ يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِئِذِۭ بِبَنِيهِ (١١)
وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ (١٢) وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـٔۡوِيهِ (١٣) وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا
ثُمَّ يُنجِيهِ (١٤) كَلَّآۖ إِنَّهَا لَظَىٰ (١٥) نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ (١٦) تَدۡعُواْ مَنۡ أَدۡبَرَ
وَتَوَلَّىٰ (١٧) وَجَمَعَ فَأَوۡعَىٰٓ (١٨) ۞إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (١٩) إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ
جَزُوعٗا (٢٠) وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا (٢١) إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ (٢٢) ٱلَّذِينَ هُمۡ
عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ (٢٣) وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ (٢٤) لِّلسَّآئِلِ
وَٱلۡمَحۡرُومِ (٢٥) وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ (٢٦) وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ
رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ (٢٧) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ (٢٨) وَٱلَّذِينَ هُمۡ
لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ (٢٩) إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ
فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ (٣٠) فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ (٣١)
وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ (٣٢) وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ
(٣٣) وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ (٣٤) أُوْلَٰٓئِكَ فِي جَنَّٰتٖ مُّكۡرَمُونَ (٣٥)
فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قِبَلَكَ مُهۡطِعِينَ (٣٦) عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ
عِزِينَ (٣٧) أَيَطۡمَعُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُدۡخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٖ (٣٨) كَلَّآۖ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم
مِّمَّا يَعۡلَمُونَ (٣٩) فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ (٤٠)

ترجمه آیات

[در حالی که] آنان به یکدیگر نشان داده می‌شوند، گناهکار [دوست دارد و] آرزو می‌کند که فرزندان خود را در ازای [رهایی] از عذاب آن روز بدهد، (۱۱) و [همچنین] زنش و برادرش را (۱۲) و قبیله‌اش را که [همیشه] به او جا و پناه می‌داد. (۱۳) و [همچنین] همهٔ کسانی را که روی زمین هستند [فدا کند] تا نجات یابد. (۱۴) [اما] هرگز چنین نیست [که برایش راه نجاتی باشد]! بی‌گمان، آن شعله‌های [آتشِ] سوزان است (۱۵) [که] پوست از سر برمی‌کَند. (۱۶) کسانی را که [به فرمان الله] پشت کردند و [از حق] روی گرداندند، [به سوی خود] فرامی‌خوانَد. (۱۷) و [نیز کسانی را که] اموال را جمع‌آوری و ذخیره کردند [و حق آن را نپرداختند]. (۱۸) یقیناً انسان، کم‌طاقت [و حریص] آفریده شده است. (۱۹) هر گاه بدی [و مصیبتی] به او رسد، بی‌تابی می‌کند، (۲۰) و هر گاه خوبی به او رسد، بازدارنده [و بخیل] می‌گردد. (۲۱) مگر نمازگزاران؛ (۲۲) همان کسانی که بر نمازهایشان همیشه پایداری می‌کنند. (۲۳) و کسانی که در اموالشان، حق [معیّن و] معلومی است (۲۴) برای مستمند و محروم؛ (۲۵) و [همان] کسانی که روز جزا را تصدیق می‌کنند؛ (۲۶) و کسانی که از عذاب پروردگارشان می‌ترسند. (۲۷) [چرا که] بی‌گمان، از عذاب پروردگارشان نمی‌توان ایمن بود. (۲۸) و کسانی که شرمگاه‌هایشان را نگه می‌دارند؛ (۲۹) مگر با همسران و کنیزانی که مالک آنها هستند، که [در این صورت،] سرزنشی بر آنها نیست. (۳۰) اما هر کس فراتر از اینها را بخواهد، آنان متجاوزان هستند. (۳۱) و کسانی که امانت‌ها و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند، (۳۲) و کسانی که به شهادت‌های خود متعهدند، (۳۳) و کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند. (۳۴) اینان در باغ‌های [بهشت] گرامی داشته می‌شوند. (۳۵) پس [ای پیامبر،] کافران را چه شده که به سوی تو می‌شتابند؟ (۳۶) [و] از راست و چپ، گروه‌گروه [بر مخالفت تو جمع می‌شوند و بر تو هجوم می‌آورند؟] (۳۷) آیا هر کدام از آنها [با آن اعمال ناپسندش] طمع دارد که در بهشت پرنعمت [الهی] درآورده شود؟ (۳۸) هرگز چنین نیست! بی‌گمان، ما آنها را از آنچه [خود] می‌دانند آفریده‌ایم. (۳۹) به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند می‌خورم که قطعاً ما تواناییم (۴۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يُبَصَّرُونَهُمۡۚ يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِئِذِۭ بِبَنِيهِ (١١) وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ (١٢) وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـٔۡوِيهِ (١٣) وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ يُنجِيهِ﴾
الله تعالی ابتدا فرزندان، سپس همسر و در ادامه برادر را ذکر کرد تا به بندگانش اعلام کند کافر بر اثر عذاب بزرگی که در روز قیامت به او می‌رسد، اگر بتواند عزیزترین کسان و نزدیک‌ترین خویشاوندانش را فدای خود می‌کند تا عذاب از او دفع شود. طبری: ۲۳/ ۶۰۶.

پرسش: چرا الله خویشاوندان انسان را به ترتیب مذکور در آیه بیان کرد؟

۲ ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (١٩) إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا (٢٠) وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا (٢١) إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ﴾
نفس اگر به اراده‌ای نیکو دست نیابد، سرکش و نافرمان می‌شود و در اراده‌ای فاسد و عملی زیانبار واقع می‌گردد؛ ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (١٩) إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا (٢٠) وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا (٢١) إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ﴾ الله تعالی خبر داد که انسان بر صفت مذکور آفریده شده است و فقط کسانی صفت مخالف آن را دارند که الله تعالی به فضل و احسان خویش آنان را تزکیه کرده است. ابن قیم: ۳/ ۱۹۶.

پرسش: وقتی دانستی هر انسانی اراده‌ای دارد؛ چه تکلیفی بر عهده‌ات قرار می‌گیرد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (١٩) إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا (٢٠) وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا (٢١) إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ﴾
الله تعالی این سخنان را به هدف سرزنش بیان داشت و به همین دلیل، نمازگزاران را استثنا کرد؛ زیرا نماز باعث می‌شود اهتمام زیادی به دنیا نداشته باشند؛ بنابراین در برابر مصیبت‌هایش بی‌قراری نمی‌کنند و در خیر و خوبی‌هایش بخل نمی‌ورزند. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: چرا نمازگزاران از صفت هَلوع استثنا شدند؟

۴ ﴿وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ﴾
با اعمال خوبی که دارند باز هم در مورد خودشان می‌ترسند، چون اعمال‌شان را اندک و او تعالی را بزرگ می‌دانند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۰]؛ «و کسانی که (در راه الله) آن‌چه را باید بدهند، می‌دهند، و (با این حال) دل‌های‌شان بیمناک است، که بی‌گمان آنان به سوی پروردگارشان باز می‌گردند». آلوسی: ۱۵/ ۷۱.

پرسش: هر اندازه که ترس بنده از پروردگارش بیشتر شود، اعمال صالح بیشتری انجام می‌دهد. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ﴾
در تمام انواع عبادت، هیچ‌کس جز الله عبادت نمی‌شود؛ این مطلب، حقیقت گواهی «لا إله إلا الله» است و به همین دلیل است که الله تعالی کسی را که صادقانه گواهی دهد هیچ معبود بر حقی جز الله نیست بر آتش حرام گردانیده و محال است کسی که این گواهی را محقق و بر اساس آن عمل کرده باشد وارد جهنم شود. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ﴾ یعنی گواهی این کلمه را در ظاهر و باطن و در قلب و اعضا برپا می‌دارند؛ زیرا برخی از مردم هستند که بر اساس این گواهی عمل نمی‌کنند. ابن قیم: ۳/ ۱۹۷.

پرسش: گواهی‌دادن به کلمهٔ طیبهٔ «لا إله إلا الله» چگونه محقق می‌شود؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ (٢٣) وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ (٢٤) لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ (٢٥) وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ (٢٦) وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ (٢٧) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ (٢٨) وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ (٢٩) إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ (٣٠) فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ (٣١) وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ (٣٢) وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ (٣٣) وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ﴾
واژهٔ نماز به این دلیل تکرار شد که صفتی که ابتدا برای‌شان بیان شد و صفتی که برای بار دوم برای‌شان آمد با هم متفاوت هستند؛ زیرا معنای «دوام» این است که هیچ امری آنان را از نماز باز ندارد و معنای «محافظت» این است که اموری که نماز بدون آن‌ها به صورت کامل ادا نمی‌شود رعایت شود. شوکانی: ۵/ ۲۹۳.

پرسش: چرا نماز در سوره تکرار شده است؟

۷ ﴿كَلَّآۖ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّمَّا يَعۡلَمُونَ﴾
عبارت مذکور، سه وجه دارد: وجه اول: تحقیر انسان و اعتراض بر متکبران. وجه دوم: اعتراض بر کافران در طمع آنان برای ورود به بهشت؛ گویی می‌فرماید: ما شما و سایر مردم را از یک چیز آفریدیم و همگی از نظر آفرینش یکسان هستید؛ بنابراین هیچ‌کس جز بر اساس عمل صالح وارد بهشت نمی‌شود. وجه سوم: استدلال بر رستاخیز؛ به این نحو که الله تعالی آنان را از آبی پست و بی‌ارزش آفرید؛ پس به طریق اولی می‌تواند آنان را دوباره زنده کند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ يَكُ نُطۡفَةٗ مِّن مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ (٣٧)﴾ [القیامة: ۳۷]؛ «آیا (او) نطفه‌ای از منی که (در رحم) ریخته می‌شود نبود؟!». ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: آیه سه معنی را در خود جمع کرده است. این معانی را نام ببرید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَفَصِيلَتِهِ	قبیله‌اش.
لَظَىٰ	جهنم که آتش آن زبانه می‌کشد.
نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ	بر اثر گرمای زیاد، پوست سر و سایر اعضای بدن را برمی‌کند.
فَأَوۡعَىٰٓ	اموالش را در ظرفی نگاه داشت و حق الله در آن را ادا نکرد.
هَلُوعًا	هنگام مصیبت بی‌قراری می‌کند و اگر خیر به او برسد آن را از دیگران دریغ می‌دارد. تفسیر هَلوع در دو آیهٔ بعدی آمده است.
جَزُوعٗا	بسیار اندوهگین و بی‌قرار.

عمل به آیات

۱. بر ادای نمازها با جماعت در مسجد مراقبت کن، ﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ (٢٢) ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ﴾

۲. صدقه‌ای بده، ﴿وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ﴾

۳. امانت یا عهدی را که بر عهده‌ات است به یاد آور و به آن وفا کن، ﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ﴾

رهنمودها

۱. نماز خاشعانه انسان را از بی‌قراری و نومیدی نجات می‌دهد، ﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ (٢٢) ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ﴾

۲. باید به عهد وفا کرد و از خیانت در امانت دوری گزید، ﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ﴾

۳. نفس را از شهوات حرام حفظ کن، ﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ (٢٩) إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ (٣٠) فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ﴾

عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ٤١ فَذَرۡهُمۡ
يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٤٢ يَوۡمَ
يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ٤٣
خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ٤٤

سُورَةُ نُوحٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَهُمۡ
عَذَابٌ أَلِيمٞ ١ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢ أَنِ ٱعۡبُدُواْ
ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ٣ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرۡكُمۡ
إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُۚ لَوۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا وَنَهَارٗا ٥ فَلَمۡ يَزِدۡهُمۡ دُعَآءِيٓ إِلَّا
فِرَارٗا ٦ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ جَعَلُوٓاْ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ
ءَاذَانِهِمۡ وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ ٱسۡتِكۡبَارٗا
٧ ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ٨ ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ
لَهُمۡ إِسۡرَارٗا ٩ فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِمَسۡبُوقِينَ	از عذاب هیچ‌کس وقتی که عذابش را اراده کنیم عاجز و ناتوان نیستیم.
ٱلۡأَجۡدَاثِ	قبرها.
نُصُبٖ	سنگ‌هایی که به جای الله عبادت می‌شوند.
يُوفِضُونَ	می‌شتابند.
تَرۡهَقُهُمۡ	آنان را می‌پوشاند.
وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ	به سبب نهایت نفرت از من، خودشان را با لباس‌های‌شان پوشاندند.
وَأَصَرُّواْ	بر کفرشان ماندند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات، از کیفر تو به عفوت و از تو به خودت پناه می‌برم، یا الله! هر اندازه که تو را ستایش کنم نمی‌توانم حق ستایش تو را به جای آورم، تو چنان هستی که خودت خویشتن را توصیف کرده‌ای»، ﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ» [صحیح مسلم: ۲۷۳۹] «یا الله! از کاهش نعمت، تغییر عافیت و عذاب ناگهانی تو و تمام آن‌چه موجب خشمت می‌شود به تو پناه می‌برم»، ﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ﴾

۳. عمل دعوت را با ارسال یک پیام یا ضبط فایلی صوتی یا تصویری، یا پند و اندرز یا هر وسیلهٔ ممکن دیگری انجام بده، ﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ٨ ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی توان و قدرت غیر قابل وصفی دارد، ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ٤٠ عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ﴾

۲. چگونگی خروج از قبرها با خواری و سرعت، یادآوری شده است، ﴿يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ٤٣ خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ﴾

۳. صبر، رکن اساسی دعوت است، ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا وَنَهَارٗا﴾

ترجمه آیات

بر اینکه [کسان دیگری] بهتر از اینان را جایگزین کنیم؛ و ما [برای انجام این کار،] درمانده و ناتوان نیستیم. (۴۱) پس [ای پیامبر،] آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فرووروند و بازی کنند، تا به روزی برسند که به آنان وعده داده شده است. (۴۲) [همان] روزی که شتابان از قبرها خارج می‌شوند؛ گویی به سوی بت‌ها [و معبودانشان] می‌دوند. (۴۳) [در حالی که] چشم‌هایشان [از شرم و وحشت] به زیر افتاده و ذلت [و خواری،] آنان را پوشانده است. این همان روزی است که به آنان وعده داده می‌شد. (۴۴)

سورهٔ نوح

به نام الله بخشندهٔ مهربان

بی‌گمان، ما نوح را به سوی قومش فرستادیم [و گفتیم]: «قوم خود را ـ پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید ـ هشدار ده [و بترسان]. (۱) [نوح] گفت: «ای قوم، من بیم‌دهنده‌ای آشکار برایتان هستم، (۲) که الله را عبادت کنید، و از او بترسید، و مطیع [دستورهای] من باشید. (۳) [که اگر چنین کردید، الله] گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان معیّنی به شما مهلت می‌دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت، اگر می‌دانستید». (۴) و نوح [پس از نصیحت و دعوت] گفت: «پروردگارا، به راستی که من قومِ خود را شب و روز [به ایمان] دعوت کردم؛ (۵) ولی دعوت من، جز بر گریزشان [از حق] نیفزود (۶) و من هر چه دعوتشان کردم تا سرانجام آنان را بیامرزی، انگشتان خود را در گوش‌هایشان فرو کردند و لباس‌هایشان را [به خود] پیچیدند و [در مخالفت] اصرار [و پافشاری] کردند و به شدت، گردنکشی و تکبر نمودند. (۷) سپس آنها را با صدای بلند [و آشکار] دعوت کردم. (۸) به علاوه، آشکارا برایشان گفتم و در نهان برای [هرکدام از] آنان بیان کردم. (۹) گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بخواهید [که] بی‌گمان، او بسیار آمرزنده است. (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ﴾

خوض در باطل، ضدّ بیان حقیقت است و لعب، ضد کار و تلاش مفید است. بنابراین، اولی ضد علم نافع و دومی ضد عمل صالح است، یعنی سخن حق نمی‌گوید و کار درست انجام نمی‌دهد. هر کسی که از رسالت رسول روی بگرداند، قطعاً گرفتار این دو امر است. ابن قیم: ۳/ ۲۰۱.

پرسش: کسی که از رسالت رسول الله ﷺ روی بگرداند چه نشانه‌ای دارد؟

۲ ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ﴾

به پایان رساندن سوره با این صفت و تهدید شدید، این دیدگاه را تایید می‌کند که سوال آنان در مورد «عذاب واقع» که در ابتدای سوره بیان شد، به قصد تحقیر و بعیدپنداشتن بود. بنابراین الله تعالی پس از ارائهٔ سوره، مقصدشان را که به پیشوازش خواهند رفت بیان کرد تا بترسند و به سوی پروردگارشان بازگردند. بنابراین پایان و ابتدای سوره با هم مرتبط هستند. شنقیطی: ۸/ ۳۰۵.

پرسش: میان ابتدا و انتهای سوره چه ارتباطی وجود دارد؟

۳ ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

به جای گفتن «أنذر الناس»، ﴿أَنذِرۡ قَوۡمَكَ﴾ فرمود تا باعث شود نوح عليه السلام اشتیاق بیشتری بر نجات آنان از عذاب داشته باشد؛ زیرا فرزندان و خویشاوندان و دوستانش در میان آنان بودند. ابن عاشور: ۲۹/ ۱۸۷.

پرسش: چرا به جای این‌که گفته شود «أنذر الناس» فرمود: ﴿أَنذِرۡ قَوۡمَكَ﴾؟

۴ ﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ﴾

نوح عليه السلام به این دلیل در ابتدای دعوت، قومش را با عنوان ﴿يَٰقَوۡمِ﴾ مورد خطاب قرار داد تا به او گوش فرا دهند و پندش را بپذیرند. انسان فقط چیزی را برای قومش می‌خواهد که برای خودش می‌پسندد. آغاز دعوت نوح عليه السلام با حرف تاکید نیز به این سبب بود که مخاطبان در مورد خبر تردید می‌کنند. ابن عاشور: ۲۹/ ۱۸۸.

پرسش: چرا نوح عليه السلام دعوتش را با اصطلاح ﴿يَٰقَوۡمِ﴾ آغاز کرد؟

۵ ﴿أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ﴾

عبادت و تقوا را فقط برای الله و طاعت را برای رسول قرار داد؛ زیرا هر کس از رسول اطاعت کند در واقع از الله اطاعت کرده است. ابن تیمیه: ۶/ ۳۹۸.

پرسش: چرا نوح عليه السلام قومش را به عبادت و تقوای الله سپس به اطاعت از خودش امر کرد؟

۶ ﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ﴾

یعنی آنان را دعوت دادم که ایمان بیاورند تا آنان را بیامرزی. مغفرت که سبب ایمان است به این دلیل بیان شد تا قبح رویگردانی آنان از ایمان آشکار گردد؛ زیرا در واقع از سعادت خویش روی گرداندند. ابن جزی: ۲/ ۴۹۴.

پرسش: الله تعالی چرا مغفرت را بدون سبب آن که ایمان است بیان کرد؟

۷ ﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ٨ ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا﴾

نوح عليه السلام ابتدا بیان کرد قومش را شب و روز، سپس گفت آشکارا و بعد از آن گفت که در آشکار و نهان دعوت داده است. این امر، نهایت تلاش در خیرخواهی و تبلیغ رسالت رسول الله را می‌رساند. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: گوناگونی روش‌های دعوت نوح عليه السلام در برابر قومش بر چه امری دلالت دارد؟

سورة (نوح) الجزء (۲۹) صفحة (۵۷۱)

يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا ﴿١١﴾ وَيُمۡدِدۡكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَيَجۡعَل
لَّكُمۡ جَنَّٰتٖ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ أَنۡهَٰرٗا ﴿١٢﴾ مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا ﴿١٣﴾
وَقَدۡ خَلَقَكُمۡ أَطۡوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمۡ تَرَوۡاْ كَيۡفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ
طِبَاقٗا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ ٱلۡقَمَرَ فِيهِنَّ نُورٗا وَجَعَلَ ٱلشَّمۡسَ سِرَاجٗا ﴿١٦﴾
وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ نَبَاتٗا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمۡ فِيهَا وَيُخۡرِجُكُمۡ
إِخۡرَاجٗا ﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ بِسَاطٗا ﴿١٩﴾ لِّتَسۡلُكُواْ مِنۡهَا
سُبُلٗا فِجَاجٗا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٞ رَّبِّ إِنَّهُمۡ عَصَوۡنِي وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمۡ يَزِدۡهُ
مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارٗا ﴿٢١﴾ وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا كُبَّارٗا ﴿٢٢﴾ وَقَالُواْ
لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ
وَنَسۡرٗا ﴿٢٣﴾ وَقَدۡ أَضَلُّواْ كَثِيرٗاۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلٗا ﴿٢٤﴾
مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمۡ أُغۡرِقُواْ فَأُدۡخِلُواْ نَارٗا فَلَمۡ يَجِدُواْ لَهُم مِّن دُونِ
ٱللَّهِ أَنصَارٗا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٞ رَّبِّ لَا تَذَرۡ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ
دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرۡهُمۡ يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرٗا
كَفَّارٗا ﴿٢٧﴾ رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا
وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا ﴿٢٨﴾

مفاهيم واژگان

واژه	معنا
مِّدۡرَارٗا	پیاپی و فراوان.
أَطۡوَارًا	در مراحل مختلف: نطفه، پاره‌ای خون بسته و به همین ترتیب.
فِجَاجٗا	فراخ و وسیع.
لَا تَذَرُنَّ	رها نکنید.
دَيَّارًا	هیچ زنده‌ای بر روی زمین که بگردد و حرکت کند.
تَبَارَۢا	نابودی و زیان.

عمل به آیات

۱. در آفرینش آسمان‌ها و زمین بیندیش و دو فایده استخراج کن، ﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ كَيۡفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗا ١٥ وَجَعَلَ ٱلۡقَمَرَ فِيهِنَّ نُورٗا وَجَعَلَ ٱلشَّمۡسَ سِرَاجٗا﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَاءِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»؛ «یا الله! با پناه آوردن به تو آنان را از خود دفع می‌کنیم و از شرارت‌های‌شان به تو پناه می‌بریم»، ﴿وَقَالَ نُوحٞ رَّبِّ لَا تَذَرۡ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ دَيَّارًا﴾

۳. بگو: ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا﴾

رهنمودها

۱. استغفار زیاد باران را جلب می‌کند، فقر را می‌زداید و نازایی را درمان می‌گرداند، ﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا ١١ وَيُمۡدِدۡكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ﴾

۲. در هر جامعه‌ای هم دعوتگران به خیر وجود دارند و هم دعوتگران به بدی، ﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا﴾

۳. بزرگ‌شمردن و تعظیم الله از طریق یگانه‌دانستن او در عبادت و عدم شرک‌ورزی، واجب است، ﴿مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا﴾

ترجمه آیات

تا از آسمان [باران] پیاپی بر شما بفرستد. (۱۱) و شما را با اموال و فرزندانِ بسیار یاری کند، به شما باغ‌های [سرسبز] بدهد و جویبارهای جاری] برایتان قرار دهد. (۱۲) شما را چه شده است که از عظمت [و شکوه] الله نمی‌ترسید؟ (۱۳) در حالی که شما را طی مراحل گوناگون آفرید. (۱۴) آیا نمی‌بینید که الله چگونه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؟ (۱۵) و ماه را در میان آسمان‌ها مایهٔ روشنایی قرار داد، و خورشید را چراغ [فروزانی] گرداند؟ (۱۶) و الله شما را همچون گیاهی از زمین رویانید. (۱۷) سپس شما را به آن [زمین] بازمی‌گرداند و بار دیگر شما را بیرون می‌آورَد. (۱۸) و الله زمین را برای شما گسترده ساخت. (۱۹) تا از راه‌های پهناورِ آن [به سوی مقصد خود] رفت و آمد کنید». (۲۰) نوح گفت: «پروردگارا، آنها از من نافرمانی نمودند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش، چیزی جز زیانکاری بر او نیفزوده است. (۲۱) و [آن پیشوایان گمراه،] نیرنگِ بزرگی به کار بردند (۲۲) و گفتند: معبودان خود را رها نکنید؛ و [به خصوص] «وَدّ» و «سواع» و «یَغوث» و «یَعوق» و «نَسر» را [رها نکنید]. (۲۳) به راستی آنها بسیاری را گمراه کردند؛ و [تو ای پروردگار،] ستمکاران را جز گمراهی میفزای». (۲۴) [سرانجام، آنان] به کیفرِ گناهانشان [همگی] غرق شدند؛ آنگاه در آتش [دوزخ] درآورده شدند و در برابر [عذاب] الهی، یاور [و مددکاری] برای خود نیافتند. (۲۵) نوح گفت: «پروردگارا، هیچ‌یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار. (۲۶) چرا که اگر آنها را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز [نسلی] بدکار و کافر به وجود نمی‌آورند. (۲۷) پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و هر کسی را که با ایمان وارد خانهٔ من شود، و [تمام] مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز؛ و ستمکاران را جز هلاکت [و نابودی] میفزای». (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا﴾
آیه دلالت دارد بر این‌که استغفار موجب نزول باران است؛ از این رو، عمر بن خطاب رضی الله عنه برای طلب باران خارج شد، اما فقط استغفار کرد و بازگشت. به او گفتند: ما ندیدیم که استسقاء و طلب باران کرده باشی؟! در پاسخ گفت: سوگند به الله که طلب باران را به بهترین نحو به جای آوردم. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: استغفار چه جایگاهی در استسقاء (طلب باران) دارد؟

۲ ﴿مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا﴾
یعنی: شما را چه شده است که از عظمت و قدرت الله تعالی در این‌که شما را عذاب کند نمی‌ترسید؟ به عبارتی دیگر: در نترسیدن از الله چه عذری دارید؟ قرطبی: ۲۱/ ۲۵۵.

پرسش: منظور از عبارت ﴿لَا تَرۡجُونَ﴾ چیست؟

۳ ﴿مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا﴾
اگر الله را بزرگ می‌داشتند و حقش را می‌شناختند، او را به یگانگی عبادت می‌کردند و از او فرمان می‌بردند و شکرش را به جای می‌آوردند؛ زیرا طاعت و پرهیز از نافرمانی الله و حیا از او تعالی، از تعظیم و احترام او در قلب ناشی می‌شود. ابن قیم: ۳/ ۲۰۳.

پرسش: تعظیم و احترام الله سبحانه در قلب چه نشانه‌ای دارد؟

۴ ﴿قَالَ نُوحٞ رَّبِّ إِنَّهُمۡ عَصَوۡنِي وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمۡ يَزِدۡهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارٗا﴾
زندگی فراخ‌شان در دنیا سبب طغیان و ناسپاسی و پیروی آنان از تمایلات نفسانی شد تا این‌که کفر ورزیدند و از دیگران بهره‌کشی کردند و بر آنان غالب آمدند، یعنی خودشان را در زیان و بدبختی قرار دادند. بقاعی: ۲۰/ ۴۴۷.

پرسش: شومی و بدبختی کسانی را که اهل مال و هوسند و از صالحان پیروی نمی‌کنند توضیح دهید.

۵ ﴿إِنَّكَ إِن تَذَرۡهُمۡ يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرٗا كَفَّارٗا﴾
یعنی ماندن آنان فقط سبب ایجاد فساد برای خودشان و دیگران است. نوح عليه السلام به این سبب آنان را نفرین کرد که مدت زیادی با آنان معاشرت داشت و از اخلاق‌شان آگاه بود و نتیجهٔ اعمال‌شان را می‌دانست. الله تعالی نیز دعای نوح عليه السلام را اجابت و تمام قوم را غرق کرد و فقط نوح عليه السلام و مومنان همراهش را نجات داد. سعدی: ۸۸۹.

پرسش: چرا نوح عليه السلام قومش را نفرین کرد؟

۶ ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾
این سنت دعا از آیه استنباط می‌شود که انسان در دعا، ابتدا برای خودش دعا کند سپس برای دیگران. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: چه نکته‌ای از دعای نوح عليه السلام به دست می‌آید.

۷ ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾
برای تاکید بر حق پدر و مادر و اولویت نیکی به آنان، ابتدا والدین را به صورت خاص آورد سپس به صورت عام دعا کرد. سعدی: ۸۹۰.

پرسش: چرا نوح عليه السلام قبل از این‌که برای مومنان دعا کند برای پدر و مادرش دعا کرد؟

سُورَةُ الجِنِّ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا
عَجَبٗا ١ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا ٢
وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣ وَأَنَّهُۥ كَانَ
يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطٗا ٤ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ
وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ٥ وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ
مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦ وَأَنَّهُمۡ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَبۡعَثَ
ٱللَّهُ أَحَدٗا ٧ وَأَنَّا لَمَسۡنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدۡنَٰهَا مُلِئَتۡ حَرَسٗا
شَدِيدٗا وَشُهُبٗا ٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِۖ فَمَن
يَسۡتَمِعِ ٱلۡأٓنَ يَجِدۡ لَهُۥ شِهَابٗا رَّصَدٗا ٩ وَأَنَّا لَا نَدۡرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ
بِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ أَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدٗا ١٠ وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ
وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدٗا ١١ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعۡجِزَ
ٱللَّهَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَن نُّعۡجِزَهُۥ هَرَبٗا ١٢ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا ٱلۡهُدَىٰٓ
ءَامَنَّا بِهِۦۖ فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا ١٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
جَدُّ رَبِّنَا	بزرگی و جلال و بی‌نیازی پروردگارمان.
سَفِيهُنَا	ابلیس.
رَهَقٗا	طغیان و سبک‌سری.
مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِ	مواضعی، تا به اخبارش گوش فرا دهیم.
رَّصَدٗا	در کمین اوست تا به او شلیک شود.
طَرَآئِقَ قِدَدٗا	فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی.

عمل به آیات

۱. چند آیه از قرآن بخوان و به یاد داشته باش که فرشتگان و جن‌ها به قرائت تو گوش فرا می‌دهند، امید است که پاداش شنیدن آنان به تو برسد، ﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا﴾

۲. قبل از خواب این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لاَ مَلْجَا وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» [صحیح بخاری: ۶۳۱۳ و ۶۳۱۵ و ۷۴۸۸؛ صحیح مسلم: ۲۷۱۰] «یا الله! جانم را به تو تسلیم کردم، کارم را به تو سپردم، چهره‌ام را به سوی تو گردانیدم و پشتم را به تو تکیه دادم، به خاطر ترس از تو و رغبت به سوی تو؛ هیچ محل نجات و پناهگاهی از تو جز به سوی تو نیست، به کتابی که نازل کردی و پیامبری که فرستادی ایمان آوردم»، ﴿يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا﴾

۳. صبحگاه و شامگاه، با کلمات کامل الله از شر مخلوقاتش به او پناه ببر، ﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا﴾

رهنمودها

۱. یکی از امور اعتقادی مومن، ایمان به وجود جن است، ﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا﴾

۲. الله تبارک و تعالی بسیار بزرگ و بلندمرتبه است، ﴿وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا﴾

۳. شرک فقط بر ضعف بنده می‌افزاید و توحید، قدرت و توانش را افزایش می‌دهد، ﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا﴾

سورۀ جن

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

[ای پیامبر،] بگو: «به من وحی شده است که گروهی از جنیان [به این قرآن] گوش فرا دادند، و [پس از بازگشت به میان قوم خویش، به آنان] گفتند: بی‌گمان ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم (۱) که به راه راست هدایت می‌کند؛ پس ما به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگارمان شریک قرار نمی‌دهیم؛ (۲) و اینکه شأن و عظمت پروردگارمان، بس [عظیم و] بلند است. او [هرگز برای خود] همسر و فرزندی انتخاب نکرده است؛ (۳) و اینکه سفیه [و نادانِ] ما [= شیطان] دربارۀ الله سخنان ناروایی می‌گفت؛ (۴) و ما [چنین] گمان می‌کردیم که هرگز انس و جن بر الله دروغ نمی‌بندند؛ (۵) و اینکه مردانی از آدمیان، به مردانی از جنّیان پناه می‌بردند و [این‌گونه] بر گمراهی و سرکشیِ آنان می‌افزودند؛ (۶) و اینکه آنان [= کافران] گمان می‌کردند ـ همان گونه که شما [جنیان] می‌پنداشتید ـ که الله هیچ کس را [دوباره] زنده نمی‌گرداند؛ (۷) و اینکه ما آسمان را [در پی شنیدن خبرها] جستجو کردیم؛ و آن را پر از محافظان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم. (۸) و اینکه در [گذشته] جاهایی [در آسمان] برای شنیدن، به کمین می‌نشستیم؛ [اما] اکنون هر کس بخواهد گوش دهد، تیر شهابی در کمین خود می‌یابد؛ (۹) و اینکه ما نمی‌دانیم آیا برای اهل زمین شرّی اراده شده، یا پروردگارشان خیر و هدایتِ آنان را خواسته است؛ (۱۰) و اینکه در میان ما افرادی صالح و افرادی نادرستند، ما گروه‌هایی متفاوت [و گوناگون] هستیم. (۱۱) و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی‌توانیم در روی زمین، الله را عاجز و ناتوان کنیم؛ و هرگز با گریز نمی‌توانیم او را ناتوان سازیم [و راه فراری از عذابش نداریم]. (۱۲) و اینکه ما هنگامی که [سخن] هدایت را شنیدیم، به آن ایمان آوردیم؛ پس هر کس که به پروردگارش ایمان آوَرَد، نه از نُقصان می‌هراسد و نه از ستم [بیم دارد]. (۱۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا﴾

این توبیخ و سرزنش بر انسان‌های کافر وجود دارد که جن‌ها با یکبار شنیدن قرآن کریم ایمان آوردند و از شنیدن فقط چند آیه فایده بردند و دانستند که قرآن کلام الله است و آن را باور کردند، اما کافران انسی هنوز فایده نبرده‌اند. شوکانی: ۵/ ۳۰۳- ۳۰۴.

پرسش: ایمان جن‌ها بلافاصله پس از شنیدن قرآن کریم چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا﴾

آیه بر این امر راهنمایی می‌کند که تقلید در هیچ امری شایسته نیست؛ زیرا اطمینان به هر کسی، عجز و ناتوانی به شمار می‌رود و تجربه گواه این امر است. تقلید گاهی به کفرِ کُشنده که برای همیشه انسان را نابود می‌کند منجر می‌شود. در حدیثی که شیخان از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت کرده‌اند پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ، وَعِرْضِهِ» [صحیح بخاری: ۵۲؛ لفظ از صحیح مسلم: ۱۵۹۹] «هر کس از شبهات دوری کند، دین و آبرویش را حفظ کرده است». این حدیث، تشویق کاملی است بر این‌که انسان جز با دلیل قاطع در مورد اصول دین امر و نهی نکند. بقاعی: ۲۰/ ۴۷۱.

پرسش: پیرویِ نیکو و تقلید ناپسند را توضیح دهید.

۳ ﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا﴾

یعنی: وقتی انسان‌ها به جن‌ها پناه بردند، جن‌ها بر گمراهی و گناه انسان‌ها افزودند یا بر ترس آنان افزودند از این نظر که آنان را سبک‌سر دیدند. بنابر قولی: ضمیر فاعل به انسان و ضمیر مفعول به جن بازمی‌گردد؛ یعنی انسان‌ها وقتی به جن‌ها پناه بردند بر تکبر و طغیان جن‌ها افزودند؛ تا جایی که جن می‌گفت: من سرور جن و انس هستم. ابن جزی: ۲/ ۴۹۵.

پرسش: زیان رفتن برخی از مردم نزد ساحران و شعبده‌بازان و شیاطین را توضیح دهید.

۴ ﴿وَأَنَّا لَا نَدۡرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ أَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدٗا﴾

جن‌ها برای رعایت ادب در برابر الله تعالی، اراده‌کنندۀ شر را مجهول گذاشتند و ارادۀ شر را به الله اضافه نکردند و فقط ارادۀ خیر را به او تعالی نسبت دادند. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۳۱.

پرسش: چرا جن‌ها ارادۀ شر را به الله تعالی نسبت ندادند و فقط ارادۀ خیر را به او تعالی نسبت دادند، با این‌که تقدیرکننده و فاعل فقط الله است؟

۵ ﴿وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدٗا﴾

جن‌ها وقتی برادران‌شان را به پیروی از راه خیر دعوت دادند، آشکارا فساد را به آنان نسبت ندادند، بلکه به صورت اشاره گفتند: «برخی از افراد ما صالح هستند»، سپس با نرمی و مهربانی بیان کردند: «برخی دیگر از ما صالح نیستند». ابن عاشور: ۲۹/ ۲۳۲.

پرسش: دعوتگر چه ادبی از آیه استنباط می‌کند؟

۶ ﴿وَأَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا ٱلۡهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦۖ فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا﴾

نه از نقصان می‌ترسد و نه از ستم؛ زیرا از حق هیچ‌کس نکاسته و بر هیچ‌کس ستم نکرده است؛ پس از جزای این دو نیز نمی‌ترسد. آلوسی: ۱۵/ ۱۰۰.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که جزا از جنس عمل است.

۷ ﴿فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «نمی‌ترسد از این‌که از نیکی‌هایش کم شود یا بر بدی‌هایش افزوده گردد؛ زیرا بخس به معنای نقصان و رهق به معنای ستم است». قرطبی: ۲۱/ ۲۹۲.

پرسش: آیا امکان دارد که به هدف ستم بر بنده، از نیکی‌هایش کاسته یا بر بدی‌هایش افزوده شود؟

سورة (الجن) الجزء (۲۹) صفحة (۵۷۳)

وَأَنَّا مِنَّا ٱلۡمُسۡلِمُونَ وَمِنَّا ٱلۡقَٰسِطُونَۖ فَمَنۡ أَسۡلَمَ فَأُوْلَٰٓئِكَ
تَحَرَّوۡاْ رَشَدٗا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا ٱلۡقَٰسِطُونَ فَكَانُواْ لِجَهَنَّمَ حَطَبٗا ﴿١٥﴾
وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا ﴿١٦﴾ لِّنَفۡتِنَهُمۡ
فِيهِۚ وَمَن يُعۡرِضۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِۦ يَسۡلُكۡهُ عَذَابٗا صَعَدٗا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبۡدُ ٱللَّهِ
يَدۡعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيۡهِ لِبَدٗا ﴿١٩﴾ قُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ
بِهِۦٓ أَحَدٗا ﴿٢٠﴾ قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ﴿٢١﴾ قُلۡ إِنِّي
لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَٰغٗا
مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦۚ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعۡلَمُونَ
مَنۡ أَضۡعَفُ نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدٗا ﴿٢٤﴾ قُلۡ إِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٞ مَّا تُوعَدُونَ
أَمۡ يَجۡعَلُ لَهُۥ رَبِّيٓ أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ
أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ
يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ رَصَدٗا ﴿٢٧﴾ لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ
رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا ﴿٢٨﴾

ترجمه آیات

و اینکه گروهی از ما، مسلمان، و گروهی، کافر [و ظالم] هستند؛ هر کس که اسلام آورده، آنانند که راه رستگاری را جستجو کرده [و برگزیده]اند. (۱۴) و اما کافران [و ستمکاران] هیزم [آتش] جهنم خواهند بود». (۱۵) و اینکه اگر آنها بر راه راست [اسلام]، پایداری کنند، البته با آبِ فراوان سیرابشان می‌کنیم (۱۶) تا آنها را با آن [نعمت‌ها] بیازماییم؛ و هر کس از یاد [و ذکر] پروردگارش روی برتابد، [الله] او را به عذابی سخت گرفتار می‌سازد؛ (۱۷) و اینکه مساجد از آنِ الله است؛ پس کسی را [در مساجد] با الله [به عبادت] نخوانید؛ (۱۸) و اینکه هنگامی که بندهٔ الله [محمدﷺ به عبادت] برخاست تا او را بخوانَد، نزدیک بود که [از ازدحام بر گِرد او] بر سرِ هم فروریزند». (۱۹) [ای پیامبر، به آنها] بگو: «من تنها پروردگارم را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌سازم». (۲۰) بگو: «بی‌گمان، من نه می‌توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی». (۲۱) بگو: «[اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم] هیچ کس مرا در برابرِ او حمایت نمی‌کند و پناهگاهی جز او نمی‌یابم. (۲۲) [وظیفهٔ من،] تنها ابلاغی از جانبِ الله و [رساندن] پیام‌های اوست. و هر کس از الله و پیامبرش نافرمانی کند، بی‌گمان، آتش جهنم از آنِ اوست؛ جاودانه در آن خواهد ماند». (۲۳) [کار کفار همچنان ادامه دارد] تا زمانی که آنچه را به آنها وعده داده شده، ببینند. آنگاه خواهند دانست که چه کسی یاورش ناتوان‌تر، و جمیعتش کمتر است. (۲۴) [ای پیامبر،] بگو: «من نمی‌دانم آیا آنچه که به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی [دور] برای آن قرار می‌دهد». (۲۵) [الله] دانای غیب است و هیچ کس را بر [اسرارِ] غیبِ خود آگاه نمی‌سازد؛ (۲۶) مگر رسولانی که آنان را پسندیده [و برگزیده] است؛ که بی‌گمان، از پیش روی او و پشت سرش، نگهبانی [از فرشتگان برای محافظت از وی] می‌گمارد، (۲۷) تا [پیامبر] بداند که [پیامبران پیش از او نیز] رسالت‌های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند؛ و [الله] به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد؛ و هر چیزی را به عدد برشمرده است. (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا﴾

منظور از طریقه، راه اسلام و طاعت الله است؛ یعنی اگر بر این راه استقامت کنند قطعا الله بر رزق و روزی‌شان می‌افزاید؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [الأعراف: ۹۶]؛ «واگر اهل شهرها (و آبادی‌ها) ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً (درهای) برکات از آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم». ابن جزی: ۲/ ۴۹۷.

پرسش: ثمرهٔ استقامت مردم در دنیا را با توجه به آیه بیان کنید.

❷ ﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا﴾

عمر ؓ می‌گوید: «هر کجا آب باشد مال هم هست و هر کجا مال باشد فتنه نیز وجود دارد، آب فراوان به این دلیل به عنوان مثال بیان شد که تمام خیرها و رزق‌ها به باران بستگی دارد؛ بنابراین به جای خیر و رزق، آب بیان شد». قرطبی: ۲۱/ ۲۹۵.

پرسش: دلیل ذکر آب در آیه چیست؟

❸ ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا﴾

بنابر قولی: یعنی مساجد را فقط برای ذکر الله اختصاص دهید و آن را به عنوان محلی برای بازی و تجارت و مجلس و راه انتخاب نکنید و هیچ سهمی برای غیر الله در آن قرار ندهید. قرطبی: ۲۱/ ۳۰۰.

پرسش: چرا الله سبحانه مساجد را به صورت خاص بیان کرد؟

❹ ﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا﴾

در این آیه، تهدیدی بزرگ وجود دارد و بر وکیل‌کردن الله تعالی و این‌که فقط بر اساس لطف و احسان خویش و بدکاری مردم جزا می‌دهد دلالت دارد. آلوسی: ۱۵/ ۱۰۵.

پرسش: نفی سود و زیان از پیامبرﷺ بر چه امری دلالت دارد؟

❺ ﴿قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا﴾

یعنی: هیچ‌کس نیست که به او پناه برم تا مرا از عذاب الله نجات دهد. وقتی رسول یعنی کامل‌ترین مخلوق، مالک هیچ سود و زیانی نیست و اگر الله قصد عذابش را داشته باشد هرگز نمی‌تواند از خود دفاع کند، دیگران به طریق اولی مالک هیچ سود و زیانی نیستند. سعدی: ۸۹۱.

پرسش: آیه بر گمراهی کسانی دلالت دارد که به اولیا و صالحان دل می‌بندند. این مطلب را توضیح دهید.

❻ ﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ﴾

منظور از این رسول، اعم از رسول فرشتگی و انسی است. ابن کثیر: ۴/ ۴۳۳.

پرسش: آیا اطلاع از بخشی از غیب مخصوص رسولان انسانی است؟ آیا فرشتگان غیب می‌دانند؟

❼ ﴿لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا﴾

یعنی: علم الله سبحانه به اشیاء به صورت اجمال نیست بلکه به صورت تفصیل است؛ به عبارتی دیگر: هر یک از مخلوقاتش را به صورت مستقل برشمرده است. شوکانی: ۵/ ۳۱۳.

پرسش: آگاهی الله از اشیاء مجمل است یا مفصل؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ	و این‌که اگر کافران استقامت کنند.
ٱلطَّرِيقَةِ	دین اسلام.
غَدَقٗا	فراوان.
صَعَدٗا	سخت و شدید.
لِبَدٗا	گروه‌های انبوهی که بر اثر ازدحام شدید برای شنیدن قرآن از پیامبر ﷺ بر روی هم نشسته بودند.
يُجِيرَنِي	مرا نجات می‌دهد.

عمل به آیات

۱. ده مرتبه بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، ﴿لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَمَن يُعۡرِضۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِۦ يَسۡلُكۡهُ عَذَابٗا صَعَدٗا﴾

۲. الله را در مسجد و در فاصلهٔ میان اذان و اقامه بخوان تا نیازت را برآورده سازد، ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا﴾

۳. امروز این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات و از کیفر تو به عفوت پناه می‌برم»، ﴿قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا﴾

رهنمودها

۱. سود و زیان فقط در دست الله است، پس به غیر او دل نبند، ﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا﴾

۲. فقط الله غیب می‌داند، ﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا﴾

۳. الله تعالی بسیار بزرگ است و بر همه‌چیز احاطه دارد، ﴿لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا﴾

سورة (المزمل) الجزء (٢٩) صفحة (٥٧٤)

سُورَةُ المُزَّمِّلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ١ قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا
٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤ إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلٗا
ثَقِيلًا ٥ إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا ٦ إِنَّ لَكَ فِي
ٱلنَّهَارِ سَبۡحٗا طَوِيلٗا ٧ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا ٨
رَّبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذۡهُ وَكِيلٗا ٩ وَٱصۡبِرۡ
عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهۡجُرۡهُمۡ هَجۡرٗا جَمِيلٗا ١٠ وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ
أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ وَمَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا ١١ إِنَّ لَدَيۡنَآ أَنكَالٗا وَجَحِيمٗا ١٢
وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِيمٗا ١٣ يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ
وَكَانَتِ ٱلۡجِبَالُ كَثِيبٗا مَّهِيلًا ١٤ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا
عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا ١٥ فَعَصَىٰ فِرۡعَوۡنُ ٱلرَّسُولَ
فَأَخَذۡنَٰهُ أَخۡذٗا وَبِيلٗا ١٦ فَكَيۡفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرۡتُمۡ يَوۡمٗا
يَجۡعَلُ ٱلۡوِلۡدَٰنَ شِيبًا ١٧ ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرُۢ بِهِۦۚ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَفۡعُولًا
١٨ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ١٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡمُزَّمِّلُ	اصل آن مُتَزَمِّل است، یعنی کسی که لباسش را به خود پیچیده است.
وَرَتِّلِ	قرآن را به آرامی و شمرده شمرده بخوان و حروف و وقفها را آشکار کن.
وَتَبَتَّلۡ	خود را برای عبادت پروردگارت فارغ کن.
أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ	ثروتمندان و مرفّهان.
أَنكَالٗا	زنجیرهایی سنگین.
ذَا غُصَّةٖ	از بس که ناخوشایند است در گلو گیر می‌کند و فرو نمی‌رود.
تَرۡجُفُ	به لرزه درآید.
كَثِيبٗا	توده‌ای شن.
مَّهِيلًا	روان و پراکنده.
وَبِيلٗا	شدید.

عمل به آیات

۱. تلاش کن امشب ده رکعت نماز بگزاری، ﴿قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ۝٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ۝٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ﴾

۲. امروز ده آیه با رعایت تجوید و قواعد روخوانی و وقف بخوان، ﴿وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا﴾

۳. بگو: «حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ»، ﴿فَٱتَّخِذۡهُ وَكِيلٗا﴾

رهنمودها

۱. باید در تمام اوقات به ارتباط با الله مشتاق بود، ﴿قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ۝٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ۝٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ﴾

۲. باید در برابر آزار و اذیت‌ها صبر پیشه کرد، ﴿وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهۡجُرۡهُمۡ هَجۡرٗا جَمِيلٗا﴾

۳. روز قیامت هول و هراس زیاد و بزرگی داری، ﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلۡجِبَالُ كَثِيبٗا مَّهِيلًا﴾

سورهٔ مزمّل

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای جامه‌به‌خودپیچیده، (۱) شب را ـ جز اندکی ـ به پا خیز [و عبادت کن]. (۲) نیمه‌ای از آن را، یا اندکی از آن کم کن. (۳) یا اندکی بر [نصف] آن بیفزای، و قرآن را با ترتیل [و تأمل] بخوان. (۴) یقیناً ما به زودی سخنی سنگین بر تو نازل خواهیم کرد. (۵) بی‌گمان، شب‌زنده‌داری [بر نفس] دشوار است، و برای گفتار [و نیایش،] مناسب‌تر و استوارتر است. (۶) و یقیناً تو در روز، مشغلهٔ بسیار داری. (۷) و نام پروردگارت را یاد کن و [با خالص نمودن عبادت] تنها به او دل ببند. (۸) [همان] پروردگار مشرق و مغرب که معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس او را کارساز [و نگهبان خود] برگُزین. (۹) و بر آنچه [مشرکان] می‌گویند، شکیبا باش، و به شیوهٔ نیکو [و شایسته] از آنان دوری کن، (۱۰) و مرا با این تکذیب‌کنندگان مرفّه واگذار و کمی به آنان مهلت ده. (۱۱) بی‌گمان، نزد ما قید [و بندهایی] سنگین و [آتش] دوزخ است، (۱۲) و غذایی [ناگوار و] گلوگیر و عذابی دردناک. (۱۳) روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه درآید و کوه‌ها [متلاشی شوند و] همچون تودهٔ شنِ نرم [و روان] گردند. (۱۴) یقیناً ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که بر شما شاهد [و گواه] است؛ همان‌گونه که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم. (۱۵) آنگاه فرعون از آن پیامبر نافرمانی [و با او مخالفت] کرد، و ما او را به شدّت مجازات کردیم. (۱۶) پس اگر کافر شوید، چگونه خود را [از عذاب] در امان می‌دارید [در] روزی که [از هول و سختی] کودکان را پیر می‌گرداند؟ (۱۷) [در آن روز،] آسمان شکافته می‌شود [و] وعدهٔ او قطعاً به وقوع می‌پیوندد. (۱۸) بی‌گمان، این [آیات،] پند [و هشداری] است تا هر کس بخواهد، به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. (۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ﴾

مورد خطاب قرار دادن رسول الله ﷺ با صفت مذکور دو فایده دارد:

فایدهٔ اول: ملاطفت و مهربانی؛ زیرا عرب‌ها وقتی می‌خواهند در برابر مخاطب نرم و مهربان باشند و سرزنش نکنند، او را با عنوان کاری که بدان مشغول است صدا می‌زنند...

فایدهٔ دوم: هشدار برای تمام کسانی است که در شب جامه را به خود پیچیده و خوابند تا از نماز شب و یاد الله در شب غافل نباشند. قرطبی: ۲۱/ ۳۱۶.

پرسش: چه رازی در واژهٔ ﴿ٱلۡمُزَّمِّلُ﴾ نهفته است؟

۲ ﴿نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ۝٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ﴾

اگر سوال شود: چرا کاستن از نصف، با قلّت مقید شد و فرمود: ﴿أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا﴾ اما افزودن، به صورت مطلق و بدون ﴿قَلِيلًا﴾ آمد و فرمود: ﴿أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ﴾؟ پاسخ این است که در افزودن، کثرت پسندیده است و به همین دلیل آن را با قلت مقید نکرد؛ بر خلاف کاستن که اگر آن را به صورت مطلق بیان می‌کرد احتمال داشت مدت زیادی از نصف کاسته شود. ابن جزی: ۲/ ۵۰۱.

پرسش: چرا قید قلت با کاستن بیان شد اما با افزودن نیامد؟

۳ ﴿وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا﴾

ترتیل به معنای قرائتِ درست و آهسته و رعایت مَد و پُر کردن حرکات و آشکارساختن حروف است. این طرز قرائت بر تفکر در معانی قرآن کمک می‌کند بر خلاف قرائت سریع که خود قاری هم نمی‌داند چه چیزی می‌خواند. رسول الله ﷺ قرآن را حرف حرف می‌خواند و به هر یک از آیات رحمت که می‌رسید می‌ایستاد و درخواست رحمت می‌کرد و به هر یک از آیات عذاب که می‌رسید، می‌ایستاد و به الله پناه می‌برد. ابن جزی: ۲/ ۵۰۱.

پرسش: ترتیل چه فایده‌ای دارد؟

۴ ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا﴾

یعنی: یعنی در شب حواس انسان برای ادا و فهم، نسبت به نماز روز جمع‌تر است؛ زیرا روز زمان پراکندگی مردم و درهم آمیختگی سر و صداها و کسب معاش است. ابن کثیر: ۴/ ۴۳۶.

پرسش: قرائت قرآن در شب چه امتیازی بر قرائت در روز دارد؟

۵ ﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا﴾

فعل با باب تفعیل بیان شد تا تدریج و تحمل رنج و سختی و جد و جهدِ زیاد و فراوان را برساند. ابن قیم: ۳/ ۲۱۲.

پرسش: چه نکته‌ای از عبارت ﴿وَتَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا﴾ به دست می‌آید؟

۶ ﴿وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ وَمَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا﴾

الله تعالی برای توبیخ و سرزنشِ آنان که به سبب غرور و تکبر بر حال فراخ‌شان، تکذیب کردند آنان را با صفت ﴿أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ﴾ توصیف کرد و با بیان ﴿وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾ تهدید کرد این ناز و نعمت را از آنان خواهد گرفت. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۶۹.

پرسش: چرا الله تعالی تکذیب‌کنندگان را با صفت ﴿أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ﴾ معرفی کرد؟

۷ ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا﴾

ضرب المثل فرعون در برابر موسی عليه السلام به این دلیل برای کافران مکه انتخاب شد که اهالی مکه و اهالی مصر در سبب رویگردانی از دعوت رسولان با هم مشترک بودند. این سبب عبارت است از: عبادت غیر الله و تکبر و بزرگی کردن بر رسولی که به سوی‌شان مبعوث شده است. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۷۳.

پرسش: چرا قصهٔ فرعون در برابر موسی عليه السلام به عنوان مثال بیان شد؟

سورتا (المزمل، المدثر) الجزء (۲۹) صفحة (۵۷۵)

۞إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ
مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ
عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ
وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ
يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُۚ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ
ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗاۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ
عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٗا وَأَعۡظَمَ أَجۡرٗاۚ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ ٢٠

سُورَةُ المُدَّثِّر

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١ قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢ وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤
وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ٥ وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ ٦ وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ٧ فَإِذَا نُقِرَ
فِي ٱلنَّاقُورِ ٨ فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ٩ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ يَسِيرٖ ١٠
ذَرۡنِي وَمَنۡ خَلَقۡتُ وَحِيدٗا ١١ وَجَعَلۡتُ لَهُۥ مَالٗا مَّمۡدُودٗا ١٢ وَبَنِينَ
شُهُودٗا ١٣ وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمۡهِيدٗا ١٤ ثُمَّ يَطۡمَعُ أَنۡ أَزِيدَ ١٥ كَلَّآۖ إِنَّهُۥ
كَانَ لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا ١٦ سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا ١٧ إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ١٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَّن تُحۡصُوهُ	نمی‌توانید تمام شب را زنده نگاه دارید.
ٱلۡمُدَّثِّرُ	اصل آن مُتَدَثِّر است یعنی کسی که لباسش را به خود پیچیده است.
وَٱلرُّجۡزَ	بت‌ها و اعمال شرک‌آمیز.
وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ	به این هدف بخشش نکن که بیشتر به دست آوری.
نُقِرَ فِي ٱلنَّاقُورِ	برای رستاخیز در صور دمیده شود.
سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا	او را به عذابی دشوار و بدون راحتی مکلف خواهم کرد.
وَقَدَّرَ	سخنی را که خواست برای طعنه و عیبجویی به قرآن و کسی که آن را آورده است بگوید آماده کرد.

عمل به آیات

۱. امشب بر ادای دستِ کم چهار رکعت نماز شب بکوش، ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ﴾

۲. نمازهای پنج‌وقت را همراه جماعت بخوان، ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

۳. به مسلمانی بگو که الله تعالی پاکیزگی لباس را دوست دارد، ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤ وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ﴾

رهنمودها

۱. الله بر بندگانش آسان گرفته و بر امت اسلامی رحم کرده است، ﴿عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ﴾

۲. دعوت به سوی الله با تنبلی منافات دارد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١ قُمۡ فَأَنذِرۡ﴾

۳. روز آخرت و سختی آن یادآوری شده است، ﴿فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک دو سوم شب و [یا] نصف [یا] یک‌سومِ آن را به [نماز] برمی‌خیزید؛ و الله شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. [او] می‌داند که شما نمی‌توانید شمارشِ آن را [دقیق] محاسبه کنید؛ و شما را بخشید. پس اکنون هر چه از قرآن [برای شما] میسّر باشد، بخوانید. [الله] می‌داند که برخی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی [دیگر] برای به دست آوردن فضل و نعمتِ الله، در زمین سفر می‌کنند، و گروهی [نیز] در راه الله جهاد می‌کنند؛ پس آنچه از آن میسر باشد بخوانید و نماز بر پا دارید و زکات دهید و به الله قرض نیکو دهید؛ و [بدانید که] آنچه از کارهای خیر پیشاپیش برای خود می‌فرستید، [آن را] نزد الله به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت؛ و از الله آمرزش بخواهید، که همانا الله آمرزندهٔ مهربان است. (۲۰)

سورهٔ مدّثّر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای جامه‌برسرکشیده، (۱) برخیز و بیم ده، (۲) و پروردگارت را بزرگ شمار، (۳) و جامه‌ات را پاکیزه بدار، (۴) و از پلیدی [عبادت معبودان باطل] دوری کن. (۵) به این هدف بذل و بخشش مکن که افزون‌طلبی کنی؛ (۶) و برای [رضایت] پروردگارت شکیبا باش. (۷) هنگامی که در «صور» دمیده شود. (۸) آن روز، روزِ سخت [و دشواری] است. (۹) بر کافران آسان نیست. (۱۰) [ای پیامبر،] مرا با کسی که او را تنها [و بدون اموال و اولاد] آفریده‌ام واگذار؛ (۱۱) [همان کسی که] مال فراوانی برایش قرار دادم، (۱۲) و فرزندانی که همیشه [در خدمت او و] با او هستند. (۱۳) و همهٔ وسایل [و امکانات] زندگی را در اختیارش قرار دادم. (۱۴) باز [هم] طمع دارد که [بر آن] بیفزایم. (۱۵) هرگز، [چنین نخواهد شد.] بی‌گمان، او نسبت به آیات ما دشمنی دارد، (۱۶) و به زودی او را به مشقّت و سختی می‌اندازم؛ (۱۷) زیرا او [برای مبارزه با قرآن] اندیشید و محاسبه کرد. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ ...﴾

آغاز کلام با عبارت ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ﴾ بر تحسین و تمجید از پیامبر ﷺ اشاره دارد؛ زیرا حق برخاستن در شب را که بدان فرمان یافته بود به کامل‌ترین وجه به جای می‌آورد و به این امر اهتمام می‌ورزید، سپس به مقدار معین در آن یعنی نصف یا اندکی کمتر از نصف یا بیشتر از نصف بسنده می‌کرد، بلکه به کم‌ترین مقدار - یعنی نزدیک یک سوم شب- عمل می‌کرد، چنان‌که اشخاصِ بااِراده چنین عادتی دارند. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۸۰.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ﴾ آغاز شد؟

۲ ﴿عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾

الله سبحانه عذرهای‌شان را این‌گونه بیان فرمود: ﴿عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ﴾ پس نمی‌توانند نماز شب را برپا دارند، ﴿وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ﴾ یعنی: کسانی که برای تجارت و کسب سود در روی زمین به سفر می‌روند و در رزق و روزی الله امور مورد نیاز زندگی‌شان را جستجو می‌کنند، پس نمی‌توانند نماز شب ادا کنند، ﴿وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ یعنی: مجاهدان که نمی‌توانند نماز شب بگزارند. الله سبحانه سه سبب برای رفع وجوب نماز شب بیان کرد و به خاطر این عذرها که برای برخی از افراد ایجاد می‌شود وجوب نماز شب را از تمام امت برداشت. شوکانی: ۵/ ۳۲۲.

پرسش: چه عذرهایی برای ترک نماز شب در آیه بیان شده است؟

۳ ﴿وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ﴾

جملهٔ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ﴾ برای بیان علت دستور استغفار است؛ یعنی: به این دلیل که الله بسیار آمرزنده و مهربان است از او آمرزش بخواهید. هدف از بیان این علت، تشویق و ترغیب به استغفار است، چون امید اجابت آن وجود دارد. دو صفت مذکور که با صیغهٔ مبالغه بیان شدند، بر وعدهٔ اجابت اشاره دارد. ابن عاشور: ۲۹/ ۲۹۰.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ﴾ پایان یافت؟

۴ ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾

احتمال دارد که لباس معروف منظور باشد و به پاکیزه‌ساختن آن از نجاست‌ها در تمام اوقات، به‌خصوص هنگام ادای نماز دستور داده شده باشد؛ چون طهارت ظاهر، بخشی از طهارت باطن است. سعدی: ۸۹۵.

پرسش: امر به پاکیزه‌کردن لباس، چگونه بر پاکیزه‌کردن قلب از بیماری‌های قلبی دلالت می‌کند؟

۵ ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾

از محمد بن سیرین روایت شده که در مورد ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾ گفت: لباست را با آب بشوی. یونس چنین به من روایت کرد که ابن وهب به ما خبر داد: ابن زید در مورد ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾ گفت: مشرکان خودشان را پاکیزه نمی‌کردند، الله به پیامبر دستور داد که هم خودش و هم لباسش را پاکیزه گرداند. طبری: ۲۳/ ۱۲.

پرسش: منظور از تطهیر لباس در آیه چیست؟

۶ ﴿فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ٩ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ يَسِيرٖ﴾

زمخشری می‌گوید: اصطلاح ﴿يَوۡمٌ عَسِيرٌ﴾ معنای ﴿غَيۡرُ يَسِيرٖ﴾ را می‌رساند و نیازی به گفتن این اصطلاح نیست، اما به این دلیل بیان شد تا مشخص شود سختی روز قیامت مانند سختی دنیا نیست که امید آسانی در آن وجود داشته باشد. این امر، باعث افزودن بر تهدید کافران و بشارت بر مومنان به آسانیِ این روز بر آنان است. این احتمال نیز وجود دارد که دو معنای مستقل داشته باشند، یعنی کلامی مستقل برای توصیف این روز و برای بیان هراس شدید آن برای همگی باشد. شنقیطی: ۸/ ۳۶۳.

پرسش: دلیل تقابل ﴿عَسِيرٌ﴾ و ﴿غَيۡرُ يَسِيرٖ﴾ چیست؟

۷ ﴿وَبَنِينَ شُهُودٗا﴾

غایب نیستند، یعنی: نزدش حاضر هستند و برای امور تجاری سفر نمی‌کنند و این کار را بردگان و کارگزاران‌شان انجام می‌دهند، اما آنان کنار پدرشان هستند و او از آنان برخوردار و بهره‌مند می‌شود... حضور فرزندان انسان در کنارش، نعمت را کامل می‌کند. ابن کثیر: ۴/ ۴۴۲.

پرسش: حاضربودن فرزندان انسان در کنار او چه نعمتی است؟

سورة (المدثر) الجزء (٢٩) صفحة (٥٧٦)

فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ
﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ﴿٢٤﴾ إِنۡ هَٰذَآ
إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾
لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلۡنَآ
أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۙ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ
لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ
وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ
وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ
لِلۡبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ﴿٣٣﴾ وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهَا
لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرٗا لِّلۡبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَتَقَدَّمَ أَوۡ يَتَأَخَّرَ
﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّٰتٖ
يَتَسَآءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُواْ لَمۡ نَكُ
مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ
ٱلۡخَآئِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ﴿٤٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَقُتِلَ	مغلوب و چیره باد.
نَظَرَ	در طعنه‌ای که آماده کرد اندیشید.
عَبَسَ	چهره در هم کشید.
وَبَسَرَ	وقتی یافتن حیله‌ای برای طعنه‌زدن و عیبجویی برایش سخت گشت بیشتر عبوس شد.
أَدۡبَرَ	با اعراض از حق بازگشت.
يُؤۡثَرُ	از نخستینیان نقل می‌شود.
سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ	او را به جهنم درخواهم آورد تا گرمایش او را بسوزاند.
لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ	پوست را می‌سوزاند و دگرگون می‌کند.
مَا سَلَكَكُمۡ	چه چیزی شما را وارد کرد؟

عمل به آیات

۱. نمازهای پنج‌گانه را همراه نمازگزاران در مسجد ادا کن، ﴿قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ﴾

۲. به مسکینی طعام بده تا از آتش جهنم نجات یابی، ﴿وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ﴾

۳. بگو: «یا الله! به تو پناه می‌برم از این‌که سخن دروغی بگویم یا گناهی را مرتکب شوم و مرا از گفتن سخن باطل و بدون علم دور کن»، ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ﴾

رهنمودها

۱. فرشتگان، مخلوقات بسیار بزرگی هستند، ﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۙ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾

۲. الله تعالی به هر یک از مخلوقاتش که بخواهد سوگند یاد می‌کند، اما انسان فقط می‌تواند به الله تعالی سوگند یاد کند، ﴿كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ﴿٣٣﴾ وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ﴾

۳. بهشت، پاداش اصحاب یمین است، ﴿إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ﴾

ترجمه آیات

پس مرگ بر او باد! چگونه اندازه [و محاسبه] کرد؟ (۱۹) باز [هم] مرگ بر او باد! چگونه اندازه [و محاسبه] کرد؟ (۲۰) سپس نظر افکند؛ (۲۱) آنگاه چهره در هم کشید و روی ترش کرد، (۲۲) سپس [به حق] پشت نمود و تکبر ورزید؛ (۲۳) آنگاه گفت: «این [قرآن،] چیزی جز جادویی که [از جادوگران پیشین] نقل شده، نیست؛ (۲۴) و این [چیزی] جز گفتار بشر نیست». (۲۵) به زودی او را به دوزخ درخواهم آورد. (۲۶) و تو چه دانی که دوزخ چگونه است؟ (۲۷) [آتش سوزانی است که] نه [چیزی را] باقی می‌گذارد و نه [چیزی را] رها می‌کند. (۲۸) پوست را [دگرگون کرده و] می‌سوزانَد. (۲۹) بر آن [آتش،] نوزده [فرشته] گمارده شده است. (۳۰) ما مأموران دوزخ را فقط از فرشتگان قرار دادیم، و شمار آنها را تنها برای آزمایش کافران معیّن کرده‌ایم تا اهل کتاب یقین کنند و کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمان خود بیفزایند و اهل کتاب و مؤمنان، گرفتار شک و تردید نشوند؛ و تا کسانی که در دل‌هایشان مرض [نفاق] است و [نیز] کافران بگویند: «هدف الله از این مَثَل [و توصیف] چیست؟» این‌گونه، الله هر کس را بخواهد، گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند؛ و [شمارِ] لشکریان پروردگارت را [کسی] جز [خود] او تعالی نمی‌داند؛ و این جز پند و اندرزی برای انسان‌ها نیست. (۳۱) آری؛ سوگند به ماه [که هرگز اینچنین نیست که آنان تصور می‌کنند]. (۳۲) و [سوگند به] شب، هنگامی که پشت کند. (۳۳) و به صبح، هنگامی که روشن شود. (۳۴) که آن [آتش دوزخ،] یکی از [عذاب‌های] بزرگ [و هولناک] است. (۳۵) برای انسان، بیم‌دهنده است. (۳۶) برای کسی از شما که بخواهد [با انجام کارهای نیکو] پیش افتد، یا [با ارتکاب گناه] عقب بماند. (۳۷) هر کس در گروِ اعمال خویش است؛ (۳۸) مگر اصحاب یمین [= مؤمنان] (۳۹) که در باغ‌های [بهشت] هستند و می‌پرسند (۴۰) از گناهکاران: (۴۱) چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ (۴۲) [دوزخیان] می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳) و بینوا[یان] را اطعام نمی‌کردیم (۴۴) و پیوسته همراه یاوه‌گویان [و اهل باطل] هم‌صدا می‌شدیم. (۴۵) و همواره روزِ جزا را تکذیب می‌کردیم، (۴۶) تا زمانی که مرگ به سراغمان آمد». (۴۷)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗا﴾

مواضع قلب‌ها هنگام ورود حق بر آن‌ها بیان شده است: یک دسته از قلب‌ها در این هنگام به کفر و انکار می‌پردازند، یک دسته بر ایمان و تصدیق‌شان افزوده می‌شود، یک دسته حق را می‌شناسند و حجت بر آنان اقامه می‌شود و دسته‌ای دیگر آشفته و کور باقی می‌مانند و نمی‌دانند چه امری اراده شده است. ابن قیم: ۳/ ۲۱۶.

پرسش: قلب‌ها هنگام شنیدن حقیقت به چند نوع تقسیم می‌شوند؟

❷ ﴿لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا﴾

آیه بیانگر این امر است که مومن باید اوامر اسلام را بلافاصله تصدیق کند و بر آن‌ها گردن نهد، حتی اگر حکمت یا راز یا هدف را نداند؛ زیرا خبر از جانب الله تعالی که از همه داناتر است می‌آید. شنقیطی: ۸/ ۳۶۵.

پرسش: آیا مسلمان باید حکمت و راز هر یک از امور اسلام را بداند تا ایمان آورَد و آن را تصدیق کند؟

❸ ﴿وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾

یعنی تا شک و تردید را از آنان بزداید. امور ذیل، مقاصد بزرگی هستند که خردمندان به آن‌ها اهمیت می‌دهند: تلاش برای کسب یقین، افزودن بر ایمان در تمام اوقات و هر یک از مسایل دین، دفع شک و تردیدها و توهماتی که معارض حقیقت هستند. سعدی: ۸۹۷.

پرسش: آیه بر وجوب یقین در تمام مسایل دین دلالت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

❹ ﴿كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ﴾

صفات اصحاب یمین بیان شد؛ یعنی کسانی که با اجرای اوامر و ترک مناهی الله، از او اطاعت می‌کنند؛ آنان در گرو اعمال‌شان نیستند، بلکه الله بر آنان رحم کرده و نیکی‌های‌شان را پذیرفته و بدی‌های‌شان را عفو کرده است. بقاعی: ۲۱/ ۷۱.

پرسش: اصحاب یمین چه کسانی هستند؟

❺ ﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ﴾

اشاره دارد به این‌که پایداری در نماز، مانع شباهت انسان به این افراد می‌شود و این‌که نماز برترین عمل است و قبل از همه در مورد آن سوال می‌شود. بقاعی: ۲۱/ ۷۵.

پرسش: سبب ورود افراد مورد نظر به جهنم چیست؟ چه نکته‌ای از این امر استخراج می‌شود؟

❻ ﴿قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ﴾

اشاره دارد به این‌که مسلمانی که در نماز و زکات سهل‌انگاری می‌کند، به اندازهٔ این سهل‌انگاری و بر اساس نیکی‌ها و بدی‌ها و امور آشکار و نهانش، سهمی از جهنم دارد. ابن عاشور: ۲۹/ ۳۲۸.

پرسش: آیه به خطر بزرگ سستی و سهل‌انگاری در نماز و زکات اشاره می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

❼ ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ﴾

یعنی همراه باطل‌کاران به باطل پرداختیم... منظور از باطل، اقوال و افعال ناپسند است؛ از جمله: سخنی که میان زوجین در خلوت رد و بدل می‌شود، سخنانی که هر یک از انواع فاسقان برای کسب لذت و انس‌گرفتن با هم به کار می‌گیرند. آلوسی: ۱۵/ ۱۴۷.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که رهاکردن افسار زبان، انسان را به نابودی می‌کشاند.

ترجمه آیات

پس شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی به آنها نمی‌بخشد. (۴۸) آنها را چه شده است که از پند [و تذکر] روی گردانند؟ (۴۹) گویی که گورخرانی رمیده‌اند (۵۰) که از [مقابل] شیر گریخته‌اند. (۵۱) بلکه هر کدام از آنها [توقع دارد و] می‌خواهد که [به او] نامه‌های گشاده [و جداگانه از سوی الله] داده شود. (۵۲) هرگز چنین نیست [که آنان می‌پندارند]! بلکه آنها از [عذاب] آخرت نمی‌ترسند. (۵۳) نه، چنین نیست که آنها می‌گویند؛ آن [قرآن] یک تذکر و یادآوری است. (۵۴) پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] از آن پند گیرد. (۵۵) و یاد نمی‌کنند [و پند نمی‌گیرند] مگر اینکه الله بخواهد. اوست که سزاوار پروا کردن و آمرزیدن است. (۵۶)

سورۀ قیامت

به نام الله بخشندۀ مهربان

به روز قیامت سوگند می‌خورم. (۱) و به نفسِ ملامت‌گر سوگند می‌خورم. (۲) آیا انسان می‌پندارد که [پس از مرگ] هرگز استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳) آری، ما قادریم که [حتی خطوط سر] انگشتانش را یکسان و مرتب کنیم. (۴) بلکه انسان می‌خواهد که [آزادانه و بدون ترس از آخرت،] در گناه و بدکاری مداومت کند. (۵) [از این رو] می‌پرسد: «روز قیامت کِی خواهد بود؟» (۶) هنگامی که چشم [وحشت‌زده و] خیره شود (۷) و ماه تیره [و بی‌نور] گردد (۸) و خورشید و ماه، یکجا جمع شوند، (۹) آن روز، انسان می‌گوید: «راهِ گریز کجاست؟» (۱۰) هرگز! هیچ گریزگاهی نیست. (۱۱) آن روز، قرارگاه [نهایی،] به سوی پروردگار توست. (۱۲) در آن روز، انسان را از تمام کارهایی که پیشاپیش فرستاده و کارهایی که به تاخیر انداخته [و انجام نداده است]، آگاه می‌کنند. (۱۳) بلکه انسان به خوبی بر خویشتن آگاه است. (۱۴) اگر چه [در دفاع از خود،] عذرهایش را در میان آورد. (۱۵) [ای پیامبر، هنگام نزول قرآن،] زبانت را برای [تکرار و خواندنِ] آن، شتابزده حرکت مده. (۱۶) مسلماً جمع‌آوری و خواندنِ آن، بر [عهدۀ] ماست. (۱۷) پس هر گاه [توسط جبرئیل] آن را [بر تو] خواندیم، از خواندنِ او پیروی کن. (۱۸) سپس بیان‌کردنش بر [عهدۀ] ماست. (۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ﴾
به ثبوت شفاعت برای سایر مردم در روز قیامت به صورت کلی اشاره دارد. تفصیل این موضوع در احادیث صحیح وارد شده است. ابن عاشور: ۲۹/ ۳۲۸.
پرسش: آیۀ ﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ﴾ بر چه امری اشاره دارد؟

۲ ﴿هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ﴾
او تعالی این شایستگی را دارد که دیگران از او بترسند و این استحقاق را دارد که گناه کسانی را که توبه کنند و به سوی او بازگردند بیامرزد. ابن کثیر: ۴/ ۴۴۷.
پرسش: وقتی دانستی که الله تعالی گناهان را می‌بخشد، در عمل چه موضعی در قبال این آگاهی اتخاذ می‌کنی؟

۳ ﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ﴾
لوّامه، نفسی است که خودش را در قبال انجام گناهان یا کوتاهی در طاعات سرزنش می‌کند. نفس بر سه نوع تقسیم می‌شود: بهترین آن‌ها نفس مطمئنه و بدترین آن‌ها نفس امرکننده به بدی و میان این دو، نفس لوامه است. ابن جزی: ۲/ ۵۱۳.
پرسش: چه تفاوتی میان نفس امّاره و نفس لوّامه وجود دارد؟

۴ ﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ﴾
بیان این نوع نفس با صفت لوّامه، اشاره دارد به این‌که نیاز و ضرورت شدیدی دارد به کسی که خیر و شر را به او بشناساند و او را به این دو امر راهنمایی و هدایت کند؛ یعنی آن را چنان تربیت کند که خیر بخواهد و به سوی آن برود و از شر متنفر باشد و از آن دوری گزیند؛ تا از سرزنش و از بدی آن‌چه بر آن سرزنش می‌شود در امان بماند؛ زیرا مردد است و در یک حالت باقی نمی‌ماند، پس به کسی نیاز دارد که سودمندترین امور معاش و معادش را به او بشناساند و او آن را برگزیند و نفسش را در صورتی که از این کار بازماند سرزنش کند. ابن قیم: ۳/ ۲۲۵.
پرسش: منظور از نفس لوّامه چیست؟

۵ ﴿لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ﴾
آیه بیانگر تأمل و پایداری در کسب علم است و این‌که محبت و تمایل شدید و عجله برای کسب علم، نباید باعث قطع کلام معلم شود... برای جوینده و شنوندۀ علم سزاوار است که در برابر معلم صبر کند تا سخنش را به پایان برساند سپس سوال‌هایش را از او بپرسد. ابن قیم: ۳/ ۲۳۰.
پرسش: آیه دربردارندۀ یک نکتۀ تربیتی برای جویندۀ علم است. این نکته چیست؟

۶ ﴿لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ﴾
این نکتۀ تربیتی در آیه وجود دارد که: شاگرد قبل از پایان کلام معلم سخن نگوید و اگر سوال یا اشکالی دارد پس از این‌که سخن معلم پایان یافت از او بپرسد، یا اگر در ابتدای کلام معلم، عبارتی که قابل رد یا تحسین است شنید عجله نکند تا سخن کامل شود و حق یا بطلانش آشکار گردد و کلام را کامل و درست بفهمد. سعدی: ۸۹۹.
پرسش: جویندۀ علم چه ادبی از آیه کسب می‌کند؟

۷ ﴿إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ﴾
اشاره دارد به این‌که قرآن بخش بخش نازل گشته و با توجه و عنایت الله یکجا و به صورت فعلی جمع شده است. گواه مطلب مذکور آن است که جمع قرآن به صورت فعلی، یکی از وسایل حفظ آن است؛ چنان‌که الله تعالی این امر را به عهده گرفته است. والله تعالى أعلم. شنقیطی: ۸/ ۳۷۴.
پرسش: آیه اشاره دارد به این‌که قرآن بخش بخش نازل شده و جمع آن به صورت فعلی، به سبب توجه و عنایت الله تعالی است. این مطلب را توضیح دهید.

سورتا (المدثر، القيامة) الجزء (۲۹) صفحة (۵۷۷)

فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ مُعۡرِضِينَ
﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمۡ حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ ﴿٥٠﴾ فَرَّتۡ مِن قَسۡوَرَةِۭ ﴿٥١﴾ بَلۡ يُرِيدُ
كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُؤۡتَىٰ صُحُفٗا مُّنَشَّرَةٗ ﴿٥٢﴾ كَلَّاۖ بَل لَّا يَخَافُونَ
ٱلۡأٓخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذۡكِرَةٞ ﴿٥٤﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذۡكُرُونَ
إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ القِيَامَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ﴿١﴾ وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحۡسَبُ
ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ﴿٤﴾ بَلۡ
يُرِيدُ ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ ﴿٥﴾ يَسۡـَٔلُ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلۡقِيَٰمَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ
ٱلۡبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ
يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّؤُاْ
ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ﴿١٤﴾
وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾ لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيۡنَا
جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ ﴿١٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ	خرهای وحشی که بسیار رمنده هستند.
قَسۡوَرَةِۭ	شیری درنده.
ٱللَّوَّامَةِ	نفسی که صاحبش را سرزنش می‌کند.
نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ	انگشتانِ دست‌ها و پاهایش را همانند سُم شتر، صاف و یکسان قرار می‌دهیم، یا این‌که آن‌ها را به صورت آفرینش نخستین بازمی‌گردانیم.
أَيَّانَ	چه زمانی؟!
بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ	چشم بر اثر هول و هراس قیامت آشفته و خیره شود.
لَا وَزَرَ	هیچ پناهگاه و محل نجاتی از الله ندارد.
ٱلۡمُسۡتَقَرُّ	بازگشتگاه و سرانجام.
وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ	هر عذری که بیاورد پذیرفته نمی‌شود.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه شفاعت پیامبرش محمدﷺ را نصیبت کند و برای رسیدن به این شفاعت، اعمال صالح انجام بده، ﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ﴾
۲. نفست را مورد سرزنش قرار بده قبل از این‌که در قبال اعمالت پشیمان شوی، ﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ﴾
۳. بگو: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ» [صحیح بخاری: ۶۳۹۸؛ صحیح مسلم: ۷۷۱ و ۲۷۱۹] «یا الله! گناهان گذشته و جدیدم را بیامرز»، ﴿يُنَبَّؤُاْ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾

رهنمودها

۱. دروس و پند و اندرزها را پذیرا باش و از تذکر و یادآوری روی مگردان، ﴿فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ مُعۡرِضِينَ﴾
۲. الله سبحانه است که باید از عذابش ترسید و آمرزش گناهان را از او طلب کرد، ﴿وَمَا يَذۡكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ﴾
۳. محاسبۀ نفس اهمیت به‌سزایی دارد، ﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ﴾

سورتا (القيامة، الإنسان) الجزء (٢٩) صفحة (٥٧٨)

كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ﴿٢١﴾ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ
﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ﴿٢٣﴾ وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذِۭ بَاسِرَةٞ ﴿٢٤﴾ تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا
فَاقِرَةٞ ﴿٢٥﴾ كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾ وَقِيلَ مَنۡۜ رَاقٖ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلۡفِرَاقُ
﴿٢٨﴾ وَٱلۡتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ ﴿٢٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمَسَاقُ ﴿٣٠﴾ فَلَا
صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ
﴿٣٣﴾ أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ
أَن يُتۡرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ أَلَمۡ يَكُ نُطۡفَةٗ مِّن مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ ﴿٣٧﴾ ثُمَّ كَانَ
عَلَقَةٗ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنۡهُ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ
وَٱلۡأُنثَىٰٓ ﴿٣٩﴾ أَلَيۡسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰ ﴿٤٠﴾

سُورَةُ الإِنسَانِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن شَيۡـٔٗا مَّذۡكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقۡنَا
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا
هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَاْ
وَأَغۡلَٰلٗا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَّاضِرَةٌ	درخشان و زیبا.
بَاسِرَةٞ	عبوس و ترشرو.
فَاقِرَةٞ	مصیبتی بزرگ که مهره‌های ستون فقرات را در هم می‌شکند.
بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ	روح به بالاترین قسمت سینه برسد.
مَنۡۜ رَاقٖ	آیا کسی هست که برایش رقیه بخواند تا شفا یابد؟
يَتَمَطَّىٰٓ	با تکبر و غرور راه می‌رود.
سُدًى	رهاشده‌ای که امر نمی‌شود و مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.
عَلَقَةٗ	تکه‌ای از خون بسته.

عمل به آیات

۱. این‌گونه به درگاه الله دعا کن: «اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي»؛ «یا الله! دنیا را بزرگ‌ترین دل‌مشغولی من و اوج دانشم قرا نده»، ﴿كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ﴾

۲. عاقبت به‌خیری را از الله تقاضا کن، ﴿وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلۡفِرَاقُ﴾

۳. هدایت را از الله بخواه، ﴿إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ﴾

رهنمودها

۱. اشتیاق بر اعمال، مومن را در گروه کسانی قرار می‌دهد که روز قیامت به الله نگاه می‌کنند، ﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ﴾

۲. باید در آفرینش انسان اندیشید، ﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا﴾

۳. سورهٔ سجده را در رکعت اول و سورهٔ انسان را در رکعت دوم نماز فجر روز جمعه بخوان.

ترجمه آیات

هرگز چنین نیست [که شما مشرکان می‌پندارید]! بلکه شما دنیا[ی زودگذر] را دوست دارید (۲۰) و آخرت را رها می‌کنید. (۲۱) آن روز، [اهل ایمان دارای] چهره‌هایی تازه [و شاداب] هستند. (۲۲) به سوی پروردگارشان می‌نگرند. (۲۳) و در آن روز، [کافران و بدبختان دارای] چهره‌هایی عبوس [و درهم‌کشیده] هستند. (۲۴) زیرا یقین دارند که آسیبی کمرشکن به آنها می‌رسد. (۲۵) آری، چون [جان] به گلوگاهش برسد. (۲۶) و گفته شود: چه کسی است که رُقیه بخواند؟ [شاید شفا یابد]. (۲۷) و یقین کند که زمان جدایی [از دنیا فرا رسیده] است. (۲۸) و [کار بالا گیرد و] ساق‌ها[ی پایش از سختیِ جان دادن] به هم بپیچد. (۲۹) در آن روز، مسیرِ همه به سوی پروردگارت خواهد بود. (۳۰) [منکرِ معاد،] نه تصدیق کرده و نه نماز گزارده است؛ (۳۱) بلکه [قرآن را] تکذیب کرد و [از ایمان] روی گرداند. (۳۲) سپس خرامان به سوی خانواده‌اش بازگشت. (۳۳) وای بر تو! پس وای بر تو! (۳۴) باز هم وای بر تو! پس وای بر تو! (۳۵) آیا انسان گمان می‌کند که [بی‌هدف و بدون حساب و جزا] به خود رها می‌شود؟ (۳۶) آیا [او] نطفه‌ای از منی نبود که [در رحم] ریخته می‌شود؟ (۳۷) سپس به صورت خونِ بسته درآمد و [الله او را] آفرید و درست و استوار ساخت، (۳۸) سپس دو زوج نر و ماده از او پدید آورد. (۳۹) آیا [چنین آفریدگاری] قادر نیست که مردگان را [دوباره] زنده کند؟ (۴۰)

سورهٔ انسان

به نام الله بخشندهٔ مهربان

یقیناً زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیزی [مهم و] قابل ذکری نبود. (۱) به راستی ما انسان را از نطفهٔ مختلطی آفریدیم، او را می‌آزماییم؛ از این رو] او را شنوای بینا قرار دادیم. (۲) همانا ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس. (۳) به راستی که ما زنجیرها و بندها و آتش سوزان برای کافران مهیا کرده‌ایم. (۴) بی‌گمان، نیکوکاران [در بهشت] از جامی می‌نوشند که آمیخته به کافور است. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ﴾

نعمت‌ها و خوشی‌های دنیا موجود است و انسان بر آن‌چه حاضر و موجود باشد حرص و اشتیاق دارد؛ در مقابل، نعمت‌های جاویدان آخرت به تاخیر افتاده است؛ بنابراین چنان از آخرت غافل شده‌اید و آن را رها کرده‌اید که انگار برای آن آفریده نشده‌اید و چون دنیا را سرای جاویدان می‌دانید عمر گران‌بهای‌تان را در آن فدا می‌کنید و تمام لحظات شب و روز برایش می‌کوشید. این‌گونه حقیقت بر شما منقلب شده و زیانکار شده‌اید. سعدی: ۹۰۰.

پرسش: چرا انسان زندگی دنیا را دوست دارد و نعمت‌های آخرت را رها می‌کند؟

۲ ﴿وَقِيلَ مَنۡۜ رَاقٖ﴾

یعنی: کیست که رُقْیه بخواند؛ زیرا امیدشان از اسباب عادی قطع شده و فقط اسباب الهی برای‌شان باقی مانده است. سعدی: ۹۰۰.

پرسش: چرا مردم برای درمان محتضر در جستجوی رقیه‌خوان می‌گردند و به سراغ پزشک نمی‌روند؟

۳ ﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ﴾

یعنی با افتخار از این کار خبر می‌دهد... بنابر قولی: اصل این فعل، یتمطط به معنای نزدیک‌شدن به تنبلی و سستی است؛ زیرا از دعوتگر به سوی حق عقب می‌افتد. قرطبی: ۲۱/ ۴۳۷.

پرسش: منظور از افتخار مذموم در آیه چیست؟

۴ ﴿هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن شَيۡـٔٗا مَّذۡكُورًا﴾

آغاز آفرینش انسان برایش بیان شد تا بداند هیچ صلاحیتی برای تکبر و برتری‌جویی ندارد و گمان نکند که الطاف و عنایات و کرامات الهی به سبب شایستگی و استحقاق خودش به او رسیده است: ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِ﴾ [النحل: ۵۳]؛ «آن‌چه از نعمت دارید، پس (همه) از (جانب) الله است». بقاعی: ۲۱/ ۱۲۳.

پرسش: سبب تکبر انسان جاهل چیست؟

۵ ﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا﴾

﴿نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ﴾ یعنی: آبی پست و پلید. او را با آن می‌آزماییم تا مشخص کنیم آیا حالتی را که در ابتدا داشت به یاد می‌آورد یا آن را فراموش می‌کند و به خودش مغرور می‌گردد. سعدی: ۹۰۰.

پرسش: آیهٔ فوق نحوهٔ رهایی انسان از غرور را بیان می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

یعنی: برایش گوش و چشم قرار دادیم که با آن‌ها می‌تواند طاعت و معصیت را به جای آوَرد. ابن کثیر: ۴/ ۴۵۳.

پرسش: چرا الله تعالی قوهٔ شنوایی و بینایی را قبل از عبارت ﴿إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ بیان کرد.

۷ ﴿إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

در کنار واژهٔ «کفور»، واژهٔ «شاکر» را بیان کرد نه «شکور»؛ به این هدف که مبالغه را در سپاس‌گزاری، نفی و در ناسپاسی، اثبات کند؛ زیرا سپاس‌گزاری از الله تعالی هیچ وقت به صورت کامل انجام نمی‌گیرد. یعنی شکر او تعالی در قبال نعمت‌هایش، اندک است، اما ناسپاسی از او تعالی - حتی اگر اندک باشد- در قبال لطف و احسانش، بسیار به شمار می‌رود. قرطبی: ۲۱/ ۴۵۰.

پرسش: چرا در مورد کفر صیغهٔ مبالغه بیان شد اما این صیغه در مورد شکر بیان نشد؟

سورة (الإنسان) الجزء (۲۹) صفحة (۵۷۹)

عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦ يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ
يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ٧ وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا
وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا
٩ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ١٠ فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ
ٱلۡيَوۡمِ وَلَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ وَسُرُورٗا ١١ وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢
مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ١٣
وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ١٤ وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِـَٔانِيَةٖ
مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ١٥ قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ١٦
وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ١٧ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا
١٨ ۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا
١٩ وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ٢٠ عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ
خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا
طَهُورًا ٢١ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ٢٢ إِنَّا
نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ تَنزِيلٗا ٢٣ فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ
مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ٢٤ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٢٥

ترجمه آیات

[از] چشمه‌ای که بندگان [خاص] الله از آن می‌نوشند؛ [هر وقت و] هر جا بخواهند آن [چشمه] را جاری می‌سازند. (۶) [بندگان نیکوکار] به نذر وفا می‌کنند و از روزی می‌ترسند که [عذاب و] شرّ آن فراگیر است. (۷) و غذا را با اینکه [نیاز و] دوست دارند به مستمند و یتیم و اسیر می‌بخشند. (۸) [و در دل می‌گویند:] «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم؛ نه از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی. (۹) همانا ما از پروردگارمان می‌ترسیم، [از عذابِ] روزی که تُرشروی و دشوار است». (۱۰) پس الله آنان را از [سختی و] شرِ آن روز نگه داشت و خرّمی و شادمانی به آنان بخشید. (۱۱) و به [پاداش] صبری که کردند، بهشت و [لباس‌های] حریر [بهشتی] به آنان پاداش داد. (۱۲) در آنجا بر تخت‌ها[ی زیبا] تکیه کرده‌اند؛ نه [حرارتِ] آفتابی در آنجا می‌بینند و نه [سوزِ] سرمایی، (۱۳) و سایه‌هایش بر آنان فروافتاده و میوه‌هایش [برای چیدن] در دسترس [و آسان] است. (۱۴) و ظرف‌های سیمین [غذا] و کاسه‌های بلورین [نوشیدنی]، در گِرداگرد آنان، گردانده می‌شود. (۱۵) [کاسه‌های] بلورینی از نقره که آنها را به اندازهٔ مناسب، [لبریز و] آماده کرده‌اند؛ (۱۶) و در آنجا از جام‌هایی سیراب می‌شوند که آمیزه‌اش زَنجبیل است. (۱۷) [این جام‌ها، از] چشمه‌ای در آنجا که سَلسَبیل نامیده می‌شود [پر می‌شوند]؛ (۱۸) و همواره نوجوانانی جاودانه بر گِردشان می‌چرخند که هر گاه آنها را ببینی، گمان می‌کنی مرواریدِ پراکنده هستند. (۱۹) و چون [به هر سَمتی] بنگری، نعمت بسیار و فرمانرواییِ عظیمی آنجا می‌بینی. (۲۰) بر آنان [= بهشتیان] لباس‌هایی سبزرنگ از دیبای نازک و دیبای ضخیم [پوشانده شده] است، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند، و پروردگارشان شراب پاک به آنان می‌نوشانَد. (۲۱) [و به آنها گفته می‌شود:] «این [نعمت‌ها،] پاداش شماست، و [بدانید که] از سعی و کوشش شما قدردانی شده است». (۲۲) [ای پیامبر،] یقیناً ما قرآن را به صورت تدریجی بر تو نازل کردیم؛ (۲۳) پس بر حُکم پروردگارت شکیبا باش و از هیچ یک از گناهکاران و بی‌دینان آنان فرمان مبر. (۲۴) و صبح و شام، نامِ پروردگارت را یاد کن. (۲۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا﴾

یعنی: به نذر و پیمان‌هایی که برای الله بر عهدهٔ خودشان قرار دادند وفا می‌کنند. وقتی که به نذرها که از ابتدا بر عهدهٔ آنان واجب نبوده و خودشان آن‌ها را بر خود واجب کرده‌اند وفا می‌کنند، به طریق اولی فرایض و واجبات را انجام می‌دهند. سعدی: ۹۰۱.

پرسش: ستایش نیکوکاران توسط الله در قبال وفاداری به نذرها بر چه امری دلالت دارد؟

۲ ﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا﴾

کسی که دعا یا ستایش را از جانب فقرا طلب کند، مصداق آیه نیست. ابن تیمیه: ۶/ ۴۴۱.

پرسش: طعام‌دادن برای خشنودی الله تعالی در چه صورتی کامل انجام می‌شود؟

۳ ﴿وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا﴾

یعنی به سبب صبر بر گرسنگی و ترجیح دیگران بر خودشان. ابن جزی: ۲/ ۵۱۹.

پرسش: نیکوکاران به سبب کدام صفت به بهشت دست می‌یابند؟

۴ ﴿وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا﴾

از آن‌جا که صبر، مستلزم کنترل نفس و تحمّل رنج و سختی و گرمای ظاهری و باطنی است، پاداش آن، بهشت فراخ و پهناور است و بهشتیان در آن‌جا از ابریشم نرم و ملایم و متکّاهای راحت و سایه‌های خنک بهره‌مند می‌شوند. ابن تیمیه: ۶/ ۴۴۵.

پرسش: چرا نعمت‌های بهشتیان بر فراخی و نرمی استوار است؟

۵ ﴿وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا﴾

نوجوانان بهترین خدمتکاران به شمار می‌روند؛ زیرا سریع و چابک هستند و مخدوم وقتی آنان را امر و نهی کند نگران و دلتنگ نمی‌شود. ابن عاشور: ۲۹/ ۳۹۷

پرسش: چرا خادمان بهشتی، نوجوان هستند؟

۶ ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ ...﴾

یعنی: چنان‌که تو را با نزول قرآن گرامی داشت، در برابر قضا و قدر او تعالی صبر کن و بدان که به نیکویی تو را مدیریت خواهد کرد. ابن کثیر: ۴/ ۴۵۸.

پرسش: بیان صبر در کنار حکم الله تعالی چه نکته‌ای در بر دارد؟

۷ ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ٢٤ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا﴾

یعنی: به حکمِ تقدیری الله صبر کن و در برابر آن خشم نگیر و در برابر حکم دینی الله صبر کن و آن را عملی گردان و هیچ مانعی تو را از انجام آن باز ندارد... از آن‌جا که صبر، انسان را بر انجام عبادت الله و یاد بیشتر او تعالی یاری می‌رساند، الله تعالی به پیامبرش فرمود: ﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا﴾. سعدی: ۹۰۲.

پرسش: چرا پس از امر به صبر در برابر حکم الله، به یادِ نام الله در صبح و شام دستور داده شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَشۡرَبُ بِهَا	با لذت از آن می‌نوشند.
مُسۡتَطِيرٗا	تمام مردم را فرا می‌گیرد.
قَمۡطَرِيرٗا	بسیار سخت.
ٱلۡأَرَآئِكِ	تخت‌های آراسته با پارچه‌ها و پرده‌های فاخر.
زَمۡهَرِيرٗا	بسیار سرد.
وَدَانِيَةً	درختانش نزدیک است.
وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا	چیدن میوه‌های آن برای‌شان آسان شده است.
قَوَارِيرَاْ	از شیشه.
تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا	به سبب نوشیدن آسان و گوارابودن به این اسم نامیده شد.

عمل به آیات

۱. هر گاه نذر کردی به آن وفا کن، ﴿يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا﴾

۲. غذای مورد علاقه‌ات را به یک مسلمان بده تا او را بر خودت ترجیح داده باشی، ﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا﴾

۳. اذکار صبحگاه را قبل از رفتن به مدرسه یا محل کار و اذکار شامگاه را قبل از مغرب بخوان، ﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا﴾

رهنمودها

۱. اعمال باید خالص برای الله قرار گیرد، ﴿إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا﴾

۲. باید در نعمت‌های بهشتیان اندیشید، ﴿إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا﴾

۳. صبر، نشانهٔ خشنودی به قضا و قدر است، ﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا﴾

وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ٢٦ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ
يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا ثَقِيلٗا ٢٧ نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ
وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ٢٨ إِنَّ
هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٢٩ وَمَا تَشَآءُونَ
إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٣٠ يُدۡخِلُ
مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ٣١

سُورَةُ المُرۡسَلَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ١ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ٢ وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ٣
فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ٤ فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا ٥ عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ٦ إِنَّمَا
تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٞ ٧ فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ٨ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ
٩ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ١٠ وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ ١١ لِأَيِّ يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ
١٢ لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ١٣ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ١٤ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ
لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٥ أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦ ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ
١٧ كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٨ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا	سوگند به بادهای بسیار شدید و نابودکننده.
فَٱلۡوَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا	سوگند به فرشتگانی که بر ابرها گمارده شده‌اند و آن‌ها را هر جا که الله بخواهد می‌برند.
فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا	سوگند به فرشتگانی که جداکنندهٔ حق و باطل را فرود می‌آورند.
طُمِسَتۡ	محو شود و نورش از بین برود.
فُرِجَتۡ	پراکنده و متلاشی شود.
نُسِفَتۡ	از جا کنده و پراکنده شود.
أُقِّتَتۡ	وقت و سررسیدی برای داوری میان آنان و امت‌های‌شان مشخص شود.

عمل به آیات

۱. امشب بسیار تسبیح و نماز به جای آور، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا﴾

۲. صد مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ»، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا﴾

۳. از الله بخواه رحمتش را شامل حال تو گرداند، ﴿يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦ﴾

رهنمودها

۱. عذاب مخلوقات توسط الله در صورتی که از الله نافرمانی کند بسیار آسان است، ﴿نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا﴾

۲. باید در باد و انواع آن اندیشید، ﴿وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ۝١ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا﴾

۳. روز قیامت هول و هراس زیادی دارد، ﴿فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ۝٨ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ ۝٩ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ﴾

ترجمه آیات

و [نیز] بخشی از شب برایش سجده کن [و نماز بگزار]، و در بخش بلندی از شب، او را تسبیح گوی. (۲۶) بی‌گمان، اینان [= کافران] دنیای زودگذر را دوست دارند و روز سختی [را که در پیش دارند] پشت سر خود رها می‌کنند [و به آن اهمیت نمی‌دهند]. (۲۷) ما آنها را آفریدیم و پیوند وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان که بخواهیم، جای آنان را به [گروه دیگری] همانندشان می‌دهیم. (۲۸) بی‌گمان، این یادآوری [و پند] است؛ پس هر کس که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند. (۲۹) و تا الله اراده نکند، [شما چیزی را] نخواهید خواست. بی‌گمان، الله دانای حکیم است؛ (۳۰) هر کس را که بخواهد، در رحمت خود وارد می‌کند؛ و عذاب دردناکی برای ستمکاران آماده کرده است. (۳۱)

سورهٔ مرسلات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به فرشتگانی که پیاپی فرستاده می‌شوند، (۱) و سوگند به فرشتگانی که همچون تندباد می‌روند، (۲) و سوگند به فرشتگانی که [ابرها را] پراکنده می‌کنند، (۳) و سوگند به فرشتگانی که جداکننده[ی حق از باطل] هستند (۴) و سوگند به فرشتگانی که وحی [الهی] را [به پیامبران] القا می‌کنند، (۵) برای اتمامِ‌حجت یا برای بیم و هشدار. (۶) بی‌گمان، آنچه به شما وعده داده می‌شود، واقع خواهد شد؛ (۷) آنگاه که ستارگان تیره [و محو] شود (۸) و آنگاه که آسمان شکافته شود، (۹) و آنگاه که کوه‌ها [از جا کنده و] پراکنده شود، (۱۰) و آنگاه که برای پیامبران [جهت گواهی دادن در مورد امت‌ها]، وقت تعیین گردد، (۱۱) این [امر،] برای چه روزی به تأخیر افتاده است؟ (۱۲) برای روز جدایی [و داوری]. (۱۳) و تو چه دانی روز جدایی [و داوری] چیست؟ (۱۴) در آن روز، [= قیامت] وای بر تکذیب‌کنندگان! (۱۵) آیا ما پیشینیان [مجرم] را نابود نکردیم؟ (۱۶) سپس دیگران را در پی آنها خواهیم آورد. (۱۷) اینچنین با گنهکاران رفتار می‌کنیم. (۱۸) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا﴾

تعبیر نماز به سجده، بیانگر این امر است که چنین نمازی، بهترین نماز است؛ زیرا اشاره دارد به این‌که شب زمان خضوع و فروتنی است. بقاعی: ۲۱/ ۱۵۷.

پرسش: چرا برای بیان نماز، سجده ذکر شد؟

۲ ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا﴾

یعنی: شب زیاد سجده کن. این امر فقط با نمازِ زیاد عملی می‌شود. سعدی: ۹۰۳.

پرسش: نحوهٔ تشویق آیه بر کثرت نماز شب را توضیح دهید.

۳ ﴿نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا﴾

﴿نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ﴾ یعنی: آنان را از عدم پدید آوردیم. ﴿وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡ﴾ یعنی: آفرینش آنان را چنان با اعصاب و رگ‌ها و نیروهای ظاهری و باطنی، محکم و کامل کردیم که می‌تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد. ذاتی که آنان را بر این حالت آفریده باشد به طریق اولی می‌تواند آنان را بعد از مرگ‌شان دوباره زنده کند تا جزای اعمال‌شان را به آنان بدهد. سعدی: ۹۰۳.

پرسش: نحوهٔ استدلال به زندگی دنیا بر رستاخیز روز قیامت را بیان کنید؟

۴ ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ۝٢٩ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾

در عبارت ﴿فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا﴾ انتخاب راه به سوی الله تعالی، بر ارادهٔ انسان و در عبارت ﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾ ارادهٔ بنده به ارادهٔ الله تعالی مقید شد. این مطلب، بیانگر ایمان به تقدیر است. شنقیطی: ۸/ ۳۹۹.

پرسش: کدام یک از ارکان ایمان در دو آیهٔ فوق بیان شده است؟

۵ ﴿وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ۝١ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ۝٢ وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ۝٣ فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ۝٤ فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا﴾

طولانی‌کردن قسم باعث تشویق شنونده برای پذیرش امری است که بر آن سوگند یاد شده است. ابن عاشور: ۳۹/ ۴۱۹.

پرسش: چرا سوگند در این سوره طولانی شد؟

۶ ﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ﴾

یعنی: امری است که باید در مورد آن سوال کرد و آن را بزرگ داشت؛ قطعاً الله که این روز را بزرگ داشته است از آن بزرگ‌تر است و هیچ یک از مخلوقات نمی‌تواند به او علم حاصل کند؛ زیرا هیچ مانندی ندارد. بقاعی: ۲۱/ ۱۷۰.

پرسش: سوال مذکور در آیه بر چه امری دلالت دارد؟

۷ ﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ﴾

عذاب تکذیب‌کنندگان در آیات سوره تکرار شده است؛ زیرا این عذاب را بر اساس تکذیب آنان میان‌شان تقسیم کرده است؛ یعنی هر تکذیب‌کننده‌ای عذابی غیر از عذابِ دیگری دارد. قرطبی: ۲۱/ ۵۰۱- ۵۰۲.

پرسش: چرا عذاب تکذیب‌کنندگان در سوره تکرار شده است؟

أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ (۲۰) فَجَعَلۡنَٰهُ فِي قَرَارٖ مَّكِينٍ (۲۱) إِلَىٰ قَدَرٖ
مَّعۡلُومٖ (۲۲) فَقَدَرۡنَا فَنِعۡمَ ٱلۡقَٰدِرُونَ (۲۳) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۲۴)
أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا (۲۵) أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا (۲۶) وَجَعَلۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ
شَٰمِخَٰتٖ وَأَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا (۲۷) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۲۸)
ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (۲۹) ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ
شُعَبٖ (۳۰) لَّا ظَلِيلٖ وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ (۳۱) إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ
كَٱلۡقَصۡرِ (۳۲) كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ (۳۳) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۳۴)
هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ (۳۵) وَلَا يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ (۳۶) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ
لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۳۷) هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِۖ جَمَعۡنَٰكُمۡ وَٱلۡأَوَّلِينَ (۳۸) فَإِن كَانَ
لَكُمۡ كَيۡدٞ فَكِيدُونِ (۳۹) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۴۰) إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ
فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ (۴۱) وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ (۴۲) كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا
بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ (۴۳) إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۴۴) وَيۡلٞ
يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۴۵) كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ (۴۶) وَيۡلٞ
يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۴۷) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ (۴۸)
وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (۴۹) فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ (۵۰)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّآءٖ مَّهِينٖ	آبی ضعیف و پست؛ یعنی نطفه.
قَرَارٖ مَّكِينٍ	مکانی امن و مستحکم.
قَدَرٖ	وقت.
كِفَاتًا	ظرفی که زندگان و مردگان را فرا می‌گیرد.
رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ	کوه‌هایی ثابت و مرتفع.
فُرَاتٗا	شیرین و گوارا.
ظِلّٖ	دود جهنم.
ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ	سه شاخه از آن جدا می‌شود.
لَّا ظَلِيلٖ	در برابر گرمای آن روز سایه نمی‌اندازد.
كَٱلۡقَصۡرِ	مانند ساختمانی مستحکم از نظر بزرگی و ارتفاع.
جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ	شراره‌ها مانند شترانی سیاه و متمایل به زرد هستند.

عمل به آیات

۱. به زیارت قبور برو و عبرت بگیر، ﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا﴾
۲. برای طلب باران به درگاه الله دعا کن، ﴿وَأَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا﴾
۳. سه مرتبه از عذاب جهنم به الله پناه ببر، ﴿إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ كَٱلۡقَصۡرِ﴾

رهنمودها

۱. باید در آفرینش انسان که بر رستاخیز دلالت دارد اندیشید، ﴿أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ (۲۰) فَجَعَلۡنَٰهُ فِي قَرَارٖ مَّكِينٍ﴾
۲. تفکّر در سایهٔ کافران: ﴿ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ (۳۰) لَّا ظَلِيلٖ وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ﴾ و سایهٔ مومنان: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ﴾ لازم است.
۳. نیکوکاران سرانجامِ خوشی در روز قیامت دارند، ﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

ترجمه آیات

آیا شما را از آبی پست [و ناچیز] نیافریدیم؟ (۲۰) سپس آن را در قرارگاهی محفوظ [= رحِم] قرار دادیم (۲۱) تا زمانی معین. (۲۲) ما [بر این کار] توانا بودیم و چه نیک توانا [و قدرتمند] هستیم. (۲۳) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۲۴) آیا زمین را جایگاه [تجمع مردم] قرار ندادیم؟ (۲۵) هم در حال حیات و هم مرگشان؟ (۲۶) و کوه‌های بسیار بلند [و استوار] در آن قرار دادیم و آبی شیرین [و گوارا] به شما نوشاندیم. (۲۷) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۲۸) [به آنها گفته می‌شود:] «به سوی همان چیزی بروید که پیوسته آن را تکذیب می‌کردید. (۲۹) بروید به سوی سایهٔ [دودهای آتش] سه‌شاخه، (۳۰) نه سایه‌افکن [و خنک] است و نه از [گرمیِ] شعله‌های آتش جلوگیری می‌کند». (۳۱) همانا [دوزخ،] شراره‌هایی چون کاخی [بلند] می‌افکنَد. (۳۲) گویی که آن [شراره‌ها] شتران زردرنگ هستند. (۳۳) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۳۴) این [همان] روزی است که سخن نمی‌گویند. (۳۵) و به آنها اجازه داده نمی‌شود تا عذرخواهی کنند. (۳۶) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۳۷) این [همان] روز جدایی [و داوری] است که شما و گذشتگان را گرد آورده‌ایم. (۳۸) پس اگر [حیله و] نیرنگی دارید، آن را در حق من به کار گیرید. (۳۹) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۴۰) به راستی که [در آن روز،] پرهیزگاران در سایه‌ها و [کنار] چشمه‌ها قرار دارند، (۴۱) و میوه‌هایی که میل داشته باشند. (۴۲) [به آنها گفته می‌شود:] «به پاداش آنچه می‌کردید، گوارا بخورید و بیاشامید. (۴۳) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». (۴۴) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۴۵) «[ای کافران، در این دنیا] اندکی بخورید و بهره گیرید؛ زیرا شما گناهکارید». (۴۶) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۴۷) و هنگامی که به آنها گفته شود: [نماز بگزارید و] رکوع کنید، [نماز نمی‌گزارند و] رکوع نمی‌کنند. (۴۸) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۴۹) [وقتی مردم به این قرآن که از جانب پروردگارشان نازل شده است ایمان نمی‌آورند،] پس به کدام سخن دیگری غیر از آن ایمان خواهند آورد؟ (۵۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا﴾

زمین، زندگان را بر پشت خود و مردگان را در شکمش قرار می‌دهد. این آیه بر وجوب دفن و پنهان‌کردن میت و دفن مو و سایر اعضای جداشده از او دلالت دارد. قرطبی: ۲۱/ ۵۰۵.

پرسش: کدام حکم شرعی از آیه استنباط می‌شود؟

۲ ﴿إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ كَٱلۡقَصۡرِ (۳۲) كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ﴾

﴿جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ﴾: شترهای سیاه متمایل به زرد. این مثال دلالت دارد بر این‌که زبانه‌ها و شراره‌های آتش جهنم تاریک، سیاه، بدمنظر و بسیار داغ است. نجات از آن‌ها را از الله می‌خواهیم. سعدی: ۹۰۵.

پرسش: با توجه به آیه، آتش جهنم چه رنگی دارد؟ آیا کاملاً تاریک است یا رگه‌ای از نور در آن وجود دارد؟

۳ ﴿فَإِن كَانَ لَكُمۡ كَيۡدٞ فَكِيدُونِ﴾

برای بیان ناتوانی آنان و کنایه و سرزنش نیرنگ‌شان در دنیا. ابن جزی: ۲/ ۵۲۵.

پرسش: در حالی که کافران در روز قیامت ناتوان و ساکت هستند، منظور از نیرنگ‌شان چیست؟

۴ ﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

تصریح دارد بر این‌که عمل‌شان در دنیا سبب برخورداری از نعمت‌های بهشت در آخرت است اما در حدیث آمده که: «لَنْ يَدْخُلَ أَحَدُكُمُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ» [با الفاظی مشابه در صحیح بخاری: ۵۶۷۳ و ۶۴۶۳؛ صحیح مسلم: ۲۸۱۶] «هیچ‌کس به سبب عملش وارد بهشت نمی‌شود». در واقع تعارضی بین این دو نص وجود ندارد؛ زیرا ورود به بهشت به فضل و بخشش الله تعالی انجام می‌شود و پس از ورود، مراتب و درجات متفاوتی وجود دارد و برخورداری از آن‌ها بر اساس اعمال انجام می‌شود. بنابراین همگی در این امر که به فضل الله تعالی وارد بهشت می‌شوند با هم مشترکند، اما بعد از ورود، به سبب اعمال، درجات متفاوتی کسب می‌کنند. شنقیطی: ۸/ ۴۰۴.

پرسش: چه ارتباطی میان اعمال و ورود به بهشت وجود دارد؟ توضیح دهید.

۵ ﴿كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ﴾

دلالت دارد بر این‌که هر گناهکاری نهایتاً ایامی اندک بهره‌مند می‌شود سپس برای همیشه در عذاب و زیان باقی می‌ماند. آلوسی: ۱۵/ ۱۹۷.

پرسش: امر کردن مجرمان به بهره‌مندی و خوردن در دنیا بر چه امری دلالت دارد؟

۶ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ﴾

یعنی: با پذیرش وحی الله و پیروی از دین، از او تعالی اطاعت کنید و در برابر او متواضع و فروتن باشید و دست از این نخوت و تکبر بردارید. ﴿لَا يَرۡكَعُونَ﴾ یعنی: فروتنی نمی‌کنند و آن را نمی‌پذیرند و بر تکبرشان اصرار می‌ورزند. آلوسی: ۱۵/ ۱۹۷.

پرسش: امر به رکوع و خودداری مشرکان از آن، بر چه موضوعی دلالت دارد؟

۷ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ (۴۸) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ﴾

یکی از گناهان‌شان این است که وقتی به نماز که برترین عبادات است امر می‌شوند و به آنان گفته می‌شود رکوع بگزارید، از این امر خودداری می‌کنند. کدام گناه از این بزرگ‌تر است؟! و چه تکذیبی بزرگ‌تر از این وجود دارد؟! سعدی: ۹۰۵.

پرسش: با توجه به آیه جایگاه نماز را توضیح دهید.

سورة (النبأ) الجزء (٣٠) صفحة (٥٨٢)

سُورَةُ النَّبَإِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ١ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ ٢ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ مُخۡتَلِفُونَ ٣
كَلَّا سَيَعۡلَمُونَ ٤ ثُمَّ كَلَّا سَيَعۡلَمُونَ ٥ أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا ٦
وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا ٧ وَخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا ٨ وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا
٩ وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا ١١ وَبَنَيۡنَا
فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا ١٢ وَجَعَلۡنَا سِرَاجٗا وَهَّاجٗا ١٣ وَأَنزَلۡنَا مِنَ
ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ مَآءٗ ثَجَّاجٗا ١٤ لِّنُخۡرِجَ بِهِۦ حَبّٗا وَنَبَاتٗا ١٥ وَجَنَّٰتٍ
أَلۡفَافًا ١٦ إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ كَانَ مِيقَٰتٗا ١٧ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ
فَتَأۡتُونَ أَفۡوَاجٗا ١٨ وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ أَبۡوَٰبٗا ١٩ وَسُيِّرَتِ
ٱلۡجِبَالُ فَكَانَتۡ سَرَابًا ٢٠ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادٗا ٢١ لِّلطَّٰغِينَ
مَـَٔابٗا ٢٢ لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحۡقَابٗا ٢٣ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرۡدٗا وَلَا شَرَابًا
٢٤ إِلَّا حَمِيمٗا وَغَسَّاقٗا ٢٥ جَزَآءٗ وِفَاقًا ٢٦ إِنَّهُمۡ كَانُواْ
لَا يَرۡجُونَ حِسَابٗا ٢٧ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابٗا ٢٨ وَكُلَّ شَيۡءٍ
أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا ٢٩ فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا عَذَابًا ٣٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سُبَاتًا	برای آسایش بدن‌های‌تان و توقف کارهای‌تان.
سِرَاجًا وَهَّاجًا	چراغی درخشان و روشنایی‌بخش.
ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ	ابرهای پر باران.
ثَجَّاجًا	فراوان.
وَجَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا	باغ‌هایی با درختانی انبوه.
مِيقَٰتًا	وقت و میعادی برای داوری میان مخلوقات.
مِرۡصَادًا	در کمین ساکنانش است.
أَحۡقَابًا	زمانی بی‌پایان.
وَغَسَّاقًا	خونابهٔ جهنمیان.
وِفَاقًا	عادلانه و موافق اعمال‌شان.

عمل به آیات

۱. شب زود بخواب سپس دو فایده را که به سبب زودبرخاستن از خواب برایت حاصل شد بیان کن، ﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا﴾
۲. سه بار از عذاب جهنم به الله پناه ببر، ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادٗا﴾
۳. گناهی را که مرتکب شده‌ای به یاد آور سپس از الله آمرزش بخواه، ﴿وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی نعمت‌های فراوانی به مخلوقاتش بخشیده است که سپاس‌گزاری بیشتر را می‌طلبد، ﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا ٦ وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا﴾
۲. جهنمیان همیشه این آرزو را دارند که بخشی از خنکی و آشامیدنی بهشت به آنان برسد تا این‌که این سخن الله تعالی را می‌شنوند، ﴿لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحۡقَابٗا ٢٣ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرۡدٗا وَلَا شَرَابًا﴾
۳. عدم ایمان به حساب یا غفلت از آن، سبب انجام بسیاری از گناهان است، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ حِسَابٗا ٢٧ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابٗا ٢٨ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا﴾

سورهٔ نبأ

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[کافران] دربارهٔ چه چیزی از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ (۱) از خبری بزرگ. (۲) همان [خبری] که در مورد آن با هم اختلاف دارند. (۳) چنین نیست [که آنها می‌اندیشند]؛ به زودی خواهند دانست. (۴) باز هم چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست. (۵) آیا زمین را بستری [برای آسایش شما] قرار ندادیم؟ (۶) و کوه‌ها را میخ‌ها[ی آن قرار ندادیم؟] (۷) و شما را جفت [= نر و ماده] آفریدیم. (۸) و خواب شما را [مایهٔ] آرامشتان قرار دادیم. (۹) و شب را پوششی [برایتان] قرار دادیم. (۱۰) و روز را [وسیلهٔ] زندگی و [امرارِ معاش] قرار دادیم، (۱۱) و بر فراز شما هفت [آسمان] محکم بنا کردیم، (۱۲) و [خورشید را] چراغی درخشان [و روشنایی‌بخش] آفریدیم، (۱۳) و از ابرهای باران‌زا، آبی فراوان فروفرستادیم (۱۴) تا دانه و گیاه بسیار با آن برویانیم. (۱۵) و باغ‌هایی پردرخت [با آن پرورش دهیم]. (۱۶) بی‌گمان، روز داوری [میان مخلوقات]، وعده‌گاه [ما با شما] است. (۱۷) روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما گروه‌گروه [به محشر] می‌آیید؛ (۱۸) و آسمان گشوده می‌شود و به صورت درهای متعدد درمی‌آید؛ (۱۹) و کوه‌ها به حرکت درمی‌آید و به صورت سرابی می‌شود؛ (۲۰) و بی‌گمان، جهنم کمینگاهی است (۲۱) [و] محل بازگشتی برای طغیانگران. (۲۲) مدت زمانی بی‌پایان در آنجا می‌مانند. (۲۳) در آنجا نه [چیز] خنکی می‌چشند و نه آشامیدنی [گوارایی خواهند داشت]. (۲۴) جز آبی سوزان و [مایعی که] چرک و خون [جهنمیان است]. (۲۵) [این] کیفری است مناسب و درخور [گناهانشان]؛ (۲۶) همانا آنان از حساب [و کتاب روز قیامت] نمی‌ترسیدند. (۲۷) و آیات ما را به شدت تکذیب کردند؛ (۲۸) و ما همه چیز را [در لوح محفوظ] شمارش و ثبت کرده‌ایم. (۲۹) پس [کیفرِ اعمال خود را] بچشید که [چیزی] جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم. (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ١ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ﴾

الله سبحانه این سوال را مطرح می‌کند که آنان در مورد امری از یکدیگر می‌پرسند و این امر را مشخص می‌کند و می‌فرماید: ﴿عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ﴾. سخن را به صورت سوالی و مبهم آغاز کرد تا ذهن‌ها متوجه موضوع شوند، سپس موضوع را به‌گونه‌ای که عظمت و بزرگی آن را می‌رساند بیان کرد؛ گویی می‌فرماید: در مورد چه چیزی از یکدیگر می‌پرسند؟ آیا شما را از آن باخبر سازم؟ سپس در پاسخ می‌فرماید: ﴿عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ﴾. شوکانی: ۵/ ۳۶۳.

پرسش: چرا در ابتدای سوره سؤال مطرح شد؟

۲ ﴿ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ مُخۡتَلِفُونَ﴾

به جای این‌که گفته شود: «الذي يختلفون فيه» یا مانند آن، صلهٔ موصول به صورت جمله اسمیه آمد تا بیانگر این امر باشد که اختلاف در مورد این خبر، نزد آنان استوار شده و همیشگی است. جملهٔ اسمیه بر استمرار و ثبات دلالت می‌کند. ابن عاشور: ۳۰/ ۱۱.

پرسش: چرا صلهٔ موصول به صورت جملهٔ اسمیه آمد نه جملهٔ فعلیه؟

۳ ﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا ٦ وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا ٧ وَخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا ٨ وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا ٩ وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا ١١ وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا ١٢ وَجَعَلۡنَا سِرَاجٗا وَهَّاجٗا ١٣ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ مَآءٗ ثَجَّاجٗا﴾

الله تعالی مخلوقات مذکور را در این‌جا به عنوان نمونه بیان کرد تا حجت بر کافران که رستاخیز را انکار کردند اقامه شود؛ گویی می‌فرماید: معبودی که بر آفرینش این مخلوقات بزرگ توانایی دارد، بر زنده‌گرانیدن مردم پس از مرگ‌شان نیز تواناست. ابن جزی: ۱/ ۲۵۴۱.

پرسش: الله تعالی به چه هدفی مخلوقات مذکور در آیات فوق را بیان کرد؟

۴ ﴿وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا﴾

یعنی برای آسایش شما و توقف کارهای‌تان؛ زیرا اگر ادامه داشته باشد آسیب جسمی بر شما وارد می‌گردد. بنابراین الله شب و خواب را برای مردم آفرید تا فعالیت‌های مضرّ آنان متوقف گردد و به آسایش مفید برسند. سعدی: ۹۰۶.

پرسش: خواب از چه جهت، نعمتی است که الله آن را بر بندگانش ارزانی داشته است؟

۵ ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادٗا﴾

یعنی: هیچ‌کس وارد بهشت نمی‌شود مگر این‌که از جهنم عبور کند؛ آن‌گاه اگر گذرنامه داشت نجات می‌یابد وگرنه در جهنم زندانی می‌شود. ابن کثیر: ۴/ ۴۶۴.

پرسش: کمینگاه‌بودن جهنم چه نکته‌ای در بر دارد؟

۶ ﴿وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا﴾

همه‌چیز، چه کم و چه زیاد را ﴿أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا﴾ در لوح محفوظ نوشته‌ایم، پس گناهکاران نترسند از این‌که آنان را به گناهانی که انجام نداده‌اند عذاب کنیم و نپندارند که چیزی از اعمال‌شان تباه یا فراموش می‌شود. سعدی: ۹۰۷.

پرسش: نوشتن اعمال بندگان چه حکمتی دارد؟

۷ ﴿فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا عَذَابًا﴾

از عبدالله بن عمرو رضي الله عنهما روایت شده که گفت: هیچ آیه‌ای شدیدتر از آیهٔ ﴿فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا عَذَابًا﴾ بر جهنمیان نازل نشده است؛ زیرا همیشه بر عذاب‌شان افزوده می‌شود. طبری: ۲۴/ ۱۶۹.

پرسش: سخت‌ترین آیهٔ قرآن بر جهنمیان چیست؟ چرا؟

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا
دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا ﴿٣٥﴾ جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً
حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ
مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ
إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلْحَقُّ فَمَن
شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ
ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًۢا ﴿٤٠﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا ﴿١﴾ وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا ﴿٢﴾ وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبْحًا ﴿٣﴾
فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبْقًا ﴿٤﴾ فَٱلْمُدَبِّرَٰتِ أَمْرًا ﴿٥﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾
تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ ﴿٩﴾
يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِى ٱلْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا نَّخِرَةً ﴿١١﴾ قَالُوا۟
تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ
﴿١٤﴾ هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿١٥﴾ إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾

ترجمه آیات

بی‌گمان، برای پرهیزگاران کامیابی [بزرگی] است. (۳۱) باغ‌های [میوه] و تاکستان‌ها. (۳۲) و حوریانی نوجوان و هم‌سن و سال. (۳۳) و جام‌هایی لبریز و پیاپی [از شراب پاکیزۀ بهشت]. (۳۴) در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی. (۳۵) [این] پاداش، از جانب پروردگار توست، و عطایی از روی حساب (۳۶) [همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست؛ [همان الله] رحمان [که] هیچ کس [در آن روز] یارای سخن گفتن با او را ندارد. (۳۷) روزی که روح [= جبرئیل] و فرشتگان به صف می‌ایستند، [و] هیچ کس سخن نمی‌گوید، جز کسی که [الله] رحمان به او اجازه داده باشد و [او] سخن درست [و صواب] گوید. (۳۸) آن [روز]، روزِ حق است [و بدون تردید واقع می‌شود]؛ پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید. (۳۹) به راستی، ما شما را از عذابی نزدیک بیم دادیم: روزی که انسان آنچه را از قبل با دست‌های خود فرستاده است می‌بیند، و کافر می‌گوید: «ای کاش من خاک بودم [و برای حساب برانگیخته نمی‌شدم»]! (۴۰)

سورۀ نازعات

به نام الله بخشندۀ مهربان

سوگند به فرشتگانی که جان [کافران] را به شدت بیرون می‌کشند. (۱) و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به نرمی و آسانی می‌گیرند. (۲) و سوگند به فرشتگانی که [به امرِ الله، از آسمان به سوی زمین و بالعکس] شناورند. (۳) و سوگند به فرشتگانی که [در اجرای اوامر الهی] بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. (۴) و سوگند به فرشتگانی [که به امر الهی] کارها را تدبیر می‌کنند. (۵) روزی که [پس از اولین دمیدن در صور] زمین [و کوه‌ها و همه چیز] به لرزه درآید (۶) [و] در پی آن، [دمیدن دوم حشر] بیاید، (۷) در آن روز، دل‌هایی سخت مضطرب [و ترسان] هستند. (۸) و چشم‌های آنان [از ترس و شرمساری] فرو افتاده است. (۹) [کافران در دنیا] می‌گفتند: «آیا ما [پس از مرگ، دوباره] به حال اول خود بازگردانده می‌شویم؟ (۱۰) آیا هنگامی که استخوان‌هایی پوسیده شدیم [و به خاک تبدیل گشتیم، باز هم زنده می‌شویم]»؟ (۱۱) می‌گفتند: «[اگر چنین وعده‌ای درست باشد،] آنگاه آن بازگشتی زیانبار است». (۱۲) آن [بازگشت،] تنها [به] یک بانگِ مهیب است [و بس]. (۱۳) و ناگهان همگی بر عرصۀ زمین [محشر] ظاهر می‌شوند. (۱۴) [ای پیامبر،] آیا داستان موسی به تو رسیده است؟ (۱۵) آنگاه که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طُوی» ندا داد [و فرمود:] (۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا﴾

این آیه مانند آیۀ ﴿لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ﴿٢٣﴾﴾ [الطور: ۲۳] است. یعنی: هیچ سخن بیهوده و بی‌فایده و دروغ گناه‌آلودی در بهشت وجود ندارد، بلکه سرای سلامتی است و تمام آن‌چه در آن وجود دارد بی‌نقص است. ابن کثیر: ۴/ ۴۶۵.

پرسش: آیه کدام یک از نعمت‌های معنوی در بهشت را بیان می‌کند؟

۲ ﴿لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا﴾

از آن‌جا که شدیدترین عذاب‌ها تمام حواس جهنمیان را فرا می‌گیرد؛ مانند سوزاندن آتش و نوشاندن آب سوزان و خونابه، تا علاوه بر ظاهر آنان، عذاب به باطن‌شان نیز برسد؛ در مقابل، کوچک‌ترین آسیب یعنی شنیدن سخنان ناگوار از بهشتیان نفی شده است. ابن عاشور: ۳۰/ ۴۶.

پرسش: نفیِ شنیدنِ سخنِ لغو و دروغ از بهشتیان، چه ارتباطی با آیات قبلی سوره دارد؟

۳ ﴿إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًا﴾

در روز قیامت که هیچ توبه‌ای پذیرفته نمی‌شود و هیچ نیکی‌ای فایده نمی‌رساند کافر این سخن را می‌گوید. اما کسی که این سخن را بر اساس ترس از الله، در دنیا که سرای عمل است به زبان آورد، پاداش می‌گیرد. آرزوی مریم که گفت: ﴿يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿٢٣﴾﴾ [مریم: ۲۳] «ای کاش پیش از این مرده بودم، و به‌کلی از یادها رفته (و فراموش شده) بودم»؛ مانند آرزوی مرگ در روز قیامت نبود. ابن تیمیه: ۶/ ۴۵۶.

پرسش: میان پشیمانی از گناه در دنیا و پشیمانی از آن در آخرت چه تفاوتی وجود دارد؟

۴ ﴿إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًا﴾

از ابوهریره و ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که الله تعالی روز رستاخیز قصاص حیوانات را از یکدیگر می‌گیرد، سپس به آنان می‌فرماید: خاک شوید. آن‌گاه آنان به خاک تبدیل می‌شوند. در این هنگام است که کافر چنین آرزویی می‌کند. زیرا این روز بسیار بزرگ را می‌بیند که واقع شده است. بقاعی: ۲۱/ ۲۱۶.

پرسش: کافر چه زمانی و چرا آرزو می‌کند که خاک می‌بود؟

۵ ﴿وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا﴾

یکی از علمای سلف گفته است: فرشتگان ارواح مومنان را به نرمی و آرامی می‌گیرند سپس آن را رها می‌کنند تا مدتی استراحت کند سپس با نرمی و مهربانی آن را درمی‌آوردند؛ مانند شناگر در آب که به نرمی حرکت می‌کند تا غرق نشود؛ فرشتگان نیز این کار را به نرمی انجام می‌دهند تا درد و رنجی به مومن نرسد. آلوسی: ۳۰/ ۲۳.

پرسش: فرشتگان ارواح مومنان را چگونه قبض می‌کنند و چرا؟

۶ ﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ﴾

﴿أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ﴾ بر خواری و ترس اشاره دارد. ابن جزی: ۱/ ۲۵۴۵.

پرسش: توصیف چشم‌ها به خضوع بر چه امری دلالت دارد؟

۷ ﴿هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ﴾

این آیه مایۀ تسکین پیامبر ﷺ است؛ یعنی: فرعون را که از کافرانِ دورانِ تو قوی‌تر بود عذاب کردیم، اینان را نیز به عذاب خواهیم گرفت. قرطبی: ۲۲/ ۵۳.

پرسش: چر الله تعالی قصۀ موسی علیه السلام و فرعون را برای پیامبر ﷺ حکایت کرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَفَازًا	به سبب ورود به بهشت رستگارند یا مکانی که به آن دست می‌یابند که همان بهشت است.
وَكَوَاعِبَ	دخترکانی جوان و نارپستان.
دِهَاقًا	سرشار از شراب.
مَـَٔابًا	بازگشتگاهی با عمل صالح.
وَٱلنَّٰشِطَٰتِ	سوگند به فرشتگانی که روح مومنان را به نرمی می‌گیرند.
وَٱلسَّٰبِحَٰتِ	سوگند به فرشتگانی که در نزول از آسمان و صعود به آن شناورند.
فَٱلسَّٰبِقَٰتِ	سوگند به فرشتگانی که برای رساندن وحی به پیامبران از شیاطین پیشی می‌گیرند تا آن را نربایند.
تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ	پس از آن، بار دیگر برای رستاخیز در صور دمیده می‌شود.

عمل به آیات

۱. امروز سه عمل که بر تقوا دلالت دارد انجام بده؛ مانند روزه، ترک گناه از ترس عذاب الله و حیا از او تعالی، صدقه، نیکی به مردم، شادکردن یک مسلمان، ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾

۲. از عاقبت بد به الله پناه ببر، ﴿وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا﴾

۳. عاقبت به‌خیری هنگام مرگ را از الله بخواه و مرگ را به یاد آور، ﴿وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا﴾

رهنمودها

۱. تقوا فضیلت زیادی دارد و الله پاداش بزرگی برای متقیان آماده کرده است، ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾

۲. الله را باید آن‌گونه که سزاوارش است تعظیم کرد، ﴿يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾

۳. روز قیامت بسیار نزدیک است؛ زیرا هر آن‌چه آمدنی باشد نزدیک است، ﴿إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًا﴾

سورة (النازعات) الجزء (٣٠) صفحة (٥٨٤)

ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ١٧ فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ١٨ وَأَهۡدِيَكَ
إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ١٩ فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٢٠ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ٢١ ثُمَّ
أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ ٢٢ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ٢٣ فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٤ فَأَخَذَهُ
ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ ٢٥ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ ٢٦
ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ٢٧ رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ٢٨
وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ٢٩ وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ٣٠
أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ٣١ وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ٣٢ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ
وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٣ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٣٤ يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ
مَا سَعَىٰ ٣٥ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ٣٦ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ٣٧ وَءَاثَرَ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٣٨ فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٣٩ وَأَمَّا مَنۡ خَافَ
مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ٤٠ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ
٤١ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا ٤٢ فِيمَ أَنتَ مِن
ذِكۡرَىٰهَآ ٤٣ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ٤٤ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا
٤٥ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ٤٦

سُورَةُ عَبَسَ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَزَکَّیٰ	از کفر پاکیزه گردی و به ایمان آراسته شوی.
وَأَهۡدِيَكَ	تو را راهنمایی کنم.
نَكَالَ	کیفر.
رَفَعَ سَمۡكَهَا	سقفش را بالا برد.
وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا	شبِ آسمان را با غروبِ خورشیدِ آن تاریک کرد.
وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا	روز آسمان را با طلوع خورشید آن آشکار کرد.
دَحَىٰهَآ	آن را گستراند و منافعش را در آن به ودیعه گذاشت.
ٱلطَّآمَّةُ	قیامت، یعنی دمیدن دوم در صور.
وَبُرِّزَتِ	آشکارا نمایان شود.
أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا	چه زمانی فرا می‌رسد؟
عَشِيَّةً	فاصلهٔ میان ظهر تا غروب خورشید.

عمل به آیات

۱. یک کافر را به روشی حکیمانه به اسلام دعوت بده، ﴿فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ﴾
۲. عمل نیکی را که دوست داری روز قیامت به یاد آوری انجام بده، ﴿يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ﴾
۳. قبل از خواب، خودت را مورد محاسبه قرار بده، ﴿يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ﴾

رهنمودها

۱. دعوت را باید با روشی نیکو و نرم انجام داد، ﴿فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ﴾
۲. همه کس را باید دعوت داد به هر حدی از طغیان که رسیده باشد، ﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ﴾
۳. ترس از الله، جایگاه بالایی دارد، ﴿وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ﴾

ترجمه آیات

به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است، (۱۷) و به او بگو: «آیا می‌خواهی [از کفر و گناه] پاک شوی؟ (۱۸) و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا [از او] بترسی [و فرمانبردار شوی]؟ (۱۹) پس [موسی] معجزهٔ بزرگ را به او نشان داد. (۲۰) اما او تکذیب و سرکشی کرد. (۲۱) سپس پشت کرد و به کوشش و تلاش [علیه او] پرداخت. (۲۲) آنگاه [قومش را] جمع کرد و ندا داد (۲۳) و گفت: «من پروردگارِ برتر شما هستم». (۲۴) الله او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد. (۲۵) بی‌گمان، در این [واقعه] برای هر کس که [از الله] می‌ترسد، عبرتی است. (۲۶) آیا آفرینش شما [بعد از مرگ] سخت‌تر است یا آسمانی که [الله] آن را بنا کرد؟ (۲۷) سقف آن را بر افراشت و به آن شکل و نظم داد، (۲۸) و شبش را تاریک و روزش را روشن گردانید، (۲۹) و زمین را بعد از آن گسترانید، (۳۰) و از آن، آب [چشمه‌ها و چاه‌ها و] چراگاهش را بیرون آورد، (۳۱) و کوه‌ها را محکم و استوار [بر روی زمین] قرار داد. (۳۲) [همهٔ اینها] برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است. (۳۳) هنگامی که [آن] حادثهٔ بزرگ [قیامت] فرا رسد، (۳۴) در آن روز، انسان [تمام اعمال و] تلاش‌های خود را به یاد می‌آورد. (۳۵) و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌شود. (۳۶) اما آن کس که طغیان [و سرکشی] کرده باشد (۳۷) و زندگی دنیا را [بر آخرت] ترجیح داده باشد، (۳۸) بی‌تردید، جهنم جایگاه اوست. (۳۹) و اما کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش بیمناک بوده و نفس را از هوی [و هوس] بازداشته باشد، (۴۰) قطعاً بهشت جایگاه اوست. (۴۱) [ای پیامبر،] دربارهٔ قیامت از تو می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ (۴۲) تو را با یادآوری این سخن چه کار است؟ (۴۳) [سرانجام و] منتهای [علمِ] آن، نزد پروردگار توست. (۴۴) تو فقط بیم‌دهندهٔ کسانی هستی که از آن [= قیامت] می‌ترسند. (۴۵) روزی که [کافران قیامت را] ببینند، [چنین احساس می‌کنند که] گویی [در دنیا] جز یک شامگاه یا بامداد به سر نبرده‌اند. (۴۶)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ﴾

موسی ﷺ فرعون را تشویق کرد برای پاکیزه‌ساختن نفسش از عقیدهٔ گمراه‌کننده که پلیدی مجازی در نفس به شمار می‌رود آماده شود، تا راهنمایی به خیر فراوان را بپذیرد. ابن عاشور: ۳۰/ ۷۷.

پرسش: چرا موسی ﷺ در ابتدای دعوت فرعون، او را به پاکیزگی امر کرد؟

۲ ﴿وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ﴾

بیان ﴿فَتَخۡشَىٰ﴾ پس از ﴿وَأَهۡدِيَكَ﴾ اشاره دارد به این‌که ترس از الله بدون آگاهی حاصل نمی‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْ﴾ [فاطر: ۲۸]؛ «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند». علمای به الله منظور است؛ یعنی: به صورت کامل و بدون خطا و کوتاهی از او می‌ترسند. ابن عاشور: ۳۰/ ۷۷.

پرسش: چرا در آیهٔ فوق، پس از هدایت، خشیت بیان شد؟

۳ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ﴾

کسی از الله می‌ترسد که از آیات و عبرت‌ها فایده می‌برد؛ بنابراین وقتی عذاب فرعون را ببیند می‌داند که الله هر کسی را که تکبر ورزد و از او نافرمانی کند در دنیا و آخرت عذاب می‌کند، اما کسی که ترس از الله از دلش رخت بربندد حتی اگر تمام آیات را ببیند ایمان نمی‌آورد. سعدی: ۹۰۹.

پرسش: از پند و اندرزهای قرآنی چه کسانی فایده می‌برند و چه کسانی فایده نمی‌برند؟

۴ ﴿ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ٢٧ رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ٢٨ وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ٢٩ وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ٣٠ أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ٣١ وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ٣٢ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ﴾

الله تعالی دلیل آشکاری را برای منکران رستاخیز و بازگرداندن اجساد چنین بیان می‌کند: ای انسان‌ها آیا آفرینش شما [پس از مرگ] سخت‌تر است یا آفرینش آسمان... ذاتی که آسمان‌های بزرگ و انوار و اجرامش و زمین فشرده و سخت و منافع و لوازم زندگی مخلوقات در آن را آفریده است؛ قطعاً می‌تواند مخلوقات مکلف را دوباره زنده کند و آنان را در قبال اعمال‌شان جزا دهد؛ نیکوکاران پاداش نیکو دریافت می‌کنند و بدکاران فقط باید خودشان را سرزنش کنند. بنابراین در ادامه، برپایی قیامت و سپس جزا را بیان کرد. سعدی: ۹۰۹.

پرسش: نشانه‌های بزرگی که در آیات فوق بیان شده است بر چه امری دلالت دارد؟ و چرا بعد از بیان آن‌ها، جزا ذکر شد؟

۵ ﴿وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ﴾

به نظر می‌رسد جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد؛ مومن با دیدن آن، قدر نعمت الله تعالی یعنی نجات از جهنم را می‌داند و کافر نیز بر غم و اندوهش افزوده می‌شود. شوکانی: ۵/ ۳۸۰.

پرسش: آیا جهنم فقط به کافران نشان داده می‌شود یا هم به مومنان و کافران؟ چرا؟

۶ ﴿وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ٤٠ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ﴾

﴿ٱلۡهَوَىٰ﴾ اساساً به معنای مطلق تمایل است و در تمایل به شهوت شایع شده است. بنابر قول راغب: به این سبب ﴿ٱلۡهَوَىٰ﴾ نامیده شد که صاحبش را در دنیا به سوی تمام امور سست و بی‌اساس و در آخرت به سوی جهنم می‌کشاند و به همین منظور مخالف آن، مدح شد. یکی از حکما گفته است: هر گاه به دنبال امر درست بودی به هوای نفست بنگر و با آن مخالفت کن. فضیل گفته است: بهترین عمل، مخالفت با هوای نفس است. آلوسی: ۳/ ۳۶.

پرسش: وجه تسمیهٔ ﴿ٱلۡهَوَىٰ﴾ چیست؟

۷ ﴿إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا﴾

یعنی: مبعوث شده‌ای تا از قیامت انذار دهی و اعلام وقت آن بر عهدهٔ تو نیست. انذار به این دلیل به کسی که می‌ترسد اختصاص یافت که انذارها فقط به چنین کسانی فایده می‌رساند. ابن جزی: ۲/ ۵۳۵.

پرسش: چه کسی از انذارها فایده می‌برد؟

سورهٔ عبس

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[پیامبر] چهره در هم کشید و روی برگرداند (۱) از اینکه آن نابینا [= عبدالله بن اُمّ مَکتوم] نزدش آمد. (۲) و [ای پیامبر،] تو چه می‌دانی؟ چه بسا او [از گناهانش] پاک شود، (۳) یا پند گیرد و این پند به سودش باشد. (۴) اما آن کس که [از ایمان] بی‌نیازی می‌ورزد (۵) تو به او روی می‌آوری؛ (۶) در حالی که اگر او خود را [از کفر] پاک نسازد، ایرادی بر تو نیست؛ (۷) اما کسی که شتابان به سراغ تو می‌آید (۸) و [از الله] می‌ترسد، (۹) تو از او غافل می‌شوی [و به دیگران می‌پردازی]. (۱۰) هرگز چنین نیست؛ بی‌گمان، این [آیات برای] تذکر و یادآوری است. (۱۱) پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] از آن پند گیرد. (۱۲) در صحیفه‌های ارجمندی [ثبت] است. (۱۳) [در جایگاهی] بلندپایه و پاکیزه [از پلیدی] (۱۴) در دست سفیران [وحی] است (۱۵) [که] بزرگوار و نیکوکارند. (۱۶) مرگ بر انسان [کافر، که] چقدر ناسپاس است! (۱۷) [الله] او را از چه چیز آفریده است؟ (۱۸) او را از نطفهٔ [ناچیزی] آفرید، سپس او را موزون ساخت. (۱۹) سپس راه را برایش آسان نمود. (۲۰) آنگاه [پس از پایان عمر،] او را میراند و در قبر [پنهان] نمود. (۲۱) سپس هر گاه بخواهد، او را [زنده می‌کند و] برمی‌انگیزد. (۲۲) هرگز چنین نیست [که او می‌پندارد]. او هنوز آنچه را که [الله] فرمان داده به جای نیاورده است. (۲۳) انسان باید به غذای خویش [و آفرینشِ آن] بنگرد: (۲۴) ما آب فراوان [از آسمان] فروریختیم، (۲۵) سپس زمین را از هم شکافتیم، (۲۶) آنگاه دانه[های فراوان] در آن رویاندیم، (۲۷) و انگور و سبزی [خوراکی بسیار]، (۲۸) و زیتون و نخل، (۲۹) و باغ‌هایی [انبوه و] پردرخت، (۳۰) و [انواع] میوه و علوفه [پدید آوردیم]. (۳۱) [همهٔ اینها] برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است. (۳۲) هنگامی که [آن] صدای مهیب [قیامت] فرارسد، (۳۳) روزی که انسان از برادرش می‌گریزد (۳۴) و از مادرش و از پدرش (۳۵) و از زنش و پسرانش [نیز می‌گریزد]، (۳۶) در آن روز، هر کس را کاری است که او را به خودش سرگرم می‌دارد [و از دیگری بازمی‌دارد]. (۳۷) چهره‌هایی در آن روز، گشاده و روشن است. (۳۸) [به خاطر نعمت و رحمتِ الله] خندان [و] شاد است. (۳۹) و چهره‌هایی در آن روز، غبارآلود است. (۴۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ۝١ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ۝٢ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ۝٣ أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ۝٤ أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ۝٥ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ۝٦ وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝٧ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ۝٨ وَهُوَ يَخۡشَىٰ ۝٩ فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ﴾
فایدهٔ بزرگی که از بعثت رسولان و ایراد پند و اندرزها و تذکر ناصحان به دست می‌آید در این‌جا منظور است؛ یعنی واجب‌تر این است که به کسی روی آوری که خودش نزد تو آمده و خود را نیازمند می‌داند، اما روی‌آوری و پرداختن تو به ثروتمندی که احساس بی‌نیازی می‌کند و به سبب عدم تمایل به خیر، سوال نمی‌پرسد و کسی را که مهمتر از او است رها می‌کنی، سزاوار تو نیست؛ زیرا اگر او خود را پاکیزه نسازد چیزی بر عهدهٔ تو نیست و تو در قبال بدی‌هایش مورد محاسبه قرار نمی‌گیری. مطالب مذکور بر این قاعده دلالت می‌کنند: امری معلوم به سبب امری فرضی و نیز مصلحتی قطعی به خاطر مصلحتی فرضی و خیالی ترک نمی‌شود. سعدی: ۹۱۱.

پرسش: فایده‌ای برای دعوتگر برای رعایت اولویت‌بندیِ امور دعوت به سوی الله در آیات وجود دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ۝٨ وَهُوَ يَخۡشَىٰ ۝٩ فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ﴾
در واقع از اعراض کسی که اسلام آورده است منع شد نه از روی‌آوردن به کافر و اهتمام و اشتیاق بر اسلام آوردن او. آلوسی: ۱۵/ ۲۴۳.

پرسش: در قصهٔ ابن أم مکتوم ﷺ که به قصد هدایت به پیامبر ﷺ روی آورد از چه امری منع شد؟

۳ ﴿كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ۝١١ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ۝١٢ فِي صُحُفٖ مُّكَرَّمَةٖ ۝١٣ مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۭ ۝١٤ بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ۝١٥ كِرَامِۭ بَرَرَةٖ﴾
﴿كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ﴾ یعنی: قرآن. ﴿بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ۝١٥ كِرَامِۭ بَرَرَةٖ﴾ یعنی: فرشتگانی که ذات گرامی و نیکو و شریفی دارند و اخلاق و افعال‌شان نیکو و پاک و کامل است. بنابراین، حامل قرآن باید افعال و اقوال راست و درستی داشته باشد. ابن کثیر: ۴/ ۴۷۲.

پرسش: الله تعالی صفاتی را برای فرشتگانی که بر صحیفه‌های قرآن گماشته شده‌اند بیان کرد. حافظ و حامل قرآن چه فایده‌ای از این صفات می‌برد؟

۴ ﴿مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ۝١٨ مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ﴾
یعنی: الله تعالی این کافر را از چه چیزی آفریده که تکبر می‌ورزد؟! به عبارتی: از آفرینش او تعجب کنید. ﴿مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ﴾ یعنی او را از آبی اندک و پست و بی‌جان آفرید، پس چرا در مورد خودش اشتباه می‌کند؟! حسن می‌گوید: چرا کسی که دو بار از راه ادرار خارج شده است تکبر می‌ورزد؟! قرطبی: ۲۲/ ۷۹.

پرسش: چرا تکبر زیبندهٔ انسان نیست؟

۵ ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ﴾
یعنی: او را با دفن در زمین گرامی داشت و مانند سایر حیوانات قرار نداد که جسدشان بر روی زمین می‌ماند. سعدی: ۹۱۱.

پرسش: چرا الله تعالی دفن بندگان در قبر را نعمت برشمرد؟

۶ ﴿مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ۝١٨ مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ۝١٩ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ۝٢٠ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ﴾
با توجه به آیات فوق، انسان در ابتدا نطفه‌ای پست و در انتها، جسدی پلید و کرم‌خورده است و در میان این دو مدت نیز پلیدی حمل می‌کند. اما آفریدگارش او را به سبب علم، شریف و بزرگوار قرار داد و این امر می‌طلبد که انسان شکر الله را به جای آورد نه این‌که به او کفر ورزد. بقاعی: ۲۱/ ۲۶۲.

پرسش: شرافت و فضیلت انسان به چه سبب است؟

۷ ﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ﴾
به پند گرفتن از غذا فرمان داد که الله تعالی آن را چگونه آفرید و به رحمت خویش مهیا کرد؛ بنابراین بنده باید طاعت و شکر او تعالی را به جای آورد و از معصیت و کفر به او نفرت داشته باشد. ابن جزی: ۲/ ۵۳۸.

پرسش: بنده از نگاه به مخلوقات الله چه پندی حاصل می‌کند؟

سورة (عبس) الجزء (٣٠) صفحة (٥٨٥)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ١ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ٢ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ٣
أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ٤ أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ٥ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ
٦ وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ٧ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ٨ وَهُوَ يَخۡشَىٰ ٩
فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ١٠ كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ١١ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ١٢ فِي صُحُفٖ
مُّكَرَّمَةٖ ١٣ مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۭ ١٤ بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ١٥ كِرَامِۭ بَرَرَةٖ ١٦
قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَآ أَكۡفَرَهُۥ ١٧ مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ١٨ مِن نُّطۡفَةٍ
خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ١٩ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ٢٠ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ ٢١ ثُمَّ إِذَا
شَآءَ أَنشَرَهُۥ ٢٢ كَلَّا لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ ٢٣ فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ
٢٤ أَنَّا صَبَبۡنَا ٱلۡمَآءَ صَبّٗا ٢٥ ثُمَّ شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ شَقّٗا ٢٦ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا
حَبّٗا ٢٧ وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا ٢٨ وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا ٢٩ وَحَدَآئِقَ غُلۡبٗا ٣٠ وَفَٰكِهَةٗ
وَأَبّٗا ٣١ مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٢ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ٣٣ يَوۡمَ يَفِرُّ
ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ٣٤ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ٣٥ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ٣٦ لِكُلِّ
ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ يُغۡنِيهِ ٣٧ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ مُّسۡفِرَةٞ
٣٨ ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ٣٩ وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ٤٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَفَرَةٖ	فرشتگانِ نویسنده‌ای که سفیران میان الله و مخلوقاتش هستند.
نُّطۡفَةٍ	آبی اندک و پست؛ یعنی منی.
فَقَدَّرَهُۥ	او را مرحله به مرحله آفرید.
أَنشَرَهُۥ	او را زنده گردانید.
وَقَضۡبٗا	علفی برای چهارپایان.
غُلۡبٗا	پر از درخت.
وَأَبّٗا	علوفهٔ چهارپایان.

عمل به آیات

۱. امروز به دیدار یک معلول یا ضعیفی برو و بکوش تا با تو انس بگیرد، ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ۝١ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ۝٢ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ﴾

۲. در یکی از اوقات اجابت دعا، از الله تعالی هدایت و مغفرت خانواده‌ات را بخواه، ﴿يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ۝٣٤ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ۝٣٥ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ﴾

۳. امروز در یکی از انواع غذاهایت از مرحلهٔ تولید تا زمان مصرف بنگر و در آفرینش الله بیندیش، سپس حمد و ثنای او تعالی را بگو، ﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ﴾

رهنمودها

۱. بیان سرزنش الله تعالی بر پیامبرش در قرآن، یکی از بزرگ‌ترین دلایل راستی نبی و آمدن قرآن از جانب الله است، ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ۝١ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ۝٢ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ﴾

۲. باید در برابر نعمت‌های فراوان و گوناگون الله از او سپاس‌گزاری کرد، ﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ﴾

۳. کسب آمادگی برای روز قیامت، ﴿فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا حَبّٗا ۝٢٧ وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا ۝٢٨ وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا﴾

سورتا (عبس، التکویر) الجزء (۳۰) صفحة (۵۸۶)

تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

سُورَةُ التَّكۡوِيرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلشَّمۡسُ كُوِّرَتۡ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتۡ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ
سُيِّرَتۡ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلۡعِشَارُ عُطِّلَتۡ ﴿٤﴾ وَإِذَا ٱلۡوُحُوشُ حُشِرَتۡ
﴿٥﴾ وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ سُجِّرَتۡ ﴿٦﴾ وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ ﴿٧﴾ وَإِذَا
ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتۡ
﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتۡ ﴿١١﴾ وَإِذَا ٱلۡجَحِيمُ سُعِّرَتۡ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ٱلۡجَنَّةُ
أُزۡلِفَتۡ ﴿١٣﴾ عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ ﴿١٤﴾ فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلۡخُنَّسِ ﴿١٥﴾
ٱلۡجَوَارِ ٱلۡكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذَا عَسۡعَسَ ﴿١٧﴾ وَٱلصُّبۡحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾
إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ ﴿٢٠﴾ مُّطَاعٖ
ثَمَّ أَمِينٖ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجۡنُونٖ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ رَءَاهُ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡمُبِينِ
﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ بِضَنِينٖ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٖ ﴿٢٥﴾
فَأَيۡنَ تَذۡهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن
يَسۡتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَتَرَةٌ	خواری و تاریکی.
ٱنكَدَرَتۡ	متلاشی شود و نورش از بین برود.
ٱلۡعِشَارُ	شتران باردار.
عُطِّلَتۡ	رها شوند.
سُجِّرَتۡ	پر و لبریز گردد، آن‌گاه منفجر شود و آتش برافروزد.
ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ	کودکی که زنده به گور شود.
كُشِطَتۡ	جدا و کنده شود.
أُزۡلِفَتۡ	به ساکنانش نزدیک گردد.

عمل به آیات

۱. به کسانی که از تو کوچکتر هستند مهربانی کن، ﴿وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ﴾

۲. عمل صالحی را که دوست داری در روز قیامت در مقابل تو حاضر باشد امروز انجام بده، ﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ﴾

۳. استقامت را از الله بخواه، ﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

رهنمودها

۱. روز حساب را به یاد آور و برای آن روز، آمادگی کسب کن، ﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ﴾

۲. گرامی‌داشته‌شدن فرشتگان از جانب الله، باعث می‌شود که بنده آنان را دوست داشته باشد و به آنان ایمان آورد، ﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ﴾

۳. پیامبر ﷺ غیب نمی‌داند، پس دیگران به طریق اولی از غیب بی‌خبرند، ﴿وَمَا هُوَ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ بِضَنِينٖ﴾

ترجمه آیات

[و] سیاهی [و تاریکی] آنها را پوشانده است. (۴۱) اینان همان کافرانِ بدکردارند. (۴۲)

سورهٔ تکویر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

آنگاه که خورشید درهم پیچیده [و تاریک] گردد، (۱) و آنگاه که ستارگان بی‌فروغ شوند، (۲) و آنگاه که کوه‌ها به حرکت درآید، (۳) و آنگاه که ماده‌شترانِ باردار رها شوند، (۴) و آنگاه که حیوانات وحشی [در کنار انسان] گرد آورده شوند، (۵) و آنگاه که دریاها [جوشان و] برافروخته شود، (۶) و آنگاه که هر کس با همسانِ خود قرین گردد، (۷) و آنگاه که از دختر زنده‌به‌گورشده پرسیده شود (۸) [که] به کدامین گناه کشته شده است، (۹) و آنگاه که نامه‌های [اعمال] گشوده شود، (۱۰) و آنگاه که پرده از روی آسمان برگرفته شود، (۱۱) و آنگاه که دوزخ، افروخته [و شعله‌ور] گردد، (۱۲) و آنگاه که بهشت [برای پرواپیشگان] نزدیک آورده شود. (۱۳) [در آن هنگام،] هر کس خواهد دانست که چه چیزی [برای آخرت خود] آماده کرده است. (۱۴) سوگند به ستارگانی که [به جایگاه خود] بازمی‌گردند، (۱۵) [شتابان] حرکت می‌کنند [و از نظر] پنهان می‌شوند؛ (۱۶) و سوگند به شب، هنگامی که [از تاریکی‌اش کاسته شود و] پشت کند؛ (۱۷) و سوگند به صبح، هنگامی که بدمد؛ (۱۸) بی‌تردید، این [قرآن، سخن الله است که ابلاغش به پیامبر، بر عهدهٔ] فرستاده‌ای بزرگوار [=جبرئیل] است؛ (۱۹) [همان فرشته‌ای] که [مقتدر و] نیرومند است و نزد [اللهِ] صاحب‌عرش، مقام والایی دارد؛ (۲۰) [در ملکوت اعلی و عالم فرشتگان] از او فرمان می‌برند و امین [وحی] است. (۲۱) [ای مردم،] همنشین شما [= محمد] دیوانه نیست؛ (۲۲) و بی‌تردید، [محمد]، او [= جبرئیل] را در افق روشن دیده است. (۲۳) و او بر [ابلاغ آنچه از طریق] غیب [به وی وحی می‌گردد] بخیل نیست [و همانند کاهنان نیز مزد نمی‌گیرد]. (۲۴) و این [قرآن] گفتهٔ شیطان رانده‌شده نیست. (۲۵) پس به کجا می‌روید؟ (۲۶) این [قرآن] چیزی جز پند و اندرز برای جهانیان نیست. (۲۷) برای هر یک از شما که بخواهد راه راست [حق را] در پیش گیرد. (۲۸) و شما [چیزی را] نمی‌خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان [اراده کند را] بخواهد. (۲۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ﴿٤٠﴾ تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ﴾

یعنی کسانی که بیش از حد از دایرهٔ شرع خارج شدند تا این‌که در کفر و فساد غرق گشتند. اینان غالباً افراد خوشگذران و مرفهی هستند که ثروتشان آنان را به تکبر و سرسختی و ناسپاسی می‌کشاند. بنابراین به سبب این‌که هم مرتکب کفر شدند و هم مرتکب فساد، غبار و تاریکی را برای‌شان جمع کرد. بقاعی: ۲۱/ ۲۷۳.

پرسش:

۲ ﴿إِذَا ٱلشَّمۡسُ كُوِّرَتۡ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتۡ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ سُيِّرَتۡ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلۡعِشَارُ عُطِّلَتۡ ﴿٤﴾ وَإِذَا ٱلۡوُحُوشُ حُشِرَتۡ ﴿٥﴾ وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ سُجِّرَتۡ ﴿٦﴾ وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ ﴿٧﴾ وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتۡ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتۡ ﴿١١﴾ وَإِذَا ٱلۡجَحِيمُ سُعِّرَتۡ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ٱلۡجَنَّةُ أُزۡلِفَتۡ ﴿١٣﴾ عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ﴾

اوصاف مذکور که الله برای روز قیامت بیان کرد، از جمله صفاتی است که قلب را بی‌قرار می‌کند، اندوه‌ها را تشدید می‌گرداند، ذهن‌ها را می‌لرزاند، ترس‌ها را می‌گستراند و خردمندان را برای آمادگی برای آن روز تشویق می‌کند و از آن‌چه موجب سرزنش می‌شود بازمی‌دارد. سعدی: ۹۱۲.

پرسش: ثمرهٔ عملی‌ای که از خواندن آیات فوق حاصل می‌شود چیست؟

۳ ﴿وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ﴾

هر صاحب عملی با مانند و نظیر خودش همراه شده است؛ یعنی کسانی که به خاطر الله یکدیگر را دوست دارند در بهشت و کسانی که به خاطر طاعت شیطان یکدیگر را دوست دارد در جهنم یکجا می‌شوند؛ بنابراین انسان بخواهد یا نخواهد همراه کسی است که او را دوست دارد. ابن قیم: ۳/ ۲۵۷.

پرسش: محبت انسان به دیگران آثار بزرگی در روز قیامت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ﴾

اشاره دارد به این‌که دختر زنده به گور شده هیچ گناهی که مستحق قتل باشد ندارد، بلکه گناه بر قاتل اوست، اما به سبب بزرگی این گناه، سوال متوجه دختر می‌شود تا کسی که او را دفن کرده است سرزنش شود و مجالی برای ارائهٔ دلیل نیابد. شنقیطی: ۸/ ۴۳۸.

پرسش: چرا دختر زنده به گور شده، با وجود این‌که هیچ گناهی ندارد مورد سوال قرار می‌گیرد؟

۵ ﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ ﴿٢٠﴾ مُّطَاعٖ ثَمَّ أَمِينٖ﴾

تمام این موارد بر فضیلت قرآن نزد الله تعالی دلالت دارد؛ یعنی فرشته‌ای گرامی و دارای صفات مذکور را برای نزول قرآن مبعوث کرد. عادتاً پادشاهان فقط در مهم‌ترین امور و برای ارسال گرامی‌ترین نامه‌ها، فرستادگانی گرامی انتخاب می‌کنند. سعدی: ۹۱۳.

پرسش: برای درک جایگاه قرآن کریم نزد الله از طریق صفات فرشته‌ای که آن را به پیامبر ﷺ فرود آورد بیندیش.

۶ ﴿وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٖ ﴿٢٥﴾ فَأَيۡنَ تَذۡهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

هر کس که این صفات قرآن و دو رسول فرشتگی و بشری که آن را آوردند بشناسد، هم به قرآن و هم به این دو رسول محبت می‌ورزد و آنان را بی‌نهایت محترم و بزرگ می‌شمارد، در تمام اوقات به قرائت قرآن روی می‌آورد و در رعایت اوامر و نواهی آن تلاش می‌کند تا استقامت برایش حاصل شود؛ چون دوست دارد با کسی که قرآن را آورده است همراه شود و ذاتی را که قرآن از جانب او نازل شده است ببیند. بقاعی: ۲۱/ ۲۹۴.

پرسش: شناخت صفات قرآن و صفات کسی که آن را به ما رساند چه ثمره‌ای به همراه دارد؟

۷ ﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ﴾

این قرآن پندی است برای تمام مردمی که از آن پند و اندرز می‌گیرند. یعنی: هر کس که هدایت می‌خواهد باید آن را در این قرآن جستجو کند؛ زیرا مایهٔ نجات و هدایت است و هیچ هدایتی در غیر آن وجود ندارد. ابن کثیر: ۴/ ۴۸۱.

پرسش: امروزه بشریت به دنبال راهی مناسب برای نجات از تاریکی‌های گمراهی و جهالت است. تنها راه نجات و هدایت چیست؟

سورۀ انفطار

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

آنگاه که آسمان شکافته شود، (۱) آنگاه که ستارگان پراکنده شوند [و فرو ریزند]، (۲) و آنگاه که دریاها [به هم آمیزند و لبریز و] روان گردند، (۳) و آنگاه که قبرها [برای براگیختن مردگان] زیر و رو شود، (۴) [در آن هنگام،] هر کس می‌داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده و چه چیزهایی را واپس نهاده [و بر جای گذاشته است]. (۵) ای انسان، چه چیزی تو را [نسبت] به پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟ (۶) آن [پروردگاری] که تو را آفرید، سپس به تو سر و سامان داد و آنگاه تو را متعادل و متناسب کرد. (۷) و به هر شکلی [و صورتی] که خواست، تو را ترکیب نمود. (۸) هرگز چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ بلکه شما [روز] جزا را تکذیب می‌کنید. (۹) و بی‌گمان، نگهبانانی [از فرشتگان] بر شما گمارده شده‌اند. (۱۰) که نویسندگانی بزرگوارند؛ (۱۱) آنچه را انجام می‌دهید، می‌دانند [و اعمال نیک و بد شما را ثبت می‌کنند]. (۱۲) مسلماً نیکوکاران در نعمت[های بهشت] هستند. (۱۳) و یقیناً بدکاران در [آتش] جهنمند. (۱۴) روز جزا به آن درمی‌آیند [و می‌سوزند] (۱۵) و هرگز آنان از آنجا به دور و [در امان] نباشند. (۱۶) و تو چه دانی که روز جزا چیست؟ (۱۷) باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ (۱۸) روزی‌که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست؛ و در آن روز، حکم [و فرمان،] از آنِ الله است. (۱۹)

سورۀ مطفّفین

به نام الله بخشندۀ مهربان

وای بر کم‌فروشان! (۱) [همان] کسانی که چون [برای خود] از مردم پیمانه می‌کنند، حق خود را کامل می‌گیرند، (۲) و هنگامی که [می‌خواهند] برای آنان پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. (۳) آیا آنها گمان نمی‌کنند که [قیامت فرا می‌رسد و از قبرها] برانگیخته می‌شوند، (۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ﴾

واژۀ (رب) افزون بر این‌که بیانگر احسان است، بر گرفتن انتقام در صورت غرق‌شدن بنده در گناهان نیز دلالت می‌کند؛ زیرا شأن مربی تقاضا می‌کند که چنین موضعی داشته باشد. این امر، کسانی را که بیندیشند از تکبر و غرور بازمی‌دارد. بقاعی: ۲۱/ ۳۰۲.

پرسش: واژۀ (رب) در آیه چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ۝١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ۝١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ﴾

الله تعالی فرشتگانی گرامی بر شما گماشته است که اقوال و افعال‌تان را می‌نویسند و هر آن‌چه را که انجام می‌دهید می‌دانند... پس سزاوار است که این فرشتگان را بزرگ و محترم و گرامی بدارید. سعدی: ۹۱۴.

پرسش: در برابر فرشتگانی که اعمالت را می‌نویسند چه احساسی داری؟ این احساس، تو را بر چه کاری وامی‌دارد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ﴾

پاداش اینان، نعمت‌های قلبی و روحی و جسمی در دنیا و برزخ و آخرت است. سعدی: ۹۱۴.

پرسش: طاعت، باعث کسب نعمت و خوشبختی در سه مرحله برای انسان می‌شود. این مراحل را نام ببرید.

۴ ﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ۝١٣ وَإِنَّ ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ﴾

فقط نعمت‌ها و آتش آخرت منظور نیست؛ بلکه هم در دنیا و هم در برزخ و هم در آخرت، نیکوکاران در نعمت و بدکاران در آتش قرار دارند. آیا نعمتی بزرگ‌تر از نعمت قلبی وجود دارد؟! آیا عذابی سخت‌تر از عذاب قلبی وجود دارد؟! کدام عذاب از ترس و غم و اندوه، سختدلی، اعراض بنده از الله و سرای آخرت، دلبستگی به غیر الله و بریدن از او تعالی، سخت‌تر و بزرگ‌تر است؟! هر آن‌چه غیر از الله که انسان به آن دل بندد و محبت کند، انسان را به سخت‌ترین عذاب می‌کشاند. ابن قیم: ۳/ ۲۶۷.

پرسش: نعمت و آتش مذکور در آیه در کدام سرا منظور است؟

۵ ﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ﴾

آغاز سوره با عبارت ﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ﴾، بر خطر شدید کم‌فروشی اشاره دارد؛ زیرا وزن صحیح، معیار اقتصاد و معاملات است و اگر خللی بر آن وارد گردد، اقتصاد فلج می‌شود؛ در نتیجه فساد بزرگی در روی زمین به راه می‌افتد. شنقیطی: ۸/ ۴۵۴.

پرسش: آغاز سوره با عبارت ﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ﴾ چه نکته‌ای در بردارد؟

۶ ﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ۝١ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ۝٢ وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ﴾

اشاره دارد به این‌که اصل و اساس آسیب‌ها، محبت دنیاست که در جمع اموال از طریق نامشروع نمود پیدا می‌کند؛ حتی با پست‌ترین وجه یعنی کم‌فروشی که رادمردان هرگز به آن راضی نمی‌شوند؛ بلکه پیمانه را کامل می‌دهند و ترازو را درست وزن می‌کنند و هرگز از حقوق دیگران نمی‌کاهند. بقاعی: ۲۱/ ۳۱۱.

پرسش: اصل و اساس آفت‌ها چیست و چه رابطه‌ای با کم‌فروشی دارد؟

۷ ﴿أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ۝٤ لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ۝٥ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

انکار و تعجب، واژۀ ظن، توصیف روز قیامت به عظیم، برخاستن مردم در آن روز در حالی که خوار و فروتن هستند و توصیف ذات باری تعالی به پروردگار جهانیان؛ تمام این موارد، بیانگر بزرگی و سختی گناه کم‌فروشی است. قرطبی: ۲۲/ ۱۳۶.

پرسش: الله تعالی گناه کم‌فروشی را تا چه حد بزرگ و ناپسند دانسته است؟

سُورَةُ الانفِطَارِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ ۝١ وَإِذَا ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ ۝٢ وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ
فُجِّرَتۡ ۝٣ وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ ۝٤ عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ
وَأَخَّرَتۡ ۝٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ۝٦ ٱلَّذِي
خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ۝٧ فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ۝٨
كَلَّا بَلۡ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ۝٩ وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ۝١٠ كِرَامٗا
كَٰتِبِينَ ۝١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ۝١٢ إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ۝١٣ وَإِنَّ
ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ ۝١٤ يَصۡلَوۡنَهَا يَوۡمَ ٱلدِّينِ ۝١٥ وَمَا هُمۡ عَنۡهَا بِغَآئِبِينَ
۝١٦ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ۝١٧ ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ
۝١٨ يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡـٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ ۝١٩

سُورَةُ المُطَفِّفِينَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ۝١ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ۝٢
وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ۝٣ أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ۝٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱنفَطَرَتۡ	بشکافد.
ٱنتَثَرَتۡ	فرو ریزد.
فُجِّرَتۡ	لبریز، سپس منفجر شود و آب‌هایش جاری گردد.
بُعۡثِرَتۡ	برای برانگیختن کسانی که در آن‌ها دفن هستند زیر و رو شود.
مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ	چه چیزی تو را فریفت و باعث شد به پروردگار گرامی‌ات کفر ورزی و از او نافرمانی کنی؟
فَسَوَّىٰكَ	تو را صحیح و با اعضایی سالم آفرید.
فَعَدَلَكَ	تو را راست و برابر آفرید و اندامت را متناسب قرار داد.
لَحَٰفِظِينَ	فرشتگانی نگهبان که اعمال‌تان را می‌نویسند.
بِغَآئِبِينَ	از جهنم نه خارج می‌شوند و نه در آن‌جا می‌میرند.
لِّلۡمُطَفِّفِينَ	کسانی که از پیمانه و ترازو می‌کاهند.

عمل به آیات

۱. به زیارت قبور برو، ﴿وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ﴾

۲. شکر الله را به جای آور که تو را به نیکویی آفرید، ﴿ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ﴾

۳. از گناهانت آمرزش بخواه، ﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ وَأَخَّرَتۡ﴾

رهنمودها

۱. باید بر انجام اعمال صالح شتافت و به کریم بودن و بردباری الله فریب نخورد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ﴾

۲. یکی از نعمت‌های الله بر انسان این است که او را به نیکویی آفرید، ﴿ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ﴾

۳. تمام اعمال انسان، به نفع یا زیان او نوشته می‌شود، ﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ۝١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ۝١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ﴾

سورة (المطففين) الجزء (٣٠) صفحة (٥٨٨)

لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦ كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ
ٱلۡفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٖ ٧ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سِجِّينٞ ٨ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٩
وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٠ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ١١ وَمَا يُكَذِّبُ
بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ
١٣ كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤ كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ
يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ١٥ ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ ١٦ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا
ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ١٧ كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ١٨
وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ١٩ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٢٠ يَشۡهَدُهُ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢١
إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٢ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٢٣ تَعۡرِفُ فِي
وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ٢٤ يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ٢٥ خِتَٰمُهُۥ
مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ٢٦ وَمِزَاجُهُۥ مِن
تَسۡنِيمٍ ٢٧ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢٨ إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ كَانُواْ
مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ ٢٩ وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ يَتَغَامَزُونَ ٣٠
وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ ٣١ وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ٣٢ وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ ٣٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سِجِّينٖ	زندان و تنگ.
مَّرۡقُومٞ	نوشته‌شده، مانند نوشته‌های لباس که از بین نمی‌رود.
أَسَٰطِيرُ	سخنان یاوه و بیهوده.
رَانَ	پوشانده است.
ٱلۡأَرَآئِكِ	تخت‌هایی آراسته با پرده‌ها و پارچه‌های فاخر.
رَّحِيقٖ	شرابی ناب و صاف.
وَمِزَاجُهُۥ	آمیزه‌اش.
تَسۡنِيمٍ	چشمه‌ای در بالاترین قسمت بهشت.
يَشۡرَبُ بِهَا	با لذت از آن می‌نوشند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، فِي غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ» [صحیح؛ با الفاظی مشابه در نسائی: ۱۳۰۵] «یا الله! لذت نگاه به چهرهٔ گرامی‌ات را بدون آسیبِ زیان‌رسان و بدون فتنهٔ گمراه‌کننده از تو می‌خواهم»، ﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ﴾

۲. با آبدهی به یک مسلمان، صدقه بده، ﴿يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ﴾

۳. کسی را که زودتر از تو به مسجد می‌رود به یاد آور و در این امر با او مسابقه بده، ﴿وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از بزرگ‌ترین کیفرها: محرومیت از نگاه به پروردگار در آخرت است، ﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ﴾

۲. گناهان باعث می‌شود بر قلب مُهر زده شود، ﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

۳. مومنان در طاعات با یکدیگر مسابقه می‌دهند، ﴿وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾

ترجمه آیات

در روزی بزرگ؟ (۵) [همان] روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. (۶) هرگز چنین نیست [که کافران پنداشته‌اند]! به راستی که نامهٔ [اعمال] بدکاران در سِجّین است. (۷) و تو چه دانی که سِجّین چیست؟ (۸) کتابی است که [اعمال بدکاران در آن] نوشته شده است. (۹) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان! (۱۰) همان کسانی که روز جزا را [انکار و] تکذیب می‌کنند؛ (۱۱) و جز ستمکارانِ گنهکار، [کسی] آن [روز] را تکذیب نمی‌کند. (۱۲) هنگامی که آیات ما بر او تلاوت می‌شود، می‌گوید: «[این] افسانه‌های [خیالی] گذشتگان است». (۱۳) هرگز چنین نیست [که آنها گمان می‌کنند]؛ بلکه [به سبب] آنچه کرده‌اند، بر دل‌هایشان زنگار بسته است. (۱۴) هرگز چنین نیست [که آنها می‌پندارند]. بی‌گمان، آنان در آن روز از [دیدار] پروردگارشان محرومند. (۱۵) و [بعد از حساب،] مسلماً وارد دوزخ می‌شوند. (۱۶) آنگاه به آنان گفته می‌شود: «این [آتش،] همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید». (۱۷) هرگز چنین نیست [که آنها می‌پندارند]؛ بی‌گمان، نامهٔ [اعمال] نیکوکاران در «عِلّیین» است. (۱۸) و تو چه دانی که «عِلّیین» چیست؟ (۱۹) کتابی است که [اعمال نیکوکاران در آن] نوشته شده است، (۲۰) که مقرّبان [درگاه الهی] بر آن حاضر می‌شوند [و گواهی می‌دهند]. (۲۱) همانا نیکوکاران در نعمت[های بهشت] هستند. (۲۲) بر تخت‌ها [تکیه زده و] می‌نگرند. (۲۳) خرمی و نشاطِ نعمت [بهشت] را در چهره‌هایشان [می بینی و] می‌شناسی. (۲۴) آنها از شراب نابِ مُهرشده، [نوشانیده و] سیراب می‌شوند. (۲۵) مُهری که بر آن نهاده شده، از مُشک است، و مشتاقان [رحمت]، در این [شراب و دیگر نعمت‌های بهشتی] باید بر یکدیگر پیشی گیرند. (۲۶) و آمیزه‌اش از [چشمه] تسنیم است؛ (۲۷) [همان] چشمه‌ای که مقربان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند. (۲۸) همانا کسانی که جرم و گناه مرتکب شدند، پیوسته [در دنیا] بر کسانی که ایمان آورده بودند می‌خندیدند. (۲۹) و هر گاه [مؤمنان] از کنارشان می‌گذشتند، با چشم و ابرو به هم اشاره می‌کردند [و آنان را به سُخره می‌گرفتند]؛ (۳۰) و چون به سوی خانوادهٔ خود بازمی‌گشتند، [به خاطر تمسخرِ مؤمنان] شادمان و خندان بودند؛ (۳۱) و هنگامی که مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند: «بی‌گمان، اینان گمراهانند»؛ (۳۲) در حالی که آنان برای مراقبت [و نگهبانی،] بر مؤمنان فرستاده نشده بودند. (۳۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

گناهان پیاپی منظور است که قلب را سیاه می‌کنند. مجاهد می‌گوید: شخصی منظور است که مرتکب گناه می‌شود و گناه قلبش را احاطه می‌کند و به این کار ادامه می‌دهد تا این‌که گناهان تمام قلبش را می‌پوشانند. بکر بن عبدالله می‌گوید: هر گاه بنده مرتکب گناهی شود سوراخی به اندازهٔ سر سوزن در قلبش ایجاد می‌گردد، اگر برای بار دوم مرتکب گناه شود این امر تکرار می‌شود، سپس اگر گناهانش افزایش یابد قلب به شکل غربال درمی‌آید؛ آن‌گاه هیچ امر نیکی بر آن وارد نمی‌شود و هیچ خیری در آن پایدار نمی‌ماند. قرطبی: ۲۲/ ۱۴۳.

پرسش: منظور از ﴿رَانَ﴾ چیست؟ چگونه به قلب انسان وارد می‌شود؟

۲ ﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

از ابوهریره ﷺ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا أَذْنَبَ الْعَبْدُ نُكِتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ، فَإِنْ تَابَ صُقِلَ مِنْهَا، فَإِنْ عَادَ عَادَتْ حَتَّى تَعْظُمَ فِي قَلْبِهِ» [حسن؛ با الفاظی مشابه در ابن ماجه: ۴۲۴۴؛ ترمذی: ۳۳۳۴؛ لفظ از المستدرک حاکم: ۶] «هنگامی که انسان گناهی مرتکب شود، نقطهٔ سیاهی در قلبش پدید می‌آید. پس اگر توبه کرد، دل از آن سیاهی جلا می‌یابد، اما اگر گناه را تکرار کرد، بر سیاهی افزوده می‌شود تا این که به صورت توده‌ای بزرگ درمی‌آید». سپس فرمود این همان رانی است که الله تعالی در مورد آن می‌فرماید: ﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾. طبری: ۲۴/ ۲۸۶.

پرسش: تأثیر توبه در پوششی که بر قلب می‌نشیند را توضیح دهید؟

۳ ﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ﴾

حسین بن فضل می‌گوید: همان‌گونه که الله آنان را در دنیا از توحیدش محروم کرد، در آخرت نیز آنان را از دیدن خویش محروم می‌کند. زجاج می‌گوید: آیه دلالت دارد بر این‌که الله تعالی در روز قیامت دیده می‌شود. شوکانی: ۵/ ۴۰۰.

پرسش: چرا بدکاران از دیدن الله در آخرت محروم هستند؟

۴ ﴿خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾

﴿ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾ یعنی: کسانی که در شتافتن بر طاعت الله تعالی مشتاق هستند. اصل تنافس به معنای مسابقه برای کالایی نفیس و تلاش انسان برای شبیه‌شدن به افراد فاضل و قرار گرفتن در گروه آنان است، بدون این‌که بر دیگری ضرر وارد کند. تنافس به این معنا، نوعی شرافت نفس و همت والاست. آلوسی: ۱۵/ ۲۸۳.

پرسش: منظور از رقابت پسندیده در آیه چیست؟

۵ ﴿خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾

این آیه در مقابل ابتدای سوره قرار می‌گیرد؛ زیرا در آن‌جا برای جمع مال از طریق کم‌فروشی رقابت می‌کنند و به این سبب در روز قیامت زیان می‌بینند. اما نیکان در نعمت‌های روز قیامت قرار دارند و شراب‌شان نیز به‌گونه‌ای است که در آیه بیان شد. پس بر این کار باید رقابت کرد نه بر کم‌فروشی در غلات یا پیمانه یا ترازو. شنقیطی: ۸/ ۴۶۳.

پرسش: منظور از رقابت نیکو و رقابت ناپسند چیست؟

۶ ﴿وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسۡنِيمٍ ٢٧ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ﴾

بهترین شراب بهشت، تسنیم است؛ الله سبحانه فرمود آمیزهٔ شراب ابرار از تسنیم است و مقربان، تسنیم را خالص و بدون آمیزه می‌نوشند...؛ زیرا جزا موافق با عمل پرداخت می‌شود؛ یعنی از آن‌جا که تمام اعمال مقربان خالص برای الله انجام شده، الله نیز شرابی خالص به آنان می‌نوشاند و ابرار چون طاعات را با مباحات در هم آمیختند شراب‌شان نیز آمیخته است. به عبارتی دیگر: هر کس اخلاص ورزد شرابش خالص است و هر کس اعمال را در هم آمیزد از شرابی مخلوط نوشانیده می‌شود. ابن قیم: ۳/ ۲۷۰.

پرسش: چرا شراب مقربان، تسنیم خالص و شراب نیکوکاران با غیر آن آمیخته است؟

۷ ﴿وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ﴾

یعنی در حالی که شاد و خوشحالند. بزرگ‌ترین تکبر آن است که در دنیا هم اعمال بد انجام دادند و هم خودشان را از عذاب، ایمن دانستند؛ گویی نوشته و پیمانی از جانب الله برای‌شان آمده است که آنان خوشبخت هستند و چنین حکم داده‌اند که خودشان هدایت یافته‌اند و مومنان گمراهند؛ این‌گونه بر الله دروغ می‌بندند و بر گفتن سخنِ بدون علم گستاخی می‌کنند. سعدی: ۹۱۶.

پرسش: دلیل عمل بسیار بد مشرکان را که الله بیان کرد توضیح دهید.

فَٱلۡيَوۡمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنَ ٱلۡكُفَّارِ يَضۡحَكُونَ ٣٤ عَلَى
ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٣٥ هَلۡ ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٣٦

سُورَةُ الانْشِقَاقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ ١ وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٢ وَإِذَا ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ
٣ وَأَلۡقَتۡ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتۡ ٤ وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٥ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ ٦ فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ
كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ٧ فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ٨ وَيَنقَلِبُ
إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ٩ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ١٠ فَسَوۡفَ
يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ١١ وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ١٢ إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ١٣
إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ١٤ بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرٗا ١٥ فَلَآ أُقۡسِمُ
بِٱلشَّفَقِ ١٦ وَٱلَّيۡلِ وَمَا وَسَقَ ١٧ وَٱلۡقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ١٨
لَتَرۡكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٖ ١٩ فَمَا لَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٠ وَإِذَا قُرِئَ
عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا يَسۡجُدُونَ۩ ٢١ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُكَذِّبُونَ
٢٢ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُوعُونَ ٢٣ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٤

ترجمه آیات

ولی امروز کسانی که ایمان آورده‌اند، به کافران می‌خندند. (۳۴) بر تخت‌های [آراسته نشسته و به نعمت‌های الهی که برترین آنها، رؤیت وجه گرامی الله است] می‌نگرند. (۳۵) آیا کافران [با چشیدن عذاب،] جزای آنچه را که می‌کردند دریافت نموده‌اند؟ (۳۶)

سورهٔ انشقاق

به نام الله بخشندهٔ مهربان

آنگاه که آسمان شکافته شود، (۱) و به [فرمان] پروردگارش گوش فرا دهد [و تسلیم شود]؛ و سزاوار است [که چنین کند]، (۲) و آنگاه که زمین گسترده [و هموار] شود، (۳) و هر چه را درون خود دارد، بیرون ریزد و تهی گردد، (۴) و به [فرمان] پروردگارش گوش دهد [و تسلیم شود]؛ و سزاوار است [که چنین کند]. (۵) ای انسان، بی‌گمان، تو در راه [رسیدن به] پروردگارت سخت تلاش و کوشش می‌کنی؛ پس او را ملاقات خواهی کرد. (۶) و اما کسی که نامهٔ [اعمال او] به دست راستش داده شود، (۷) به زودی به حسابی آسان، محاسبه می‌شود. (۸) و شادمان به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد؛ (۹) و اما کسی که نامهٔ [اعمال او] از پشت سرش به او داده شود. (۱۰) به زودی نابودیِ خود را خواهد طلبید (۱۱) و به [آتش] جهنم شعله‌ور در خواهد آمد. (۱۲) بی‌گمان، او در [دنیا به خاطر گناهانش،] در میان خانوادهٔ خود شادمان بود. (۱۳) او گمان می‌کرد که هرگز [به نزد الله] بازنخواهد گشت. (۱۴) آری؛ همانا پروردگارش از حال وی آگاه بود. (۱۵) به شفق سوگند می‌خورم، (۱۶) و سوگند به شب و آنچه را فرو می‌پوشد (۱۷) و سوگند به ماه چون [فروغش] کامل شود (۱۸) که قطعاً مراتب و حالات مختلفی را یکی پس از دیگری [در مسیر زندگی دنیوی] طی خواهید کرد. (۱۹) آنان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟ (۲۰) و [چرا] هنگامی که قرآن بر آنان تلاوت می‌شود سجده نمی‌کنند؟ (۲۱) بلکه کسانی که کافر شدند، پیوسته [آیات الهی را] تکذیب می‌کنند. (۲۲) و الله به آنچه در دل پنهان می‌دارند، داناتر است. (۲۳) پس [ای پیامبر،] آنان را به عذابی دردناک بشارت ده؛ (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ﴾

یعنی: به باغ‌ها و رودها و حوریان و خادمان نوجوان می‌نگرند و کاری جز این و خوشی‌هایی از این قبیل ندارند. امام قشیری می‌گوید: نگاه بیان شد اما مواردی که به آن نگاه انداخته می‌شود به سبب اختلاف بیان نشد: یکی به قصرهایش، یکی به حوریانش و به همین ترتیب هر کس به چیزی نگاه می‌کند، خواص همیشه به الله تعالی نگاه می‌کنند، چنان‌که کافران همیشه از دیدن پروردگارشان در حجاب هستند. بقاعی: ۲۱/ ۳۲۷.

پرسش: چرا گفته شد مومنان در بهشت نگاه می‌کنند اما چیزی که به آن می‌نگرند بیان نشد؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ﴾

بر تلاش در نیکوکاری تشویق می‌کند؛ زیرا هر کس یقین داشته باشد که در برابر پادشاه قرار می‌گیرد، تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرد تا عملی انجام دهد که در برابر پادشاه مورد تقدیر و تمجید واقع شود. بقاعی: ۲۱/ ۳۳۹.

پرسش: بنده وقتی بداند با پروردگارش ملاقات می‌کند چه تکلیفی بر عهده‌اش قرار می‌گیرد؟

۳ ﴿وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا﴾

انسان مومن در دنیا کنار خانواده‌اش، از ایستادن در برابر الله می‌ترسد، غمگین و زیان‌دیده است و صبح و شام خودش را مورد محاسبهٔ سخت و جدی قرار می‌دهد؛ افزون بر این‌که در معرض زندگی سخت و ناراحت‌کننده و شرارت‌های مخالفان قرار دارد. بقاعی: ۲۱/ ۳۴۱.

پرسش: چرا مومن پاداش شادمانی کنار خانواده در بهشت را دریافت می‌کند؟

۴ ﴿وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ﴾

شاید دلیل این‌که کافران نامهٔ اعمال‌شان را از پشت سر دریافت می‌کنند این است که کسانی که نامه‌ها را می‌دهند، به سبب زشتی کامل صورت کافران یا به سبب بغض و کینه نسبت به کافران، تحمل دیدن صورت‌های‌شان را ندارند؛ یا به این دلیل که کافران کتاب الله را پشت سرشان انداختند. آلوسی: ۳۰/ ۸۱.

پرسش: چرا نامهٔ اعمال کافر از پشت سرش به او داده می‌شود؟

۵ ﴿إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا﴾

شادمانی‌ای که بدون تفکر در پیامدها و ترس از آینده انجام شود منظور است؛ زیرا پس از این شادی کوتاه، اندوهی طولانی به او رسید. ابن کثیر: ۴/ ۴۹۰.

پرسش: شادمانی در چه صورتی ناپسند است؟

۶ ﴿إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ﴾

گمان مذکور، اشاره دارد به این‌که عدم ایمان به رستاخیز یا شک در آن، سبب انجام تمام بدی‌ها و نابودکنندهٔ تمام خوبی‌هاست و این‌که ایمان به روز آخرت، نقطهٔ آغاز تمام خوبی‌ها و بازدارندهٔ تمام بدی‌هاست. همچنین ایمان به رستاخیز، نقطهٔ شروع تمام اعمال صالح است؛ چنان‌که در ابتدای قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ...﴾. شنقیطی: ۸/ ۴۷۱.

پرسش: چرا عدم ایمان به رستاخیز یا شک در آن، اساس تمام بدی‌هاست؟

۷ ﴿بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرٗا﴾

یعنی او را می‌بیند و از او آگاهی و علم کامل دارد؛ بنابراین بیهوده رها کردن او، با وجود علم به اعمالش، با حکمت و عدالت و فرمانروایی منافات دارد و این امر با هیچ منطقی قابل قبول نیست. بقاعی: ۲۱/ ۳۴۵.

پرسش: بیان این خبر که الله تعالی بنده را می‌بیند بر چه امری دلالت دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱنشَقَّتۡ	روز قیامت متلاشی شود و ابرها را بپراکند.
وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا	امر پروردگارش را اطاعت کند.
مُدَّتۡ	گسترده و هموار شود و کوه‌هایش کنده شود و به حرکت درآید.
يَدۡعُواْ ثُبُورٗا	نابودی را می‌خواهد.
لَّن يَحُورَ	هرگز به سوی الله بازنخواهد گشت تا او را مورد محاسبه قرار دهد.
وَسَقَ	جمع کند.
ٱتَّسَقَ	نورش کامل شود و به صورت قرص کامل درآید.
طَبَقًا عَن طَبَقٖ	مراحلی متعدد و احوالی متفاوت: نطفه، سپس تکه خون بسته و به همین ترتیب.

عمل به آیات

۱. با تدبر به قرائت قرآن گوش بده، ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا يَسۡجُدُونَ۩﴾

۲. هر گاه آیات سجده‌دار خواندی سجدهٔ تلاوت را به جای آور، ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا يَسۡجُدُونَ۩﴾

۳. تلاش کن از همین امروز کارهای نیکویت را از سمت راست آغاز کنی، ﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ﴾

رهنمودها

۱. برخی مناظر هراسناکِ روز قیامت بیان شده است، ﴿إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ ١ وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٢ وَإِذَا ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ ٣ وَأَلۡقَتۡ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتۡ﴾

۲. همانند مخلوقات، تسلیم الله شو، ﴿وَإِذَا ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ ٣ وَأَلۡقَتۡ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتۡ ٤ وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ﴾

۳. تکذیب‌کنندگان مورد تهدید شدید قرار گرفته‌اند، ﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُكَذِّبُونَ ٢٢ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُوعُونَ ٢٣ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمِۭ﴾

إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونِۭ ﴿۲۵﴾

سُورَةُ البُرُوجِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ ﴿۱﴾ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ ﴿۲﴾ وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ
﴿۳﴾ قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ﴿۴﴾ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ ﴿۵﴾ إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا
قُعُودٞ ﴿۶﴾ وَهُمۡ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ ﴿۷﴾ وَمَا نَقَمُواْ
مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ﴿۸﴾ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿۹﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ
عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ ﴿۱۰﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ
جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿۱۱﴾ إِنَّ بَطۡشَ
رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿۱۲﴾ إِنَّهُۥ هُوَ يُبۡدِئُ وَيُعِيدُ ﴿۱۳﴾ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ ﴿۱۴﴾
ذُو ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡمَجِيدُ ﴿۱۵﴾ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ﴿۱۶﴾ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ
﴿۱۷﴾ فِرۡعَوۡنَ وَثَمُودَ ﴿۱۸﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي تَكۡذِيبٖ ﴿۱۹﴾ وَٱللَّهُ مِن
وَرَآئِهِم مُّحِيطُۢ ﴿۲۰﴾ بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ﴿۲۱﴾ فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۭ ﴿۲۲﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
غَيۡرُ مَمۡنُونِۭ	نه قطع می‌شود و نه کم.
ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ	دارای منازلی که خورشید و ماه در آن‌ها حرکت می‌کنند.
وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ	روز قیامت.
وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ	الله تعالی به تمام گواهانی که گواهی می‌دهند و به تمام کسانی که دربارهٔ آنان گواهی داده می‌شود سوگند یاد کرد.
قُتِلَ	لعنت و عذاب و نابود باد.
أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ	کسانی که خندق‌های بزرگی برای سوزاندن مومنان حفر کردند.
عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ	عذاب سوزان.
ٱلۡوَدُودُ	اولیایش را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند.

عمل به آیات

۱. یک یا چند نفر مسلمان را به صبر بر آزارهای راه الله تعالی پند بده، ﴿وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾

۲. به یک مسلمان ضعیف کمک کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ﴾

۳. به یک یا چند مسلمان بیان کن که الله بسیار بخشنده و مهربان است، ﴿وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ﴾

رهنمودها

۱. باید از احوال مومنانِ امت‌های پیشین و جان‌فشانی‌های‌شان در پایداری بر دین پند گرفت، ﴿وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾

۲. الله تعالی انتقام دوستان خویش را از دشمنانش می‌گیرد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ﴾

۳. باید از آزار رساندن به مومنان توبه کرد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ﴾

ترجمه آیات

مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، که پاداشی بی‌منّت و پیوسته برایشان است. (۲۵)

سورهٔ بروج

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به آسمان که دارندهٔ بُرج‌هاست، (۱) و سوگند به روز موعود [قیامت]، (۲) و سوگند به هر کس که گواهی دهد و به هر کس که مورد گواهی قرار گیرد. (۳) مرگ بر آدم‌سوزان خندق! (۴) [همان آتش] افروخته از هیزم‌های بسیار [که مؤمنان را در آن می‌سوزاندند]؛ (۵) هنگامی که بر [کنارهٔ] آن نشسته بودند (۶) و آنچه را با مؤمنان انجام می‌دادند، تماشا می‌کردند؛ (۷) و هیچ ایرادی از آنان [=مؤمنان] نگرفتند، جز اینکه به الله پیروزمندِ ستوده ایمان آورده بودند. (۸) [همان] ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ و الله بر همه چیز گواه است. (۹) به راستی کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه [و آزار] دادند و پس [از انجام آن کار،] توبه نکردند، عذاب جهنم برایشان [مهیّا] است و عذاب آتش [در پیش دارند]. (۱۰) همانا برای کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باغ‌هایی [از بهشت] است که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است؛ و این است کامیابی بزرگ. (۱۱) بی‌گمان، [مجازات و] سختگیریِ پروردگارت بسیار شدید است. (۱۲) در حقیقت، اوست که [آفرینش را] آغاز می‌کند و دوباره [بعد از مرگ] بازمی‌گرداند؛ (۱۳) و همو آمرزنده [و] دوستدار [مؤمنان] است. (۱۴) [الله] صاحب‌عرش [و] بلندمرتبه [و شکوهمند] است (۱۵) [و] آنچه را بخواهد، انجام می‌دهد. (۱۶) [ای پیامبر،] آیا داستان لشکریان [حق‌ستیز] به تو رسیده است؟ (۱۷) [لشکر] فرعون و [قوم] ثمود. (۱۸) بلکه کسانی که کافر شدند، پیوسته در تکذیب [حق] هستند، (۱۹) و الله از هر سو بر آنان احاطه دارد. (۲۰) آری، این [آیات، شعر و سحر نیست؛ بلکه] قرآن شکوهمند است. (۲۱) در لوح محفوظ [از هر گونه تحریف و تبدیل، در امان] است. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ﴾

برخی از مخلوقات بر برخی دیگر گواهی می‌دهند و نظام دنیا بدون این امر کامل نمی‌شود؛ پس وقتی که مخلوقات شاهد و نگهبان و محافظ بر یکدیگر قرار می‌گیرند، چرا خالق بلندمرتبه، شاهد بر بندگانش و آگاه و نگهبان بر آنان نباشد؟ ابن قیم: ۳/ ۲۷۸.

پرسش: بیان این خبر که برخی از مخلوقات شاهد و برخی دیگر مشهود هستند چه حکمتی در بر دارد؟

۲ ﴿قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ﴿۴﴾ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ﴾

علمای ما گفته‌اند: الله تعالی در این آیه امت اسلامی را از سختی‌هایی که به یکتاپرستان قبل از آنان رسید آگاه کرد و با این کار به آنان تسکین و دلداری داد. پیامبر ﷺ نیز قصهٔ پسربچه را برای‌شان بیان کرد تا در برابر آزار و اذیت‌ها و مشقاتی که بدان گرفتار بودند صبر پیشه کنند و از این پسرک خردسال اما بسیار صبور، که در راه حق و چنگ زدن به آن، شکیبا و باصلابت بود و جانش را در اظهار دعوت و ورود مردم به دین فدا کرد، الگو بگیرند. قرطبی: ۲۲/ ۱۹۲- ۱۹۳.

پرسش: چرا قصهٔ خندق‌داران برای ما حکایت شده است؟

۳ ﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ﴾

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾: هم از نظر آفرینش و هم از نظر بندگی؛ بنابراین آن‌گونه که پادشاه در فرمانروایی خویش عمل می‌کند در مورد آنان تصرف می‌کند، ﴿وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ﴾ از نظر علم و شنیدن و دیدن؛ پس آیا این گردنکشان نمی‌ترسند از این‌که ذات توانا و شکست‌ناپذیر الله تعالی آنان را مجازات کند؟! مگر ندانسته‌اند که همگی آنان بردگان الله هستند و هیچ‌کس بدونِ اذنِ مالک، تسلطی بر دیگری ندارد؟! آیا این امر بر آنان پنهان مانده است که الله تعالی بر تمام اعمال‌شان احاطه دارد و آنان را در قبال کارهای‌شان جزا می‌دهد؟! هرگز چنین نیست، بلکه کافر در غرور به سر می‌برد و ستمکار از راه راست، گمراه و کور است. سعدی: ۹۱۸.

پرسش: چرا الله تعالی پس از بیان حال خندق‌دارانِ سرکش، فرمود پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؟

۴ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ﴾

حسن بصری می‌گوید: به این کرم و سخاوت بنگرید: دوستانش را کشتند و او آنان را به توبه و مغفرت فرا می‌خواند. ابن کثیر: ۴/ ۴۹۷.

پرسش: لطف و کرم و سخاوت بزرگ الله تعالی چگونه از آیه استنباط می‌شود؟

۵ ﴿وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ﴾

گفته شده: مودت به معنای محبت خالص است. کنار هم قرار گرفتن دو صفت ﴿ٱلۡوَدُودُ﴾ و ﴿ٱلۡغَفُورُ﴾ بر این امر دلالت می‌کند که گناهکاران اگر به سوی الله توبه کنند و بازگردند، الله گناهان‌شان را می‌بخشد و به آنان محبت می‌کند. سعدی: ۹۱۹.

پرسش: چرا این دو نام نیکوی الله یعنی ﴿ٱلۡوَدُودُ﴾ و ﴿ٱلۡغَفُورُ﴾ در کنار یکدیگر قرار گرفتند؟

۶ ﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ ﴿۱۷﴾ فِرۡعَوۡنَ وَثَمُودَ﴾

الله تعالی با بیان این‌که کافران قوم پیامبر به عذابی مانند عذاب لشکریان گرفتار خواهند شد به وی آرامش و دلداری می‌دهد... یعنی: سرگذشت لشکریان برایت بیان شد و از افعال و عذاب‌شان آگاه شده‌ای؛ پس ایام و امور بزرگِ الله تعالی را به قومت یادآوری کن و از این‌که عذابی مانند عذاب گذشتگان آنان را نیز فرا گیرد انذارشان بده. آلوسی: ۳۰/ ۳۹.

پرسش: انذار و تهدید شدیدی را که در این آیه برای کافران قریش آمده است بیان کنید.

۷ ﴿بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ﴿۲۱﴾ فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۭ﴾

﴿فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۭ﴾: محفوظ از تغییر و فزونی و کاستی و شیاطین؛ الله تعالی همه‌چیز را در این لوح محفوظ ثبت کرده است. مطالب مذکور، بر بزرگی و عظمت و جایگاه بالای قرآن نزد الله تعالی دلالت دارد. سعدی: ۹۱۹.

پرسش: با توجه به آیات فوق جایگاه قرآن کریم نزد الله تعالی را توضیح دهید.

سورهٔ طارق

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به آسمان و سوگند به ستارهٔ شبگرد. (۱) و تو چه می‌دانی که ستارهٔ شبگرد چیست؟ (۲) [همان] ستارهٔ فروزان است. (۳) هیچ کس نیست، مگر اینکه نگهبانی [از فرشتگان] بر او[گماشته شده] است. (۴) انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است: (۵) از یک آب جهنده آفریده شده (۶) که از میان [استخوان] پشت [مرد] و سینهٔ [زن] بیرون می‌آید. (۷) بی‌گمان، الله بر بازگرداندن او [پس از مرگ] تواناست. (۸) روزی که [تمام] رازها فاش شود، (۹) [در آن روز،] انسان هیچ توان و یاوری ندارد. (۱۰) سوگند به آسمان پرباران (۱۱) و سوگند به زمین پرشکاف [که گیاهان از آن سر برمی‌آورند]. (۱۲) [که] بی‌گمان، این قرآن، سخن جداکنندهٔ حق از باطل است (۱۳) و [سخنِ] هزل و بیهوده نیست. (۱۴) آنان [= کافران] پیوسته حیله و نیرنگ می‌کنند (۱۵) و مَن [نیز] حیله [و تدبیر] می‌کنم؛ (۱۶) پس به کافران مهلت بده [و] اندکی رهایشان کن [تا غرق گناه باشند]. (۱۷)

سورهٔ اَعلی

به نام الله بخشندهٔ مهربان

نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را به پاکی یاد کن. (۱) [همان ذاتی] که [انسان را] آفرید و هماهنگ و متعادل ساخت. (۲) و [همان] ذاتی که اندازه‌گیری کرد و [به شایستگی آفرید] و سپس هدایت نمود. (۳) و [آن] ذاتی که چراگاه را [برای تغذیهٔ جانداران] رویانید. (۴) سپس آن را خشک و سیاه گردانید. (۵) ما به زودی [قرآن را] بر تو می‌خوانیم؛ پس تو هرگز [آن را] فراموش نخواهی کرد؛ (۶) مگر آنچه را که الله بخواهد؛ همانا او آشکار و نهان را می‌داند. (۷) و آسان‌ترین [راه] را برایت فراهم می‌گردانیم. (۸) اگر پند مفید باشد، [مردم را با آیات قرآن] پند ده. (۹) به زودی کسی که [از الله] می‌ترسد، پند می‌پذیرد. (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ﴾

یعنی: نهان‌ها خارج و آشکار می‌شود؛ تمام کارهای خیر و شر یا ایمان و کفری است که انسان پنهان کرده است... ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: الله روز قیامت هر راز پنهانی را آشکار می‌کند که این امر باعث زینت برخی چهره‌ها و باعث زشتی برخی دیگر می‌گردد. قرطبی: ۲۲/ ۲۱۲-۲۱۴.

پرسش: رازهای بنده چگونه در روز قیامت آشکار می‌شود؟

۲ ﴿يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ﴾

تعبیر اعمال به سرّ، نکتهٔ ظریفی در بر دارد و آن این‌که: اعمال، نتایج رازهای باطنی است، هر کس نیت نیکویی داشته باشد عملش نیز صالح است و نیت او به صورت نور و روشنایی در صورتش نمایان می‌شود، اما هر کس نیت فاسدی داشته باشد عملش نیز فاسد است و نیت او به صورت تاریکی و ظلمت و زشتی بر چهره‌اش نمایان می‌گردد؛ در دنیا عمل او نمایان می‌شود، اما روز قیامت نیتش بر او آشکار می‌گردد و طبق آن حکم صادر می‌شود. ابن قیم: ۳/ ۲۸۸- ۲۸۹.

پرسش: اهمیت اصلاح درون و نهان‌ها در چیست؟

۳ ﴿فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ﴾

انسان کافر در روز قیامت نیرویی ندارد که عذاب و کیفر سخت الله را بازدارد و هیچ یاوری نیز ندارد که درد و رنج را از او دور کند، حال آن‌که در دنیا به قدرت قبیله‌اش پناه می‌برد تا در برابر کسی که قصد آسیب به او را دارد از او دفاع کند و یاور و هم‌پیمانی داشت که در برابر ستمگر، به او یاری می‌رساند. طبری: ۲۴/ ۳۵۹.

پرسش: ناتوانی و بی‌یاوری بنده در روز قیامت را توضیح دهید؟

۴ ﴿إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدٗا ۝١٥ وَأَكِيدُ كَيۡدٗا﴾

از این آیه دانسته می‌شود که غالب و پیروز کیست؛ زیرا آدمی ضعیف‌تر و کوچک‌تر از آن است که بر ذاتی توانا و دانا غالب آید. سعدی: ۹۲۰.

پرسش: کافران و گمراهان هر لحظه علیه اسلام و مسلمانان مکر و نیرنگ به کار می‌برند، با توجه به آیه توضیح دهید که چه کسی چیره و پیروز است؟

۵ ﴿وَنُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ﴾

یعنی: انجام افعال و اقوال نیکو را برایت آسان می‌کنیم، و شریعتی سهل و آسان و راست و درست که هیچ گونه کجی و سختی و مانعی در آن نباشد برایت تشریع می‌کنیم. ابن کثیر: ۴/ ۱۰۵.

پرسش: سهل و آسان بودن اسلام را از آیه استنباط کنید.

۶ ﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ﴾

یعنی جایی که تذکر فایده دارد تذکر بده. از این مطلب، ادب انتشار علم به دست می‌آید که نباید علم نزد غیر اهلش قرار گیرد. ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: اگر سخنی را به مردمی بگویی که عقل‌های‌شان به آن نمی‌رسد برخی از آنان را به فتنه انداخته‌ای. علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌گفت: با مردم در مورد آن‌چه می‌دانند سخن بگویید، آیا دوست دارید که الله و رسولش تکذیب شوند؟! ابن کثیر: ۴/ ۵۰۱.

پرسش: عبارت ﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ﴾ بر یکی از آداب طالب علم دلالت دارد. این ادب چیست؟

۷ ﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ۝٩ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ﴾

پند و اندرز زمانی کامل است که موثر واقع شود؛ پس اگر مورد پذیرش واقع می‌شود آن را انجام بده و اگر باعث نفرت و دوری می‌شود، از آن دست بکش. ابن تیمیه: ۶/ ۵۰۲.

پرسش: چرا تذکر به خشیت ارتباط داده شد؟

سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ ۝١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ۝٢ ٱلنَّجۡمُ ٱلثَّاقِبُ
۝٣ إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ۝٤ فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ۝٥
خُلِقَ مِن مَّآءٖ دَافِقٖ ۝٦ يَخۡرُجُ مِنۢ بَيۡنِ ٱلصُّلۡبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ۝٧ إِنَّهُۥ عَلَىٰ
رَجۡعِهِۦ لَقَادِرٞ ۝٨ يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ ۝٩ فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ
۝١٠ وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجۡعِ ۝١١ وَٱلۡأَرۡضِ ذَاتِ ٱلصَّدۡعِ ۝١٢ إِنَّهُۥ
لَقَوۡلٞ فَصۡلٞ ۝١٣ وَمَا هُوَ بِٱلۡهَزۡلِ ۝١٤ إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدٗا ۝١٥
وَأَكِيدُ كَيۡدٗا ۝١٦ فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا ۝١٧

سُورَةُ الأَعۡلَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ۝١ ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ۝٢ وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ
۝٣ وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ۝٤ فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ۝٥ سَنُقۡرِئُكَ
فَلَا تَنسَىٰٓ ۝٦ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ۝٧ وَنُيَسِّرُكَ
لِلۡيُسۡرَىٰ ۝٨ فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ۝٩ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ۝١٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلثَّاقِبُ	درخشان و شعله‌ور.
دَافِقٖ	به سرعت در رحم ریخته می‌شود.
ٱلصُّلۡبِ	کمر.
وَٱلتَّرَآئِبِ	استخوان‌های سینه.
تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ	امور نهان دل‌ها آشکار می‌شود.
رُوَيۡدَۢا	اندکی.
ٱلۡمَرۡعَىٰ	چراگاهی سرسبز.
غُثَآءً	علفی خشک.
أَحۡوَىٰ	متغیر.

عمل به آیات

۱. از گناهی که انجام داده‌ای و هیچ‌کس از آن آگاه نشده است استغفار کن، ﴿يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ﴾
۲. یکی از سوره‌ها را مرور یا حفظ کن، ﴿سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ﴾
۳. با ارسال پیامی، به تقوای الهی دعوت بده، ﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ﴾

رهنمودها

۱. به یاد داشته باش که از نطفه آفریده شده‌ای تا مغرور نشوی، ﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ﴾
۲. از تدبیر الله و مهلت‌دادن او به افراد رویگردان برحذر باش، ﴿فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا﴾
۳. انسان باید مراقب اعمال قلبی و پنهانی‌اش باشد؛ زیرا الله تعالی همه‌چیز را می‌داند، ﴿إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ﴾

سورتا (الأعلى، الغاشية) الجزء (۳۰) صفحة (۵۹۲)

وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلْأَشْقَى ﴿١١﴾ ٱلَّذِى يَصْلَى ٱلنَّارَ ٱلْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ ٱسْمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾
بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ ﴿١٧﴾ إِنَّ
هَـٰذَا لَفِى ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الغَاشِيَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْغَـٰشِيَةِ ﴿١﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَـٰشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ
نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ ﴿٥﴾ لَّيْسَ
لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِى مِن جُوعٍ ﴿٧﴾ وُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾ لَّا تَسْمَعُ
فِيهَا لَـٰغِيَةً ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾ وَأَكْوَابٌ
مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِىُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ أَفَلَا يَنظُرُونَ
إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى
ٱلْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى ٱلْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾
فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَصْلَى ٱلنَّارَ	وارد آتش جهنم می‌شود و از گرمایش رنج می‌برد.
عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ	مشتاق عمل و رنج در جهنم.
ءَانِيَةٍ	بسیار داغ.
ضَرِيعٍ	گیاهی پلید و خاردار که حیوانات آن را نمی‌خورند.
لَـٰغِيَةً	نه حتی یک سخن لغو و نه حتی یک نفر که بیهوده و هذیان بگوید.
مَّوْضُوعَةٌ	آماده برای نوشندگان.
نَمَارِقُ	بالشت‌هایی.
وَزَرَابِىُّ مَبْثُوثَةٌ	فرش‌هایی فراوان و گسترده.
سُطِحَتْ	گسترانیده شده است.

عمل به آیات

۱. سخنان موذن را تکرار کن، سپس دعای بعد از اذان را بگو و برای ادای نماز جماعت به مسجد برو، ﴿وَذَكَرَ ٱسْمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ﴾

۲. بخشی از زینت دنیا را که دوست داری- هر چند اندک- صدقه بده، ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ﴾

۳. الله را برای دیگران یادآوری کن، ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه آن‌چه را که خودت می‌پسندی با آن‌چه الله می‌پسندد در تعارض بود، محبوب الله را ترجیح بده، ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ﴾

۲. هدف اصلی نماز، برپایی یاد الله است، پس بر ذکر الله کوشا باش، ﴿وَذَكَرَ ٱسْمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ﴾

۳. عمل به تنهایی مهم نیست، بلکه اخلاص و قبول، مهم‌تر است، ﴿عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً﴾

ترجمه آیات

و بدبخت‌ترین [مردم،] از آن دوری می‌گزیند؛ (۱۱) [همان] کسی که در آتش بزرگ [جهنم] درخواهد آمد، (۱۲) و در آن [آتش] نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند. (۱۳) یقیناً کسی که خود را [از کفرو گناه] پاک کند، رستگار خواهد شد؛ (۱۴) و [نیز کسی که] نام پروردگارش را یاد کند و نماز بگزارد. (۱۵) ولی شما [مردم،] زندگی دنیا را [بر آخرت] ترجیح می‌دهید؛ (۱۶) در حالی که آخرت، بهتر و پاینده‌تر است. (۱۷) به راستی این [پندها] در کتاب‌های آسمانی پیشین [نیز] بود؛ (۱۸) کتاب‌های ابراهیم و موسی. (۱۹)

سورهٔ غاشیه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] آیا خبرِ قیامت هولناکِ فراگیر به تو رسیده است؟ (۱) در آن روز، چهره‌هایی خوار و ذلیل خواهند بود. (۲) [در دنیا] پیوسته تلاش کرده [و] خسته شده [و چون در راه حق نبوده، نتیجه‌ای ندیده‌اند]. (۳) در آتش سوزان درمی‌آیند، (۴) از چشمهٔ بسیار داغ به آنها نوشانیده می‌شود. (۵) غذایی جز خارِ خشک و تلخ ندارند (۶) که نه [آنان را] فربه کند و نه گرسنگی را دفع می‌نماید. (۷) در آن روز، چهره‌هایی شاداب و تازه هستند (۸) و از سعی [و تلاش] خود راضیند؛ (۹) در بهشت برین هستند. (۱۰) در آنجا هیچ سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند. (۱۱) در آن، چشمه[های آب] روان است. (۱۲) تخت‌های [زیبای] بلند [پایه] در آن است. (۱۳) و جام‌هایی [که در کنار چشمه‌ها] نهاده شده. (۱۴) و بالشت‌های [منظم] چیده‌شده، (۱۵) و [نیز] فرش‌های گرانبها گسترده شده است. (۱۶) آیا [کافران] به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ (۱۷) و به آسمان [نمی‌نگرند] که چگونه برافراشته شده است؟ (۱۸) و به کوه‌ها [نمی‌نگرند] که چگونه [محکم بر زمین] نصب شده است؟ (۱۹) و به زمین [نمی‌نگرند] که چگونه گسترده شده است؟ (۲۰) [ای پیامبر،] پند بده، که تو فقط پنددهنده‌ای. (۲۱) تو بر آنان مسلط [و چیره] نیستی [که آنان را بر ایمان‌آوردن وادار کنی]. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ ٱسْمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ﴾

فعل ﴿تَزَكَّىٰ﴾ به این دلیل بر ذکر الله و نماز مقدم شد که تزکیه، اصل و اساس تمام اعمال است؛ اگر نفس پاکیزه شود، انوار هدایت در آن می‌تابد و منافع هدایت را می‌شناسد و به آن روی می‌آورد. ابن عاشور: ۳۰/ ۲۸۸.

پرسش: چرا فعل ﴿تَزَكَّىٰ﴾ بر ذکر الله و نماز مقدم شد؟

۲ ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا﴾

منظور از ترجیح‌دادن زندگی دنیا، خشنودی و آرام‌گرفتن به آن و رویگردانی کامل از آخرت است. آلوسی: ۱۵/ ۳۲۲.

پرسش: منظور از ترجیح‌دادن زندگی دنیا چیست؟

۳ ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَـٰشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ﴾

﴿خَـٰشِعَةٌ﴾: ذلیل. به این دلیل صفت ذلیل نیامد که خشوع به سرزنش اشاره دارد و این‌که در زمانی که خشوع سودمند بود خاشع نشده است. همین دلیل در توصیف به عمل در عبارت ﴿عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ﴾ وجود دارد. آلوسی: ۱۵/ ۳۲۵.

پرسش: منظور از این‌که صورت گناهکاران در روز قیامت ﴿خَـٰشِعَة﴾ و ﴿عَامِلَة﴾ است چیست؟

۴ ﴿فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾

توصیف بهشت به ﴿عَالِيَةٍ﴾ به سبب زیبایی زیاد است؛ زیرا زیباترین باغ‌ها در ارتفاعات قرار دارند. ابن عاشور: ۳۰/ ۲۹۹.

پرسش: چرا بهشت به ﴿عَالِيَةٍ﴾ توصیف شد؟

۵ ﴿لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَـٰغِيَةً﴾

ذکر یعنی تحمید و تمجید و تنزیه در بهشت شنیده می‌شود؛ زیرا بهشتیان در آن‌جا امور شگفت و بدیعی مشاهده می‌کنند که باعث گفتن این سخنان می‌شود. به‌علاوه، تمام اسبابی که باعث گفتن سخنان لغو دنیایی و مخالف حکمت هستند از دل‌های‌شان کنده می‌شود. بقاعی: ۲۲/ ۹.

پرسش: به جای سخنان بیهودهٔ دنیا، چه سخنی در بهشت شنیده می‌شود؟

۶ ﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾

﴿سُرُرٌ﴾: جمع سریر به معنای تخت است. تخت‌های بهشتی به این دلیل بلند هستند که مومن وقتی بر روی آن‌ها می‌نشیند تمام نعمت‌ها و ملکی را که الله برایش بخشیده است ببیند. طبری: ۲۴/ ۳۸۷.

پرسش: چرا الله تعالی تخت‌های بهشت را بلند و مرتفع قرار داده است؟

۷ ﴿أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾

به سبب امور شگفتی که در آفرینش شتر وجود دارد الله تعالی به نظر در آن تشویق کرد؛ از جملهٔ این شگفتی‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد: رام‌بودن برای هر انسان ضعیفی با وجود این‌که حیوانی قدرتمند است، صبر در برابر تشنگی، داشتن منافع زیاد شامل سواری و باربری، خوردن گوشتش و نوشیدن شیر آن و... . ابن جزی: ۲/ ۵۶۶.

پرسش: چند مورد از شگفتی‌های آفرینش شتر را بیان کنید.

ترجمه آیات

اما کسی که روی بگرداند و کافر شود (۲۳) الله او را با بزرگ‌ترین عذاب، مجازات می‌کند. (۲۴) همانا بازگشت آنها به سوی ماست. (۲۵) سپس بی‌گمان، حسابشان [نیز] با ماست. (۲۶)

سورهٔ فجر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به سپیده‌دم [صبحگاهان] (۱) و به شب‌های دهگانه [آغاز ذی‌حجه] (۲) و به زوج و فرد [اشیاء] (۳) و سوگند به شب، هنگامی که [حرکت می‌کند و] می‌رود. (۴) آیا در این [چیزها] سوگندی برای صاحب‌خرد نیست [که او را قانع نماید]؟ (۵) [ای پیامبر،] آیا ندیدی که پروردگارت با [قوم] عاد چه کرد؟ (۶) [همان قبیلهٔ] اِرَم که دارای [کاخ‌هایی با] ستونهای بلند بودند (۷) که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود؟ (۸) و [نیز قوم] ثَمود، کسانی که صخره‌های سخت را از [کنار] وادی می‌تراشیدند [و خانه برای خودشان می‌ساختند]؟ (۹) و فرعون، صاحب سپاه [بزرگ و قدرتمند]. (۱۰) [همان] کسانی که در شهرها طغیان [و سرکشی] کردند (۱۱) و فسادِ بسیار در آنها به بار آوردند. (۱۲) آنگاه پروردگارت تازیانهٔ عذاب را بر آنان فرود آورد. (۱۳) یقیناً پروردگار تو در کمینگاه است. (۱۴) و اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی دارد و به او نعمت بخشد، [مغرور می‌گردد و گمان می‌کند که این امر به خاطر کرامتی است که نزد الله دارد]، پس می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است»؛ (۱۵) و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، [دلسرد شده و گمان می‌کند که این امر بدان سبب است که نزد الله، خوار و ذلیل است؛] پس می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است». (۱۶) هرگز چنین نیست [که شما می‌پندارید]؛ بلکه شما یتیم را گرامی نمی‌دارید (۱۷) و یکدیگر را بر اطعام مستمندان ترغیب نمی‌کنید (۱۸) و میراث را حریصانه می‌خورید [و حق ضعیفان را نمی‌دهید] (۱۹) و مال و ثروت [دنیا] را بسیار دوست دارید. (۲۰) هرگز چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ هنگامی که زمین سخت در هم کوبیده شود [و هموار گردد] (۲۱) و پروردگارت [برای دادرسی] بیاید و [نیز] فرشتگان صف‌درصف [بایستند] (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿هَلۡ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ﴾

یعنی: برای صاحب عقل و خرد و دین و شایستگی. عقل به این سبب حِجر نامیده شد که انسان را از انجام افعال و اقوال ناشایست بازمی‌دارد. ابن کثیر: ۴/ ۵۰۸.

پرسش: عقل چه اهمیتی برای مسلمان دارد؟

۲ ﴿وَفِرۡعَوۡنَ ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ﴾

یعنی: کسی که پادشاهی‌اش را مستحکم کرد و پنداشت توسط سربازان و لشکریان و تمام آن‌چه گمان می‌کرد کارش را محکم می‌کند همیشگی است و ید مبسوطی در پادشاهی دارد. بقاعی: ۲۲/ ۳۰.

پرسش: توصیف فرعون به ﴿ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ﴾ و سپس نابودی او، بر چه امری دلالت دارد؟

۳ ﴿فَصَبَّ عَلَيۡهِمۡ رَبُّكَ سَوۡطَ عَذَابٍ﴾

تشبیه ﴿سَوۡطَ﴾ (شلاق) به عذاب به این دلیل است که مقتضی تکرار است اما شمشیر و سایر موارد چنین مفهومی را نمی‌رسانند. این سخن را ابن عطیه گفته است. زمخشری می‌گوید: شلاق به عذاب دنیا اشاره دارد؛ زیرا از عذاب آخرت آسان‌تر است؛ چنان‌که شلاق از قتل آسان‌تر است. ابن جزی: ۲/ ۵۶۹.

پرسش: تشبیه شلاق به عذاب در آیه دو وجه رسا دارد. این دو وجه چیست؟

۴ ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: می‌شنود و می‌بیند، یعنی: در کمین اعمال مخلوقاتش است و هر یک را بر اساس تلاش او در دنیا و آخرت جزا می‌دهد و تمام مخلوقات را حاضر می‌گرداند و با عدالت میان آنان داوری می‌کند و به هر یک جزایی مناسب عملش می‌دهد و ذره‌ای ستم روا نمی‌دارد. ابن کثیر: ۴/ ۵۱۰.

پرسش: ثمرهٔ عملی دانستن این امر که الله تعالی تمام اعمال را رصد می‌کند چیست؟

۵ ﴿فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ﴾

عزت و خواری از دیدگاه انکارکنندهٔ رستاخیز، به کمی و زیادی سهام دنیایی بازمی‌گردد؛ اما کرامت و بزرگی از دیدگاه مومن این است که الله او را با طاعت و توفیقی که منجر به کسب سهم آخرت می‌شود گرامی می‌دارد و اگر در دنیا نیز به او گشایش دهد شکر و سپاس او تعالی را به جای می‌آورد. قرطبی: ۲۲/ ۲۷۶.

پرسش: آیا کرامت بنده نزد الله به رسیدن سهام دنیا منوط است؟

۶ ﴿فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ۝١٥ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ۝١٦ كَلَّا﴾

الله تبارک و تعالی این دیدگاه انسان را که اگر روزی زیادی به او ببخشد او را گرامی داشته است رد می‌کند و می‌فرماید چنین نیست بلکه فراخی روزی، نوعی امتحان و آزمایش است... از سوی دیگر، اگر الله او را با تنگدستی و روزی اندک بیازماید گمان می‌کند که او را خوار داشته است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿كَلَّا﴾ یعنی در هیچ یک از این دو حالت، امر آن‌گونه که انسان گمان می‌کند نیست؛ زیرا در هر دو حالت، فرمانبرداری از الله معیار است؛ یعنی انسان ثروتمند باید شکر نعمت را به جای آورَد و انسان فقیر صبر پیشه کند. ابن کثیر: ۴/ ۵۱۰.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که ثروت و فقر گاهی نعمت و گاهی عذاب هستند.

۷ ﴿وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

یعنی: به سبب بخل بر دنیا و محبت شدید آن که در دل‌ها جای گرفته است، یکدیگر را به طعام‌دادن به مساکین و فقرا تشویق نمی‌کنند. سعدی: ۹۲۴.

پرسش: چه چیزی انسان را از طعام‌دادن به فقرا و مساکین بازمی‌دارد؟

إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ۝٢٣ فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَكۡبَرَ ۝٢٤
إِنَّ إِلَيۡنَآ إِيَابَهُمۡ ۝٢٥ ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا حِسَابَهُم ۝٢٦

سُورَةُ الفَجۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡفَجۡرِ ۝١ وَلَيَالٍ عَشۡرٖ ۝٢ وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ ۝٣ وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَسۡرِ ۝٤
هَلۡ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ ۝٥ أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦
إِرَمَ ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ ۝٧ ٱلَّتِي لَمۡ يُخۡلَقۡ مِثۡلُهَا فِي ٱلۡبِلَٰدِ ۝٨ وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ
جَابُواْ ٱلصَّخۡرَ بِٱلۡوَادِ ۝٩ وَفِرۡعَوۡنَ ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ ۝١٠ ٱلَّذِينَ طَغَوۡاْ فِي
ٱلۡبِلَٰدِ ۝١١ فَأَكۡثَرُواْ فِيهَا ٱلۡفَسَادَ ۝١٢ فَصَبَّ عَلَيۡهِمۡ رَبُّكَ سَوۡطَ
عَذَابٍ ۝١٣ إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ ۝١٤ فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ
رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ۝١٥ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ
فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ۝١٦ كَلَّاۖ بَل لَّا تُكۡرِمُونَ
ٱلۡيَتِيمَ ۝١٧ وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ۝١٨ وَتَأۡكُلُونَ
ٱلتُّرَاثَ أَكۡلٗا لَّمّٗا ۝١٩ وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا ۝٢٠ كَلَّآۖ إِذَا
دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ دَكّٗا دَكّٗا ۝٢١ وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلۡمَلَكُ صَفّٗا صَفّٗا ۝٢٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
إِيَابَهُمۡ	بازگشتگاه آنان پس از مرگ.
لِّذِي حِجۡرٍ	برای عاقلی.
إِرَمَ	قبیلهٔ ارم که به جدشان منسوب بودند.
ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ	دارای قدرت و ساختمان‌های برافراشته بر ستون‌ها.
جَابُواْ	قطع کردند.
ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ	صاحب لشکریانی که از پادشاهی‌اش محافظت کردند.
فَقَدَرَ	محدود گرداند.
وَلَا تَحَٰٓضُّونَ	یکدیگر را تشویق نمی‌کنید.
ٱلتُّرَاثَ	میراث.
جَمّٗا	بیش از حد.

عمل به آیات

۱. نماز وتر را ادا کن، ﴿وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ﴾

۲. یتیمی را با یک هدیه یا سخنی نیکو مورد اکرام و نوازش قرار بده، ﴿بَل لَّا تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ﴾

۳. مالی را که دوست داری صدقه بده، ﴿وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا﴾

رهنمودها

۱. ده روز اول ذوالحجه فضیلت بزرگی دارد، ﴿وَٱلۡفَجۡرِ ۝١ وَلَيَالٍ عَشۡرٖ﴾

۲. رضایت از قضا و قدر الله، صفت مؤمنان است، ﴿وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ﴾

۳. به ایتام و مساکین اکرام کن، ﴿كَلَّاۖ بَل لَّا تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ﴾

وَجِاْيٓءَ يَوۡمَئِذِۭ بِجَهَنَّمَۚ يَوۡمَئِذٖ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ
لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ ۝٢٣ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي ۝٢٤ فَيَوۡمَئِذٖ
لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ ۝٢٥ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ ۝٢٦ يَٰٓأَيَّتُهَا
ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ۝٢٧ ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ ۝٢٨
فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي ۝٢٩ وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي ۝٣٠

سُورَةُ البَلَدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ۝١ وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ۝٢ وَوَالِدٖ وَمَا وَلَدَ
۝٣ لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ ۝٤ أَيَحۡسَبُ أَن لَّن يَقۡدِرَ عَلَيۡهِ
أَحَدٞ ۝٥ يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا ۝٦ أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ
۝٧ أَلَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ۝٨ وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ۝٩ وَهَدَيۡنَٰهُ
ٱلنَّجۡدَيۡنِ ۝١٠ فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ۝١١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ۝١٢
فَكُّ رَقَبَةٍ ۝١٣ أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ۝١٤ يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ
۝١٥ أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ۝١٦ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ
بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ۝١٧ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ۝١٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ	تذکر و یادآوری فایده‌ای به او نمی‌رساند؛ چون زمانش گذشته است.
وَلَا يُوثِقُ	با غل و زنجیرها نمی‌بندد.
وَثَاقَهُۥٓ	مانند بستن او.
لَآ أُقۡسِمُ	سوگند یاد می‌کنم. (لا) برای تاکید قسم است.
كَبَدٍ	رنجی و سختی‌های دنیا.
لُّبَدًا	فراوان.
ٱلۡعَقَبَةَ	سختی آخرت؛ با انفاق مال و عمل صالح.
مَسۡغَبَةٖ	گرسنگی شدید.
ذَا مَتۡرَبَةٖ	تهی‌دستی که هیچ‌چیز ندارد.

عمل به آیات

۱. بگو: «رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا رَسُولاً» [با الفاظی مشابه در صحیح مسلم: ۳۸۶] «خوشنود شدم که الله پروردگارم، اسلام دینم و محمد ﷺ پیامبرم باشد»، ﴿يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ۝٢٧ ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ﴾

۲. عاقبت به‌خیری را از الله بخواه، ﴿يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ۝٢٧ ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ﴾

۳. دیگران را به صبر بر طاعت الله یا صبر در برابر ترک معصیت الله یا صبر بر قضا و قدر الله و مهربانی به مردم سفارش کن، ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی در نهان و آشکار مراقب اعمال انسان است، ﴿أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ﴾

۲. مکه فضیلت و ویژگی‌هایی دارد که الله به آن بخشیده است، ﴿لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ﴾

۳. بنده باید در این دنیا با نفسش جهاد کند، ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ﴾

ترجمه آیات

و در آن روز جهنم آورده شود، آن روز است که انسان [کافر] پند می‌گیرد [و توبه می‌کند]؛ و [اما] این پند گرفتن، چه سودی برایش دارد؟ (۲۳) وی می‌گوید: «ای کاش [در دنیا] برای [این] زندگی‌ام [اعمال نیک، از] پیش فرستاده بودم! (۲۴) در آن روز، هیچ کس همانند عذاب او [= الله] عذاب نمی‌کند، (۲۵) و هیچ کس همچون بند کشیدن او [= الله]، کسی را به بند نمی‌کشد. (۲۶) [اما به مؤمن ندا می‌شود:] «ای روحِ آرام‌یافته، (۲۷) به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو [از پاداشِ الله] راضی هستی، و او از [اعمال] تو راضی است. (۲۸) پس در زمرهٔ بندگان [خاصّ] من در آی (۲۹) و به بهشت من وارد شو». (۳۰)

سورهٔ بلد

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به این شهر [مکه]. (۱) در حالی که [ای پیامبر!] تو در این شهر ساکنی [و جنگ در این شهر برایت حلال است] (۲) و سوگند به پدر [= آدم] و فرزندانش. (۳) یقیناً ما انسان را در رنج [و دشواری‌های دنیوی] آفریدیم. (۴) آیا او گمان می‌کند هیچ کس بر [مجازاتِ] وی توانا نیست؟ (۵) می‌گوید: «[به خاطر انفاق،] مال زیادی را تباه کرده‌ام». (۶) آیا می‌پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟ (۷) آیا دو چشم برایش قرار ندادیم؟ (۸) و یک زبان و دو لب؟ (۹) و او را به دو راه [خیر و شر] راهنمایی کردیم. (۱۰) اما به گردنهٔ [سخت] قدم نگذاشت [و نیامد]. (۱۱) و تو چه می‌دانی که آن گردنهٔ [سخت] چیست؟ (۱۲) آزاد کردن برده‌ای است. (۱۳) یا اطعام در روز قحطی [و گرسنگی]، (۱۴) [خواه] یتیمی از خویشاوندان [باشد] (۱۵) یا مستمندی خاک نشین؛ (۱۶) به علاوه، از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر [بر عبادت و دوری از گناه] و مهربانی [با بندگان] توصیه نموده‌اند. (۱۷) اینان اهل سعادتند [که نامهٔ اعمال آنان به دست راستشان داده می‌شود و اهل بهشتند]. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي﴾

یعنی: اگر گناهکار باشد از تمام گناهانی که مرتکب شده، پشیمان است و اگر فرمانبردار باشد آرزو می‌کند که کاش طاعات بیشتری انجام می‌داد. ابن کثیر: ۴/ ۵۱۱.

پرسش: آیا در روز قیامت فقط گناهکار پشیمان است؟ توضیح دهید.

۲ ﴿يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ۝٢٧ ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ﴾

یعنی نفسی که به سبب یقین کاملی که دارد آرام گرفته است؛ به‌گونه‌ای که هیچ شکی در ایمانش وجود ندارد. بنابر قولی: نفس آرامی که در آن هنگام نمی‌ترسد. ابن جزی: ۲/ ۵۷۲.

پرسش: نفس بر اثر کدام صفت، استحقاق خشنودی را پیدا می‌کند؟

۳ ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ﴾

سختی‌ها و دشواری‌های دنیا و برزخ و روزی که گواهان به پا می‌خیزند منظور است که باعث رنج و عذاب انسان هستند و این‌که باید عملی انجام دهد که او را از این سختی‌ها می‌رهاند و باعث شادی و سرور همیشگی او می‌شود، اما اگر از انجام این عمل سر باز زند برای همیشه در رنج و عذاب سخت خواهد بود. سعدی: ۹۲۵.

پرسش: آیا انسان فقط در زندگی دنیا رنج و سختی تحمل می‌کند؟ چگونه می‌تواند خودش را از این رنج نجات دهد؟

۴ ﴿يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا﴾

الله تعالی انفاق در شهوات و گناهان را به این سبب نابودی نامید که انفاق‌کننده هیچ فایده‌ای از آن نمی‌برد و فقط پشیمانی و زیان و رنج و کاستی نصیبش می‌شود. سعدی: ۹۲۵.

پرسش: چرا به جای فعل ﴿أَنۡفَقۡتُ﴾ فعل ﴿أَهۡلَكۡتُ﴾ بیان شد؟

۵ ﴿أَلَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ۝٨ وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ۝٩ وَهَدَيۡنَٰهُ ٱلنَّجۡدَيۡنِ﴾

این نعمت‌های بزرگ می‌طلبد که بنده حقوق الله را ادا کند و شکر او تعالی را در قبال نعمت‌هایش به جای آورد و آن‌ها را در ارتکاب گناهان به کار نگیرد. سعدی: ۹۲۵.

پرسش: حال که می‌دانی الله همان ذاتی است که چشم و زبان و لب برایت آفریده و هموست که راه خیر را از راه شر مشخص کرده است، چه موضعی باید در قبال این نعمت‌ها اتخاذ کنی؟

۶ ﴿فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ۝١١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ﴾

﴿ٱلۡعَقَبَةَ﴾ عبارت از اعمال صالحی است که در ادامه بیان می‌شود. عقبه استعاره از کوهان شتر است؛ زیرا صعود از آن بر نفس سخت و دشوار است. ابن جزی: ۲/ ۵۷۴.

پرسش: چه رازی در تعبیر اعمال صالح به ﴿ٱلۡعَقَبَةُ﴾ وجود دارد؟

۷ ﴿يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ﴾

﴿ذَا مَقۡرَبَةٍ﴾ یعنی: خویشاوند. طعام‌دادن به یتیم خویشاوند بافضیلت‌تر و بهتر از طعام‌دادن به سایر یتیمان است و بر اساس حدیث: صدقه به خویشاوند هم صدقه به شمار می‌رود و هم صلهٔ رحم، اما صدقه به بیگانه، فقط صدقه است. شنقیطی: ۸/ ۵۳۳.

پرسش: چرا یتیم خویشاوند به طعام‌دادن اختصاص یافت؟

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيۡهِمۡ نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ ﴿٢٠﴾

سُورَةُ الشَّمۡسِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلشَّمۡسِ وَضُحَىٰهَا ﴿١﴾ وَٱلۡقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا ﴿٢﴾ وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا
﴿٣﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰهَا ﴿٤﴾ وَٱلسَّمَآءِ وَمَا بَنَىٰهَا ﴿٥﴾ وَٱلۡأَرۡضِ
وَمَا طَحَىٰهَا ﴿٦﴾ وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا ﴿٧﴾ فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا
وَتَقۡوَىٰهَا ﴿٨﴾ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ﴿٩﴾ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا
﴿١٠﴾ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِطَغۡوَىٰهَآ ﴿١١﴾ إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشۡقَىٰهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمۡ
رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمۡدَمَ
عَلَيۡهِمۡ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقۡبَٰهَا ﴿١٥﴾

سُورَةُ اللَّيۡلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ ﴿١﴾ وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ﴿٣﴾
إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٦﴾
فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُّؤۡصَدَةُۢ	سر بسته.
طَحَىٰهَا	آن را گسترانید.
دَسَّىٰهَا	نفسش را پنهان کرد و آن را با گناهان معیوب گردانید.
فَعَقَرُوهَا	آن را کشتند.
فَدَمۡدَمَ	عذاب بر آنان واقع شد.
تَجَلَّىٰ	روشنایی‌اش را آشکار کند.
لَشَتَّىٰ	قطعاً مختلف است.

عمل به آیات

۱. دو رکعت نماز ضحی را ادا کن، ﴿وَٱلشَّمۡسِ وَضُحَىٰهَا﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا» [صحیح مسلم: ۲۷۲۲] «یا الله! به نفس من تقوایش را عطا کن و آن را تزکیه فرما که تو بهترین تزکیه‌کنندگانی، تو کارساز و مالکش هستی»، ﴿فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا ﴿٨﴾ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي، وَقِنِي شَرَّ نَفْسِي» «یا الله! هدایتم را بر من الهام کن و مرا از شر نفسم نجات بده»، ﴿فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا﴾

رهنمودها

۱. الله کیفر بسیار سختی برای کافران ستیزه‌جو دارد، ﴿فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا﴾

۲. نفس را باید تزکیه و تربیت کرد، ﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا ﴿٧﴾ فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا ﴿٨﴾ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا﴾

۳. یکی از اسباب آسان‌سازی امور: بخشش در راه الله همراه با تقوای الهی است، ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ﴾

ترجمه آیات

اما کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان اهل شقاوتند [که نامهٔ اعمال به دست چپشان داده می‌شود و به دوزخ می‌روند]. (۱۹) [از هر سو] آتش سرپوشیده‌ای بر آنان است [که راه فرار ندارند]. (۲۰)

سورهٔ شمس

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به خورشید و روشنیِ آن [به هنگام بامداد]، (۱) و سوگند به ماه، هنگامی که بعد از آن [= خورشید] درآید، (۲) و سوگند به روز، هنگامی که آن [= خورشید] را روشن [و جلوه‌گر] کند، (۳) و سوگند به شب، هنگامی که آن را بپوشانَد، (۴) و سوگند به آسمان و به ذاتی که آن را بنا کرد، (۵) و سوگند به زمین و به ذاتی که آن را گسترانید، (۶) و سوگند به جانِ [انسان] و ذاتی که آن را [آفرید و] نیکو گردانید، (۷) سپس نافرمانی و پرهیزگاری‌اش را [به او] الهام کرد. (۸) بی‌تردید، هر کس نفس خود را [از گناهان] پاک کند، رستگار می‌شود. (۹) و هر کس آن را [با گناه] آلوده سازد، یقیناً زیانکار می‌شود. (۱۰) [قوم] ثمود از روی سرکشی، [پیامبرشان را] تکذیب کردند، (۱۱) آنگاه که بدکارترین آنان [برای اقدام به جنایت] برخاست. (۱۲) پیامبر الله [= صالح] به آنان گفت: «ماده‌شترِ الله و [نوبت] آب‌خوردنش را [حرمت نهید]». (۱۳) [ولی آنان] او را تکذیب کردند و آن [ماده‌شتر] را کشتند؛ پس پروردگار آنان به سبب گناهانشان بر سرشان عذاب آورد و همگی آنان را با خاک یکسان کرد. (۱۴) و [الله] از سرانجام آن [کار،] بیم ندارد. (۱۵)

سورهٔ لیل

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به شب، هنگامی که [همه چیز را] بپوشانَد، (۱) و سوگند به روز، هنگامی که آشکار شود، (۲) و سوگند به ذاتی که نر و ماده را آفرید، (۳) که یقیناً سعی [و تلاش] شما مختلف [و نیک و بد] است. (۴) و اما کسی که [در راه الله] ببخشد و پرهیزگاری نماید (۵) و [وعدهٔ الله و سخنان] نیک را تصدیق کند، (۶) به زودی انجام [کار خیر و] آسانی [= اعمال نیکو و انفاق در راه الله] را برایش آسان می‌کنیم. (۷) و اما کسی‌که بخل ورزد و بی‌نیازی بجوید، (۸) و [وعدهٔ الله و سخنانِ] نیک را تکذیب کند، (۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا﴾

نفس، یکی از نشانه‌های بزرگ به شمار می‌رود و سزاوار است که به آن سوگند یاد شود؛ زیرا بی‌نهایت لطیف و سریع و متغیر و دربردارندهٔ انفعالات درونی مانند قصد و اراده و حبّ و بغض است. اگر نفس وجود نداشت، بدن انسان، فقط مجسمه‌ای بدون فایده بود. آفرینش نیکوی نفس به این نحو، یکی از نشانه‌های بزرگ الله است. سعدی: ۹۲۶.

پرسش: الله تعالی به مخلوقات بزرگش سوگند یاد می‌کند، نفس از چه نظر بزرگ است؟

۲ ﴿فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا﴾

از محمد بن کعب روایت شده که گفت: هر گاه الله خیری برای بنده‌اش اراده کند آن را بر او الهام می‌کند و بنده بدان عمل می‌کند، و هر گاه شر را برایش بخواهد شر را بر او الهام می‌کند و او بدان عمل می‌کند. قرطبی: ۲۲/ ۳۱۲.

پرسش: نشانهٔ ارادهٔ خیر یا بد از سوی الله برای بنده چیست؟

۳ ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ﴿٩﴾ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا﴾

یعنی هر کس که در علم و عمل، نفسش را با تقوا پرورش داد و بالا برد، به تمام امور مطلوب دست یافت و از تمام امور ناگوار نجات پیدا کرد، و هر کس با جهل و فسوق، نفسش را پایین آورد و خوار کرد، زیان دید. آلوسی: ۱۵/ ۳۶۱.

پرسش: نفس انسان چگونه رستگار می‌شود؟

۴ ﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا﴾

ستمکارترین آن‌ها شتر را کشت، اما به این سبب به همگی نسبت داده شد که بر این کار راضی شدند. قرطبی: ۲۲/ ۴۱۲.

پرسش: چرا کشتن شتر با این‌که توسط یکی از آن‌ها انجام شد به همگی نسبت داده شد؟

۵ ﴿وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ﴾

به مخلوقات نر و ماده‌ای که آفرید سوگند یاد کرد. کمال حکمت الله در این امر آن است که از هر صنفی از حیوانات که بقایش را خواست، یک نر و ماده آفرید تا نوع آن باقی بماند و منقرض نشود، و هر یک از این دو نوع نر و ماده توسط زنجیر شهوت به سوی دیگری کشیده می‌شود و هر یک را مناسب دیگری آفریده است. سعدی: ۹۲۷.

پرسش: حکمت الله سبحانه و تعالی در این‌که مخلوقات را دو نوع نر و ماده قرار داد چیست؟

۶ ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ﴾

یعنی او را برای راه آسان که انجام خوبی‌ها و ترک بدی‌هاست آماده می‌کنیم. ضد این امر، آماده‌کردن انسان برای سختی است. از جمله این سخن رسول الله ﷺ که می‌فرماید: «اعْمَلُوا فَكُلٌّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ» [صحیح بخاری: ۴۹۴۹] یعنی الله او را به آن‌چه برایش مقدر کرده است آماده می‌کند و انجام خوبی‌ها یا بدی‌ها را برایش آسان می‌گرداند. ابن جزی: ۲/ ۵۸۹.

پرسش: این سخن پیامبر ﷺ را که فرمود: «اعْمَلُوا فَكُلٌّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ» بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ﴾

یکی از علمای سلف گفته است: یکی از پاداش‌های نیکی، کار نیک دیگری است که پس از آن انجام می‌شود، و یکی از جزاهای بدی: عمل بدی است که پس از آن انجام می‌شود. ابن کثیر: ۴/ ۵۲۰.

پرسش: بند قبلی را بر اساس آیات مذکور توضیح دهید.

فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيۡنَا
لَلۡهُدَىٰ ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلۡأٓخِرَةَ وَٱلۡأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَنذَرۡتُكُمۡ نَارٗا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾
لَا يَصۡلَىٰهَآ إِلَّا ٱلۡأَشۡقَى ﴿١٥﴾ ٱلَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا
ٱلۡأَتۡقَى ﴿١٧﴾ ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ
تُجۡزَىٰٓ ﴿١٩﴾ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوۡفَ يَرۡضَىٰ ﴿٢١﴾

سُورَةُ الضُّحَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾
وَلَلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لَّكَ مِنَ ٱلۡأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوۡفَ يُعۡطِيكَ رَبُّكَ
فَتَرۡضَىٰٓ ﴿٥﴾ أَلَمۡ يَجِدۡكَ يَتِيمٗا فَـَٔاوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلّٗا فَهَدَىٰ
﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلٗا فَأَغۡنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ﴿٩﴾
وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ﴿١١﴾

سُورَةُ الشَّرۡحِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ﴿٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لِلۡعُسۡرَىٰ	برای هر سختی و شقاوتی.
وَمَا يُغۡنِي	سودی به او نمی‌رساند.
تَرَدَّىٰٓ	در آتش جهنم افتاد.
إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ	بر عهدهٔ ما است که راه هدایت را به فضل و رحمت خویش آشکار کنیم.
تَلَظَّىٰ	شعله‌ور می‌شود.
لَا يَصۡلَىٰهَآ	وارد آن نمی‌شود و از گرمایش رنج نمی‌برد.
وَسَيُجَنَّبُهَا	از آن دور نگاه داشته خواهد شد.
سَجَىٰ	هستی را با تاریکی‌اش بپوشاند و آرام گیرد.
وَمَا قَلَىٰ	وقتی که فرستادن وحی را بر تو به تأخیر انداخت بر تو خشم نگرفته بود.
فَـَٔاوَىٰ	به تو پناه داد و توجه کرد.
عَآئِلٗا	فقیر.

عمل به آیات

۱. بخشی هر چند اندک از مالت را صدقه بده، ﴿ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ﴾
۲. دو رکعت نماز ضحی را ادا کن، ﴿وَٱلضُّحَىٰ﴾
۳. به یک یتیم اکرام کن، ﴿فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ﴿٩﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ﴾

رهنمودها

۱. بر تزکیهٔ نفست کوشا باش، ﴿ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ﴾
۲. مال فراوان، تکذیب‌کننده را از عذاب نجات نمی‌دهد، ﴿وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ﴾
۳. منتظر پاداش الله باش نه تحسین و تمجید مردم، ﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ ﴿١٩﴾ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ﴾

ترجمه آیات

به زودی انجام دشواری [= اعمال شر و پلید] را برایش آسان می‌سازیم [و انجام کار خیر را بر او سخت می‌گردانیم]؛ (۱۰) و در هنگام [مرگ و] ورود به دوزخ، دارایی او سودی به حالش نخواهد داشت. (۱۱) مسلماً هدایت [بندگان] بر [عهدهٔ] ماست. (۱۲) و محققاً آخرت و دنیا [نیز] از آنِ ماست. (۱۳) من شما را از آتشی شعله‌ور بیم دادم (۱۴) که جز بدبخت‌ترین [مردم] در آن نیفتد؛ (۱۵) [همان] کسی که [آیات ما را] تکذیب کرد و روی گرداند (۱۶) و به زودی پرهیزگارترین [مردم] از آن دور نگه داشته می‌شود. (۱۷) [همان] کسی‌که مال خود را [در راه الله] می‌بخشد تا [از گناه] پاک شود. (۱۸) و هیچ کس را به قصد پاداش‌یافتن نعمت نمی‌بخشد؛ (۱۹) مگر [برای] کسبِ رضا [و خشنودی] پروردگار برترش. (۲۰) و به راستی که [با پاداشِ الله] راضی خواهد شد. (۲۱)

سورهٔ ضحی

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به آغاز روز، (۱) و سوگند به شب، هنگامی که آرام گیرد (۲) [که] پروردگارت تو را وانگذاشته و [بر تو] خشم نگرفته است. (۳) و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است. (۴) و به زودی پروردگارت به تو [و امت تو آنقدر] عطا خواهد کرد که راضی گردی. (۵) آیا تو را یتیم نیافت، و پناه داد؟ (۶) و تو را [راه‌نایافته و] سرگشته یافت، و هدایت کرد. (۷) و تو را فقیر یافت، و بی‌نیاز نمود. (۸) پس [تو نیز] یتیم را میازار، (۹) و [مستمندِ] نیازخواه را مران [و با او خشونت مکن]، (۱۰) و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن [و سپاس گزار]. (۱۱)

سورهٔ شرح

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] آیا ما سینه‌ات را [برای نزول وحی] برایت نگشودیم؟ (۱) و سنگینی [بارِ گناه و دشواریِ رسالت] را از [دوشِ] تو برنداشتیم؟ (۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ﴾

آیه اشاره دارد به این‌که انسان پرهیزگار نباید زیر بار منت مردم قرار داشته باشد و اگر چیزی از دیگران بر عهدهٔ او بود به سرعت آن را جبران کند تا هیچ‌کس حقی بر عهدهٔ او نداشته باشد و تمام اعمالش فقط برای الله تعالی انجام گیرد. ابن قیم: ۳/ ۳۲۶.

پرسش: انسان متقی در برابر احسان دیگران چه موضعی اتخاد می‌کند؟ چرا؟

۲ ﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ ﴿١٩﴾ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوۡفَ يَرۡضَىٰ﴾

یعنی: کار نیک را به قصد پاداش نعمتی که قبلاً کسی به او بخشیده است انجام نمی‌دهد، بلکه اعمال صالح را فقط برای خشنودی الله انجام می‌دهد. ابن جزی: ۲/ ۵۸۰.

پرسش: الله تعالی خشنودی خویش از انفاق‌کننده را بر چه امری مشروط کرده است؟

۳ ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لَّكَ مِنَ ٱلۡأُولَىٰ﴾

در حالی که آخرت برای تو از دنیا بهتر است و تو آن را بر دنیا ترجیح می‌دهی، و پروردگارت نیز تو را رها نمی‌کند. مومنان را به آن‌چه سبب نزدیکی بنده به پروردگارش است راهنمایی می‌کند و مشرکان را به سبب این‌که به دنیا دل بسته‌اند و از آخرت رویگردان هستند مورد سرزنش قرار می‌دهند. آلوسی: ۱۵/ ۳۷۹.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که بندگان مقرّب چه صفتی دارند؟

۴ ﴿وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ﴾

هم سؤال‌کنندهٔ مال و هم سؤال‌کنندهٔ علم مصداق آیه است؛ بنابراین معلم مامور است اخلاق نیکویی با شاگرد داشته باشد و به او اکرام و مهربانی کند؛ زیرا این کار باعث می‌شود که شاگرد بهتر به هدفش برسد و برای کسب منافع بندگان و سرزمین‌ها بیشتر تلاش کند. سعدی: ۹۲۸.

پرسش: آیا راندن سوال‌کننده که در آیه مورد نهی قرار گرفته است فقط سوال‌کنندهٔ مال را شامل می‌شود؟ توضیح دهید.

۵ ﴿وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ﴾

سخن‌گفتن از نعمت الله، سبب سپاس‌گزاری نعمت و موجب محبت دل‌ها به ذات بخشندهٔ نعمت‌هاست؛ زیرا دل‌ها طبیعتاً نیکوکار و بخشنده را دوست دارند. سعدی: ۹۲۹.

پرسش: سخن‌گفتن از نعمت الله، چگونه سبب افزایش ایمان است؟

۶ ﴿وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ﴾

بازگو کردن نعمت، سپاس‌گزاری از آن به شمار می‌رود و به همین منظور برخی از علمای سلف، بازگو کردن اعمال خیری را که انسان انجام می‌دهد در صورتی که نیت ریا و افتخار وجود نداشته باشد و بداند که دیگران به او اقتدا می‌کنند، مستحب دانسته‌اند. آلوسی: ۱۵/ ۳۸۳.

پرسش: چرا به سخن گفتن از نعمت‌های الله دستور داده شد؟

۷ ﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ﴾

سینه به این منظور به صورت خاص بیان شد که محل علوم و ادراکات نفسی است. هدف این است که گشودن و گسترانیدن سینهٔ رسول الله ﷺ به او یادآوری شود تا دعوت را برپا دارد و بتواند سختی‌های نبوت و حفظ وحی را تحمل کند. شوکانی: ۵/ ۴۶۱.

پرسش: در آیه چرا فقط سینه ذکر شد؟ و منظور از آن چیست؟

ترجمه آیات

همان [باری] که بر پشتت سنگینی می‌کرد. (۳) و [نام و] آوازهٔ تو را بلند ساختیم. (۴) مسلماً با [هر] دشواری، آسانی است. (۵) [آری؛] مسلماً با [هر] دشواری، آسانی است. (۶) پس هنگامی که [از کار و امور دنیا] فارغ شدی، [به عبادت پروردگارت] بکوش (۷) و به سوی پروردگارت راغب [و مشتاق] شو. (۸)

سورهٔ تین

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به انجیر و زیتون (۱) و سوگند به طورِ سینا (۲) و سوگند به این شهر امن [مکه] (۳) [که] یقیناً ما انسان را در بهترین صورت [و با فطرت پاک] آفریدیم. (۴) سپس او را [که انحراف یافت،] به پست‌ترین [مراحلِ] پَستی برگرداندیم. (۵) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که پاداشی پایدار برایشان [در پیش] است. (۶) پس [ای انسان،] چه چیزی بعد [از این همه دلایل روشن،] تو را به تکذیب [روز] جزا وا می‌دارد؟ (۷) آیا الله بهترین داور [و حاکم مطلق] نیست؟ (۸)

سورهٔ علق

به نام الله بخشندهٔ مهربان

بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید؛ (۱) [همان پروردگاری که] انسان را از خونِ بسته آفرید. (۲) بخوان و پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است. (۳) [همان] ذاتی که به وسیلهٔ قلم [نوشتن] آموخت. (۴) به انسان آنچه را که نمی‌دانست [به تدریج] آموخت. (۵) چنین نیست [که شما می‌پندارید]؛ حقا که انسان طغیان [و سرکشی] می‌کند (۶) [بعد] از اینکه خود را بی‌نیاز [و توانگر] ببیند. (۷) یقیناً بازگشت [همه] به سوی پروردگار توست. (۸) [ای پیامبر،] آیا دیده‌ای آن کسی [= ابوجهل] را که [از عبادت الله] باز می‌دارد (۹) بنده‌ای [= محمد] را هنگامی که [کنار کعبه] نماز می‌خواند. (۱۰) به من خبر بده اگر این [بنده بازداشته‌شده] بر [راه] هدایت باشد (۱۱) یا [مردم را] به پرهیزگاری فرمان دهد، [سزای کسی که چنین بنده‌ای را بیازارد چیست؟] (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا۝٥ إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا﴾

﴿ٱلۡعُسۡرِ﴾ (سختی) هر چند دو بار تکرار شد، اما به صورت معرفه آمد و واحد است، و ﴿يُسۡرًا﴾ (آسانی) با لفظ نکره بیان شد و دو یسر به شمار می‌رود؛ بنابراین سختی میان دو آسانی احاطه شده است که یکی قبل از آن وجود دارد و دیگری بعد از آن؛ و هرگز یک سختی بر دو آسانی چیره نمی‌شود. ابن قیم: ۳/ ۳۳۳.

پرسش: با توجه به دو آیهٔ فوق توضیح دهید که «یسر گسترده‌تر از عسر است».

۲ ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ﴾

اعتدال و برابری و کمال آفرینش انسان منظور است... ابوبکر بن طاهر می‌گوید: «[انسان] با عقل مزیّن است، اختیار او به دست خودش است، خوب و بد را از هم تشخیص می‌دهد، قد و قامتی کشیده دارد و غذایش را با دست می‌خورد»... انسان از نظر ظاهری و باطنی بهترین مخلوق الله است: ظاهر و قیافه‌ای زیبا، ترکیب بدیع اعضای واقع در سر و صورت، سینه و اندام‌های درونش، شکم و امعاء و احشائش، اندام تناسلی و سیستم پیچیده درونش، دست‌ها و توانِ گرفتن‌شان، پاها و تواناییِ حمل‌شان. قرطبی: ۲۲/ ۳۶۸- ۳۷۰.

پرسش: چرا آفرینش نیکوی انسان بیان شد؟ و مظاهر این آفرینش نیکو در انسان چیست؟

۳ ﴿ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ﴾

سیاق به حال کافر در روز قیامت اشاره دارد و این‌که در زشت‌ترین و ناپسندترین صورت قرار دارد؛ به سزای این‌که شکر نعمت زیباترین صورت را به جای نیاورد. آلوسی: ۳۰/ ۱۷۶.

پرسش: منظور از این‌که انسان به پست‌ترین مرحله رسانده می‌شود چیست؟

۴ ﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ﴾

یعنی: آیا الله بهترین داور که به هیچ‌کس جور و ستم نمی‌کند نیست؟! یکی از مظاهر عدالتش این است که قیامت را برپا می‌دارد و داد مظلوم در دنیا را از ستمکارش می‌ستاند. ابن کثیر: ۴/ ۵۲۹.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر رستاخیز و جزا را توضیح دهید.

۵ ﴿ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ﴾

از میان آموزش‌ها، نوشتن با قلم بدین سبب اختصاص یافت که سبب ماندگاری علوم و مصالح دین و دنیاست. ابن جزی: ۲/ ۵۹۰.

پرسش: چه رازی در تخصیص آموزش با قلم وجود دارد؟

۶ ﴿ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ۝٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾

یکی از مظاهر کرم الله تعالی این است که آن‌چه را انسان نمی‌دانست به او آموخت و او را با علم، گرامی و بزرگ داشت. الله با این امتیاز آدم عليه السلام را بر فرشتگان برتری داد. ابن کثیر: ۴/ ۵۳۰.

پرسش: امتیاز آدم عليه السلام و فرزندانش بر سایر مخلوقات چیست؟

۷ ﴿كَلَّآ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَيَطۡغَىٰٓ۝٦ أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ۝٧ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ﴾

الله تعالی در مورد انسان خبر می‌دهد که هر گاه خودش را بی‌نیاز ببیند و مالش فراوان شود شاد و سرمست و ناسپاس و سرکش می‌گردد. سپس به تهدید و پند و اندرزش پرداخت و فرمود: ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ﴾ یعنی: بازگشت به سوی الله است و تو را در قبال مالت مورد محاسبه قرار خواهد داد که آن را از کجا به دست آوردی و در چه راهی مصرف کردی. ابن کثیر: ۴/ ۵۳۱.

پرسش: انسان در حال ثروتمندی چه تکلیفی دارد؟

سور (الشرح، التين، العلق) الجزء (۳۰) صفحة (۵۹۷)

ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ٣ وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ٤ فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٥
إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٦ فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨

سُورَةُ التِّينِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ١ وَطُورِ سِينِينَ ٢ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ ٣
لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤ ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ
٥ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٦
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعۡدُ بِٱلدِّينِ ٧ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨

سُورَةُ العَلَقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ٢ ٱقۡرَأۡ
وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ
مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ٥ كَلَّآ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَيَطۡغَىٰٓ ٦ أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ
٧ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ ٨ أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يَنۡهَىٰ ٩ عَبۡدًا
إِذَا صَلَّىٰٓ ١٠ أَرَءَيۡتَ إِن كَانَ عَلَى ٱلۡهُدَىٰٓ ١١ أَوۡ أَمَرَ بِٱلتَّقۡوَىٰٓ ١٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَنقَضَ	سنگینی می‌کرد.
فَرَغۡتَ	از امور دنیا.
فَٱنصَبۡ	در عبادت بکوش.
فَٱرۡغَب	روی آور و بخواه و تضرع و زاری کن.
وَطُورِ سِينِينَ	کوه طور سیناء که الله بر روی آن با موسی عليه السلام سخن گفت.
وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ	مکه.
تَقۡوِيمٖ	صورت.
غَيۡرُ مَمۡنُونٖ	هرگز قطع و کم نمی‌شود.
عَلَقٍ	یک پاره خون غلیظ.
ٱلرُّجۡعَىٰٓ	رجوع و بازگشت.

عمل به آیات

۱. یکی از اوقات فراغت را به عبادت بگذران، ﴿فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ۝٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب﴾

۲. دو صفحه از کتب علم شرعی بخوان، ﴿عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾

۳. از الله بخواه علم نافع به تو بیاموزاند و بر دانشت بیفزاید، ﴿عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾

رهنمودها

۱. ایمان و عمل صالح، سبب حفظ ارجمندی بنده نزد الله است، ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ﴾

۲. در برابر احکام دین تسلیم و فرمانبردار باش، ﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ﴾

۳. قرائت قرآن، اهمیت زیادی در زندگی مسلمان دارد، ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ﴾

سور (العلق، القدر، البينة) الجزء (۳۰) صفحة (۵۹۸)

أَرَءَيۡتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ١٣ أَلَمۡ يَعۡلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ ١٤ كَلَّا لَئِن لَّمۡ يَنتَهِ
لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ١٥ نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٖ ١٦ فَلۡيَدۡعُ نَادِيَهُۥ ١٧
سَنَدۡعُ ٱلزَّبَانِيَةَ ١٨ كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡۤ وَٱقۡتَرِب۩ ١٩

سُورَةُ القَدۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢
لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا
بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤ سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥

سُورَةُ البَيِّنَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ
تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ١ رَسُولٞ مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ ٢ فِيهَا كُتُبٞ
قَيِّمَةٞ ٣ وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ
ٱلۡبَيِّنَةُ ٤ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ
حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَنَسۡفَعَۢا	او را به زور خواهیم گرفت و در جهنم خواهیم افکند.
نَادِيَهُۥ	همنشینان او شامل قوم و قبیله‌اش.
ٱلزَّبَانِيَةَ	فرشتگان عذاب.
مُنفَكِّينَ	ترک‌کنندگان کفرشان.
كُتُبٞ قَيِّمَةٞ	اخباری راست و دستوراتی عادلانه.

عمل به آیات

۱. بگو: «یا الله! مرا به نیکی و تقوا راهنمایی کن»، ﴿كَلَّا لَئِن لَّمۡ يَنتَهِ لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ١٥ نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٖ﴾

۲. با سجدهٔ شکر یا تلاوت یا سجدهٔ نماز، به سوی الله نزدیکی بجوی، ﴿كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡۤ وَٱقۡتَرِب۩﴾

۳. اهمیت اخلاص در عبادت را به دیگران بیان کن، ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾

رهنمودها

۱. شب قدر برکات و فضیلت بزرگی دارد، ﴿لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤ سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ﴾

۲. بر اجتماع بر کتاب الله و سنت رسولش و دوری از پراکندگی کوشا باش، ﴿وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ﴾

۳. برترین اعمال پس از توحید عبارت است از: نماز که حق الله است و زکات که حق مردم است، ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾

ترجمه آیات

به من خبر بده اگر این [شخص سرکش، حق را] تکذیب کند و رویگردان شود [آیا سزاوار عذاب نیست؟]. (۱۳) آیا نمی‌داند که بی‌تردید، الله [همه اعمالش را] می‌بیند؟ (۱۴) چنین نیست [که او گمان می‌کند]؛ اگر باز نیاید [و دست از شرارت برندارد،] قطعاً موی پیشانی [او] را به شدّت خواهیم گرفت [و به سوی دوزخ خواهیم کشاند]؛ (۱۵) موی پیشانیِ [همان] دروغگوی خطاکار را. (۱۶) پس باید هم‌مجلسانش را [به کمک] بخواند. (۱۷) ما [نیز] آتشبانان [دوزخ] را فرا خواهیم خواند. (۱۸) چنین نیست [که او می‌پندارد]؛ هرگز او را اطاعت مکن و سجده کن، و [به الله] تقرّب جوی. (۱۹)

سورهٔ قدر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

همانا ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم. (۱) و تو چه دانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (۳) فرشتگان و روح [= جبرئیل] در آن [شب،] به فرمان پروردگارشان برای [انجام] هر کاری نازل می‌شوند. (۴) [آن شب] تا طلوع فجر، سلامت [و رحمت] است. (۵)

سورهٔ بیّنه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کافر شدند، [از آیین کفر] دست برنمی‌دارند تا اینکه دلیل روشنی برایشان بیاید. (۱) پیامبری از سوی الله [بیاید] که صحیفه‌های پاک را بخواند. (۲) و نوشته‌هایی استوار [و درست] در آن [صحیفه‌ها] است. (۳) و کسانی که به آنان کتاب داده شد [از جمله یهود و نصاری] پراکنده نشدند [و اختلاف نکردند،] مگر بعد از آنکه دلیل روشن برایشان آمد. (۴) و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات بپردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ﴾

بیان نزول قرآن در شب نه روز، بیانگر فضیلتی است که به شب اختصاص دارد. آیات و روایات زیادی شبیه این آیه وجود دارد؛ برخی آیات بدین قرار است: ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا﴾ [الإسراء: ۱]، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ﴾ [الإسراء: ۷۹]، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ﴾ [ق: ۴۰]، ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا﴾ [المزمل: ۶] و ﴿كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ﴾ [الذاریات: ۱۷]. از جمله احادیث مربوط به این موضوع نیز می‌توان این حدیث را بیان کرد: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرُ» [صحیح بخاری: ۱۱۴۵ و ۶۳۲۱ و ۷۴۹۴؛ صحیح مسلم: ۷۵۸] «در یک سوم پایانی هر شب پروردگارمان به آسمان دنیا می‌آید». بنابراین، شب با عطا و بخشش‌های الهی و با تجلّیات پروردگار به بندگانش خاص‌تر است؛ به سبب این‌که قلب فارغ است و کارها متوقف شده و آرامش حکم‌فرماست، و ترس و بیم بیشتری برای استحضار و صفای قلب وجود دارد. شنقیطی: ۹/ ۳۸.

پرسش: چرا نزول قرآن در این‌جا فقط به شب اختصاص داده شد و روز ذکر نشد؟

۲ ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ﴾

با توجه به سیاق کلام، ضمیر ﴿أَنزَلۡنَٰهُ﴾ به قرآن بازمی‌گردد؛ این امر قرآن را از سه وجه بزرگ و محترم قرار می‌دهد: وجه اول این‌که ضمیر قرآن را بدون اسم ظاهرش بیان کرد که بر شهرت قرآن و بی‌نیازی آن از بیان نامش دلالت دارد. وجه دوم این‌که در بهترین وقت نازل شد و وجه سوم این‌که الله تعالی نزول آن را به خودش نسبت داد. ابن جزی: ۲/ ۵۹۳.

پرسش: آیه از چند وجه بر تعظیم قرآن دلالت دارد؟ توضیح دهید.

۳ ﴿لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ﴾

آیه بر انحراف کامل اهل کتاب دلالت دارد؛ زیرا به سبب علمی که داشتند سزاوارتر از مشرکان بودند بر این‌که بر هدایت اجتماع کنند. بنابراین لجاجت و مخالفت عالم، سخت‌تر از مخالفت جاهل است. بقاعی: ۲۲/ ۱۹۲.

پرسش: چرا اهل کتاب قبل از مشرکان مورد سرزنش قرار گرفتند؟

۴ ﴿وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ﴾

در این‌جا اهل کتاب به این سبب به صورت خاص بیان شدند که نام سیدنا محمد ﷺ را در کتاب‌های‌شان می‌دیدند و از صحت نبوت او آگاه بودند. ابن جزی: ۲/ ۵۹۷.

پرسش: در این آیه چرا فقط اهل کتاب بیان شد، در حالی که در ابتدای سوره همراه با دیگران بیان شدند؟

۵ ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾ یعنی: رویگرداننده از شرک به سوی توحید. ﴿وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ که برترین عبادت بدنی است، ﴿وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ که نیکی به فقرا و نیازمندان است، ﴿وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾ یعنی: آیین پابرجا و عادل، یا امت مستقیم و معتدل. بسیاری از ائمه - مانند زهری و شافعی - با استدلال به این آیه گفته‌اند اعمال بخشی از ایمان است. ابن کثیر: ۴/ ۵۴۰.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که ایمان عبارت است از: تصدیق قلبی، گفتار زبانی و عمل به ارکان.

۶ ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾

نماز و زکات با وجود این‌که مصداق عبادت هستند، به سبب برتری و فضیلتی که دارند و نیز به این دلیل که هر کس این دو عبادت را انجام دهد تمام احکام دین را برپا می‌دارد، به صورت جداگانه نیز ذکر شدند. سعدی: ۹۳۲.

پرسش: چرا نماز و زکات با وجود این‌که مصداق عبادت هستند به صورت جداگانه نیز بیان شدند؟

۷ ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾

آیه بر وجوب نیت در عبادات دلالت دارد؛ زیرا اخلاص، عملی قلبی است و عبارت است از این‌که فقط خشنودی الله مورد نظر باشد. قرطبی: ۲۲/ ۴۱۲.

پرسش: آیه بر کدام اصل بزرگ دلالت دارد؟

ترجمه آیات

بی‌گمان، کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کافر شدند، جاودانه در آتش جهنم خواهند ماند. آنان بدترینِ آفریدگان هستند. (۶) همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنانَ بهترینِ آفریدگان هستند. (۷) پاداش آنان نزد پروردگارشان، باغ‌های [بهشت] جاویدان است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ الله از [اعمال] آنها راضی است و آنان [نیز] از [پاداشِ] او راضیند؛ و این [مقام و پاداش،] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۸)

سورهٔ زلزله

به نام الله بخشندهٔ مهربان

هنگامی که زمین با شدیدترین تکان‌هایش به لرزه درآید. (۱) و زمین بارهای سنگینش را بیرون ریزد. (۲) و انسان می‌گوید: «آن [= زمین] را چه شده است؟» (۳) در آن روز، [زمین] تمام خبرهایش را بازگو می‌کند؛ (۴) زیرا که پروردگارت به او [چنین] وحی [و حکم] کرده است. (۵) در آن روز، مردم گروه‌گروه باز می‌گردند تا [نتیجهٔ] اعمالشان به آنان نشان داده شود. (۶) آنگاه هر کس به اندازهٔ ذره‌ای کار نیک انجام داده باشد، [پاداشِ] آن را می‌بیند؛ (۷) و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده باشد، [کیفرِ] آن را می‌بیند. (۸)

سورهٔ عادیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به اسب‌های دونده که نفس‌زنان [به سوی میدان جهاد] پیش می‌روند. (۱) و سوگند به اسب‌هایی که [با برخورد سُم‌هایشان به سنگ‌ها] جرقهٔ [آتش] ایجاد می‌کنند. (۲) باز سوگند به اسب‌هایی که در صبحگاهان [بر دشمن] یورش می‌برند. (۳) و در آن هنگام گرد و غبار برمی‌انگیزند. (۴) آنگاه در دل [سپاه دشمن] می‌تازند. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ﴾

زیرا به تمام آرزوهای‌شان رسیدند، در حالی که می‌دانستند تمام این موارد به فضل و بخشش الهی به آنان رسیده است، هیچ‌کس هیچ حقی بر عهدهٔ او ندارد و هیچ‌کس او را آن‌گونه که سزاوارش است نمی‌شناسد؛ بنابراین اگر مردم را به سبب آن‌چه استحقاقش را دارند عذاب کند همگی نابود خواهند شد. بزرگ‌ترین نعمتی که الله بر آنان بخشید، پیروی از رسول الله ﷺ است که سبب تمام خوبی‌هاست. بقاعی: ۲۲/ ۱۹۸.

پرسش: عبارت ﴿وَرَضُواْ عَنۡهُۚ﴾ چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ﴾

خشیت، ملاک سعادت حقیقی و دستیابی به مراتب بالا است؛ زیرا اگر خشیت نمی‌بود، مناهی و گناهان ترک نمی‌شدند و برای روزی که پاها و موهای جلوی سر گرفته می‌شود آمادگی حاصل نمی‌شد. آلوسی: ۱۵/ ۴۳۱.

پرسش: خشیت به چه معناست؟

۳ ﴿جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ﴾

هر کس این‌گونه از پروردگارش بترسد از تمام آن‌چه سزاوار الله سبحانه نیست دست می‌کشد و در دلایل عیب و ایراد نمی‌گیرد. اما اگر ترس از قلب جدا شود، قطعا فاسد می‌گردد. بقاعی: ۲۲/ ۱۹۹.

پرسش: نشانهٔ خشیت بنده از پروردگارش چیست؟

۴ ﴿يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا﴾

زمین به تمام کارهای خوب و بدی که جهانیان بر روی آن انجام داده‌اند گواهی می‌دهد؛ زیرا زمین یکی از شهودی است که به اعمال بندگان گواهی می‌دهند. سعدی: ۹۳۲.

پرسش: ثمرهٔ عملی مستفاد از آیه چیست؟

۵ ﴿يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾

همگی در روز قیامت خودشان را سرزنش می‌کنند؛ انسان نیکوکار می‌گوید: چرا بیشتر نیکی نکردم؟! گناهکار می‌گوید: چرا از گناهان دست نکشیدم؟! این سرزنش هنگام مشاهدهٔ پاداش و عذاب صورت می‌گیرد. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ﴿أَشۡتَاتٗا﴾: یعنی بر اساس اعمال‌شان پراکنده هستند. قرطبی: ۲۲/ ۴۳۷.

پرسش: چرا مردم اعمال‌شان را در این توقفگاه می‌بینند؟

۶ ﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ۝٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ﴾

﴿مِثۡقَالَ﴾ به معنای وزن و ﴿ذَرَّةٍ﴾ به معنای مورچهٔ کوچک است. منظور از رویت در این‌جا دیدن با چشم نیست، بلکه بیانگر جزا است. الله تعالی هموزن مورچهٔ کوچک را به این منظور بیان کرد تا بر بیشتر از آن به طریق اولی هشدار دهد؛ گویی می‌فرماید: هر کس که عملی اندک یا زیاد انجام دهد آن را خواهد دید. ابن جزی: ۲/ ۶۰۰.

پرسش: عبارت ﴿مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ﴾ در آیه بر چه امری دلالت دارد؟

۷ ﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ۝٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ﴾

از انس روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ اللهَ لَا يَظْلِمُ الْمُؤْمِنَ حَسَنَةً يُثَابُ عَلَيْهَا الرِّزْقَ فِي الدُّنْيَا، وَيُجْزَى بِهَا فِي الْآخِرَةِ، وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُعْطِيهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ» [صحیح: با الفاظی مشابه در مسند احمد: ۱۲۲۶۴ و ۱۴۰۱۸؛ صحیح ابن حبان: ۳۷۷] «الله هیچ یک از کارهای نیک مؤمن را از قلم نمی‌اندازد و در دنیا و آخرت پاداش آن را می‌دهد ولی کافر در دنیا به‌وسیلهٔ کارهای نیک خود روزی می‌خورد و همین که به آخرت رسید کار نیکی ندارد که پاداش آن را بگیرد». طبری: ۲۴/ ۵۵۳.

پرسش: چرا با وجود این‌که الله ذات عادلی است که به هیچ‌کس ستم نمی‌کند، کافر در روز قیامت کارهای نیکی را که در دنیا انجام داده است نمی‌یابد؟

سور (البینة، الزلزلة، العادیات) الجزء (۳۰) صفحة (۵۹۹)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ۝٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ۝٧ جَزَآؤُهُمۡ
عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ۝٨

سُورَةُ الزَّلۡزَلَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ۝١ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ۝٢ وَقَالَ
ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ۝٣ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ۝٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا
۝٥ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۝٦ فَمَن يَعۡمَلۡ
مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ۝٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ۝٨

سُورَةُ العَادِيَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا ۝١ فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا ۝٢ فَٱلۡمُغِيرَٰتِ
صُبۡحٗا ۝٣ فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا ۝٤ فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا ۝٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ	به توقفگاه حساب بازمی‌گردند.
أَشۡتَاتٗا	گروه‌هایی پراکنده.
وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا	سوگند به اسب‌هایی که در راه الله در حرکت هستند، آن‌گاه که صدای‌شان بر اثر دویدن سریع شنیده می‌شود.
فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا	سوگند به اسب‌هایی که بر اثر دویدن سریع، با سم‌های‌شان جرقهٔ آتش برافروزند.
فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا	سوگند به اسب‌هایی که صبحگاه به دشمن هجوم برند.
فَأَثَرۡنَ	برانگیزند.
نَقۡعٗا	غبار.
فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا	سوارهای‌شان را به میان گروه‌های دشمن درآورند.

عمل به آیات

۱. دو رکعت نماز در مکانی که دوست داری در روز قیامت برایت گواهی دهد ادا کن، ﴿يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا﴾

۲. همین امشب خودت را در قبال کارهای نیک و بدی که انجام داده‌ای مورد محاسبه قرار بده، ﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ۝٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ﴾

۳. به روی برادر مسلمانت تبسم بزن و آزار و اذیت‌ها را از سر راه مردم بردار؛ زیرا این کارهای ساده و آسان، پاداش بزرگی دارند، ﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ﴾

رهنمودها

۱. مومنان و صالحان، بهترین مردم هستند، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ﴾

۲. روز قیامت هول و هراس زیادی دارد، ﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا﴾

۳. اصل در مرگ این است که به صورت ناگهانی فرا می‌رسد، ﴿فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا﴾

إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ ٦ وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٞ ٧ وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ
ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ ٨ ۞أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ٩
وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ ١٠ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّخَبِيرُۢ ١١

سُورَةُ القَارِعَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡقَارِعَةُ ١ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٢ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٣ يَوۡمَ
يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلۡفَرَاشِ ٱلۡمَبۡثُوثِ ٤ وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ
كَٱلۡعِهۡنِ ٱلۡمَنفُوشِ ٥ فَأَمَّا مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٦ فَهُوَ فِي
عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ٧ وَأَمَّا مَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٨ فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ
٩ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا هِيَهۡ ١٠ نَارٌ حَامِيَةُۢ ١١

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ١ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ٢ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣ ثُمَّ
كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٤ كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ٥ لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ٦
ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ٧ ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَكَنُودٌ	ناسپاس است.
لَشَهِيدٌ	به ناسپاسی‌اش اقرار دارد.
ٱلۡخَيۡرِ	مال.
بُعۡثِرَ	برانگیخته و خارج شود.
ٱلۡمَبۡثُوثِ	پراکنده.
كَٱلۡعِهۡنِ	مانند پشم‌های رنگ‌آمیزی‌شده با رنگ‌های مختلف.
ٱلۡمَنفُوشِ	پشمی که جدا جدا و حلاجی گشته و پراکنده شده باشد.
فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٌ	پناهگاهش جهنم است که با سر در آن افکنده می‌شود.
عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ	علم حقیقی.
عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ	جهنم را به یقین و بدون تردید خواهید دید.

عمل به آیات

۱. مالی را که دوست داری صدقه بده، ﴿وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ﴾

۲. کفهٔ ترازویت را با اعمال صالحی که همین امروز انجام می‌دهی سنگین کن، ﴿فَأَمَّا مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٦ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ﴾

۳. به زیارت قبور برو که آخرت را به یاد می‌آورد، ﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ١ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ﴾

رهنمودها

۱. مبادا نعمتی را که الله بر تو بخشیده است انکار کنی، ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ﴾

۲. اعمال قلبی مورد عنایت قرار گرفته‌اند، ﴿وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ﴾

۳. دنیا نباید بنده را از دین غافل کند، ﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ١ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ﴾

ترجمه آیات

یقیناً انسان در برابر [نعمت‌های] پروردگارش بسیار ناسپاس است، (۶) و بی‌گمان، او [خود] بر این [ناسپاسی] گواه است، (۷) و همانا او علاقهٔ فراوانی به مال [دنیا] دارد. (۸) آیا او نمی‌داند که در آن روز، آنچه در گورهاست، [همه زنده و] برانگیخته می‌شوند؟ (۹) و آنچه در سینه‌هاست [همه] آشکار می‌گردد. (۱۰) یقیناً در آن روز، پروردگارشان کاملاً به [وضع و حال] آنان آگاه است. (۱۱)

سورهٔ قارعه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[آن] فروکوبنده. (۱) [آن] فروکوبنده چیست؟ (۲) و تو چه دانی که [آن] فروکوبنده چیست؟ (۳) روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده [حیران و سرگردان] خواهند بود. (۴) و کوه‌ها مانند پشم رنگینِ حلاجی‌شده خواهند شد. (۵) و اما هر کس که [در آن روز،] کفّهٔ میزانش سنگین باشد، (۶) [در بهشت،] در زندگی رضایت‌بخشی خواهد بود. (۷) و اما هر کس که کفّهٔ میزانش سبک باشد، (۸) [مسکن و] پناهگاهش «هاویه» است. (۹) و تو چه دانی که آن [هاویه] چیست؟ (۱۰) آتشی است سوزان [و شعله‌ور]. (۱۱)

سورهٔ تکاثر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

زیاده‌خواهی، شما را به خود مشغول [و از یادِ پروردگار غافل] ساخت (۱) تا [پایانِ] کارتان به گورستان رسید. (۲) هرگز چنین نیست [که شما می‌پندارید]؛ به زودی خواهید دانست. (۳) باز [هم] چنین نیست؛ به زودی خواهید دانست. (۴) چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ اگر به دانشِ یقینی [و تردیدناپذیر، حقیقتِ قیامت را] می‌دانستید، [از زیاده‌خواهی و افتخار به اموال و فرزندانتان دست برمی‌داشتید]. (۵) سوگند که دوزخ را خواهید دید. (۶) باز هم سوگند که آن را با چشم یقین خواهید دید؛ (۷) آنگاه قطعاً در آن روز، از [تمام] نعمت‌ها بازخواست خواهید شد. (۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ﴾

یعنی: بسیار ناسپاس و تکذیب‌کننده است و شکر نعمت را به جای نمی‌آورد... منظور این است که خلقت تمام انسان‌ها بر این امر سرشته شده است، مگر کسانی که الله به لطف و توفیق خویش آنان را حفظ کند. آلوسی: ۱۵/ ۴۴۵.

پرسش: پس از این‌که دانستی اکثر مردم شکر الله سبحانه را به جای نمی‌آورند چه موضعی اتخاذ می‌کنی؟

۲ ﴿وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ﴾

یعنی: مال را بسیار دوست دارد. محبت مال باعث می‌شود انسان حقوق واجبی را که بر عهده‌اش قرار دارد ترک کند و خواستهٔ نفسش را بر حق پروردگارش ترجیح دهد؛ زیرا نگاهش فقط به همین دنیاست و از آخرت غافل است. سعدی: ۹۳۳.

پرسش: محبت زیاد مال چه تاثیری بر اخلاق انسان می‌گذارد؟

۳ ﴿أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ٩ وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ﴾

الله سبحانه قبور و صدور را کنار هم قرار داد... زیرا سینهٔ انسان، خوبی‌ها و بدی‌هایش و قبر او نیز بدنش را پنهان می‌کند؛ سپس پروردگار بدن انسان را از قبرش و راز او را از سینه‌اش خارج می‌کند؛ آن‌گاه بدن او بر روی زمین آشکار می‌گردد و راز او نیز در چهره‌اش نمایان می‌گردد. ابن قیم: ۳/ ۳۵۲- ۳۵۳.

پرسش: چرا صدور و قبور در یک سیاق آمدند؟

۴ ﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ﴾

هدف این خبر، موعظه و توبیخ است. ﴿أَلۡهَىٰكُمُ﴾: شما را به خود مشغول کرد [و غافل ساخت]، ﴿ٱلتَّكَاثُرُ﴾: فخرفروشی به مال و فرزندان زیاد، و این‌که برخی می‌گفتند: «ما بیشتریم» و دیگران می‌گفتند «ما بیشتریم». پیامبر ﷺ وقتی این آیه را می‌خواند می‌فرمود: «يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي مَالِي وَلَيْسَ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبِسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ» [با الفاظی مشابه در صحیح مسلم: ۲۹۵۸] «انسان می‌گوید مال من، مال من! در حالی که مال تو تنها همان غذایی است که می‌خوری و لباسی که می‌پوشی و صدقاتی که در راه الله انفاق می‌کنی». ابن جزی: ۲/ ۶۰۵.

پرسش: منظور از خبر مذکور چیست؟ یکی از انواع افزون‌طلبی و فخرفروشی را بیان کنید.

۵ ﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ﴾

بیان نشد که چه کسی به این مورد فخر کرده است تا تمام کسانی را که افزون‌طلب و فخرفروش هستند شامل شود؛ از جمله کسانی که در این امور مباهات و فخرفروشی می‌کنند: اموال، فرزندان، یاران، لشکریان، خدمتکاران، مقام و...؛ و اخلاص برای الله تعالی مد نظرشان نیست. سعدی: ۹۳۳.

پرسش: چرا شخص افزون‌طلب و فخرکننده بیان نشد؟

۶ ﴿حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ﴾

از قتاده روایت شده که گفت: «می‌گفتند: ما از بنی‌فلان بیشتر هستیم و ما از بنی‌فلان آماده‌تریم، و همه روزه این‌گونه در برابر یکدیگر فخرفروشی می‌کردند، سوگند به الله که پیوسته چینن بودند تا این‌که همگی [مُردند و] در قبرستان دفن شدند». قرطبی: ۲۲/ ۴۴۹- ۴۵۰.

پرسش: سرانجامِ فخرفروشی انسان‌ها بر یکدیگر چیست؟

۷ ﴿ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ﴾

یعنی: در مورد شکر نعمت‌ها از شما سوال خواهد شد. از بنده خواسته شده است که شکر نعمت الله را در قبال نعمت‌ها به جای آورد. ابن تیمیه: ۷/ ۱۷۸.

پرسش: انسان چگونه از محاسبه در برابر نعمت‌ها نجات می‌یابد؟

سورهٔ عصر

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به عصر (۱) که انسان در زیان است. (۲) مگر مؤمنان نیکوکاری که یکدیگر را به حق سفارش نموده‌اند و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. (۳)

سورهٔ همزه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

وای بر هر غیبت‌کننده [و] عیبجوی! (۱) [همان] کسی که مال فراونی گرد می‌آورد و آن را بارها می‌شمارد. (۲) گمان می‌کند که مالَش او را جاودانه می‌سازد. (۳) هرگز چنین نیست [که او گمان می‌کند]؛ قطعاً در آتشِ درهم‌کوبنده انداخته خواهد شد. (۴) و [ای پیامبر،] تو چه می‌دانی که آتشِ درهم‌کوبنده چیست؟ (۵) آتش برافروختهٔ الهی است؛ (۶) [آتشی] که بر دل‌ها چیره می‌گردد [و می‌سوزانَد]. (۷) بی‌گمان، آن [آتش] بر آنان بسته شده [و از هر سو محاصره‌شان کرده] است. (۸) [افروخته] در ستون‌های بلند است. (۹)

سورهٔ فیل

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] آیا ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟ (۱) آیا [فریب و] نقشهٔ آنان را در تباهی قرار نداد؟ (۲) و پرندگانی گروه‌گروه بر [سر] آنان فرستاد (۳) [که] با سنگ‌گِل [که در منقار و چنگال داشتند] آنان را سنگباران می‌کردند؛ (۴) و آنها را همچون کاهِ جویده‌شده ساخت. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلۡعَصۡرِ ۝١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ۝٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾

شافعی می‌گوید: اگر تمام مردم در این سوره بیندیشند برای‌شان کافی است. توضیح این‌که انسان با کامل‌کردن چهار مرتبه به اوج کمالش می‌رسد. مرتبهٔ اول: شناخت حقیقت، دوم: عمل به حقیقت، سوم: آموزش حقیقت به کسی که آن را نمی‌داند و چهارم: صبر بر یادگیری و عمل به حقیقت و آموزش آن. الله تعالی این مراتب چهارگانه را در سورهٔ عصر بیان کرده است. ابن قیم: ۳/ ۳۶۵.

پرسش: تمام آن‌چه را که انسان برای اصلاح نفسش نیاز دارد در سورهٔ عصر موجود است. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾

«ال» تعریف در ﴿ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾ «ال» جنس و استغراقی است؛ یعنی تمام اعمال صالحی را که دین به آن فرمان داده بود انجام دادند. انجام صالحات، شامل ترک بدی‌ها نیز می‌شود. ابن عاشور: ۳۰/ ۵۳۲.

پرسش: چرا واژهٔ صالحات با الف و لام معرفه آمد؟

۳ ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾

با دو امر اول، انسان خودش را کامل می‌کند و با دو امر اخیر، دیگران را کامل می‌گرداند، و با انجام هر چهار امر، انسان از زیان سالم می‌ماند و به سود بزرگ می‌رسد. سعدی: ۹۳۴.

پرسش: چرا فقط چهار امر مذکور بیان شدند؟

۴ ﴿وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾

﴿وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾ یعنی: در برابر مصیبت‌ها و قضا و قدر، و آزار کسی که آمران به معروف و ناهیان از منکر را اذیت می‌کند. ابن کثیر: ۴/ ۵۵۱.

پرسش: چرا سفارش یکدیگر به صبر بر سفارش یکدیگر به حق عطف شد؟ ارتباط میان این دو را بیان کنید.

۵ ﴿ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ﴾

سرزنش بر خودداری از انفاق مال در راه طاعت منظور است. قرطبی: ۲۲/ ۴۷۱.

پرسش: آیا تمام انواع جمع‌آوری مال، مذموم و ناپسند است؟

۶ ﴿يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ﴾

یعنی او را به مقام جاودانگی در دنیا می‌رساند، بنابراین این مال را همانند جاودانگی دوست دارد، و همانند کسی که گمان می‌کند نخواهد مُرد، به زیاده‌روی در شهوات و خوشی‌های ناپایدار روی می‌آورد. اشاره دارد به این‌که جاودانگی به تنهایی فایده نمی‌رساند مگر با وجود اعمال صالح که سبب خوشبختی در سرای آخرت است. بقاعی: ۲۲/ ۲۴۵.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که دلبستگی به مال خطر بسیار بزرگی بر مفاهیم انسان دارد.

۷ ﴿ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ﴾

با این‌که آتش جهنم تمام بدن جهنمیان را فرا می‌گیرد به این دلیل فقط قلب‌ها بیان شد که محل عقاید باطل هستند، یا به این سبب که وقتی درد به قلب برسد انسان می‌میرد؛ یعنی در حالت کسی هستند که می‌میرد اما نمی‌میرند. شوکانی: ۵/ ۴۹۴.

پرسش: چرا فقط بیان شد که آتش بر قلب‌ها چیره می‌گردد در حالی که آتشِ جهنم، تمام بدن‌های‌شان را فرا می‌گیرد؟

سُورَةُ العَصۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣

سُورَةُ الهُمَزَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ ١ ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ ٢
يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ ٣ كَلَّاۖ لَيُنۢبَذَنَّ فِي ٱلۡحُطَمَةِ ٤
وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحُطَمَةُ ٥ نَارُ ٱللَّهِ ٱلۡمُوقَدَةُ ٦ ٱلَّتِي تَطَّلِعُ
عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ ٧ إِنَّهَا عَلَيۡهِم مُّؤۡصَدَةٞ ٨ فِي عَمَدٖ مُّمَدَّدَةِۭ ٩

سُورَةُ الفِيلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ ١ أَلَمۡ يَجۡعَلۡ
كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ ٢ وَأَرۡسَلَ عَلَيۡهِمۡ طَيۡرًا أَبَابِيلَ ٣
تَرۡمِيهِم بِحِجَارَةٖ مِّن سِجِّيلٖ ٤ فَجَعَلَهُمۡ كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۭ ٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
هُمَزَةٖ	غیبتگر مردم.
لُّمَزَةٍ	عیبجوی مردم.
وَعَدَّدَهُۥ	آن را برشمرد.
لَيُنۢبَذَنَّ	قطعاً افکنده خواهد شد.
ٱلۡحُطَمَةِ	آتشی که هر چه را در آن افکنده شود در هم می‌شکند.
تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ	از بس که شدید است از بدن‌های‌شان رد می‌شود و به دل‌های‌شان نفوذ می‌کند.
مُّؤۡصَدَةٞ	سربسته.
فِي عَمَدٖ مُّمَدَّدَةِۭ	در ستون‌هایی بلند از آتش عذاب می‌شوند، یا این‌که درهای جهنم با ستون‌هایی کشیده‌شده بسته است تا از آن خارج نشوند.
أَبَابِيلَ	گروه‌هایی پیاپی.

عمل به آیات

۱. عیب‌جویی یا غیبتی را که مرتکب شده‌ای به یاد آور سپس به درگاه الله استغفار کن، ﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ﴾

۲. بخشی از مالت را صدقه بده، ﴿ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ﴾

۳. به دوستانت بگو کافران هر اندازه ستم و سرکشی کنند، مکر آنان به خودشان بازمی‌گردد، ﴿أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ﴾

رهنمودها

۱. زمان، مزرعهٔ آخرت است و اهمیت زیادی دارد، ﴿وَٱلۡعَصۡرِ﴾

۲. یکی از نشانه‌های برادران صالح این است که یکدیگر را به حق و صبر سفارش می‌کنند، ﴿وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾

۳. به مالت مغرور نشو که تو را از عبادت الله بازمی‌دارد، ﴿ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ﴾

سُورَةُ قُرَيْشٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ ١ إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ
٢ فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣ ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم
مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ ٤

سُورَةُ المَاعُونِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ
ٱلۡيَتِيمَ ٢ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣ فَوَيۡلٞ
لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ
٥ ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦ وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧

سُورَةُ الكَوۡثَرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ ١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ ٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ	شگفت است که قریش با وجود این‌که به این دو سفر انس گرفته و عادت کرده‌اند، از عبادت الله دست می‌کشند. یا به این معناست که: تا قریش پروردگارشان را به شکرانۀ انس و الفت به این دو سفر که به آنان بخشید عبادت کنند.
رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ	به سوی یمن.
يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ	یتیم را به زور از حقش بازمی‌دارد.
سَاهُونَ	به نماز اهمیت نمی‌دهند؛ آن را از وقتش به تأخیر می‌اندازند و به صورت صحیح ادا نمی‌کنند.
شَانِئَكَ	دشمن تو.
هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ	اثرش از بین می‌رود و از تمام خوبی‌ها جداست.

عمل به آیات

۱. در قبال خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و امنیت، از الله سپاس‌گزاری کن، ﴿ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ﴾

۲. دیگران را به طعام‌دادن به مساکین سفارش کن، ﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ﴾

۳. در حد توان، آن‌چه را که برادر مسلمانت بدان نیاز دارد به او امانت بده، ﴿وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ﴾

رهنمودها

۱. فقط آفریدگارِ روزی‌دهنده، مستحق عبادت است، ﴿فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣ ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ﴾

۲. مبادا از زمرۀ کسانی باشی که: ﴿عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ﴾

۳. دشمنی با پیامبر ﷺ یا هر امری که سبب این دشمنی و مخالفت باشد خطر بسیار بزرگی دارد، ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ﴾

سورۀ قریش

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

برای [سپاسگزاری از] همبستگی و اُنس قریش، (۱) [همان] همبستگی و اُنسِ آنان در سفرهای زمستانی [به یَمَن] و تابستانی [به شام]؛ (۲) باید پروردگارِ خانۀ کعبه را عبادت کنند؛ (۳) همان [پروردگاری] که آنان را از گرسنگی [رهانید، به آنان] خوراک داد و از وحشت و ترس ایمن نمود. (۴)

سورۀ ماعون

به نام الله بخشندۀ مهربان

[ای پیامبر،] آیا کسی را که [روز] جزا را تکذیب می‌کنند، دیده‌ای؟ (۱) او [همان] کسی است که یتیم را [با خشونت از خود] می‌راند (۲) و [دیگران را] به اطعامِ مسکین تشویق نمی‌کند. (۳) پس وای بر نمازگزاران! (۴) همان کسانی که از نمازشان غافلند (۵) کسانی که خودنمایی می‌کنند (۶) و [از امانت دادنِ] وسایل ضروری زندگی دریغ می‌ورزند. (۷)

سورۀ کوثر

به نام الله بخشندۀ مهربان

[ای پیامبر،] به راستی که ما خیر بی‌نهایت [از جمله رود کوثر در بهشت را] به تو عطا کردیم؛ (۱) پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (۲) بی‌تردید، دشمنت [از همۀ خیرات و برکات و نام و نشان، بی‌بهره و] بُریده است. (۳)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣ ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ﴾

الله تعالی کسانی را که قصد آسیب‌رساندن به قریش را داشتند نابود کرد و حرم و ساکنانش را در دل عرب‌ها محترم و عزیز کرد تا این‌که آنان را محترم داشتند و در هیچ یک از سفرهای‌شان متعرض آنان نمی‌شدند؛ پس الله آنان را به سپاس‌گزاری فرمان داد و فرمود: ﴿فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ﴾ یعنی: باید پروردگار این خانه را خالصانه و بدون شریک عبادت کنند. سعدی: ۸۹۴.

پرسش: با توجه به سورۀ قریش بیان کنید که یکی از مصادیق سپاس‌گزاری از الله، یگانه‌قرار دادن او تعالی در عبادت است.

۲ ﴿ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ﴾

در جمع میان طعام‌دادن آنان از گرسنگی و ایمن‌داشتن آنان از ترس، نعمتی بزرگ وجود دارد؛ زیرا انسان بدون همزمانی این دو نعمت، بهره‌مند نمی‌شود و به سعادت نمی‌رسد؛ زیرا هیچ خوشی و لذتی همراه با گرسنگی و هیچ امنیتی همراه با ترس حاصل نمی‌شود اما با اجتماع طعام و امنیت، نعمت کامل می‌گردد. شنقیطی: ۹/ ۱۱۲.

پرسش: چرا طعام‌دادن قریش از گرسنگی و ایمن‌داشتن آنان از ترس، با هم ذکر شدند؟

۳ ﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ﴾

به کسی که دین را تکذیب کرد بنگر که این اخلاق زشت و اعمال ناپسند را در او می‌بینی؛ زیرا دین انسان را به انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها می‌کشاند. ابن جزی: ۲/ ۶۱۴.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود کسی که دین را تکذیب می‌کند اخلاق ناپسندی دارد؟

۴ ﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ﴾

یعنی: کسانی که نماز می‌گزارند و به آن پایبند هستند، اما از آن غافلند؛ یا از انجام آن به طور کلی غافلند... یا از انجام آن در وقت مشخص شرعی غافلند و آن را خارج از وقت ادا می‌کنند. ابن کثیر: ۴/ ۵۵۸.

پرسش: منظور از سهو و غفلت از نماز چیست؟

۵ ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ﴾

الله تعالی در عبارت ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ﴾ نماز را بر قربانی و در عبارت ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ١٤ وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ﴾ [الأعلی: ۱۴، ۱۵] تزکیه را بر نماز مقدم کرد. دادن صدقه قبل از نماز عید فطر و ذبح بعد از نماز عید قربان، سنت است. ابن تیمیه: ۷/ ۱۹۴.

پرسش: چرا صدقه قبل از نماز عید فطر، و قربانی بعد از نماز عید قربان سنت است؟

۶ ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ﴾

اگر کسی آشکارا مرتکب گناهی شود که به سبب آن مستحق اجرای حد می‌شود باید حد الهی بر او اجرا گردد، بنابراین کسی که دشمنی و مخالفتش را آشکار کرده است مجازات می‌شود. ابن تیمیه: ۷/ ۱۹۶.

پرسش: چه تفاوتی وجود دارد میان کسی که گناهش را آشکار می‌کند و کسی که گناهش را پنهان می‌دارد؟

۷ ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ﴾

یاد اهل سنت پس از مرگ‌شان نیز زنده است اما بدعتگذاران پس از مرگ‌شان فراموش می‌شوند؛ زیرا جماعت اول، سنت رسول الله ﷺ را زنده می‌کنند و مصداق این فرموده هستند: ﴿وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ﴾ [الشرح: ۴] «و (نام و) آوازۀ تو را بلند ساختیم»، اما بدعتگذاران با سنت رسول مخالفت و دشمنی می‌کنند و مصداق این آیه هستند: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ﴾.

پرسش: چرا یاد اهل سنت باقی می‌ماند و بدعتگذاران به فراموشی سپرده می‌شوند؟

سورهٔ کافرون

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] بگو: «ای کافران، (۱) آنچه را که شما عبادت می‌کنید، من عبادت نمی‌کنم، (۲) و [نیز] آنچه را که من عبادت می‌کنم شما عبادت نمی‌کنید. (۳) و نه من عبادت‌کننده آنچه شما عبادت کرده‌اید خواهم بود؛ (۴) و نه شما عبادت‌کننده آنچه من عبادت می‌کنم خواهید بود. (۵) [بنابراین] آیین شما [که آن را برای خویش ساخته‌اید] برای خودتان باد و آیین من [که الله آن را بر من فرستاده است] برای خودم». (۶)

سورهٔ نصر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر،] هنگامی که یاری الله و پیروزی فرا رسد [و فتح مکه رخ دهد]، (۱) و مردم را ببینی که گروه‌گروه در دین الله داخل می‌شوند. (۲) پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه؛ همانا او بسیار توبه‌پذیر است. (۳)

سورهٔ مسد

به نام الله بخشندهٔ مهربان

بریده باد هر دو دست اَبولَهَب و هلاک باد خودش! (۱) مال و ثروتش و آنچه به دست آورده بود، او را بی‌نیاز نساخت [و برایش سودی نبخشید]. (۲) به زودی به آتش شعله‌ور درخواهد آمد؛ (۳) و همسرش [اُمّ‌جمیل، آن] هیزم‌کش [آتش‌افروز نیز وارد آتش دوزخ می‌شود]. (۴) [در حالی که] طنابی از لیفِ خرما بر گردنش است. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ﴾

زیرا عبادت خویش را خالصانه برای الله انجام نمی‌دهد بلکه عبادتش همراه با شرک انجام می‌گیرد و چنین امری، عبادت نامیده نمی‌شود. سعدی: ۹۳۶.

پرسش: مسلماً کافران قریش الله و غیر او را عبادت می‌کردند، پس چرا آیه عبادت الله از جانب آن‌ها را نفی می‌کند؟

❷ ﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ﴾

امام ابوعبدالله شافعی و دیگران با استدلال به این آیه گفته‌اند تمام انواع کفر، یک ملت است...؛ زیرا تمام ادیان غیر از اسلام، در بطلان یکی هستند. ابن کثیر: ۴/ ۵۶۵.

پرسش: عبارت (اَلْكُفْرُ مِلَّةٌ وَاحِدَةٌ؛ تمام انواع کفر یک آیین است) را با توجه به آیهٔ فوق توضیح دهید.

❸ ﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ﴾

یک منهج اصلاحی در سوره وجود دارد که عبارت است از عدم پذیرش و شایستگی راه‌حل‌های میانه و مشترک؛ زیرا مشارکت در عبادت که به پیامبر ﷺ پیشنهاد شد، از نظر منطقی، راه‌حلی میانه به شمار می‌رود؛ زیرا احتمال دارد که یکی از دو طرف حقیقت باشد؛ پس به شدت و قاطعیت تمام و کمال از این کار منع شد؛ زیرا پذیرش این پیشنهاد، مستلزم مساوی‌قرار دادن باطل و حقیقت با یکدیگر و تایید باطل به شمار می‌رود حتی اگر یک لحظه اتفاق بیفتد. شنقیطی: ۹/ ۱۳۶.

پرسش: آیا راه‌حل‌های میانه و مشترک، در اصول دین پذیرفته می‌شود؟

❹ ﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ۝١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ۝٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا﴾

اشاره دارد به این‌که رساندن یاری به این دین ادامه دارد و با تسبیح و تحمید و استغفار از جانب رسولش افزایش می‌یابد؛ زیرا نوعی شکر و سپاس‌گزاری است و الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡ﴾ [ابراهیم: ۷] «اگر شکر گزارید، یقیناً (نعمتم را) بر شما می‌افزایم». این امر در زمان خلفای راشدین و بعد از آنان نیز در میان امت اسلامی واقع شده است؛ یاری الله تعالی پیوسته ادامه داشت و دین اسلام به جایی رسید که هیچ یک از ادیان به آن‌جا دست نیافته بود و بیشترین پیروان را داشت، تا این‌که امت با فرمان الله مخالفت کردند و الله آنان را به تفرق و پراکندگی مبتلا کرد و به وضعیت کنونی رسید. سعدی: ۹۳۶.

پرسش: اهمیت تسبیح و تحمید و استغفار را در یاری امت و دین توضیح دهید.

❺ ﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ۝١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ۝٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا﴾

امور نیکو و پسندیده مانند نماز و حج، با استغفار به پایان می‌رسند؛ بنابراین فرمان الله بر رسولش به حمد و استغفار در این حالت، اشاره به این دارد که اجل او سر رسیده و باید برای دیدار پروردگارش آماده و مهیا باشد و عمرش را با برترین اعمال به پایان برساند. سعدی: ۹۳۶.

پرسش: اشارهٔ سوره به نزدیکی وفات پیامبر ﷺ را توضیح دهید.

❻ ﴿تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ﴾

از این آیه مشخص می‌شود که وابستگی به صالحان، فایده نمی‌رساند مگر این‌که به کارهای آنان اقتدا شود؛ زیرا ابولهب عموی پیامبر بود. بقاعی: ۲۲/ ۳۳۱.

پرسش: آیا نسب شریف بدون عبادت فایده می‌رساند؟ با توجه به آیه توضیح دهید.

❼ ﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ﴾

همسر ابولهب یاور شوهرش در کفر و لجاجت و دشمنی بود؛ بنابراین روز قیامت یاور او در عذابش در آتش جهنم است؛ از این رو فرمود: ﴿حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ﴾ یعنی: هیزم را به دوش می‌کشد و بر شوهرش می‌افکند تا آتش جهنم شعله‌ورتر شود. ابن کثیر: ۴/ ۵۶۹.

پرسش: اهمیت انتخاب همسر صالح را با توجه به آیه توضیح دهید.

سُورَةُ الكَافِرُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ۝١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ۝٢
وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ۝٤
وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ۝٦

سُورَةُ النَّصۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ۝١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ
يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ۝٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ۝٣

سُورَةُ المَسَدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ۝١ مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ ۝٢
سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ۝٣ وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤
فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ ۝٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ	در آینده معبودهای باطلی را که شما عبادت می‌کنید عبادت نخواهم کرد.
لَكُمۡ دِينُكُمۡ	شرک و کفرتان برای خودتان باد.
وَلِيَ دِينِ	اخلاص و توحید من که غیر آن را نمی‌جویم برای خودم باد.
وَٱلۡفَتۡحُ	فتح مکه منظور است که در سال هشتم هجری به وقوع پیوست.
تَبَّتۡ	زیانکار و نابود باد. دعایی علیه ابولهب است.
جِيدِهَا	گردنش.

عمل به آیات

۱. سورهٔ کافرون را در رکعت اول و سورهٔ اخلاص را در رکعت دوم نماز سنت فجر و مغرب بخوان، ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾

۲. با هر وسیلهٔ ممکن، کافری را به اسلام دعوت کن، ﴿وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا﴾

۳. صد مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ» بگو و بسیار استغفار کن، ﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا﴾

رهنمودها

۱. کوتاه‌آمدن از مبادی دین و دادن امتیاز به دشمن، بسیار خطرناک است، ﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ﴾

۲. تسبیح و استغفار پس از پایان عبادت اهمیت به‌سزایی دارد، ﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ﴾

۳. مبادا بندگان صالح الله را بیازاری، ﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ﴾

سور (الإخلاص، الفلق، الناس) الجزء (۳۰) صفحة (۶۰۴)

سُورَةُ الإِخلَاص

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣
وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤

سُورَةُ الفَلَق

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ
غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤
وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥

سُورَةُ النَّاس

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ
ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي
يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥
مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلصَّمَدُ	ذات بزرگی که در بزرگی و بی‌نیازی به کمال رسیده و مقصود همگی در تأمین نیازهای‌شان است.
كُفُوًا	مانند و مثل و همتا.
أَعُوذُ	پناه می‌برم و محافظت می‌جویم.
غَاسِقٍ	شب بسیار تاریک.
إِذَا وَقَبَ	هنگامی که تاریکی شب فرا رسد و همه جا را فرا گیرد.
ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ	زنان ساحر یا نفس‌های پلیدی است که به قصد سحر، در گره‌های نخ می‌دمند.
ٱلۡخَنَّاسِ	شیطانی که هر گاه الله یاد شود پنهان می‌شود و می‌گریزد.

عمل به آیات

۱. معوذات را سه مرتبه صبح و شام بخوان، ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾

۲. معوذات را یک مرتبه پس از هر نماز بخوان، ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾

۳. نفست را با خواندن معوذات رقیه کن، ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾

رهنمودها

۱. توحید و اخلاص برای الله سبحانه، اهمیت زیادی دارد، ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾

۲. پناه‌بردن به الله از خطر چشم‌زخم و سحر بسیار مهم است، ﴿وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾

۳. پناه‌جستن به الله از وسوسه‌های شیطان به این دلیل اهمیت دارد که بیشترین شرها از همین طریق بر انسان وارد می‌شود، ﴿مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ﴾.

سورهٔ اخلاص

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است. (۱) الله بی‌نیاز است [و همه نیازمند او هستند]. (۲) نه [فرزندی] زاده و نه [از کسی] زاده شده است. (۳) و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست». (۴)

سورهٔ فلق

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر]، بگو: «به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم، (۱) از شر تمام آنچه آفریده است، (۲) و از شر تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد، (۳) و از شر [زنان جادوگر] که با افسون در گره‌ها می‌دمند. (۴) و از شر [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد». (۵)

سورهٔ ناس

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای پیامبر]، بگو: «به پروردگار مردم پناه می‌برم، (۱) فرمانروای مردم، (۲) معبود مردم، (۳) از شرِ [شیطانِ] وسوسه‌گر که [به هنگام ذکر الله،] پنهان می‌گردد؛ (۴) همان [وسوسه‌گری] که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند؛ (۵) از جنیان [باشد] و [یا از] آدمیان». (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾

در مورد معنای این فرمودهٔ رسول الله ﷺ که «﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾، معادل یک سوم قرآن است» اختلاف وجود دارد. بنابر قولی: این امر از نظر ثواب است؛ یعنی هر کس این سوره را بخواند اجری برابر اجر کسی دارد که یک سوم قرآن را بخواند. بنابر قولی: این امر در مورد معانی و علومی است که در سوره وجود دارد، یعنی علوم قرآن سه مورد است: توحید، احکام و قصص، و این سوره مشتمل بر توحید است؛ پس از این نظر، یک سوم قرآن به شمار می‌رود. دیدگاه اخیر، ظاهرتر است. ابن جزی: ۲/ ۶۲۴.

پرسش: علوم سه‌گانهٔ قرآن چیست؟ و سورهٔ اخلاص جزء کدام مورد است؟

۲ ﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ﴾

﴿ٱلصَّمَدُ﴾: ابن أنباری می‌گوید: بدون اختلاف میان لغویان، ذات بزرگواری است که هیچ‌کس بالاتر از او نیست، ذاتی که مردم در نیازها و امورشان به او نیازمند هستند. زجاج می‌گوید: ذاتی است که بزرگی به او منتهی می‌شود و مقصودِ همه‌چیز و همه کس است... از ابوهریره ﷺ روایت شده که گفت: از همه بی‌نیاز است و همه به او نیازمندند. آلوسی: ۳۰/ ۲۷۳- ۲۷۴.

پرسش: صمد به چه معناست؟

۳ ﴿وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾

عاین (شورچشم) نیز مصداق حاسد است؛ زیرا چشم‌زخم فقط از جانب حسودِ بدنهاد و بدذات صادر می‌شود. سعدی: ۹۳۷.

پرسش: آیا سوره در مورد انسان شورچشم هم سخن گفته است؟ توضیح دهید.

۴ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ﴾

در سورهٔ فلق با یک صفت یعنی ﴿بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ پناه خواسته می‌شود. اما در سورهٔ ناس با سه صفت استعاذه صورت می‌گیرد، با وجود این‌که در سورهٔ اول از سه شر پناه خواسته می‌شود و در سورهٔ دومی از یک امر پناه خواسته می‌شود؛ یعنی برای بیان خطرِ این یک امر، سه صفت ذکر شد. شنقیطی: ۹/ ۱۸۳.

پرسش: چرا در سورهٔ فلق با یک صفت از سه شر پناه خواسته شده است، اما در سورهٔ ناس با سه صفت از یک شر پناه خواسته شده است؟

۵ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ﴾

اگر سوال شود چرا الله تعالی خودش را به ترتیب: رب، ملک و اله توصیف کرد؟ پاسخ این است که این ترتیب از باب ارتقا به مرتبهٔ بالاتر است؛ زیرا رب گاهی بر بسیاری از مردم اطلاق می‌شود؛ مانند: رب الدار و شبیه آن، پس واژهٔ رب را به سبب اشتراک معنایش ابتدا ذکر کرد. ملک نیز فقط به پادشاهان اطلاق می‌شود و بدون تردید آنان از سایر مردم بالاتر هستند؛ بنابراین ملک پس از رب ذکر شد. اما إله از ملک بالاتر است و به همین دلیل، به پادشاهان، آلهه گفته نمی‌شود؛ إله، واحد و بدون شریک و همتاست؛ بنابراین در پایان ذکر شد. ابن جزی: ۲/ ۶۳۱.

پرسش: چرا الله تعالی در این سوره رب، ملک و اله را به ترتیب مذکور بیان کرد؟

۶ ﴿مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ﴾

وسوسهٔ شیطان در سینهٔ انسان، انواع زیادی دارد؛ از جمله: فاسدکردن ایمان و انداختن شک در عقاید؛ اگر بر این کار توانایی نداشت انسان را بر معاصی امر می‌کند، اگر توان این کار را هم نداشت او را از طاعات بازمی‌دارد، اگر توان این کار را هم نداشت در طاعاتش ریا وارد می‌کند تا آن را باطل گرداند، اگر انسان از این وسوسه هم نجات یافت خودپسندی و افزون‌شمردن عملش را بر او وسوسه می‌کند و از این طریق، آتش حسادت و کینه و دشمنی را در قلب برمی‌افروزد تا این‌که انسان را به بدترین اعمال و ناپسندترین احوال می‌کشاند. ابن جزی: ۲/ ۶۳.

پرسش: شیطان برای وسوسهٔ انسان‌ها چه برنامه‌هایی دارد؟

۷ ﴿مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ﴾

خبر می‌دهد که وسوسه‌کننده گاهی انسان است. حسن می‌گوید: دو شیطان وجود دارد: شیطان جنی در سینه‌های مردم وسوسه می‌اندازد اما شیطان انسی آشکارا می‌آید. قتاده می‌گوید: هم شیاطین جنی وجود دارد و هم شیاطین انسی، از هر دو به الله تعالی پناه ببر. قرطبی: ۲۲/ ۵۸۳.

پرسش: آیا شیاطین انسانی هم وجود دارد؟ انسان مؤمن چه تکلیفی در برابر آن‌ها دارد؟

فهرست ترتیبی سوره‌های مبارکه قرآن کریم

سوره	شماره	صفحه	مکی / مدنی
حشر	۵۹	۵۴۵	مدنی
ممتحنه	۶۰	۵۴۹	مدنی
صف	۶۱	۵۵۱	مدنی
جمعه	۶۲	۵۵۳	مدنی
منافقون	۶۳	۵۵۴	مدنی
تغابن	۶۴	۵۵۶	مدنی
طلاق	۶۵	۵۵۸	مدنی
تحریم	۶۶	۵۶۰	مدنی
ملک	۶۷	۵۶۲	مکی
قلم	۶۸	۵۶۴	مکی
حاقّه	۶۹	۵۶۶	مکی
معارج	۷۰	۵۶۸	مکی
نوح	۷۱	۵۷۰	مکی
جن	۷۲	۵۷۲	مکی
مزّمّل	۷۳	۵۷۴	مکی
مدّثر	۷۴	۵۷۵	مکی
قیامت	۷۵	۵۷۷	مکی
انسان	۷۶	۵۷۸	مدنی
مرسلات	۷۷	۵۸۰	مکی
نبأ	۷۸	۵۸۲	مکی
نازعات	۷۹	۵۸۳	مکی
عبس	۸۰	۵۸۵	مکی
تکویر	۸۱	۵۸۶	مکی
انفطار	۸۲	۵۸۷	مکی
مطفّفین	۸۳	۵۸۷	مکی
انشقاق	۸۴	۵۸۹	مکی
بروج	۸۵	۵۹۰	مکی
طارق	۸۶	۵۹۱	مکی

سوره	شماره	صفحه	مکی / مدنی
اعلی	۸۷	۵۹۱	مکی
غاشیه	۸۸	۵۹۲	مکی
فجر	۸۹	۵۹۳	مکی
بلد	۹۰	۵۹۴	مکی
شمس	۹۱	۵۹۵	مکی
لیل	۹۲	۵۹۵	مکی
ضحی	۹۳	۵۹۶	مکی
شرح	۹۴	۵۹۶	مکی
تین	۹۵	۵۹۷	مکی
علق	۹۶	۵۹۷	مکی
قدر	۹۷	۵۹۸	مکی
بیّنه	۹۸	۵۹۸	مدنی
زلزله	۹۹	۵۹۹	مدنی
عادیات	۱۰۰	۵۹۹	مکی
قارعه	۱۰۱	۶۰۰	مکی
تکاثر	۱۰۲	۶۰۰	مکی
عصر	۱۰۳	۶۰۱	مکی
همزه	۱۰۴	۶۰۱	مکی
فیل	۱۰۵	۶۰۱	مکی
قریش	۱۰۶	۶۰۲	مکی
ماعون	۱۰۷	۶۰۲	مکی
کوثر	۱۰۸	۶۰۲	مکی
کافرون	۱۰۹	۶۰۳	مکی
نصر	۱۱۰	۶۰۳	مدنی
مسد	۱۱۱	۶۰۳	مکی
اخلاص	۱۱۲	۶۰۴	مکی
فلق	۱۱۳	۶۰۴	مکی
ناس	۱۱۴	۶۰۴	مکی

أفلا يتدبرون

القرآن

الله
محمد